



استراتژی پیرامونی اسرائیل

اسرار عملیات مشترک موساد، ساواک،

سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه و اتیوپی

در خاورمیانه و آفریقا

محمدتقی تقی‌پور



موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

تهران، بهار ۱۳۸۳

تقی پور، محمدتقی، ۱۳۳۹ -

استراتژی پیرامونی اسرائیل : اسرار عملیات مشترک موساد، ساواک، سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه و اتیوپی در خاورمیانه و آفریقا / محمدتقی تقی‌پور. - تهران : موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳.
۶۳۰ ص.

(گالینگور)، ۵۰۰۰۰ ریال (شومیز) ۴۰۰۰۰ ریال :

ISBN 964_5645_48_4 :

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه : ص [۶۰۳] - ۶۰۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.

۱. سازمان اطلاعاتی. ۲. سازمان اطلاعاتی اسرائیل. ۳. موساد. ۴. اسرائیل -- روابط خارجی.

الف. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. ب - عنوان

۳۲۷/۱۲

۷ ت ۲ / ج ۱۵۲۵ JF

۸۳ - ۲۱۶۹ م

کتابخانه ملی ایران



موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

استراتژی پیرامونی اسرائیل

محمدتقی تقی‌پور

چاپ اول: بهار ۱۳۸۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۵۶۴۵-۴۸-۴

ISBN: 964 - 5645 - 48 - 4

قیمت (شومیز): ۴۰۰۰ تومان، (گالینگور): ۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق ناشر و مؤلف محفوظ است

تهران: صندوق پستی ۱۱۳۶۵-۷۵۸۸

e-mail : info @ IR - PSRI.COM

فهرست مندرجات

مقدمه	۱۱
سرآغاز	۲۹

موساد و ساواک

پیدایش، ساختار، وظایف و اهداف	۳۵
اهمیت و ضرورت	۳۷
پیدایش موساد	۳۷
اهداف	۴۳
وعدت (کمیتہ سران سرویس‌ها)	۴۳
کارکنان سرویس اطلاعاتی اسرائیل	۴۵
وظایف و مأموریت	۴۵
ساختار	۴۶
پایگاه‌ها و حوزه‌های عملیاتی	۴۷
معیارهای حرفه‌ای	۴۹
آشنایی با رؤسای موساد	۵۱
رویون شیلوا	۵۲

۵۳	ایسر هارل.....
۵۴	مهیر آمیت.....
۵۵	زوی زامیر (ضمیر).....
۵۶	اسحاق هوفی (خوفی).....
۵۷	ناهوم ادمونی.....
۵۷	نخست وزیران اسرائیل.....
۵۷	دیوید بن گوریون.....
۵۸	موشه شارت.....
۵۸	دیوید بن گوریون.....
۵۸	لوی اشکول.....
۵۸	گلدا مایر.....
۵۸	اسحاق رابین.....
۵۹	مناخیم بگین.....
۵۹	مناخیم بگین و اسحاق شامیر.....
۵۹	اسحاق شامیر و شیمون پرز.....
۵۹	اسحاق شامیر.....
۶۰	اسحاق رابین و شیمون پرز.....
۶۰	بنیامین نتانیا هو.....
۶۰	ایهود باراک.....
۶۰	آریل شارون.....
۶۰	رؤسای جمهور اسرائیل.....
۶۰	حییم وایزمن.....
۶۱	اسحاق بن زوی.....
۶۱	زالمان [سلیمان] شازار.....
۶۱	افرائیم کاتزیر.....
۶۱	اسحاق ناوون.....

۶۱		حییم هر تزوگ
۶۲		عزروایزمن
۶۲		موسی قصاب (موشه کاتساف)
۶۳		تأسیس ساواک
۶۶		ساختار تشکیلاتی
۶۷		ارکان ساواک
۶۸		سازمان اطلاعات خارجی (اداره کل دوم و هفتم) ساواک
۷۰		سازمان امنیت داخلی (یا اداره کل سوم) ساواک
۷۱		سازمان ضد جاسوسی (یا اداره کل هشتم) ساواک
۷۳		ادوار تاریخی
۷۴		آشنایی با رؤسای ساواک
۷۴		تیمور بختیار
۷۵		حسن پاکروان
۷۶		نعمت‌اله نصیری
۷۸		ناصر مقدم
۷۹		علی معتضد

پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه

۸۱		اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی
۸۳		موقعیت ایران و ترکیه
۸۷		یهودی‌های ترکیه
۹۳		همکاری اطلاعاتی سه‌جانبه
۹۹		کمیته‌ها، شوراهای و سمینارهای اطلاعاتی سه‌جانبه
۱۱۱		مباحث، دستور کار و شرکت کنندگان در اجلاس‌های سه‌جانبه
۱۴۳		گزارش‌های ساواک در اجلاس سه‌جانبه
۱۶۷		در حاشیه

اجلاس اطلاعاتی سه‌جانبه

۱۷۳	گزارش‌ها و قطعنامه‌ها
۱۷۵	پیشینه‌ها و زمینه‌های تاریخی
۱۷۶	سقوط امپراتوری عثمانی
۱۸۴	توطئه یهود در تلاشی امپراتوری عثمانی
۱۸۹	گزارش‌ها و قطعنامه‌ها
۱۹۰	دوره اول (دهه چهل ش)
۲۳۱	دوره دوم (دهه پنجاه ش)

پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه

۲۸۱	اتیوپی، اسرائیل و ایران شاهنشاهی
-----	----------------------------------

موقعیت، اهمیت و جایگاه اتیوپی

۲۸۳	در استراتژی پیرامونی اسرائیل
۲۸۹	حضور آمریکا زمینه‌ساز نفوذ اسرائیل
۲۸۹	گسترش نفوذ اسرائیل در اتیوپی
۲۹۴	اریتره

همکاری اطلاعاتی

۲۹۹	اتیوپی، اسرائیل و ساواک
-----	-------------------------

عملیات پنهان

۳۴۱	اسرار همکاری موساد، سیا، ساواک و کُردهای عراق
۳۴۳	عملیات پنهان
۳۴۵	سُری‌ترین مسأله خاورمیانه
۳۴۷	پیشمرگه‌ها و ملا مصطفی بارزانی

۳۵۱	ایران حلقه ارتباط.....
۳۵۵	آمریکا آتش افروز اصلی.....
۳۵۹	پیشینه نفوذ و حضور اسرائیلی ها.....
۳۶۵	به کام اسرائیل.....
۳۷۱	عملیات مشترک.....
۳۹۵	تسلیم و تعلیم کردها.....
۴۰۷	پس از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.....

محدوده استراتژیک اسرائیل

۴۲۳	جغرافیای پیرامونی.....
۴۲۹	لبنان.....
۴۳۵	عراق.....
۴۴۵	طرح سلطنت ملک حسین در عراق.....
۴۵۰	قدرت یابی صدام تحت نظارت موساد.....
۴۵۹	مصر.....
۴۶۲	یهودی ها در مصر.....
۴۶۷	جایگاه مصر در استراتژی پیرامونی.....
۴۷۵	واسطه گری محمدرضا پهلوی در سازش مصر و اسرائیل.....
۴۸۷	عربستان.....
۴۹۱	اردن.....
۴۹۷	سوریه.....
۵۰۳	عمان.....
۵۰۵	یمن.....
۵۰۷	لیبی.....
۵۰۹	فلسطینی ها.....
۵۱۵	پاکستان.....

۵۱۹	چین
۵۲۱	سنگاپور

دکترین فرایرامونی موساد در آفریقا

۵۲۷	سابقه و گستره حضور اسرائیلی ها در آفریقا
۵۳۱	اوگاندا
۵۳۲	رویداد تاریخی فرودگاه انته
۵۳۹	جیبوتی
۵۴۷	سومالی
۵۵۱	کنیا
۵۵۳	آمریکای لاتین

ضمائم

۵۵۷	ضمیمه یک
۵۵۷	پروژه گل یا بمب اتم
۵۶۱	ضمیمه دو
۵۶۱	نهضت اسلامی مردم ایران
۵۶۹	ضمیمه سه
۵۶۹	مواضع مشترک شاه ایران و اسرائیل
۵۷۳	ضمیمه چهار
۵۷۳	محمدرضا شاه؛ واسطه و میانجی اسرائیل
۵۷۷	ضمیمه پنج
۵۷۷	اعتراض موساد به قطعنامه ضدنژادپرستی و رأی ایران
۵۷۹	ضمیمه شش
۵۷۹	همکاری اقتصادی و فنی
۵۸۳	ضمیمه هفت

۵۸۳	گزارشی درباره موقعیت نمایندگی اسرائیل در ایران.....
۵۸۹	ضمیمه هشت
۵۸۹	سفر یک گروه اطلاعاتی- نظامی از ایران به اسرائیل
۵۹۱	ضمیمه نه
۵۹۱	معرفی نماینده جدید موساد در تهران
۵۹۳	ضمیمه ده
۵۹۳	نامه رئیس قبلی موساد به رئیس ساواک
۵۹۵	ضمیمه یازده
۵۹۵	نامه نمایندگی ساواک مستقر در اسرائیل
۵۹۷	ضمیمه دوازده
۵۹۷	تشکر موساد از ساواک به دلیل حراست از اداره آژانس یهود
۵۹۹	ضمیمه سیزده
۵۹۹	تشکر و دعای رئیس موساد!
۶۰۱	ضمیمه چهارده
۶۰۱	رایزنی رئیس موساد در تهران
۶۰۳	کتابنامه
۶۱۱	فهرست اعلام (اشخاص)
۶۳۱	نقشه



کتابخانه کانال کتب

کلیک کنید



@pdfsias

مقدمه

کتاب حاضر، دستاورد کوششی مستمر در بازبینی و بازخوانی اسرار تکاپوی اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل در بسیاری از کشورهای حوزه مدیترانه، منطقه خاورمیانه و به بیانی درست‌تر و جامع‌تر، قاره آسیا و آفریقا است.

مباحث مختلف این کتاب، مستند به ده‌ها منبع یهودی-اسرائیلی و غربی است؛ به گونه‌ای که گزارش‌ها، اطلاعات و اعترافات سرجاسوسان صهیونیست و کهنه کاران عرصه‌های اطلاعاتی و سیاسی غرب با محتوای آن پیوند خورده است. مع الوصف، اعتبار، اتقان و ارزش داده‌ها، متکی به اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دوران سلطنت پهلوی، با نام مخفف و مشهور ساواک است، که اساساً این اثر، حول محور آنها نگارش یافته است. اسنادی که با بیش از سی یا چهل سال قدمت، برای اولین بار از پَرس پرده تاریخ بیرون آمده‌اند تا درباره یکی از مسایل بسیار مهم منطقه خاورمیانه و بلکه جهان، با نسل امروز، بی‌پرده و صریح سخن بگویند.

قلمرو جغرافیایی این اثر، منحصر به تعدادی از کشورهای حاشیه یا پیرامون سرزمین فلسطین که امروز در تاریخ‌پردازی غربی و صهیونی، آن را اسرائیل می‌نامند، نیست؛ اما به نظر می‌رسد، عنوان *استراتژی پیرامونی* برای کتاب، به دلیل سابقه ذهنی و آشنایی کارشناسان، صاحبان نظر و بسیاری از مخاطبان با موضوع، قابلیت آن را دارد، اسرار عملیات پنهان و فراپیرامونی صهیونیسم را نیز پوشش دهد.

عصر ما و نسل ما، آگاهی و آشنایی با اسرار ناگفته و پنهان تاریخ معاصر را، مرهون نهضتی به پرچمداری بزرگمردی از سلالهٔ پاکان و صالحان روی زمین است. نهضتی که

پایگاه توطئه جهانی را در این سرزمین برچید و طومار سردمداران جهانی و محلی فتنه را درهم پیچید. به اعتراف برخی کهنه کاران عرصه سیاست، از پیامدهای این نهضت، سقوط کانون موفقیت آمیز سیاست حاشیه‌ای^۱ بود.

این کانون متشکل از چند سرویس جاسوسی و اطلاعاتی با همراهی و هدایت موساد، در خدمت دکترین حاشیه‌ای یا همان استراتژی پیرامونی اسرائیل بود. شاه ایران به دنبال انقلابی مردمی سرنگون شد، و این، بیش از هر چیز ضربه‌ای بود که بر پیکر آمریکا و سپس اسرائیل وارد آمد.^۲ سقوط سلطنت و پیروزی انقلاب، برای جامعه اطلاعاتی صهیونیسم و غرب، بسیار غیرمنتظره، ناگوار و تکان دهنده بود. رئیس سیا در آن دوران، با اشاره به ناتوانی و عجز این سازمان مخوف جاسوسی و اطلاعاتی، در پیش‌بینی سقوط پایگاه غرب و صهیونیسم در ایران، اعتراف کرده است:

«روز ۱۱ نوامبر ۱۹۷۸ [۲۰ آبان ۱۳۵۷] پاکتی از کاخ سفید به اداره مرکزی سیا رسید که روی آن نوشته بود: فقط توسط رئیس سیا گشوده شود. و موقعی که پاکت را باز کردم، یک یادداشت کوتاه از پرزیدنت کارتر در آن دیدم که به خط خودش چنین نوشته بود:

به: سایروس، زیک، استان

من از کیفیت کار سیستم اطلاعات سیاسی خودمان رضایت ندارم. مسائل دویاره بررسی شود و هر چه زودتر راجع به مقدمات و توانایی‌های ما در مهمترین منطقه جهان گزارش بدهید. پس از مشورت بین خودتان نیز روش‌هایی پیدا کنید که بتوانید ضمن افزودن به توانایی خویش، اطلاعات سیاسی و آگاهی‌های لازم را در اختیار من نیز قرار دهید.

جیمی کارتر»

رئیس جمهور گرچه علاوه بر من، در یادداشت خود وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی را هم مخاطب قرار داده بود، ولی واقعیت امر این بود که پرزیدنت کارتر با ارسال چنین یادداشتی می‌خواست تلویحاً به من بفهماند که از گزارش‌ها و تحلیل‌های سیا درباره اوضاع ایران به هیچ وجه رضایت ندارد.

یادداشت پرزیدنت کارتر در حکم ضربه‌ای سخت بود که بر ارکان سیا وارد می‌آمد. [این

۱. یان‌بلک و بنی‌موریس، جنگ‌های نهانی اسرائیل، ترجمه جمشید زنگنه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۲، ص ۴۰۳.

۲. همان منبع.

در حالی بود که [حدود یک هفته قبل از آن، رئیس جمهور ضمن یک گفت‌وگوی خصوصی با من، کارهایم را مورد ستایش قرار داده و گفته بود که میل دارد ریاست سیا تا مدت‌های مدید همچنان در دست من [استانسفیلد ترنر] باشد.^۱

ترنر نه فقط به اطلاعات و تحلیل مأموران و جاسوسان کهنه کار سیا بیش از اندازه اطمینان و تکیه داشت، بلکه پایه قدرت شاه و سلطنت پهلوی را متکی بر ارتش و ساواک ارزیابی کرده بود که هر دو کاملاً مورد حمایت آمریکا و اسرائیل بودند.

آنچه سیا طی پاییز ۱۹۷۸ [۱۳۵۷] در ایران می‌دید فقط شاهی بود که علی‌رغم وجود گروه‌های مخالف، هنوز کنترل کامل او را بر ارتش نیرومند، قوای پلیس و سرویس مخفی اطلاعاتی (ساواک) نمی‌شد مورد تردید قرار داد.^۲

این بود که سقوط نظام شاهنشاهی، طبق اعتراف آگاهان در غرب، سرویس‌های اطلاعاتی غرب و اسرائیل و فراتر از همه آنها، سرویس اطلاعاتی صهیونیسم جهانی را دچار شوک و پریشانی بی‌اندازه^۳ نمود.

ناتوانی و ضعف سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی صهیونیسم و غرب، در درک و تشخیص پیروزی قریب‌الوقوع انقلاب اسلامی و سقوط سلطنت تا آن اندازه بود که حدود چند ماه قبل از این رویداد بزرگ تاریخی، ده‌ها فروند جنگنده اف ۱۴ به ایران تحویل داده بودند. به نوشته آری بن‌منشه نویسنده یهودی در این باره: اسرائیل سریعاً با فرمانده نیروی هوایی ایران وارد همکاری شده، او را در قاجاق ۴۸ فروند هواپیمای اف-۱۴ به پایگاهی در شمال [صحرای] سینا یاری کرد. این هواپیماها بعداً به تایوان فروخته شد... دولت کارتر که از حوادث جاری در ایران بی‌اطلاعات بود این هواپیماها را در سپتامبر ۱۹۷۸ [بین شهریور و مهر ۱۳۵۷] به شاه ایران اهداء کرده بود.^۴

۱. استانسفیلد ترنر [رئیس سازمان سیا در زمان ریاست جمهوری کارتر] پنهانکاری و دموکراسی، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات، چاپ چهارم، ۱۳۷۰، ص ۱۷۸.

۲. همان، منبع، ص ۱۸۲.

۳. یان بِلک و بنی موریس، ص ۴۰۷.

۴. آری بن‌منشه، راوی: انیس منصور، مترجم محمد حسین زوارکعبه، نشریه مصری الاهرام، ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳، شماره ۳۸۹۰۸.

یادآوری این نکته ضرور است که به فاصله خروج شاه از ایران در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ و بازگشت امام خمینی از پاریس به تهران، در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، یعنی در خلال این مدت ۱۶ روزه، صهیونیست‌ها دست به این اقدام و عملیات زدند.

این اقدام اسرائیل، آن هم در آستانه پیروزی انقلاب، از عمق نفوذ و حضور صهیونیست‌ها در دستگاه حکومتی، اعم از کشوری و لشکری حکایت می‌کند.^۱ بی‌تردید، مهمترین بخش حضور و نفوذ اسرائیلی‌ها در ایران عصر پهلوی، عملیات اطلاعاتی و جاسوسی موساد در این سرزمین بود که با همکاری و همپیمانی تشکیلاتی ساواک اجرا و انجام می‌شد.

به گواهی اسناد، مدارک و منابع موجود از آن دوران، پیمان همکاری اطلاعاتی و جاسوسی موساد و ساواک نه تنها دستاورد قابل قبولی برای ایران آن عصر نداشت،^۲ بلکه مغایر با منافع ملی کشور بود. از سوی دیگر، این همکاری سازمانی، برای طرف اسرائیلی، کاملاً با معنی، هدفمند و استراتژیک بود. مع الوصف یک سلسله عوامل داخلی و نیز خارجی، سیستم سلطنتی حاکم بر ایران را موظف و متعهد به این همکاری می‌نمود که نفوذ یهودی‌ها و صهیونیست‌ها در ارکان حکومتی ایران و وابستگی دستگاه سلطنت به غرب، به ویژه ایالات متحده آمریکا، از آن جمله به حساب می‌آید.

از دیدگاه اسرائیلی‌ها، پیمان اطلاعاتی دو جانبه موساد و ساواک موسوم به طرح کریستال برای تأمین اهداف از پیش تعیین شده صهیونیستی در منطقه، کافی و قانع کننده نبود؛ لذا، برای تکمیل و تحکیم حلقه‌ها و افزایش کمربند اطلاعاتی مورد نظر در منطقه، پیمان اطلاعاتی سه جانبه، متشکل از موساد، ساواک و سرویس اطلاعاتی ترکیه را نیز به آن اضافه کردند.

بر اساس گزارش طبقه‌بندی شده سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، و در رأس آنها سیا، درباره اهداف و ماهیت پیمان اطلاعاتی سه جانبه؛ اسرائیل طی سال‌ها کوشید، حلقه محاصره اعراب را از طریق ایجاد ارتباط با کشورهای غیر عرب مسلمان در خاور میانه، بشکند. در اواخر سال ۱۹۵۸ [۱۳۳۷] یک سازمان اطلاعاتی رسمی سه جانبه، شامل موساد، سرویس امنیت ملی ترکیه (TNSS) و سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک) تشکیل شد که آن را

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ابعاد، عوامل و زمینه‌های حضور و نفوذ یهودی‌ها و صهیونیست‌ها در ایران و گستره آن؛ مراجعه شود به: سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول ۱۳۷۹.

۲. درباره پیمان همکاری ساواک و موساد و نتایج آن برای طرفین، مراجعه شود به: عبدالرحمن احمدی، ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول ۱۳۸۱.

نیزه سه سر^۱ نامیدند.

بر اساس توافقات، این سازمان چیزی علاوه بر روابط دوجانبه [موساد] با هریک از این سرویس‌ها بود. تشکیلات نیزه سه سر علاوه بر تداوم مبادلات اطلاعاتی، جلساتی نیز هر نیم سال، در سطح رؤسای سرویس‌ها داشت.

مبانی کلی اصل توافق با ترک‌ها، علاوه بر تصویب قانونی روابط اطلاعاتی بین اسرائیل و ترکیه، تأکید نموده که موساد، اطلاعاتی از فعالیت‌های عمال شوروی در ترکیه، و کسانی که علیه آن کشور در سراسر خاورمیانه عمل می‌کنند را در اختیار سرویس ترکیه قرار دهد. در مقابل، ترک‌ها موافقت نمودند که هر گونه اطلاعاتی از مقاصد سیاسی کشورهای عربی را که بر امنیت اسرائیل تأثیر دارد و نیز فعالیت‌ها و مشخصات عمال مصری علیه اسرائیل را در اختیار اسرائیلی‌ها قرار دهند. همچنین اسرائیل تعلیمات تکنیکی و ضدجاسوسی سرویس اطلاعاتی ترکیه را به عهده گرفت. هدف اصلی روابط اسرائیل با ایران، ایجاد و توسعه سیاست‌های ضد عربی و موافق اسرائیل، در تصمیمات مقامات ایرانی بود. از اواخر ۱۹۵۰ به بعد، در طی سال‌ها، موساد در عملیات مشترک با ساواک همکاری داشته است. موساد با همکاری ساواک کُردهای عراق را [علیه دولت مرکزی بغداد] حمایت کرده است. اسرائیل مرتباً گزارش‌هایی درباره فعالیت‌های مصر و کشورهای عربی، تحولات و حوادث عراق و فعالیت‌های کمونیست‌ها که اثراتی بر ایران داشت، به ساواک منتقل کرده است.^۲

از نظر صهیونیست‌ها، پیمان اطلاعاتی سه جانبه مزبور نیز تمامی اهداف اسرائیل را تأمین نمی‌کرد؛ لذا در کنار آنها، سازمان مشترک اطلاعاتی دیگری، متشکل از موساد، ساواک و سرویس اطلاعاتی اتیوپی تشکیل دادند که نام رمز آن عقاب بود. هر یک از این پیمان‌ها، دارای آئین‌نامه‌های داخلی و شرح وظایف جداگانه بودند، و حوزه‌های عملیاتی معین در جغرافیای پیرامون خود داشتند.

نکته اساسی قابل اشاره در این باره، پرسش پیرامون دستاورد پیمان‌های اطلاعاتی چند جانبه و عملکرد سرویس‌های اطلاعاتی مزبور از یک سو و انگیزه و اهداف طرف اسرائیلی، از سوی دیگر است. به بیان دیگر، موساد از طریق پیمان‌های اطلاعاتی مورد اشاره، چه هدفی

1. Trident

۲. اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۱، دانشجویان پیرو خط امام، صص ۶۱-۶۲.

را تعقیب می‌کرد؟

رهبران و تئوریسین‌های صهیونیست، از دهه‌های اول قرن نوزده تا پایان نیمه اول قرن بیستم (تا سال ۱۹۴۸م/ ۱۳۲۷ش) یعنی قبل از اعلام تأسیس اسرائیل در سرزمین فلسطین، *استراتژی اسکان را راهبرد نهایی صهیونیسم و یهود قلمداد و در سایه آن حرکت می‌کردند.*

اساس ادعاها و شعارهای صهیونیستی در آن دوران، این بود که هیچ کجای جهان برای یهود امن نیست و یهودی‌ها در همه نقاط دنیا تحت آزار و اذیت قرار دارند. بر مبنای این فرضیه، اسکان یهودی‌ها در سرزمینی واحد و استقرار دولت یهودی در آن، تنها راه نجات یهود و حل مسأله آنتی سمیتیسم یا یهودآزاری و یهودستیزی در جهان بود. برای اثبات این فرضیه، اقداماتی مشکوک و رمزآلود، در عرصه جهانی، حتی علیه یهود انجام گرفت. اما استراتژی اسکان تحقق نیافت؛ زیرا افکار عمومی همراهی چندانی نشان نداد و عامه یهود نیز به دلیل موقعیت مطلوب و مناسب در بسیاری از نقاط جهان، از جمله اروپا و آمریکا، تمایل و رغبت کافی و لازم به سمت این استراتژی نداشت.^۱

در آن برهه تاریخی، تاکتیک و شگرد استراتژیست‌های صهیونی بر این فرضیه استوار بود که با دمیدن بر تنور یهودستیزی، آن را روشن و شعله‌ور نگه دارند. جنگ جهانی دوم وسیله بسیار مطلوب و مؤثری برای این مقصود بود. در این جنگ، زمینه و شرایط مورد نظر فراهم شد. افسانه کشتار شش میلیون یهودی یا هولوکاست^۲، به عنوان یک واقعیت در اذهان عموم جا داده شد. وجدان عمومی در جهان غرب بر آرامگاه بی جسد منتسب به یهود مویه کرد و لزوم اسکان بازماندگان(!) در یک سرزمین را پذیرفت و با مسأله آنها همراهی و همدردی کرد. بسیاری از عوام یهود این افسانه را باور کردند و چاره را در گریز و رفتن به سرزمین موعود صهیونیسم دیدند.

به این ترتیب در ماه مه سال ۱۹۴۸م/ اردیبهشت ۱۳۲۷ش، استراتژی ایجاد و استقرار دولت یهود در فلسطین تحقق یافت و اسرائیل به بهای کشتار و آوارگی بیش از یک میلیون

۱. درباره ماهیت و ماجرای پس پرده آنتی سمیتیسم یا یهودآزاری، مراجعه شود به: علیرضا سلطانشاهی، واقعیت یهودستیزی، پژوه صهیونیست (کتاب دوم) مرکز مطالعات فلسطین، چاپ اول ۱۳۸۱، صص ۱۳۱ تا ۲۲۹.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره افسانه قتل عام یهود یا هولوکاست در جنگ جهانی دوم، ماهیت و مسایل پشت پرده آن، مراجعه شود به: روبر فورسون، اتاق‌های گاز (در جنگ جهانی دوم) واقعیت یا افسانه؟ ترجمه دکتر ابوالفرید ضیاءالدینی، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاءاندیشه، چاپ اول ۱۳۸۱. نیز، زین‌العابدین صدیق (ابومحی الدین)، افسانه قتل عام یهود در جنگ جهانی دوم، نشر هلال، چاپ اول ۱۳۷۲.

فلسطینی و انهدام بیش از پانصد شهر و آبادی صاحبان و ساکنان آن، در سرزمین فلسطین، اعلام موجودیت کرد.

استراتژیست‌های صهیونی و پایه‌گذاران اسرائیل، فرضیه آنتی‌سمیتیسم را حربه‌ای کنار و مؤثر یافتند. آنها بلافاصله اعلام کردند که در محاصره دریای اعراب و مسلمانان قرار گرفته‌اند و موجودیت آنها در معرض تهدید و خطر است.

تأمین امنیت جامعه یهودی در فلسطین، توجیه و پوشش مناسب برای شعار دفاع از امنیت بود. افسانه هولوکاست هنوز در اذهان زنده بود و آنها هر تجاوز و تهاجمی به سرزمین‌ها و کشورهای اطراف را به بهانه دفاع از امنیت خود و عدم وقوع هولوکاست دیگر، مجاز می‌شمردند و حتی جامعه جهانی را نیز توجیه و با خود همراه می‌ساختند.

به گفته یک نویسنده جهان عرب: استراتژی اسرائیل در آغاز تنها یک سلسله آرزوهای نهفته در نفوس یهود بود که از حالات درونی و شرایط زندگی آنها [...] حکایت می‌کرد؛ اما به آرامی مبدل به یک عقیده شد و سپس صورت استراتژی و تاکتیک را به خود گرفت. سؤالی که در این راستا مطرح می‌شود این است که آیا استراتژی اسرائیل به همان صورتی که در کنفرانس بال^۱ بود، باقی مانده و یا آنکه به منظور انطباق با شرایط جدید، تغییر و تحولاتی در آن صورت پذیرفته است؟ در پاسخ باید گفت که استراتژی اسرائیل هیچگونه تغییر نپذیرفته و کماکان در پی ایجاد دولت اسرائیل در سرزمین تاریخی مورد ادعای رهبران آن، از نیل تا فرات و سپس سیادت کامل بر تمام جهان است. اهداف این استراتژی در توسعه طلبی، تسلط و سیطره، گسترش نفوذ و تحقق آمال اسرائیلی‌ها خلاصه می‌شود.^۲

رهبران صهیونیست در مسیر پیشبرد این استراتژی، همواره چند اصل را مد نظر داشته و در دستور کار خود قرار داده‌اند:

- ۱- اصل غافلگیری ۲- اصل انتقال جنگ به داخل سرزمین دشمن ۳- اصل ابتکار عمل.
- به نوشته دکتر غازی اسماعیل ربابعه استاد بخش علوم سیاسی دانشگاه اردن، اصل غافلگیری در بیشتر جنگ‌ها، سهم عمده‌ای در استراتژی اسرائیل داشته و در همه درگیری‌ها

۱. اولین کنگره جهانی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷م، در شهر بال سوئیس، به ریاست تئودور هرتزل برگزار شد. در این کنگره سازمان جهانی صهیونیسم پایه‌گذاری و اهداف و استراتژی صهیونیسم تبیین و تصویب گردید.

۲. دکتر غازی اسماعیل ربابعه، استراتژی اسرائیل، ترجمه محمد رضا فاطمی، نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۶۸، صص ۲۱۶-۲۱۷.

از این اصل استفاده شده است. اسرائیل با شروع هر جنگ، آن را به داخل خاک دشمن منتقل کرده است. دلیل اصلی این اقدام، عدم وجود عمق کافی در سرزمین [فلسطین] اسرائیل است. شعار اسرائیل در اصل ابتکار عمل این است که اولین ضربه را تو وارد کن تا کمترین خسارت متوجه تو شود.^۱

بر اساس تئوری صهیونیستی، امنیت دولت و جامعه اسرائیلی در فلسطین، ایجاب می‌کند و اجازه می‌دهد که اسرائیلی‌ها به هر اقدام بازدارنده ولو در سرزمین دشمن، دست بزنند. این امنیت، داشتن هر گونه سلاح و تجهیزات جنگی را، حتی اگر غیرمتعارف باشد برای جامعه اسرائیلی مجاز می‌شمرد. از سوی دیگر، برعکس، به خاطر امنیت جامعه اسرائیلی، کشورهای پیرامونی به داشتن تجهیزات و امکانات پیشرفته که موجب افزایش قدرت آنها شود، مجاز نیستند.

این فرضیه، بر قوم‌گرایی، توسعه‌طلبی و برتری‌جویی، یعنی، عصاره تعالیم و آموزه‌های صهیونی استوار است که رهبران و سران اولیه اسرائیل از آن به عنوان، *دکترین حاشیه‌ای*، یا *استراتژی پیرامونی* یاد کرده‌اند. یعنی مجاز بودن هر گونه دست‌اندازی نظامی، سیاسی و اطلاعاتی در داخل کشورها و سرزمین‌های همجوار فلسطین از سوی جامعه اسرائیلی، برای دفاع و حراست از موجودیت آن. صهیونیست‌ها به اقتضای منافع خود، قلمرو کشورهای پیرامونی را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که ممکن است، نه یک یا چند کشور، بلکه یک قاره را نیز دربرگیرد.

در سال ۱۹۵۶م/ ۱۳۳۵ش، اسرائیل با همکاری مشترک و رسمی فرانسه و انگلستان، تهاجم نظامی گسترده‌ای از زمین، دریا و هوا علیه مصر آغاز کرد. آنها ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت آن کشور و تأمین امنیت و منافع اقتصادی اسرائیل را بهانه‌ای برای انهدام تأسیسات اقتصادی، نظامی و مراکز و مؤسسات استراتژیک مصر اعلام کردند.

در سال ۱۹۶۷م/ ۱۳۴۶ش، بهانه‌های مشابه اسرائیل، موجب تهاجم نظامی علیه مصر و سوریه شد. رژیم صهیونیستی فرضیه دفاع از امنیت اسرائیل را، توجیه مناسبی برای اشغال کرانه غربی رود اردن، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی‌های جولان (متعلق به سوریه)،

ارزیابی کرد و این شعار صهیونیستی در جامعه اسرائیل سر داده شد که برای دفاع از خود، جنگ را به خانه دشمن ببر و اولین ضربه را تو وارد کن.

اسرائیل با همین انگیزه و استراتژی، اما با شعار پوششی امنیت الجلیل، در سال ۱۹۸۲م/ ۱۳۶۱ش، تهاجم وحشیانه‌ای را به لبنان آغاز و تا دروازه‌های شهر بیروت پیشروی کرد. در این تجاوز سفاکانه، هزاران لبنانی و فلسطینی به خاک و خون کشیده شدند که کشتار معروف صبرا و شتیلا هنوز در اذهان جهانیان زنده است.

طبق اعتراف لنی برنر یهودی؛ در این مسأله تردیدی نیست که وقوع حادثه ترور شلومو آگروف^۱ سفیر اسرائیل در لندن (در روز سوم ژوئن ۱۹۸۲) صرفاً دستاویزی برای اسرائیل بود تا به بهانه سرکوب اعضای ساف نقشه خود را در حمله به لبنان جامعه عمل ببوشاند. در حالی که بعداً معلوم شد- بر خلاف اظهار نظر دولت بگین^۲، ترور سفیر اسرائیل را اعضای ساف انجام نداده بودند [...].

دیوید شپیلر (خبرنگار نیویورک تایمز در اسرائیل) بعد از واقعه [تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان و] قتل عام بیروت طی مقاله‌ای نوشت:

«... اسرائیلی‌ها طرح اولیه حمله به لبنان را در بهار سال ۱۹۸۱ و با این انگیزه آماده کرده بودند که: با تقویت موضع گروه‌های دست راستی [مسیحیان مارونی و فالانژیست‌ها] طرفدار اسرائیل در لبنان، جلوی شکست قریب‌الوقوع آنها را بگیرند... ولی چون بعداً در ماه ژوئیه ۱۹۸۱

۱. در این تاریخ Shlomo Agrov بر اثر انفجار بمب که در سفارت اسرائیل در لندن کار گذاشته شده بود، مجروح شد.
 ۲. مناخیم بگین در سال ۱۹۱۳ در برست‌لیتوفسک لهستان که امروز در جمهوری روسیه سفید (بیلوروسی) قرار دارد، متولد شد. در سال ۱۹۲۹ به جنبش یهودی بیتار پیوست و در سال ۱۹۳۹ به سمت معاون عملیاتی این جنبش در لهستان انتخاب شد و در همان سال با یکی از دختران یهودی عضو بیتار به نام الیزا آرنولد ازدواج کرد.
 بگین در سال ۱۹۴۲ به فلسطین وارد شد و به سازمان تروریستی هاگانا پیوست. او در سال ۱۹۴۳ رهبری هاگانا و به قولی دیگر، در سال ۱۹۴۴ فرماندهی ایرگون را به عهده گرفت. وی در کشتار معروف دهکده دیر یاسین در سال ۱۹۴۸ که با همکاری دو گروه تروریستی ایرگون و هاگانا انجام گرفت، فرمانده ایرگون بود، همان گونه که در زمان تهاجم نظامی اسرائیل به لبنان، در قتل عام اردوگاه فلسطینی صبرا و شتیلا در سال ۱۹۸۲ به عنوان نخست‌وزیر نقش اصلی را به عهده داشت.

بگین طی سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۸۴ به عنوان نماینده در کینست (پارلمان اسرائیل) حضور داشت و در سال ۱۹۶۷ عضو دولت ائتلافی لوی اشکول بود. او در سال ۱۹۷۷ به عنوان نخست‌وزیر برگزیده شد و تا سال ۱۹۸۳ در این سمت باقی بود. در سال ۱۹۷۸ توافقنامه کمپ دیوید را که به وساطت جیمی کارتر بین مصر و اسرائیل منعقد شده بود، امضا و در سال ۱۹۷۹ جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. بگین در سال ۱۹۸۳ از سمت نخست‌وزیری استعفا داد و چندی بعد دچار بیماری روانی شد و در همان حال، در سال ۱۹۹۳ مُرد.

آمریکایی‌ها توانستند ساف را وادار به پذیرش آتش‌بس کنند، قاعدتاً اسرائیلی‌ها نیز می‌بایست دیگر بهانه‌ای برای حمله به لبنان نداشته باشند و طرح خود را کنار بگذارند. لیکن ژنرال شارون برای اجرای طرح پافشاری کرد، و به خصوص طی گفت‌وگوهای مکرر با دیپلمات‌های خارجی - بویژه آمریکایی‌ها - بر این نکته تأکید داشت که: لازم است اسرائیل حتماً قبل از انتخاب رئیس‌جمهور لبنان در ماه سپتامبر ۱۹۸۲، به لبنان حمله کند.^۱

بنابراین، جنایت وحشتناکی را که رژیم صهیونیستی علیه مردم بی‌دفاع لبنان، به خصوص فلسطینی‌ها و در اردوگاه صبرا و شتیلا در سال ۱۹۸۲/م ۱۳۶۱ش، مرتکب شد، صرفاً در راستای استراتژی پیرامونی اسرائیل و با هدف استقرار حاکمیت یک دولت و سیستم دست‌نشانده اسرائیلی در سرزمین لبنان بود.^۲

به اعتراف شیمون شیفر کارشناس مشهور اسرائیلی و مفسر رادیو اسرائیل؛ سفر مخفیانه شارون به لبنان در روز ۱۲ ژانویه سال ۱۹۸۲ و ملاقات محرمانه او با خانواده جمیل (پیر و بشیر) و برخی دیگر از رهبران مارونی لبنان و زمینه‌سازی رژیم صهیونیستی برای لشکرکشی به آن سرزمین با هدف استقرار یک حاکمیت مارونی طرفدار و همپیمان اسرائیل در آن کشور، سرانجام در ماه ژوئن ۱۹۸۲ به ثمر نشست و ارتش اسرائیل با همکاری نیروهای فالانژیست لبنان تا دیوارهای بیروت در مرکز لبنان پیشروی کرد و جنایات وحشتناکی را در آن سرزمین مرتکب شد، که کشتار بی‌رحمانه هزاران فلسطینی بی‌گناه در اردوگاه صبرا و شتیلا تنها یک نمونه از آن است. اما نکته قابل توجه در این باره اهداف اسرائیل بود که حتی برای جامعه داخلی صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی نیز کتمان می‌شد. این عملیات که نام رمز اصلی آن اورانیوم بود به دستور مناخیم بگین نخست‌وزیر وقت اسرائیل به امنیت الجلیل تغییر پیدا کرد.

سربازان ارتش اسرائیل در جریان محاصره بیروت غربی از شخص *رافائل ایتان* رئیس ستاد مشترک ارتش، تفسیر دیگری از حقایق و ماجرای پشت پرده جنگ لبنان شنیدند. *رافائل ایتان* یکی از ابعاد واقعی جنگ امنیت الجلیل را برای سربازان خود فاش کرد و گفت ما برای

۱. لنی برنر، مشت آهنین، ترجمه دکتر حسین ابوترایان، مؤسسه انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۷۴، صص ۲۸۵-۲۸۶.

۲. در این باره همچنین مراجعه شود به: جرج بال، خطا و خیانت در لبنان، ترجمه دکتر حسین ابوترایان، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۵.

ارض اسرائیل نبرد می‌کنیم.^۱ یعنی مادر تعقیب استراتژی اسرائیل بزرگ هستیم. اندیشه‌پردازان اسرائیلی، مجهز کردن اسرائیل به سلاح‌های اتمی را سیاستی مبتنی بر قدرت بازدارندگی و تأمین امنیت در چارچوب و مسیر استراتژی پیرامونی صهیونیسم در منطقه ارزیابی و تفسیر کرده‌اند.

تصمیم اسرائیل (یعنی تصمیم بن‌گوریون) دایر بر ساختن راکتور هسته‌ای در دیمونا در صحرای نقب و پذیرش کمک فرانسویان برای انجام این کار نقطه عطف مهمی در تاریخ برنامه‌های هسته‌ای اسرائیل بود. در پی تأسیس کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل، در سال ۱۹۵۲ آمریکا به اسرائیل کمک کرده بود تا یک راکتور کوچک ۵۰۰۰ کیلوواتی در نحل سورق در نزدیکی مدیترانه بسازد. پروژه سورق بخشی از برنامه اتم برای صلح دولت آیزنهاور بود.^۲ یک سال پس از تأسیس اسرائیل مقدمات انجام برنامه‌های هسته‌ای فراهم شد [...] در سال ۱۹۴۹ در مؤسسه وایزمن در تل‌آویو، بخش تحقیقات ایزوتوپی دایر شد.

به یاری یهودیانی که در اروپا و آمریکا تحصیل کرده بودند و کمک‌های مالی یهودیان آن دو قاره، شالوده برنامه هسته‌ای اسرائیل ریخته شد [...] در سال ۱۹۴۹ بن‌گوریون^۳ [نخست‌وزیر] و وزارت دفاع اسرائیل از فرانسه تقاضای کمک کردند. فرانسه تقاضای اسرائیل را پذیرفت.^۴

به نوشته آنرکهن یهودی؛ تنها راه حل مشکل امنیت اسرائیل برخورداری از یک نیروی

۱. ن. ک. شیمون شیفر، توپ برفی، ترجمه محمود شمس، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۶۸.
۲. استیون گرین، جانب‌داری (روابط سزی آمریکا و اسرائیل) ترجمه سهیل روحانی، چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱۷۸.
۳. دیوید بن‌گوریون با نام اصلی دیوید گروئن، در سال ۱۸۸۶ م، در شهر روسی پلانک «Plonsk» نزدیک ورشو، که اکنون بخشی از لهستان است متولد و در سال ۱۹۰۶ وارد فلسطین شد.
- بن‌گوریون یکی از بنیانگذاران «پوالای صهیون» Poalei Zion، یعنی حزب سوسیال دمکرات یهود یا «کارگران صهیون» بود. نخستین برنامه این حزب، انعکاس صهیونیستی از مانیفست کمونیست بود. نامبرده یک ماتریالیست متعصب بود؛ اما صهیونیسم را به عنوان مذهب خود پذیرفته بود. او با تأسیس گردان ویژه یهود، در جنگ جهانی اول در کنار متفقین در این جنگ شرکت کرد. طی سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۵ دبیر کل هیستادروت (اتحادیه کارگران یهود) و نیز از مؤسسين شاخص حزب چپگرای مابام بود. از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۸ رهبری و ریاست هیأت اجوایی آژانس یهود را به عهده داشت. بن‌گوریون پس از تأسیس اسرائیل، اولین نخست‌وزیر و وزیر دفاع این رژیم بود. در سال ۱۹۵۳ از تمام سمت‌های خود استعفا داد و در کیبوتص (مزرعه اشتراکی) «سده پوکر» در نقب اقامت گزید. در سال ۱۹۵۵ مجدداً به سمت وزیر دفاع و سپس نخست‌وزیر منصوب و اسرائیل را در جنگ سوئز در سال ۱۹۵۶ رهبری کرد. در سال ۱۹۶۳ مجدداً استعفای خود را اعلام کرد و به کیبوتص مذکور بازگشت. دیوید بن‌گوریون در سال ۱۹۷۳ درگذشت.
۴. همان منبع، صص ۱۷۵-۱۷۶.

بازدارنده قوی بود. از اواسط دهه ۱۹۵۰، بن‌گوریون این هدف خود را از دو طریق دنبال کرد. اول، از طریق اتحاد با یک یا چند قدرت غربی، که رسماً تمامیت ارضی اسرائیل را تضمین کنند؛ دوم، از راه تعیین یک گزینه هسته‌ای- تسلیحاتی. بن‌گوریون در مورد اینکه اسرائیل به سلاح‌های کشتار جمعی نیاز دارد تردیدی نداشت. ... از آنجا که بقای اسرائیل در معرض خطر بود، او نمی‌توانست از توسعه این‌گونه قابلیت‌ها صرف نظر کند.

بن‌گوریون تأکید می‌کرد که اسرائیل باید امنیت خود را بر اساس علم و تکنولوژی، تنها عرصه‌هایی که در آنها اسرائیل می‌تواند به دشمنان عمدتاً عرب خود، برتری قابل توجهی داشته باشد، بنا کند.

شرایط ژئوپولیتیکی اسرائیل، اساس بدینی استراتژیکی بن‌گوریون را تشکیل می‌داد.^۱ بعضی نویسندگان غربی معتقدند استراتژی پیرامونی اسرائیل بر ارکان نظامی، اطلاعاتی و دیپلماسی استوار بوده است:

بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۶ اسرائیل توانایی‌های نظامی خود را به‌طور اساسی افزایش داد و حتی دکترین میلیتاریزه کردن نیروهای مسلح خود را طبق پیشرفته‌ترین سلاح‌های موجود در جهان مورد بررسی قرار داد.^۲

اسرائیل همچنین ناچار شد تا سیستم دفاع منطقه‌ای خود را توسعه دهد و در این رابطه متکی به کلنی‌هایی گردد که همگی مسلح بوده و حتی توانایی استراتژیک و نظامی آنان به گونه‌ای باشد که قادر به تعرض و نفوذ در مناطق همجوار و عملیات ایذایی شوند. رسیدن به اهداف فوق مستلزم هزینه‌های نظامی بسیار گزاف و اولویت دادن به بودجه نظامی بود. از طرفی اسرائیل ناچار بود در میان کشورهای کوچک و در حال توسعه که دارای حق رأی در سازمان ملل بودند، دوستانی پیدا کند تا با توجه به سیاست‌های نظامی‌گراانه خود در عرصه بین‌المللی منزوی نشود. البته آشکار بود که اگر اسرائیل فقط بر استراتژی دفاعی خود تکیه کند، در آن صورت خود را پیوسته آماج حملات اعراب قرار خواهد داد. اسرائیل می‌بایستی

۱. آونرکوهن، اسرائیل و سلاح‌های هسته‌ای، ترجمه رضا سعید محمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۴ و ۱۵.

۲. ریچی‌اون‌دیل، ریشه‌های جنگ‌های اعراب و اسرائیل، ترجمه ارسطو آذری، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۲۹۶.

همیشه ابتکار عمل را در هر حالتی در دست داشته باشد.^۱

ساموئل کاتز یهودی افسر سابق واحد اطلاعات نظامی و از مأموران اطلاعاتی کهنه کار اسرائیل، در کتاب جاسوسان خط آتش که در نوشتن آن از پشتیبانی اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نیز برخوردار بوده، ماهیت استراتژی پیرامونی را چنین کالبدشکافی و ارزیابی کرده است:

سال‌ها بود اسرائیل برای رویارویی با یک جنگ تمام عیار با همه ملت‌های عرب - از مراکش در غرب تا عربستان سعودی و عراق در شرق - آماده می‌شد. برای کسب توانایی جهت ایستادگی در این جنگ، اسرائیل استراتژی خاصی پدید آورده بود که می‌شد آن را دفاع از پیرامون نامید. بر اساس این استراتژی، اسرائیل با دولت‌ها و ملت‌های غیرعرب و غیرمسلمان در خاورمیانه اتحادهایی پدید می‌آورد.^۲

شیمون پرز نخست‌وزیر اسبق و یکی از سران و رهبران اسرائیل در تفسیر و توجیه استراتژی رژیم صهیونیستی می‌نویسد:

«در طول نیم قرن، رهبران اسرائیل پیوسته در نگرانی از یک تهاجم قریب‌الوقوع به سر برده‌اند.»^۳

پرز با این مقدمه چنین نتیجه می‌گیرد که، اسرائیل نیازمند عمق استراتژیک است.^۴ آبا ایان، این شخصیت سیاسی و تئورسین قدیمی صهیونیست، علی‌رغم توجیهات سیاسی و تبلیغاتی مبتنی بر تأمین امنیت اسرائیل، درباره انگیزه و هدف جنگ ۱۹۵۶ و تجاوز به مصر، چنین اعتراف می‌کند:

«سرسختی و پایداری اسرائیل زیاده‌تر از دیگران، بیشتر برای تأمین امنیت و آسایش خاطر از جانب صحرای سینا و غزه و نیز به دست آوردن پلی برای دسترسی به دریای مشرق و آزادی کشتی‌رانی می‌بود.»^۵

با این همه، راهبرد نهایی را آبا ایان چنین تبیین می‌کند:

۱. همان منبع، ص ۲۹۷.

۲. ساموئل کاتز، جاسوسان خط آتش، ترجمه محسن اشرفی، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۳۳۳.

۳. شیمون پرز، خاورمیانه جدید، مترجم عربی: محمود حلمی عبدالحافظ، ترجمه فارسی عدنان قارونی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی آسیا، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۲۲.

۴. همان منبع، ص ۲۲۹.

۵. آبا ایان، قوم من، ترجمه نعمت‌اله شکیب اصفهانی، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۱، ص ۶۹۸.

«اسرائیل خود را قسمتی از دنیای مدیترانه‌ای با احساس روحیه یهودی‌های مغرب زمین می‌داند و در اصل اسرائیل همان اسرائیل قدیمی باقی خواهد ماند و لاغیر. [...] در این حقیقت شک و تردید نیست که این منطقه به‌طور مطلق متعلق به قوم یهود می‌باشد.»^۱

تئوری پردازان صهیونیست و بنیانگذاران اسرائیل، در تبیین مبانی تئوریک و نظری استراتژی رژیم صهیونیستی، همواره به تعالیم و آموزه‌های صهیونی برگرفته از عهد عتیق متوسل شده‌اند.^۲

دیوید بن‌گوریون اولین نخست‌وزیر اسرائیل گفته بود:
وجود اسرائیل برای همه یهودیان جهان حیاتی است.^۳
به نوشته اسرائیل شاهاک:

«توجیهات سیاست اسرائیل را عموماً به اصول ایمان یهودی ارجاع می‌دهند. یا در مورد لایک‌ها به حقوق تاریخی. در سال ۱۹۵۶، برای آغاز جنگ سوئز، بن‌گوریون این آدم بی‌خدا و سربلند از بی‌تفاوتی خویش نسبت به فرامین مذهب یهود، در روز سوم کشمکش [جنگ] در برابر کینست [پارلمان اسرائیل] اعلام کرد که دلیل راستین، هدف راستین این است که سلطنت داود و سلیمان در مرزهای توراتی آن از نو مستقر گردد. با این سخنان اعضای کینست، تقریباً همگی، به صورت خودجوش به پا خاستند و سرود ملی اسرائیل را سر دادند.»^۴

یک مقام بلندپایه اسرائیلی نیز اضافه کرده است: خداوند شش میلیون یهودی را در آمریکا ساکن ساخته است. ما حق داریم که از تأثیر و نفوذ آنها در آمریکا بهره‌بریم تا به بقا و رشد خود کمک کنیم.^۵ چرا که به گفته موشه شاروت^۶ در کنگره جهانی یهود؛ اسرائیل ملک

۱. همان منبع، ص ۲۹۳.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره؛ ن. ک: گیدئون آران، بنیادگرایی صهیونیستی یهود، ترجمه احمد تدین، نشر هرمس، چاپ اول ۱۳۷۸.

۳. الفرد. م. لیلیانتال، ارتباط صهیونیستی، مترجم سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا)، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹، ص ۴۲۴.

۴. اسرائیل شاهاک، تاریخ یهود- مذهب یهود (بار سنگین سه هزاره) ترجمه دکتر مجید شریف، انتشارات چاپخس، چاپ اول ۱۳۷۶، صص ۴۴، ۴۵.

۵. الفرد. م. لیلیانتال، ص ۴۶۵.

۶. موشه شرئوک معروف به موشه شاروت در سال ۱۸۹۴ در روسیه به دنیا آمد. سال‌ها در آژانس یهود به عنوان منشی و نیز رئیس اداره سیاسی و عضو کمیته اجرایی فعالیت کرد. او نماینده اعزامی آژانس یهود و بعدها دولت اسرائیل در

مشترک همه ملت یهود است؛ یعنی سرزمین یهودیان همه جای دنیاست. دکترین **تودور مرتصل** بنیانگذار اولین کنگره صهیونیستی، برای استقرار دولت یهود در سرزمین فلسطین عبارت بود از ریشه کن سازی عرب ها و کوچاندنشان به هر شیوه ممکن.^۱ اما **موشه دایان** پس از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) از گسترش دکترین **مرتصل**، یعنی سیاست توسعه طلبانه اسرائیل پرده برداشت و گفت:

پدران ما به مرزهای شناخته شده در طرح تقسیم فلسطین دست یافتند. نسل ما نیز به مرزهای سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) رسید و اکنون نسل جنگ شش روزه به سرزمین سوئز و اردن و بلندی های جولان [در سوریه] دست پیدا کرده است. این پایان راه نیست. پس از طرح های کنونی آتش بس، طرح های نوینی پیش روی ماست که تا آن سوی اردن و شاید تالبنان و میانه سوریه دامن گسترده.^۲

پاره ای اشخاص و محافل اسرائیلی، توسعه دکترین **مرتصل** را بر اساس ایجاد نظم جغرافیایی سیاسی جدید پیرامون اسرائیل^۳ [سرزمین های حاشیه فلسطین] تفسیر کرده اند. نشریه **کیوونیم**^۴، ارگان سازمان جهانی صهیونیسم در سال ۱۹۸۰ م/ ۱۳۵۹ ش، در مقاله ای تحت عنوان **استراتژی اسرائیل در دهه ۱۹۸۰** نوشت: [...] اهداف درازمدت اسرائیل باید تمام خاورمیانه را دربر گیرد. در جبهه غربی نیز تهاجم مجدد به صحرای سینا و تقسیم مصر به مناطق چندگانه جغرافیایی، استراتژی اسرائیل در دهه ۱۹۸۰ است.^۵

اما **هنری فورد** آمریکایی در سال ۱۹۲۱، از راز بزرگتری پرده برداشته بود: فلسطین مرکز زمین خوانده شده است. قدرتی که بر فلسطین حاکم است بر دنیا حکم می راند. اگر چه حق حاکمیت بریتانیا ظاهراً شامل حال این کشور نمی شود، ولی تسلط بر

سازمان ملل و فرستاده رژیم صهیونیستی در بعضی مأموریت های خارجی بود. شارت از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۶ سمت وزیر امور خارجه را دارا بود و در دوره های اول تا پنجم کینست (پارلمان اسرائیل) سمت نمایندگی داشت. در سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۴ رئیس دولت موقت و در سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۵ نخست وزیر بود. موشه شارت در سال ۱۹۶۹ درگذشت.

۱. همان منبع، ص ۱۳۹.

۲. همان منبع، ص ۱۳۱.

۳. ن. ک: دیوید هرست، تفنگ و شاخه زیتون، مترجم رحیم قاسمیان، چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول ۱۳۷۰، ص ۴۷۱.

4. Kivunim

۵. همان منبع، ص ۴۷۱-۴۷۲. نیز، **روژه گارودی**، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه دکتر نرین حکمی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۴.

آب‌های مجاور و بر مصر، ایران و هند، کلید قدرت بریتانیاست. [...] فلسطین کلید استراتژی نظامی و تجارت جهانی است. این سرزمین در نتیجه یک معامله جنگی به یهود واگذار شد.^۱ آنچه قطعی است، امروز، استراتژی جنگی منطقه و بلکه جهان در فلسطین کلید می‌خورد. به گفته خانم کاندولیزا رایس مشاور امنیتی جرج بوش رئیس جمهور کنونی آمریکا: امنیت اسرائیل کلید امنیت جهان است.

آیا معنی این عبارت جز این است که پشتوانه قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی اسرائیل، سیطره جهانی یهود در دنیای کنونی است؟
آن گونه که هنری فورد نوشته است:

حکومت جهانی یهود در وضعی نیست که ارتش و نیروی دریایی دائمی داشته باشد، سایر کشورها اینها را برایش تأمین می‌کنند. برای نمونه ناوگان بریتانیا بود که اجازه نداد بر سر راه پیشرفت اقتصاد جهانی یهود، یا بخشی از آن که به دریا مربوط می‌شد، مانعی ایجاد شود. در مقابل، حکومت جهانی یهود حاکمیت سیاسی و منطقه‌ای بی‌دردسر و توأم با آرامشی را برای بریتانیا تضمین نمود. سپس نیویورک جانشین لندن شد. جریان آهسته مهاجرت یهودیان در قرن نوزدهم، بعد از جنگ جهانی اول، به صورت سیلی عظیم شتاب پیدا کرد و ایالات متحده را به مقر قدرت و نفوذ یهود تبدیل نمود.

آمریکا باناوغان، ارتش و اتباعش به عنوان فرمانروای جهان جایگزین بریتانیا شد. معنای این سخن صرفاً آن است که یهودیت از امپراتوری بریتانیا به قاره آمریکا نقل مکان کرد.^۲ پاریس نخستین مقر آن بود ولی اکنون از اهمیت این شهر کاسته شده است. پیش از سال ۱۹۱۴، لندن اولین و نیویورک دومین پایتخت آن بود. امروز نیویورک جای لندن را گرفته است.^۳

در این واقعیت نمی‌توان تردید کرد که رویدادهای عمده منطقه خاورمیانه و بلکه جهان، در سده اخیر، نیز، تحولات و حوادث سال‌های اخیر در جهان اسلام، حول محور فلسطین بوده است و آنچه غاصبان این سرزمین، تحت پوشش عباراتی چون سیاست محیطی، دکترین

۱. هنری فورد، یهود بین‌الملل، ترجمه علی ارش، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاءاندیشه، سال ۱۳۸۲، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۲. همان منبع، ص ۲۶۲.

۳. همان منبع، ص ۲۶۲.

حاشیه‌ای، دیپلماسی پنهان، عملیات مخفی و یا استراتژی پیرامونی از آن یاد می‌کنند، بخشی از راهبرد جهانی آنهاست که دارای عقبه پشتیبان، به گستره مغرب زمین، یعنی از اروپا تا آمریکاست.

بنابراین، تلاش آمریکایی‌ها در خلال پنج دهه اخیر، به منظور ایجاد و استقرار اسرائیل بزرگ^۱ از این زاویه قابل ارزیابی و تحلیل است. به طوری که ریچارد نیکسون نوشته است:

«تعهد ما به بقا و امنیت اسرائیل ریشه دار است. ما متحدانی بر اساس نوشته‌ای رسمی نیستیم؛ بلکه چیزی قویتر ما را به هم پیوند داده است [...] تعهد ما به اسرائیل از میراث جنگ جهانی دوم و منافع اخلاقی و ایدئولوژیکی ما [...] سرچشمه می‌گیرد. هیچ رئیس جمهور و یا کنگره آمریکا، هرگز اجازه نخواهد داد که کشور اسرائیل نابود شود... تعهد ما به اسرائیل موجب شده تا بهای گرانی [...] پردازیم.»^۲

ارتباط، عوامل پیوند و همکاری مستمر و سری سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و انگلستان (اینتلیجنس سرویس-ام.آی.پنج و ام.آی.شش) با سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد)، طی چند دهه اخیر، در ایران، کشورهای اسلامی منطقه و در کل جهان نیز از این دیدگاه قابل بازخوانی و بررسی است.

صرف نظر از ارتباط و همکاری سازمانی سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلستان با اسرائیل، این واقعیت را نمی‌توان فراموش کرد که موساد تمام و همه آنچه که از آن به سرویس اطلاعاتی صهیونیست‌ها^۳ یاد می‌شود، نیست.

در واقع باید سرویس اطلاعاتی صهیونیست‌ها را شبکه‌ای نامریی دانست که بر فراز و در قلب معظم‌ترین سرویس‌های جاسوسی غرب (به ویژه آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان) شبکه‌های خود را تنیده است و مستقل از این سرویس‌ها خط‌مشی صهیونیسم را دنبال می‌کند.^۴ بنابراین، نه فقط موساد را باید مولود این شبکه نامریی دانست بلکه ارتباط و

۱. ن.ک: نعام چامسکی، مثلث سرنوشت‌ساز، ترجمه عزت‌الله شهیدا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول ۱۳۶۹، ص ۲۸ و ۲۹.

۲. ریچارد نیکسون، فرصت را از دست ندهید، ترجمه محمود حدادی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱، صص ۲۱۶ و ۲۱۵.

۳. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران (پیوست ویراستار)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ سوم، پاییز ۱۳۷۰، ص ۱۲۱.

۴. همان منبع، ص ۱۲۱.

همکاری سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد) را با سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا و انگلستان، از این زاویه، نگاه و بررسی کرد. بر این اساس، چندان بی‌ربط نیست که گفته شود، سازمان‌های اطلاعاتی دولت‌های قدرتمند غربی، برای اسرائیل، در مسیر تعقیب استراتژی این رژیم در خاورمیانه تا آفریقا و بلکه در بسیاری از نقاط جهان، به مثابه چشم و گوش عمل کرده‌اند.^۱

۱. پیتر رایت کارمند ارشد ضدجاسوسی سرویس اطلاعاتی سرّی بریتانیا (ام‌آی ۵) با انتشار کتابی در سال ۱۹۸۷، به گوشه‌هایی از این روابط و نیز نقش لرد ویکتور روچیلد از سران یهود بین‌الملل در این باره اشاره کرده است. جهت کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: پیتر رایت، شناسایی و شکار جاسوس، ترجمه محسن اشرفی، مؤسسه انتشارات اطلاعات، چاپ هفتم ۱۳۷۲.

سراغاز

از آنجا که اعلام تأسیس اسرائیل در سرزمین فلسطین، هیچ‌گونه مبنای حقوقی و مشروعیت جمعیتی، تاریخی و جغرافیایی نداشت، لذا سران و رهبران و بانیان آن، از همان ابتدا، موجودیت این دولت را در تهدید تلقی می‌کردند. سران و رهبران اسرائیلی با این ادعا که از سوی کشورهای عربی و اسلامی همجوار، در معرض تهدید قرار دارند، بقا و امنیت خود را دست‌آویز و توجیهی برای هرگونه تجاوز، توسعه‌طلبی، سرکوب و تهدید دیگران قرار دادند. آن‌ها با این تبلیغات که اسرائیل یک جامعه جدید و کوچک در محاصره دریای اعراب و مسلمانان است، هرگونه اقدام و رفتار را برای خود مجاز و مشروع قلمداد کردند. اهرم‌هایی که اسرائیل از طریق نفوذ و حضور یهودی‌ها در ارکان قدرت در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی غرب در دست داشت از یک سو و فضای مصنوعی، روانی و تبلیغاتی ساخته و پرداخته پس از جنگ جهانی دوم، از سوی دیگر، شرایط را برای همه‌گونه دست‌اندازی، تجاوز و اقدام اسرائیلی‌ها در سرزمین فلسطین و بلکه سرزمین‌های پیرامونی آن مهیا ساخته بود. موضوع انزوا و عدم امنیت اسرائیل در میان کشورهای و ملت‌های منطقه، از نظر صهیونیست‌ها، توجیه مناسبی برای بهره‌گیری از همه اهرم‌های موجود در عرصه جهانی و منطقه‌ای، با هدف ادعایی حفظ بقا و موجودیت اسرائیل بود. درحالی که در پس پرده این توجیهات و تبلیغات، استراتژی گسترش مرزها، توسعه سرزمینی و استقرار اسرائیل بزرگ تعقیب و دنبال می‌شد. با همه وابستگی‌هایی که اسرائیل به دنیای خارج، به خصوص قدرت مالی و نفوذ سیاسی یهودی‌ها در جهان داشت و حتی تأسیس و بقای خود را مدیون آن بود، مع الوصف، به شرایط و موقعیتی احساس نیاز می‌کرد که در مواقع منازعه و

یا در مسیر تعقیب استراتژی پنهان، متکی به خود باشد. این، سیاست و استراتژی اعلام شده از سوی دیوید بن گوریون، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، مبنی بر ایجاد کشوری قوی و قدرتمند بود که قدرت و عظمتش رو به فزونی و قلمرواش رو به گسترش و متکی به خود باشد.

جایگاه حقوقی، جمعیتی و ماهیت اسرائیل، موجب آن بود که بسیاری از رهبران صهیونیسم بر این تئوری پافشاری کنند که اسرائیلی‌ها با جهانی از دشمنان غیریهودی مواجه‌اند. این تئوری، طی ۵۵ سال گذشته همواره شالوده سیاست تهاجمی، نظامی، دیپلماسی، اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی را تشکیل داده و پوشش مناسبی برای هرگونه موضع‌گیری و عملیات تهاجمی اسرائیلی بوده است. این استراتژی غیرقابل تغییر و عجین با سرشت و ماهیت اسرائیل، همان است که بسیاری از رهبران اسرائیل، از بن‌گوریون، لوی اشکول^۱، گلدامایر^۲، مناخیم بگین و آریل شارون، در مقاطع مختلف تاریخی و با عبارات

۱. لوی اشکول در سال ۱۸۹۵ در اوکراین متولد شد. در سال ۱۹۱۴ به فلسطین رفت و در سال ۱۹۱۸ داوطلبانه به سپاه یهود در ارتش انگلستان پیوست.

اشکول را از پایه‌گذاران سازمان هیستادروت (اتحادیه کارگران یهود) نامیده‌اند. در اواخر دهه ۱۹۳۰ تا اوایل دهه ۱۹۴۰ عضو رهبری گروه تروریستی هاگانا بود. او در اولین تقابل اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ معاون بن‌گوریون در وزارت دفاع و مسؤول تدارکات جنگ و اداره هزینه‌های آن بود. در سال ۱۹۴۸ به عنوان عضو هیأت اجرایی آژانس یهود انتخاب شد و ریاست بخش شهرک‌های یهودی‌نشین در آن سازمان را تا سال ۱۹۶۳ به عهده داشت. وی را از شاخص‌ترین طراحان ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در فلسطین اشغالی به شمار آورده‌اند. در اوایل دهه ۱۹۵۰ یکی از رهبران حزب مابای بود و در سال ۱۹۵۱ به نمایندگی کینست انتخاب شد و تا سال ۱۹۶۹ این سمت را به عهده داشت. به علاوه در سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ وزیر کشاورزی و توسعه و از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۳ وزیر دارایی بود.

لوی اشکول طی سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۹ نخست‌وزیر اسرائیل و از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷ به‌طور همزمان، سمت وزارت دفاع را نیز عهده‌دار بود. او در سال ۱۹۶۹ در پی یک حمله قلبی درگذشت. (شریده، اسماعیل عبداللهی و مهدی زیبایی، برآورد استراتژیک اسرائیل، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ اول ۱۳۸۱. نیز: کاکبورن).

۲. گلدامایر با نام اصلی گلدامایرسون در سال ۱۸۹۸ در کیف روسیه به دنیا آمد. پدرش نجار فقیری بود که در سال ۱۹۰۶ خانواده خود را به آمریکا برد. گلدامایر در سال ۱۹۱۵ به حزب پوالاتی صهیون، سوسیال دمکرات یهود یا کارگران صهیون پیوست. در سال ۱۹۲۱ به همراه همسرش (موریس مهیر) به فلسطین رفت و بعدها عضو فعال هیستادروت (اتحادیه کارگران یهود) و نیز حزب چپ‌گرای مابای شد. در سال ۱۹۳۶ رئیس اداره سیاسی هیستادروت و در سال ۱۹۴۶ برای مدتی رئیس دایره سیاسی آژانس یهود بود. پس از تأسیس اسرائیل به عنوان سفیر به شوروی رفت و در سال ۱۹۴۹ به نمایندگی کینست انتخاب شد. وی در این سال وزیر کار نیز بود. او تا سال ۱۹۷۴ سمت نمایندگی کینست را عهده‌دار بود. در سال ۱۹۵۶ به جای موشه شاروت به سمت وزیر امور خارجه منصوب شد و تا سال ۱۹۶۶ به مدت ده سال این پست را در اختیار داشت. گلدامایر در سال ۱۹۶۶ از هیأت دولت استعفا داد و دبیر کل حزب کارگر شد. پس از استعفای لوی اشکول در سال ۱۹۶۹، او به سمت نخست‌وزیری دست یافت. در جنگ چهارم اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳، به عنوان نخست‌وزیر این جنگ را رهبری کرد و در سال ۱۹۷۴، پیامدهای جنگ مزبور او را ناگزیر به استعفا کرد. گلدامایر در سال ۱۹۷۴ از ریاست حزب کارگر و نمایندگی پارلمان کنار رفت و در دسامبر ۱۹۷۸

گوناگون بدان تصریح و تأکید کرده‌اند. رهبران اسرائیل هیچ‌گاه فراموش نکرده‌اند که مشکلات امنیتی رژیم صهیونیستی را، پوشش و بهانه‌ای در مسیر تعقیب استراتژی اصلی خود قرار دهند.^۱

آریل شارون وزیر جنگ اسرائیل در دسامبر ۱۹۸۱م، در یک کنفرانس بین‌المللی، پیرامون مسایل امنیتی و اقتصادی اسرائیل که از سوی مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه تل‌آویو برگزار شده بود، به صراحت گفت:

مهمترین مشکلات امنیتی در دهه هشتاد- آن‌طور که من می‌بینم- به مخاطرات خارجی مربوط می‌شود که سلامت و حقوق حاکمیت اسرائیل را تهدید خواهد کرد. این مخاطرات دو منبع دارد:

۱- رویارویی عربی

۲- توسعه‌طلبی شوروی متکی بر رویارویی عربی که شوروی ابزار سیاسی و نظامی در اختیار آن می‌گذارد [...].

سواى محدوده سنتی سیاست رویارویی که اسرائیل را احاطه کرده، برای مقابله با این مخاطرات ضروری است که مصلحت امنیت استراتژیک اسرائیل در دو زمینه جغرافیایی دیگر که تأثیر امنیتی دارند، توسعه یابد. زمینه نخست در رابطه با کشورهای عربی خارجی است که قدرت نظامی فزاینده آن‌ها، بعد خطرناکی به تهدید مستقیم موجود علیه اسرائیل، چه از طریق ارسال نیروهای ویژه به منطقه رویارویی و چه حتی از طریق اجرای عملیات هوایی و دریایی مستقیماً از سوی این کشورها علیه خطوط مواصلاتی هوایی و دریایی اسرائیل می‌دهد. زمینه دوم در رابطه با کشورهای خارجی است که موقعیت و گرایش سیاسی- استراتژیک آن‌ها ممکن است تأثیر خطرناکی روی امنیت ملی اسرائیل داشته باشد.^۲

آریل شارون با این شگرد تبلیغاتی- سیاسی و توجیهات امنیتی، برای موجه و منطقی جلوه دادن استراتژی توسعه‌طلبانه اسرائیل چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

در بیت‌المقدس درگذشت.

۱. ر.ک: افرايم اينبار، خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل، مترجم میرسعید مهاجرانی، مندرج در: سیاست دفاعی، شماره ۲، بهار ۱۳۷۶، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع).

۲. روزنامه اسرائیلی معاریو، ۱۸/۱۲/۱۹۸۱، مشکلات استراتژیک اسرائیل در دهه هشتاد؛ استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای همجوار آن، مؤسسه الارض، ویژه مطالعات فلسطینی، انتشارات بین‌الملل اسلامی، سال ۱۳۶۳، ص ۳۰۱.

ضروری است مصلحت استراتژیک و امنیتی اسرائیل تا آن سوی کشورهای عربی موجود در خاورمیانه و در سواحل مدیترانه و دریای سرخ فراتر رفته و در دهه هشتاد، شامل کشورهای از قبیل ترکیه و ایران و پاکستان و مناطق خلیج فارس و آفریقا، به ویژه کشورهای آفریقای شمالی و مرکزی شود.^۱

آریل شارون، چندی بعد، نه تنها بر این استراتژی خطرناک صهیونیستی مهر تأیید و تأکید زد، بلکه اجرا و تعقیب آن را با اهداف سوق الجیشی و منافع امنیتی اسرائیل گره زد. او در مصاحبه‌ای با اورینا فالاجی خبرنگار معروف ایتالیایی با گستاخی تمام در صدد توجیه استراتژی توسعه طلبانه اسرائیل در این زمینه برآمد:

اورینا فالاجی: ژنرال شارون! بعضی وقت‌ها من دچار شک می‌شوم. دچار این شک که انگیزه شما ناشی از یک جاه طلبی وسیع است و از حفظ امنیت و قدرت دفاعی اسرائیل فراتر می‌رود. این را می‌گویم چون نطق شما در کنفرانس انجمن تحقیقات استراتژیک را که در دسامبر گذشته (۱۹۸۱) در تل‌آویو برپا شد به خاطر دارم. نطقی که به توصیف حیطه منافع سوق الجیشی اسرائیل پرداختید. شما اعلام کردید که این منافع تنها شامل کشورهای عرب خاورمیانه و حوزه دریای مدیترانه و بحر احمر نمی‌شود و بلکه به سبب مایل امنیتی، کشورهای نظیر ترکیه، ایران، پاکستان و مناطقی مثل خلیج فارس، آفریقا و همچنین شمال و مرکز آفریقا را دربر می‌گیرد. این سخنان وحشتناک است.^۲

علت و بهانه انتخاب این راه از سوی صهیونیسم عنوان می‌کند و گستاخانه چنین پاسخ می‌دهد:

شارون: بسیار خوب. می‌بینم که درس خود را به خوبی مرور کرده‌اید. الان جوابتان را می‌دهم. اسرائیل کشور بسیار خاصی است. علل این خاص بودن در مفهوم واژه‌های مورد تعقیب و آزاد بودن خلاصه شده است. ما باید با مسائل کلی امنیت خود مقابله کنیم. این مسائل سه حیطه هستند. نخست در حیطه تروریسم فلسطینیان. دوم مقابله با کشورهای عربی که اکنون ما را تهدید می‌کنند. حیطه سوم مشمول توسعه طلبی شوروی است. مسأله این است که چگونه ما در

۱. همان منبع، صص ۳۰۱-۳۰۲.

۲. اورینا فالاجی، در گفت‌وگو با آریل شارون، وزیر جنگ اسرائیل، نشریه آبرور، ۱۹۸۲؛ مندرج در کتاب السلام مع المحتلین، واقعه ام‌انتحار؟ محمدتقی تقی‌پور، ترجمه عبدالکریم محمود، معاونیه العلاقات الدولية فی منظمه الاعلام الاسلامی، ۱۹۹۳م/۱۴۱۴هـ ص ۶۰.

این سه حیطه از حق موجودیت خود دفاع کنیم، بدون آنکه تبدیل به پروس خاورمیانه شویم^۱ رهبران اسرائیلی، همواره تحت پوشش این قبیل توجیهات و تبلیغات، توسعه طلبی ها و استراتژی پنهان خود را در زمینه های مختلف، اشغال سرزمین های اسلامی و عربی، عملیات خزننده جاسوسی و اطلاعاتی، به پیش برده و در عین حال خود را در حاشیه امن قرار داده اند. تلاش و اشتیاق فراوان برای برقراری ارتباط سیاسی و اطلاعاتی با ایران دوره پهلوی و نیز کشور ترکیه و بعضی دیگر دولت های پیرامونی، تاتیوی در شمال آفریقا، از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی در دستور برنامه های سران و رهبران اسرائیل و صهیونیسم قرار داشت. آنچه بن گوریون^۲ در ذهن داشت یک استراتژی پیرامونی بود و جوهره و اساس آن امر ساده ای به شمار می رفت؛ کشورهای عربی که اسرائیل را احاطه کرده بودند، به صورت دشمن باقی می ماندند؛ اما به هر حال در پیرامون جهان عرب، کشورهایی وجود داشتند که دعوای مستقیمی با اسرائیل نداشتند؛ دلایلی برای ترس از تحرکات کمونیستی برایشان وجود داشت، و از متحدین ثابت قدم ایالات متحده به شمار می رفتند. متحدین بالقوه ای که بن گوریون در ذهن داشت ترک ها و ایرانیان بودند که از نظر موقعیت جغرافیایی برای محاصره و در تنگنا گذاشتن سوریه و عراق وضعیتی ایده آل داشتند. امپراتوری باستانی اتیوپی نیز که در آفریقا هم مرز کشورهای عرب بود، چنین حالتی داشت.^۳ ارتباط مورد نظر که به تدریج همکاری گسترده و عمیق اطلاعاتی اسرائیل با کشورهای مذکور را به دنبال داشت، در نهایت منجر به ایجاد ایستگاه اطلاعاتی و جاسوسی سرویس اطلاعاتی اسرائیل در داخل این کشورها گردید. به گونه ای که رژیم صهیونیستی با استقرار ده ها پایگاه و صدها مأمور و جاسوس کارگشته و کارآزموده صهیونیست در ایران دوره پهلوی، کشور ترکیه و تابریخی ممالک آفریقایی، مطامع خود را در کشورهای پیرامونی به دلخواه تعقیب می کرد، بدون آنکه هیچ هزینه ای به لحاظ سیاسی از بابت آن ها متحمل شود.

۱. همان منبع، ص ۶۱.

۲. در بسیاری از منابع تاریخی و سیاسی، دیوید بن گوریون اولین نخست وزیر اسرائیل بانی و مبتکر استراتژی پیرامونی یا دکتترین حاشیه ای قلمداد شده است؛ اما بر اساس مندرجات اسناد اسرائیلی و اذعان بعضی تاریخ نگاران یهودی و صهیونیست، رویون شیلوا «Reuven Shiloah» اولین رئیس موساد، طراح اصلی استراتژی Peripheral بود که آن را به بن گوریون ارایه داد. این شخص در بخش رؤسای موساد معرفی شده است. همان گونه که در همین کتاب نیز مشاهده می شود، این اسم در بعضی ترجمه های فارسی رویون و در برخی دیگر ریون نوشته شده است.

۳. اندرو ولسلی کاکبورن، ارتباط خطرناک، ترجمه محسن اشرفی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۱۵۹.

● موساد و ساواک

پیدایش، ساختار، وظایف و اهداف

اهمیت و ضرورت

ارتباط و همکاری ساواک و موساد در مسیر پیشبرد استراتژی پیرامونی اسرائیل کاملاً اساسی و استراتژیک بود. به علاوه، در چارچوب پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه ایران، اسرائیل و ترکیه موسوم به نیزه سه سر؛ یا اتیوپی، ایران و اسرائیل با رمز عقاب، در همه اینها، ساواک و موساد نقش و مأموریت کلیدی و محوری را به عهده داشتند. در مقایسه بین دو سرویس اطلاعاتی موساد و ساواک، با توجه به پیشینه همکاری، عملکرد و نیز اسناد و مدارک موجود، به جرأت می‌توان گفت سرویس اطلاعاتی صهیونیست‌ها، همواره حرف اول را می‌زد. صرف نظر از اینکه، در قلمرو همکاری‌های اطلاعاتی دوجانبه و یا سه‌جانبه، همیشه استراتژی اسرائیل موضوع و مسأله محوری، و حاصل این همکاری‌ها نیز به نفع صهیونیست‌ها بود.

بنابراین، نظر به اهمیت، جایگاه و موقعیت موساد و ساواک در همکاری‌های اطلاعاتی چندجانبه، ضروری است با هدف تنویر افکار خوانندگان، درباره ماهیت، اهداف، ساختار تشکیلاتی، پیدایش و پیشینه این دو سازمان مخوف اطلاعاتی و جاسوسی، اطلاعاتی، ولو در حد اجمال ارایه شود. به علاوه این اطلاعات دستمایه‌ای است که زمینه‌های ذهنی مخاطب را برای درک و تفسیر بهتر و آسانتر مباحث آتی هموار و او را در تبیین و تجزیه و تحلیل مسایل مورد نظر یاری خواهد کرد.

پیدایش موساد

در ماه مه سال ۱۹۴۸م/اردیبهشت ۱۳۲۷ش، سرانجام پس از یک و نیم قرن تلاش گسترده

و همه‌جانبه رهبران و کانون‌های یهودی و صهیونیستی، اعلامیه تأسیس دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین صادر و آمال و وعده‌های پیشقراولان صهیونیسم تحقق پیدا کرد. نویسندگان آمریکایی کتاب ارتباط خطرناک، با اشاره به نمای ساختمان بدون علامت، مخفی و سری موساد در خیابان خَدَر دَفَن^۱ در فلسطین، نقش جامعه اطلاعاتی یهودی‌ها را در پیدایش اسرائیل اساسی دانسته و معتقدند؛ موفقیت کامل اسرائیلی‌ها در پدید آوردن دولتی یهودی در فلسطین، تا حد زیادی مدیون اطلاعاتی بوده که امروز آن را عملیات پنهان می‌خوانند.^۲ تلاش‌های اطلاعاتی همه‌جانبه یهودی‌ها و پشتیبانی سری و پنهانی آمریکا، دو عامل و عنصر کلیدی در این حرکت بودند که این هر دو مورد، وابسته به یهودیانی بود که متعلق به خارج از اسرائیل بودند.^۳ در قلب این تکاپوی اطلاعاتی سازمانی سری قرار داشت که شای^۴ خوانده می‌شد.^۵

پس از تأسیس دولت اسرائیل، چون اولویت‌ها و مأموریت‌های اطلاعاتی جامعه صهیونیستی عوض شد و تغییر کرد، دیوید بن‌گوریون اولین نخست‌وزیر اسرائیل، شای را منحل و به جای آن سه سازمان اطلاعاتی جداگانه ایجاد کرد. سرویس اطلاعات نظامی که اساساً برای مقابله با ارتش‌های عرب ایجاد شده بود و تحت کنترل وزارت دفاع قرار داشت. سرویس اطلاعات خارجی که گاریل (گوریل)^۶ کهنه کار آن را ریاست و اداره می‌کرد، بخشی از وزارت خارجه بود. بخش امور یهودیان که تحت عنوان شین‌بت^۷ تجدید سازمان شده بود، توسط یک روس لاغراندام به نام ایسر هارل^۸ ریاست می‌شد و مسئولیت اطلاعات و امنیت داخلی را به عهده داشت.^۹

در سال ۱۹۵۱ و به دنبال یک سری درگیری‌های داخلی، تشکیلات اطلاعاتی اسرائیل دوباره دستخوش تحول شد. به جای بخش خارجی که قسمتی از وزارت امور خارجه به

1. Hadar Dafna

۲. کاکبورن، ص ۵۸.

۳. همان منبع، ص ۵۹.

4. Shai

۵. همان منبع، ص ۵۸.

6. Gurriel

7. Shin- Beth

8. Isser Harel

۹. همان منبع، ص ۶۰.

حساب می‌آمد، آژانس جدیدی ایجاد شد که زیر نظر مستقیم نخست‌وزیر قرار می‌گرفت. این آژانس همان موساد بود که بعداً به صورت سازمانی افسانه‌ای درآمد. مسؤولیت آن را به عهده شیلوا^۱ گذاشتند.^۲

ساموئل کاتز به عنوان یک کهنه کار اسرائیلی، که اثرش را با هماهنگی محافل رسمی و دولتی اسرائیل به رشته تحریر درآورده، می‌نویسد: آژانس یهود که در سال ۱۹۴۰ به خاطر بخش‌های مخفیانه عملیاتی‌اش بیشتر به یک وزارت دفاع شبیه بود تا یک تشکیلات سیاسی دوران قبل از استقلال [زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ م / ۱۳۲۷ ش]، همراه با حمایت کامل فرماندهی عالی [گروه شبه نظامی و تروریستی] هاگانا سرویس اطلاعاتی ملی را تشکیل داد تا نیازهای وضعیت جدید را برآورده سازد. این سرویس جدید اطلاعات ملی، نام مشهور شای را روی خود گذاشت.

بسیاری از محققین صلاحیت‌دار اسرائیلی خلق این سازمان را به عنوان بسته شدن نطفه واقعی واحد اطلاعات نظامی در نظر می‌گیرند. این در حالی است که برخی دیگر اعتقاد دارند، هسته تشکیل یک واحد اطلاعات نظامی یهودی از سال ۱۹۰۹ در فلسطین وجود داشته است. این همان زمانی بود که گروه [یهودی و تروریستی] مسلح هاشومر روستائیان عرب [فلسطینی] دهکده‌های مجاور را تحت نظر می‌گرفت. در ماه ژوئن ۱۹۴۰، شای یک واحد ویژه عربی بنیان گذاشت. این واحد که فرماندهی آن با عزرا داین بود، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات را در مورد قابلیت‌های نظامی اعراب و مقاصد آنها به‌طور منظم انجام می‌داد.^۳

ساموئل کاتز نقش انگلستان و سرویس جاسوسی آن را در شکل‌گیری و پیدایش شای، اساسی و جدی می‌داند:

سازمان جدید شای روابط نزدیکی با سرویس اطلاعاتی انگلستان برقرار و در واقع تلاش کرد، شیوه و سازمان خود را طبق آنچه در ام.آی.۴، یعنی اطلاعات نظامی انگلستان؛ ام.آی.۵ یعنی سرویس ضد اطلاعات انگلستان؛ و ام.آی.۶ یعنی سرویس جاسوسی خارجی انگلستان، وجود داشت، تنظیم کند. در چند سال قبل از جنگ جهانی دوم، سرویس‌های

1. Reuven Shiloah

۲. همان منبع، صص ۶۱-۶۲.

۳. ساموئل کاتز، صص ۳۶-۳۷.

اطلاعاتی انگلستان در جریان شکل‌گیری گروه‌های اطلاعات نظامی، به شای کمک کردند. رابطه آنها از زمانی آغاز شد که در سال ۱۹۳۶ در فلسطین شورش‌هایی^۱ به پا شد و هاگانا و واحدهای اطلاعاتی انگلستان برای سرکوب اعراب طغیانگر^۲ با یکدیگر همراه شدند.^۳ به نوشته استوارت استیون انگلیسی: علاوه بر هاگانا، سازمان دیگری به نام شروت ایدیتوت وجود داشت که مأمور جمع‌آوری اطلاعات بود. بعدها این سازمان به نام شای نامیده شد.^۴

این نویسنده در صفحات دیگر کتاب، شای را اداره اطلاعات هاگانا قلمداد کرده که با نام پوششی مؤسسه کمک به قهرمانان فعالیت می‌کرد.^۵ او از تشکیل جلسه‌ای خبر داده که بنا به دستور دیوید بن‌گوریون لیدر سیاسی هاگانا و نخست‌وزیر اسرائیل، در همان ایام اول پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی، با هدف ایجاد تغییرات و تجدید ساختار تشکیلات اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل تشکیل شده بود:

ایسر بئری یکی از فرماندهان برجسته شای که اتفاقاً ریاست اولین جلسه را به عهده داشت، به حاضرین گفت که نخست‌وزیر از او خواسته است در ساختمان شای تغییراتی بدهد. پیشنهاد شده است که سه اداره تشکیل شود: سازمان اطلاعات و ضداطلاعاتی ارتش (به نام اختصاری آمون) تحت ریاست ایسر بئری، سازمان اطلاعات و ضداطلاعاتی سیاسی (با نام اختصاری موساد) مأمور جمع‌آوری اطلاعات از کلیه نقاط دنیا به ریاست بوریس گورییل و بالاخره اداره سوم (شینیت با نام اختصاری شروت هایتاهون) با مأموریت داخلی به ریاست ایسر هارل.^۶

گزارش مشترک و طبقه‌بندی شده سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا، متشکل از مدیریت عملیات ضداطلاعاتی (DOCS)، سازمان مرکزی اطلاعات (CIA) و سازمان

۱. قیام و مبارزه معروف شهید عزالدین قسام و یاران او علیه اشغالگران و سپس شهادت آنها در جنگل‌های یَعْبُد و به دنبال آن خیزش گسترده مردم فلسطین که به مدت شش ماه تداوم داشت.

۲. مقصود مبارزان و مردم به پا خاسته فلسطین در مقابل اشغالگران یهودی و انگلیسی است.

۳. ساموئل کاتز، ص ۳۷.

۴. استوارت استیون، نخبه جاسوسان اسرائیل، ترجمه م. دانشمند، شرکت انتشاراتی پازنگ، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱.

۵. همان منبع، ص ۴۳.

۶. همان منبع، صص ۴۳-۴۴.

اطلاعاتی دفاع [سازمان اطلاعات ارتش آمریکا] (DIA)، درباره پیشینه و پیدایش سرویس اطلاعات سَرّی اسرائیل، معروف به موساد، بسیار حائز اهمیت است:

در سال ۱۹۴۸، هنگامی که قیومت انگلستان پایان یافت، جمعیت یهودی فلسطین، اسرائیل را تأسیس نمود. در میان سازمان‌های دولتی که ایجاد شدند، واحد اطلاعاتی و امنیتی نیز وجود داشت که به سرویس اخبار (اطلاعات) شای معروف بود. این سازمان بازوی اطلاعاتی نیروی مقاومت زیرزمینی صهیونیست‌ها [گروه تروریستی یهودی هاگانا] بود که در زمان قیومت انگلستان، با تأسیس آژانس یهود [سخنوت] در سال ۱۹۲۹، در کنگره [جهانی] صهیونیست‌ها در زوریخ سوئیس، دست به عملیاتی در مقیاس جهانی زد. در آن زمان آژانس یهود متشکل از صهیونیست‌ها و غیر صهیونیست‌ها، با شرکت و حضور فعالانه و گسترده آمریکائیان بود. [...]

این آژانس به عنوان پوششی برای شای به کار می‌رفت و عملیات مخفی خود را در اروپای غربی و ایالات متحده گسترش داد.

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۴۸، اهداف شای عبارت بود از:

پیشبرد امر تأسیس یک دولت مستقل اسرائیلی، نفوذ در تأسیسات و تشکیلات قیومتی انگلستان...، جمع‌آوری اخبار و اطلاعات سیاسی جهت بهره‌گیری در تبلیغات صهیونیستی، نفوذ در احزاب و گروه‌های عرب و ضد صهیونیستی در فلسطین و کشورهای مجاور...، حفظ امنیت قاچاق اسلحه و برنامه مهاجرت غیرقانونی [یهودی‌ها به فلسطین] و....

شای از بخش‌های زیر تشکیل یافته بود:

اطلاعات سیاسی، امنیت داخلی و ضد جاسوسی، اطلاعات نظامی، شاخه پلیسی اطلاعات نظامی و بالاخره اطلاعات و امنیت دریایی [...].

در آوریل سال ۱۹۵۱، نخست‌وزیر [دیوید بن گوریون] و کابینه‌اش...، به علت درگیری‌های داخلی و عدم هماهنگی زیرمجموعه‌های شای شدیداً احساس خطر کرده و نسبت به دوباره‌سازی کامل ساختار اساسی و جامعه امنیت و اطلاعات اسرائیل تصمیم گرفتند.

این مأموریت به عهده مردی به نام ریون شیلوا گذارده شد. شیلوا رئیس این مرجع که کمیته سران سرویس‌ها یا وعدت نام گرفته بود، سرویس اطلاعات و امنیت دریایی و واحد

نوبنیاد اطلاعات هوایی را در اطلاعات نظامی ادغام نمود. سرویس اطلاعات سیاسی را از وزارت خارجه جدا و مستقل نمود و در شکل سرویس اطلاعات سرّی (موساد) دوباره سازی کرد.

سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی (شین بت)، غیر از تغییرات داخلی همچنان دست نخورده باقی ماند [...].

سرویس های امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل، این ساختار را نسبتاً بدون تغییر، در طی جنگ های اعراب و اسرائیل در اکتبر و نوامبر ۱۹۵۶، جنگ شش روزه در ژوئن ۱۹۶۷ و جنگ یوم کپور [جنگ رمضان] در اکتبر ۱۹۷۳، حفظ کردند. در اوایل ۱۹۶۳، درست قبل از بازنشستگی و کناره گیری، بن گوریون، کمیته ای را برای بررسی اوضاع تعیین و انتخاب نمود.^۱ او نگران آن بود که تأسیسات و تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی که به سبب نقش او به عنوان نخست وزیر و وزیر دفاع، معمولاً رضایت بخش عمل می نمود، با کناره گیری وی، رو به زوال رود. [...].

در ژوئیه ۱۹۶۳، کمیته گزارش خود را تسلیم نخست وزیر جدید، لوی اشکول^۲ نمود. از جمله تغییرات بر اساس توصیه کمیته جابجایی اختیار و مسئولیت شین بت از وزیر دفاع به نخست وزیر، جامعه عمل پوشانده شد.

در فاصله کوتاه بین سپتامبر ۱۹۶۵ تا ژوئیه ۱۹۶۶، ایسرهاول رئیس قبلی «وعدت» و رئیس موساد به عنوان مشاور اشکول نخست وزیر در مسایل امنیتی و اطلاعاتی انجام وظیفه نمود [...].

به دنبال شکست و افت اطلاعاتی عنوان شده در جنگ یوم کپور [رمضان]، دولت اسرائیل کمیسیون آگرانت را برای تحقیق مسایلی که مرتبط به عملیات جنگی و عملکرد سرویس های امنیتی و اطلاعاتی بود تعیین کرد. کمیسیون در گزارش کوتاه و مقدماتی خود در آوریل ۱۹۷۴، پیشنهاد تقویت و فعال نمودن پست مشاورت مخصوص نخست وزیر را در امور امنیت و اطلاعات مطرح نمود [...].

از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶، توصیه های گزارش مقدماتی کمیسیون آگرانت اعمال شد.

۱. بن گوریون طی این سال ها همزمان با پست نخست وزیری سمت وزیر دفاع را نیز عهده دار بود.

نخست وزیر ارتشید مخصوص رهاوم زیوی^۱ را به عنوان مشاور مخصوص خود برگزید. [...] در اکتبر ۱۹۷۶، زیوی از این پست استعفا داد و سر تیپ بازنشسته، و رئیس قبلی اطلاعات نظامی یهوشافت مرکابی^۲ جانشین وی شد.^۳

اهداف

بر اساس اسناد و اطلاعات طبقه بندی شده سرویس های اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی آمریکا، اهداف و مقاصد اساسی سرویس های اطلاعات و امنیت اسرائیل عبارتند از:

۱- کشورهای عربی؛ توانایی و قدرت آنها، مقاصد و نظریاتشان درباره اسرائیل، روابط آنها با شوروی و سایر قدرت ها، تأسیسات رسمی و نمایندگان آنها در سرتاسر جهان، رهبران، سیاست های داخلی و سیاست های بین اعراب، خصوصیات اجتماعی و نظامی، آمادگی نظامی و دیگر امورات جنگی [آنها].

۲- جمع آوری اطلاعات درباره سیاست های سری ایالات متحده و یا تصمیمات آن [...].

۳- جمع آوری اطلاعات علمی در آمریکا و سایر کشورهای پیشرفته.

۴- تصمیمات و سیاست های دولت شوروی و کشورهای اروپای شرقی در قبال اسرائیل و مسائل و مشکلات مهاجرت یهودی ها از این مناطق.

۵- نظارت و تعقیب همه فعالیت های ضد صهیونیستی در سراسر جهان.

۶- جمع آوری اطلاعات سیاسی و اقتصادی در همه مناطق مورد توجه و علاقه خود، نظیر آفریقا.^۴

وعدت (کمیته سران سرویس ها)

مرجع اصلی اطلاعات و امنیت اسرائیل، [با نام عبری] *وعدت راشه ای هاشروتیم* (کمیته سران سرویس ها) است که معمولاً به نام «وعدت» شناخته می شود. *وعدت* فعالیت ها و عملیات اعضای خویش را هماهنگ می سازد. *موساد* لتافکدیم میوچادیم (سرویس اطلاعات

1. Rahavam Zeevi

2. Yehoshafat Harkabi

۳. اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱۱، صص ۱۷ تا ۲۲.

۴. همان منبع، صص ۱۶-۱۷.

سری)، با اسم معمول و شناخته شده موساد، مسئولیت عملیات خارجی را عهده‌دار و تحت نظر و تابع نخست‌وزیر است.

شروت بیتا چون کلالی (امنیت داخلی و ضدجاسوسی) معروف به شین‌بت، مسئول کلیه امور امنیتی و تحت نظر مستقیم نخست‌وزیر است.

اگاف مودین (اطلاعات نظامی) مسئولیت اصلی اطلاعات استراتژیکی نظامی و اطلاعات ارتباطاتی را عهده‌دار است و تحت فرماندهی رئیس ستاد ارتش قرار دارد.

بر این اساس؛ تشکیلات مرکزی جامعه اطلاعات و امنیت اسرائیل وعدت نام دارد که وظیفه اصلی و اولیه آن هماهنگی کلیه فعالیت‌های امنیتی و اطلاعاتی در داخل و خارج اسرائیل است. وعدت متشکل از اعضا، سرویس‌ها و عناصر زیر است:

(۱) رئیس موساد، (۲) رئیس اطلاعات نظامی، (۳) رئیس شین‌بت، (۴) رئیس کل بازرسی، (۵) مدیر کل وزارت امور خارجه، (۶) رئیس مرکز تحقیقات و طرح‌ریزی وزارت امور خارجه، (۷) مشاورین سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و ضدتروریستی نخست‌وزیر.^۱

... رئیس موساد ریاست وعدت را به عهده دارد و به همین میزان به‌طور مستقیم در برابر نخست‌وزیر مسئول است. اعضا و عناصر وعدت از موقعیت و مقام نسبتاً مساوی و برابر برخوردار هستند.

رئیس موساد که سمت ریاست وعدت را نیز به عهده دارد، به عنوان مقام عالی‌رتبه، از یک نوع برتری در برابر بقیه اعضای وعدت برخوردار است و به همین علت عنوان «میمون»^۲ را به همراه دارد [...]. هر چند که در واقعیت، رئیس اطلاعات نظامی، هم اکنون ریاست موساد را از جهت قدرت و اهمیت تحت‌الشعاع قرار داده است. این موضوع ناشی از ادامه اعتماد و تکیه اسرائیل به قوای نظامی و ارتش در حفظ بقای ملی و حراست از موجودیت جامعه اسرائیلی است.

موساد مسئول جمع‌آوری اطلاعات خارجی و نیز اداره و اجرای برنامه‌های عملیات مخفی در خارج از اسرائیل است.

شین‌بت مسئول ضداطلاعات و امنیت داخلی است.^۳

۱. همان منبع، ص ۲۴.

2. Memune

۳. همان منبع، صص ۲۴ تا ۲۶.

کارکنان سرویس اطلاعاتی اسرائیل

آمار و اطلاعات طبقه‌بندی شده آمریکا درباره آمار و ارقام کارکنان سرویس اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل، حاکی است: حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر پرسنل^۱ در موساد مشغول خدمت بوده که ۵۰۰ نفر از آنان دارای درجه افسری هستند. شین‌بت حدود ۱۰۰۰ پرسنل دارد که ۵۵۰ نفر از آنان درجات نظامی دارند. در سرویس اطلاعات نظامی حدود ۷۰۰۰ پرسنل [بیش از سه برابر موساد] فعالیت دارند که ۴۵۰ نفر آنان افسر و بقیه به عنوان شاغل و کارمند غیرنظامی رده‌بندی شده‌اند. تعداد کارکنان رسمی مرکز تحقیقات و طرح‌ریزی سیاسی وزارت امور خارجه بین ۷۵ تا ۱۰۰ نفر، افراد پلیس ۱۲۰۰۰ نفر و گارد مرزی ۶۰۰۰ نفر هستند. این آمار، کارکنان و پرسنل غیررسمی و نیز مأموران و نیروهای جذب شده غیرکادر این سرویس‌ها را شامل نمی‌شود.^۲

وظایف و مأموریت

بر اساس گزارش سرّی سرویس‌های آمریکایی؛ موساد مسؤول جمع‌آوری اطلاعات خارجی، عملیات سیاسی و فعالیت‌های ضدتروریستی است. در انجام مأموریت جمع‌آوری اطلاعات صحیح و مثبت، وظیفه اصلی موساد در اجرای عملیات انسانی، علیه کشورهای عرب، مقامات و نمایندگان رسمی و تأسیسات آنها در سراسر جهان تنظیم شده است. خصوصاً در اروپای غربی و ایالات متحده، در هر نقطه که منافع ملی اعراب، با منافع اسرائیل در خاورمیانه، اصطکاک پیدا کند، موساد به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه آمادگی، وضعیت روحی و روانی، تسلیحات، تجهیزات و چگونگی اداره و رهبری هر یک از ارتش‌های عرب که در صورت بروز جنگ می‌تواند وارد کارزار علیه اسرائیل شود، می‌پردازد. [...]

از سوی دیگر، موساد مسؤول تحریکات کاملاً حساب شده، آزرده‌گی‌ها و مزاحمت‌هایی برای ایجاد فضای عدم اعتماد متقابل در میان اعراب نیز می‌باشد. [...] ردیابی و خنثی‌سازی

۱. این آمار طبقه‌بندی شده، در مارس ۱۹۷۹م/ اسفند ۱۳۵۷ از سوی سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا به همراه سیا، تهیه و گزارش شده است.

۲. همان منبع، ص ۲۷.

تبلیغات منفی اعراب [علیه اسرائیل] از دیگر وظایف آن است. لبنان در واقع به سبب جمعیت‌های مختلف مسیحی [مارونی‌ها]، دروز^۱ و مسلمانان جاذب‌ترین کشور برای طرح‌های اطلاعاتی است. اسرائیلی‌ها در لبنان دارای تشکیلات مخفی بوده و عملیاتی را در این کشور همسایه شمالی انجام می‌دهند [...].

موساد علاوه بر اجرای عملیات علیه اعراب، نیز در کشورهای اروپای شرقی و غربی جمع‌آوری می‌کند.

کوشش‌های موساد در جمع‌آوری اطلاعات، به خصوص در شوروی، ایالات متحده و سازمان ملل متحد- که تصمیمات و خط‌مشی آن می‌تواند بر اسرائیل و اهداف صهیونیسم تأثیر و انعکاس داشته باشد- متمرکز شده است.^۲

برای موساد، هدف‌های اسرائیل در کشورهای غربی به همان میزان که درباره بلوک شرق یادآوری شد از اهمیت مساوی برخوردار است. موساد، اطلاعاتی در قبال سیاست‌های کشورهای غربی، واتیکان و سازمان ملل متحد، درباره خاورمیانه جمع‌آوری می‌کند. تلاش در افزایش معاملات تسلیحاتی که به نفع نیروهای ارتش اسرائیل است و کسب اطلاعات برای بهره‌برداری در جهت خاموش نمودن دستجات ضداسرائیلی در جهان غرب به عهده موساد است.^۳

ساختار

گزارش طبقه‌بندی شده سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) و دیگر سرویس‌های امنیتی ایالات متحده، در خصوص ساختار و نظام سرویس اطلاعاتی موساد، حکایت از آن دارد که این سازمان از هشت اداره تشکیل شده است:

- ۱- طرح‌ریزی عملیاتی و هماهنگی. ۲- جمع‌آوری. ۳- عملیات سیاسی و روابط وابسته.
- ۴- پرسنلی، مالی، لجستیکی و امنیت. ۵- آموزش و تعلیمات. ۶- تحقیقات. ۷- عملیات تکنیکی. ۸- تکنولوژی.^۴

1. Druze

۲. همان منبع، ص ۴۰-۴۱.

۳. همان منبع، ص ۴۲.

۴. همان منبع، ص ۴۲.

در غیبت رئیس موساد مدیر اداره طرح ریزی عملیاتی و هماهنگی به عنوان رئیس عمل می‌کند. در حالی که در سال‌های قبل، در این گونه شرایط، رئیس اداره جمع‌آوری به عنوان رئیس موساد انجام وظیفه می‌کرد.

اداره جمع‌آوری مسؤول اجرای عملیات مخفی خارجی و ایجاد مقدمات، تهیه و تولید گزارش از منابع مخفی است. این اداره بزرگترین واحد موساد است. ادارات منطقه‌ای تحت کنترل اداره جمع‌آوری و اداره عملیات سیاسی و روابط وابسته عبارتند از:

۱- آمریکای مرکزی ۲- آمریکای جنوبی ۳- اروپای شرقی و شوروی ۴- آفریقا، آسیا و اقیانوسیه ۵- حوزه مدیترانه و خاورمیانه ۶- اروپا ۷- آمریکای شمالی.^۱ این تقسیم‌بندی نشان از گستره فعالیت‌های مخفی و عملیاتی موساد در جهان امروز دارد.

پایگاه‌ها و حوزه‌های عملیاتی

عملیات خارجی موساد به دو طبقه اصلی تقسیم می‌شود: طبقه اول در خاورمیانه، به عنوان خط اول دفاعی و طبقه دوم در قسمت‌ها و مناطق دیگر جهان است.^۲ مقر موساد در خارج از منطقه عربی خاورمیانه، اکثراً تحت پوشش‌های دیپلماتیک، در داخل سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌های اسرائیل است [...]. موساد در ایالات متحده آمریکا، اکثر پایتخت‌های اروپایی، ترکیه و مراکز استراتژیک در آمریکای لاتین، آفریقا و خاور دور پایگاه‌هایی دارد. در ایران در دوران سلطنت پهلوی نیز این پایگاه‌ها مستقر بودند [...].

پایگاه موساد، با دو بخش جداگانه در یک پایگاه، در بعضی کشورها وجود دارد، که یکی برای جمع‌آوری مخفی به‌طور یکجانبه و دیگر برای روابط وابسته اطلاعاتی با سرویس‌های خارجی است. برای مثال در حال حاضر، اسرائیل در پاریس، دارای یک سفارتخانه، یک کنسولگری و یک هیأت از وزارت دفاع است. تحت پوشش سفارت، موساد یک مدیریت

۱. همان منبع، صص ۴۲ و ۴۳.

۲. همان منبع، ص ۴۴.

جمع‌آوری کنترل منطقه‌ای و یک مدیریت عملیات سیاسی و روابط وابسته مربوط به کنترل‌های منطقه‌ای دارد.

مجموعه مستقر در پاریس، در طی سال‌ها، نقطه اتکاء فعالیت‌های اطلاعاتی اسرائیل در قاره اروپا بوده است.

در سوئیس نیز اسرائیل دارای یک سفارت در برن و یک سرکنسولی در زوریخ است که پوشش لازم را برای افسران اداره جمع‌آوری که در عملیات یکجانبه دخالت دارند، به وجود می‌آورند. این تأسیسات دیپلماتیک روابط نزدیکی با کشور سوئیس در سطح داخلی نیز برقرار کرده و در زمینه عملیات آشکار، نظیر امنیت فیزیکی مقامات اسرائیلی و تأسیسات تجاری در این کشور و حفاظت اعضا و کادرهای اسرائیلی همکاری می‌کند. همچنین همکاری نزدیکی بین اسرائیل و سوئیس در زمینه‌های علمی و تکنیکی، مرتبط با عملیات اطلاعاتی و امنیتی برقرار است. مقامات سوئیسی سفرهای متعدد به اسرائیل داشته‌اند و اسرائیلی‌ها نیز به‌طور مداوم به سوئیس رفت و آمد می‌کنند.^۱

موساد با همکاری شین‌بت (سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی اسرائیل) آموزش‌های تکنیکی را به سرویس‌های اطلاعات و امنیت ترکیه و غنا تعلیم می‌دهد. مبادله تجهیزات و اطلاعات تکنیکی با سرویس‌های اطلاعات و امنیت ژاپن نیز برقرار شده است.^۲ در حال حاضر موساد با همکاری شین‌بت روابط وابسته‌ای با سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه از طریق عضویت در گروه کیلوات حفظ کرده است. این گروه تشکیلاتی است که با مسایل تروریسم عرب سروکار دارد و مشتمل بر کشورهای آلمان [غربی سابق]، بلژیک، ایتالیا، انگلستان، لوگزامبورگ، هلند، سوئیس، دانمارک، کانادا، فرانسه، ایرلند، سوئد، نروژ و اسرائیل است.^۳

علی‌رغم قطع روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و بسیاری از کشورهای آفریقایی، اسرائیل هنوز روابط وابسته خوب اطلاعاتی را با تعدادی از سرویس‌های آفریقایی حفظ کرده است. اسرائیل با سرویس کنیا روابط دارد. در آفریقای مرکزی، اسرائیل هنوز در زئیر فعال است. در غرب آفریقا، اسرائیل سرویس امنیت و پلیس لیبریا را آموزش می‌دهد. اسرائیل همچنین در

۱. همان منبع، ص ۴۶-۴۷.

۲. همان منبع، ص ۶۰.

۳. همان منبع، ص ۶۱.

تأسیس سرویس اطلاعات نظامی غنا همکاری داشته است. در آفریقای جنوبی، اسرائیل روابطی با سرویس‌های اطلاعات و امنیت آفریقای جنوبی دارد.

اسرائیل در طی سال‌ها، در آمریکای لاتین بسیار فعال بوده است. یکی از بزرگترین موفقیت‌های اطلاعاتی، دستگیری آدولف آیشمن از رهبران سابق نازی در آرژانتین بود. اخیراً اکثر فعالیت‌های روابط وابسته در آمریکای لاتین در مسایل آموزشی و عملیاتی ضد تروریستی متمرکز شده است. برای مثال کنسولگری اسرائیل در ریودوژانیرو پوشش‌های لازمه را برای پایگاه منطقه‌ای موساد فراهم آورده است، که کشورهای، برزیل، آرژانتین، شیلی و اروگوئه را شامل می‌شود. افسران اطلاعاتی این مرکز برای تعلیم سرویس اطلاعاتی آرژانتین به بوینس آیرس می‌روند [...].

اسرائیل روابط وابسته‌ای با سرویس‌های امنیتی مکزیک، نیکاراگوئه، کاستاریکا، پاناما، جمهوری دومینیکن، ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور و پرو نیز برقرار کرده است [...]. اسرائیل مدت زمانی در آسیای شرقی فعالیت می‌نمود. آنها آموزش اطلاعاتی را در اختیار دولت جمهوری چین (ملی) [تایوان] قرار می‌دادند و روابط وابسته‌ای با آنان داشتند. اسرائیل با ژاپن، تایلند، اندونزی، و سرویس‌های کره جنوبی نیز روابط اطلاعاتی دارد.

بزرگترین مرکز منطقه‌ای موساد در آسیای شرقی در سنگاپور است. رئیس پایگاه موساد، به‌طور مکرر در سرتاسر این منطقه رفت و آمد داشته و با سرویس‌های کشورهای مجاور در حال معامله و عقد قرارداد بوده است. اندونزی به عنوان یک کشور مسلمان، روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل ندارد. بنابراین روابط دوجانبه موساد-اندونزی خیلی محافظه کارانه است. نمایندگان موساد در سنگاپور مورد تأیید و تصویب سرویس اندونزی هستند. همچنین افسران موساد در جاکارتا نیز تحت پوشش‌های تجاری فعالیت می‌کنند.^۱

معیارهای حرفه‌ای

سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا درباره کارکنان، مأموران و کادرهای سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، چهار شاخص و ویژگی را تحت عنوان معیارهای حرفه‌ای

۱. همان منبع، صص ۶۴-۶۳. اطلاعات و آمار مورد استفاده در این قسمت، تماماً بر اساس گزارش‌های طبقه‌بندی شده سِری سازمان سیا و دیگر سرویس‌های اطلاعاتی، جاسوسی و امنیتی ایالات متحده است.

ارزیابی کرده و برشمرده‌اند:

۱- **درستی و تمامیت:** رؤسا و کارمندان عالی‌رتبه جامعه امنیت و اطلاعات اسرائیل دارای عالی‌ترین معیارهای حرفه‌ای در درستی و امانت‌داری [در قبال آرمان و اهداف اسرائیل] بوده و این‌گونه استانداردها را بر اعضای زیرمجموعه خود اعمال می‌دارند [...].

۲- **کارایی:** سرویس‌های امنیت و اطلاعات اسرائیل از بهترین نوع خود در جهان می‌باشند. پرسنل ماهر و تکنیک‌های پیچیده، این سرویس را از تأثیر فوق‌العاده‌ای برخوردار کرده است... تشکیلات این جامعه از آغاز تأسیس اسرائیل، در جذب مجموعه تیمی توانا، تحصیل‌کرده و باسواد از اروپا و خاورمیانه کاملاً موفق بوده است... برای مثال پرسنل گارد کهنه کاملاً به چهار یا پنج زبان خارجی مسلط هستند [...].

این سرویس‌ها توانایی برجسته‌ای در زمینه‌های تشکیلاتی، و ضدجاسوسی و ارزیابی اطلاعاتی که از محافل یهود و دیگر منابع خود در سراسر جهان به دست می‌آورند، دارند [...].

۳- **امنیت:** طبق گزارش‌های واصله، درجه امنیت فیزیکی مقرهای فرماندهی و ادارات مرکزی امنیت و اطلاعات نظامی و غیرنظامی در تل‌آویو بسیار عالی و بالاست. دو سرویس موساد و اطلاعات نظامی در ابتدا در یک مجموعه نظامی عظیم در قلب شهر قرار داشت. ساختمان‌ها توسط گاردهای ارتش و موانع سیم خاردار محکمی حفاظت می‌شود. اطلاعات نظامی در همین محل باقی مانده ولی موساد هم‌اکنون بخشی از یک ساختمان چند طبقه که دارای دفاتر تجارتي است را در آن سوی خیابان این مجموعه نظامی اشغال کرده است. شین‌بت که قبلاً در چند ساختمان در شهر یافا مستقر بود در ژوئن ۱۹۷۰ به مکان جدیدی در شمال تل‌آویو انتقال یافت. حدود ۱۰۰۰ نفر افسر کادر موساد و شین‌بت [دوره آموزشی] بازرسی کامل و طولانی امنیتی را گذرانده‌اند [...].^۱

۱. در این بخش به چگونگی آموزش کادرهای اطلاعاتی و کارکرد حفاظتی و حراستی این سرویس‌ها به‌طور نسبتاً مبسوط اشاره شده است.

۴- روش‌های اخلاقی و انضباطی: موساد و شین‌بت جزء ساختمان سرویس‌های غیرنظامی اسرائیل هستند و نظامیان باید به وسیله امتحانات سرویس‌های غیرنظامی پذیرفته شوند. کسانی که دارای درجه دانشگاهی و در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی باشند ترجیح داده می‌شوند.

پرسنل امنیت و اطلاعات که نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند خود را با زندگی بسته‌ای که مقررات امنیتی و ضروریات و خواص عملیاتی آن را محدود می‌کند، وفق و عادت دهند، برکنار شده و یا در صورتی که عملکردشان، سرویس یا کشور را به خطر اندازد، به سختی تنبیه می‌شوند.^۱

آشنایی با رؤسای موساد

طبق اطلاعات و اسناد موجود، از ابتدای تأسیس موساد تا سال ۱۹۵۲، رویون شیلوا ریاست این سازمان را به عهده داشت. شیلوا در زمان اعلام موجودیت اسرائیل، مشاور ارشد دیوید بن‌گوریون نخست‌وزیر وقت آن رژیم و از یاران قدیمی او در گروه شبه‌نظامی و تروریستی هاگانا و سازمان اطلاعاتی شای بود.

در سال ۱۹۵۲، بن‌گوریون، ایسر هارل^۲ یکی از کهنه کاران جامعه اطلاعاتی یهود را به جای شیلوا به سمت ریاست موساد منصوب کرد. ایسر هارل تا سال ۱۹۶۳ این سمت را به عهده داشت. در این سال مه‌یر یا مایر آمیت^۳ جانشین هارل به عنوان رئیس موساد شد. آمیت نیز در سال ۱۹۶۷ از مقام ریاست موساد برکنار شد و جای خود را به زوی زامیر^۴ داد. نامبرده تا سال ۱۹۷۳ در این سمت باقی ماند و از این سال فردی به نام هوفی^۵ به ریاست موساد برگزیده شد. ژنرال هوفی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در این سمت باقی بود و با رئیس ساواک،

۱. همان منبع، صص ۳۲-۳۸.

۲. در برخی منابع فارسی، از جمله اسناد ساواک، نام ایسر هارل «Isser Harel» به شکل‌های مختلف، از جمله ایزر و آیزر نیز نوشته شده است.

۳. این اسم نیز در متون و منابع فارسی به اشکال مختلف آمده است؛ مثل: مایر آمیت «Meir Amit» مه‌یر آمیت، منیر آمیت.

۴. زوی زامیر «Zamir»، تسوی زمیر، ضمیر و... شکل‌های مختلفی است که در اسناد ساواک و دیگر منابع فارسی آمده است. البته در بیشتر اسناد و گزارش‌های ساواک به صورت ضمیر نوشته شده است.

۵. در بسیاری از گزارش و اسناد ساواک به جای هوفی، خوفی آمده است.

همتای ایرانی خود ارتباط داشت.

رویون شیلوا

رویون شیلوا «Reuven Shiloah» به عنوان اولین رئیس موساد و حتی بنیانگذار آن، پس از تأسیس این سازمان اطلاعاتی، معرفی شده است. او مشاور ارشد دیوید بن گوریون یکی از سران گروه شبه نظامی و تروریستی هاگانا و اولین نخست وزیر رژیم اسرائیل بود. برخی نویسندگان غربی نقش و نفوذ او را در سرنوشت دولت تازه تأسیس اسرائیل بسیار عظیم تصویر کرده و مدعی اند که اکثر کتاب ها و منابع تاریخی او را فراموش کرده اند. شیلوا از بنیانگذاران سازمان اطلاعاتی گروه های تروریستی یهود تحت عنوان شای در سال های دهه ۱۹۳۰ قلمداد شده است. بعضی منابع او را از یهودی های عراقی تبار دانسته و نوشته اند که وی در طول جنگ جهانی دوم تپیی از سربازان یهود تشکیل داد و به عنوان جزیی از ارتش انگلستان در نبرد شرکت کرده بود تا برای دولت آینده صهیونیستی کادر نظامی تربیت کرده باشد. طبق گفته بعضی مأموران سازمان سیا، واحد تحت امر شیلوا در مسیر مهاجرت یهودی ها به فلسطین به مثابه ایستگاهی بسیار مهم به حساب می آمدند و در امر انتقال یهود نقش خیلی مهم به عهده داشتند.

رویون شیلوا در خلال جنگ جهانی دوم با سرویس های اطلاعاتی متفقین در قاهره ارتباط داشت و برای پیشبرد برخی عملیات خود در اروپای اشغالی با آنان همکاری می کرد. به نوشته برخی منابع غربی، شیلوا امور اطلاعاتی را نه فقط روشی برای گردآوری اطلاعات منفی، بلکه به عنوان وسیله ای جهت ایجاد پیوندهای سری بین اسرائیل و دیگر کشورها می دید. گفته می شود که شیلوا در خلال جنگ اول اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸م/ ۱۳۲۷ با ملک عبدالله شاه اردن توافق سری به عمل آورده بود تا در قبال دریافت امتیازاتی با اسرائیل همکاری کند. منابع اسرائیلی با استناد به این موضوع نوشته اند که شیلوا در یکی از عملیات های مخفی آشکار نشده، اما مهم برای اسرائیل نقش اساسی بازی کرده است.

شیلوا در سال ۱۹۵۱، پس از برخی اصلاحات و تغییرات در ساختار سرویس های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل، از سوی نخست وزیر بن گوریون عهده دار مسئولیت موساد شد. شیلوا در سال ۱۹۵۲ از سوی بن گوریون برکنار شد و در پاییز سال ۱۹۵۳ با سمت وزیر

مختار سفارت اسرائیل به واشنگتن رفت. وی تا این تاریخ، در همکاری با آژانس یهود به منظور انتقال یهودی‌های برخی مناطق جهان، به ویژه کشورهای اروپای شرقی به فلسطین، نقش بسیار مهمی ایفا کرد.^۱

ایسر هارل

پس از شیلوا، ایسر هارل «Isser Harel» که هم در پیدایش دولت اسرائیل و نیز ایجاد سرویس اطلاعاتی آن نقش مهمی داشت، در سال ۱۹۵۲ به سمت ریاست موساد منصوب شد.

ایسر هارل قبل از اعلام موجودیت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ م/ ۱۳۲۷ ش، بخش امور یهودی‌ها در سازمان شای را اداره می‌کرد. اما پس از تجدید سازمان اطلاعاتی یهود از سوی بن‌گوریون نخست‌وزیر وقت اسرائیل در همان سال‌های اولیه، وی به سمت رئیس سرویس امنیت داخلی یا شین‌بت منصوب شد.

گفته می‌شود که هارل در یک خانواده ثروتمند روس متولد شده و در سال ۱۹۳۰ با اوراق جعلی و به‌طور قاچاق به فلسطین وارد شده بود. او پس از اینکه ثروت خانواده‌اش در اثر انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ شوروی، ملی شد، دیدگاه‌ها و نظریات سوسیالیستی خود را تغییر داد. مع‌الوصف پس از ورود به فلسطین، دوره‌ای را در مزارع اشتراکی معروف به کیبوتص یهودی‌ها مشغول به کار شد و سپس به کار بسته‌بندی پرتقال روی آورد. او از این طریق توانست به یکی از نوکیسه‌های شمال تل‌آویو (یافا) تبدیل شود. اما ورود و استخدام او در سازمان نظامی و تروریستی هاگانا مسیر زندگی‌اش را به کلی تغییر داد. به‌طوری که یکی از یاران نزدیک بن‌گوریون شد.

نزدیکی هارل به بن‌گوریون در حدی بود که او را به عنوان رئیس شین‌بت و سپس در سال ۱۹۵۲ به جای شیلوا به سمت رئیس موساد منصوب کرد. او حدود یازده سال بر موساد ریاست کرد. و در سال ۱۹۶۳ از این سمت کنار رفت. یادآوری می‌شود که در جنگ سال ۱۹۵۶، معروف به جنگ سوئز که فرانسه و انگلستان و اسرائیل به‌طور مشترک به مصر یورش نظامی بردند، ایسر هارل در این رویداد تاریخی نقش حساسی در هماهنگی با سرویس اطلاعاتی انگلستان و فرانسه به عهده داشت.

۱. ن. ک. کاکبورن؛ یان‌بلک و بن‌مورس؛ اسناد لانه جاسوسی شماره ۱۱؛ استوارت استیون و ساموئل کاتز.

به علاوه نقش ایسرهاول در مقام ریاست موساد، در همکاری نزدیک با آژانس یهود به منظور انتقال یهودی‌های اطراف جهان به فلسطین حائز اهمیت فراوان بوده است.^۱

منابع اسرائیلی و شماری از پژوهشگران و مورخان غربی، نقش ایسرهاول را در پیشبرد استراتژی پیرامونی اسرائیل، از منطقه خاورمیانه تا شمال آفریقا قابل توجه دانسته و ارزیابی کرده‌اند. وی در این سال‌ها ارتباط تنگاتنگی با ساواک ایران برقرار کرده بود. اولین تماس‌ها با تیموربختیار نخستین رئیس ساواک بود که بعدها در زمان پاکروان و نصیری گسترش و افزایش یافت. به هر روی، در منابع مختلف، از هاول نیز، چون شیلوا به عنوان سر جاسوس کهنه کار موساد یاد شده است.

در زمان ریاست او بر موساد، آدولف آیشمن یکی از رهبران حزب نازی آلمان از سوی جاسوسان و مأموران اطلاعاتی آنها ربوده و به فلسطین منتقل و در سال ۱۹۶۲ اعدام شد. هاول، پس از بن‌گوریون، مدتی در زمان نخست‌وزیری لوی اشکول مشاور اطلاعاتی او بود. طبق اسناد موجود وی طی سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ عضو کینست (پارلمان) اسرائیل بود.^۲

مهیر آمیت

مهیر آمیت «Meir Amit» که در اسناد و منابع فارسی به شکل‌های مختلفی، از جمله مشیر آمیت، مهیر آمیت، مه‌ئیر آمیت و... نوشته شده، در سال ۱۹۶۳ به ریاست موساد منصوب شد و تا سال ۱۹۶۸ در این سمت باقی بود.

او در سال ۱۹۲۱ در شهر تیرریاس واقع در کرانه دریای جلیله متولد شد. در سال ۱۹۴۸ به سازمان تروریستی هاگانا پیوست و در جنگ اول اعراب و اسرائیل مشارکت فعال داشت. در سال ۱۹۵۰ از دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل و در سال ۱۹۵۱ به عنوان رئیس بخش عملیاتی ستاد کل ارتش منصوب شد. در سال ۱۹۵۴ به فرماندهی شاخه عملیاتی رسید و در عملیات پنهانی جنگ سال ۱۹۵۶ (سوئز) نقش عمده‌ای داشت. او در این جنگ، در واقع فرمانده دوم ستاد ارتش و در طول نبرد صحرای سینا دستیار اول موشه دایان بود. موفقیت‌های او در این جنگ باعث شد تا فرماندهی جنوبی ارتش اسرائیل به او واگذار شود.

۱. ن. ک: کاکبورن؛ یان‌بلک و بنی‌مورس؛ اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱۱؛ محمد شریده، رهبران اسرائیل، ترجمه بیژن اسدی و مسعود رحیمی، انتشارات کویر، چاپ اول ۱۳۷۸؛ استوارت استیون.

۲. ن. ک: کاکبورن؛ یان‌بلک و بنی‌مورس؛ اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱۱؛ محمد شریده، استوارت استیون.

مهیر آمیت در ژانویه ۱۹۶۲ به ریاست واحد اطلاعات نظامی منصوب شد. یک روز پس از استعفای هارل رئیس موساد، بن‌گوریون با پذیرش این استعفا، مهیر آمیت را به سمت رئیس موساد منصوب کرد. از جمله حوادث تاریخی دوران ریاست آمیت بر موساد، جنگ سال ۱۹۶۷ و اشغال بلندی‌های جولان سوریه، کرانه غربی رود اردن، نوار غزه و صحرای سینا از سوی اسرائیل است که نقش آمیت در آنها قابل توجه بود.

رویداد دیگر ربودن یک میگ ۲۱ روسی متعلق به عراق در زمان ریاست آمیت در موساد بود. وی از طریق همکاری و هماهنگی موساد با سازمان سیا و سرویس اطلاعاتی ترکیه، در اوت ۱۹۶۶ توانست از طریق مأموران اطلاعاتی خود در عراق یک خلبان غیرمسلمان عراقی را جذب و او را به اسرائیل فرار دهد. گفتنی است که یک گروه از فانتوم‌های آمریکا این هواپیما را از مرز ترکیه تا فرودگاه سَری سیا در خاک این کشور تحت حمایت قرار دادند. هواپیما پس از سوخت‌گیری، مجدداً با اسکورت فانتوم‌های آمریکایی به سمت مدیترانه پرواز کرد و به سوی اسرائیل هدایت شد. بر اساس گفته‌های منابع اسرائیلی و غربی، آمیت پس از ورود به موساد به عنوان رئیس، برخی هواداران و نزدیکان رئیس قبلی موساد، یعنی ایسر هارل را برکنار و یا تعویض و سیستم قدیمی موساد را مدرنیزه کرد. این موضوع خشم هارل را برانگیخت به گونه‌ای که از طریق افراد نزدیک خود سعی در کارشکنی و اختلال در کار آمیت می‌کرد. گفته می‌شود در زمان ریاست آمیت ارتباط موساد با سازمان سیا و دیگر سرویس‌های اطلاعاتی و دولت آمریکا بیش از پیش افزایش یافت. خود آمیت اغلب به واشنگتن می‌رفت.^۱

زوی زامیر (ضمیر)

زوی زامیر «Zamir» که در اسناد و ترجمه‌های فارسی به صورت «ضمیر»، «زَمیر»، «تسوی زامیر» و... نوشته شده، یکی دیگر از رؤسای موساد است که پس از برکناری مهیر آمیت در سال ۱۹۶۸، به این مقام منصوب شد.

او در سال ۱۹۲۴ در لهستان متولد و در همان سال، به همراه والدین خود به فلسطین منتقل شد. زامیر در سال ۱۹۴۲ به صفوف گروه شبه‌نظامی و تروریستی پالماخ پیوست و در سال

۱. ن. ک. استوارت استیون، ساموئل کاتز، کاکبون: یان‌بلک و بنی‌مورس.

۱۹۴۴ فرمانده لشکر شد. در جنگ سال ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل، در سمت فرماندهی گردان، به طور فعال در درگیری‌ها شرکت داشت. در سال ۱۹۵۰ به سمت مربی افسرانی که برای ارتقاء به درجات بالا در نظر گرفته می‌شدند تعیین گردید. در سال ۱۹۵۳ در دوره آموزشی افسران ارشد که در انگلستان برگزار شد شرکت داشت. پس از مراجعت از انگلستان به مدیریت دانشکده پیاده‌نظام رسید و در سال ۱۹۵۶ با ترفیع درجه به وزارت دفاع منتقل و بعدها فرمانده تیپ شد. در سال ۱۹۶۲ برای مدتی کوتاه فرماندهی ارتش جنوب را عهده‌دار شد. در ژوئیه ۱۹۶۶ به سمت رایزن نظامی اسرائیل به لندن اعزام شد و در سال ۱۹۶۸ به سمت ریاست موساد منصوب گردید و تا سال ۱۹۷۳، یعنی مدتی پس از جنگ اکتبر (معروف به رمضان، یا به قول اسرائیلی‌ها یوم کیپور) ریاست موساد را به عهده داشت.^۱

اسحاق هوفی (خوفی)

ژنرال اسحاق هوفی «Hofi» که در اسناد و ترجمه‌های فارسی به صورت خوفی ذکر شده، پس از زوی زامیر، در سال ۱۹۷۳ به ریاست موساد منصوب شد.

اسحاق هوفی تا سپتامبر سال ۱۹۸۲ یعنی زمان حمله اسرائیل به لبنان و تجاوز به آن کشور رئیس موساد بود، لیکن در آن زمان تعویض شد و به جای او ژنرال ناهوم ادمونی به ریاست این سازمان اطلاعاتی منصوب شد. زمانی که هوفی به ریاست موساد دست یافت، همتای ایرانی او نصیری بود که سمت ریاست ساواک را به عهده داشت. هوفی تا زمان سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی، در آن ایامی که ناصر مقدم رئیس ساواک بود، همچنان به روابط گرم اطلاعاتی ساواک و موساد تداوم می‌بخشید و آن را تقویت می‌کرد.

هوفی در زمان جنگ ۱۹۷۳ سمت فرماندهی جبهه شمال را عهده‌دار بود. حمله به فرودگاه انتبه در اوگاندا در ژوئن سال ۱۹۷۶ و کشتار هواپیماربایان فلسطینی از اقدامات معروف اسحاق هوفی در زمان ریاست بر موساد بود. در حمله اسرائیل به راکتور اوسیراک عراق در ژوئن سال ۱۹۸۱، هوفی به عنوان رئیس موساد، نقش اساسی و کلیدی به عهده داشت.

۱. ن.ک: استوارت اسیتون؛ ساموئل کاتز؛ یان بلک و بنی موریس؛ کاکبورن.

ناهوم ادمونی

ناهوم ادمونی «Nachum Admoni» چند روز پیش از کشتار صبرا و شتیلا در سپتامبر ۱۹۸۲، درست در زمانی که تجاوز اسرائیل به سرزمین لبنان شروع شده بود، به جای ژنرال اسحاق هوفی، رئیس موساد شد. طبق مدارک موجود او تا سال ۱۹۸۹ م/ ۱۳۶۸ ش، همواره این سمت را به عهده داشت و پس از او سائیرت ماتکال^۱ به سمت ریاست موساد انتخاب و منصوب شد. ادمونی در سال ۱۹۲۹ در بیت المقدس به دنیا آمد. پدر و مادر او از یهودی‌های لهستانی بودند. او در جنگ سال ۱۹۴۸ در شای و شعبه اطلاعاتی ارتش خدمت کرد و در سال ۱۹۴۹ با درجه ستوان یکمی مرخص شد. ادمونی رشته روابط بین‌الملل را در دانشگاه کالیفرنیا-برکلی-گذراند و در سال ۱۹۵۴ به فلسطین بازگشت و همراه دیگران، چون دیوید کیمخی (کیمچی) به کار آموزش روابط بین‌الملل در آموزشگاه سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل پرداخت. گفته می‌شود زمانی که اتیوپی نقش کلیدی در دکترین حاشیه‌ای موساد داشت، ادمونی در نخستین مأموریت خود به آدیس آبابا رفت. وی اواسط دهه ۱۹۶۰ در اوج روابط استراتژیکی فرانسه و اسرائیل در پاریس بود. ناهوم ادمونی دورانی نیز در واشنگتن خدمت کرد و از نزدیک با سازمان سیا کار کرد و در سال ۱۹۷۶ به سمت معاون هوفی رئیس موساد رسید. طبق مندرجات منابع مختلف، ادمونی در سال ۱۹۸۹ م، بازنشسته شد و از ریاست موساد کنار رفت و به جای او سائیرت ماتکال^۱ به ریاست موساد منصوب شد.^۲

نخست وزیران اسرائیل

- دولت اسرائیل از ماه مه سال ۱۹۴۸ م/ اردیبهشت ۱۳۲۷، تاکنون (سال ۲۰۰۳ م/ ۱۳۸۲)، حدود ۲۸ دوره کابینه عوض کرده است.

دیوید بن گوریون

- از آغاز تشکیل رژیم صهیونیستی در تاریخ مذکور، تا پایان سال ۱۹۵۳، دیوید بن گوریون، حدود شش سال نخست وزیر دولت اسرائیل بود.

1. Sayeret Matkal

۲. ن. ک: یان بلیک و بنی موریس؛ احمدی، اسناد و گزارشهای ساواک.

موشه شاروت

- از آغاز سال ۱۹۵۴ تا اوایل نوامبر ۱۹۵۵ موشه شاروت سمت نخست‌وزیری را به عهده داشت.

دیوید بن‌گوریون

- از اوایل نوامبر ۱۹۵۵ تا ژوئیه ۱۹۶۳، به‌طور مجدد، این سمت به مدت قریب نه سال به عهده بن‌گوریون قرار گرفت. بن‌گوریون تقابل اول اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و نیز جنگ سوئز در سال ۱۹۵۶ را به عنوان نخست‌وزیر رهبری کرد.

لوی اشکول

لوی اشکول از ژوئیه ۱۹۶۳ تا مارس ۱۹۶۹، نزدیک به هفت سال، پست نخست‌وزیری را در اختیار داشت. جنگ سال ۱۹۶۷ در زمان نخست‌وزیری او به وقوع پیوست.

گلداسیر

- گلداسیر، چهارمین نخست‌وزیر بود که در پانزدهمین کابینه دولت اسرائیل به این سمت دست یافت. او از مارس ۱۹۶۹ تا اوایل ژوئیه ۱۹۷۴، قریب پنج سال نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود. جنگ رمضان در سال ۱۹۷۳ در زمان نخست‌وزیری او روی داد.

اسحاق رابین

- اسحاق رابین^۱ نخست‌وزیر بعدی اسرائیل بود که در اوایل ژوئیه ۱۹۷۴ به این سمت

۱. اسحاق رابین در اول مارس ۱۹۲۲ در بیت‌المقدس متولد شد. پدرش آمریکایی و اوکراینی‌الصل و مادرش روسی‌تبار بود.

پدر اسحاق رابین از بنیانگذاران جنبش کارگران یهود در فلسطین و مادرش روزا که مدت چند سال نماینده شورای کارگران تل‌آویو بود. از یک مدرسه شبانه‌روزی کشاورزی به نام کالج کادوری فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۴۰ یک جایزه بورس تحصیلی از کمیسر عالی انگلستان در فلسطین دریافت کرد و در همین سال از سوی ایگال آلون فرمانده وقت پالماخ (گروه تهاجم هاگانا، سازمان تروریستی و زیرزمینی یهود) استخدام و به این سازمان ملحق شد و بعدها افسر اجرایی ستاد آلون و سپس رئیس پالماخ شد.

در طول جنگ جهانی دوم، تحت لشکر انگلستان در مناطق فرانسه (ویشی)، لبنان و سوریه در جنگ شرکت کرد. در سال ۱۹۴۸ در اولین تقابل اعراب و اسرائیل فرمانده یک تیپ بود که مأموریت آن حفاظت از جاده منتهی به بیت‌المقدس بود.

برگزیده شد و تا سال ۱۹۷۷، به مدت حدود چهار سال در این مقام باقی ماند.

مناخیم بگین

- مناخیم بگین در ژوئیه ۱۹۷۷، به عنوان نخست‌وزیر آغاز به کار کرد و تا اوت ۱۹۸۱، در این سمت باقی بود. مناخیم بگین اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از حزب لیکود بود. زیرا از ابتدای تشکیل دولت صهیونیستی تا ژوئیه ۱۹۷۷، حدود سی سال این پست در اختیار حزب چپ‌گرای مابای یا کارگر بود.

مناخیم بگین و اسحاق شامیر

- از اوت ۱۹۸۱ تا سپتامبر ۱۹۸۴، طی مدت حدود سه سال، در کابینه بیستم و بیست‌ویکم، مناخیم بگین و اسحاق شامیر پست نخست‌وزیری را عهده‌دار بودند.

اسحاق شامیر و شیمون پرز

- طی سپتامبر ۱۹۸۴ تا دسامبر ۱۹۸۸، یعنی کابینه ائتلافی بیست‌ودوم، اسحاق شامیر و شیمون پرز سمت نخست‌وزیری را به عهده داشتند.

اسحاق شامیر

اسحاق رابین پس از حضور در کالج ستاد کمبریج انگلستان در سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۳، به عنوان رئیس اداره آموزش نظامی منصوب و در سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ فرمانده منطقه شمالی و سپس رئیس عملیات ستاد کل شد. در سال ۱۹۶۰ یک دوره دو ماهه آموزشی برای آشنایی با سلاح‌های مدرن را در تگزاس گذراند و پس از آن به سمت قائم‌مقام رئیس ستاد ارتش منصوب شد. در سال ۱۹۶۴ به ریاست ستاد نیروی دفاعی اسرائیل رسید و در سال ۱۹۶۷ در زمان جنگ ژوئن، وزیر دفاع بود. از ژانویه ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ سفیر اسرائیل در آمریکا و از سال ۱۹۷۴ نماینده کِیست (پارلمان اسرائیل) بود. در دولت گلدامایر وزیر کار شد و در ژوئن ۱۹۷۴ به نخست‌وزیری رسید و تا سال ۱۹۷۷ این سمت را به عهده داشت تا مناخیم بگین به عنوان نخست‌وزیر بر سر کار آمد. البته در سال ۱۹۷۷ به دلیل رسوایی ناشی از کشف حساب همسر اسحاق رابین در یکی از بانک‌های آمریکا که امری غیرقانونی در دولت اسرائیل محسوب می‌شد، از سمت خود استعفا داد. رابین در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ وزیر دفاع بود که سیاست «مشت آهنین» و شکستن استخوان را در انتفاضه اول علیه فلسطینی‌ها در دستور برنامه خود قرار داد.

اسحاق رابین در سال ۱۹۹۲ با پیروزی حزب کارگر مجدداً به نخست‌وزیری رسید و در سال ۱۹۹۳ پیمان صلح موسوم به قرارداد آسلو را با یاسر عرفات امضا و در سال ۱۹۹۴ جایزه صلح نوبل را به‌طور مشترک، با یاسر عرفات و شیمون پرز دریافت کرد. او در چهارم نوامبر ۱۹۹۵، در سن ۷۳ سالگی، در تل‌آویو به دست یک دانشجوی یهودی ترور شد.

- اسحاق شامیر از دسامبر ۱۹۸۸ تا ژوئیه ۱۹۹۲ نیز سمت نخست‌وزیری را در دست داشت.

اسحاق رابین و شیمون پرز

- از ژوئیه ۱۹۹۲ تا ماه مه ۱۹۹۶، در بیست و پنجمین کابینه دولت صهیونیستی، اسحاق رابین و شیمون پرز، از حزب کارگر سمت نخست‌وزیری را عهده‌دار بودند.

بنیامین نتانیا‌هو

- بنیامین نتانیا‌هو، از حزب لیکود طی ماه مه ۱۹۹۶ تا ماه مه ۱۹۹۹ نخست‌وزیر کابینه بیست و ششم اسرائیل بود.

ایهود باراک

از ماه مه ۱۹۹۹ تا اوایل فوریه ۲۰۰۱، ایهود باراک از حزب کارگر پست نخست‌وزیری را در اختیار داشت.

آریل شارون

- آغاز انتفاضه مسجدالاقصی در سپتامبر سال ۲۰۰۰ م / مهر ۱۳۷۹، کابینه بیست و هفتم اسرائیل و نخست‌وزیری باراک را با تهدید و سپس شکست مواجه کرد.
آریل شارون در ۶ فوریه سال ۲۰۰۱ م، فعالیت خود را به عنوان نخست‌وزیر در کابینه بیست و هشتم آغاز کرد و همچنان (آذر ۱۳۸۲ ش / دسامبر ۲۰۰۳ م) این پست را در دست دارد.

رؤسای جمهور اسرائیل

از سال ۱۹۴۸ ش، تاکنون (دسامبر ۲۰۰۳ م / آذر ۱۳۸۲ ش) هشت نفر پست ریاست جمهوری اسرائیل را به دست گرفته‌اند که به ترتیب عبارتند از:

حیم وایزمن

- **حییم وایزمن** در سال ۱۹۴۸ ریاست دولت موقت را به عهده گرفت و در فوریه ۱۹۴۹ از سوی کِنِست به عنوان اولین رئیس جمهور اسرائیل انتخاب شد. او در دسامبر ۱۹۵۱ برای دومین بار به این سمت برگزیده شد، لیکن در نوامبر ۱۹۵۲ درگذشت.

اسحاق بن زوی

- دومین رئیس جمهور اسرائیل **اسحاق بن زوی** بود که از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۳ به مدت یازده سال این سمت را در اختیار داشت.

زالمان [سلیمان] شازار

- **زالمان [سلیمان] شازار** سومین رئیس جمهور اسرائیل در ماه مه سال ۱۹۶۳ به این سمت انتخاب شد و تا سال ۱۹۷۳، حدود ده سال در این سمت باقی ماند.

افرائیم کاتزیر

- **افرائیم کاتزیر** از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸، چهارمین نفر بود که پست ریاست جمهوری اسرائیل را عهده دار بود.

اسحاق ناوون

- پنجمین رئیس جمهور اسرائیل **اسحاق ناوون** بود که از ماه مه ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ در این سمت باقی بود.

حییم هرتزوک

- **حییم هرتزوک**^۱، ششمین رئیس جمهور اسرائیل بود که طی سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳ به

۱. **حییم هرتزوک** در سال ۱۹۱۸ در بلفاست واقع در ایرلند شمالی متولد شد. پدرش **خاخام بزرگ یهودی‌های ایرلند** بود. در سال ۱۹۳۵ به فلسطین رفت. رشته حقوق را در دانشگاه‌های لندن و کمبریج خواند. او در دوران تحصیل، ریاست سازمان دانشجویان انگلیسی و ایرلندی را به عهده داشت. در جنگ جهانی دوم داوطلبانه به ارتش انگلستان پیوست و پس از جنگ به فلسطین بازگشت و در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ مسؤول بخش امنیت آژانس یهود بود. در اولین تقابل اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به عنوان افسر عملیات یکی از تیپ‌ها در منطقه قدس فعالیت می‌کرد. **هرتزوک** طی سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ رئیس اداره اطلاعات ارتش و از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴ وابسته نظامی اسرائیل در واشنگتن بود. او از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۷ رئیس ستاد منطقه نظامی قدس، از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۹ رئیس ستاد منطقه نظامی

مدت ده سال، این پست را به عهده داشت.

عزر وایزمن

- هفتمین نفر، عزر وایزمن برادرزاده حییم وایزمن اولین رئیس جمهور اسرائیل، بود که از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۰ سمت رئیس جمهوری رژیم صهیونیستی را به عهده داشت.

موسی قصاب (موشه کاتساف)

- موسی قصاب یا موشه کاتساف هشتمین رئیس جمهور اسرائیل است که در سال ۲۰۰۰ به این سمت انتخاب و تاکنون در این مسئولیت باقی مانده است. نامبرده در سال ۱۹۴۵ م/ ۱۳۲۴ ش، در شهر یزد، در ایران متولد و در سال ۱۹۵۱ م/ ۱۳۳۰ ش، به همراه خانواده اش عازم فلسطین شد.^۱

جنوب و از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲ رئیس اداره اطلاعات نظامی ارتش بود. نامبرده از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۲ ریاست صنایع نظامی اسرائیل و در جنگ ۱۹۶۷ مدیریت جنگ روانی در ارتش رژیم صهیونیستی را به عهده داشت.

او اولین فرماندار نظامی کرانه باختری رود اردن پس از اشغال این سرزمین بود. هرگز وگ از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ رئیس هیأت نمایندگی اسرائیل در سازمان ملل و از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ نماینده کینست و از ماه مه ۱۹۸۳ تا ماه مه ۱۹۹۳ رئیس جمهور اسرائیل بود. (شریده؛ عبداللہی و زیبایی).

۱. درباره نخست وزیران و رؤسای جمهور اسرائیل؛ ن.ک: محمدشریده، عبداللہی، زیبایی، کاکبورن، ساموئل کاتز؛ لنی برنر، صبری جریس و احمد خلیفه.

تأسیس ساواک

درباره فلسفه تأسیس ساواک و چگونگی پیدایش این سازمان، اظهارات و اطلاعات گوناگونی تاکنون ارایه شده است که صرف نظر از بعضی جزئیات، در مجموع و در کلیات همسو و هماهنگ و یا نزدیک به هم به نظر می‌رسند.

ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران عصر پهلوی، در این باره نوشته است: در سال ۱۹۵۷ سازمان سیا طرح و چارچوب تشکیلاتی یک سازمان جدید اطلاعاتی را به شاه داد و خود در تأسیس و سازمان دادن آن مشارکت کرد. این تشکیلات که به نام سازمان اطلاعات و امنیت کشور نامیده می‌شد به زودی به نام مخفف آن یعنی «ساواک» شهرت یافت. مأموران ساواک ابتدا دوره‌های تعلیماتی خود را در آمریکا می‌دیدند ولی بعدها اسرائیل هم به یکی از مراکز تعلیماتی ساواک تبدیل شد. تعلیماتی که در آمریکا و اسرائیل به مأموران ساواک داده می‌شد، علاوه بر آموزش‌های عمومی پلیسی و اطلاعاتی، تعلیمات ویژه مبارزه با روش‌های جاسوسی روس‌ها و کشف رمزهای پیچیده جاسوسی آنها را شامل می‌شد.^۱ به نوشته ارتشبد فردوست: پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که آمریکایی‌ها با قدرت تمام وارد صحنه شدند و تصمیم گرفتند که ایران را به عنوان پایگاه اصلی خود در منطقه حفظ کنند، در درجه اول به ایجاد دستگاه ضداطلاعات ارتش و تقویت آن و در درجه دوم به تأسیس سازمان امنیت کشور (ساواک) پرداختند.

طبیعی بود که اگر ایران می‌بایست پایگاه اصلی آمریکا در منطقه باشد، به یک سیستم

۱. ویلیام سولیوان و سرآنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، انتشارات علم، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۹۵.

اطلاعاتی و امنیتی قوی نیاز داشت؛^۱ تا هر گونه موانع داخلی و خارجی را که سدّی در برابر اهدافشان باشد از سر راه بردارد. بر این اساس، فلسفه و انگیزه ایجاد ساواک، خود توجیه گر جنایات وحشتناک این سازمان علیه مردم ایران از یک سو و خیانت‌های آشکار آن در همکاری و همراهی با آمریکا و متحد استراتژیک آن، یعنی اسرائیل بود که کاملاً مغایر و بلکه متضاد با منافع ملی کشور و مردم مسلمان ایران و نیز جهان اسلام بود.

به اعتراف نویسندگان غربی، ساواک بزرگترین دستگاه سرکوب و کشتار مردم مسلمان بود: ساواک به مراتب مهمترین و کارآمدترین جزء دستگاه سرکوب بود. با این که پرسنل آن در آغاز عمدتاً از نیروهای مسلح و پلیس برگزیده شده بودند، به زودی روش‌های عضوگیری نیرومندی برقرار کرد. ... چون سطح آموزش و توانایی‌های فنی آن افزایش یافت، قدرت آن روز به روز بیشتر بر توانایی‌اش در استفاده از فنون جدید اطلاعاتی از قبیل مراقبت الکترونیک، پرونده‌های زندگی نگاشتی کامپیوتری، روش‌های تحلیلی پیشرفته و عملیات پیچیده تحریک و تبلیغ متکی شد. با این همه، ساواک با شکنجه و اعدام روزمره مخالفان شاه و آفریدن جوّ همه جا حاضر ترس و ارعاب در میان مخالفان، تصویر بسیار ددمنشانه‌ای از خود حفظ کرد (و حتی ایجاد کرد).^۲

نویسنده در مورد آمار و ارقام مأموران و حقوق‌بگیران ساواک می‌نویسد:

تعداد پرسنل تمام وقت ساواک از تقریباً ۲۰۰۰-۲۴۰۰ نفر در اوایل ۱۹۶۰ [۱۳۳۹ ش] به ۷۰۰۰-۱۰۰۰۰ نفر در اواخر ۱۹۷۰ [۱۳۴۹] افزایش یافت. به علاوه، ساواک تعداد زیادی خبرچین و گردن کلفت پاره وقت داشت که در اواخر [دهه] ۱۹۷۰ شاید به ۲۰۰۰۰-۳۰۰۰۰ نفر می‌رسیدند.^۳

اما شاه با نفی و رد هر گونه شکنجه زندانیان سیاسی، مدعی شده بود که حتی یک نفر در زندان‌ها به دست ساواک به قتل نرسیده است:

با تأکید می‌گویم که با آنان [زندانیان سیاسی] خیلی خوب رفتار می‌شد و هرگز به هیچ

۱. خاطرات ارتشید حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه اطلاعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ سوم، ۱۳۷۰، ص ۳۸۲.

۲. مارک ج. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز، تهران چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸.

۳. همان منبع، ص ۲۵۸.

وجه به آزار آنها نمی پرداختند. کسی نمی تواند از یک مرد سیاسی نام ببرد که به وسیله ساواک از میان برداشته شده باشد.^۱

علی رغم چنین ادعایی از سوی شاه، مارگارت لاینگ، تعداد اعدام های سیاسی در ایران در دهه ۱۹۷۰، طی مقطع سه سال را بیش از ۲۵۰ نفر و به علاوه ۹۰ مورد قتل در اثر تیراندازی های رو در رو به افراد، اعلام کرده و معتقد است که سازمان عفو بین الملل بیش از این رقم آمار ارایه داده است.^۲

او ساواک را خشن ترین پلیس مخفی جهان دانسته و می افزاید ساواک در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، پس از کودتای دکتر مصدق، فرار شاه و ضدکودتای ۲۸ مرداد آمریکا در ایران، تأسیس یافت و با کمک سازمان «سی. آی. ای» ایالات متحد و سازمان جاسوسی و ضدجاسوسی «موساد» اسرائیل، اکنون قوی ترین و کارآترین سازمان های دنیاست که در آن محال است دستوری صادر شود و به نحوی در سراسر دنیا اجرا نگردد (قتل بختیار در کوهستان های عراق مثال بدی نیست). یک متخصص انگلیسی در این رشته می گوید:

آنها در نهایت درجه مؤثر و کاربر هستند و مطمئناً خشن ترین پلیس مخفی جهان.^۳

محمدرضا پهلوی در کتاب پاسخ به تاریخ بدون اشاره به نقش اسرائیلی ها و مأموران موساد در ساواک، بختیار را مسبب و عامل همکاری سیا با ساواک، آن هم در حد مشاوره قلمداد و از سوی دیگر، به طور تلویحی او را مسبب جنایات ساواک معرفی کرده و درباره عاقبت اولین رئیس ساواک چنین می گوید:

این سازمان در سال ۱۹۵۳ به ژنرال بختیار سپرده شد و او سازمان سیا را برای مشاوره به کار گرفت. در نتیجه بسیاری از افسران ساواک برای کسب تعلیمات سیا به لانگلی رفتند و بعضی نیز به دیگر کشورهای غربی اعزام شدند تا شیوه هایی را که در آنجا به کار می رفت فرا گیرند.

ژنرال بختیار تا سال ۱۹۶۲ این سمت را داشت و در آن تاریخ ناگزیر شدم این آدم حریص و جاه طلب را کنار بگذارم. وی برای رسیدن به مقاصد خویش روش های غیر قابل تحملی را به کار می برد. او تبعید شد و برای دسیسه کاری به بیروت رفت؛ چند سال بعد هم در عراق

۱. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه محمدحسین ابوترایان، ناشر، مترجم، تهران، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۳۴۲.

۲. مارگارت لاینگ، مصاحبه با شاه، ترجمه اردشیر روشنگر، نشر البرز، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۱، ص ۲۹۹.

۳. همان منبع، صص ۲۹۰-۲۹۱.

ترور شد.^۱

علی‌ایحال، آن‌گونه که نویسندگان و تحلیل‌گران غربی به صراحت اشاره کرده‌اند؛ ساواک مسئولیت امنیت خارجی و داخلی رژیم را برعهده داشت و معروف بود که نقش‌گوش و چشم شاه را ایفا می‌کند.^۲ ماروین زونیس، ضمن تصریح به این موضوع، در عین حال معتقد است که؛ در تحلیل نهایی این تیمسار فردوست بود که چشم و گوش شاه محسوب می‌شد نه ساواک یا سازمان اطلاعات ارتش.^۳

بر این اساس، اطلاعاتی که فردوست از نهانخانه دربار و ساواک ارایه می‌دهد به واقعیت بسیار نزدیکتر از بسیاری نوشته‌های تاریخی و خاطره‌نگاری‌هاست.

ساختار تشکیلاتی

ارتشبد حسین فردوست درباره پیشینه و نمودار تشکیلاتی سازمان ساواک چنین می‌نویسد:

در سال ۱۳۴۰ از سوی محمدرضا مأمور تجدید سازمان و راه‌اندازی سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) شدم [...] در نخستین قدم، شناخت سازمانی که مأمور راه‌اندازی آن بودم ضرورت داشت. وضع سازمان را مطالعه کردم و با تک‌تک مدیران کل بحث نمودم. بدین ترتیب، مشخص شد که از سال ۱۳۳۵، ساواک توسط ۱۰ مستشار آمریکایی طبق قواره سازمان خودشان سازماندهی شده است. با این تفاوت که چون فعالیت خارجی ایران ناچیز است، مانند سیا بدان سازمان مستقلی نداده و این وظایف را به همراه وظایف امنیتی درون یک سازمان گنجانیده و نام آن را سازمان اطلاعات و امنیت کشور گذارده‌اند. همان‌طور که قبلاً گفته‌ام، اطلاعات در مفهوم بین‌المللی آن به معنای اطلاعات خارجی است. بنابراین ساواک دو وظیفه اطلاعاتی (خارجی) و امنیتی (داخلی) را به عهده داشت و تلفیقی بود از دو سازمان «سیا» و «F.B.I»؛ بدین ترتیب که ادارات کل سوم و هشتم وظایف «F.B.I» و ادارات کل دوم و هفتم وظایف سیا را انجام می‌دادند. چارتی که توسط هیأت مستشاری آمریکا از سال ۱۳۳۵ پیاده شده بوده به شرح زیر بود:

۱. محمدرضا پهلوی، ص ۳۳۸.

۲. ماروین زونیس، شکست شاهانه، ترجمه عباس مخبر، طرح نو، تهران، چاپ اول ۱۳۷۰، صص ۱۶۵.

۳. همان منبع، ص ۲۵۴.

- ۱- رئیس ساواک؛
 - ۲- معاون یکم (عملیاتی)؛
 - ۳- معاون دوم (اداری)؛
 - ۴- اداره کل یکم (امور اداری)؛
 - ۵- اداره کل دوم (کسب اطلاعات خارجی)؛
 - ۶- اداره کل سوم (امنیت کشور)؛
 - ۷- اداره کل چهارم (حفاظت پرسنل و اسناد و اماکن)؛
 - ۸- اداره کل پنجم (امور فنی)؛
 - ۹- اداره کل ششم (امور مالی)؛
 - ۱۰- اداره کل هفتم (بررسی اطلاعات خارجی)؛
 - ۱۱- اداره کل هشتم (ضدجاسوسی).^۱
- بر اساس مندرجات اسناد سال ۱۳۵۲ ساواک (معاونت بررسی‌های استراتژیک)، نمودار تشکیلات حوزه ریاست ساواک شامل بخش‌ها و واحدهای زیر بود:
- ۱- دفتر ریاست ساواک ۲- دفتر قائم مقام ساواک ۳- صندوق ویژه مشاوران رئیس ساواک
 - ۵- کنترلی ۶- بازرسی کل ۷- دبیرخانه شورای امنیت ملی ۸- پیمان‌ها^۲

ارکان ساواک

بر اساس شرح وظایف، مأموریت و عملکرد ساواک و به علاوه آن گونه که از اسناد و اطلاعات به جا مانده از آن دوران، به ویژه اظهارات و اعترافات افراد بسیار مطلع و نزدیک به آن تشکیلات، از جمله حسین فردوست برداشت می‌شود؛ بعضی ادارات کل و سازمان‌های زیر مجموعه ساواک، در مقایسه با بقیه، نقش و مأموریت اصلی و عمده را به عهده داشتند. از میان این مجموعه‌ها، می‌توان به سازمان اطلاعات خارجی یا اداره‌های کل دوم و هفتم ساواک، سازمان امنیت داخلی یا اداره کل سوم ساواک و سازمان ضدجاسوسی یعنی اداره کل هشتم ساواک اشاره کرد. با توجه به جایگاه و مأموریت و نقش این سازمان‌ها و ادارات کل،

۱. خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۴۰۸-۴۰۹.

۲. تقی نجاری‌راد، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۵۳. به نقل از اسناد معاونت بررسی‌های استراتژیک ساواک.

شرح اجمالی درباره ساختار و عملکرد و وظایف آنها خالی از فایده نیست.

سازمان اطلاعات خارجی (اداره کل دوم و هفتم) ساواک

ارتشبد سابق، فردوست به عنوان مطلع ترین فرد نسبت به سرویس اطلاعاتی ایران و اسرار درون گروهی آن، درباره سازمان اطلاعات خارجی، متشکل از اداره کل دوم و هفتم ساواک چنین گفته است:

در دورانی که در ساواک بودم [سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰]، سازمان اطلاعات خارجی ساواک یک رئیس داشت که سرلشکر علی معتمد بود. او در زمانی تا ۳ معاون داشت که به تدریج حذف شدند. دو اداره کل دوم و هفتم تحت امر رئیس اطلاعات خارجی بود. این سازمانی بود که مستشاران امریکایی طبق الگوی سیا به سازمان اطلاعات خارجی ساواک دادند و بعداً در گفتگو با عضو بلندپایه سازمان امنیت اسرائیل متوجه شدم که با سازمان اطلاعات اسرائیل نیز تطابق دارد. با این تفاوت که در انگلستان و آمریکا، سازمان اطلاعات (خارجی) مستقل است و جدا از سازمان امنیت عمل می‌کند و در اسرائیل سازمان اطلاعات هر چند جدا از سازمان امنیت است، ولی مستقل نیست و تابع ستاد ارتش می‌باشد زیرا اسرائیلی‌ها خود را در شرایط جنگ می‌دانند و طبعاً هدف اصلی آنها اطلاعات نظامی است [...] .

در ساواک، امریکایی‌ها سازمان اطلاعات (خارجی) را به صورت دو اداره کل (دوم و هفتم) در کنار سازمان امنیت (داخلی) جای دادند، با این منظور که ایران به کسب اطلاعات خارجی گسترده نیاز ندارد و برای ایجاد هماهنگی میان این دو اداره کل در رأس آن یک رئیس اطلاعات خارجی قرار دادند، که عنوان رسمی او معاونت اطلاعات خارجی ریاست ساواک بود.

اداره کل دوم: اداره کل دوم ساواک، اداره کل کسب اطلاعات خارجی بود، که پس از کسب اطلاعات آن را برای بررسی به اداره کل هفتم ارسال می‌داشت. مدیر کل آن منصور قدر بود که در سال ۱۳۴۶ به عنوان سفیر به اردن رفت و معاون او سرتیپ فرازبان مدیر کل شد. فرازبان بر کار خود تسلطی نداشت ولی فرد آرامی بود و لذا توانست اداره کل دوم را به نحو منظمی اداره کند. قبلاً توضیح دادم که آموزش اداره کل دوم توسط استادان اسرائیلی، بخصوص رئیس

پایگاه برون مرزی اسرائیل در خوزستان، صورت گرفت و آنها نقش اساسی در ارتقاء کیفیت این اداره کل داشتند.

اداره کل دوم از دو طریق کسب اطلاعات می کرد: اول، از طریق پایگاه های برون مرزی. لذا در کلیه ساواک های مرزی شعبه برون مرزی وجود داشت و علیرغم ضعف آنها، به هر حال توانسته بود شبکه هایی در مرزهای عراق و افغانستان ایجاد کند و اطلاعاتی کسب نماید. در واقع امکانات برون مرزی ایران (در رابطه با کشورهای عربی) عمدتاً توسط پایگاه های برون مرزی اسرائیل جذب شد و آنها بعداً هدایت کلیه این شبکه عظیم را به تل آویو منتقل کردند و چیزی نصیب ساواک نشد. دومین طریق کسب اطلاعات اداره کل دوم روش ایجاد پایگاه در کشور هدف بود و در واقع بیشتر اطلاعات از این طریق کسب می شد، بدان معنا که اداره کل دوم از طریق وزارت خارجه افرادی را با سمت دبیر سفارت به سفارتخانه های ایران در منطقه اعزام می داشت. این افراد آموزش دیده با شرکت در دعوت های سفارتخانه ها و شرکت در مراسم و پیدا کردن دوستان همتای خود در سایر سفارت خانه های منطقه و مسافرت به شهرهای مختلف و مشاهده وضع مردم و مطالعه روزنامه ها و ارسال یک نسخه به مرکز و غیره از طرق علنی می توانستند تقریباً ۹۰٪ نیازهای اطلاعاتی اداره کل دوم را تأمین کنند. اگر گفته استاد/یتلیجنس سرویس را بپذیریم که سیاه ۹۵٪ اطلاعات خود را از منابع علنی کسب می کند و تنها ۵٪ اطلاعات آن اطلاعات طبقه بندی شده کشورهای هدف است، در مورد اداره کل دوم طبعاً حتی نمی توانست یک درصد اطلاعات خود را از طریق اطلاعات طبقه بندی شده تأمین کند. لذا می توان گفت که بیش از ۹۹٪ اطلاعات اداره کل دوم اطلاعات علنی بود که از طریق کارمندان ساواک مستقر در کشورهای هدف کسب می شد. مع هذا، زمانی که اطلاعات فوق از طریق بولتن اداره کل هفتم به دفتر ویژه اطلاعات منعکس می شد و با اطلاعات ارسالی اداره دوم ارتش درباره کشورهای هدف تلفیق می شد، تصویر نسبتاً جامعی از کشورهای منطقه به دست می آمد [...] .

اداره کل هفتم: اداره کل هفتم ساواک مسئول بررسی اطلاعات (خارجی) ارسالی از اداره کل دوم بود و ریاست آن با سرتیپ کاوه بود که بر کار خود تسلط کامل داشت. از آنجا که وظایف اداره کل هفتم ارتباط مستقیم با وظایف اداره کل دوم داشت، لذا سازمان آن نیز منطبق با سازمان اداره کل دوم بود. برای مثال، اگر در اداره کل دوم بخش یک مسؤول جمع آوری

اطلاعات از عراق بود، در اداره کل هفتم نیز بخش یک مسئول بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده از عراق بود. تنها در اداره کل دوم اداره برون‌مرزی بود که طبعاً اداره کل هفتم فاقد آن بود. **اداره کل هفتم** با بررسی اطلاعات واصله از اداره کل دوم و نیز بررسی کتب و مجلات و روزنامه‌های مربوط به کشورهای هدف و نیز اخبار رادیویی روزانه واصله از وزارت اطلاعات سابق، به خوبی می‌توانست ماهیانه یک بولتن راجع به هر کشور هدف تنظیم کند و وضع کشور مربوطه در آن ماه را ترسیم نماید [...].

کشورهای هدف در اداره کل هفتم ساواک و اداره دوم ارتش از نظر اهمیت دارای درجه‌بندی بود: کشورهای همسایه در درجه اول، کشورهای منطقه در درجه دوم و سایر کشورهای هدف در درجه سوم اهمیت قرار داشت. وزارت خارجه نیز موظف بود کلیه اطلاعاتی را که از سفارتخانه‌ها دریافت می‌داشت و برای درج در بولتن مفید تشخیص می‌داد، به اداره کل هفتم ساواک و اداره دوم ارتش منعکس کند.^۱

سازمان امنیت داخلی (یا اداره کل سوم) ساواک

دقیق‌ترین و صحیح‌ترین اطلاعات درباره سازمان امنیت داخلی یا اداره کل سوم ساواک، همان است که فردوست در بازجویی‌های خود نوشته است:

در ساواک، امنیت داخلی کشور به عهده اداره کل سوم بود. اداره کل سوم مهمترین اداره کل عملیاتی ساواک بود و گسترده‌ترین تشکیلات را داشت و زیر نظر ساواک اداره می‌شد. وظیفه اصلی اداره کل سوم، اطلاعات و عملیات ضدبراندازی بود که این وظیفه به اضافه وظیفه ضدجاسوسی در آمریکا و وظایف F.B.I و در انگلستان و وظایف MI-5 را تشکیل می‌دهد. باید اضافه کنم که به علت اهمیت این اداره کل، در مواردی عملیات خارج از کشور را نیز به عهده می‌گرفت، که معروفترین نمونه آن عملیات ترور تیمور بختیار بود.

برای ارتقاء این اداره کل به سطح مورد نظر محمدرضا از انگلستان و آمریکا درخواست استاد ضدبراندازی کردم. صلاحشان نبود که بفرستند و می‌خواستند که ساواک وابسته و متکی به اسرائیل باشد. از نیمرودی خواسته شد و برجسته‌ترین متخصص ضدبراندازی اسرائیل را به تهران اعزام داشت. او همان فردی است که کراراً درباره‌اش نوشته‌ام و به

۱. خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۴۶۰ تا ۴۶۲.

معاونت سازمان امنیت اسرائیل رسید و این اطلاع را نیم‌رودی نیز تأیید کرد. دوره آموزش او ۳ ماه بود و در این ۳ ماه استعداد فوق‌العاده او برای رسیدن به عالی‌ترین مقامات اطلاعاتی و امنیتی برایم کاملاً مشهود بود. در کلاس او حدود ۳۰ نفر آموزش داده شدند.^۱

سازمان ضدجاسوسی (یا اداره کل هشتم) ساواک

سازمان ضدجاسوسی ساواک، اداره کل هشتم نام داشت که از آغاز تأسیس ساواک توسط آمریکایی‌ها ایجاد شد و بر اساس چارت خود آنها با دقت سازمان یافت. اداره کل هشتم از اهداف اصلی غرب در ساواک بود و در طول موجودیت ساواک رئیس MI-6 سفارت انگلستان و رئیس «سیا»ی سفارت آمریکا به‌طور منظم با آن ارتباط داشتند و اطلاعات مفید را دریافت می‌کردند. در زمان من [۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰] که فردوست قائم‌مقام ساواک بود، [مدیر کل هشتم ساواک سرتیپ هاشمی بود که در کار خود تسلطی نداشت ولی معاون او، قاجار، فرد مسلطی بود که رئیس ضداطلاعات ارتش شد و در درجه سرلشکری خود را بازنشسته کرد و به آمریکا رفت. اداره کل هشتم ساواک در مرکز مستقیماً عمل می‌کرد و در درون برخی ساواک‌ها [ادارات ساواک در شهرها و مراکز استان‌ها] که اهداف ضدجاسوسی وجود داشت یک سازمان ضدجاسوسی ایجاد کرده بود.

فعالیت‌های اداره کل هشتم با هدف کنترل عناصر اطلاعاتی اتحاد جماهیر شوروی سابق به شرح زیر بود:

- ۱- شناسایی پرسنل اطلاعاتی و مأمورین سفارتخانه‌های هدف.
- ۲- کنترل ورود و خروج اعضاء سفارتخانه‌های هدف و مراجعه کنندگان.
- ۳- تعقیب و مراقبت اعضاء مورد نظر سفارت یا مراجعه کننده.
- ۴- تماس با افراد ملاقات شده و شناسایی و اجرای عملیات ویژه روی آنها.
- ۵- شناسایی افراد ایرانی شاغل در سفارتخانه‌های هدف و استفاده از آنها.
- ۶- ارتباط با کارمندان اطلاعاتی سفارتخانه‌های دوست.^۲

۱. همان منبع، صص ۴۶۲-۴۶۳.

۲. همان منبع، صص ۴۵۶ تا ۴۵۸.

ادوار تاریخی

حسین فردوست برای ساواک چهار دوره را ذکر کرده است که عبارتند از:
اولین دوره از تأسیس رسمی ساواک در اسفند ۱۳۳۵ تا برکناری تیمور بختیار در اسفند ۱۳۳۹ است.^۱

ساواک در دوران بختیار، تنها یک چارت روی کاغذ بود و پرسنل آن از ۱۵۰ نفر تجاوز نمی کرد. ساواک در واقع بختیار بود و علوی کیا [معاون وی] و دو برادر امجدی (سرلشکر امجدی و سرتیپ مصطفی امجدی مدیر کل سوم). کل این تشکیلات بازیچه امجدی ها بود، که به نفع بختیار کار می کردند و بودجه هنگفت ساواک که ۸۰٪ آن را به عنوان هزینه سری بی حساب و کتاب کرده بود، به شدت حیف و میل می شد.^۲

دومین دوره ساواک باریاست پاکروان و در واقع با ورود من [فردوست] به ساواک آغاز می شود. در این زمان هدف محمدرضا اولاً تصفیه ساواک از هواداران تیمور بختیار و تبدیل آن به یک سازمان صددردصد وفادار و ثانیاً تبدیل ساواک به یک سازمان منظم است که بتواند از سلطنت او حفاظت کند. در این دوره به تدریج دوستان سابق بختیار مانند امجدی و زیبایی از ساواک کنار گذاشته می شوند، هیأت مستشاری آمریکا، که نقش ریاست واقعی ساواک را بازی می کرد، محترمانه از ساواک مرخص می شود و به جای آن مربیان و اساتید اسرائیلی با علاقه وارد صحنه می شوند و بالاخره پاکروان نیز به عنوان یک رئیس بی علاقه و ضعیف برکنار می گردد و نصیری، افسر وفادار به محمدرضا، جای او را می گیرد. در این دوره، ساواک

۱. همان منبع، صص ۴۲۳-۴۲۴.

۲. همان منبع، ص ۴۲۳.

به سازمانی مقتدر با حدود ۵۰۰۰ پرسنل تبدیل می‌شود. لذا این دوره را که تا فروردین ۱۳۵۰ ادامه دارد، باید دوره سازماندهی و آموزش ساواک نامید.

سومین دوره ساواک با خروج من [قر دوست] و مقدم در فروردین ۱۳۵۰ از ساواک آغاز می‌شود و سازمانی که توسط ما ساخته شد، در بست در اختیار نصیری، معتمد، ثابتی قرار می‌گیرد. این دوره، دوره هجوم و قدرت ساواک است و این سازمان به مرکز همه بند و بست‌های سیاسی تبدیل می‌شود و به اوج شهرت و بدنامی می‌رسد. چهارمین دوره ساواک، که دوره زوال و سقوط سازمان است، ماه‌های آخر سلطنت محمدرضا را دربر می‌گیرد و با برکناری نصیری و معتمد و ریاست مقدم آغاز می‌شود و سرانجام با انقلاب ۲۲ بهمن حیات حدود ۲۲ ساله این سازمان پایان می‌یابد.^۱

آشنایی با رؤسای ساواک

رؤسای ساواک به دلیل برخورداری از اختیارات و امتیازات ویژه در نظام شاهنشاهی، نقش بسیار مهمی را در پس پرده بازی می‌کردند. دلیل عمده انتخاب و انتصاب این افراد به سمت ریاست ساواک، وابستگی‌ها و ارتباطاتی بود که با محافل آمریکا و انگلیس، به ویژه سرویس‌های اطلاعاتی آنها داشتند. بدون شک، عملکرد رؤسای ساواک در پس پرده تاریخ معاصر ایران از اهمیت فراوان برخوردار است. بنابراین شناخت اجمالی درباره این اشخاص دستمایه ارزشمند برای آن دسته از مخاطبان است که برای آشنایی با دستگاه مخوف ساواک کنجکاو هستند.

تیمور بختیار

سپهبد تیمور بختیار فرزند فتحعلی در سال (۱۲۹۲ یا ۱۲۹۳) شمسی در اصفهان به دنیا آمد. دوره ابتدایی را در اصفهان و تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رسانید. در سال ۱۳۰۹ به بیروت رفت و در یک مدرسه لائیک به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۱۱ عازم فرانسه شد و در مدرسه نظامی «سن سیر» مشغول تحصیل گردید. وی در اواخر سال ۱۳۱۴ به تهران بازگشت و در فروردین ۱۳۱۵ با درجه ستوان دومی به خدمت ارتش درآمد و تا سال ۱۳۲۴ در واحدهای مختلف ارتش خدمت می‌کرد. بختیار فردی مستبد، خونریز و جاه‌طلب

بود که علناً به فسق و فجور می‌پرداخت و با سوار کردن فواحش در کنار خود، با اسکورت به میان جمعیت می‌آمد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فرماندار نظامی تهران و حومه گردید و با تأسیس ساواک در دی ماه ۱۳۳۵ به ریاست آن سازمان منصوب و به پدر ساواک معروف شد. او به دلیل قدرت طلبی بیش از حد، مورد غضب محمدرضا شاه واقع شد و پس از درگیری آشکار و رقابت جاه‌طلبانه با دکتر امینی در بهمن ۱۳۴۰ به طور غیررسمی به اروپا تبعید گردید. در مهرماه ۱۳۴۱ به دستور شاه، از ارتش بازنشسته شد و از آن پس مخالفت وی با شاه شدت گرفت. پس از چند سال اقامت در فرانسه و سوئیس، به لبنان رفت و در سال ۱۳۴۷ به جرم قاچاق اسلحه در لبنان بازداشت شد. در اردیبهشت ۱۳۴۸ به دعوت رژیم بعث به عراق رفت و در شهر یور همان سال پس از مصادره اموالش در ایران که بنا به ارزیابی‌های رسمی در آن زمان به بیش از چهار میلیارد بالغ می‌گردید، توسط دادگاه ارتش غیباً به اعدام محکوم گردید. او در عراق از امکانات رژیم بعثی برخوردار بود و در بغداد تعدادی افسر فراری و بازنشسته را دور هم جمع و با دکتر رادمنش دبیرکل حزب توده روابطی ایجاد کرد. بختیار پس از ورود به عراق، تلاش زیادی کرد تا به جمع اطرافیان حضرت امام خمینی (سلام‌الله‌علیه) نفوذ و با ایشان ارتباط برقرار کند. دستیار اصلی بختیار برای سوءاستفاده از روحانیون و ایجاد انحراف در نهضت امام، موسی موسوی اصفهانی (آیه‌الله زاده اصفهانی) بود. حضرت امام هرگونه دیدار و گفتگو با او را قاطعانه رد می‌کرد و دیگران را نیز از هرگونه همکاری و ارتباط با او بر حذر می‌داشت. ایشان با صراحت اظهار می‌داشت: با آنکه تا دودمان پهلوی در ایران بر سر کار است ملت ما روی خوش نخواهد دید، لیکن اگر بنا باشد روزی بختیار در ایران زمام امور را به دست گیرد، وظیفه همه مسلمین است که با او مبارزه کنند و از رسیدن او به قدرت جلوگیری نمایند. او به موازات فعالیت علیه شاه، با گروه‌های مسلح مستقر در خاک عراق نیز روابطی برقرار کرده بود. به همین دلیل ساواک تصمیم به حذف او گرفت و سرانجام، تیمور بختیار در مردادماه ۱۳۴۹ توسط یکی از اطرافیانش که رئیس شبکه مخفی حزب توده و مأمور ساواک بود، به قتل رسید.

حسن پاکروان

حسن پاکروان در سال ۱۲۹۰ در تهران به دنیا آمد. پدر او، فتح‌الله پاکروان، از دولتمردان رضاخانی بود که در زمان فاجعه قتل عام مسجد گوهرشاد استانداری خراسان را به عهده

داشت. حسن پاکروان تحصیلات نظامی خود را در دانشگاه‌های پواتیه و فونتن‌بلو فرانسه به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۲ به ایران بازگشت و مدت‌ها به عنوان مربی دانشکده افسری اشتغال داشت. در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۲ افسر ستاد ارتش، و در سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۴ فرمانده پادگان بوشهر و افسر انتظامات بنادر جنوب بود. پاکروان در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۷ افسر رکن دوم ستاد ارتش گردید و در سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۲۹ به عنوان وابسته نظامی به پاکستان رفت. پس از بازگشت به ایران مدتی ریاست رکن دوم ستاد ارتش را به عهده داشت و مجدداً در سالهای ۱۳۳۳-۱۳۳۴ به عنوان وابسته نظامی به هند رفت. با تأسیس ساواک در اسفند ۱۳۳۵، پاکروان معاون ساواک گردید و در اسفند ۱۳۳۹ با برکناری سپهبد تیمور بختیار به ریاست ساواک رسید. دربارهٔ دوران ریاست پاکروان بر ساواک ارتشبد فردوست در خاطرات خود سخن گفته است. سرلشکر حسن پاکروان تا سال ۱۳۴۳ ریاست ساواک را به عهده داشت و سپس جای خود را به نصیری داد و به عنوان وزیر اطلاعات وارد نخستین کابینه هویدا شد (۱۳۴۳-۱۳۴۵). پاکروان از شهریور ۱۳۴۵ تا مهر ۱۳۴۸ سفیر ایران در پاکستان بود و در این تاریخ به عنوان سفیر به فرانسه اعزام شد و تا آبان ۱۳۵۲ در پاریس مستقر بود. در بازگشت به ایران، از سال ۱۳۵۲ توسط ارتشبد فردوست در بازرسی شاهنشاهی به کار گرفته شد و در مهر ماه ۱۳۵۶ به عنوان مشاور و سرپرست امور مالی وزارت دربار منصوب گردید.

سرلشکر حسن پاکروان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دستگیر و در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۲ به همراه جمعی از بلندپایگان رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد.^۱

فاطمه پاکروان، همسر سرلشکر حسن پاکروان در خاطرات خود، روز دستگیری شوهرش را ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ ذکر کرده است.^۲

نعمت‌اله نصیری

ارتشبد نعمت‌الله نصیری [۱] فرزند شادروان محمد نصیری (عمید الممالک) [۲] در مرداد ماه سال ۱۲۸۹ شمسی در شهرستان سمنان متولد شده‌اند و پس از طی تحصیلات مقدماتی و

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، صص ۴۴۸-۴۴۹.

۲. خاطرات فاطمه پاکروان، ترجمه اسماعیل سلامی، انتشارات مهراندیش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱.

عادی و گذراندن دانشکده افسری در سال ۱۳۱۳ به درجه افسری مفتخر گردیدند. ایشان پس از فارغ التحصیلی از دانشکده افسری و خدمت بر مشاغل مختلف نظامی از جمله فرمانده دسته مسلسل سنگین، فرمانده دسته و گروهان دانشکده افسری، معاون دانشکده تکمیلی، فرمانده گردان ۲ هنگ ۱۸ کرمان، فرمانده گردان مستقل سیرجان، فرمانده گردان پیاده دانشکده افسری، فرمانده دوره تکمیلی و معاون رسته پیاده دانشکده افسری، رئیس ستاد دژبان مرکز، فرمانده دانشکده پیاده در سال ۱۳۲۹ ابتدا به فرماندهی هنگ پیاده پهلوی و سپس با درجه سرهنگی به فرماندهی گارد شاهنشاهی منصوب گردیدند. در تاریخ ۲۲ مرداد سال ۳۲ با سمت فرمانده گارد شاهنشاهی در اجرای اوامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در رامسر مأمور ابلاغ فرامین ملوکانه مبنی بر انفصال مصدق از نخست‌وزیری و انتصاب سرلشکر زاهدی به جای وی گردیدند و پس از ورود به تهران ابتدا فرمان انتصاب سرلشکر زاهدی و سپس فرمان عزل مصدق را به آنان ابلاغ فرمودند [۱] لیکن در مراجعت از منزل مصدق وسیله سرتیپ ریاحی رئیس ستاد وقت ارتش توقیف و زندانی شدند. چند روز بعد در قیام ملی ۲۸ مرداد که زندان مذکور توسط قیام‌کنندگان اشغال و زندانیان آزاد گردیدند، ایشان پس از خروج از زندان و هم‌چنین آزاد کردن عده‌ای از افراد گارد شاهنشاهی از زندان پاسگاه نظامی شرق تهران [۱] به اتفاق افراد خود در حمله به منزل مصدق که منجر به اشغال منزل وی و فرار مصدق گردید شرکت نمودند. در سال ۱۳۳۷ به درجه سرلشکری مفتخر و در مهر ماه سال ۱۳۳۹ به سمت معاونت ژنرال آجودانی و در آذر ماه همان سال به سمت ریاست شهربانی کل کشور منصوب گردیدند. در مرداد ماه سال ۱۳۴۱ به درجه سپهبدی ارتقاء و از آن پس به ترتیب در خرداد ماه سال ۱۳۴۲ به سمت فرماندار نظامی تهران و حومه و در بهمن ماه سال ۱۳۴۳ به سمت معاونت نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور منصوب گردیدند. در تاریخ ۱۲ مهر ماه سال ۱۳۵۰ به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه بزرگ ارتشتاران به درجه ارتشبدی مفتخر گردیدند. در پایان این بیوگرافی، لیست طویلی از ۶۰ قلم نشان‌های داخلی و خارجی نصیری مندرج است.

با اوج‌گیری امواج انقلاب اسلامی، نعمت‌الله نصیری به علت منفوریت شدید در جامعه در تیر ماه ۱۳۵۷ از ریاست ساواک برکنار و به عنوان سفیر به پاکستان اعزام شد. رژیم پهلوی در عقب‌نشینی گام به گام خود در برابر انقلاب، نصیری را به تهران فراخواند و در ۱۶ آبان ۱۳۵۷

او را محترمانه بازداشت کرد. نصیری در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ توسط مردم اسیر شد و در ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تیرباران گردید.^۱

ناصر مقدم

ناصر مقدم در سال ۱۳۵۰ رئیس اداره دوم ارتش شد و از نیمه دوم خرداد سال ۱۳۴۲ توسط فردوست به ساواک وارد و مدیر کل دوم آن سازمان شد.

مقدم در سال ۱۳۵۰ به همراه فردوست از ساواک بیرون رفت و تا درجه سپهبدی پیش رفت. به گفته فردوست، مقدم برخلاف مدیر کل قبلی (امجدی)، تلاش می‌کرد که محمدرضا را از فعل و انفعالات روحانیت بی‌خبر نگذارد و علاوه بر گزارشات روزانه که از اداره کل سوم و شهربانی به دفتر می‌رسید و مواضع ضدرژیم برخی روحانیون اطلاع داده می‌شد، اداره کل سوم هر سه ماه یک بار بولتنی از روحانیون مخالف سراسر کشور به دفتر می‌فرستاد که در آن سخنان روحانیون مخالف علیه رژیم و عکس‌العمل ساواک درج می‌شد و موارد مهم از طریق دفتر به اطلاع محمدرضا می‌رسید. در خوش‌خدمتی او به شاه نوشته‌اند که؛ در ماه‌های آخر عمر رژیم شاه، پس از سقوط دولت نظامی ارتشبد ازهارى که یک مهره کاملاً آمریکایی بود، امید شاه به یأس تبدیل شد و مدت‌ها دنبال نخست‌وزیر گشت، که یکی از دلال‌های نخست‌وزیریابی، ناصر مقدم بود که هر دری را زد قبول نکردند. به نوشته محمدرضا پهلوی، ناصر مقدم رئیس ساواک وسیله ملاقات کریم سنجایی با شاه شد تا با پیشنهاد او پست نخست‌وزیری را بپذیرد. مقدم حتی برای ملاقات مهدی بازرگان و شاه نیز تلاش‌هایی به عمل آورد که از سوی بازرگان مورد قبول واقع نشد.

به هر روی ناصر مقدم تا آخرین روز عمر رژیم شاه، همواره به سلطنت پهلوی و شخص محمدرضا شدیداً وفادار بود. به نوشته ویراستار کتاب خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، در نخستین روزهای پیروزی انقلاب دولت لیبرال قصد داشت که ساواک منحل را بازسازی کند. مهدی بازرگان، سپهبد ناصر مقدم و ارتشبد حسین فردوست را برای تصدی مقامات عالی اطلاعاتی کشور در نظر داشت [...] بعدها حجت‌الاسلام خلیفانی در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان شرح داد که دستگیری ناصر مقدم علی‌رغم تمایل بازرگان صورت گرفت و

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، صص ۵۰۸-۵۰۹.

مهندس بازرگان در بیت امام (ره) به مشاجره با آقای خلخالی پرداخت و گفت که حکم ریاست مقدم بر اداره دوم ارتش را صادر کرده است و خواستار آزادی او شد.^۱

علی معتضد

سرلشکر علی معتضد از ابتدای تأسیس ساواک فعالیت خود را در این سازمان آغاز کرد و ۲۱ فروردین ۱۳۵۰، یک روز پس از رفتن ارتشبد فردوست از ساواک، با حفظ سمت، قائم مقام ساواک شد. سمت دیگر او در ساواک ریاست سازمان اطلاعات خارجی بود که دو اداره کل دوم و هفتم ساواک تحت امر او بودند.

معتضد مهره انگلیس بود و با مأموران انگلیسی از جمله شاپورجی در ارتباط بود. ارتشبد فردوست در خاطرات خود به توجه ویژه رئیس MI-6 به سرلشکر معتضد در سال ۱۳۴۹، اشاره کرده و معتقد است که از همان زمان وی از سوی آمریکا و انگلیس برای سمت قائم مقامی ساواک، کاندید شده بود. به گفته فردوست، یعقوب نیمرودی جاسوس کهنه کار اسرائیل با سرلشکر علی معتضد روابط بسیار حسنه و نزدیک داشت و حتی مبالغه قابل توجهی به صورت رشوه به او پرداخت می کرد. معتضد در ماه های آخر سلطنت پهلوی از ساواک برکنار و به عنوان سفیر ایران در سوریه منصوب شد.^۲

۱. خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۳۸۷، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۶۳، ۵۱۷، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۸، ۵۹۰-۵۹۱، ۶۰۷، ۶۲۸.

۲. ن.ک: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۴۶۰، ۴۲۷، ۲۸۸، ۲۹۶، ۳۴۶، ۴۲۸، ۳۶۷.

● پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه

اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی

موقعیت ایران و ترکیه

بعضی نویسندگان و روزنامه‌نگاران نسبتاً مشهور آمریکایی، با اشاره به جایگاه و اهمیت بعضی کشورهای منطقه در استراتژی پیرامونی اسرائیل، به طور تلویحی، یکی از دلایل و انگیزه‌های رژیم صهیونیستی در برقراری روابط نزدیک سیاسی و اطلاعاتی و نیز نفوذ و حضور در بعضی کشورها، به ویژه، ایران و ترکیه را، اهرم و ابزار مهم برای تعقیب اهداف مورد نظر ارزیابی کرده‌اند:

اسرائیل حتی از دورانی که بن‌گوریون [اولین نخست‌وزیر آن رژیم] استراتژی پیرامونی خود را طرح می‌کرد، برخی از کشورهای منطقه را وزنه‌ای ضروری برای مقابله با اعراب می‌دانست.^۱ موقعیت ایران و ترکیه، هم به لحاظ جغرافیایی و ژئوپولیتیکی، سیاسی و هم فرهنگی، بستر مطلوب و مناسبی برای صهیونیست‌ها بود. بعضی نویسندگان آمریکایی و انگلیسی این موضوع را به طور اساسی مورد بررسی قرار داده‌اند:

اهمیت استراتژیک و نظامی دریاهای منطقه بسیار زیاد است. دریاهای مدیترانه، بحر احمر و خلیج (فارس) کانون رقابت‌ها چه در سطح ابرقدرت‌ها و چه در سطح محلی هستند و نقش کلیدی قدرت دریایی در این‌گونه رقابت‌ها مشخص است. ۲۲ دولتی که منطقه را تشکیل می‌دهند، نسبت به مداخله خارجی به شدت آسیب‌پذیرند و این به علت تفاوت در ایدئولوژی و موقعیت‌های ژئوپولیتیک آن‌هاست. بنابراین، بر سر دسترسی به پایگاه‌ها، لنگرگاه و بازارها به منظور فروش تسلیحات رقابت سختی در جریان است. دولت‌های

اسرائیل، مصر، ترکیه و ایران که در حال توسعه قدرت دریایی خود هستند، در سال‌های اخیر تجهیزات زیادی در خصوص نیروهای دریایی و کشتی تهیه کرده‌اند. در زمان شاه، ایران قصد داشت یکی از مدرن‌ترین نیروهای دریایی جهان را ایجاد کند که شامل یک ناوگان عظیم هاورکرافت هم می‌شد. در ضمن، ناوگان صیادی و تجاری محلی هم به‌طور قابل ملاحظه‌ای در دهه اخیر رشد کرده است.

پنج آبراه استراتژیک خاورمیانه بدون تردید در میان حساس‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان قرار دارند. آن‌ها نه تنها استراتژی دریایی، بلکه وقایع سیاسی دولت‌های ساحلی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند.^۱

بنابراین، چندان اتفاقی و بدون محاسبه نبود که رهبران اسرائیل، بلافاصله پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی، به ویژه دو کشور ایران و ترکیه را به عنوان بستر مناسب و مطلوب برای تعقیب استراتژی خود، تحت نفوذ درآوردند؛ به گونه‌ای که پس از برقراری ارتباط و انعقاد قراردادهای مختلف نظامی، اطلاعاتی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی، آن دو، تحت انقیاد اسرائیل درآمدند.

نشریه اسرائیلی هارتص در همان زمان در این باره نوشت:

شاه [ایران] دومین زمامدار یک کشور اسلامی، پس از ترکیه بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت.^۲

به هر روی، اهمیت استراتژیک این دو کشور برای اسرائیل، امری پنهان نبود.

اهمیت استراتژیک ترکیه را می‌توان از چند جهت مورد بررسی قرار داد:

الف- ترکیه به عنوان پلی بین دو قاره اروپا و آسیا واقع شده است و اروپا را به منطقه استراتژیک خاورمیانه متصل می‌کند.

ب- وجود نفت در منطقه خاورمیانه و بحران‌های متعدد، شرایطی را ایجاد کرده که بر اهمیت ترکیه [...] افزوده است.

ج- موقعیت جغرافیایی ترکیه به نحوی است که دریای سیاه را از طریق تنگه‌های بسفر و داردانل و دریای مرمره به دریای اژه و مدیترانه وصل می‌نماید. ترکیه به عنوان ترانزیت

۱. آلاسدایر درایسدل و جرالداچ، بلیک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دژه میرحیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ چهارم ۱۳۷۴، ص ۱۵۴.

۲. نشریه اسرائیلی هارتص، مورخ ۱۳۵۲/۳/۲۵ ش/۱۹۷۱م.

کالاهای مصرفی اروپا به کشورهای خاورمیانه نیز نقش مهمی را ایفا می‌نماید. عضویت ترکیه در ناتو [...] نیز یکی دیگر از عوامل اهمیت این کشور در منطقه است.

د- ترکیه در حال حاضر در میان مناطق بحرانی قفقاز و آسیای مرکزی، عراق و اکراد و کشورهای اروپای شرقی قرار گرفته است [...].

ترکیه از لحاظ جغرافیایی موقعیت ممتازی را جهت دسترسی کشورهای غربی به کشورهای مشترک‌المنافع فراهم نموده است [...].

ترکیه دارای منابع طبیعی و معدنی غنی می‌باشد که تاکنون از آن‌ها بهره‌برداری کافی به عمل نیامده است. مواد معدنی که در ترکیه تولید می‌شوند عبارتند از: آهن، سرب، قلع، جیوه، کرم، منگنز، سولفور، مواد سوختنی، ذغال سنگ و لیگنیت.^۱

به طوری که گفته می‌شود، حدود ۲۵ هزار یهودی در ترکیه سکونت دارند که در بسیاری از فعالیت اقتصادی و تجاری و حوزه‌های تولیدی، بانکی و صنعتی آن کشور سهم و نقش اساسی به عهده دارند.

آگاهان سیاسی و مورخان را عقیده بر این است که یهودی‌های ترکیه در برقراری ارتباط سیاسی و اطلاعاتی آن کشور با اسرائیل، نقش بسیار اساسی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که ترکیه از اولین کشورهای منطقه بود که رژیم صهیونیستی را در مارس ۱۹۴۹م/ فروردین ۱۳۲۸ش، به رسمیت شناخت، بلافاصله پس از این رویداد، با کمک یهودیان ذی نفوذ ساکن در ترکیه و همکاری مشترک آن کشور با اسرائیل، تلاش برای انتقال شماری از یهودیان آن سامان به فلسطین آغاز شد.

در فوریه ۱۹۵۸/ زمستان ۱۳۳۶، بن‌گوریون نخست‌وزیر وقت اسرائیل، طی نامه‌ای به محمدرضا شاه و امپراتور اتیوپی، موازنه جدید قدرت در منطقه (وحدت مصر و سوریه در همان زمان و کودتای عراق در ژوئیه آن سال)، را مورد بررسی قرار داد و خطراتی که اردن و سایر کشورهای طرفدار غرب منطقه را تهدید می‌کرد، برشمرد. او همکاری اسرائیل و ایران را (که پیش از شروع شده بود) مورد ستایش قرار داد و خواستار گسترش آن شد. شاه در پاسخ موافقت کامل خود را با نظرات بن‌گوریون اعلام داشت و دستور داد چارچوب همکاری با

۱. صابر قاسمی، ترکیه، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۲۴.

اسرائیل به ویژه در زمینه مبادله اطلاعات گسترش داده شود.^۱

شاه در پاسخ به نخست وزیر اسرائیل نوشت که خاطره سیاسی کوروش (هخامنشی) را در قبال ملت یهود گرامی می دارد و مایل است که طبق سنت باستانی این روش را ادامه دهد.^۲

در ۲۸ آگوست ۱۹۵۸ / شهریور ۱۳۳۷، بن گوریون نخست وزیر وقت اسرائیل، محرمانه به ترکیه رفت و با عدنان مندرس نخست وزیر وقت ترکیه مذاکراتی انجام داد که طی آن توافق شد یک پیمان سیاسی-اقتصادی در چارچوب تکمیل حلقه های «پیمان سوار» که شامل ایران و اتیوپی و نیز اسرائیل؛ با تأیید آمریکا بود،... ایجاد شود.^۳

آبا/بان یکی از ثنورسین های صهیونیست و وزیر امور خارجه اسبق رژیم صهیونیستی در کتاب صدای اسرائیل که در سال ۱۹۵۹ در لندن منتشر شد چنین نوشت:

مبادله روابط میان ترکیه و اسرائیل صحت منطق اسرائیل است که خود را دارای هویتی خاورمیانه ای می داند. اسرائیل ترکیه را بازار مهمی برای فروش کالاهای صنعتی و منبع حیاتی دریافت مواد غذایی و مواد خام یافت و این نهایتاً به این معناست که منفذ دیگری برای اسرائیل به منظور نزدیک شدن به پایان محاصره اقتصادی عربی گشوده شده است.^۴

روابط ترکیه و اسرائیل در سال ۱۹۶۱/۱۳۴۰، به سطح سفارت ارتقا یافت.

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص ۲۸۶.

۲. علی اکبر ولایتی، ایران و تحولات فلسطین، مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۹۷.

۳. استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۳۴.

4. Abba Eban, Voice of Israel, London, Faber and Faber, 1959.

به نقل از: استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۳۳.

یهودی‌های ترکیه

به هر روی، نفوذ و نقش یهودی‌های ترکیه در ایجاد رابطه سیاسی، اطلاعاتی، اقتصادی و نظامی این کشور با اسرائیل و نیز تشدید و تداوم آن، بسیار اساسی، حائز اهمیت، غیرقابل کتمان و در عین حال دارای قدمت و سابقه تاریخی است.^۱

البته، بر طبق بعضی نوشته‌ها و اسناد، پس از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸م/۱۳۲۷ش، یهودی‌های ترکیه، به ویژه طبقه‌های متوسط و فقیر آنها، به فلسطین اشغالی منتقل شدند. به طوری که از مجموع ۸۰ هزار یهودی ترکیه در سال ۱۹۲۷م/۱۳۰۶ش، در اواخر دهه چهل میلادی (پس از حدود بیست سال)، بیش از ۳۰ هزار نفر باقی نماند.^۲

یهودی‌های ثروتمند و سرمایه‌دار ترکیه به دلیل نفوذ و ارتباط گسترده با محافل سیاسی، قانونگذاری و تصمیم‌گیری، عامل بسیار مهم و مؤثری در همگرایی ترکیه با رژیم صهیونیستی، در منطقه، بوده‌اند.

درباره جایگاه و سابقه فعالیت ثروتمندان یهودی ترکیه، به طوری که نوشته‌اند؛ در سال ۱۸۳۹ با آغاز عصر سازماندهی در دولت ترکیه (امپراتوری عثمانی)، ابراهام دوکاموندو رهبری یهودیان ترکیه را به عهده گرفت. وی به مثابه روحیلد شرق^۳ و از بانکداران بسیار

۱. در کتاب حاضر، در فصل اجلاس اطلاعاتی سه جانبه (گزارش‌ها و قطعنامه‌ها)، اطلاعات مستندی در این باره آرایه شده است.

۲. فصلنامه خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳. به نقل از: شوون ترکیه، مرکز الدراسات الاستراتیجیة و البحوث والتوثیق، نشرین الثانی، ۱۹۹۲، ص ۴۵-۵۵.

۳. سرمایه‌دار بزرگ اروپا.

ثروتمند بود و کوشید تا موقعیت همکیشان خود را... تقویت کند.^۱

پس از تأسیس دولت اسرائیل و دقیقاً در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، یهودیان ترک خود را آماده می‌کردند تا در هر لحظه ساک خود را بر دوش بیندازند و به اسرائیل مهاجرت کنند. از این رو آنها در این مدت به سرمایه‌گذاری‌های مهم دست نزدند. با این همه در دهه هفتاد، ۸۰ درصد صنعت نساجی ترکیه متعلق به آنها بود. مالیات موجودیت [مالیاتی که مقدار آن بر اساس مذهب افراد وصول می‌شد. برای مسلمانان ۵ درصد و برای یهودی‌ها ۱۰ درصد] موجب شد که بیشتر آنها در بخش‌های منقول سرمایه‌گذاری کنند. اما برخی یهودیان همچنان در بسیاری از صنایع و مؤسسات و بخش‌ها پیشاهنگ بودند.

یکی از این افراد برنارد ناحوم بود که کار خود را در سال ۱۹۴۴ در گروه صنعتی «کُچ» آغاز کرد و پیشگام صنعت اتومبیل‌سازی در ترکیه بود. همچنین آلبرت پیلین که در سال ۱۹۵۶ شرکتی به نام «شیمیاتک» را تأسیس کرد، پیشگام صنایع شیمیایی در این کشور بود. بخش آگهی و تبلیغات نیز توسط ایسادرور یروخ پایه‌گذاری شد. وی نخستین شرکت تبلیغاتی را که یک فرانسوی در سال ۱۹۰۸ در ترکیه تأسیس کرده بود، خرید این شرکت سال‌ها تنها شرکت تبلیغاتی این کشور بود و تاکنون نیز تأثیر آن به روشنی دیده می‌شود.

همچنین ایلی آگیمن که پدر تبلیغات ترکیه شمرده می‌شود روش‌های نوین تبلیغاتی را وارد این کشور کرده است و شرکت «مناآزانس» را در اختیار دارد که مادر شرکت‌های تبلیغاتی محسوب می‌شود. برادران ویتال و آلبرت هکو نیز مؤسسه پوشاک هکو را تأسیس کردند. [...] جاک امبریگر نیز ۸۰ درصد از بازار داخلی تیغ پرما-شارپ را در اختیار دارد که تولیدات آن به سراسر جهان صادر می‌شود.

یک یهودی ترک در مورد وضع کنونی طایفه یهودیان ترکیه می‌گوید که تعداد یهودیان این کشور ۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود و در میان آنها ۲ هزار نفر ثروتمند وجود دارد که با ثروتمندان اروپا برابری می‌کنند. همچنین افزون بر نام‌هایی مانند: جاک کیمخی و اسحاق التون و ویتال هکو که برای افکار عمومی ترکیه کاملاً شناخته شده هستند؛ شمار بیشتری نیز به صورت ناشناخته سرگرم فعالیت‌اند.

سایر افراد به طبقه متوسط وابسته‌اند و در تجارت، چاپ، وکالت، داروفروشی و

حرفه‌های مشابه فعالیت دارند. و بیشتر آنها در مناطق گرت‌تپه و کرت‌ولاش و شیشلی و گزتپه از شهر استانبول ساکن هستند. [...] در دهه هشتاد قرن حاضر، بازرگانان و صاحبان صنایع یهودی [ترکیه] که در سال‌های پیش می‌کوشیدند تا ناشناخته بمانند، در پی مطرح کردن خود برآمدند. در این زمینه می‌توان از اسحاق التون و عزیزکارح، بنیانگذار گروه صنعتی «آلارگو» و جاک کیمخی مؤسس گروه صنعتی «پروفیلو» نام برد. اسحاق التون با مطرح ساختن خود به عنوان یک سوسیال دموکرات چهره‌ای غیرعادی از یک بازرگان عمده ترسیم کرد و با این کار توانست نقش میانجی را در بسیاری از روابط بین‌المللی ترکیه ایفا کند. عزیزکارح هم با مناصبی که در ده‌ها جمعیت و سازمان به عهده داشت و نوشتن مطالبی برای رسانه‌های گروهی ترکیه، به داشتن مواضع روشن و برخورد مطلوب با مطبوعات شناخته شد.

جاک کیمخی مرکز توسعه اقتصادی را پایه‌گذاری کرد. این مرکز یکی از مؤثرترین سازمان‌های ترک طرفدار جامعه اروپاست. جوی کیمخی پسر جاک کیمخی نیز موفقیت‌های مشابهی در انجمن‌های گوناگون داشته است. همچنین خانواده کیمخی در تأسیس «مرکز تکنولوژی ترکیه نقش داشته است.

یهودی‌های ترکیه در دهه هشتاد علاوه بر فعالیت‌های اجتماعی در زمینه‌های اقتصادی تحرک چشمگیری - به تعبیر اسحاق التون - از خود نشان دادند؛ زیرا آنان در این دهه، بارها کردن تردیدهای خود، به سرمایه‌گذاری‌های غیرمنقول روی آوردند.^۱

ثروتمندان و سرمایه‌داران یهودی ترکیه، تاکنون به خوبی نقش خود را در این زمینه ایفا کرده‌اند. یهودی‌هایی که پس از تأسیس اسرائیل در ترکیه باقی ماندند و به سرمایه‌گذاری صنعتی روی آوردند، در سال ۱۹۴۲ در صنعت پارچه و کائوچو و جوراب‌های گرانتقیمت، حریر، چتر، چکمه و دباغی حضور گسترده‌ای داشتند.

پس از جنگ جهانی دوم، یک شرکت کشتیرانی در استانبول و ۱۲ کارخانه حریربافی در بورس‌ها به یهودیان تعلق داشت. همه این شرکت‌ها به اتحادیه جهانی یهود [آلیانس] متکی بودند.

از دیگر سرمایه‌داران بزرگ و ذی‌نفوذ امروز ترکیه، از جمله می‌توان به اسامی زیر اشاره کرد که نقش مهمی در روابط ترکیه و اسرائیل دارند:

۱- **ایرول آق صوی**، از سرمایه‌داران بزرگ و صاحب چند بانک در فرانسه و ایالات متحده است. معروفیت او بیشتر به سبب پشتیبانی روچیلد، سرمایه‌دار یهودی اروپا از نامبرده و نیز شرکت در فعالیت‌های صهیونیستی است.

۲- شرکت پروفیلو؛ این شرکت متعلق به جاک کیمخی، رئیس مرکز یهودی سال ۲۰۰۰ است.

۳- خانواده جیهان کماندریت؛ خانواده‌ای یهودی که در سوئیس بسر می‌برد و صاحب شرکت گروندیک است. جوی کیمخی (پسر کیمخی) که با این خانواده روابط صمیمانه دارد، خود به تنهایی دارای شش شرکت دیگر است.

۴- احمد منیر ایرتیکون؛ از حمایت یک گروه مالی یهودی برخوردار است که صاحب مؤسسات تولیدات تلویزیونی، موسیقی و سینمایی در ایالات متحده است.

این افراد عضو هیأت مدیره و سهامدار شبکه تلویزیونی Show T.V. بوده و با محافل مالی یهودیت جهان مرتبط هستند. **ایرول آق صوی** مهمترین عضو این گروه است.

به گفته یک منبع نزدیک به شورای امنیت ملی ترکیه، شبکه تلویزیونی Show T.V. پس از جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰) با تلاش‌های گسترده آمریکا و محافل مالی یهود برای فعالیت‌های تبلیغاتی ترکیه ایجاد شده است.^۱

در کنار سرمایه‌داران بزرگ یهودی ترکیه و یا خارجی، رژیم صهیونیستی نیز میلیاردها دلار در این کشور سرمایه‌گذاری کرده است.

ایناس گرسین مشاور امور اقتصادی آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل، چندی پیش [۱۳۸۰ش] در گفت‌وگو با روزنامه سیاست آزاد ترکیه که به زبان ترکی در برلین آلمان منتشر می‌شود، گفت: اسرائیل به وسیله شرکت‌ها و مؤسسات موجود در ترکیه یک میلیارد دلار در پروژه آب‌رسانی در جنوب شرقی این کشور سرمایه‌گذاری کرده است.

گواندیران رئیس کمیته کار ترکیه-اسرائیل در مرداد ماه سال ۱۳۸۰ش، اعتراف کرد که اسرائیل در دو سال آینده شش پروژه کشاورزی و آب‌رسانی در ترکیه اجرا خواهد کرد. ۶۷ شرکت و مؤسسه اسرائیلی از سال ۱۳۷۴، در پروژه جنوب شرقی ترکیه، موسوم به پروژه جنگل فعالیت خود را آغاز و حتی اقدام به خرید زمین‌های کنار ساحل رودخانه منوگات

کرده‌اند. اسرائیلی‌ها در نظر دارند برای تأمین آب مورد نیاز شهرک‌های یهودی‌نشین، آب رودخانه منوگات ترکیه را خریداری کنند.^۱

به عقیده آگاهان سیاسی و پژوهشگران و کارشناسان روابط ترکیه و اسرائیل، موقعیت تلایی اسرائیلی‌ها در ترکیه موجب تحکیم ارتباط و همکاری اطلاعاتی، امنیتی و نظامی آنکارا با رژیم صهیونیستی، طی چند دهه اخیر، به ویژه در دوران کنونی، بوده است.

این کارشناسان و متخصصان، توافقنامه امنیتی و اطلاعاتی میان آنکارا و تل‌آویو در ۲۳ فوریه ۱۹۹۶/ بهمن ماه ۱۳۷۴ را نیز از این زاویه بررسی و آن را در راستای استراتژی صهیونیسم در منطقه ارزیابی و از ترکیه به عنوان یک ایستگاه برای اهداف صهیونیستی یاد کرده‌اند.

نشریه عربی زبان الحیات چاپ لندن در آن زمان نوشت:

این توافقنامه پیشرفتی اسرائیلی به سوی نظم نوین خاورمیانه‌ای به شمار می‌رود. نظمی که واشنگتن تلاش می‌کند دورنمای آن را مشخص کند و ستون و پایه‌های اقتصادی و امنیتی آن را بنا نهد.^۲

نشریه انگلیسی زبان میدل‌ایست چاپ لندن درباره این توافقنامه اطلاعاتی-امنیتی نوشت:

بنا به گفته سویک بیر - جانشین فرماندهی ستاد ارتش ترکیه - توافقنامه همکاری اطلاعاتی بین ترکیه و اسرائیل به آی.دی.اف (نیروهای دفاعی اسرائیل) و قوای امنیتی اسرائیل [سرویس جاسوسی موماد] اجازه خواهد داد با استفاده از قلمرو ترکیه درباره ایران و سوریه به استراق سمع بپردازد و اطلاعات الکترونیکی جمع‌آوری کند. این مقام ترک در مؤسسه تحقیقاتی واشنگتن گفت: هدف اولیه اسرائیل، سوریه بود و بعد ایران. علاوه بر همکاری اطلاعاتی، نیروهای دفاعی اسرائیل در آموزش و تجهیز سربازان ترکیه، مستقر در مرزهای جنوب شرقی، یعنی مرزهای عراق، ایران و سوریه، به ترکیه کمک خواهد کرد. به نوشته روزنامه «هآرتس» که در تل‌آویو منتشر می‌شود در توافقنامه همکاری بین نیروهای اسرائیل و ترکیه قید شده است که در سال، هشت بار هواپیماهای نظامی هر دو طرف، توأمان در فرودگاه‌های کشور دیگر اسکان

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۱، ص آخر.

۲. محمد نورالدین (کارشناس امور ترکیه از لبنان)، الحیات، ترجمه محمدرضا آصفی، چاپ لندن، ۲۵ آوریل ۱۹۹۶/ اردیبهشت ۱۳۷۵.

یابند، خدمه هواپیمایی با هم مبادله کنند و تمرینات مشترک انجام دهند. طبق نظر این روزنامه اسرائیلی، ترکیه و اسرائیل همچنین توافق کرده‌اند، یک نهاد مشترک برای ارزیابی استراتژیک و تحقیقات ایجاد کنند. در مرحله بعدی اردن هم به این نهاد خواهد پیوست. روزنامه هآرتس نتیجه‌گیری می‌کند؛ یک توافقنامه در زمینه همکاری دریایی نیز به امضا رسیده است و نیروی دریایی ترکیه و اسرائیل در مدیترانه، تمرینات مشترک انجام خواهند داد.^۱

کارشناسان، این همکاری‌ها را در راستا و امتداد همکاری و ارتباط پیشین موساد و سرویس اطلاعاتی ترکیه و ساواک، تحت نام «نیزه سه سر» ارزیابی کرده و معتقدند که پس از سقوط نظام شاهنشاهی در ایران و حذف ساواک، اسرائیلی‌ها به منظور جبران این نقیصه؛ در مسیر استراتژی پیرامونی اسرائیل، میزان نقش و همکاری ترکیه را در این زمینه تشدید و تقویت و نیز توسعه و افزایش داده‌اند.

۱. پیتر فویبرید، میدل ایست، ترجمه صابر قلی‌زاده، چاپ انگلستان، ژوئن ۱۹۹۶ / خرداد ۱۳۷۵. مندرج در بررسی مطبوعات جهان، مرداد ماه ۱۳۷۵، شماره ۲۳۱، اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

همکاری اطلاعاتی سه جانبه

به هر روی، بسط حضور و نفوذ اشخاص و گروه‌های سیاسی و یا کانون‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل در ترکیه و ایران، چه از طریق برقراری روابط بین دولت‌ها و چه از طریق بهره‌گیری از حضور یهودی‌های مقیم آن دو کشور، در مجموع زمینه‌ها و شرایط را برای اجرای اهداف و برنامه‌های منطقه‌ای صهیونیسم در این دو کشور فراهم ساخت. رژیم صهیونیستی، همزمان با این تمهیدات، طرح همکاری سه جانبه سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، ترکیه و ایران پهلوی را به‌طور جدی در دستور فعالیت‌های خود قرار داد. تا آنجا که توانست بر اساس یک پروتکل رسمی و در عین حال سری، با انعقاد چنین پیمانی، تلاش‌های اطلاعاتی سه دولت مزبور را، در چهارچوب اهداف اسرائیل، مبنی بر تعقیب استراتژی پیرامونی آن رژیم در حوزه‌های جغرافیایی خاورمیانه عربی تا آفریقا، سازماندهی و متمرکز کرده و به خدمت گیرد.

بر اساس این پیمان سه جانبه، سرویس‌های اطلاعاتی ایران پهلوی و ترکیه موظف و متعهد شده بودند بر مبنای یک سری قواعد، اصول و مقررات تعیین شده در قالب طرح‌های مورد نظر و دیکته شده اسرائیل، همه توان و تلاش‌های جاسوسی و اطلاعاتی خود را علیه کشورهای اسلامی و عربی منطقه و علیه آرمان مسلمانان، و به‌خصوص فلسطین به کار گیرند. این پیمان دو کشور ایران شاهنشاهی و ترکیه را موظف و متعهد می‌ساخت تا بر مبنای قراردادهای سه جانبه مورد اشاره (که در واقع صهیونیست‌ها آن‌ها را طراحی و تدوین می‌کردند) با اخلال، تحریک قبایل، گروه‌ها، و طوایف محلی و از طریق مأموران و عوامل خود، هرگونه اغتشاش و ناآرامی اجتماعی و سیاسی را در داخل کشورهای اسلامی و عربی

به نفع اسرائیل دامن بزنند. صهیونیست‌ها با بزرگ‌نمایی خطر شوروی و کمونیسم برای کشورهای مثل ایران و ترکیه و حتی دیگر ممالک اسلامی، سرویس‌های اطلاعاتی ایران پهلوی و ترکیه را همراه با سرویس اطلاعاتی اسرائیل، وادار به دخالت‌های پنهان در امور داخلی کشورهای مختلف عربی، از پاکستان تا عربستان، عراق، کویت، کشورهای حاشیه خلیج فارس، اردن، سوریه، مصر، سودان، اتیوپی، سومالی، کنیا، اوگاندا و بعضی دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه و حتی آفریقای می‌کردند. حضور و نفوذ این سرویس‌ها در میان کردها که منطقه‌ای وسیع بین ایران، ترکیه، عراق، و سوریه زندگی می‌کنند در ردیف طرح‌های قدیمی اسرائیل بود که توانسته بود با کمک سرویس اطلاعاتی ترکیه و ایران شاهنشاهی، استراتژی خود را به آسانی در آن مناطق تعقیب کند. دو سرویس اطلاعاتی ایران شاهنشاهی و ترکیه نیز بر طبق پیمان سه جانبه اطلاعاتی از هیچ‌گونه تلاش و کوششی در چهارچوب پروتکل‌های همکاری مورد اشاره در خدمت آرمان صهیونیسم کوتاهی نمی‌کردند. دو سرویس اطلاعاتی ایران شاهنشاهی و ترکیه، در برخی مواقع چنان در مسیر مطامع اسرائیل قرار می‌گرفتند که حتی مصلحت سیاسی و منافع ملی کشور خود را نیز زیر پا می‌گذاشتند، و کشورها و دولت‌های اسلامی و عربی منطقه را وادار به عکس‌العمل می‌نمودند. اسناد به جا مانده از سازمان اطلاعات و امنیت کشور ایران شاهنشاهی، موسوم به ساواک درباره این همکاری سه جانبه، نشست‌ها، کنفرانس‌ها و گزارش‌های داخلی کمیته‌های آن، اطلاعات ذی‌قیمتی به خوانندگان ارایه می‌دهد. این اطلاعات اگرچه ممکن است به لحاظ موضوعی، محتوایی و حتی تاریخی، از انسجام کافی برخوردار نباشد، لیکن به دلیل بازگویی اسرار پُرس پرده تاریخ معاصر در این حوزه، و افشای عملیات‌های رمزآلود صهیونیست‌ها در جهان اسلام، به ویژه با خدمت گرفتن دولت‌های ترکیه و ایران پهلوی، بسیار جدید و قابل توجه است. به خصوص از این زاویه، که مخاطب به روشنی می‌بیند، سرویس‌های اطلاعاتی ایران پهلوی و ترکیه به مثابه شعبه‌ای از سرویس اطلاعاتی اسرائیلی‌ها در میان ممالک و ملت‌های اسلامی کاملاً در خدمت مطامع و آرمان صهیونیسم جهانی عمل و اقدام کرده‌اند. البته این مباحث به معنای عدم سوءاستفاده و دخالت اسرائیل در مسایل داخلی خود این کشورها نیست. به بیان دیگر، علی‌رغم این همکاری اطلاعاتی سه جانبه، سرزمین و مردم ایران در دوره پهلوی و یا سرزمین و مردم ترکیه، در سایه این

همکاری‌ها و ارتباط‌های اطلاعاتی، در حاشیه امن قرار نمی‌گرفتند، بلکه صهیونیست‌ها اغراض خود را چه به‌طور مستقل و چه حتی با همکاری این دو سرویس، اما با ترفندها و توجیهات رمزآلود سیاسی و اطلاعاتی، در داخل این دو کشور نیز دنبال می‌کردند. برای مثال، اعتراف یکی از سر جاسوسان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی درباره دخالت پنهان صهیونیست‌ها و سرویس اطلاعاتی آن‌ها در ایران دوره شاهنشاهی خواندنی و تأمل‌برانگیز است.

یعقوب نیمرودی^۱ از مأموران کارکنده سیاسی و اطلاعاتی صهیونیست‌ها، پس از سال‌ها فعالیت سیاسی، اقتصادی، جاسوسی و اطلاعاتی در ایران پهلوی، در گفت‌وگویی با یک روزنامه‌نگار اسرائیلی، درباره عمق و گستره جنایات و خیانت‌های صهیونیست‌ها در ایران گفته است:

اگر یک روز به تو اجازه دهند که از کارهایی که ما در تهران انجام داده‌ایم، آگاه شوی، از آنچه می‌شنوی، وحشت خواهی کرد. حتی نمی‌توانی آن را تصور کنی.^۲

یک نشریه صهیونیستی نیز در سال ۱۳۵۶، درباره اهمیت پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه، در مسیر تعقیب استراتژی پیرامونی اسرائیل نوشت:

روزی خواهد رسید که تاریخ سیاسی اسرائیل به رشته تحریر درآید. بدون اینکه اسرار و مطالب محرمانه در نوشتن آن مزاحمتی ایجاد نمایند و آن وقت معلوم خواهد شد که این (پیمان

۱. یعقوب نیمرودی فرزند صیون، افسر پیشین سازمان اطلاعات نظامی اسرائیل و از بنیانگذاران شبکه‌های جاسوسی موساد در ایران و عراق و شیخ نشین‌های خلیج فارس بود. او در سال ۱۹۳۶م، در یک خانواده یهودی عراقی در بیت‌المقدس به دنیا آمد. در سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۴۷ به اتفاق اسحاق ناوون دوست دوران کودکی‌اش و شخصیت بلندپایه بعدی در دولت اسرائیل، در سازمان «هاگانا» به فعالیت‌های تروریستی علیه مسلمانان فلسطین اشتغال داشت و در جوانی عضو شعبه عربی گروه تروریستی پالماخ شد. طبق اسناد موجود، ظاهراً نیمرودی برای نخستین بار در تاریخ ۱۳۳۴/۱۰/۳۰ش، از طریق مرز ترکیه وارد ایران شد و به‌طور رسمی متصدی معاونت «آژانس یهود» در تهران گردید. او با مجوز و تأیید محمدرضا پهلوی با ساواک رابطه برقرار کرد. یعقوب نیمرودی به عنوان رابط موساد «سرویس زیتون» با ساواک، تا سال ۱۳۴۸ش، نقش مهمی در تبدیل ساواک به زانده سازمان اطلاعاتی اسرائیل ایفا کرد. فعالیت‌های او در عرصه جاسوسی و اطلاعاتی محدود نبود. وی با هدایت لردویکتور و چیلدو در همکاری با شاپور ریپورتر مجری طرح‌های پیچیده‌ای در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی نیز بود. یعقوب نیمرودی تا آخرین ماه‌های سلطنت پهلوی با حمایت موساد محموله‌های سزی خود را از مرزهای ایران عبور می‌داده است. طبق اسناد موجود، بخش عظیمی از این محموله‌ها، آثار باستانی و اشیاء عتیقه‌ای بوده است که توسط نیمرودی و سرویس جاسوسی اسرائیل از ایران به سرقت می‌رفت. (خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ج اول و نیز ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج دوم، صص ۱۲۵-۱۲۶. نیز سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، صص ۱۳۴-۱۳۵).

۲. کاکبورن، ص ۱۶۶.

پیرامونی) تا چه حد برای اسرائیل مفید بوده است.^۱

البته صهیونیست‌ها بخش عمده‌ای از نفوذ خود را در دستگاه سیاسی و اطلاعاتی بعضی کشورهای اسلامی، مرهون فضای سیاسی رعب‌آور و شرایط روانی منحصر به فردی می‌دانند که آن‌ها خود از طرق مختلف در میان سران و مقامات بلندپایه دستگاه‌های حکومتی این کشورها به وجود می‌آوردند. و از این طریق آن‌ها را از جنبه سیاسی و روانی تحت انقیاد خود در می‌آوردند. در این باره نوشته‌اند:

در چشم شاه، اسرائیل حتی می‌توانست چیز فوق‌العاده ارزشمندتری به دوستان خود بدهد: نفوذ جاری یهودیان در ایالات متحده و در واقع سراسر جهان.^۲

دیوید کیمچی (کیمخی)^۳ [از مقامات بلندپایه سرویس اطلاعاتی اسرائیل] به یاد می‌آورد که چگونه اگر مقاله ضدایرانی در یک روزنامه ایالات متحده و یا حتی اروپا چاپ می‌شد، شاه ما را فرا می‌خواند و می‌گفت، چطور می‌گذارید یک چنین کارهایی انجام دهند. ما بیهوده تلاش می‌کردیم، ثابت کنیم بی‌گناهم و اظهار می‌کردیم که همه مطبوعات جهان زیر کنترل ما نیست و آن‌طور که مردم فکر می‌کنند، اختیار بانک‌های دنیا را در دست نداریم.

حسین مرتزوق که اینک [۱۹۹۱م/۱۳۸۰ش] رئیس جمهور اسرائیل است و قبلاً به عنوان رئیس اطلاعات نظامی [اسرائیل] با شاه سابق ایران برخوردهای زیادی داشته است، ادعا می‌کند که وی [شاه ایران]، هر فرد اسرائیلی را به مثابه رابطی با واشنگتن می‌پنداشت.^۴

۱. علی‌اکبر ولایتی، ص ۱۰۲؛ به نقل از: روزنامه اوامر، مورخ ۱۳۵۶/۱۰/۸، بایگانی وزارت امور خارجه، نمایندگی ایران در تل‌آویو، سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷.

۲. کاکبورن.

۳. دیوید کیمچی یا کیمخی را یکی از ترس‌آورترین مأموران اطلاعاتی پرورش یافته در موساد به شمار آورده‌اند. او در دهه ۱۹۵۰ به موساد پیوست و در بخش آفریقایی این سازمان سرپرستی عملیات نفوذ به درون دولت‌های تازه استقلال یافته آفریقایی را به عهده داشت. از دیگر فعالیت‌های او تحریک کردها برای قیام علیه دولت مرکزی عراق در دهه ۱۹۶۰ بود.

او در آخرین دوران فعالیت خود در موساد، معاون این سازمان بود؛ اما به دلیل ناراحتی ناشی از عدم انتصابش به سمت ریاست سرویس اطلاعاتی مزبور، آن سازمان را ترک و به پست مدیرکلی در وزارت امور خارجه رضایت داد. کیمچی در سال ۱۹۸۵ فعالیت‌های دولتی را کنار گذاشت؛ لیکن در سال ۱۹۸۸، طی دو دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان در آمریکا، نماینده اسرائیل در امور آمریکای مرکزی بود.

گفته می‌شود نامبرده در سال‌های اخیر نمایندگی شائول نهمیا آیزنبرگ یکی از سرمایه‌داران مشهور اسرائیلی را به عهده داشته و به علاوه هنوز هم پست سفیر عمومی اسرائیل را یدک می‌کشد.

۴. همان منبع، ص ۱۶۴.

این رعب و شرایط روانی حاکم بر شخص محمد رضا شاه یا رؤسای ساواک و حتی دولتمداران و رؤسای مورد نظر در کشور ترکیه، روند امور را به نفع صهیونیست‌ها تغییر می‌داد. زیرا این قبیل حکام و مقامات، در قبال خیانت‌ها و جنایت‌های اسرائیل و جاسوسان و مأموران صهیونیست در کشور و خانه خودشان، به طمع دستیابی به یک سری خواست‌های شخصی، سکوت پیشه می‌کردند و این خود چراغ سبزی بود که اسرائیلی‌ها را وادار می‌کرد تا با گستاخی هرچه بیشتر مقامات، نهادها، وزارت‌خانه‌ها و سازمان زیرمجموعه آن‌ها را آن‌گونه که منافع صهیونیست‌ها اقتضا می‌کرد بدوشند.

کمیته‌ها، شوراها و سمینارهای اطلاعاتی سه‌جانبه

پیمان سه‌جانبه سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی، از ساختار تشکیلاتی، شرح وظایف و برنامه‌هایی برخوردار بود که از پیش، طی نشست‌ها و توافقاتی کارشناسی مقامات و مسئولان سه سرویس مزبور طراحی و تدوین و تصویب شده بود. بر این اساس، سرویس‌های سه‌گانه مورد اشاره دارای یک کمیته مخصوص متشکل از نمایندگان سه طرف بودند که نشست‌های آن، طبق جدول زمانی و برنامه خاص دنبال می‌شد. در کنار آن، شورا یا کنفرانس سه‌جانبه قرار داشت که آن هم بر اساس یک برنامه و بعضاً به صورت فوق‌العاده برگزار و دستور کار و گزارش خود را به سران سه سرویس اعلام می‌کرد. بالاترین مرحله این نشست‌ها، سمینار سه‌جانبه بود که از سوی نمایندگان ادارات رؤسای سه سرویس و در رأس آن‌ها سران دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی قرار داشتند. این سمینارها نیز طبق برنامه و زمان معین خود، بر اساس یک توافق قبلی هر شش ماه یک بار در نشست کمیته و یا شورای سه‌جانبه در کشور میزبان برگزار می‌شد. و طی آن رؤسای اصلی سرویس با ارائه نقطه نظرات یا گزارش ویژه سرویس دولت متبوع خود، به بررسی و بحث پیرامون دستور اصلی سمینار مبادرت می‌ورزیدند. هریک از این سمینارها، در نهایت گزارش دیگری که از سوی گروه سه‌جانبه که در واقع قطعنامه یا گزارش نهایی بود ارائه می‌کرد.

اشاره به این نکات ضروری است که سرویس‌های سه‌گانه مورد اشاره، صندوق سپرده‌ای برای تسریع در روند مالی همکاری‌ها، برگزاری شوراها یا کنفرانس‌ها و برپایی کمیته‌ها و سمینارها و نیز انجام عملیات‌های جاسوسی و اطلاعاتی ویژه تدارک دیده بودند که هر کدام

از اعضا، مبالغی سپرده در آن واریز می‌کردند. میزان سپرده‌گذاری در این صندوق و هزینه و بودجه این همکاری سه جانبه، سالانه مورد حسابرسی قرار می‌گرفت و سهم هریک مشخص می‌شد. موضوع دیگر اینکه، سرویس‌های سه گانه مزبور، دارای اسم رمز مشخص درون تشکیلاتی بودند. اسم رمز سرویس اسرائیل در این پیمان سه جانبه اطلاعاتی، «زیتون»، سرویس ترکیه «انجیر» و ساواک «جویز» بود. گفتنی است، سه سرویس، نام رمز عملیاتی را در دهمین کمیته هماهنگی، که یک روز قبل از برپایی شانزدهمین اجلاس شورای سه جانبه، در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۴۵ در ترکیه تشکیل شده بود، تغییر دادند. در تغییرات جدید،^۱ نام رمز اسرائیلی‌ها پولاد یا فولاد، ایرانی‌ها پرچم و ترک‌ها طوفان بود. در اسناد و گزارش مربوط به روابط و همکاری‌های سه جانبه مزبور، به‌طور فراوان به این اسامی رمز اشاره شده است.

جا دارد که خواننده، با به خاطر سپردن این اسامی در ذهن، در خلال مطالعات خود، در تشخیص نام دولت یا سرویس اطلاعاتی مورد نظر دچار خطا نشود. در تمامی این اسناد و گزارش‌ها، در هر کجا که به شهر زیتون یا سرویس زیتون اشاره شده، منظور اسرائیل و هر کجا از سرویس یا شهر یا کشور انجیر یاد شده مقصود کشور ترکیه و نام رمز «جویز» نیز به ساواک و ایران پهلوی اختصاص دارد.

اجلاس کمیته امنیت سه جانبه، به‌طور معمول قبل از برگزاری شورای سه جانبه برگزار می‌شد. بر این اساس کمیته مزبور که در ۱۵ نوامبر ۱۹۶۶ برپا شد، مقدمه‌ای برای اجلاس شورای سه جانبه بود که در روزهای آتی قرار بود در کشور ترکیه برگزار شود. گزارش صورت جلسه و مصوبات پیشنهادی کمیته مزبور برای آرایه شورا، خواندنی است:

شانزدهمین جلسه کمیته امنیت

گزارش و صورت جلسه پیشنهادی که توسط کمیته امنیت تسلیم شورا گردیده است.

اقدامات

۱- کمیته پس از مطالعه گزارشات سه نمایندگی و بحث پیرامون موضوعات مختلف امنیتی نکات

جالب توجه آنرا مورد مقایسه قرار داد.

۱. در فصل گزارش‌ها و قطعنامه‌ها، در گزارش دهمین جلسه کمیته هماهنگی سه جانبه، در این باره آمده است: کمیته هماهنگی موافقت نمود که اسامی پوشش سه سرویس به شرح زیر تغییر یابد:

۱- اسرائیل «STEEL» [فولاد]؛ ۲- ایران «FLAG» [پرچم]؛ ۳- ترکیه «STORM» [طوفان]

۲- کمیته تشخیص داد که نکات مختلف گزارشات ارائه شده وجوه مشترک قابل ملاحظه داشته و این امر نشانه آنستکه هر سه سرویس روی هدف واحد و مشترک کار می‌کنند و به همین دلیل کار کمیته به‌سبب سهولت به پایان رسید.

صورت جلسه پیشنهادی

۳- موضوعات زیر برای جلسه آینده کمیته امنیت تعیین می‌گردد.

موضوعات ثابت:

الف- پیشرفتهای جاری فعالیتهای کمونیستی در کشورهای سه گانه.

ب- پیشرفتهای جاری در تکنیک‌های جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات عملیاتی در کشورهای هدف و سببه سرویسهای دشمن و اقدامات علیه آنها.

پ- تجدید نظر و مطالعه مجدد درباره سازمان و فعالیت سرویسهای اطلاعاتی عرب که دشمن کشورهای عضو می‌باشند.

نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد:

ت- هماهنگی فعالیتهای کمونیستهای کشورهای خاروبیانه و اثرات آن در کشورهای سه گانه با توجه به محل این فعالیتهای و نحوه اقدام.

ث- روشهای استخدام مأمور بوسیله سرویسهای بلوک شرق در کشورهای سه گانه.

ج- مأمورین اعمال نفوذ.

ح- یکنواخت بودن تکنیک‌های جاسوسی سرویسهای دشمن.^۱

شانزدهمین اجلاس شورای سه جانبه، یعنی سرویس‌های اطلاعاتی ایران (پرچم)، ترکیه (طوفان) و اسرائیل (پولاد)، در کشور ترکیه (انجیر) در تاریخ ۱۷ و ۱۸ نوامبر ۱۹۶۶م/آبان ۱۳۴۵ش، برگزار شد. دستور جلسه، گزارش گردش کار، حوزه فعالیت هر کدام از سرویس‌های یاد شده، و تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های سیاسی و نیز بعضی اهداف و برنامه‌های شورای سه جانبه در این گزارش قابل توجه است؛ به‌خصوص اینکه، در گزارش یاد شده حوزه استحقاقی تکاپوی جاسوسی و اطلاعاتی هر یک از سرویس‌های جاسوسی سه گانه مشخص و تشریح شده است:

شانزدهمین اجلاس سه شورای سه جانبه

۱. گزارش ساواک، طبقه‌بندی به کلی سری، درباره شانزدهمین جلسه کمیته امنیت، ۱۵ نوامبر ۱۹۶۶م/آبان ۱۳۴۵ش.

(آنگار ۱۷-۱۸ نوامبر ۶۶)

- ۱- نطق افتتاحیه توسط رؤسای سه سرویس
- ۲- تصویب دستور جلسه
- ۳- تعیین و انتخاب راپورتور
- ۴- بررسی اوضاع منطقه و تبادل نظر درباره اوضاع بین‌المللی
- ۵- گزارش گردش کار توسط دبیرکل سه جانبه
- ۶- گزارش کمیته هماهنگی کننده توسط رئیس کمیته
- ۷- بررسی اقداماتی که درباره تصمیمات پانزدهمین شورای سه جانبه و عناصر اصلی خبر صورت گرفته و تصمیماتی که بر اساس توصیه‌ها و عناصر اصلی خبر مزبور اتخاذ گردیده است.

۸- مطالعه پیشنهادات واصله از کمیته‌های اطلاعات و امنیت

۹- هرگونه پیشنهاد دیگر

۱۰- تاریخ و محل انعقاد کنفرانس سه جانبه آینده

۱۱- تصویب پیش‌نویس قطعنامه شورا

۱۲- نطق اختتامیه

گزارش گردش کار وسیله دبیرکل کنفرانس سه جانبه [۱۶ نوامبر ۱۹۶۶]

الف - مقدمه

خلاصه فعالیت‌هایی که از پانزدهمین جلسه شورای سه جانبه (از ۱۰ ژوئن تا ۱۵ نوامبر ۱۹۶۶) تا کنون توسط سه سرویس و دبیرخانه انجام شده بصورت گزارش گردش کار ذیل^۱ به‌رض می‌رسد.

ب- فعالیت‌ها

۱- جلسات سه ماهه کمیته هماهنگی کننده سه جانبه

۱- نهمین جلسه

نهمین جلسه کمیته هماهنگی کننده سه جانبه در تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۶۶ در شهر زیتون تشکیل شد.

در این جلسه مطالب ذیل مورد بحث و موافقت قرار گرفت:

الف - رئیس جلسه اظهار داشت که متأسفانه اعضای سه سرویس طبقه برنامه‌ای که قبلاً بتوافق رسیده بود گزارش گردش کار و سایر گزارش‌های نوبه‌ای خود را بموقع تسلیم دبیرخانه ننموده‌اند. ایشان عقیده داشتند که باید از این بیعد ترتیبی اتخاذ گردد تا گزارشات لازم و مدارک بموقع داده شود.

ب- طبق تصمیم پانزدهمین شورای سه جانبه کمیته هماهنگ کننده روشی را که جهت بررسی در مورد تصمیمات شورا باید دنبال شود مورد بحث قرار داد. کمیته پیشنهاد کرد از نظر رعایت اصول حفاظتی و سایر ملاحظات در آینده توصیه‌های شورا و عناصر اصلی خبر بطور شفاهی بوسیله روسای سه سرویس در جلسات سری کنفرانس‌های سه جانبه مورد بحث قرار گیرد.

ج- با مطالعه سیاست‌های کشورهای هدف کمیته نکات مهم اوضاع منطقه را مورد بررسی قرار داد: کمیته تصمیم گرفت تا در جلساتی که بین کنفرانس‌ها تشکیل می‌شود فقط مطالب اساسی و مهمی را که مربوط به اوضاع داخلی و خارجی کشورهای هدف می‌باشد بطریق ذیل توسط سه سرویس عرضه گردد.

سرویس جویز عراق - اردن و خلیج فارس

سرویس انجیر سوریه و لبنان

سرویس زیتون مصر - یمن و عربستان جنوبی

د- کمیته گزارش دبیرکل را در مورد تبادل اطلاعات مورد مطالعه قرار داد و پیشرفت‌های حاصله در این مورد را یادآور شد.

هـ- با ملاحظه گزارشات اطلاعاتی مورد تبادل کمیته تصمیم گرفت از سه سرویس عضو تقاضا نماید که از این تاریخ بعد گزارشات اطلاعاتی خود را بنحوی شماره‌گذاری نمایند که بتوانند آنرا یکی از مواد مخصوص عناصر اصلی خبر که مورد توجه سه سرویس است عطف نمایند.

و- در ضمن کمیته عناصر اصلی خبر را نیز مورد بررسی قرار داده و سه موضوع پیشنهاد شده از طرف سرویس جویز را به آن افزود.

۲- دهمین جلسه

دهمین جلسه کمیته هماهنگ کننده سه جانبه در ۱۶ نوامبر ۱۹۶۶ در شهر انجیر منعقد خواهد

[illegible]

۱- طبق دستور پانزدهمین جلسه شورای دبیرخانه برگزاری سمینار به خانه را از طریق سرویس

[illegible]

ኢትዮጵያን ለማራገብ የሚችል አጭር መንገድ ይመስለኝ፡፡

(SG/41) ۱۹۹۱ء میں ایف ۸ جی کے لیے درخواستیں

(SG/Y/۲) ۱۹۶۴ء میں پیشہ جرمی کے ایک کیس - ایف

ଶ୍ରୀମଦ୍ଭଗବତ୍ପ୍ରତି ନମଃ

אשר לא ידעו כי יבא אליו וישיבם אל ארצם ויבא אליו וישיבם אל ארצם

အ-ဦးကြီးကလေးက ဂုဏ်သိက္ခာနဲ့ ပြုမူနေတာ

[illegible]

١٠

[illegible][illegible][illegible]

دو ادب از این صلاحتی که بر مسیحیت است و در راه آن می‌روند که به یونانی که گفته اند «کریست» -

(SG/90-100) (سجل رقم ۱۹۶۴) جنابیہ جے ایم اے ڈی - ب

[illegible]

၎င်းတို့၏ အကျိုးအမြတ်ကို အကျိုးခံစားခွင့်ရှိသူများအား ခွဲဝေပေးရန် အစီအစဉ်များ ရေးဆွဲဆောင်ရွက်ကြသည်။

[illegible]

55

۸-۵-۱۳۸۵

ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।

[illegible]

- اقدامات ضداخلالگرانه بود از تاریخ ۵-۷ سپتامبر ۱۹۶۶ در آنکارا منعقد گردید
- ۲- پنج کارشناس به ترتیب از سرویس‌های جويز و انجیر و چهار کارشناس از سرویس زیتون در این سمینار شرکت داشتند.
- ۳- همانطور که در گزارش سمینار قید گردید تبادل نظرهایی که بین کارشناسان سه سرویس صورت گرفت از هر نظر مفید و سودمند بود زیرا تصویر روشنی را از چگونگی و شدت فعالیت‌های جاسوسی و اخلالگرانه که توسط دانشجویان و کارگران در خارج از کشور اجرا می‌گردید و یا اینکه خود آنها هدف اینگونه فعالیتها قرار می‌گیرند مجسم می‌ساخت.
- ۴- در روز آخر سمینار که رویهمرفته سه روز بطول انجامید کارشناسان پیشنهادات ذیل را به سرویس‌های عضو ارائه دادند-
- الف- سه سرویس باید توجه خاص به فعالیت‌های اخلالگرانه و جاسوسی که توسط دانشجویان و یا کارگران سه کشور اجرا می‌گردد و یا علیه خود آنها صورت می‌گیرد مبذول دارند.
- ب- سه سرویس باید کوشش‌های لازم را بمنظور جمع‌آوری و تبادل اطلاعات در مورد دانشجویان و کارگران سه کشور مقیم در کشورهای خارجی معمول دارند
- ج- با استفاده از چهارچوب قوانین و مقررات موجود لازم می‌باشد سه سرویس از کلیه اقدامات فوری و ضروری جهت جلوگیری از هرگونه کمک عوامل محلی به دانشجویان و کارگران سه کشور که اکنون سرگرم فعالیت‌های جاسوسی و اخلالگرانه می‌باشند معمول دارند.
- د- در چهارچوب قوانین و مقررات موجود سه سرویس عضو باید از انتشار و توزیع هرگونه نشریات تبلیغاتی که مخالف و مغایر منافع- مصالح و حیثیت سه کشور باشد جلوگیری بعمل آورند.
- ه- سه سرویس باید توجه مخصوصی به اعمال نفوذ و تحریکات دشمنان خارجی (از قبیل کشورهای کمونیستی- سازمان‌های جبهه‌ای- کشورها و سازمان‌های عربی و سایر سرویس‌های مخالف) مبذول دارند.
- و- سه سرویس باید مقامات دولتی خود را از خطرات احتمالی جاسوسی و فعالیت‌های اخلالگرانه موجود بین دانشجویان و کارگران مقیم خارج کشور آگاه ساخته و آنان را قانع سازند تا کلیه اقدامات لازم جهت مبارزه با اینگونه فعالیت‌ها را طرح ریزی و به مرحله اجرا درآورند.

۵- سخنرانی‌های سه جانبه

۱- طبق دستور پانزدهمین شورای سه جانبه دبیرخانه جزئیات دو سخنرانی را که قرار بود اوایل نوامبر ۶۶ توسط یک سخنران از سرویس جویز درباره اهمیت بررسی عملیاتی از نقطه نظر استخدام مأمور در کشورهای هدف در کشورهای انجیر و زیتون ایراد کرد مورد بررسی قرار داد.

۲- بعلم پیش‌بینی نشده‌ای سرویس جویز تقاضا نمود که سخنرانی مزبور بتعویق افتد و از پس مشورت با سرویس‌های عضو دبیرخانه تصمیم گرفت پس از خاتمه جلسات کنفرانس سه جانبه تاریخ سخنرانی تعیین گردد.

۶- اوضاع مالی

۱- پس از خاتمه پانزدهمین شورای سه جانبه هریک از سه سرویس ۹۳ دلار به دبیرکل پرداخت نمودند و بدین ترتیب بودجه دبیرخانه مجدداً به حدنصاب خود یعنی ۹۰۰ دلار رسید.

۲- پس از خاتمه شورای سه جانبه دبیرکل دو بار به ترتیب به شهر زیتون (سپتامبر ۶۶) جهت شرکت در نهمین جلسه کمیته هماهنگ کننده و به انجیر برای شرکت در جلسات سه جانبه مسافرت نمود.

۳- بعلمت تعویض دفتر کار دبیرکل در سفارتخانه تعمیراتی صورت گرفت. ضمناً دفتر جدید احتیاج به قفل رمز- لامپ فلورسنت و کرکره داشته و هزینه خرید آن از بودجه دبیرخانه کسر گردیده است.

۴- کلیه مخارج مسافرت‌ها و سایر هزینه‌ها با ذکر جزئیات در لیست پیوست الف قید گردیده است و اوضاع مالی را تا تاریخ ۱۵ نوامبر/ ۶۶ مشخص نموده است.

۵- با ملاحظه لیست پیوست (الف) لازم است هریک از سه سرویس عضو مبلغ ۲۴۳ دلار پرداخت نمایند تا بودجه بحد نصاب همیشگی خود یعنی ۹۰۰ دلار برسد.

۶- حقوق دربان دبیرکل که سرویس جویز از تاریخ اول ژانویه ۱۹۶۵ تا ۳۱ در دسامبر ۱۹۶۵ هزینه پرداخت آنرا تقبل نموده بود بنا به پیشنهاد دبیرکل از ۳۰۰۰ ریال به ۳۵۰۰ ریال در سال ۱۹۶۶ افزایش یافت که از طرف سرویس جویز پرداخت می‌گردد. طبق روش موجود حقوق دربان در سفارت‌ها در هر سال بمیزان ۵۰۰ ریال در ماه اضافه می‌گردد (مشروط بر اینکه حداکثر حقوق پیش از ۵۰۰۰ ریال در ماه نگردد).

۷- با توجه به این روش درخواست می‌شود که حقوق دربان از آغاز سال ۱۹۶۷ از ۳۵۰۰ ریال به ۴۰۰۰ ریال افزایش یابد.^۱

یادآوری این موضوع خالی از فایده نیست که سمینارهای سه‌جانبه، به عنوان بالاترین مرحله نشست سران سرویس‌های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه محسوب و معمولاً هر شش ماه یک بار، به میزبانی یکی از دولت‌های مزبور برگزار می‌شد. مرحله قبل از آن، اجلاس شورای سه‌جانبه و کمیته سه‌جانبه بود که به‌طور معمول دو بار در سال برگزار می‌شدند. ساواک نیز برای تسهیل و تسریع فعالیت‌ها و وظایف خود در این پیمان سه‌جانبه، با تشکیل کمیته‌های ویژه داخلی، سعی در ایفای مسؤولیت و نقش خویش می‌نمود. ریاست این کمیته‌های داخلی، بر اساس شرح وظایف ادارات کل ساواک به عهده مدیر کل مربوطه بود. هر کدام از این کمیته‌ها مأموریت اطلاعات مشخصی در داخل و خارج کشور به عهده داشتند. در یکی از گزارش‌های ساواک در این باره چنین می‌خوانیم:

منظور:

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

با توجه به مصوبات قبلی در چهارچوب همکاری‌های سه‌جانبه (ایران-ترکیه-اسرائیل) و سه‌گانه (ایران-اسرائیل-اتیوپی) کمیته‌های مشروح زیر تحت نظر شورای سران سه سرویس فعالیت می‌کنند.

۱- سه‌جانبه (ایران-ترکیه-اسرائیل)

الف- کمیته امنیت:

هر ششماه یکبار همزمان با شورا تشکیل جلسه می‌دهد و وظیفه آن بررسی جنبشهای کمونیستی و براندازی در کشور عضو و تنظیم پیشنهاداتی بمنظور مقابله با این قبیل فعالیت‌ها می‌باشد. ریاست هیئت نمایندگی ساواک در این کمیته با توجه به جنبه‌های امنیت داخلی آن بمعهد مدیرکل اداره هشتم بوده و هیئت نمایندگی مربوطه از ادارات کل سوم و هشتم انتخاب می‌شده است.

ب- کمیته اطلاعات:

هر ششماه یکبار همزمان با شورا تشکیل جلسه می‌دهد و وظیفه آن بررسی اوضاع داخلی-

۱. گزارش ساواک، درباره شانزدهمین اجلاس شورای سه‌جانبه، آبان ۱۳۴۵/نوامبر ۱۹۶۶.

سیاست خارجی- موقع نظامی و اقتصادی کشورهای عرب خاورمیانه بانضمام فعالیت‌های کمونیستی در این کشورها می‌باشد.

این کمیته نیز مانند کمیته امنیت گزارش خود را که مشتمل بر بررسی اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ای و توصیه‌های مربوط به آن می‌باشد بعد از تصویب تقدیم شورای سران سه سرویس می‌نماید. با توجه به اینکه وظیفه کمیته اطلاعات منحصرأ بررسی اوضاع منطقه می‌باشد از این رو ریاست هیئت نمایندگی ساواک در اجلاس‌های آن بمعده مدیر کل اداره هفتم بوده است.

پ- کمیته هم‌آهنگ کننده:

در سال چهار بار- دو بار همزمان با شورا و دوبار بطور انفرادی تشکیل جلسه می‌دهد و وظائف آن عبارتست از:

- تهیه و تنظیم طرح‌های عملیات مشترک در کشورهای هدف بر مبنای پیشنهادات هریک از سه سرویس و تقدیم این طرح‌ها به شورای سران سه سرویس.

- اتخاذ تصمیم پیرامون تاریخ و موضوع سمینارهای سه جانبه که منحصرأ جنبه آموزشی دارد و هر ششماه یکبار با شرکت کارشناسان سه سرویس تشکیل جلسه می‌دهد.

- تصویب فهرست عناصر اصلی خبر جهت تقدیم به شورای سران سه سرویس.

- تصویب گزارشات دو کمیته امنیت و اطلاعات و تقدیم آن به شورای سران سه سرویس.^۱

رؤسای کمیته‌های سه گانه داخلی، برای تأمین نیازهای تشکیلاتی و اطلاعاتی خود، بخش‌هایی از امور را که جمع‌آوری اخبار اطلاعات پایه و موضوع‌بندی آن‌ها بود به ادارات زیرمجموعه خود محول و واگذار می‌کردند. در یکی از دستورالعمل‌های اداره کل هفتم، خطاب به رؤسای ادارات ۱ و ۲ چنین آمده است:

یک نسخه در ۴ برگ توصیه‌های کنفرانس سه جانبه اخیر به پیوست ارسال و بطوریکه حضوراً بررسی و تذکر داده شد چون کنفرانس سه جانبه آینده که در اواسط اردیبهشت ماه ۴۶ تشکیل خواهد شد بایستی نتیجه اقدامات هر سرویس درباره این توصیه‌ها معلوم و توضیح داده شود لذا شایسته است از هم اکنون اقدامات زیر در داخل آن اداره بعمل آید:

۱- عین این سند که بکلی سری است نزد شخص شما نگاهداری و از انتشار آن به رده‌های پایین‌تر

۱. گزارش ساواک؛ با طبقه‌بندی سری؛ بدون شماره و تاریخ.

خودداری شود.

۲- مندرجات آن برحسب وظائف و مسئولیت بخشهای مربوطه بشکل چند گروه پرسش و یا دستورالعمل جدا شده به بخش‌های مربوطه ابلاغ شود.

۳- هر بخش برای آن سری سئوالات و یا دستورالعمل‌ها فیش یا فیشهای مخصوص تهیه نماید و آن سئوالات را در فیش وارد نماید.

۴- مسئولین بررسی و روستاء بخشها با توجه به کلیه اقداماتی که در زمینه این سئوالات و دستورالعملها (توصیه‌ها) بعمل می‌آید مانند:

- تصمیمات شاهنشاه آریامهر و فرمایشات و اوامر معظم‌له
- اقدامات دولت شاهنشاهی- دستگاههای تبلیغاتی (اعم از تبلیغات بر له کشورها و پایتختها و یا علیه آنان)

- مسافرتهاى شخصيتهاى خارجى به ایران و بالعکس
- عزیمت هیئتهای اقتصادی و فرهنگی و غیره به کشورهای خارج و بالعکس و هرگونه اقدامات دیگری که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در اجرای توصیه‌های مندرجه در برگهای پیوست بعمل می‌آید.

بتدریج فیشهای مربوطه را تکمیل نمایند تا هر موقع لازم شد بتوان از آنها استفاده و بهره‌برداری نمود.

۵- برای اطمینان از اجرای تدریجی دستور بالا و تطبیق یادداشتها با اطلاعات روز بازرسیهای منظمی از کار مسئولین مربوطه بعمل آورده و آماده باشید که لااقل یک ماه قبل از تشکیل کنفرانس بتوانید گزارش خواسته شده را تهیه نمایید.

مدیر کل اداره هفتم- سر تیپ کاره^۱

سرویس‌های سه‌گانه نیز برای انجام مأموریت‌های محوله، وظایف مشخص در حوزه‌های استحفاظی از پیش تعیین شده به عهده داشتند. این سرویس‌ها حاصل فعالیت‌ها و عملکردهای خود را نه فقط در سمینارها، شوراه‌ها و کمیته‌های سه‌جانبه ارایه، بلکه برای هر سرویس به‌طور جداگانه ارسال می‌کردند. اطلاعات مندرج در یکی از گزارش‌های ساواک در این خصوص قابل توجه می‌نماید:

۱. گزارش ساواک، با طبقه‌بندی به کلی سزی، مورخ ۹/۲۴/۴۵، بدون شماره.

گزارش میزان پوشانیدن فهرست نیازمندیهای اطلاعاتی توسط

سرویسهای سه جانبه

سرویس	موضوع کشور و منطقه	ارتباط به فهرست نیازمندیها	ارزیابی	ملاحظات
اسرائیل	- اوضاع داخلی کشورهای عربی بویژه مصر و سوریه. - روابط نظامی- سیاسی و اقتصادی شوروی با کشورهای عربی بویژه مصر- سوریه عراق- جمهوری دمکراتیک خلق یمن- سومالی و لیبی. - روابط بین الاعراب - فعالیت سازمانهای فلسطینی- روابط آنها با یکدیگر و با شوروی - فعالیتهای تروریستی و خرابکاری فلسطینیها - اوضاع داخلی آنتیوپی - روابط کشورهای عربی با یکدیگر - اوضاع داخلی کشورهای عربی بویژه مصر- لیبی- سوریه و عراق. - قبرس - سازمانهای فلسطینی و فعالیتهای آنها.	دارد	مفید	۱- گزارشهای هفتگی که توسط این سرویس ارسال می‌گردند برای سرویس ایران مفید بوده و همکاری موجب امتنان است
			مفید برای سابقه	
			مفید	۲- ارسال اطلاعات بیشتری درباره اوضاع داخلی لیبی موجب تشکر خواهد شد
			مفید برای سابقه	
			مفید	۱- گزارشهای مربوط به اوضاع کلی خاورمیانه و روابط بین الاعراب مفید برای سابقه بوده و موجب امتنان است.
			مفید برای سابقه	۲- اگر ترمیمیاتی داده شود که گزارش مبادلاتی این سرویس زودتر به ساواک برسد تا بشود بموقع از آنها بهره‌برداری نمود
			مفید برای سابقه	موجب امتنان خواهد بود. ^۱
ترکیه	- اوضاع داخلی کشورهای عربی بویژه مصر و سوریه. - روابط نظامی- سیاسی و اقتصادی شوروی با کشورهای عربی بویژه مصر- سوریه عراق- جمهوری دمکراتیک خلق یمن- سومالی و لیبی. - روابط بین الاعراب - فعالیت سازمانهای فلسطینی- روابط آنها با یکدیگر و با شوروی - فعالیتهای تروریستی و خرابکاری فلسطینیها - اوضاع داخلی آنتیوپی - روابط کشورهای عربی با یکدیگر - اوضاع داخلی کشورهای عربی بویژه مصر- لیبی- سوریه و عراق. - قبرس - سازمانهای فلسطینی و فعالیتهای آنها.	دارد	مفید	۱- گزارشهای هفتگی که توسط این سرویس ارسال می‌گردند برای سرویس ایران مفید بوده و همکاری موجب امتنان است
			مفید برای سابقه	
			مفید	۲- ارسال اطلاعات بیشتری درباره اوضاع داخلی لیبی موجب تشکر خواهد شد
			مفید برای سابقه	
			مفید	۱- گزارشهای مربوط به اوضاع کلی خاورمیانه و روابط بین الاعراب مفید برای سابقه بوده و موجب امتنان است.
			مفید برای سابقه	۲- اگر ترمیمیاتی داده شود که گزارش مبادلاتی این سرویس زودتر به ساواک برسد تا بشود بموقع از آنها بهره‌برداری نمود
			مفید برای سابقه	موجب امتنان خواهد بود. ^۱

مباحث، دستور کار و شرکت کنندگان در اجلاس های سه جانبه

از نکات بسیار قابل توجه اسناد به جا مانده از ساواک، اشاره به مباحث، و موضوعاتی است که در نشست های سه جانبه اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل در دستور کار و فعالیت شرکت کنندگان در سمینار، کمیته یا شورا قرار می گرفت. بخش قابل ملاحظه و جذاب دیگر اسناد طبقه بندی شده، اشاره به اسامی نمایندگان سه جانبه، در نشست های یاد شده در ادوار مختلف است که در هیچ یک از منابع مطالعاتی و پژوهشی تاکنون به آن اشاره نشده است. علاوه بر این، در لابلای این اسناد موارد بسیار اساسی و حائز اهمیت در حوزه فعالیت های اطلاعاتی سرویس های سه گانه به چشم می خورد که برای خوانندگان شگفتی ساز و بلکه حیرت آور می نماید. افشای اسرار گوناگون مربوط به همکاری سرویس های سه جانبه، از موارد برجسته ای است که به طور فراوان در اسناد ساواک خودنمایی می کند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که انتشار این اسناد، به معنای افشای توطئه های اطلاعاتی سرویس های جاسوسی و امنیتی سه جانبه، علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی، با هدف آشناسازی، پژوهشگران، تحلیل گران سیاسی، مورخان، به ویژه نسل جوان جامعه است. این افشاگری ها نه تنها عملکرد، ماهیت و اهداف سرویس های اطلاعاتی مورد نظر را به نسل حاضر و نسل های آینده نشان می دهد، بلکه پرده از اسراری برمی دارد که سرویس اطلاعاتی صهیونیستی آن را کاملاً مغایر مصالح و منافع خود در جهان معاصر می داند. زیرا صهیونیست ها و سرویس اطلاعاتی اسرائیل، شاید هیچ گاه به این موضوع، آن گونه که باید، دقت و پیش بینی نکرده بودند که روزی این اسناد، از نهانخانه اسرار ساواک و از حوزه قدرت و کنترل دولت شاهنشاهی، خارج و به دست کسانی خواهد افتاد که سال ها اسیر دسیسه و

توطئه آن‌ها قرار داشتند. اشاره به بخشی از این اسناد، صرفاً به معنی آشنایی و آشناسازی با تعدادی اسم و یا گردش کار و فعالیت سرویس‌های سه گانه ایران، اسرائیل و ترکیه نیست. بلکه، بعضی فرازهای حساس لابلای این اسناد، پرده از عمق توطئه‌های خطرناکی برمی‌دارد که به جرأت می‌توان ادعا کرد که برای همیشه در هیچ‌یک از منابع منتشره از سوی دولت‌هایی چون اسرائیل و ترکیه و یا توسط نویسندگان و مورخان آن‌ها، تدوین، تنظیم و عرضه نخواهد شد. گزارش به کلی سَری اداره کل هفتم ساواک درباره اسامی هیأت نمایندگی ترکیه، اسرائیل و ایران جهت شرکت در سمینار سه جانبه مهر ماه ۱۳۴۴ ش/اکتبر ۱۹۶۵ م، که در تهران برگزار شد بسیار خواندنی است. به علاوه در این گزارش، به موضوع اصل اجلاس، یعنی بررسی جنبه‌های حفاظتی عملیات جاسوسی از سوی سرویس‌های اطلاعاتی سه گانه یاد شده در جهان اسلام و در میان ملت‌های مسلمان اشاره شده که در جای خود تکان دهنده است:

بازگشت بنامه شماره ۳۰۱/۳۸۶۰۳ مورخ ۴۴/۸/۶

به پیوست یک نسخه از ترجمه مذاکرات مورد عطف (در چهار صفحه) جهت استفاده آن اداره کل ایفاد می‌گردد.

مدیر کل اداره هفتم. سرنیپ کاوه^۱

دومین سمینار سه جانبه پیرامون جنبه‌های حفاظتی عملیات جاسوسی در ۲۰ و ۲۱ اکتبر ۱۹۶۵ در تهران تشکیل گردید. شرکت کنندگان عبارت بودند:

هیئت نمایندگی ترکیه:

سرهنگ ه. بوگاتو

آقای ا. موتلور

آقای ف. ایلکی

آقای ن. ارال

هیئت نمایندگی اسرائیل:

آقای بو. یاگیل

آقای ا. ران

۱. گزارش ساواک؛ مورخ ۴۴/۸/۱۷؛ شماره ۷۴۵/۱۳۹۷.

آقای ا-سیوان

آقای م-اورون

آقای م-پاز

آقای ا-الدار

هیئت نمایندگی ایران:

سرهنگ ع-شائق

سرهنگ ی-لیقوانی

آقای ه-شیخ الاسلامی

آقای ن-رزم‌آرا

آقای م-هدایتی

آقای ا-وحدانی

آقای ب-ثابتی

آقای ی-ضیاء ابراهیمی

بواسطه اهمیت و دامنه وسیع عملیاتی که افسر مسئول انجام می‌دهد و همچنین نقش وی در عملیات برای رسیدن به هدف مورد نظر توصیه شد که یک واحد ویژه حفاظتی تشکیل گردد. هیئتهای نمایندگی با بررسی پرونده‌های سمینار گذشته تصمیماتی را که در آن زمان اتخاذ شده و بقرار زیر است تائید می‌نمایند:

با در نظر گرفتن اهمیت حفاظت عملیاتی و اینکه چگونه چنین واحدی باید کاملاً با نیازمندیهای هریک از کشورها مطابقت داشته باشد پیشنهاد می‌شود که چنین واحدی عملیات زیر را انجام دهد:

الف- بررسی خبرهای جمع‌آوری شده پیرامون قدرت- نقاط ضعف و شگرد کار دشمن.
ب- در نظر گرفتن یک مشاور عملیاتی بمنظور دنبال کردن پیشرفت عملیات پایگاه و دادن نظریه در تمام موارد مربوط به حفاظت عملیات بدرخواست افسر عملیاتی (باید توجه شود که کار این مشاور محدود بدادن نظریات است ولی برای افسر عملیاتی که مسئول مستقیم می‌باشد الزام‌آور نمی‌باشد).

(۱) وظایف واحد حفاظت عملیاتی.

روشهای عملیاتی- طرز آشنائی مأمور با افسران دستگاه و همچنین وسائل ارتباطی در آن منعکس باشد.

ث- بالا بردن اطلاعات حفاظتی کارمندان

(۳) سازمان.

الف- افسران خوش سابقه‌ای که دارای تجربه عملیاتی باشند بعنوان عضو واحد حفاظت عملیاتی انتخاب می‌شوند.

ب- محل واحد حفاظت عملیاتی هر سرویس با توجه بسازمان سرویس مربوطه تعیین می‌گردد ولی بهتر است واحد حفاظت عملیاتی در قسمت اطلاعات مثبت منظور گردد.

سمینار پیشنهاد می‌کند که سرویس‌های سه گانه هرگونه اطلاعاتی که پیرامون شیوه کار دشمن بدست می‌آورند مبادله نمایند.

اشاره به شیوه‌ها و شگردهای مخصوص سرویس‌های اطلاعاتی یاد شده در انجام فعالیت‌های جاسوسی، عملیات‌های حفاظتی و ضدجاسوسی و چگونگی مبادله اطلاعات جمع‌آوری شده از سوی هر یک از سرویس‌ها به یکدیگر، از دیگر موارد خواندنی و حساس این سند است.

گزارش تکمیلی دیگر، نامه‌ها و اسناد اداره کل دوم ساواک درباره زمان، چگونگی ورود و اسامی هیأت‌های شرکت کننده در سمینار سه جانبه تهران در مهر سال ۱۳۴۴ است که مطالعه آن‌ها خالی از فایده نیست:

مدیریت کل اداره یکم (تشریفات)

پیرو شماره ۴۴/۷/۱۴-۲۳۲/۴۶۷۶۷

تاریخ دقیق ورود هیئت اعزامی زیتون و تعداد آنها بشرح زیر اعلام گردیده است. [هیئت مزبور در تاریخ ۱۹ اکتبر ۶۵ (۴۴/۷/۲۷) ساعت ۲۱:۱۰ وسیله هواپیمای افرانس پرواز ۱۸۸ تهران وارد و در تاریخ ۲۵ اکتبر (۴۴/۸/۳) بکشور خود مراجعت می‌نمایند. ضمناً سه تن از اعضاء سرویس دوستان باسامی زیر در سمینار شرکت خواهند نمود و احتمال دارد یک نفر دیگر نیز بتعداد آنان اضافه شود:

(۱) آقای سیوان سمت رئیس اداره عملیات حفاظتی

(۲) آقای پاز سمت رئیس ضدجاسوسی

- (۳) آقای الدار سمت رئیس قسمت ضدجاسوسی
اسامی و سمت هشت چهار نفری ترک نیز بشرح زیر می باشد:
- (۱) سرهنگ بوگاتور سمت رئیس اداره حفاظت عملیات
(۲) آقای ارگون سمت کارمند قسمت ضدجاسوسی
(۳) آقای ایلکاس سمت کارمند قسمت حفاظت عملیات
(۴) آقای اورال سمت کارمند قسمت حفاظت عملیات
مراتب جهت اطلاع بآن اداره کل اعلام می گردد.

مدیرکل اداره دوم- شائق^۱

بر اساس اسناد و مدارک موجود، ظاهراً اولین سمینار سه جانبه اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه در اردیبهشت سال ۱۳۴۴ در کشور ترکیه برگزار شده بود. طبق مندرجات یکی از اسناد بکلی سری ساواک، موضوع این سمینار، حفاظت عملیات در سرویس های اطلاعات مثبت بود که از سوی ایران یک نفر و از سوی سرویس های اطلاعاتی ترکیه و اسرائیل به ترتیب ۷ و ۵ نفر به اسامی ذیل در آن شرکت داشتند:

تاریخ شروع سمینار: ۲۶ آوریل ۱۹۶۵

تاریخ خاتمه سمینار: ۲۸ آوریل ۱۹۶۵

موضوع سمینار: حفاظت عملیات در سرویس های اطلاعات مثبت
نمایندگان شرکت کننده:

ایران- یکنفر- موسوی

اسرائیل- پنج نفر:

(۱) آقای LEVEN [لِوِن] نماینده اسرائیل در ستو (۱)

(۲) آقای ASHDUT [اشدوت]

(۳) آقای KRON [کرون]

(۴) آقای HERAN [هران]

(۵) آقای KAMUS [کاموز]

ترکیه- هفت نفر:

۱. گزارش ساواک: مورخ ۴۴/۷/۱۸: شماره ۱۳۲/۴۶۷۸۳.

(۱) سرهنگ سلیم‌یگ-اوید. رئیس سرویس اطلاعات مثبت ترکیه و رئیس سمینار.

(۲) آقای سومان

(۳) آقای فای

(۴) آقای آکانتا

(۵) یکنفر سروان

(۶) سه نفر شرکت‌کننده دیگر که کمتر در بحث شرکت داشتند.^۱

گزارش دیگر ساواک درباره موضوع و قطعنامه سمینار مزبور است که به همراه آن، اداره کل دوم، نظریه پیشنهادی خود را درباره ایجاد هیأت تحقیق درباره شگرد و روش کار دشمن، ضرورت مبادله اطلاعاتی سه سرویس، لزوم برخورداری از تجربه و اطلاعات کافی از سوی مسئولین حفاظت اطلاعات و نیز ضرورت تعیین فردی به عنوان مشاور حفاظت عملیات از سوی ادارات ذی‌ربط، به مقامات بالا، ارایه کرده است:

بعرض می‌رساند:

طبق گزارش نماینده ساواک موضوع سمینار آوریل ۶۵ منعقد در آنکارا (حفاظت عملیات جاسوسی) بوده است [.] در سمینار مزبور درباره چگونگی جلوگیری از افشاء عملیات جاسوسی و همچنین پیرامون ختنی نمودن عملیات ضد جاسوسی دشمن بحث گردیده و در قطعنامه پایان سمینار لزوم ایجاد یک واحد حفاظت عملیات جاسوسی که بتواند با رؤسای عملیات مشورت نماید پیشنهاد گردیده و مورد تصویب هیئتهای سه گانه قرار گرفته است.

در گزارش مزبور بطور وضوح روشن نگردیده که واحد حفاظت عملیات جاسوسی روی عملیات جاسوسی کشورهای بیگانه در داخل کشور عمل خواهد نمود و یا اینکه واحد مزبور مربوط به عملیات جاسوسی در کشورهای هدف نیز اقداماتی می‌نماید. با توجه باینکه نماینده ترک مثالهایی از دستگیری جاسوسان ترک در سوریه را بمیان آورده تصور می‌رود این واحد در کلیه امور عملیاتی چه در داخل کشور و چه در خارج دخالت نموده و در مواقع مقتضی و لازم توصیه‌هایی به آنان خواهد نمود. در قطعنامه اضافه گردیده موارد عملیاتی که (case) برای سرویسها پیش می‌آید بین سه سرویس مبادله گردد که مورد بررسی قرار گرفته و از نکات مهم آنها بهره‌برداری شود.

۱. سند ساواک؛ مورخ ۱۳۴۴/۲/۱۵، طبقه‌بندی به کلی سری.

نظریه:

۱) ایجاد هیئت تحقیق شگرد و روش کار دشمن در هریک از ادارات اهم از خارجی و داخلی تحت عنوان قسمت بررسی حفاظت عملیات نافع است که اطلاعات لازم را بموقع در اختیار رهبر عملیات قرار دهند.

۲) بنا به مقتضایت هر بخش در هریک از ادارات عملیاتی یک نفر بعنوان مشاور حفاظت عملیات بخش تعیین و زیر نظر هیئت رئیسه اداره کل مربوطه انجام وظیفه نماید. افراد مزبور مسئول زیر نظر گرفتن عملیات- بررسی موارد و توجه دادن رهبران عملیاتی به نکات حفاظتی می باشد [باشند].

۳) مسئولین حفاظت عملیات که در هریک از ادارات تعیین می شوند بایستی در امور عملیاتی اطلاعاتی کافی داشته و با تجربیات خود بتوانند به بهترین وجه از عهده وظائف محوله برآیند.

۴) مبادله موارد عملیاتی (case) بین سه سرویس از هر لحاظ سودمند و قابل بهره برداری است و با تغییر نام رهبران عملیات و مأمورین می توان آنها را مبادله نمود.

اداره کل دوم^۱

یکی دیگر از سمینارهای سه جانبه در آخر اردیبهشت سال ۱۳۴۵ در تل آویو (فلسطین اشغالی) و به میزبانی طرف اسرائیلی برگزار شد. اداره کل هفتم ساواک، طی نامه ای به اداره کل دوم، انتخاب افراد ایرانی شرکت کننده در اجلاس مزبور را به عهده آن تشکیلات دانسته و افزوده است:

موضوع سمینار سه جانبه

بدینوسیله مراتب زیر درباره سمینار آینده سه جانبه برای اطلاع آن اداره کل اعلام می گردد:

۱- موضوع:

"Briefing and Debriefing of Positive Intelligence Sources"

۲- تاریخ: ۱۶ تا ۲۰ (و احتمالاً ۲۲) مه/ ۱۹۶۶

۳- محل: تل آویو

۴- تعداد شرکت کنندگان: سه تا پنج نفر

بفرموده تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی مسئولیت انتخاب کارمندان واجد صلاحیت

۱. گزارش ساواک: ۱۳۴۴/۳/۳، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

و آماده نمودن آنان از هر جهت برای شرکت در سمینار مزبور بآن اداره کل محول گردیده است.

بدیهی است هرگونه اطلاعات تکمیلی دیگری که در این زمینه برسد بلافاصله بآن اداره کل اعلام خواهد گردید.

خواهشمند است اسامی کارمندان انتخاب شده و آمادگی آنان را برای اطلاع نماینده سرویس زیتون به این اداره کل اعلام دارند.

مدیر کل اداره هفتم- سر تیپ کاوه^۱

پنجمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل در تاریخ ۱۴ تا ۱۹ شهریور سال ۱۳۴۵، مقارن با ۵ تا ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۶ در آنکارا پایتخت ترکیه برگزار شد.

سمینار ششم سه جانبه، از تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۶۷ م/ ۲۲ فروردین ۱۳۴۶ ش، به مدت سه روز در تهران برگزار شد.^۲

اداره کل دوم ساواک، طی نامه‌ای به مدیر کل اداره هفتم، درباره محورها و موضوعات سمینار ششم، پیشنهاد[هایی] ارائه کرده که اطلاعات تکمیلی آن به شرح ذیل است:

مدیریت کل اداره هفتم

بازگشت بشماره ۷۰۵/۲۷۷۵-۴۵/۹/۱۶

با توجه بنامه شماره بازگشتی فوق با در نظر گرفتن مطالبی که در سمینارهای گذشته مطرح شده بود از طرف این اداره کل سه موضوع بشرح زیر انتخاب گردید:

۱) تغذیه مأمور دویل و بهره‌برداری از آن (با همکاری اداره کل هشتم).

1) Supplying double agents and their complete exploitation

۲) منابع گمراه کننده و شناسایی آنها.

2) Deceptive sources and their reconnaissance

۳) مخبرین و تأثیر آنها در عملیات جاسوسی.

3) Informants and their effects on operation of espionage

که مراتب بعرض تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی رسید پی نوشت فرمودند:

۱. گزارش ساواک؛ مورخ ۴۵/۲/۸؛ شماره ۷۴۵/۱۹۵۵.

۲. گزارش اداره کل هفتم ساواک، مورخ ۱۳۴۵/۱۱/۴، شماره ۷۰۵/۲۹۳۸۰، با طبقه‌بندی به کلی سری.

و امنیت سه گانه نیز از پیش تشکیل می‌شد و اخبار و اطلاعات و موارد مورد نیاز را بررسی و سپس زمینه برگزاری اجلاس کنفرانس نهایی را آماده و فراهم می‌کردند. در یکی از گزارش‌های ساواک، در خصوص عزیمت شرکت کنندگان ایرانی به شهر «پولاد» یا «فولاد» [اسرائیل] جهت شرکت در کمیته‌های اطلاعاتی و امنیتی سه جانبه، به ساعات و ایام پرواز و اسامی اعضا تیم اعزامی چنین اشاره شده است:

موضوع گزارش

۱- در جلسه هفتگی سه جانبه روز ۴۶/۱/۳۰ دیرکل سه جانبه صورت جلسات اجلاس سه شورا- کمیته هماهنگ کننده- کمیته اطلاعات و کمیته امنیت سه جانبه را ارائه نمود که عیناً جهت تصویب تقدیم می‌گردد.

۲- در این جلسه دیرکل اظهار نمود که رئیس سرویس (طوفان) پیشنهاد نمود که در شورا فقط رئیس سرویس میهماندار نطقی در مورد اوضاع بین‌المللی ایراد نماید و لزومی ندارد روسای دو سرویس دیگر در این مورد سخنرانی نمایند و فقط کافی است نظرات خود را در مورد نطق مطرح نمایند.

۳- نماینده سرویس (پولاد) نیز اظهار نمود در صورت تصویب پس از خاتمه اجلاس کمیته‌های اطلاعات و امنیت دو روز برنامه بازدید برای شرکت کنندگان ترتیب داده شود.

۴- در مورد عزیمت شرکت کنندگان به شهر (پولاد) برای شرکت در کمیته‌های اطلاعات و امنیت سه جانبه (از روز ۴۶/۲/۱۸) دو پرواز بشرح زیر:

- روز یکشنبه ۴۶/۲/۱۷ پرواز با شرکت الال [العال]

- روز جمعه ۴۶/۲/۱۵ پرواز با شرکت ایرفرانس ۱۲۴۵

مقرر فرمایند شرکت کنندگان در کنفرانس با کدام پرواز عزیمت نمایند تا مراتب به نماینده مربوطه ابلاغ شود.

۵- نماینده سرویس (پولاد) درخواست نمود تاریخ و شماره پرواز عزیمت تیمسار ریاست ساواک و تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی نیز باو داده شود.

پرواز روز قبل و روز شروع کمیته هماهنگی بشرح زیر است:

- چهارشنبه ۴۶/۲/۱۹ BOAC ۵:۵۰ صبح ایرفرانس ۱۰:۵۰ شب

- چهارشنبه ۴۶/۲/۲۰ الال [العال] ۶ صبح BOAC ۱۰:۳۰ صبح

عده یک برگ لیست اسامی شرکت کنندگان (پولاد) و (طوفان) در کنفرانس سه جانبه آینده به پیوست تقدیم می‌گردد.
مقرر فرمایند نظریه عالی را در مورد بالا ابلاغ دارند.

اداره کل هفتم

**PARTICIPANTS AT THE FORTHCOMING TRI-
DENT MEETING
STEEL DELEGATION**

1. General M. Amit [آمیت]
2. Mr. N. Kennen [کینن]
3. Col. S. Gazit [گازیت]
4. Mr. E. Gavrieli [آگاوریل]
5. Mr. E. Halevy [هالیوی]
6. Mr. Z. Alon [آلون]
7. Col. G. Navon [ناوون]
8. Mr. P. Korem [کورم]
9. Mr. A. Leven [لیون]
10. Mr. D. Karon [کارون]

STORM DELEGATION

COUNCIL

Gen. Dogu [دوگو]

COORDINATION BOARD

Gen. Akyol [آکیول]

INTEL. COMMITTEE

Gen. Akyol [آکیول]

Col. Uslu [اوزلو]

Col. Kelicen [کلیکان]

Mr. Barlas [بارلاز]

SEC. COMMITTEE

Mr. Cebe [کبه]

Mr. Kurali [کورالی]

Mr. Bora [بورا]

Interpreters

Mr. Köyagasiogla [کویاکاسیوگلا]

Mr. Barbarosoglu [بارباروسوگلو]

Miss Güngör^۱ [گونگور]

گزارش دیگر اداره کل هفتم ساواک در خصوص مسافرت اعضای سرویس اطلاعاتی ایران و نیز رئیس ساواک و رئیس سازمان اطلاعات خارجی برای شرکت در سمینار سه جانبه به میزبانی اسرائیل به شرح ذیل است:

بازگشت بشماره ۲۱۴/۸۱۱۴-۴۶/۲/۹

بدینوسیله اعلام می‌گردد که تیمسار ریاست ساواک و تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی در ساعت ۱۰:۳۰ چهارشنبه ۴۶/۲/۲۰ با پرواز ۷۷۱ شرکت هواپیمایی B.O.A.C بکشور زیتون مسافرت خواهند فرمود.

خواهشمند است دستور فرمایند مراتب را به نمایندگی آن اداره کل در کشور مزبور اعلام دارند.

مدیر کل اداره هفتم- سرتیپ کاوه^۲

یادآوری این نکته ضرور است که شرکت رئیس ساواک و نیز رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران برای شرکت در نشست‌ها و سمینارهای خارج از کشور، به‌خصوص اسرائیل، منوط به کسب مجوز از شخص محمدرضا پهلوی بود. گزارش‌های ساواک در این باره کاملاً واضح و گویاست:

گزارش

۱. گزارش اداره کل هفتم ساواک، با طبقه‌بندی سری، بدون شماره و تاریخ.

۲. گزارش ساواک؛ مورخ ۴۶/۲/۱۱؛ شماره ۷۰۵/۵۰۳۴.

کنفرانس سه جانبه سرویس‌های ایران-ترکیه-اسرائیل از ۴۶/۲/۱۸ در تل‌آویو شروع و تاریخ تشکیل شورای سه جانبه (با شرکت روساء سه سرویس معروضه) از ۴۶/۲/۲۱ در برنامه منظور و مدت مسافرت یک هفته پیشنهاد شده است.

با عرض اینکه رئیس جمهوری رومانی در ۴۶/۲/۲۳ وارد خواهد شد تصویب عزیمت چاکر در ۴۶/۲/۲۰ باموریت معروضه:

منوط باراده سنیه شاهانه است.^۱

از شرف عرض گذشت. تصویب فرمودند که طبق معمول شرکت نمایم.

مندرجات اسناد ساواک نشان می‌دهد که اعضا و کارشناسان دبیرخانه سه جانبه، متشکل از نمایندگان سرویس‌های اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل، حتی به‌طور هفتگی جلسات مستمر داشتند و مسایل پیرامون سمینارها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دادند و موضوعات و مباحث پیشنهادی درباره دستور کار اجلاس را که هر شش ماه یک بار برگزار می‌شد به سران و رؤسای سرویس‌های سه گانه اطلاعاتی ارایه می‌کردند. یکی از اسناد اداره کل هفتم ساواک درباره محور پیشنهادی دبیرخانه سه جانبه و گفت‌وگوهای مربوط به چگونگی تعیین و انتخاب نمایندگان شرکت کننده در اجلاس هفتم سه جانبه، به میزبانی پولاد (اسرائیل)، چنین اشاره شده است:

ساعت ۱۳ روز ۴۶/۷/۱ ملاقات هفتگی دبیرخانه سه جانبه با شرکت رئیس بخش پیمانهای این اداره کل و نمایندگان سرویسهای پولاد و طوفان تشکیل شد. نکات مهم بشرح زیر بعرض می‌رسد.

- ۱- در مورد تهیه گزارش دور افق موافقت شد که این گزارش باید فقط شامل نکات مهم تحولات شش ماهه گذشته خاورمیانه باشد بدون اینکه بهریک از کشورها جداگانه اشاره شود.
- ۲- در مورد سمینار سه جانبه که قرار است در شهر پولاد تشکیل شود نماینده پولاد اظهار نمود که سرویس متبوعه او پیشنهاد می‌کند که در صورت موافقت دو سرویس دیگر موضوع سمینار مشخصات بخصوص یک مأمور عرب باشد و قرار شد بعداً موافقت و یا عدم موافقت ساواک در اینمورد به نماینده سرویس پولاد اعلام شود.
- ۳- نمایند پولاد ضمن مطرح ساختن موضوع سمینار اظهار نمود که نظر سرویس متبوعه او

۱. سند ساواک، سازمان اطلاعات خارجی، مورخ اردیبهشت ۱۳۴۶.

اینست که نمایندگان شرکت کننده سمینار از رده بالا انتخاب شوند که بتوانند تجربیات خود را بازگو کرده و سمینار با موفقیت بیشتری برگزار شود. در جواب بنامبرده گفته شد که نمایندگان شرکت کننده از طرف ساواک در سمینارها اصولاً از کارمندان باتجربه بوده و همگی در کار خود وارد می‌باشند و موضوع اعزام نمایندگان رده بالا روشن نیست و توضیحات بیشتری در این مورد لازم است. پس از این اظهارات نماینده سرویس پولاد حرف خود را اصلاح نموده و اضافه کرد که مقصود او نمایندگان باتجربه می‌باشد.

اداره کل هفتم^۱

بر اساس اسناد موجود، موضوع هشتمین سمینار مورد اشاره، «چهارچوب ضداطلاعات» بود. مطالب مورد بحث و نیز اسامی نمایندگان سرویس‌های سه گانه اسرائیل، ایران و ترکیه در سمینار مزبور، در گزارش اداره کل هفتم ساواک به شرح ذیل آمده است:

بنابر تصویب قبلی هشتمین سمینار سه جانبه پیرامون آموزش مأمورین در چهارچوب ضداطلاعات از تاریخ ۴۷/۶/۱۹ الی ۴۷/۶/۲۳ در آنکارا با شرکت نمایندگان ساواک و سرویسهای ترکیه و اسرائیل تشکیل گردید.

آقای علی محیط از این اداره کل - آقای هوشنگ قاجار از اداره کل هشتم - آقای حمید امیدی تبریزی از اداره کل سوم و آقای عنایت‌اله جبل عاملی از اداره کل آموزش نمایندگی ساواک را در سمینار بمعده داشتند.

طبق اظهار نماینده این اداره کل سمینار مزبور از نقطه نظر آموزش بسیار مفید بوده و نمایندگان شرکت کننده به مقیاس قابل توجهی در جریان روش کار سرویسهای ترکیه و اسرائیل در زمینه اداره منابع و منابع دوبر قرار گرفتند. مطالب مشروحه زیر در سمینار بطور اجمال مورد بحث قرار گرفت.

- ۱- شرایط و مشخصات ضروری منابع و منابع دوبر.
- ۲- رعایت اصول حیطه‌بندی و حد لزوم باطلاع در مورد اداره منابع.
- ۳- آموزش مأمورین قبل از شروع عملیات و در جریان عملیات.
- ۴- آزمایشات حفاظتی مأموران و منابع.
- ۵- روابط بین رهبر عملیاتی و منبع.

۱. گزارش ساواک؛ ۱۳۴۶/۷/۲، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

پذیرائی سرویس ترکیه از نمایندگان اعزامی ساواک فوق‌العاده شایان توجه بوده و از هیچ کوششی در این باره فروگذار نشده است. بعد از خاتمه سمینار نمایندگان ساواک برای یک گردش تفریحی سه روز به شهر استانبول برده شدند. دو نفر از نمایندگان اعزامی (آقای مرشنگ قاجار و عنایت‌اله جبل عاملی) طبق تصویب از چهار روز مرخصی در استانبول استفاده می‌کنند و طی این مدت بنابر اصرار سرویس ترکیه میهمان سرویس مزبور خواهند بود. اسامی شرکت کنندگان تیم‌های ترکیه و اسرائیل بقرار زیر است:

الف: ترکیه

- سرهنگ فخرالدین اورتالای (رئیس جلسه)

- سرهنگ مت

- آقای اوزکایا

- خانم گونگور

- آقای فریس

ب. اسرائیل

- آقای شومرون رئیس جلسه

- آقای اوتایاکر

- آقای مارتین

- آقای اورن

- آقای اربل (رابط سرویس اسرائیل در ترکیه)

در جریان کنفرانس قطعنامه‌ای که محتوی مطالب مورد بحث سمینار بود بتصویب نمایندگان شرکت کننده سه سرویس رسید. این قطعنامه که بیشتر حاوی نظرات نمایندگان اعزامی ساواک در مورد اداره منابع می‌باشد.

اداره کل هفتم^۱

نهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی در تاریخ ۱۳۴۷/۱۰/۲۹ به مدت سه روز در تهران و به

۱. گزارش ساواک؛ مورخ ۱۳۴۷/۶/۲۶، با طبقه‌بندی سری.

میزبانی ساواک، حول محور ارتباطات مأمور در چهارچوب اطلاعات مثبت برپا شد. از سوی اداره کل هفتم ساواک، اسامی نمایندگان سه سرویس اطلاعاتی مورد نظر، به شماره ذیل گزارش شده است:

بنابر تصویب تیمسار ریاست ساواک نهمین سمینار سه جانبه با شرکت نمایندگان سه سرویس ایران-ترکیه و اسرائیل از تاریخ ۴۷/۱۰/۲۹ بمدت سه روز در محل باشگاه ساواک در زعفرانیه تشکیل شد. موضوع مورد بحث در سمینار ارتباط مأمور در چهارچوب اطلاعات مثبت بود. بخش پیمانهای اداره کل هفتم مسئولیت کارهای اداری و دبیرخانه سمینار را بمعهد داشت و امور حرفه‌ای و فنی آن بمعهد اداره کل دوم و نمایندگان ادارات کل هشتم و آموزش بود. نمایندگان شرکت کننده سه سرویس بقرار زیر بودند:

الف- ایران:

آقای مجید شاملو	رئیس جلسه	اداره کل دوم
آقای هوشنگ قاجار	عضو	اداره کل هشتم
آقای همایون منصور	عضو	اداره کل دوم
آقای حسین بی‌آزاران	عضو	اداره کل آموزش
آقای مجید رفیع‌زاده	عضو	اداره کل دوم
آقای کمال طیاران	عضو	اداره کل آموزش
آقای عباس نمازی	عضو	اداره کل دوم

ب- ترکیه:

آقای احمد ارسوی	رئیس هیئت	مدیر کل جمع‌آوری
آقای ارگول اریشن	عضو	رهبر عملیات اداره ضدجاسوسی
آقای الهان	عضو	رئیس اداره برون‌مرزی
آقای فهمی اوکوموش	عضو	رهبر عملیات برون‌مرزی
آقای عبدالله توروس	عضو	رهبر عملیات برون‌مرزی

پ- اسرائیل:

آقای آوارهان روم	رئیس هیئت	رئیس اداره ارتباطات پنهانی
		در کشورهای خارجی

۱- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۲- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۳- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۴- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۵- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۶- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۷- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۸- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۹- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۰- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۱- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۲- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۳- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۴- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۵- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۶- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۷- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۸- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۱۹- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۲۰- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۲۱- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

۲۲- چنانچه در مورد موضوع مورد بحث، هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نکرده است.

رئیس اداره پرونده‌های امنیتی	عضو	سروان ژان ژوزف لاندمن
رئیس عملیات ضد تروریسم	عضو	آقای جوهان مانور
معاون رابط اسرائیل در تهران	عضو	آقای موشه راز

بهره‌برداری حفاظتی و آموزش و همچنین آگاهی از سازمانهای حفاظتی در کشورهای ترکیه و اسرائیل فوق‌العاده مورد توجه شرکت کنندگان ساواک قرار گرفت (مطالب مطروحه در سمینار و نتایج حاصله وسیله ادارات کل چهارم و آموزش جداگانه بعرض خواهد رسید).

۳- نمایندگان ساواک در فرودگاه آنکارا بوسیله مدیر کل ضدجاسوسی سرویس ترکیه مورد استقبال قرار گرفتند. سرویس ترکیه از هیئت شرکت کننده ساواک در جریان سمینار و طی سفر تفریحی باستانبول و بورسا بنحو شایسته‌ای پذیرائی نمود و معاون این سرویس یک ضیافت کوکتیل بافتخار هیئت‌های شرکت کننده ترتیب داد.

آقای امیرشیلای سفیر شاهنشاه آریامهر در ترکیه نیز یک میهمانی به ناهار بافتخار هیئت نمایندگی ساواک ترتیب داد که در آن رئیس سرویس ترکیه با توافق معاونان خود و تعدادی از اعضا ارشد این سرویس شرکت نمودند.

۴- بعد از خاتمه سمینار بنابر تصویب قبلی، هیئت‌های شرکت کننده از دو سرویس ایران و اسرائیل بوسیله اتوبوس مخصوص باستانبول برده شدند و بعد از یک اقامت دو روزه از طریق شهر بورسا به آنکارا مراجعت کردند و هیئت ساواک عصر همانروز (۴۹/۱/۱۸) شهر آنکارا را بمقصد تهران ترک نمود. مراتب جهت استحضار گزارش می‌شود.

اداره کل هفتم^۱

دوازدهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل در آذر ماه سال ۱۳۴۹ در تهران برگزار شد.

اداره کل هفتم ساواک، طی گزارشی به ریاست آن سازمان، پیشنهاد آن تشکیلات و دیگر ادارات کل را در خصوص موضوعات سمینار چنین ارایه کرده است:

درباره سمینار سه جانبه

منظور

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

پیشینه

بنابر تصویب رؤسای سرویسهای سه جانبه دوازدهمین سمینار سه جانبه در چهارچوب ضدجاسوسی ظرف هفته آخر نوامبر (۲ تا ۹ آذر ماه ۴۹) در تهران برگزار خواهد شد. طبق

۱. گزارش ساواک، مورخ ۴۹/۱/۲۰، بدون شماره، یا طبقه‌بندی سری.

روش سرویس میزبان باید سه موضوع در چهارچوب اصلی سمینار به دو سرویس دیگر پیشنهاد نماید تا دو سرویس ضمن تبادل نظر با یکدیگر و همچنین با ساراک یک موضوع برای بحث در سمینار انتخاب نمایند.

اقدامات انجام شده

۱- مراتب بهمین ترتیب با اداره کل هشتم منعکس شد و اداره کل تأیید سه موضوع مشروحه زیر را در چهارچوب ضدجاسوسی پیشنهاد نمود:

الف- حفاظت عملیات

ب- نشان کردن و استخدام افراد خارجی در هدفهای مورد نظر.

پ- نحوه بهره‌برداری از پست‌های مراقب ثابت.

۲- سه موضوع تأیید شده بالا در اختیار رابطین سرویسهای مربوطه قرار گرفت و اکنون اطلاع حاصل شده که دو سرویس متفقاً حفاظت عملیات را بعنوان موضوع سمینار آینده انتخاب کرده‌اند. اداره کل هشتم نیز با طرح موضوع حفاظت عملیات در سمینار موافقت دارد.

در صورت تصویب مقرر فرمایند نمایندگان ادارات کل هشتم- سوم- دوم و آموزش در سمینار مورد نظر شرکت کرده و سایر اقدامات لازم جهت پذیرائی از میهمانان دو سرویس طبق روش انجام شود.

۱^۱ اداره کل هشتم

سیزدهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی، در خرداد ماه سال ۱۳۵۰ در فلسطین اشغالی و به میزبانی رژیم صهیونیستی برگزار شد. موضوع این سمینار، عملیات اطلاعاتی از طریق کشورهای ثالث بود که اداره کل هشتم ساواک طی نامه‌ای به اداره تشریفات و اداره پیمان‌ها، ضمن اشاره به آن و نیز تعداد نفرات شرکت کننده در اجلاس مزبور، نوشته است:

سمینار سه جانبه

۱- بتأیر تصویرب رفسای سه سرویس ایران- ترکیه و اسرائیل سمینار سه جانبه آینده پیرامون موضوع عملیات اطلاعاتی از طریق کشورهای ثالث در کشور اسرائیل برگزار خواهد شد. طبق اطلاع واصله از رابط سرویس اسرائیل در تهران سمینار مورد نظر از تاریخ ۱۷ تا ۲۲ خرداد ماه تشکیل خواهد گردید.

۱. گزارش ساواک، ۴۹/۸/۲۰، بدورن شماره، با طبقه‌بندی سری.

۳- در تاریخ ۵۰/۳/۸ اداره کل یکم اعلام داشت که مراتب بعرض رسید مقرر فرمودند مدیر کل آموزش استاد متخصص مربوطه را به مدیر کل هفتم معرفی که در جلسات شرکت نماید و حداکثر استفاده آموزشی باید برده شود درباره سایرین (ادارات کل دوم- سوم- هشتم) لیست با نظر مدیر کل مربوطه تهیه و بعرض تیمسار ریاست ساواک برسد.

۴- نظر باینکه موضوع سمینار با وظایف اداره کل دوم ارتباط پیدا می‌کند و با توجه به اینکه طبق معمول هریک از سه سرویس شرکت کننده گزارشی پیرامون موضوع سمینار تهیه و درباره آن در سمینار بحث می‌کنند از این رو در روز ۵۰/۳/۹ بوسیله اینجانب از مدیر کل اداره دوم درخواست شد که گزارش مورد نظر را تهیه و بعد از تصویب و ترجمه بزبان انگلیسی آنرا به این اداره کل ارسال دارند تا ترتیب طرح آن در سمینار داده شود. مدیر کل اداره دوم پیشنهاد کردند با توجه به کمی وقت سمینار بین یکماه تا ۴۰ روز به تعویق انداخته شود. پیشنهاد اداره کل هفتم

با توجه به درگیریهای ساواک در تاریخ پیشنهادی مدیر کل اداره دوم (کمیته ضدبراندازی ۱۰ تیر ماه ۵۰ در کشور ترکیه- کمیته هماهنگ کننده ۲-۹ مرداد ماه ۵۰ در کشور اسرائیل) در صورت تصویب مقرر فرمایند ضمن تماس با رابطین سرویسهای ترکیه و اسرائیل در تهران ترتیبی داده شود که سمینار از اول تیر ماه ۵۰ پیعید برگزار گردد.

اداره کل هفتم^۱

چهاردهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی ایران (پرچم)، اسرائیل (فولاد) و ترکیه (طوفان) در فوریه سال ۱۹۷۲م/۲۶/۱۱/۲۳۵۰ش، در کشور ترکیه برگزار شد. گزارش اداره کل هشتم به ریاست ساواک چنین است:

شهر طوفان

فوریه ۱۷/۱۶/۱۵ [۲۶ تا ۲۸ بهمن]

سال ۱۹۷۲ [۱۳۵۰]

خلاصه کار چهاردهمین سمینار سه جانبه

کلی

چهاردهمین سمینار سه جانبه در روزهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ فوریه با شرکت نمایندگان

۱. گزارش ساواک؛ بدون تاریخ و شماره. این نامه ظاهراً در روزهای آخر اردیبهشت سال ۱۳۵۰ ارایه شده است.

سه سرویس بشرح زیر در کشور طوفان تشکیل و بموضوع سمینار «تاکتیکهای تحقیقات عملیاتی» پرداخت.

پرچم [ایران]

۱- آقای عباس وحدانی نماینده اعزامی اداره کل هشتم

رئیس گروه اعزامی

۲- آقای جهانگیری نماینده اعزامی اداره کل هشتم

۳- آقای شعیب صمیمی نماینده اعزامی اداره کل سوم

۴- آقای بهمن سهام نماینده اعزامی اداره کل دوم

۵- آقای ایران نژاد نماینده اعزامی اداره کل آموزش

پس از اینکه ژنرال ارگان طی بیاناتی ورود نمایندگان را خوش آمد گفتند ریاست جلسات نیز به همکاریهای لازم اشاره و سمینار وارد کار شد.

بحث های سمینار

نمایندگان سرویسهای مربوطه درباره موضوع مورد بحث نظرات خود را ارائه نمود و تحلیل نهائی نتایج ذیل اخذ و باین صورت توافق بعمل آمد:

الف. تحقیقات عملیاتی با شناسائی حریف وسیله ضداطلاعات شروع شده و با نحوه اقداماتی که ضداطلاعات علیه حریف اتخاذ می کند پایان می یابد. شیوه هایی که در این راه بکار می رود در مراحل مختلف تحقیقات عملیاتی مشخص می گردد که با توجه به اخبار مکتسبه و نحوه اقدام نهائی بدین ترتیب استخدام خشی کردن و دستگیری انجام می شود.

ب. شیوه های تحقیقات عملیاتی در کلیه موارد بصورت متحدالشکل بکار نمی روند بلکه به کاربرد آنها با توجه به موارد زیر انجام می گیرند.

۱- حریف

۲- قریب الوقوع بودن خطر احتمالی

۳- موضوع تحقیق

۴- وسایل و امکانات و مقدورات

۵- شرایط و مدت زمان لازم

پ. پیشنهاد شد که یک واحد بررسی عملیاتی در ضداطلاعات بوجود آید تا با بهمهده گرفتن

برخی وظایف تحقیقات عملیاتی را کمک نماید.

نمایندگان شرکت کننده در این سمینار به این نتیجه رسیدند که بحث‌های مذکور سازنده و پرنثر بوده است.^۱

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، سرویس‌های سه‌گانه ایران، اسرائیل و ترکیه، در کنار سمینارهای سه‌جانبه که به‌طور معمول هر شش یک بار به میزبانی یکی از طرف‌ها برگزار می‌شد، نشست‌های دیگر کارشناسی و تخصصی و یا اجرایی و تشکیلاتی داشتند که در گزارش‌های ساواک از آن نشست‌ها تحت عنوان شورا یا کنفرانس یاد شده است. کمیته‌های تخصصی اطلاعات و امنیت و... نیز در کنار دیگر نشست‌ها از سوی کارشناسان و مأموران سه سرویس برپا می‌شد که فعالیت عمده آن‌ها پیرامون سمینار اصلی و درباره چگونگی برگزاری، شرکت کنندگان، محل و زمان برپایی و مباحث آن بود. شورا یا کنفرانس مورد اشاره تا پایان اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۱، بیست و شش دوره از سوی طرف‌های یاد شده برپا گردید. اداره کل دوم ساواک در نامه دیگری خطاب به مدیریت کل اداره هشتم، ضمن اشاره به دستور کمیته امنیت بیست و ششمین کنفرانس سه‌جانبه، ضمن درخواست تهیه گزارش طرف ایرانی از سوی آن تشکیلات، تقاضا کرده است تا اسامی افراد ایرانی شرکت کننده در آن کنفرانس اعلام شود:

بیست و ششمین کنفرانس سه‌جانبه از تاریخ ۱۸ الی ۲۱ اردیبهشت ماه ۵۱ در باکالا برگزار خواهد شد. خواهشمند است دستور فرمائید با توجه بموارد مندرج در دستور جلسه کمیته امنیت بشرح زیر:

۱- تحولات جاری در شیوه‌های جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات عملیاتی بوسیله سرویس‌های دشمن در کشورهای سه‌جانبه و همچنین اقدامات متقابل علیه اینگونه فعالیتها.

۲- بررسی سازمان و فعالیت‌های سرویسهای عرب هدف.

موضوع ویژه

۳- کنترل و اقدامات حفاظتی که بوسیله سازمان R.I.S در مورد اتباع شوروی مقیم خارج اعمال می‌شود.

۱. گزارش دو صفحه‌ای ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. به نظر می‌رسد، این گزارش طی روزهای آخر بهمن ۱۳۵۰ تهیه شده است.

گزارشات لازم را تهیه و پس از تصویب حداکثر تا تاریخ ۲۰ فروردینماه ۵۱ باین اداره کل (بخش مستقل پیمانها) ارسال دارند. ضمناً اسامی شرکت کنندگان آن اداره کل در کنفرانس را نیز اعلام دارند.

مدیر کل اداره هفتم-کاوره^۱

اداره کل هفتم ساواک، همچنین برای کسب اطمینان نسبت به شرکت رؤسای سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه و اسرائیل در شورا یا کنفرانس سه‌جانبه، طی نامه‌ای به نمایندگی ساواک، درخواست نموده تا از سرویس‌های مورد اشاره در این باره استعلام شود. پاسخ مثبت استعلام مزبور، به رئیس ساواک چنین گزارش شده است: استحضار ریاست ساواک.

پیشینه

با توجه باینکه برخی اوقات رؤسای سرویس‌های ترکیه و اسرائیل بعلت گرفتاریهای شغلی از شرکت در کنفرانسهای سه‌جانبه معذرت خواسته‌اند لذا از این رو در تاریخ ۵۱/۱/۱۴ طی تلگرافی از رئیس نمایندگی ساواک در ترکیه سؤال شد که از رئیس سرویس آن کشور استفسار نمایند که آیا در شورای سه‌جانبه آینده که در روزهای ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت ماه ۵۱ در اسرائیل برگزار می‌گردد شرکت خواهند کرد یا خیر؟ اینک رئیس نمایندگی ساواک در ترکیه طی تلگرافی اعلام نموده است که:

از رئیس سرویس ترکیه مراتب سؤال شد اظهار کردند که با اینکه خیلی گرفتار هستند معهداً در نظر دارند که به اسرائیل مسافرت و جناب ریاست ساواک را در آن کشور زیارت نمایند و با احتمال زیاد در کنفرانس مورد نظر شرکت خواهند کرد.

اداره کل هفتم^۲

پانزدهمین سمینار سه‌جانبه اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل، طبق توافق و برنامه قبلی، قرار بود در هفته اول شهریور سال ۱۳۵۱ در تهران برگزار شود. اداره کل دوم ساواک، طی یک یادداشت اداری و داخلی، خطاب به اداره‌های بررسی یک و دو، به شرح ذیل، ارایه اسناد مورد نیاز را، درخواست نموده است:

۱. گزارش ساواک؛ مورخ ۵۱/۱/۸؛ شماره ۷۰۵/۴۵۰۲.

۲. گزارش ساواک؛ مورخ ۵۱/۱/۱۹، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

کنفرانس سه جانبه

مقتضی است اسناد مشروح زیر برای کنفرانس سه جانبه تهیه و بعد از تصویب حداکثر تا تاریخ ۲۵ فروردینماه ۵۱ در اختیار بخش مستقل پیمانها گذارده شود:

۱- گزارش تحلیلی و بررسی شده درباره کشورهای عراق-کویت- عربستان سعودی و منطقه خلیج فارس با در نظر گرفتن اوضاع داخلی- سیاست خارجی- موقع نظامی و اقتصادی این کشورها. ضمناً در مقدمه گزارش نامبرده به ترتیب درباره فعالیت‌های بلوک شرق در منطقه و روابط بین‌الاعراب نیز اظهار نظر شود.

۲- سخنرانی افتتاحیه ریاست ساواک در جلسه شورا.

۳- ضمناً فهرست عناصر اصلی خبر (E.E.I) را نیز با آخرین تحولات منطقه تطبیق دهید.

مدیر کل اداره هفتم-کاوه^۱

مدیر کل اداره دوم ساواک، طی نامه‌ای به مدیریت کل اداره هفتم (پیمان‌ها) ضمن ارایه موضوعات پیشنهادی برای سمینار سه جانبه پانزدهم، به علت استفاده کارکنان آن دستگاه از مرخصی تابستانی، تقاضا کرده است تا جهت تهیه گزارش طرف ایرانی و ارایه آن به سمینار، مدت دو ماه به آن‌ها مهلت داده شود:

بازگشت به ۷۰۵/۴۶۶۶-۵۱/۳/۲۴

موضوعات مشروح زیر جهت طرح در سمینار سه جانبه آینده از طرف این اداره کل تعیین و پیشنهاد می‌گردد:

۱- بررسی مشکلات قطع تماس با منابع.

۲- کنترل و حفاظت رهبران عملیات در برابر ضداطلاعات حریف در کشور هدف و کشور پایگاه.

۳- ناقل‌ها و اهمیت آن در حفاظت عملیات.

لذا پس از آنکه یکی از سه موضوع فوق‌الذکر از طرف دو سرویس مورد تأیید قرار گرفت از طرف این اداره کل شرح لازم به منظور توجیه شرکت کنندگان دو سرویس درباره موضوع انتخابی تهیه و در اختیار قرار گذارده خواهد شد.

ضمناً نظر باینکه تهیه مدارک لازم جهت شرکت در سمینار مزبور لااقل دو ماه وقت لازم

۱. گزارش ساواک؛ فروردین ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

خواهد داشت و بعلمت فصل تابستان اغلب کارمندان از مرخصی سالیانه استفاده می‌نمایند علیهذا شرکت این اداره کل در تاریخ یاد شده در بازگشتی فوق غیرمقدور می‌باشد بنابراین خواهشمند است دستور فرمائید ترتیبی اتخاذ گردد که از تاریخ اعلام توافق سه سرویس در زمینه انتخاب موضوع مورد بحث در سمینار تا تاریخ شروع سمینار حداقل مدت دو ماه به این اداره کل فرصت داده شود.

مدیر کل اداره دوم - فرازیان^۱

زمان برگزاری سمینار پانزدهم سرویس‌های اطلاعاتی سه‌جانبه را هفته اول مهر ماه سال ۱۳۵۱ تعیین و اعلام کردند. نامه اداره پیمان‌ها به رئیس ساواک چنین است:

منظور

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

۱- بنا بر تصویب تیمسار ریاست ساواک پانزدهمین سمینار سه‌جانبه از تاریخ ۴ الی ۶ مهر ماه ۵۱ در تهران برگزار خواهد شد.

۲- در تاریخ ۵۱/۶/۲۱ رابط سرویس اسرائیل طی نامه‌ای اطلاع داده که رئیس هیئت نمایندگی سرویس متبوعه‌اش در سمینار (آقای کهن) در روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ماه (۵ روز قبل از تشکیل سمینار) وارد تهران خواهد شد و نامبرده درخواست دارد که طی این مدت:

الف- با مدیر کل اداره دوم و کارمندان برجسته آن اداره کل در روز اول مهر ماه ملاقات نماید.
ب- در روزهای دوم و سوم مهر ماه باتفاق آقای بارزلی (معاون رابط سرویس اسرائیل) از آبادان بازدید نموده و در این مسافرت آقای نجومی را ملاقات نماید.

مقرر فرمایند اوامر عالی را در مورد مفاد نامه رابط سرویس اسرائیل ابلاغ فرمایند تا در صورت تصویب مراتب جهت انجام پیش‌بینی‌های لازم به تشریفات ساواک منعکس گردد.

پیمانها^۲

سمینار شانزدهم سرویس‌های سه‌گانه ایران، اسرائیل و ترکیه، در اواسط فروردین سال ۱۳۵۲ به میزبانی رژیم صهیونیستی برگزار شد. اسرائیلی‌ها طبق روال همیشگی خود، این بار نیز چندین موضوع را طی طرح پیشنهادی به رؤسای سرویس‌های اطلاعاتی ایران و ترکیه

۱. گزارش ساواک؛ مورخ ۵۱/۳/۲۸؛ شماره ۲۰۱/۳۰۰۸.

۲. گزارش ساواک؛ شهریور ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

ارایه کردند تا از میان آن‌ها، یک موضوع را به‌طور مشترک انتخاب کنند که پس از تأیید اسرائیلی‌ها، در دستور کار سمینار آتی قرار گیرد.

نامه رئیس سازمان اطلاعات خارجی، سرلشگر معتضد به اداره پیمان‌ها و نیز مدیریت کل اداره آموزش در این باره چنین است:

سازمان اطلاعات خارجی (پیمانها) ۱۰۰۱پ

مدیریت کل اداره آموزش

سمینار سه جانبه

۱- بنابر پیشنهاد سرویس اسرائیل و تصویب تیمسار ریاست ساواک سمینار سه جانبه در حدود نیمه فروردینماه ۵۲ در کشور اسرائیل برگزار خواهد شد.

۲- طبق معمول سرویس اسرائیل بعنوان سرویس میزبان سه موضوع در چهارچوب امنیت داخلی جهت سمینار پیشنهاد داده تا سرویسهای ایران و ترکیه متفقاً یکی از موضوعات را انتخاب و بعنوان سوژه سمینار به سرویس اسرائیل اعلام نمایند. موضوعات پیشنهادی سرویس اسرائیل بقرار زیر می‌باشد:

(۱) سرویسهای اطلاعاتی عرب و مناسبات آنها با تروریستها- و سازمانهای افراطی.

(۲) بررسی مأمور از نقطه نظر شرایط یا قابلیت دسترسی او.

(۳) عامل طغیان و چپ افراطی.

۳- در مورد موضوع انتخابی جهت سمینار آینده مراتب ضمن انعکاس نظر آن اداره کل طی گزارشی بعرض تیمسار قائم‌مقام ساواک رسید مقرر فرمودند موضوع سوم از سه موضوع پیشنهادی سرویس اسرائیل (عامل طغیان و چپ افراطی) بعنوان سوژه مورد بحث در سمینار سه جانبه انتخاب شود. دلایل مربوط بانتخاب موضوع یاد شده بالا با توجه به اوامری که صادر فرموده‌اند طی جلسه‌ای به اطلاع آن مدیریت کل خواهد رسید.

۴- ضمناً در درجه دوم تقدم موضوع یکم از سه موضوع پیشنهادی سرویس اسرائیل را تعیین فرمودند که در اجرای اوامر معظم‌له ترتیبی داده خواهد شد که این موضوع در سمینارهای آینده مطرح و مورد بحث قرار گیرد.

۵- مقرر فرمودند یکنفر از آن اداره کل در سمینار شرکت نماید.

۶- در مورد کارمند شرکت کننده از طرف آن اداره کل در سمینار مقرر فرمودند با ستاد یکم

مسائل مربوط به کمونیزم تعیین و معرفی گردد.

علیهذا خواهشمند است دستور فرمایند ضمن تماس با ادارات کل سوم و هشتم در مورد تهیه گزارش سمینار اقدام لازم معمول و ضمناً یکنفر کارمند شرکت کننده از طرف آن اداره کل در سمینار را به نام به این سازمان معرفی نمایند.

رئیس سازمان اطلاعات خارجی. سرلشگر معتضد^۱

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، کمیته‌های چندگانه اطلاعاتی، امنیتی و کمیته هماهنگی سرویس‌های سه‌گانه، نشست‌های دوره‌ای، به میزبانی هر سه سرویس اطلاعاتی برپا می‌کردند و در آن مباحثی را که مورد نیاز برای طرح در سمینار سه‌جانبه بود، مورد بررسی و ارزیابی و گفت‌وگو قرار می‌دادند. گفتنی است که تصمیمات و مصوبات نهایی این کمیته‌ها، قبل از طرح در سمینار سه‌جانبه که هر شش ماه یک بار برگزار می‌شد، در کنفرانس‌ها و یا شوراهای سه‌جانبه مطرح و مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت:

با توجه به قطعنامه شورای سه‌جانبه قرار بود موضوع استفاده از تسهیلات دیپلماتیک بوسیله کشورهای عرب در جهت مقاصد براندازی و پیدا کردن طرق تعقیب و مقابله با هرگونه سوءاستفاده از مصونیت دیپلماتیک در کمیته هماهنگ کننده سه‌جانبه مطرح و مورد بحث قرار گیرد. مراتب با توجه به نظر آن مدیریت کل بعرض تیمسار ریاست ساواک رسید تصویب فرمودند که با توجه به جنبه حرفه‌ای و فنی موضوع کمیته امنیت آینده که در ۲۴ اردیبهشت ماه ۵۲ در کشور ترکیه تشکیل می‌گردد آنرا مورد بحث قرار دهد. با توجه باینکه در اجرای اوامر مراتب بهمین ترتیب به دو سرویس دیگر پیشنهاد خواهد شد خواهشمند است دستور فرمائید پیش‌بینی‌های لازم را جهت طرح موضوع در کنفرانس سه‌جانبه آینده معمول دارند.

رئیس سازمان اطلاعات خارجی. سرلشگر معتضد^۲

پاکروان، مشاور حوزه ریاست ساواک، در شهریور سال ۱۳۵۳ طی یادداشتی، ضمن اشاره به برگزاری کنفرانس سه‌جانبه، در تهران، موضوعات در نظر گرفته شده برای طرح در اجلاس مذکور را ارایه و محور پیشنهادی برای سخنرانی رئیس ساواک در کنفرانس مزبور را چنین آورده است:

۱. گزارش ساواک؛ مورخ ۵۱/۱۱/۲۹؛ شماره ۵۱۰۱/۵۲۵۹.پ.

۲. گزارش ساواک؛ مورخ ۵۱/۱۱/۱۰؛ شماره ۵۱۰۱/۵۲۲۲.پ.

یادداشت اداری

بدستور تیمسار مدیریت کل با توجه به اینکه کنفرانس سه جانبه در آینده نزدیک تشکیل خواهد شد خواهشمند است دستور فرمایند گزارشات درباره مطالب ذیل تهیه و تا تاریخ ۵۳/۷/۱۲ ماشین شده جهت تصویب در اختیار اینجانب قرار دهند.

الف- گزارشات بررسی شده با در نظر گرفتن اوضاع داخلی- سیاست خارجی- موقعیت نظامی و اقتصادی کشورهای[:]

۱- عراق

۲- کویت

۳- امارات عربی متحده

۴- قطر

۵- عمان

۶- عربستان سعودی

۷- مقدمه درباره فعالیت کشورهای کمونیست در منطقه و روابط بین‌الاعراب

ب- ۱- رنوس مطالب برای سخنرانی دور افق تیمسار ریاست ساواک (تا تاریخ ۵۳/۷/۲۰)

۲- پیشنهادات درباره تغییر فهرست نیازمندیهای اطلاعاتی

پ- پیشنهادات درباره تغییر عناصر اصلی خبر

ث- گزارش مبادله اخبار بین سه سرویسهای سه جانبه تا تاریخ ۵۳/۷/۱۵ با توجه به فهرست

نیازمندیهای اطلاعاتی و میزان پوشش آن

ج- گزارش درباره اینکه تا تاریخ ۵۳/۷/۱۵ تا چه میزان عناصر اصلی اخبار وسیله سه سرویس از

نظر اطلاعات پوشانده شده است.

مشاور- پاکروان^۱

گزارش دیگر ساواک حاکی است که سمینار مورخ بهمن ماه ۱۳۵۴ سرویس سه‌جانبه اطلاعاتی در تهران و در هفته اول ماه به میزبانی ساواک برگزار شده بود. به نظر می‌رسد، این نشست، بیست و یکمین سمینار سه‌جانبه سرویس‌های اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل بوده است:

۱. گزارش ساواک: مورخ ۵۳/۶/۳۰، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

پرو شماره ۱۰۰۱/۲۸۰۰ پ-۵۴/۱۰/۱۱

طبق اطلاع واصله ۲ نفر نمایندگان سرویس اسرائیل بمنظور شرکت در سمینار سه جانبه در تاریخ ۵۴/۱۱/۳ با پرواز شماره ۵۶۳ ال عال تهران وارد خواهند شد. ضمناً برابر اعلام رابط سرویس مذکور نمایندگان سرویس اسرائیل تمایل دارند در تاریخ شنبه ۵۴/۱۱/۴ قبل از تشکیل سمینار بسواحل دریای خزر مسافرت نمایند. متمنی است دستور فرمائید در اینمورد اقدام لازم معمول دارند.

حوزه تیمسار ریاست ساواک-محیط^۱

۱. گزارش ساواک؛ مورخ ۵۴/۱۰/۲۵؛ شماره ۱۰۰۱/۹۲۱۲ پ.

گزارش‌های ساواک در اجلاس سه‌جانبه

آن‌گونه که اسناد موجود گواهی می‌دهند، در نشست‌های مربوط به کنفرانس یا شورای اطلاعاتی سه‌جانبه و نیز در بعضی سمینارها، رؤسای سرویس‌های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه، موظف به ارایه گزارش به عنوان نطق افتتاحیه بودند. علاوه بر این دستور کار، هریک از سرویس‌های سه‌گانه نیز گزارش نسبتاً مبسوطی به عنوان حاصل نقطه نظرات، دیدگاه‌ها و دستاوردهای اطلاعاتی خود پیرامون مسایل منطقه خاورمیانه جمع‌آوری، تدوین و به اجلاس ارایه می‌کردند. برای نمونه، گزارش و یا نطق رئیس سرویس اطلاعاتی ایران، در شانزدهمین نشست شورای سه‌جانبه که در کشور ترکیه برگزار شده بود، حاوی اطلاعاتی درباره مسایل منطقه، کشور سوریه و روابط شوروی با بعضی دولت‌های عربی است که در بخشی از آن چنین آمده است:

آقای رئیس ژنرال آمیت، همکاران و دوستان گرامی

بسیار خوشحالم که امروز مجدداً دوستان ترک و اسرائیل خود را در این جلسه که بمناسبت افتتاح شانزدهمین شورای سه‌جانبه تشکیل گردیده است ملاقات می‌کنم. جلسه امروز بما فرصت خواهد داد تا درباره مسائل منطقه‌ئی با یکدیگر گفتگو نمایم. این مذاکرات خصوصاً برای ما حائز اهمیت خاص می‌باشد، زیرا همانطور که همگی شاهد بوده‌ایم در شش ماه اخیر تغییرات و تحولات اساسی و قابل توجهی در خاورمیانه رخ داده است. در ظرف این مدت کشورهای بااصطلاح انقلابی عرب که تاکنون از یک نوع سیاست تدافعی پیروی می‌نمودند اینک روش‌های تجاوزکارانه‌ئی را در پیش گرفته‌اند. همانطور که می‌دانیم برقراری صلح و آرامش منطقه که ظاهراً هدف کنفرانس سران عرب بود بتدریج جای خود را بتحولات جدیدی

داده است. ضعف کنونی رژیم سوریه به کشورهای باصطلاح انقلابی عرب فرصت مناسبی داده تا نیروهای تهاجمی و مخرب خود را در پایگاههای این کشور تقویت نمایند. در فاصله این مدت عاملی که بیشتر باعث تشکل کشورهای باصطلاح انقلابی عرب شده سیاست قاطع دولت شوروی و حضور بیشتر وی در منطقه و عدم تعقیب یک سیاست مثبت از طرف دول غربی بوده است.

علاوه بر اعطای کمکهای قابل ملاحظه نظامی به کشورهای مذکور در فوق دولت شوروی سیاست معتدل قبلی خود را در منطقه کنار گذاشته و حملات تبلیغاتی و تهدیدات سیاسی دامنه‌داری را علیه مخالفین کشورهای باصطلاح انقلابی عرب شروع نموده است. تغییر سیاست شوروی از نظر ما حائز کمال اهمیت بوده و وظیفه ما را برای تأمین استقرار صلح مشکل‌تر می‌سازد.

در خاتمه مطالب مختصر خود آرزو مندم که مذاکرات مؤثر و مفیدی در این شورا صورت گرفته و نتایج مثبتی عاید سرویسهای سه جانبه ما گردد.

آقای رئیس با اغتنام از این فرصت اجازه می‌خواهم از طرف خود و هیئت نمایندگی ایران از مهمان‌نوازی گرم دوستان ترک خود صمیمانه تشکر نمایم.^۱

رئیس سرویس اطلاعاتی ایران، با استفاده از فرصت به دست آمده در بخش پایانی اجلاس شورای سه جانبه اطلاعاتی دوره شانزدهم، ضمن اظهار خرسندی از نحوه تبادل اطلاعات در این نشست با هدف مبارزه علیه دشمنان مشترک چنین گفت:

آقای رئیس- ژنرال امیت- همکاران و دوستان ارجمند

اکنون که شانزدهمین اجلاس شورای سه جانبه در شرف پایان است مایلم ضمن اظهار تشکر از جانب خود و اعضاء هیئت ایران مراتب خوشنودی خود را نیز از شرکت در این مذاکرات سودبخش و مفید ابراز دارم.

این جلسات نه تنها از نظر تبادل اطلاعات درباره اوضاع سیاسی منطقه مفید می‌باشد بلکه از جهت تهیه مقدمات لازم برای مبارزه علیه دشمنان مشترک ما نیز اهمیت بسزائی دارد. اطمینان دارم که ما با استفاده از روح همکاری و تفاهم مشترک موجود بین سه سرویس در آینده خواهیم توانست گامهای سریعتری در اجرای مقاصد خود برداریم.

۱. گزارش ساواک؛ بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری.

در خاتمه لازم می‌دانم از همکاریهای صمیمانه دبیرخانه و فعالیت مجدانه گزارش دهندگان و همچنین از مهمان‌نوازی و پذیرائی بسیار گرم دوستان ترک که وسایل رفاه ما را به بهترین وجهی در این مدت فراهم ساخته‌اند تشکر نمایم.^۱

علاوه بر رئیس ساواک، سرلشگر معتضد، رئیس اطلاعات خارجی نیز در نشست‌های کمیته‌های سه جانبه و یا شورا، در زمانی که ریاست هیأت ایرانی شرکت کننده در اجلاس را به عهده می‌گرفت، چنین گزارش‌هایی ارائه می‌کرد. سخنرانی نامبرده در کمیته هماهنگی سه جانبه که در ترکیه و در تاریخ ۱۷ آذر ماه برگزار شده بود، نمونه‌ای از موارد مزبور است. نامبرده ضمن ابراز نگرانی از حضور شوروی در بعضی کشورهای عربی و نیز در اقیانوس هند، به ارزیابی وضعیت و موقعیت بعضی ممالک عربی و سازمان‌های فلسطینی و میزان تأثیر مرگ جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر بر آنها، مبادرت ورزید.

رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران شاهنشاهی در سخنرانی افتتاحیه کمیته هماهنگی، پس از اشاره به مسایلی درباره عراق، کردها و حضور کارشناسان شوروی در کشور یمن گزارش خود را به اتمام رساند:

نطق تیمسار سرلشگر معتضد در کمیته هماهنگ کننده سه جانبه (آنکارا ۱۷ آذر ماه ۱۳۴۹)
برای من مایه مسرت خاطر است که یکبار دیگر کمیته هماهنگ کننده سه جانبه در پایتخت زیبای کشور ترکیه تشکیل می‌شود. مانند همیشه سرویس ترکیه ترتیبات برگزاری این کنفرانس را با دقت و توجه فراوان انجام داده و لازم می‌دانم در این مورد مراتب سپاسگزاری خود را اعلام دارم.

خوشوقتی من از شرکت در این جلسه دو چندان است چون فرصتی است تا با معاون جدید سرویس ترکیه آشنا شوم. مایلم از صمیم قلب به ژنرال آکگون بخاطر سمت جدیدشان تبریک گفته و ملحق شدن ایشان را به خانواده سه جانبه خوش آمد بگویم. اطمینان دارم با وجود ایشان در میان ما همکاریهای سه سرویس در زمینه‌های مختلف بمقیاس وسیع گذشته ادامه خواهد یافت.

آقایان- علیرغم مذاکراتی که میان شرق و غرب در سطوح مختلف و در زمینه مسائل گوناگون ادامه دارد عدم توافق طرفین درباره دو مسئله مهم خاورمیانه و ویتنام همچنان بچشم می‌خورد.

۱. سند ساواک، بدون تاریخ و شماره، با طبقه‌بندی سری.

اگرچه این عدم توافق بدون شک اثرات منفی در محیط مذاکرات دو بلوک خواهد داشت لکن ادامه این مذاکرات نشانه آن است که طرفین به اهمیت و لزوم حفظ تفاهم بین‌المللی و جلوگیری از تشدید جنگ سرد واقف می‌باشند.

دسترسی شوروی به پایگاه SOCOTA در اقیانوس هند و جزیره PRIM در تنگه باب‌المندب امکانات بیشتری برای فعالیت‌های نفوذی شوروی در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس فراهم ساخته است و با اینکه بسته ماندن کانال سوئز هنوز اثرات منفی در امکانات نفوذی شوروی در این منطقه دارد معذک افزایش نفوذ شوروی در مصر و سودان و جمهوری خلق یمن جنوبی تا حد زیادی این اثرات را خنثی نموده است و قرائن این امر را بطور خلاصه بشرح زیر می‌توان ذکر کرد:

افزایش تسلط شوروی بر امور نظامی و سیاسی مصر- دریافت سلاح و تجهیزات نظامی شوروی از طرف سودان (بوژه در نیروی هوایی) و استفاده شوروی از تسهیلات بندری پورت سودان- افزایش تسلط کارشناسان شوروی در امور نظامی و سیاسی جمهوری خلق یمن جنوبی و استفاده شوروی از پایگاه عدن برای سوختگیری کشتی‌ها و هدایت فعالیت‌های نفوذی خود برای رخنه در خلیج فارس از این کشور.

ادامه حضور شوروی در مدیترانه کماکان نشانه توجه شوروی به این منطقه حساس است که از نظر سیاسی و نظامی حائز اهمیت می‌باشد و این امر امکانات شوروی را جهت تثبیت موقعیت نفوذی خود در کشورهای عربی مجاور این منطقه افزایش می‌دهد. با آنکه تمدید آتش‌بس در منطقه خاورمیانه روزنه امیدی جهت ادامه مأموریت یارینگ بوجود آورده است معذک عوامل نگران‌کننده‌ای در عمق مسائل سیاسی منطقه به چشم می‌خورد که ادامه این وضع را برای مدت نامحدودی بعید می‌نماید.

آقایان- مرگ ناصر با توجه به موقعیت خاص وی در جهان عرب و وقایع خونین سپتامبر گذشته در اردن موجب تغییراتی در خاورمیانه عربی شده است که ممکن است در آینده دگرگونیهای دیگری را بدنبال داشته باشد که اثرات قطعی آن بطور دقیق هنوز قابل پیش‌بینی نیست. این تحولات مسائلی را نظیر مطالب زیر بوجود می‌آورد که مثلاً:

- آیا می‌توان انتظار پیدا شدن جانشینی هم‌طراز ناصر در جهان عرب را داشت؟

- آیا مرگ ناصر تا چه حد زمینه را برای گسترش فعالیت و نفوذ حزب بعث فراهم نموده است؟

- آیا شکست نظامی سازمانهای فلسطینی در نتیجه حوادث اخیر اردن آنطوریکه انتظار می‌رفت موقعیت سیاسی این سازمانها را نیز تضعیف کرده است یا اثرات معکوس در این زمینه به جای گذارده است؟

- آیا با وقایع اخیر سوریه و عضویت این کشور در فدراسیون در حال تشکیل مصر-سودان و لیبی و- ابراز تمایل غیررسمی اردن به پیوستن بآن موجبات تشکیل یک قطب سیاسی مقتدر برهبری مصر فراهم خواهد شد؟ و در صورت تحقق این امر فدراسیون مزبور تا چه حد در حل مسائل مبتلا به اعراب تأثیر خواهد داشت و آیا اصولاً دوام و ثباتی خواهد یافت؟

- آیا مبارزات داخلی زمامداران بعثی عراق را باید خاتمه یافته دانست و آیا مسئله کُرد را در این کشور می‌توان حل شده تلقی نمود؟ و بسیاری سؤالات دیگر.

که اگرچه با وقت کمی که این کمیته در اختیار دارد شاید نتوان عمیقاً به بررسی این مسائل پرداخت لیکن امیدوارم هنگام تشکیل شورای سه‌جانبه آینده در تهران گذشت زمان از یک طرف پاره‌ای از این مسائل را جواب داده باشد و هم با فرصت بیشتری مسائل منطقه را مورد بررسی قرار دهیم.

اکنون از معاونان سرویسهای ترکیه و اسرائیل درخواست می‌کنم که در صورت تمایل نقطه‌های افتتاحیه خود را ایراد بفرمایند. متشکرم.^۱

نمونه دیگر در این باره، سخنرانی رئیس ساواک در بیست و ششمین نشست شورای سه‌جانبه سرویس‌های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه است که در سال ۱۳۵۱، در تل‌آویو برپا شده بود. او پس از اشاره به پاره‌ای تحولات بین‌المللی، افزایش قدرت چین و نفوذ آن کشور در سراسر جهان و به‌خصوص آسیا و آفریقا، به نفوذ شوروی در بعضی کشورهای عربی پرداخت. او در ادامه پس از اشاره به اوضاع سیاسی خاورمیانه خواستار تحلیل و تجزیه مسایل حساس منطقه و پیش‌بینی حوادث آینده شد:

نطق افتتاحیه ریاست ساواک در بیست و ششمین شورای سه‌جانبه تل‌آویو- ۲۰- ۲۱ اردیبهشت

ماه ۵۱

ژنرال ضمیر- ژنرال ارسین- نمایندگان محترم- دوستان

بسیار خوشوقتم که یکبار دیگر فرصتی دست داد تا دو شهر زیبای تل‌آویو بدور هم جمع شویم

۱. سند ساواک، مربوط به نطق سرلشکر معتضد در اجلاس سه‌جانبه ترکیه، ۱۷ آذر ۱۳۴۹.

و ده‌ها نهادی اقتصادی و اجتماعی کمکی می‌دهد و با اعطای کمک‌های مالی و فنی به این نهادها و به سازمان‌های مردم‌نهاد، به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها کمک می‌کند. در این زمینه، به عنوان مثال، می‌توان به فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های بهداشت، آموزش، اشتغال و رفاه اشاره کرد. این سازمان‌ها با استفاده از منابع مالی و انسانی خود، به بهبود کیفیت زندگی مردم در مناطق محروم و کم‌توسعه کمک می‌کنند. در این زمینه، به عنوان مثال، می‌توان به فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های بهداشت، آموزش، اشتغال و رفاه اشاره کرد. این سازمان‌ها با استفاده از منابع مالی و انسانی خود، به بهبود کیفیت زندگی مردم در مناطق محروم و کم‌توسعه کمک می‌کنند.

از سوی دیگر، به عنوان مثال، می‌توان به فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های بهداشت، آموزش، اشتغال و رفاه اشاره کرد. این سازمان‌ها با استفاده از منابع مالی و انسانی خود، به بهبود کیفیت زندگی مردم در مناطق محروم و کم‌توسعه کمک می‌کنند. در این زمینه، به عنوان مثال، می‌توان به فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های بهداشت، آموزش، اشتغال و رفاه اشاره کرد. این سازمان‌ها با استفاده از منابع مالی و انسانی خود، به بهبود کیفیت زندگی مردم در مناطق محروم و کم‌توسعه کمک می‌کنند.

۱۰۰

[illegible]

شرح شگردهای اطلاعاتی جاسوسان شوروی در ایران و نحوه فعالیت‌های سیاسی و اطلاعاتی آن‌ها در این کشور، نسبت به اهداف سرویس جاسوسی و اطلاعاتی آن کشور در ایران، ابراز نگرانی شده است:

گزارش ایران-سی‌امین کنفرانس سه جانبه-تهران

تحولات جاری در شیوه‌های جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات عملیاتی دشمن و اقدامات متقابل علیه اینگونه فعالیتها

سرویس‌های اطلاعاتی بلوک شرق در ایران بخصوص شوروی متناوباً در شیوه‌های جاسوسی خود در ایران تغییراتی را بوجود می‌آورند البته این تغییرات بمنزله ایجاد تحولات کلی در شیوه‌های گذشته نیست بلکه در این مورد می‌توان گفت که سرویس اطلاعاتی مزبور کیفیت و کمیت فعالیت‌های پنهانی و یا آشکار خود را با کیفیت و میزان روابط سیاسی و نحوه اقدامات ضداطلاعاتی و مراقبتی واحدهای مربوطه هماهنگ می‌نماید. کمااینکه طی یکسال گذشته که خط‌مشی میاسی ایران در زمینه‌های مختلف مورد پسند باطنی مقامات شوروی نبوده فعالیت‌های اطلاعاتی آنها برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر جنبه پنهانی‌تر به خود گرفته و شورویها سعی می‌نمایند ضمن پنهانکاری عملیات خود از ایجاد سوء تفاهمات سیاسی جلوگیری نمایند. موضوع مهم دیگری که در زمینه جمع‌آوری اطلاعات توسط افسران اطلاعاتی شوروی تحولی بشمار می‌رود انتقال فعالیت‌های افسران اطلاعاتی به شهرستانها و مناطق مرزی است. قرائنی وجود دارد که تعدادی از افسران اطلاعاتی شوروی برخلاف مقررات مسافرت‌های پیش‌بینی نشده‌ای را بدون اطلاع وزارت امور خارجه ایران انجام می‌دهند و یا افسران اطلاعاتی سرویس مزبور مستقر در بعضی از شهرستانهای ایران بمانند اصفهان یا رشت متناوباً بتهران مسافرت می‌نمایند که این امر از دید ضدجاسوسی پنهان نبوده و اینگونه مسافرت‌های شورویها شیوه جدیدی در ایران برای تماس با منابع و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز عملیاتی محسوب می‌شود. در ضمن چند مالی بود که از افسران اطلاعاتی شوروی قرینه‌ای مبنی بر شرکت آنان در شناسائی افراد محلی متمایل به شورویها مشاهده نمی‌شد در حالیکه اخیراً تعدادی از آنها برای شناسائی ایرانیان چپ‌گرا و ارتباط دادن آنان با سازمانهای مخالف رژیم مستقر در خارج از کشور اقداماتی را انجام می‌دهند.

با توجه به مطالب فوق موارد مشروح زیر تا حدی بیانگر تحولات جاری افسران اطلاعاتی

ایرانی مقیم خارج می‌باشد که آنها را بطرف نمایندگیهای ایران راهنمایی می‌نماید که با کارمندان نمایندگیها روابط دوستانه ایجاد کرده و ضمن جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر شرایط را برای استخدام در وزارت امور خارجه یا سایر سازمانها آماده نمایند که در اینمورد نیز گزینه‌ای از طرف سرویس اطلاعاتی آلمان شرقی مشاهده شد که بطور خلاصه تشریح می‌گردد.

۲- نحوه جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی

در شیوه جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی توسط افسران اطلاعات شوروی تغییر ایجاد نشده است ولی با توجه به پیشرفتهای اقتصادی ایران و زمینه مساعد برای معاملات بازرگانی باعث گردیده که افسران اطلاعاتی عضو جی. آر. یو که عموماً در اداره بازرگانی شوروی بکار اشتغال دارند از طریق ایجاد روابط دوستی با بازرگانان و آلوده نمودن تعدادی از آنها و افراد واسطه از کیفیت فعالیتهای اقتصادی ایران بااطلاع شوند. از طرفی نفوذ در شرکتهای بازرگانی خصوصی که وسیله سرمایه‌گذاریهای خارجی اداره می‌شود از هدفهای افسران اطلاعاتی شوروی می‌باشد و در این زمینه طی سال گذشته بارها مشاهده شد که تعدادی از افسران اطلاعاتی مزبور برای جمع‌آوری اطلاعات عملیاتی از طریق این شرکتها که تجهیزات نظامی ارتش را تأمین می‌نمایند فعالیتهای پیگیری داشته‌اند.

۳- نحوه جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌های براندازی و خرابکاری

طی چند سال گذشته قرائن مهمی که نشان دهنده تمایل افسران اطلاعاتی شوروی به شرکت در فعالیتهای حزبی و براندازی باشد مشاهده نشده بود ولی اخیراً افسران اطلاعاتی شوروی ضمن تماس با افرادی که دارای عقاید کمونیستی و متمایل به چپ می‌باشند درباره قشرهای ناراضی و مخالف رژیم تحقیق و در صدد شناسائی افراد خرابکار و تماس با آنان برآمده‌اند و حتی مشاهده گردیده که یکی از افسران فعال سفارت شوروی برای تماس با افراد ایرانی متمایل بشوروی اقداماتی را آغاز نموده و طی آن نشریات و آدرس مکاتباتی حزب منحل توده (یکی از احزاب غیرقانونی) را برای اتباع ایرانی ارسال و راهنمایی نموده بود که با توجه به آدرس داده شده با حزب منحل توده ارتباط برقرار نماید.

علاوه بر نکات فوق قرائن دیگری مبنی بر نزدیکی افسران اطلاعاتی شوروی به دانشجویان و جوانان ایران مشاهده گردیده و سرویس ضدجاسوسی را هوشیار کرده که در مورد اقدامات افسران اطلاعاتی مزبور در این زمینه توجه بیشتری مبذول نماید. علیهذا سرویس مزبور کوشش

[illegible][illegible]

განმარტებულია:

میں کامیاب و مشہور ہو سکتا ہے۔

2-10-1

[illegible]

سازمان نظامی و امنیتی ایران در جریان این عملیات، با همکاری نیروهای گمنام و غیرنظامی، اقدام به سرکشی و نظارت بر مناطق مورد هدف کرده و با استفاده از تجهیزات ویژه، موفق به شناسایی و حذف اهداف مورد نظر گردید.

از نزدیک بودن حضور نظامی شوروی است. شوروی در صحنه سیاست بین‌المللی با توجه به ضعفی که اروپا دارد، در رویارویی با ایالات متحده آمریکا می‌کوشد که از هر لحاظ نقش یک ابرقدرت را ایفا کند، از اینرو مایل است در مناطقی که آمریکا به فعالیت پرداخته حداقل بصورت ناظر حضور داشته باشد.

در حال حاضر شوروی کوشش می‌کند از طریق روابط دوستانه و وابستگی‌های اقتصادی و نظامی با کشورهای اقیانوس هند نفوذ خود را در این کشورها گسترش دهد و با توجه به اینکه تاکنون نتوانسته در منطقه اقیانوس هند پایگاه‌های هوایی و دریایی تحصیل کند، لذا در جهت تضعیف نفوذ آمریکا، کشورهای ساحلی را به اتخاذ سیاست بیطرفی و شرکت در پیمان پیشنهادی امنیت دستجمعی آسیا دعوت می‌کند. لذا بنظر می‌رسد که منافع شوروی در اقیانوس هند در جهت تأمین راه‌های دریایی نبوده بلکه بیشتر معطوف به سواحل کشورهایی است که شوروی به سیاست عدم تمهد آنها و دور کردن این کشورها از غرب و جمهوری خلق چین اهمیت می‌دهد.

با توضیحاتی که داده شد بنظر می‌رسد که میزان گسترش قدرت دریایی شوروی در اقیانوس هند بستگی به عوامل زیر دارد:

- میزان گسترش قدرت دریایی آمریکا

- حدود توانائی شوروی در توسعه قدرت دریایی خویش در اقیانوس هند

- افتتاح مجدد کانال سوئز

در بررسی تحولات منطقه مایلم به این نکته اشاره نمایم که از جمله نتایج توقف مأموریت وزیر امور خارجه آمریکا در حل بحران خاورمیانه، نظریه ایجاد یک جبهه متحد عربی و بهره‌برداری سیاسی از نفت از جانب اعراب را تقویت نموده است. لذا مشاهده می‌شود که اقداماتی بمنظور حل اختلافات برخی از کشورهای عربی بعمل آمده و رهبران عرب دست به کوششهایی جهت حفظ همبستگی خود زده‌اند تا با بسیج کلیه امکانات خود در آستانه کنفرانس صلح ژنو و ایراد فشار به آمریکا و غرب، اسرائیل را برای برگشت به مرزهای قبل از ژوئن ۱۹۶۷ آماده سازند. علیرغم مشکلاتی که در راه نتیجه‌بخش بودن کنفرانس صلح ژنو وجود دارد اعراب تاکنون از روشهای سیاسی معتدل پیروی کرده‌اند تا افکار عمومی جهان بویژه کشورهای غربی را بعنوان پشتوانه‌ای برای پیروزی خود در کنفرانس ژنو بسوی خود جلب نمایند.

در تحت این شرایط مشاهده می‌شود که از سطح فعالیت‌های عناصر چپ‌گرا در خلیج فارس کاسته شده است. فعالیت چریک‌های ظفار بسبب کمک کشورهای دوست به عمان تا حد زیادی محدود شده و با اقداماتی که بممل آمده است موقع این عناصر در کویت- بحرین و امارات عربی متحده تضعیف گردیده است. شاید روی همین اصل است که اخیراً شوروی‌ها که همواره سز صد تحکیم موقع نفوذی خود در خلیج فارس بوده‌اند به کوشش‌های خود برای برقراری روابط سیاسی با برخی از کشورهای عربی خلیج فارس افزوده و انتظار می‌رود که تا حدی نیز موفق شوند. بدیهی است در صورت برقراری روابط با این کشورها عوامل شوروی برای نفوذ و حمایت از عناصر پراگنده و تروریست امکانات بیشتری خواهند داشت.

آقایان محترم، از جریانات ناگواری که در چند ماه اخیر گذشته است چنین استنباط می‌شود که فعالیت تروریست‌های فلسطینی و بین‌المللی نه تنها برای خاورمیانه بلکه در سطح جهانی بعنوان یک عامل تهدید بشمار می‌رود زیرا بطور کلی عناصر و سازمان‌های تروریستی بدون آنکه در اهداف و مقاصد آنها وجوه اشتراکی وجود داشته باشند مهنداکفیت مشابه عملیاتی که بآن مبادرت می‌کنند آنها را در یک صف قرار داده و به باری و کمک یکدیگر وادار می‌کند که شواهد و نمونه‌های آنرا در همکاری تروریست‌های غیرعرب با تروریست‌های فلسطینی دیده‌ایم. در شرایط فعلی سازمان‌های افراطی فلسطین که مخالف حل مسالمت‌آمیز اختلافات اعراب و اسرائیل می‌باشند و محیط امن و حاکی از تفاهم و سازش را در منطقه مانع فعالیت‌های خود می‌دانند با حمایت و پشتیبانی برخی از کشورهای افراطی عرب مانند لیبی و کشورهای کمونیست اقداماتی جهت برافروختن جنگ مجدد در خاورمیانه بممل می‌آورند و با عملیات تروریستی می‌کوشند از ایجاد یک محیط آرام برای انجام مذاکرات صلح جلوگیری نمایند.

بطور کلی در نتیجه‌گیری از آنچه که گفته شد و بمنظور ترسیم اوضاع سیاسی منطقه می‌توان گفت در کنار شرایط مساعدی که برای توسعه نفوذ کشورهای کمونیست در شرق آفریقا و حوزه بابل‌مندب و همچنین منطقه خاورمیانه نظیر:

- شکست مأموریت وزیر امور خارجه آمریکا
- فعالیت عوامل تروریست

- تشنج موجود بین افغانستان و پاکستان

بمعنای زمینه مناسب برای بهره‌برداری‌های شوروی بمنظور نفوذ در این منطقه وجود دارد

سومی در مورد ذخائر نفتی کرکوک بوده است که تا حدودی با عناصر اصلی خبر انطباق داشته است.

۳- گزارشهای ارسالی سرویس اسرائیل به ساواک:

۴۰ درصد از اطلاعات ارسالی این سرویس به ساواک کاملاً منطبق با عناصر اصلی خبر بوده و بطور کلی گزارشهای این سرویس مفید و قابل بهره‌برداری می‌باشد. ضمناً در مورد تغییر عناصر اصلی خبر پیشنهادی ارائه نمی‌گردد.

سخنان رئیس ساواک در یکی از نشست‌های شورای سه جانبه، که احتمالاً در سال ۱۳۵۲ برپا شده به نقش شوروی و چین در معادلات بین‌المللی اشاره شده است. در این سخنرانی، از حضور و نفوذ چین و نیز شوروی در منطقه از جمله عراق، اظهار نگرانی شده است. نکته قابل توجه در متن سخنرانی تشابه عمده این سخنان، به ویژه بخش پایانی آن با نطق رئیس ساواک در بیست و ششمین اجلاس شورای سه جانبه تل‌آویو، در اردیبهشت سال ۱۳۵۱ است. محور سخنرانی رئیس ساواک به شرح ذیل است:

گزارش‌هایی نیز که از سوی سرویس اطلاعاتی ایران به نشست‌های مختلف سرویس‌های سه‌گانه ارایه می‌شد، از جنبه‌های گوناگون نیازمند مطالعه و بررسی است. در یکی از این گزارش‌ها با اشاره به لزوم جمع‌آوری اطلاعات فرامرزی و مجهز شدن به وسایل پیشرفته علمی و فنی در امر کسب اخبار اطلاعاتی به نقش و اهمیت پایگاه‌ها و ایستگاه‌های اطلاعاتی در کشورهای هدف، یعنی ممالک عربی اشاره شده است. در این گزارش ضمن یادآوری موانع موجود بر سر راه فعالیت ایستگاه‌های مورد نظر، به اماکن، منابع و نشانگاه‌های مناسب در کشورهای مختلف برای کسب اطلاعات و انجام فعالیت‌های جاسوسی نیز اشاره شده است. نکته قابل توجه دیگر در این گزارش، اعتراف ساواک به استفاده از امکانات و پوشش‌های سیاسی و دیپلماتیک در کشورهای اسلامی و عربی، در جهت اهداف اطلاعاتی و جاسوسی قابل مشاهده است. این گزارش خوش‌خدمتی ساواک به سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را به گونه‌ای مستند بر ملامی کند:

همکاران محترم و دوستان

از طرف هیئت نمایندگی ساواک از انتخاب موضوع (جمع‌آوری اخبار پنهانی از طریق کشور ثالث) که برای طرح و بحث در این سمینار و تبادل نظر و ارائه تجارب هر سه سرویس بسیار

مفید و جالب توجه می‌باشد و همچنین از گزارش سرویس اسرائیل که مبتنی بر تشریح اهمیت نقش کشور ثالث در زمینه جمع‌آوری پنهانی بوده و راه را برای بررسی‌های بیشتر همکاران هموار کرده است قبلاً تشکر و قدردانی می‌نماید.

بنظر نمایندگی ساواک با توجه به این واقعیت که جمع‌آوری پنهانی مرزی نمی‌شناسد و در شرایطی که گسترش وسائل علمی و فنی و مخابراتی در دنیای امروز به پاره‌ای از سرویس‌های اطلاعاتی اجازه می‌دهد که بتوانند از آسمانها و ارتفاعات بسیار زیاد از فراز کشور هدف در چهارچوب اطلاعات مثبت اخبار پنهانی را جمع‌آوری و مورد استفاده قرار دهند و متقابلاً عوامل ضداطلاعات حریف نیز می‌توانند با مجهز شدن بوسائل علمی و فنی مدرن بهتر و آسانتر وجود ایستگاههای قانونی، غیرقانونی را در کشور هدف شناسائی نمایند، اهمیت استفاده از کشور پایگاه چه از نظر تشدید حفاظت عملیات و احتراز از آسیب‌پذیری و چه از نظر استفاده از امکانات بیشتر برای دسترسی و نفوذ به کشور هدف بیش از پیش آشکار می‌گردد، و به همین جهت ایستگاههای مستقر در کشور پایگاه که اکثراً بعنوان عامل کمک‌کننده به ایستگاه مستقر در کشور هدف شناخته می‌شود در شرایطی که امکان فعالیت در کشور هدف محدود گردد چنانچه مقتضیات کشور پایگاه اجازه دهد ایستگاه مستقر در کشور پایگاه مستقلاً بصورت یک عامل اصلی در زمینه جمع‌آوری پنهانی از کشور هدف درخواهد آمد شرایطی که فعالیت ایستگاههای قانونی و غیرقانونی را در کشور هدف محدود و دشوار می‌سازد و طبعاً گرایش و تمایل ستاد را به انتخاب کشور پایگاه افزایش می‌دهد عبارتست از:

۱- اختلال در مناسبات کشور هدف و کشور خودی بنحوی از انحاء که آثار آن در پیدا شدن سوءظن مقامات امنیتی و تشدید فعالیت ضداطلاعات کشور هدف باشد.

۲- قطع روابط بین کشور هدف و کشور خودی که مستلزم برچیده شدن سفارتخانه و کنسولگریها و سایر مؤسسات وابسته به کشور خودی در کشور هدف باشد.

۳- ایجاد موانع برای اقامت و فعالیت بخشهای خصوصی وابسته به کشور خودی در کشور هدف.

۴- اجرای برنامه تصفیه و اخراجهای دسته‌جمعی اتباع کشور خودی از کشور هدف.

۵- دوره محدودی که پس از افشاء شبکه اطلاعاتی کشور خودی بوسیله ضداطلاعات کشور هدف عملیات ضدجاسوسی برای شناسائی عناصر کشور خودی تشدید می‌گردد و در نتیجه موقتاً دسترسی به نشانگاهها و عملیات را دشوار می‌سازد.

۵- «...»

۶- «...»

۷- «...»

۸- «...»

۹- «...»

۱۰- «...»

۱۱- «...»

۱۲- «...»

۱۳- «...»

۱۴- «...»

۱۵- «...»

۱۶- «...»

۱۷- «...»

۱۸- «...»

۱۹- «...»

۲۰- «...»

۲۱- «...»

۲۲- «...»

۲۳- «...»

۲۴- «...»

۲۵- «...»

۲۶- «...»

۲۷- «...»

۲۸- «...»

در حاشیه

اطلاعات به جا مانده از ساواک، درباره روابط و همکاری سرویس‌های سه‌گانه ایران، ترکیه و اسرائیل، بعضی رویدادهای جنبی و حاشیه‌ای را بازگویی می‌کند که برای علاقه‌مندان، مطالعه آن‌ها خالی از فایده نیست. در یکی از اسناد ساواک به پیشنهاد نماینده سرویس اطلاعاتی ترکیه، مبنی بر عدم ضرورت سخنرانی رؤسای هر سه سرویس در اجلاس شورای سه‌جانبه، به مخالفت طرف ایرانی با آن اشاره شده است. اداره کل هفتم ساواک درباره طرح نماینده سرویس اطلاعاتی ترکیه (طوفان) چنین گزارش داده است:

موضوع کنفرانس سه‌جانبه

در جلسات گذشته شورای سه‌جانبه معمول بود که هریک از رؤسای سه سرویس یک سخنرانی درباره اوضاع بین‌المللی و تأثیر آن در منطقه مورد نظر ایراد می‌نمودند. اینک نماینده سرویس طوفان از طرف رئیس سرویس خود پیشنهاد می‌نماید که در جلسه آینده شورای سه‌جانبه فقط رئیس سرویس مهماندار این نطق را ایراد نماید و لزومی ندارد رؤساء دو سرویس دیگر در این مورد سخنرانی نمایند و فقط کافی است نظرات خود را درباره سخنرانی رئیس سرویس مهماندار مطرح نمایند. مقرر فرمایند نظریه عالی را در این مورد ابلاغ دارند.

اداره کل هفتم^۱

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری.

رئیس ساواک در پاسخ به نامه اداره کل هفتم، مخالفت خود را چنین اعلام کرده است:

[...] همان‌طور که در گزارش دیگر هم اشاره نمودم پیشنهاد ایشان عملی نیست.^۱

ادارات کل، نمایندگان ادارات ذی‌ربط و برخی مسؤولان و رؤسای ساواک، طبق معمول قبل از برپایی سمینارها، یا شوراها، سه‌جانبه اطلاعاتی، با تشکیل کمیسیون ویژه داخلی، مسایل مربوط به اجلاس را مورد بحث و بررسی قرار می‌دادند. این مسایل شامل موضوعات پیشنهادی برای دستور کار سمینار، اسامی افراد و تعداد نفرات شرکت‌کننده سرویس‌های اطلاعاتی سه‌گانه، تهیه متن سخنرانی رئیس هیأت ایرانی و نیز متن گزارش سرویس ایرانی برای اجلاس و همچنین زمان و مکان برپایی نشست بود. گزارش رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران درباره تشکیل یکی از کمیسیون‌های داخلی ساواک در این باره چنین است:

گزارش درباره: سمینار سه‌جانبه

در اجرای اوامر تیمسار قائم‌مقام ریاست ساواک کمیسینی درباره سمینار سه‌جانبه با شرکت مدیران کل ادارات دوم-هفتم-هشتم-آموزش و معاون اداره کل سوم در دفتر اینجانب تشکیل و تصمیمات مشروحه زیر اتخاذ گردید:

۱- ادارات کل دوم-سوم-هشتم و آموزش بترتیب یکنفر-دو نفر-دو نفر و یکنفر را جهت شرکت در سمینار مورد نظر هرچه زودتر بآداره کل هفتم معرفی نمایند.

۲- مسئولیت توجیه هیئت شرکت‌کننده در سمینار بعهده مدیریت کل اداره هشتم بوده و مدارک تهیه شده وسیله ادارات کل نامبرده بالا بوسیله ایشان مورد بررسی قرار گرفته و بعد از ایجاد هماهنگی و تلفیق با یکدیگر گزارش واحدی جهت طرح در سمینار تنظیم خواهد گردید. این گزارش بایستی ضمن اشاره به بعضی نکات نظری مبتنی بر سباحث تجربی و عملی باشد. پس از آنکه گزارش مورد نظر در داخل هیئت شرکت‌کننده مورد بررسی قرار گرفت این گزارش در کمیسینی که مجدداً در محل کار اینجانب تشکیل خواهد شد مطرح و دستورات لازم به هیئت شرکت‌کننده داده خواهد شد.

۳- پس از آنکه اسامی شرکت‌کنندگان اعلام شد فرد شایسته و حائز شرایطی از بین آنها بعنوان رئیس هیئت تعیین خواهد شد که از نظر انضباطی-تشریفاتی و اداره امور کنفرانس از تاریخ عزیمت تا مراجعت مسئولیت‌های مربوطه را بعهده داشته باشد.

۱. پی‌نوشت همان گزارش.

۴- چون مقرر بود که شرکت کنندگان از بین کسانی انتخاب شوند که به موضوع مورد بحث در سمینار تسلط کافی داشته باشند و تصادفاً با توجه به اسامی شرکت کنندگان که شفاهاً اعلام شده شخصی که بزبان انگلیسی مسلط باشد در بین این افراد وجود ندارد و ضمناً لازم است یکنفر که به این زبان احاطه داشته باشد بمنظور ترجمه حضوری همراه هیئت اعزام شود در صورت تصویب یک مترجم نیز در معیت هیئت شرکت کننده اعزام خواهد شد. با احتساب شش نفر نمایندگان ادارات کل ناسبرده بالا و اضافه کردن یکنفر مترجم تعداد شرکت کنندگان ساواک در سمینار سه جانبه به ۷ نفر خواهد رسید. اگرچه در مورد تعداد شرکت کنندگان از هر سرویس در سمینار محدودیتی نیست ولی با در نظر گرفتن اینکه طبق سوابق موجود در گذشته همیشه هریک از سرویسهای سه جانبه حداکثر ۵ نفر برای شرکت در سمینار اعزام داشته در صورت تصویب تعداد شرکت کنندگان ساواک نیز جمعاً به ۵ نفر تقلیل داده شود.

رئیس سازمان اطلاعات خارجی^۱

سفر خانواده‌ها و به خصوص همسران مقامات و رؤسای سرویس‌های اطلاعاتی، به ویژه سازمان اطلاعات اسرائیل به تهران، جهت دیدار از مناطق و اماکن تاریخی، از دیگر اطلاعات حاشیه‌ای است که مطالعه آن‌ها خالی از فایده نیست. گزارش ساواک در خصوص سفر همسران ژنرال ضمیر رئیس و ادمونی معاون سرویس اطلاعاتی اسرائیل به تهران در تیر ماه سال ۱۳۵۲، یک نمونه از این قبیل اطلاعات و اخبار است. همان‌طور که در اسناد ساواک نیز موجود است، بعضی از این افراد در تهران دوستان و آشنایان ویژه‌ای برای خود داشتند:

اظهارات رابط سرویس اسرائیل

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

در روز ۵۲/۳/۲۳ رابط سرویس اسرائیل اظهار داشت:

- ۱- خانم ژنرال ضمیر در روز ۱۲ تیر ماه ۵۲ وارد تهران خواهد شد.
- ۲- سرویس اسرائیل پیشنهاد می‌کند که خانم ضمیر در روزهای ۱۳ الی ۱۸ تیر ماه ۵۲ از اصفهان- شیراز و خارک دیدن نماید.
- ۳- ژنرال ضمیر در تاریخ ۱۷ تیر ماه ۵۲ وارد تهران خواهد شد و تا تاریخ ۲۰ تیر ماه در کنفرانس سه گانه شرکت کرده و سپس باتفاق همسرش از شمال ایران دیدن خواهند کرد.

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری.

۴- آقای ادمونی معاون سرویس اسرائیل و همسرش در تاریخ ۱۷ تیر ماه وارد تهران خواهند شد. همسر آقای ادمونی در روزهای ۱۷-۱۸ و ۱۹ تیر ماه بطور خصوصی از آشنایانش در تهران دیدن خواهد کرد و بعد از خاتمه کنفرانس سه گانه در روز ۲۱ تیر ماه با اتفاق شوهرش از اصفهان- شیراز و خارک دیدن خواهند کرد. با شرح مراتب بالا در صورت تصویب مقرر فرمایند مراتب بمنظور پیش‌بینی‌های لازم به تشریفات ساواک اعلام شود.

پیمانها^۱

گزارش دیگر ساواک در همین خصوص چنین است: رئیس سازمان امنیت اسرائیل اظهار داشته است در موقعیکه کنفرانس سه جانبه در تهران منعقد شود قصد دارد به اتفاق همسرش بایران عزیمت نماید و از شهر یزد دیدن کند. پی‌نوشت تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی به بخش پیمانها اطلاع داده شود که بموقع بعرض برسد و در صورت تصویب دعوتنامه بموقع ارسال گردد. ۵۲/۱/۲۰

علیهذا در اجرای اوامر بموقع اقدام فرمایند.^۲

از سوی دیگر همسران و خانواده‌های رؤسا و مقامات ساواک نیز بی‌نصیب از این میهمانی و سفرها نبودند. آنها نیز هر از چندی، از سوی طرف اسرائیل برای دیدار فلسطین اشغالی دعوت می‌شدند. ناوت یکی از مقامات سرویس اطلاعاتی اسرائیل طی نامه‌ای به رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران از طرف ژنرال ضمیر رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل از نامبرده و همسرش دعوت به عمل آورده تا میهمان اسرائیلی‌ها باشند:

ژنرال معتضد عزیز

ژنرال ضمیر باینجانب دستور داده‌اند که از طرف ایشان و خانم ضمیر از خانم معتضد بگرمی دعوت نمایم در معیت جنابعالی در ماه آینده از کشور ما بازدید نمایند. ژنرال و بانو ضمیر خوشحال خواهند بود که از جنابعالی و سرکار خانم بعنوان میهمانان خود پذیرائی بنمایند.

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. این گزارش در خرداد ۱۳۵۲ تهیه شده است.

۲. گزارش ساواک، مورخ ۵۲/۱/۲۱؛ شماره ۲۳۲/۲۹، با طبقه‌بندی خیلی محرمانه.

امیدوارم که این دعوت مورد قبول قرار گیرد.

دوستاندار-ناوت^۱

ناوت طی نامه به نصیری رئیس ساواک، در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۲/ فروردین ۱۳۵۱، از طرف ژنرال ضمیر رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل، از او و همسرش نیز جهت بازدید از فلسطین اشغالی دعوت به عمل می‌آورد:

۱۰ آوریل ۱۹۷۲

عالیجناب تیمسار نصیری

تیمسار عزیز

ژنرال ضمیر بمن دستور داده‌اند که از طرف ایشان و بانو ضمیر از سرکار خانم نصیری صمیمانه دعوت شود که در سفر ماه آینده شما، به کشور ما تشریف بیاورند.

برای بانو و ژنرال ضمیر پذیرائی از سرکار خانم نصیری و تیمسار مایه بسی خوشوقتی خواهد بود.

از صمیم قلب امیدوارم که این دعوت مورد قبول واقع شود.

ارادتمند ناوت^۲

معتضد، رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران، طی گزارشی به نصیری رئیس ساواک، در خصوص دعوت اسرائیلی‌ها از همسرش، این‌گونه کسب تکلیف می‌کند:

درباره دعوت از خانم معتضد

منظور

استحضار ریاست ساواک و صدور اوامر.

رئیس سرویس اسرائیل ژنرال ضمیر و بانو از خانم رئیس سازمان اطلاعات خارجی دعوت نموده‌اند در ماه آینده که مصادف با برگزاری کنفرانس سه جانبه در اسرائیل می‌باشد بعنوان میهمان از آن کشور بازدید نمایند.

دعوت‌نامه مذکور بوسیله نماینده سرویس اسرائیل در تهران ارسال گردیده که اصل و ترجمه آن به پیوست تقدیم می‌گردد.

مقرر فرمایند اوامر عالی را در مورد دعوت رئیس سرویس اسرائیل ابلاغ فرمایند تا بهمان ترتیب عمل شود.

۱. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۱/۱/۲۱، با طبقه‌بندی سری.

۲. سند ساواک، ترجمه نامه ناوت، مورخ ۱۳۵۱/۱/۲۰، بدون شماره و مهر طبقه‌بندی.

سازمان اطلاعات خارجی^۱

پس از انجام سفر مورد اشاره، نصیری رئیس ساواک، طی نامه‌ای به ژنرال ضمیر رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل، از او و همسرش ایزابل راد، به دلیل پذیرایی و میهمان‌نوازی گرم! آن‌ها سپاسگزاری کرده است:

بعنوان: ژنرال ضمیر

تاریخ: ۷ خرداد ماه ۵۱

ژنرال ضمیر عزیز

اکنون که خانم نصیری بازدید خاطره‌انگیز خود را از کشور زیبای شما به پایان رسانده و مراجعت نموده‌اند در مورد محبت‌ها و توجه شخص آنجناب و خانم ضمیر در مدت اقامتشان در کشور اسرائیل مطالب ستایش آمیزی بمن ابراز داشتند. میهمان‌نوازی بسیار گرمی را که سرویس شما در مورد ایشان معمول داشته و ترتیبات دقیقی که برای آسایش خانم نصیری و همچنین معالجات پزشکی ایشان معمول گردیده طبق اظهار خود ایشان فوق‌العاده عالی بوده است. ایشان اظهار می‌دارند که در تمام مدت اقامتشان محبت و توجه کلیه کسانی که با بازدید ایشان سروکار داشتند بویژه خانم ایزابل بنحوی بود که ایشان خود را در خانه خویش احساس می‌کردند از اینرو خانم نصیری محبت‌ها و توجه قابل ستایش خانم ایزابل را در انجام وظایفش فراموش نخواهند کرد.

با این ترتیب بر خود لازم می‌دانم که تشکرات قلبی خویش را برای محبت‌هایی که بدستور آنجناب در مورد خانم نصیری معمول گردیده ابراز دارم. لازم می‌دانم از خانم ایزابل نیز که از هیچ تلاشی برای اینکه بازدید خانم نصیری لذت‌بخش و خاطره‌انگیز باشد دریغ ننموده سپاسگزاری نمایم. به امید دیدار.

دوستدار- ارتشید نصیری^۲

۱. گزارش ساواک؛ مورخ ۵۱/۱/۲۶؛ شماره ۷۰۵/۴۵۲۰.

۲. سند ساواک؛ مورخ ۷ خرداد ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

● اجلاس اطلاعاتی سه جانبه

گزارش‌ها و قطعنامه

پیشینه‌ها و زمینه‌های تاریخی

اسناد موجود ساواک، درباره قطعنامه‌ها، مصوبات، گزارش‌ها و مصوبات نشست‌های اطلاعاتی سه‌جانبه ایران، ترکیه و اسرائیل در سطح سمینار و یا شورا، حاوی اطلاعات نکات دهنده‌ای است. این اطلاعات نه فقط از ماهیت و اهداف پیمان سه‌جانبه اطلاعاتی، پرده برمی‌دارد؛ بلکه شیوه‌ها، راه‌کارها و راهبرد همکاری سرویس‌های اطلاعاتی ایران و ترکیه با اسرائیل را علیه ملت‌ها و کشورهای اسلامی منطقه به خوبی نشان می‌دهد.

از آنجاکه ایران و ترکیه به عنوان دو کشور اسلامی که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن مسلمان بوده و هستند، لذا پیوند عمیق و همسویی بسیار نزدیک سرویس‌های اطلاعاتی رژیم‌های حاکم بر این دو کشور با صهیونیست‌ها بسیار شگفت‌انگیز می‌نماید. این اسناد به خوبی نشان می‌دهند که همکاری‌های اطلاعاتی سه‌جانبه، با همه جوانب و حواشی آن، تماماً در خدمت آرمان و مطامع اسرائیلی‌ها و کاملاً در چهارچوب استراتژی پیرامونی صهیونیسم در منطقه بوده است. صرف‌نظر از ماهیت و سرسپردگی و وابستگی ایران شاهنشاهی و دولت‌های ترکیه و نیز نفوذ همه‌جانبه‌ای که کانون‌ها و سازمان‌های صهیونیستی در این دو کشور داشتند، باز هم خدمتگزاری بی‌چون چرای سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی این دو کشور، به اسرائیل، برای هر خواننده‌ای، پرش‌های فراوان به همراه دارد. زیرا صرف‌نظر از اشتراک منافع این دولت‌ها، حضور و نفوذ صهیونیست‌ها در مراکز حساس سیاسی، اقتصادی و تصمیم‌گیری آن‌ها، و به علاوه وابستگی آنان به اردوگاه نظام سلطه، باز هم نمی‌تواند دلیل کامل برای آن باشد که یک حکومت همه منافع و امنیت ملی خود را در خدمت برنامه‌ها، آرمان، اهداف و استراتژی توسعه‌طلبانه صهیونیسم قرار دهد و پا به پای رژیم

صهیونیستی، علیه یکایک کشورهای اسلامی و بلکه ملت‌های مسلمان توطئه کند. خیانت‌ها، جنایت‌ها و توطئه‌هایی که اسرائیلی‌ها در دوران گذشته، با همکاری همه‌جانبه و پوشش دستگاه اطلاعاتی و امنیتی ترکیه و رژیم پهلوی، علیه کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان در خاورمیانه انجام داده‌اند، به خوبی نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها، قبل از برقراری روابط با رژیم پهلوی و دولت ترکیه و حتی پیش از تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۲۷ش/۱۹۴۸م، در فلسطین، پایگاه عمیق در این دو کشور مستقر کرده بودند.

این پایگاه‌های پنهان صهیونیسم در ایران و ترکیه بود که توانست، پس از تأسیس اسرائیل، با بهره‌گیری از همه امکانات و نفوذ و اهرم‌های خویش، ضمن برقراری روابط بین سه دولت مزبور، ایران شاهنشاهی و ترکیه را با همه ادعاهای ملی‌گرایانه در خدمت آرمان صهیونیسم و استراتژی پیرامونی اسرائیل قرار دهد. برای خوانندگان کنجکاو، این سؤال‌ها خودنمایی می‌کنند که پایگاه‌های پنهان صهیونیسم در ایران و ترکیه از چه زمان و دوره‌ای و چگونه به‌طور جدی استقرار یافتند و موقعیت خود را تحکیم و تثبیت کردند. برای پاسخ به این سؤال‌ها، ناگزیر باید به سراغ اعتراف‌های رمزآلود و اسرارآمیز برخی نویسندگان و محققان غرب و بلکه خود یهودی‌ها و صهیونیست‌ها رفت.

سقوط امپراتوری عثمانی

برنارد لوئیس یک نویسنده متعصب یهودی است. او سقوط اندلس تحت فرمانروایی مسلمین را، به دست مسیحیان، به معنی نابودی آخرین پایگاه مسلمانان در اروپا و بلکه غرب قلمداد می‌کند. او می‌نویسد:

با فتح غرناطه توسط مسیحیان، مبارزات طولانی مسیحیان برای بازیابی و فتح مجدد غرب اروپا خاتمه پذیرفت و راه را برای ضدحمله گسترده اروپایی‌ها هموار کرد. [...] در سنه ۱۴۹۲ [م]، تمامی سرزمین‌های شبه‌جزیره ایبریا تحت حکومت مسیحیان درآمد. [...] از دیدگاه فرمانروایان مسیحی و همچنین، چند سال بعد، پرتغالی‌ها، این جابجایی‌ها بخش ضروری از فرایند فتح مجدد و ضدحمله به‌شمار می‌آمد. [...] اخراج مسلمانان [از آن سامان] که تکلیفی به مراتب سنگین‌تر و مشکل‌تر و حتی خطرناک‌تر بود، زمان بیشتری به طول انجامید. توسعه اروپا از دو طرف همزمان به وقوع پیوست، و در هر دو مورد هدف اصلی برچیدن سیطره مسلمانان

بود که طی قرن‌ها ادامه یافته بود [...]. در غرب نیز مسیحیان موفق شدند به استیلای مورها (مسلمانان) طی هشت قرن گذشته و بتدریج حتی به حضور آنها خاتمه دهند. در شرق و همینطور در غرب اروپا، مسیحیان در حیات دوباره خود نبرد را تا اردوگاه دشمن کشاندند. روس‌ها در شرق تاتارها را تا زادگاهشان تعقیب کردند. در غرب، اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها به همراهی مردم ممالک ساحلی دیگر، مورها را تا خاک آفریقا و آسیا تعقیب کردند.^۱

برنارد لوئیس، با اعتراف به عظمت و اقتدار مسلمین و قدمت تمدن اسلام در جهان می‌نویسد:

تمدن اسلامی، برخلاف تمدنهای مشابه دیگر، اولین تمدنی است که می‌توان نام جهانی روی آن گذاشت، زیرا در سه قاره دنیا مردم مختلف و فرهنگها و نژادهای مختلف را دربر می‌گرفت. اسلام، از آن جهت که سالیان دراز در اسپانیا و جنوب ایتالیا از یک طرف، و در روسیه و بالکان از طرف دیگر، به شکوفایی رسیده بود، اروپایی محسوب می‌شد؛ و بدیهی است؛ که آسیایی و در عین حال افریقایی هم بود. تمدن اسلامی نژادی‌های مختلف را از سیاه و سفید، سرخپوست و زردپوست را یکجا دربر می‌گرفت؛ و از نظر جغرافیایی مرزهای آن از جنوب اروپا تا قلب آفریقا و در آسیا تا ماورای سرحدات هند و چین توسعه یافته بود.^۲

چنین قدرتی در دوران معاصر، خطری برای آنها بود که در پَس پردهٔ دنیای غرب مسیحی، سلطه اقتصادی و سپس سیطره سیاسی پیدا کرده بودند. واقعیت پنهان و اسرارآمیزی که برنارد لوئیس یهودی از افشای آن خودداری می‌کند. برنارد لوئیس این واقعیت را باز نمی‌گوید که غرب مسیحی را چه کسانی تحریک و وادار کردند تا علیه دنیای پهناور اسلام و تمدن اسلامی جنگ‌ها و تهاجم ناخواسته‌ای را آغاز کند. او برای تحریف این واقعیت بزرگ، اما اسرارآمیز تاریخی، چنین می‌نویسد:

جنگ جهانی اول اوج عقب نشینی اسلام در برابر پیشروی غرب بود.^۳

او نمی‌گوید که چه کسانی و چه جریانی و با چه اهدافی غرب را در تهاجم به جهان اسلام

۱. برنارد لوئیس، برخورد فرهنگها، ترجمه بهمن دخت‌اویسی، نشر فرزانه با همکاری مرکز گفت‌وگوی تمدنها، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱ و ۲.

۲. همان منبع، ص ۹.

۳. برنارد لوئیس، خاورمیانه (دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز)، ترجمه حسن کامشاد، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۱، تهران، ص ۳۵۴.

تحریک و پشتیبانی و بلکه هدایت و رهبری کردند. مع الوصف خالی از فایده نیست تا نظرات و دیدگاه‌های او درباره چگونگی تهاجم غربی‌ها در دوران معاصر به دنیای اسلام و تحمیل شرایط جدید به مسلمانان در منطقه خاورمیانه مورد مطالعه قرار گیرد. تلاشی امپراتوری عثمانی تلاش جدیدی از سوی صهیونیست‌ها در دنیای اسلام بود که تحت پوشش و نام و امکانات غرب آغاز شد. این تلاش‌ها بود که موجب استقرار پایگاه پنهان و بی‌نام و نشان صهیونیسم در ممالک اسلامی شد. برنارد لوئیس نویسنده یهودی، آغاز این تلاش‌ها را چنین شرح می‌دهد:

انقلاب مشروطه عثمانی در سال ۱۹۰۸ میلادی در شرایط بهتری شروع شد و این نهضت در آن زمان طلعه ظهور عصر جدیدی می‌نمود [...] .

مسیحیان عثمانی و قدرت‌های اروپایی از انقلاب ترکان جوان استقبال کردند و آن را گام بزرگی به جلو خواندند، اما در عین حال اجازه ندادند انقلاب در برنامه‌های دیگر آنان دخالت کند. این‌ها این انقلاب را فرصتی مفتنم شمردند. اتریش-مجارستان، بی‌درنگ سرزمین بوسنی و هرزگوین را به خود ملحق کرد، بلغارستان اعلام استقلال کرد، و جزیره کرت که پس از جنگ ترک‌ها و یونانی‌ها، در سال ۱۸۹۶، در داخل امپراتوری (عثمانی) خودمختاری یافته بود، به یونان پیوست. یک شورش ضدانقلابی [برای تجدید قدرت سلطان عبدالحمید] در ۱۹۰۹ پس از زدوخوردهای خونین سرکوب شد.

حمله ایتالیا به طرابلس غرب، در سپتامبر ۱۹۱۱، آغازگر رشته جنگ‌های جدید بود. در این هنگام تقریباً تمامی آفریقای شمالی ساحلی از مصر تا مراکش تحت سلطه انگلیس یا فرانسه بود. فقط دو منطقه از متصرفات عثمانی، سیرنائیک و طرابلس غرب، در دست آن کشور باقی بود. ایتالیا که دیر به قافله پیوسته از جهانگشایی امپریالیستی عقب مانده بود، در صدد شد در تملکات مرد بیمار [امپراتور عثمانی] جای پای برای خود دست و پا کند، و با توافق قبلی قدرت‌های اروپایی، به حمله نظامی و دریایی پرداخت. پیشرفت ایتالیایی‌ها در شمال آفریقا با مقاومت شدید و غیرمنتظره عثمانی و مبارزات محلی روبه‌رو گردید، ولی عثمانیان در اکتبر همان سال دست از مقاومت کشیدند، زیرا که تهدید نزدیک‌تر و خطرناک‌تری به سراغشان آمد. جنگ سخت بالکان در ۱۷ اکتبر ۱۹۱۲ شروع و در ۳۰ مه ۱۹۱۳ تمام شد. متحدان بالکان-بلغارستان و صربستان و یونان-سرزمین‌های پهنای از عثمانی گرفتند و آلبانی را به فهرست

دولت‌های مستقل افزودند. [...].

جنگ جهانی اول آخرین جنگی بود که امپراتوری عثمانی به عنوان یک قدرت بزرگ در میان قدرت‌های بزرگ دیگر جنگید [...].

ابتدا کار نسبتاً بر وفق مراد ترک‌ها [عثمانی] بود. عثمانی در دسامبر ۱۹۱۴، در شرق آسیای صغیر دست به حمله زد [...]. در جبهه جنوب، در ابتدای سال ۱۹۱۵، قوای عثمانی مستقر در فلسطین از صحرای سینا گذشته و در مصر اشغالی بریتانیا به ترعه سوئز حمله بردند. ولی عمر این موفقیت‌ها کوتاه بود. [زیرا] روس‌ها در شرق با تمام قوا حمله متقابل کردند [...]. در جنوب انگلیسی‌ها تهاجم ترک‌ها [عثمانی‌ها] به ترعه سوئز را پس زدند. در این میان انگلستان لشکری از هند به خلیج فارس فرستاده بود. در ۲۲ نوامبر ۱۹۱۴، سپاهیان انگلیس بندر بصره را که در آن موقع متعلق به عثمانی بود اشغال کردند. هدف فوری انگلیسی‌ها محافظت لوله نفتی بود که از ایران می‌آمد، ولی این موفقیت اولیه آن‌ها را به فکر فزون‌طلبی و نقشه‌های دیگر انداخت. در خلال سال ۱۹۱۵، نیروهای انگلیسی به تصرف نقاطی در ساحل دو رود دجله و فرات پرداختند و رو به شمال به سوی بغداد پیش رفتند [...].

در فوریه ۱۹۱۵، انگلیسی‌ها در حول و حوش داردانل دست به عملیات دریایی زدند، جزیره لمنوس را اشغال کردند، و آنجا را پایگاه خود ساختند. در طول بهار و تابستان آن سال، سربازان انگلیسی و استرالیایی، در تلاشی بزرگ برای درهم شکستن استحکامات دفاعی عثمانی در بغازها (داردانل و بوسفور) و پیوستن به روس‌ها در دریای سیاه، در چند نقطه شبه جزیره گالیپولی پیاده شدند.

در اواخر سال ۱۹۱۵ و اوایل سال ۱۹۱۶، ورق تا اندازه‌ای دوباره به نفع عثمانی برگشت. روس‌ها از وان بیرون رفتند [اخراج شدند]، انگلیسی‌ها در عراق شکست خوردند و تسلیم شدند، و قوای سلطان [عبدالحمید] بار دیگر به ترعه سوئز حمله کرد. در ابتدای سال ۱۹۱۶، انگلیسی‌ها و استرالیایی‌ها، پس از زدوخورد شدید و تلفات سنگین، از کالیپولی عقب نشستند و بغازها [تنگه‌های داردانل و بوسفور] را به حال خود گذاشتند. اما قدرت برتر متفقین در درازمدت فایق آمد^۱. [...].

مهاجمان به دنیای اسلام و محرکان و مشوقان پس پرده آن‌ها، همزمان با تهاجم و

[illegible][illegible][illegible]

بی‌نهایت زیاد بود و برای انگلیسی‌ها، و ضمناً فرانسوی‌ها، در اعمال اقتدار بر اتباع مسلمان‌شان ارزشی ویژه داشت. ضمناً زمان شورش اعراب نیز مساعدتر و مقارن با عقب‌نشینی کلی قوای عثمانی از تمامی ایالات عربی بود. [...]

در اواخر ۱۹۱۶، نیروهای انگلیسی از مصر به داخل فلسطین عثمانی پیش رانندند، و لشکر انگلیسی دیگری همزمان در عراق پیاده شد و پیشروی متوقف شده به شمال را ادامه داد. با فرا رسیدن بهار ۱۹۱۷، سپاهیان انگلیسی بغداد را در عراق و غزه را در فلسطین اشغال کرده بودند. در دسامبر ۱۹۱۷ بیت‌المقدس و در اکتبر ۱۹۱۸ دمشق را گرفتند.^۱

این نویسنده یهودی، به‌طور تلویحی، هدف تهاجم نظامی مزبور به دنیای اسلام را از بین بردن نظام قبلی مبتنی بر مواضع و دیدگاه‌های معارض با صهیونیسم و روی کار آوردن نظم نوین سازگار با صهیونیسم در خاورمیانه اسلامی دانسته و می‌نویسد:

دوره مورد بحث با فروپاشی یا، دقیق‌تر بگوییم، با درهم شکستن نظم کهن که، خوب یا بد، چهار قرن یا بیش‌تر در قسمت اعظم خاورمیانه دوام آورد، شروع شد. عثمانی‌ها، بر پایه کار پیشینیان‌شان، ساختار و نظامی سیاسی بنا نهادند که هم دوام آورد و هم کار می‌کرد. و نیز فرهنگی سیاسی به‌وجود آوردند که خوب فهمیده می‌شد و در آن هر گروه، در واقع هر فرد، موقع خود، قدرت و حد خود را می‌شناخت و از همه مهم‌تر می‌دانست که از او چه انتظار می‌رود، به او چه تعلق می‌گیرد، به کی چی باید پردازد. نظام عثمانی البته به روز بد افتاده بود، ولی با وجود همه مشکلاتش، کماکان کار می‌کرد. اتباع مسیحی‌اش اکثراً دیگر به آن وفادار نبودند و قبولش نداشتند، اما بیش‌تر جمعیت مسلمان هنوز حکومت را مشروع می‌دانستند. نظم عثمانی، در دهه‌های آخر عمرش، نشانه‌هایی از بهبود و حتی پیشرفت از خود بروز داد. ورود عثمانی به جنگ جهانی اول، به هر حال، راه هرگونه تحول را بست، دولت را فروپاشید، سرزمین‌های عثمانی را از هم پراکند و فاتحه امپراتوری را خواند.^۲

او در ادامه، درباره دستاورد ناشی از توطئه چندجانبه صهیونیست‌ها، علیه جهان اسلام و حاصل جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، با نخوت و غرور می‌نویسد:

وقتی دود جنگ و غبار دیپلماسی جنگ جهانی اول از چهره خاورمیانه فرونشست، معلوم شد

۱. همان منبع، ص ۳۵۴.

۲. همان منبع، صص ۳۵۴-۳۵۵.

که تغییرهای مهمی روی داده است.^۱

به این ترتیب، جهان اسلام چند پارچه و دچار تفرقه و تشتت شد و هر بخشی را یکی از مهاجمان به چنگال گرفت. اشغالگران سرزمین‌های پهناور اسلامی، برای تقسیم غنائم در کنار هم گرد آمدند و تصمیم گرفتند.

بریتانیا و فرانسه هلال خصیب را به بخش‌هایی تقسیم کردند، ولی نه چون سابق به شکل مستعمره و تحت‌الحمايه، بلکه به صورت کشورهای جدید، با مرزها و نام‌های جدید، که با تصویب جامعه ملل تحت اداره و قیمومت خود نگاه داشتند تا آماده استقلال شوند. فرانسه و انگلستان نظام‌هایی به الگوی حکومت‌های خود در این کشور جدید بنیان نهادند. بازوی شرقی این سرزمین‌ها- ابتدا موسوم به بین‌النهرین و سپس عراق- مملکتی سلطنتی تحت قیمومت بریتانیا شد، ملک فیصل، پسر شریف حسین، در آن‌جا به تخت نشست. بازوی غربی، سابقاً به اسم عام سوریه و شامات، یا شرق طالع (لوان)، نیز قسمت شد، بخش مرکزی و شمالی به فرانسه، و بخش جنوبی، با نام فلسطین، به انگلیس سپرده شد. هر دو دولت قیم سپس قلمرو خود را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم کردند. فرانسوی‌ها، پس از آزمایش‌هایی چند، دو جمهوری به‌وجود آوردند، یکی را لبنان خواندند، دیگری نام قدیم سوریه را نگه داشت. انگلیسی‌ها هم به همین ترتیب ناحیه خود را دو قسمت کردند: در بخش شرقی یک امیرنشین عرب تشکیل دادند، آن را ماوراء اردن نامیدند و حکومتش را به عبدالله، پسر دیگر شریف مکه، بخشیدند؛ و بخش غربی، یعنی فلسطین کوچک‌تر شده، را تحت اداره و نظارت مستقیم خود گرفتند.

گردش امور در عربستان بسیار متفاوت بود. گذشته از مستعمره و تحت‌الحمايه همدن بریتانیا در جنوب غرب و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، که اکثر آن‌ها از دیرباز به درجات مختلف از انگلستان فرمان می‌بردند، بخش بزرگی از شبه‌جزیره عربستان عملاً مستقل بود. مهم‌ترین رویداد این جا رونق مجدد مکتب وهابی و موفقیت آل سعود تعمیم دهنده آن آیین بود. به هنگام شروع جنگ در ۱۹۱۴، رئیس وقت خاندان، عبدالعزیز ابن سعود، حکومت خود را به بیش‌تر عربستان شرقی بسط داده بود و با انگلیسی‌ها که در مقابله با ترکان به حمایت‌شان نیاز داشت وارد روابط حسنه شده بود. پس از جنگ نیز ابن سعود به فتوحات خود ادامه داد، سرزمین‌های

دیگری در شمال و جنوب شبه‌جزیره به‌دست آورد و فرمانروایان پیشین این نواحی را برکنار یا اخراج کرد.

این سمود علاقهٔ امپراتوری بریتانیا را به عربستان شرقی و جنوب شرقی خوب می‌دانست، از این‌رو علیه امارات و شیخ‌نشین‌های شرقی اقدامی نکرد، و کوشش خود را تماماً در عربستان غربی و جنوب غربی، تنها دو رقیب باقی ماندهٔ جدی، متمرکز ساخت. یکی از این رقبای مملکت حجاز- زیر فرمان حسین شریف مکه، قهرمان قیام اعراب بر ضد ترک‌ها- بود؛ دیگری امام‌نشین یمن در گوشهٔ جنوب غربی شبه‌جزیرهٔ عربستان.^۱

و این‌ها همه با هدایت پس‌پرده‌ای‌ها و با استراتژی از پیش طراحی شده به پیش می‌رفت. آن‌ها، پس از اجرای بخش اول سناریوی خویش، پس از جنگ جهانی اول، ساختار جدیدی را برای ایران رقم زدند و در ترکیه نیز طرح سیاسی، فرهنگی و اداری نوینی هماهنگ و همسو طراحی کردند و به معرض اجرا گذاشتند. به‌طوری که برنارد لوئیس یهودی می‌نویسد:

امپراتوری عثمانی شکست خورده بود، پایتختش اشغال شده بود، دشمنان ظفرمند سرگرم تقسیم سرزمین‌هایش میان خود و وابستگان‌شان بودند، کشور سُست و ناتوان افتاده بود. ایران، با وجود اعلام بی‌طرفی، میدان کارزار دولت‌های متخاصم شده بود و نیروهای خارجی- ترک‌ها، روس‌ها، آلمانی‌ها، انگلیسی‌ها- آن‌چنان در خاک کشور عمل می‌کردند که گویی دولت مستقل ایرانی وجود ندارد. بیم آن می‌رفت که این دو هم به سرنوشت دیگر ممالک آسیایی و افریقایی- که مقهور قدرت فزایندهٔ غرب شدند- گرفتار آیند.

در حقیقت هر دو کشور، هریک به طریقی، از این سرنوشت رست. تحول در ۱۹۱۹ هنگامی شروع شد که یک افسر ترک به نام مصطفی کمال، بعداً ملقب به آتاتورک، در قلب آسیای صغیر نهضت مقاومتی [...] تشکیل داد و آن را رهبری کرد. [...] سلطنت را منحل و اعلام جمهوری نمود. جمهوری ترکیه، تحت پیشوایی آتاتورک، برنامهٔ وسیع و جامعی از نوسازی و جدا کردن دین از دولت- امری بی‌سابقه در جهان اسلام- انجام داد.

ایران در همین سال، ۱۹۱۹ میلادی، شاهد عقد قراردادی بود که، ضمن به رسمیت شناختن استقلال و تمامیت خاک کشور، عملاً مقدمات استیلای بریتانیا را فراهم می‌آورد. مجلس ایران

که برای تصویب قرارداد فرا خوانده شده بود، قرارداد را رد کرد و پدیدار شدن سر و کله سپاهیان روس در شمال ایران- این بار در کسوت بلشویکی- وضعیت را پیچیده‌تر ساخت. پس از دورانی هرج و مرج، افسری از فوج قزاق، به نام رضاخان، در حوت ۱۲۹۹ زمام امور را به دست گرفت، دولتی تقریباً دیکتاتوری پایه نهاد.^۱

توطئه یهود در تلاشی امپراتوری عثمانی

برنارد لوئیس یهودی همه این حوادث را عادی و روند آن را طبیعی قلمداد می‌کند. او به نقش یهودی‌های مخفی یا «دونه»^۲ در فروپاشی امپراتوری عثمانی هیچ اشاره‌ای نمی‌کند.^۳ این جماعت در ظاهر مسلمان بودند و ادعای مسلمانی می‌کردند و نام مسلمانی داشتند؛ اما در پنهان یهودی و پایبند به اصول و آیین یهود بودند. دونه‌ها به دلیل رفتار دوگانه و منافقانه و اهداف کاملاً پنهان خود در ارکان قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری امپراتوری عثمانی نفوذ عمیق و گسترده‌ای داشتند و امور را در مسیر مطامع خود هدایت و پیش می‌بردند. جز خیانت غیرقابل کتمان دونه‌ها، توطئه برخی سران و سرمایه‌داران ذی‌نفوذ و کانون‌های یهودی اروپا نیز نقش و تأثیر اساسی در تلاشی امپراتوری عثمانی داشت که برنارد لوئیس به آنها اشاره نکرده است. طبق اسناد موجود؛ جنبش صهیونیسم پس از شکل‌گیری در اولین کنگره جهانی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷م در شهر بال سوئیس، تلاش کرد، سلطان عبدالحمید امپراتور عثمانی را نسبت به اسکان یهودی‌ها در فلسطین راضی نماید. لیکن عدم موافقت مکرر سلطان عثمانی با این پیشنهاد و طرح رهبران صهیونیست، آنها را کاملاً مأیوس و ناامید ساخت. بنابراین دشمنی و خصومت خود را با او کاملاً آشکار و تشدید کردند.

در فاصله زمانی که جنبش صهیونیسم دشمنی خود را با دولت عثمانی آشکار می‌کرد، یهودی‌های ساکن امپراتوری عثمانی، نارضایتی خود را از سلطان عبدالحمید آشکار کردند. آنها از هرگونه خلل و کاستی در دولت عثمانی به سود خود بهره‌برداری می‌کردند. صهیونیسم جهانی، همگام با بعضی کشورهای اروپایی و نیز با هماهنگی یهودی‌های دونه

۱. همان منبع، ص ۳۵۷.

2. Donme

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره، مراجعه شود به: علیرضا سلطان‌شاهی، پان‌ترکیسم و یهود. پژوه صهیونیست، به کوشش محمد احمدی، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، چاپ اول ۱۳۷۶، صص ۲۸۰ تا ۲۸۳.

به این واقعیت پی برده بودند که (امپراتوری) سلطان عبدالحمید ضرورتاً مضمحل خواهد شد. زیرا تحقق اهداف صهیونیست‌ها در فلسطین تا زمانی که سلطان عبدالحمید قدرت را در دست داشت امکان‌پذیر نبود. این در زمانی بود که کشورهای اروپایی نیز (تحت تأثیر و نفوذ صهیونیست‌ها و به دلیل ترس از قدرت بزرگ عثمانی) تقسیم امپراتوری عثمانی را، البته برای دستیابی بر آن اراضی و ایجاد تشکیلات مستقل و خودمختار برای اقلیت‌های یهودی، ارمنی، یونانی و بعضی اقلیت‌های دیگر که به‌طور طبیعی تکوین آنها جز به خواست اروپاییان شکل نمی‌گرفت، امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند.^۱

به علاوه صهیونیست‌ها، پایه‌گذار جنبش ملی‌گرایی ترک و انقلاب ترکان جوان در سال ۱۹۰۸م/ ۱۲۷۷ش، امپراتوری عثمانی بودند. بعد از انقلاب ۱۹۰۸ و خلع سلطان در سال ۱۹۰۹م/ ۱۲۷۸ش، سیاست عثمانی برای مدتی در برابر فلسطین و کشورهای عربی دگرگون شد و موج مهاجرت یهودی‌ها (به فلسطین) رو به افزایش گذاشت؛ در حالی که حکومت عثمانی در دوران سلطان عبدالحمید، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از اسکان یهودی‌ها در سرزمین‌های مقدس به کار می‌گرفت... سیاست عبدالحمید دوم در قبال متحدین و صهیونیست‌ها و کشورهای اروپایی منجر به توافق این عناصر در برپایی انقلاب ۱۹۰۸ شد. افسران عضو اتحاد و ترقی از طریق لژهای فراماسونری این امکان را یافتند که بر فعالیت‌های خود بیفزایند. زیرا وجود لژهای فراماسونری در سالانیک (سالونیک) که یکی از ولایت‌های سه‌گانه‌ای بود که تحت نظارت بین‌المللی قرار داشت، حمایت بین‌المللی را نسبت به خود تضمین می‌کرد. بنابراین، انقلاب اتحاد و ترقی، قبل از اینکه انقلابی ترکی و یا عثمانی باشد، یهودی بین‌المللی است. زیرا کمیته جمعیت در سالانیک (سالونیک) زیر نظر فراماسونری بین‌المللی و با تأیید یهود و یهودیان دونه شکل گرفت و عناصر یهودی مثل: قاره صوه، سالم، سامسون، فارچی، مازلیاح، جاوید و بالچی نقش اساسی در تنظیم این کمیته و پیروزی انقلاب ایفا کردند.^۲

به‌طوری که نوشته‌اند: یهودی‌ها در جنبش «اتحاد ترک» نقش مهم ایفا کردند، به‌طوری که

۱. حسن خلاق، نقش یهود و قدرت‌های بین‌المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت، برگردان حجت‌الله جودکی-احمد درویش، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول ۱۳۸۰، صص ۳۳-۳۴.

۲. حسن خلاق، صص ۱۳۴-۱۳۵. نیز مراجعه شود به پژوهش صهیونیست، مقاله پان‌ترکیسم و یهود، نوشته علیرضا سلطانشاهی، صص ۲۹۶ و ۲۹۷.

پس از سال ۱۹۰۸، در این جنبش افراد غیرمسلمان یا غیر ترک، جز یهودیان، وجود نداشتند. یهودی‌ها در نهضت ترک‌های جوان در سالونیک نقش مؤثری بر عهده داشتند که از میان آنها می‌توان از، آلبرت فولیون گاتنیو، اشیر سالم، آبراهام گالانت، امانوئل قره‌سو (صو) نام برد.^۱ از جمله اسناد معتبر در این باره؛ نامه سلطان عبدالحمید است که به محمود ابوالشامات ارسال شده است. سلطان در این نامه تأکید و تصریح کرده که چون پیشنهاد ۱۵۰ میلیون لیره طلا (رشوه) را در مقابل ایجاد وطن قومی برای یهودی‌ها رد کرد، از سلطنت خلع شده است.^۲

در بخشی از نامه امپراتور عثمانی چنین آمده است:

این نامه را به شیخ طریقت بزرگ شاذلیه، به حیاتبخش روح، به شیخ زمانه محمود افندی ابی‌الشامات، تقدیم می‌کنم و دستان مبارکش را می‌بوسم و از او التماس دعا دارم. [...] اینجانب به خاطر فشارهای جمعیت اتحاد و ترقی موسوم به «ژون ترک» [ترکان جوان] و تهدیدهای آنها، بالاجبار و از سر ناچاری، خلافت اسلامی را رها کردم. این جمعیت به کرات اصرار کردند و فشار آوردند که با تأسیس وطن قومی برای یهودیان در سرزمین مقدس-فلسطین- موافقت نمایم. علیرغم پافشاری آنان من این پیشنهاد را قاطعانه رد کردم. اینان سرانجام مبلغ ۱۵۰ میلیون لیره طلای انگلیس به من عرضه کردند که این پیشنهاد را نیز قاطعانه نپذیرفتم و در پاسخ آنان جواب صریح ذیل را دادم: اگر شما-علاوه بر این ۱۵۰ لیره طلای انگلیس-دنیا را پر از طلا می‌کردید و به من می‌دادید، به‌طور قطع هرگز این پیشنهاد شما را نمی‌پذیرفتم. اینجانب به ملت اسلام و امت محمد[ص] بالغ بر سی سال است که خدمت می‌کنم و هرگز پرونده آبا و اجداد مسلمان خود-شاهان و خلفای عثمانی-را سیاه نمی‌کنم. بنابراین پیشنهاد شما را اکیداً رد می‌کنم.

اینان پس از جواب قاطعانه من، بر خلع اینجانب اتفاق کردند و به من ابلاغ نمودند که عنقریب مرا به سالانیک تبعید می‌کنند. پیشنهاد اخیر را پذیرا و خداوند متعال را سپاس گفتم. او را شکرگزارم، چرا که امپراتوری عثمانی و جهان اسلام را به این ننگ ابدی برآمده از پیشنهادشان

۱. فصلنامه خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۱، به نقل از: شوون ترکیه، مرکز الدراسات الاستراتیجیة و البحوث و التوثیق، تشرین الثانی / نو فبر ۱۹۹۲، ص ۴۵.

۲. حسن خلاق، ص ۱۳۵.

مبنی بر ایجاد دولتی یهودی در سرزمین‌های مقدس فلسطین، نیالودم [...]»^۱

این نامه سند متقنی است که نه فقط نقش یهودی‌ها و کانون‌های ساخته و پرداخته صهیونیست‌ها را در تلاشی امپراتوری عثمانی و اشغال فلسطین افشا می‌کند؛ بلکه تحریف تاریخ از سوی تاریخ‌پردازان و تئوریسین‌های صهیونی، چون، برنارد لوئیس را نیز یادآوری و تأکید می‌کند.

بسیاری از نویسندگان و محققان، ترویج باستانگرایی در ایران دوره پهلوی و ملی‌گرایی ترک در امپراتوری عثمانی و بعدها ترکیه را دارای منشاء یهودی و صهیونیستی دانسته‌اند. به عقیده این محققان، بیشتر حرکت‌های ملی‌گرایانه در خاورمیانه با این ادعا آغاز شد که ملل موجود در این منطقه، قبل از ظهور اسلام یا گرویدن به آن، از تمدن والایی برخوردار بوده‌اند. به این ترتیب با بستن پلی از حال به گذشته قبل از اسلام، در صدد برمی‌آیند تا حضور و قدرت اسلامی را کم‌فروغ جلوه دهند.^۲

به هر حال تلاش گسترده و همه‌جانبه‌ای از سوی محافل یهودی و صهیونیستی و یایادی آنها، برای القاء این اندیشه صورت می‌گرفت که بین آیین و آداب ایرانیان و ترکان با یهود و جوه اشتراک و یاپیوند کهن وجود دارد. بر این اساس ترویج یهودگرایی^۳ در ترکیه^۴ و نیز ایران، بخشی از تلاش‌های فکری و فرهنگی صهیونی به منظور نزدیک ساختن و ایجاد ارتباط بین دو ملت ایران و ترکیه با جامعه یهودی و صهیونیستی مستقر در سرزمین فلسطین از یکسو و جدا ساختن آنها از مردم مسلمان و عرب منطقه از سوی دیگر بود. این اقدامات کاملاً سازگار و منطبق با «استراتژی پیرامونی» اسرائیل در انعقاد پیمان سه‌جانبه ایران، اسرائیل و ترکیه در دوره پهلوی بود که به‌طور مشخص و روشن، در حوزه‌های اطلاعاتی و جاسوسی بیش از همه عینیت پیدا کرد.

بنابراین، به جرأت می‌توان در این باره قضاوت کرد که، آنچه ایران شاهنشاهی و ترکیه را به هم نزدیک و همسو نمود تا با سازگاری و همکاری تمام، در کنار صهیونیست‌ها، جبهه

۱. همان منبع، صص ۱۵۲-۱۵۳. متن نامه سلطان عبدالحمید به زبان ترکی عثمانی و نیز متن ترجمه عربی آن، در صفحات ۱۵۳ تا ۱۵۶.

۲. علیرضا سلطان‌شاهی، پان‌ترکیسم و یهود، کتاب پژوه صهیونیست، ص ۲۷۵.

۳. ن.ک: همان منبع صص ۲۷۲ تا ۲۷۸ و نیز ۲۷۹ تا ۲۸۳.

۴. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، پاورقی صص ۱۲۷-۱۲۸.

واحدی را علیه مسلمانان و ممالک اسلامی منطقه تشکیل بدهند، ریشه در تحولات و تغییراتی داشت که در بالا به آن اشاره شد. همکاری اطلاعاتی و امنیتی و جاسوسی سرویس‌های اطلاعاتی ایران شاهنشاهی، ترکیه و اسرائیل در مسیر استراتژی توسعه‌طلبانه صهیونیسم در منطقه، اگرچه در ساختار سیاسی نهادهای حکومتی آن دو دولت و نیز ابعاد نفوذ و حضور یهودی‌ها و صهیونیست‌ها در آن دو داشت، اما زمینه ساز همه اینها رویدادهایی بود که پیش از آن، با برنامه‌ریزی و طراحی پنهان، به وقوع پیوسته بود. آن رویدادها بودند که قبل از حضور و نفوذ آشکار کانون‌ها و اشخاص یهودی و صهیونیستی، موجب استقرار و ایجاد پایگاه‌های پنهان آن‌ها در عالم اسلام، به ویژه در ایران و ترکیه شده بودند.

بر این اساس، مطالعه، بررسی، تحقیق و قضاوت درباره ماهیت، ابعاد و عمق ارتباط و همکاری سرویس‌های اطلاعاتی ایران شاهنشاهی، ترکیه و اسرائیل در مسیر استراتژی صهیونیسم در منطقه، ضروری است، تا از این زاویه، مورد ارزیابی و بازنگری قرار گیرد.

گزارش‌ها و قطعنامه‌ها^۱

اسناد و مدارک سری و پنهان به جامانده از آن دوران، زمانی جذاب‌تر و شگفت‌انگیزتر جلوه می‌کنند که از زاویه نگاه مزبور، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. یعنی تکاپوی پنهان‌دو سرویس اطلاعاتی ایران و ترکیه، اگرچه در ظاهر، همپراز و هم‌ردیف سرویس اطلاعاتی اسرائیل، اما در واقع تحت فرمان و هدایت دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و بلکه صهیونیسم جهانی و در خدمت آرمان و استراتژی آن‌ها، مورد توجه قرار گیرند. پیمان همکاری سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی، تقریباً از دههٔ چهل شمسی یا دههٔ شصت میلادی آغاز و در آخرین سال‌های دههٔ پنجاه شمسی یا دهه هفتاد میلادی، در قرن حاضر، با سقوط نظام شاهنشاهی ایران خاتمه یافت. بر این اساس، بررسی و شرح این گزارش‌ها و قطعنامه‌ها و مصوبات کمیته‌ها، شوراهای و سمینارهای اطلاعاتی سه‌جانبه مزبور، در این نوشتار، به دو بخش؛ یعنی، دورهٔ اول (دههٔ چهل شمسی) و دورهٔ دوم (دههٔ پنجاه شمسی) تقسیم شده است.

۱. در این گزارش‌ها و قطعنامه‌ها، کلیه کشورهای عربی و اسلامی منطقه خاورمیانه تا شمال و غرب آفریقا، به عنوان هدف، مشمول پیمان همکاری اطلاعاتی سه‌جانبه اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی محسوب و در قلمرو استراتژیک صهیونیستی ارزیابی شده و در چارچوب استراتژی پیرامونی اسرائیل قرار گرفته‌اند. این کشورها که اوضاع و تحولات داخلی و نیز روابط و مناسبات خارجی آنها، همواره در گزارش‌ها و قطعنامه‌های نشست‌های اطلاعاتی سه‌جانبه، مورد بحث و بررسی قرار گرفته، عبارتند از: اردن، لبنان، عراق، سوریه، عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، یمن (شمالی و جنوبی)، عمان، فلسطینی‌ها، پاکستان، افغانستان، تونس، الجزایر، لیبی، مغرب (مراکش)، سودان.

دوره اول (دهه چهل ش)

شانزدهمین کنفرانس یا شورای سه جانبه سرویس های اطلاعاتی ایران و ترکیه و اسرائیل در آبان ماه سال ۱۳۴۵ در آنکارا، حول محور پنج دستور برگزار شد. در یکی از گزارش های ساواک، به این دستورها چنین اشاره شده است:

گزارش

شانزدهمین کنفرانس سه جانبه سرویس های (ایران- ترکیه- اسرائیل) از تاریخ ۲۳ تا ۲۷ آبانماه ۱۳۴۵ در آنکارا تشکیل و پس از تبادل اطلاعات و بررسی اوضاع بین المللی و تأثیر آن در منطقه خاورمیانه و خطرانی که این منطقه را تهدید می نماید از طرف شورای سه جانبه تصمیماتی بمنظور جلوگیری از آن خطرات و مقابله با فعالیتهای مخرب کمونیسم و عملیات اخلا لگرا نه ناصر اتخاذ گردید که صورت جلسه آن بشرح زیر و به پیوست تقدیم می گردد:

۱- گزارش کمیته امنیت

۲- گزارش کمیته هماهنگ کننده

۳- توصیه ها

۴- تصمیمات اجرایی

۵- عناصر اصلی خبر^۱

کنفرانس شانزدهم سرویس های اطلاعاتی سه گانه، در ابتدا، گزارشی پیرامون اوضاع سیاسی خاورمیانه تا شمال آفریقا منتشر نمود. در این گزارش با اشاره به بسط نفوذ شوروی کمونیستی در کشورهای عربی و حتی کمک آن ها به سازمان آزادی بخش فلسطین و نیز توافق نظامی مصر و سوریه و مبادله سفیر بین سوریه و عراق ابراز نگرانی شده است:

اوضاع بین المللی و تأثیر آن در منطقه خاورمیانه در ششماه گذشته

ظرف مدت شش ماهی که پس از پانزدهمین کنفرانس سه جانبه سپری شده است مهمترین تحولی که در سیاست جهانی به چشم می خورد تشدید اختلافات بین روسیه شوروی و چین کمونیست و اقدام آنان در متشکل کردن جبهه های طرفدار خود بمنظور تحکیم موقعیت و ازدیاد نفوذ در منطقه خاورمیانه و آفریقا می باشد.

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش ظاهراً در اواخر آبان یا اوایل آذر سال ۱۳۴۵ تهیه شده است.

نداده و تا حد امکان از جنبه‌های مثبت احزاب ملی برای ایجاد این نوع همکاری استفاده نمایند. در تعقیب این روش بود که نمایندگانی از اتحاد سوسیالیست عرب مصر به مسکو رفته و مذاکرات و مباحثات ایدئولوژیکی بین آنان و حزب کمونیست شوروی بعمل آمد. بازدید نمایندگان سازمان جوانان شوروی وابسته به حزب کمونیست آن کشور از قاهره - انجام مذاکرات بین احزاب بمت - اتحاد سوسیالیست عرب و جبهه آزادیبخش ملی الجزایر به منظور ایجاد همبستگی بین احزاب ملی و حزب کمونیست از یک طرف و بین خود احزاب ملی از طرف دیگر شواهد دیگری از این امر می‌باشند.

ضمناً دولت شوروی، که تاکنون بطور جدی و مؤثر کمکی بسازمان آزادیبخش فلسطین نمی‌نمود بدنبال شکست مقررات و تصمیمات کنفرانسهای سران عرب و به منظور مقابله بانفوذ یکن در این سازمان و همچنین حفظ ماهیت انقلابی سازمان مذکور در مقابل امتناع کشورهای ضدانقلابی عرب از ادامه کمک بآن، تصمیم گرفت که بطور مؤثری بآن سازمان کمک نماید. از طرف دیگر دولت شوروی در شش ماهه اخیر اقدامات دامنه‌داری به منظور ایجاد تفاهم بیشتر بین کشورهای بااصطلاح انقلابی منطقه خاورمیانه بعمل آورده و می‌توان گفت که نتایج مثبتی در این زمینه بدست آورده است.

انقصاد قرارداد نظامی مصر و سوریه و بیادله سفیر بین سوریه و عراق شواهدی از این امر می‌باشند. همچنین دولت شوروی به منظور تحکیم موقعیت کشورهای بااصطلاح انقلابی منطقه و تقویت روحیه آنها اسلحه و مهمات قابل توجهی باین کشورها سرازیر نموده و با استقرار یک نازگان جنگی مجهز بسلأه‌های اتمی در مدیترانه و بازدید آن از اسکندریه عملاً پشتیبانی خود را از اینگونه رژیمها ثابت نمود. ضمناً به منظور حفظ رژیم متوازن سوریه تهدید کرد که هرگونه تجاوز به آن کشور از طرف شوروی بدون پاسخ نخواهد ماند و بالاخره اخیراً با استفاده از حق وتو با قطعنامه‌ای که از طرف دولتن آمریکا و انگلستان علیه تجاوز سوریه به اسرائیل تسلیم شورای امنیت سازمان ملل متحد شده بود مخالفت کرد.

اقدام دیگر دولت شوروی به منظور بسط نفوذ خود در منطقه خاورمیانه در شش ماهه اخیر سعی آن دولت به منظور تسلط بر دروازه‌های بحر احمر و خارج ساختن آن از تسلط غرب می‌باشد بدین منظور به کشور سوماتی در مورد آزاد ساختن سوماتی فرانسه که موقعیت استراتژیکی بسزائی در دریای احمر دارد کمکهای اقتصادی و نظامی قابل توجهی می‌نماید.

کشورهای انقلابی برهبری مصر و بلوک شرق بخصوص شوروی بیش از پیش مشهود گردیده است.

این هماهنگی بدو صورت: حمله سیاست استثماری بلوک غرب و حمله بروش ارتجاعی رهبران کشورهای بااصطلاح ضدانقلابی منطقه تجلی نموده است.

این نوع همکاری و همفکری بین کشورهای بااصطلاح انقلابی خاورمیانه و کشورهای کمونیستی باعث بروز بحران ناامنی و تشنجاتی در منطقه گردیده که باید با هشجاری و واقع بینی هرچه تمامتر در نظر گرفته شده و برای جلوگیری از خطرات احتمالی آن پیش بینی ها و تدابیر لازم اتخاذ گردد.^۱

شانزدهمین شورای سه جانبه سرویس های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه، پس از پایان اجلاس (۱۷-۱۸ نوامبر ۱۹۶۶ م/ ۲۶-۲۷ آبان ۱۳۴۵ ش) با صدور یک قطعنامه شش ماده ای به کار خود پایان داد. در این قطعنامه نه فقط، از بسط حضور و نفوذ و روابط میان شوروی و چین با کشورهای عربی اظهار نگرانی شده، بلکه شرکت کنندگان، از همکاری و روابط حسنه بعضی محافل و دولت های عربی نیز ابراز ناراحتی و نارضایتی کرده اند. محورهای اصلی قطعنامه مزبور به شرح ذیل است:

قطعنامه شانزدهمین شورای سه جانبه

الف- مقدمه:

۱- شانزدهمین شورای سه جانبه از تاریخ ۱۷-۱۸ نوامبر ۱۹۶۶ در شهر STORM تشکیل گردید. رؤسای سه سرویس درباره تحولات عمده خاورمیانه بویژه وقایع مهم بین المللی بحث و گفتگو نموده به تجزیه روزافزون دنیای عرب به دو قطب مخالف و تهاجم شوروی در منطقه در زمینه های سیاسی- نظامی و اقتصادی توجه خاص مبذول داشتند: تحولات سوریه و نقش مهمی که تغییرات مزبور در دنیای داخلی عرب و در اجرای طرح بزرگ شوروی در منطقه ایفاء می کند مورد بررسی دقیق قرار گرفت.

۲- در مورد جنبه های مختلف سیاست و فعالیت مصر در سوریه، عراق عربستان جنوبی و بویژه توسعه و تحولات نظامی مصر با در نظر گرفتن هدف های شوروی در منطقه تبادل نظر و گفتگو

۱. گزارش ساوک، درباره گزارش منتشر شده در شانزدهمین کنفرانس سرویس های اطلاعاتی سه گانه، با طبقه بندی سری.

بعمل آمد.

۳- به فعالیتهای چین کمونیست در منطقه اشاره شده و اهمیت چنین اقداماتی در صحنه خاورمیانه و سایر نقاط دنیا مورد ارزیابی قرار گرفت.

۴- وضع داخلی مصر گرایش آن به سیاست چپی و ارتباط این مسئله با نفوذ شوروی در منطقه و خطر تأثیر این تمایلات در تشدید سیاست افراطی در سراسر منطقه مورد توجه قرار گرفت.

۵- رؤسای سه سرویس بار دیگر آگاهی خود از وحدت مقاصد و منافع موجود در مذاکرات اعلام داشته و آن را نتیجه حسن تفاهم و همکاری دامنهداری که از ابتدا بین سه سرویس موجود بود بشمار آوردند.

۶- پس از آن شورا گزارش مربوط به کمیته هماهنگ کننده، کمیته اطلاعات، کمیته امنیت، گزارش گردش کار دبیر کل- عناصر اصلی خبر E.E.I و بویژه ارزیابی- توصیه‌ها و تصمیمات اجرایی ذیل را تصویب نمود.^۱

در شانزدهمین اجلاس سه‌جانبه، ۳۷ محور و موضوع مربوط به مسایل اعراب و منطقه، تحرکات کشورهای کمونیستی مثل شوروی و چین در خاورمیانه و نیز اوضاع داخلی پاره‌ای از کشورهای عربی مورد توجه قرار گرفت. در گزارش به کلی سری ساواک در این باره چنین می‌خوانیم:

شانزدهمین اجلاسبه کنفرانس سه جانبه از تاریخ ۲۳ تا ۲۷ آبانماه ۱۳۴۵ در آنکارا تشکیل گردید که قطعنامه گزارشهای مربوط به آن بدینوسیله و بشرح زیر تقدیم می‌گردد:

۱- مقدمه

۲- بررسی اوضاع سیاسی منطقه

۳- توصیه‌ها

۴- تصمیمات اجرایی

۵- تشکیلات

۶- عناصر اصلی خبر

۷- گزارش کمیته هماهنگ کننده

۸- گزارش کمیته امنیت

۱. گزارش ساواک، ۱۸ نوامبر ۱۹۶۶م/ ۲۷ آبان ۱۳۴۵، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

الف- امور بین‌الاعراب:

- ۱- تجدید احتمالی فعالیتهای اخلاک‌گراانه ناصر در جهان عرب.
- ۲- سازمان و فعالیتهای سرویسهای اطلاعاتی مصر و دیگر کشورهای متخاصم.
- ۳- عواملی که ممکنست باعث تضعیف یا تقویت تز وحدت اعراب در منطقه شده و نقشی که بوسیله ملک فیصل- حزب بعث و پرزیدنت بورقیه در این زمینه ایفا می‌گردد.
- ۴- آینده کنفرانس سران عرب و اثرات و عواقب تهدیدات عربستان سعودی در مورد عدم رعایت تعهداتی که از طرف کنفرانس سران عرب بکشور مزبور تحمیل شده است بویژه پس از تضعیف موجودیت کنفرانس سران.
- ۵- کوششهاییکه بمنظور وحدت عراق و مصر بعمل می‌آید بویژه با توجه به فعالیتهای خرابکارانه ناصر برای ساقط نمودن رژیم فعلی عراق.
- ۶- بهبود روابط سوریه و مصر با توجه به کوششهایی که از طرف دولت شوروی در این زمینه بعمل آمده است و امکان وحدت بین دو کشور و تمایلات مشترک سیاست افراطی.
- ۷- فعالیتهای مصر- عراق- کویت و عربستان سعودی در منطقه خلیج فارس- بویژه اقداماتی که از طریق جامعه عرب بعمل می‌آید- حقیقت خطر حمله قوای مصر به خاک عربستان.
- ۸- الف) جنبشهای تروریستی در دنیای عرب و فعالیتهای آنان علیه رژیمهای دوست و میانه‌رو در منطقه بویژه خطری که متوجه رژیم ملک ادریس در لیبی می‌باشد.
ب) سازمان الفتح و فعالیتهای آن در منطقه- تمایل دولت موریه برای پشتیبانی از سازمان مزبور و فعالیتهای آن.
- ۹- فرماندهی مشترک عرب- طرحها- سازمان- فعالیتهای و اثرات تحولات اخیر کنفرانس سران در انجام وظایف فرماندهی و اثرات آن در روابط بین کشورهای عربی از یکطرف و روابط کشورهای مزبور با دول همسایه از طرف دیگر.
- ۱۰- فعالیتهای و آرایش نظامی ارتشهای عرب علیه یک یا چند کشور منطقه (با توجه به فرماندهی مشترک عرب).
- ۱۱- مسئله یمن و آینده مذاکرات صلح درباره این کشور- اوضاع یمن و استراتژی جدید مصر در این کشور.
- ۱۲- واکنش کشورهای عربی درباره فعالیتهای ملک فیصل برای جلب نظرات اعراب و جهان اسلام.

۱۳- نتایج حاصله از کوششهایی که جهت ایجاد بازار مشترک اعراب بعمل آمده است.

۱۴- فعالیتهای پنهانی و خرابکارانه مصر- عراق- سوریه نسبت به خوزستان و حثای.

۱۵- واکنش جهان عرب نسبت به پیشنهادات پزیدنت بورنیه درباره اختلافات اعراب و اسرائیل.

۱۶- فعالیت سازمان آزادی‌بخش فلسطین در زمینه‌های سیاسی و نظامی بویژه مساعی سازمان مرزور در زمینه فعالیت اخلاکارانه علیه رژیم اردن هاشمی.

۱۷- هرگونه فعالیتهای اخلاکارانه‌ای که بوسیله عوامل دیگر بویژه سوریه و گروههای وابسته به کشور مرزور بعمل می‌آید.

ب- فعالیتهای بلوک کمونیست:

۱۸- نهضت کمونیسم در جهان عرب بویژه با توجه به نمایلات فعلی کشورهای کمونیست به‌منظور ایجاد همکاری نزدیک‌تر با احزاب سوسیالیست عرب. موافقتنامه سری بین عراق و اتحاد شوروی پس از مسافرت نخست‌وزیر سابق عراق (البرز) به مسکو.

۱۹- موافقتنامه‌های سری بین:

(۱) مصر و اتحاد شوروی پس از مسافرت اخیر نخست‌وزیر شوروی به قاهره.

(۲) سوریه و اتحاد شوروی پس از مسافرت اخیر یوسف زعین بمسکو.

۲۰- فعالیتهای نیروی دریائی شوروی در مدیترانه و استفاده کشتیهای شوروی از بنادر کشورهای عربی.

۲۱- فعالیتهای چین کمونیست در خاورسیانه و افریقا

۲۲- فعالیتهای سیاسی مصر در صحنه بین‌المللی از طرف کشورهای اتحاد جماهیر شوروی و چین کمونیست و یا با همکاری آنها.

۲۳- اثرات همکاریهای اعراب کمونیست طرفدار چین و طرفدار شوروی با نهضت سوسیالیست عرب مصر و حمایت آنان از تر وحدت اعراب.

۲۴- حمایت و کمک چین کمونیست به سازمان آزادیبخش فلسطین و القتح- و کوششهای سازمان آزادیبخش فلسطین به‌منظور برقراری رابطه با اتحاد شوروی.

پ- فعالیتهای مخصوص کشورهای عربی:

۲۵- حدود و جهات فعالیتهای اخلاکارانه مصر در منطقه.

۲۶- گسترش نظامی مصر.

الف- توسعه سلاحهای معمولی و گسترش نیروهای مسلح معمولی.

ب- توسعه سلاحهای جدید از قبیل موشک و سلاحهای اتمی و بیولوژیکی و شیمیایی.

۲۷- فعالیتهای مصر در دو قاره افریقا و آسیا.

۲۸- تمایلات و نظرات دولت مصر نسبت به سازمان همبستگی ملل افریقا و آسیا و امریکای لاتین.

۲۹- میزان اعتبار و حیثیت ناصر در کشورهای عربی پس از مسافرت اخیر نخست‌وزیر شوروی به

مصر.

۳۰- توجه به روابط موجود بین شوروی- ناصر و ماکاریوس در مسئله قبرس و جمع‌آوری اخبار

مربوط به مذاکرات مذکور و فوق.

۳۱- ثبات رژیم ناصر- فعالیتهای داخلی و خارجی گروههای ضدناصری بمنظور ساقط نمودن رژیم

فعلی مصر.

۳۲- تحولات سیاسی در فدراسیون جنوب عربی با توجه به فعالیتهای طرفداران ناصر و حزب

بعث.

۳۳- تحولات داخلی و انعکاس آن در سیاست خارجی سوریه.

۳۴- اوضاع فعلی اردن با توجه به روابط ناصر و ملک‌حسین و خطرات مترتبه بر آن و همچنین روابط

ملک‌فیصل با ملک‌حسین.

۳۵- روابط مصر- عراق- سوریه و الجزیره.

۳۶- دورنمای آینده رژیم عارف با در نظر گرفتن تحولات و تغییرات حاصله پس از سقوط بزاز.

۳۷- آینده رژیم عبدالرحمن عارف در عراق و امکان ادامه حکومت ناجی طالب در کشور مزبور.^۱

یک روز قبل از برپایی شانزدهمین اجلاس شورای سه‌جانبه، کمیته هماهنگی سه‌جانبه در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۴۵ در یکی از شهرهای ترکیه برگزار شد. در این کمیته موضوع روند تشکیل اجلاس، گزارش دبیرکل شورا، چگونگی مبادله گزارش‌های اطلاعاتی، کیفیت و کمیت و اهمیت گزارش‌ها و سازمان اجرایی، مورد بحث قرار گرفت. این کمیته با ارایه یک متن توصیه‌نامه، حاوی بیست ماده به همراه تصمیمات اجرایی، در پنج محور به کار خود خاتمه داد. در این گزارش، جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر به عنوان خطر برای جهان عرب و حتی آفریقا معرفی و تأکید شده که سرویس‌های اطلاعاتی سه‌جانبه باید ضمن دامن

۱. گزارش ساواک، آبان ۱۳۴۵ (نوامبر ۱۹۶۶)، با طبقه‌بندی به کلی سری.

زدن به اختلاف میان ناصر و کشورهای آفریقایی و عربی؛ حضور اسرائیل و ترکیه و ایران را در آن ممالک گسترش و افزایش دهند. گزارش ساواک با طبقه‌بندی به کلی سری در این خصوص، چنین است:

گزارش دهمین جلسه کمیته هماهنگی سه‌جانبه

الف-مقدمه:

۱- دهمین جلسه کمیته هماهنگی سه‌جانبه در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۶۶ در شهر STROM [STORM] تشکیل گردید.

۲- نمایندگان سه سرویس شرکت‌کننده عبارت بودند از:

نماینده رئیس سرویس [ایران = پرچم] FLAG (رئیس)

نماینده رئیس سرویس [اسرائیل = فولاد] STEEL

کفیل نماینده رئیس سرویس [ترکیه = طوفان = STORM] STROM

(دبیرکل)

ب- جریان تشکیل جلسه:

۳- کفیل رئیس سرویس STORM از طرف سرویس میزبان از شرکت‌کنندگان در جلسه تشکر نمود و از رئیس کمیته تقاضا نمود که کار خود را شروع نماید.

۴- رئیس ابتدا نکاتی از ساعات تشکیل جلسه یادآوری کرد و سپس با اطلاع رسانید که تجزیه و تحلیل امور سیاسی و گزارشاتی که به کمیته سه‌جانبه پیشنهاد گردیده مورد تصویب واقع شده است. وی همچنین خاطرنشان ساخت که تصمیم گرفته شده که فقط سرویس میزبان گزارش خود را در کمیته اطلاعات شفاهاً عنوان نماید.

۵- در مورد سخنرانان اظهار داشت که ناطقین سرویس FLAG نمی‌توانند برنامه خود را در موقع تعیین شده اجرا نمایند لذا پس از شانزدهمین جلسه شورای سه‌جانبه مبادرت به این امر خواهند کرد. وی سپس از نماینده رئیس سرویس STEEL درخواست نمود که نطق افتتاحیه خود را شروع نماید.

۶- نماینده سرویس STEEL مراتب خرسندی خود را از شرکت در کنفرانس سه‌جانبه ابراز داشت و اضافه نمود که وی هیچگاه تاکنون برای شرکت در کنفرانسهای سه‌جانبه به شهر STROM [STORM] نیامده است نامبرده همچنین پیشنهادات رئیس جلسه را در دائر بر اینکه ناطقین

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

مورد مورد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: «در این کتاب که به نام «تجربیات» در سال ۱۳۰۰ منتشر شد».

قرار دهد و نظرات خود را در این زمینه طی گزارشی به کمیته هماهنگی تسلیم نماید که پس از بررسی با تذکرات لازم به شورا احاله گردد.

۱۴- کمیته اطلاعات بطور مشخص به نکات زیر رسیدگی خواهد کرد:

(الف) گزارشات مربوط به عناصر اصلی خبر در چه زمینه است؟

(ب) اقدامات مربوط به عناصر اصلی خبر بر چه مبنائی تنظیم شده است؟

(ج) کیفیت و کمیت و اهمیت گزارشات.

۱۵- گزارشات سه ماهه در فواصل جلسات سه جانبه بوسیله کمیته هماهنگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

هـ- سازمان:

۱۶- کمیته هماهنگی به شورا توصیه می‌نماید که در آینده جلسات مربوط به سه جانبه در فواصل بین تشکیل کمیته‌ها و انعقاد شورا تشکیل گردد.

۱۷- کمیته هماهنگی موافقت نمود که اسامی پوشش سه سرویس بشرح زیر تغییر یابد:

FLAG [پرچم] GEVIZ

INGIR STROM [طوفان] = [STORM]

ZEYTIN [فولاد] STEEL

که قبول و اجرای آن بدیرخانه ارجاع گردید.

در پایان کنفرانسها اسناد مربوط به جلسات کنفرانس سه جانبه باید تحت حفاظت قرار گیرد.

توصیه‌ها

۱- کشورهای سه جانبه باید از ثبات کشورهای مستقل منطقه که با ناصر و طرحهای وی مخالفت اصولی دارند پشتیبانی نمایند.

۲- کشورهای سه جانبه باید از وجود یک رژیم واقعاً مستقل در عراق که نگذارد خاک آن کشور وسیله گسترش سیاستهای خارجی و اجرای طرحهایی با هدف مخالفت با کشورهای همجوار قرار گیرد حمایت نمایند.

۳- با آنکه ملک حسین ظاهراً از خطرات ناصریسم آگاه می‌باشد کشورهای سه جانبه باید از استقلال اردن حمایت کنند و از هر فرصتی استفاده شود تا ملک حسین را از خطرات ناشیه از درگیری بیشتر با ناصر و همچنین تهدیدات سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین و یا هرگونه عناصر

مغرب دیگر برحذر دارند.

۴- کشورهای سه جانبه باید از سکندریل و ایدنولوی پاناسلاسیسم وی و هرگونه فعالیت ضدناصری دیگر او پشتیبانی نمایند.

۵- با توجه به امکانات و ابتکارات اخیر باید سعی شود همکاری بیشتری بین کشورها و رهبران ضدناصری منطقه که مخالف تسلط وی بر جامعه عرب هستند برقرار گردیده و ضمناً کوشش شود که مخالفین ناصر در کنفرانس سران عرب تقویت گردند. ضمناً هرگونه اقدامی جهت افزایش تعداد و تقویت رهبران دول مذکور باید مورد استقبال و پشتیبانی قرار گیرد.

۶- با توجه به فعالیتهای تهاجمی اخیر ناصر سروسپهای سه جانبه باید از انفعال پیمانهای بین کشورهای ضدناصری در دنیای عرب پشتیبانی نمایند.

۷- کشورهای سه جانبه باید علیه افکار توسعه نظامی کشورهای عربی که مورد تشویق و پشتیبانی کنفرانس سران می باشد اقدام نمایند.

۸- سه سرویس موظفند از عواملی که در بین خواهان استقلال حقیقی کشور می باشند پشتیبانی نموده با توجه به تصمیم مصر مبنی بر نگاهداری قوای خود حداقل تا سال ۱۹۶۸ در یمن [۱] سه کشور باید سعی نمایند که حداقل بربرداری را از این موقعیت بعمل آورند.

۹- با توجه به تخلیه قریب الوقوع عدن و عربستان جنوبی از طرف انگلستان باید متهای سعی بعمل آید تا از ورود ناصر بها به منطقه جلوگیری شود. فعالیتهای ناصری در خلیج فارس باید مخصوصاً مورد توجه قرار گیرد.

۱۰- با توجه به فعالیتهای اخلاک‌گراانه و مستمر ناصر و ناصر بها در منطقه خلیج فارس و امکان توسعه فعالیتهای مزبور قبل از تخلیه عدن از طرف انگلستان در ۱۹۶۸ سروسپهای سه جانبه باید دولتهای دوست را از این فعالیتهای آگاه ساخته و به آنها توصیه نمایند که با توسل به هرگونه اقدام ممکنه از فعالیتهای مزبور جلوگیری نمایند.

۱۱- با توجه به تشدید کوشش روزافزون ناصر جهت تسلط بر شبه جزیره عربستان و خلیج فارس سروسپهای سه جانبه تصمیم گرفتند که توجه مخصوص به این منطقه مبذول دارند.

۱۲- با توجه به اینکه امکان دارد مصر قوای خود را در یمن به مدتی طولانی مستقر نماید سروسپهای سه جانبه باید تبلیغات دامنه‌داری علیه آن بعمل آورده و آن را بتوان نمودهای از اسیربالیسم مصری که باید خود را از خطر آن برحذر داشت به جهانیان پشاسانند.

تغییراتی چند به تصویب رسانده و تصمیم گرفت مدارک مزبور را به صورت پیوست‌های «ب» و «ج» به قطعنامه مزبور ضمیمه نماید.

۲- شورا تصمیم گرفت کمیته هماهنگ کننده به وظایف خود تحت ریاست رئیس سرویس Flag [ایران] ادامه دهد.

۳- شورا تصمیم گرفت تا شروع کنفرانس سه جانبه آینده کمیته هماهنگ کننده دوبار تشکیل جلسه دهد. این جلسات یکبار در شهر [Flag ایران] و سپس در فاصله بین جلسات کمیته‌ها و هفدهمین شورای سه جانبه تشکیل خواهد شد.

۴- شورا تصمیم گرفت که سرویسها پانزده روز قبل از شروع کنفرانس گزارشهای مربوط را به محل تشکیل کنفرانس ارسال دارند.

۵- شورا طرح فعالیتهای سه سرویس را در ششماه جاری مورد تصویب قرار داد. این اقدامات شامل اعزام سخنران جهت ایراد یک سخنرانی درباره اطلاعات مثبت از شهر Flag [ایران] به [Storm ترکیه] و [Steel اسرائیل] می‌باشد که از این به بعد دیگر ادامه نخواهد یافت- شورا ضمناً تصمیم گرفت که سمیناری درباره اطلاعات مثبت در شهر Flag تشکیل گردد.^۱

در سند سری دیگری از ساواک گزارش محتوایی آرایه شده به یکی از نشست‌های سه‌جانبه سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه، ایران و اسرائیل خودنمایی می‌کند. در این گزارش مسایل مربوط به حوزه خلیج فارس و کشورهای، کویت، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، عمان، مصر، لبنان، سوریه، اردن، جمهوری عربی یمن، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، الجزایر، لیبی، مغرب سودان، افغانستان و نیز مسایل مربوط به سازمان آزادی‌بخش فلسطین مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نسبت به افزایش و گسترش حضور شوروی در آن کشورها ابراز نگرانی شده است. در این گزارش درباره اوضاع داخلی هریک از کشورهای یاد شده اطلاعات و اخباری آرایه شده است. این موضوع نشان از گستره و ابعاد جغرافیایی فعالیت سه سرویس اطلاعاتی یاد شده از یک سو و دامنه استراتژی پیرامون صهیونیسم از سوی دیگر دارد.

خلیج فارس

کویت

۱. گزارش ساواک، ۱۶ نوامبر ۱۹۶۶م/۲۵ آبان ۱۳۴۵، بدون شماره، با طبقه‌بندی به کلی سری.

نقش فلسطینی‌ها در بحران داخلی لبنان موجب نگرانی دولت کویت نسبت به فلسطینی‌های مقیم آن کشور شده است. این امر ممکن است باعث شود که کویته‌ها محدودیت‌های بیشتری برای آنها فراهم آورند.

با وجود امضای قرارداد خرید سلاح بین کویت و شوروی هیچگونه تأثیری بر تحویل اسلحه شوروی به کویت در دست نیست. بنظر می‌رسد که منظور کویت از امضاء قرارداد یک هدف سیاسی بوده که از شوروی برای کاهش فشار استفاده کند.

امارات عربی متحده

اوضاع داخلی این کشور آرام بوده و شیخ زاید کوشش نمود اساس دولت مرکزی را تقویت نموده و وحدت نیروهای دفاعی امارات عضو را عملی کند.

بحرین

اقدامات شدید دولت و همچنین کاهش حمایت آشکار عراق از عوامل چپ‌گرا موجب گردید که اوضاع داخلی بحرین با آرامش نسبی مواجه گردد.

قطر

شیخ خلیفه از موفقیت مستحکمی برخوردار بوده و روابط آن با امارات خلیج فارس توسعه بیشتری یافته است.

عمان

پس از سرکوبی شورش ظفار گروهی از شورشیان که به یمن جنوبی رفته‌اند احتمالاً مشغول دیدن آموزش و تجدید سازمان وسیله کارشناسان کویائی هستند که جزئیات آن در دست نیست.

گزارشهایی در دست است که شورشیان ممکن است به عمان رخنه نمایند تا فعالیتهای اخلاانگیزی را در موقع مناسب مجدداً آغاز کنند.

مصر

مشخصات سیاست خارجی مصر در بدلت تحت بررسی عبارت بود از:

الف- ادامه رقابت با سوریه

ب- افزایش گرایش به غرب،

پ- کوشش جهت کسب کمکهای اقتصادی از کشورهای عربی و غرب

ت- لغو قرارداد دوستی با شوروی

ث- کوشش به منظور جدا کردن سازمان آزادیبخش فلسطین از سوریه.

در صحنه خاورمیانه موقعیت مصر در زمینه تنظیم استراتژی اعراب علیه اسرائیل تضعیف گردیده است.

به نظر می‌رسد که مصر کاملاً امید خود را در زمینه کنار آمدن مسکو با قاهره در آینده از دست نداده است.

رژیم مصر به سبب نارسائیهای اقتصادی و اجتماعی آن کشور با انتقادهائی روبرو شده است. بنظر می‌رسد که دولت مصر توانائی لازم را برای اقدامات قاطع در جهت بهبود اوضاع ندارد و با اینکه نشانه‌هایی از ناآرامی در داخل مصر وجود دارد و از محبوبیت مصادات کاسته شده ولی خطر عمیقی برای رژیم وی وجود ندارد.

لبنان

انتخاب الیاس سرکیس بریاست جمهوری ممکن است قدمی برای سازش کلی بین گروههای متخاصم باشد ولی بسبب نفرت قابل توجه و متقابل بین این گروهها که بسبب جنگ طولانی بوجود آمده و همچنین سخت‌تر شدن سیاست طرفهای ذینفع و از بین رفتن زیربنای اقتصادی و سیاسی در این کشور بهبود اوضاع نیاز به زمان طولانی خواهد داشت.

چون گروههای درگیر توانائی حل بحران را ندارند همین امر ممکن است قدرتهای خارجی را وادار به دخالت در بحران لبنان بنماید.

فلسطینی‌ها حضور خود را در لبنان ظاهراً برای حفظ آتش‌بس توجیه می‌کنند ولی در واقع یک عامل برهم زننده موازنه بین اقلیتها می‌باشند.

شورویها بوسیله حزب کمونیست لبنان و سازمانهای فلسطینی مارکسیستی در بحران لبنان فعالیت داشته ولی از درگیری مستقیم و فعال در اوضاع داخلی لبنان احتراز جسته‌اند. سوریه ممکن است به بهانه درگیری در بحران لبنان مأموریت نیروهای صلح سازمان ملل متحد را تمدید کند ولی بحران لبنان که همچنان لاینحل باقی مانده ممکن است عواقب وخیمی در منطقه دربر داشته باشد.

سوریه

اگرچه سوریه با سیانجیگری در لبنان در ابتدا توانست موقعیت سیاسی خود را در جهان عرب

است.

تشکیل پارلمان و بهبود نسبی اوضاع اقتصادی به استحکام رژیم ملک حسین کمک کرده است. سازمان آزادیبخش فلسطین

این سازمان بطور کامل در بحران داخلی لبنان درگیر شده لذا امکان هر نوع فعالیت دیگر آن در منطقه کاهش یافته است.

سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین هرکدام روشهای جداگانه‌ای در لبنان اتخاذ نموده‌اند که موجب بروز اختلاف آشکاری بین آنها شده و در نتیجه موقعیت این سازمان بویژه موقعیت عرفات تضعیف گردیده است.

عرفات که در مورد از دست دادن استقلال عمل خود در برابر سوریه نگران می‌باشد و همچنین از نزدیکی سوریه به اردن بیمناک است با وجود کوشش مصر برای نزدیکی به سازمان آزادیبخش فلسطین معتقد است که موقعیت سازمان مذکور بستگی به تفاهم و توافق با سوریه دارد.

عربستان سعودی

عربستان سعودی به کوششهای خود برای افزایش نفوذ خود در جهان عرب ادامه داد و روابط این کشور با عراق و جمهوری دموکراتیک خلق یمن بهبود یافته است. پس از مرگ فیصل اداره امور کشور بصورت دستجمعی درآمد و سیاست ریاض قاطعیت گذشته خود را از دست داده است.

ریاض سعی می‌کند از درگیری زیاد در سیاست خارجی خود بویژه در مسئله فلسطین اجتناب کند. در صورت تسلط فلسطینی‌ها بر اردن، عربستان سعودی با یک رژیم افراطی در همسایگی خود بجای رژیم معتدل ملک حسین مواجه خواهد شد.

کوشش عربستان سعودی برای تسلط بر مناطق مورد اختلاف در مرز بین عمان و جمهوری دموکراتیک خلق یمن بغیر از ایجاد یک منطقه بیطرف بین دو کشور دسترسی عربستان را به اقیانوس هند بطور مستقیم تأمین می‌کند و در نتیجه نیاز آن کشور به خطوط دریائی خلیج فارس کمتر خواهد شد.

جمهوری عربی یمن

رژیم الحمیدی به کوششهای خود برای تحکیم موقعیت خود ادامه داد و مخالفت‌های داخلی

محدود بوده و حمایت عربستان سعودی از قبایل مخالف کاسته شد. روابط یمن با عربستان سعودی همچنان حسنه بوده و این کشور توانست مناسبات خود را با مصر و اردن و شیخ‌نشینهای خلیج فارس بهبود بیشتری بخشد و کوشید با انجام مانور بین قدرتهای بزرگ شرق و غرب کمکهای اقتصادی و نظامی بدست آورد.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن

رژیم جبهه ملی بسبب تفاهم عبدالفتاح اسماعیل دبیرکل جبهه طرفدار مسکو و سالم ربیع‌علی میانه‌رو موفق به حفظ ثبات خود گردید.

با وجود عادی شدن روابط جمهوری دمکراتیک خلق یمن و عربستان سعودی مهذا آن کشور به مناسبات نزدیک خود با کشورهای کمونیست ادامه داد.

برخی از گزارشهای واصله حاکیست که تعداد کارشناسان کوبائی در این کشور پس از جنگ آنگولا افزایش یافته است. میزان افزایش حضور کوبائیه‌ها بایستی مورد توجه و بررسی دقیق قرار گیرد.

تونس

این کشور به سیاست سنتی طرفداری از غرب ادامه داده ولی در عین حال سعی می‌کند روابطی نیز با شرق داشته باشد. در حال حاضر این کشور درگیر مبارزه با لیبی که از طرف قذافی آغاز گردیده می‌باشد.

الجزایر

مهمترین مسئله سیاست خارجی این کشور موضوع صحرای سابق اسپانیا بوده است. میانجیگری اعراب در حل مسئله صحرا بین الجزایر و مغرب نتیجه‌ای نداشت. اگرچه الجزایر از حمایت لیبی بویژه در زمینه مسئله صحرا برخوردار گردیده ولی هر دو کشور در صحنه سیاست بین‌المللی و بین‌الاعراب در انزوا قرار داشته‌اند. جمهوری دمکراتیک عربی صحرا که وسیله پولیساریو پایه‌گذاری شده بود با وجود کوششهای الجزایر و لیبی نتوانست از حمایت سیاسی اعراب برخوردار شود.

لیبی

قذافی کوشش نموده که موقعیت رژیم خود را مستحکم سازد ولی مخالفت قابل توجهی از جانب دانشجویان و سایر محافل وجود دارد.

قذافی بمنظور کسب حیثیت سیاسی سعی نموده با کشورهای آفریقائی روابط خود را توسعه دهد. نزدیکی بومدین و قذافی دارای ثباتی نیست و ممکن است این روابط در آینده بسبب شخصیت ملونالمزاج قذافی از بین برود. در این مدت روابط نزدیک شوروی و لیبی ادامه یافت و مسکو نیز کوشش می نماید که موجبات ناراضائی قذافی را فراهم نیاورد.

مغرب

مسئله صحرا نقش مهمی را در تحکیم رژیم پادشاهی این کشور داشته است. ولی در صورتی که ملک حسن نتواند در تحقق خواسته های ملی موفق شود مخالفت با رژیم وی افزایش خواهد یافت.

سودان

نمیری همچنان از حمایت ارتش برخوردار است و موفق گردیده که عناصر مخالف را سرکوب نماید.

سیاست خارجی سودان تغییری نکرده و بر اساس گرفتن کمکهای اقتصادی و جلوگیری از حمایتهای خارجی به شورشیان جنوب آن کشور قرار داد.

افغانستان

با وجود برکناری تعدادی از عناصر چپگرا توسط داود و همچنین توجه به غرب برای دریافت کمکهای اقتصادی نفوذ شوروی در این کشور در حال توسعه است.

عدم ثبات سیاسی در افغانستان و همچنین ابهام وضع آینده رهبری این کشور بعلت بیماری و یا برکناری داود ایجاب می کند که بررسی دقیقتری نسبت به اوضاع داخلی این کشور بعمل آید.

پیشنهادهات

کمیته اطلاعات پیشنهادات زیر را به چهل و دومین کمیته هماهنگ کننده جهت بررسی تقدیم می نماید.

الف- هر سه سرویس در آینده باید گزارشهایی در مورد اوضاع کلی خاورمیانه شامل نکات زیر تهیه نمایند:

(۱) تجزیه و تحلیل فعالیت ابرقدرتها در منطقه با توجه خاص به فعالیت شوروی و کشورهای کمونیست.

(۲) روابط بین الاعراب.

(۳) تحولات در شرق آفریقا و اثرات آن در منطقه خاورمیانه.

ب- کلیه گزارش‌ها باید شامل خلاصه نتایج باشد.

پ- اهمیت وصول گزارش‌های سرویس‌های سه‌گانه در موعد مقرر مجدداً تأکید می‌شود. در شرایط فوق‌العاده که ارسال بموقع گزارشات میسر نمی‌شود پیشنهاد می‌شود که یک روز اضافی (طبق تشخیص هریک از سرویس‌ها) بمدتی که برای کار کمیته اطلاعات جهت مطالعه گزارشات قبل از تشکیل جلسه کمیته در نظر گرفته شود.

ت- برای نمره‌گذاری گزارش‌ها پیشنهاد می‌شود که سیستم معمول نمره‌گذاری پاراگراف‌ها مورد استفاده قرار گیرد. سرلوحه‌ها شماره‌گذاری نمی‌شود.^۱

گزارش دیگر از اجلاس سه‌جانبه، مربوط به سال ۱۳۴۹، درباره اوضاع داخلی و سیاست خارجی کشور اردن و روابط آن با عراق، مصر و سوریه است. در این گزارش آمده است:

اردن

۱- مقدمه

ادامه زدوخوردهای پراکنده میان نیروهای انتظامی و سازمانهای فلسطینی در عمان و شهرهای شمالی اردن- تغییر دوکابینه و روی کار آمدن دولت دست‌راستی وصفی التل- انعقاد قراردادهائی در زمینه برقراری آرامش میان دولت و سازمانها مهمترین وقایع داخلی اردن طی سه ماه گذشته بوده است.

در زمینه امور خارجی روابط اردن با سوریه همچنان غیردوستانه و روابط اردن با عراق احتیاط‌آیز بود و شایع گردید که تعدادی از نیروهای عراقی خاک این کشور را ترک کرده‌اند.

۲- اوضاع داخلی

الف- موقعیت رژیم

موافقتنامه‌های مورخ ۴۹/۷/۵ و ۱۳۴۹/۷/۲۱ و ضمیمه آن که در تاریخ ۱۳۴۹/۸/۲ با میانجیگری رهبران دول عربی بین سازمانهای فلسطینی و دولت اردن بامضاء رسید هنوز نتوانسته است بطور کامل صلح و ثباتی را که مورد نظر رهبران دول عضو کمیته صلح بوده به اردن بازگرداند. وقوع برخوردهای پراکنده در عمان و در اطراف شهرهای شمالی میان ارتش و سازمانهای فلسطینی ادامه داشته است.

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری.

اشتهار وی به مخالفت با فعالیت سازمانهای فلسطینی ضمن اینکه ظاهراً نشانه تسلط ملک بر اوضاع داخلی می‌باشد حاکی از تصمیم ایشان بایستادگی در قبال افزون‌طلبی فلسطینیها و اعمال حق حاکمیت بر کشور است. روی همین جهات انتظار می‌رود چنین کابینه‌ای نتواند مورد قبول باطنی سازمانهای فلسطینی که خواهان روی کار آمدن یک کابینه ملی می‌باشند و همچنین رهبران دول افراطی عرب قرار گیرد.

کابینه جدید موظف شده است که ضمن اجرای موافقتنامه‌های منعقد شده با فلسطینیها در راه آزاد کردن سرزمینهای اشغالی فعالیت کند- وحدت ملی را در کشور تحقق بخشد- خرابیها را ترمیم کند- ارتش را تقویت و ادارات دولتی را از افراد سست عنصر و نالایق تصفیه کند.

۳- سیاست خارجی

الف- روابط با سوریه

در روابط غیردوستانه اردن و سوریه با توجه به شرکت سوریه در جنگ داخلی اردن و انهدام تیپ زرهی سوریه و از دست دادن تعدادی تانک تغییری حاصل نگردیده است. طی این مدت سوریه تبلیغات شدید خود را از طریق برنامه‌های رادیویی سازمانهای فلسطینی از دمشق ادامه دادند. مقامات بعثی سوریه از این بابت که با دخالت نظامی در وقایع جنگ ۹ روزه اردن نه تنها نتوانسته‌اند به اهداف خود برسند بلکه این امر موجب بروز اختلافات شدیدی در داخل هیئت حاکمه سوریه و تزلزل رژیم آن کشور شده سخت عصبانی بوده و بدون توجه به قراردادهایی که میان سازمانهای فلسطینی و دولت اردن امضاء شده هنوز به تبلیغات و تحریکات خود علیه رژیم اردن در مرزهای دو کشور ادامه می‌دهند و متقابلاً ارتش اردن نیز سعی دارد با پیشروی در طول خط مرزی اردن سوریه روابط فلسطینی‌های مقیم شهرهای شمالی را با مرز سوریه و نیروهای آن کشور که در نوار مرزی متمرکز شده‌اند قطع و به این طریق به اخلا لگري سوریه در اردن خاتمه بخشد. انتظار می‌رود با روی کار آمدن حافظ اسد در سوریه و پیام تبریک پشتیبانی که از جانب دولت اردن برای وی ارسال شده روابط خصمانه دو کشور تا حدی در آینده تعدیل گردد.

ب- روابط با عراق

روابط مقامات اردنی با عراق در این مدت احتیاط‌آمیز بود ملک حین ضمن آنکه از ادامه استقرار نیروهای عراقی در اردن نگران بوده و مطمئن نیست که اگر برخورد دیگری بین ارتش

و تحمیلی درآمدہ است نباید انتظار داشت کہ روابط صمیمانہ‌ای در آیندہ نزدیک میان دو کشور برقرار گردد مگر آنکہ در فدراسیون در حال تشکیل اردن نیز پذیرفته شدہ و همکاری عملی این کشورها با یکدیگر سبب شود کہ اختلافات و دشمنی‌های گذشتہ از یاد برود و با توجہ بہ اختلافات اصولی کشورهای انقلابی عرب با رژیم اردن پذیرفته شدن عملی اردن در این فدراسیون بعید بہ نظر می‌رسد.^۱

در ارتباط با کشور کویت نیز گزارش مشابہ دیگری تهیه شدہ است. در این گزارش اوضاع داخلی، سیاست خارجی، و روابط کویتی‌ها با گروه‌های فلسطینی و بعضی کشورهای عربی مورد بررسی قرار گرفته است:

کویت

۱- مقدمہ

مبارزہ دولت کویت با فعالیت‌های دست چپی و تلاش برای از بین بردن عوامل نارضائی مردم مهمترین مظاهر سیاست داخلی آن کشور بودہ است. در زمینہ سیاست خارجی دولت اصل رعایت موازنہ بین قطب‌های مؤثر در جهان عرب را همچنان ادامہ داد و قصد دارد اصلاحات داخلی را وسیلہ‌ای برای بدست آوردن موقعیت محکمتر خارجی مورد بهره‌برداری قرار دہد.

۲- اوضاع داخلی

افزایش فعالیت‌های دست چپی بویژہ در میان دانشجویان و کارگران و نارضائی مردم از قدرت انحصاری خاندان حاکم و طرز کار سازمان‌های دولتی مشکلات امنیتی مهمی برای رژیم ایجاد کردہ است. فعالیت عناصر دست چپی بیشتر در پوشش سازمان‌های فلسطینی انجام می‌شود و این یک روش مؤثری است زیرا علاوہ بر اینکہ وجود تعداد قابل توجہی از فلسطینی‌ها در کویت زمینہ مناسبتری را برای چنین فعالیتی فراهم ساختہ است، دولت کویت بعلت روش مساعدی کہ نسبت بہ جنبش مقاومت فلسطینی دارد در خنثی کردن این قبیل فعالیت‌های دست چپی (در پوشش سازمان‌های فلسطینی) آزادی عمل خود را محدود نمودہ است و چنانچہ عکس‌العمل حادی نسبت بہ این فعالیت‌ها نشان دہد بہ مخالفت با جنبش مقاومت فلسطینی متہم شدہ و در نتیجہ موقعیت آن در داخل و در جهان عرب تضعیف خواهد گردید.

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. این گزارش احتمالاً در بہمن ماہ ۱۳۴۹ تهیه و تدوین شدہ است.

مشکل عمده اینست که نارضایتی عمومی مردم از رژیم فعلی قدرت یک اقدام قاطع را بمنظور سرکوب کردن عناصر دست چپی از دولت سلب نموده است زیرا چنین وضعی به کاهش بیشتر نفوذ منجر خواهد شد.

مجموع عوامل بالا دولت را بر آن داشت که روشی متناسب با واقعیتهای موجود انتخاب کند که خطوط اساسی آن در نطق مورخ ۲۴ ژوئن ۷۰ و لیعهد و نخست وزیر بیان شد. هرچند در این نطق بطور آشکار یا ضمنی از طرز حکومت و اوضاع داخلی کویت انتقاد شده و نطق از این جهت منعکس کننده بسیاری از نظر مردم است ولی انجام وعده های اصلاحی و لیعهد و نخست وزیر کار آسانی نیست زیرا این امر مستلزم ایجاد تغییرات اساسی در نحوه اجرای انتخابات آینده (ژانویه ۷۱) و ترکیب عناصر کابینه می باشد.

قوانین انتخاباتی فعلی مانع از آنست که مردم بویژه جوانان در انتخاب نمایندگان نقش مؤثری داشته باشند و از طرف دیگر شرایط نمایندگی در آنچنان سطح پائینی قرار دارد که باعث می شود اکثریت مجلس همواره از عناصر نالایقی تشکیل گردد و در نتیجه قدرت عمل معدودی از عناصر اصلاح طلب و پیشرو که احتمالاً انتخاب گردند تحت الشعاع نفوذ اکثریت قرار گیرد. یکی از مهمترین هدفهای برنامه اصلاحی و لیعهد و نخست وزیر جلب موافقت مخالفین معتدل برای شرکت در دولت است، زیرا وجود عناصر اصلاح طلب در دستگاه اجرایی دولت شرط اساسی انجام هرگونه اصلاحاتی است. لیکن چنین عناصری حاضر نیستند بدون ایجاد دگرگونیهای عمیقی در سیستم حکومت در کابینه شرکت جویند.

با توجه به مراتب بالا و اینکه اجرای برنامه اصلاحی دولت مستلزم عقب نشینی هیئت حاکمه از برخی مواضع قدرت خود و از دست دادن آنها می باشد، بنظر نمی رسد وعده های اصلاحی دولت اجرا شود و آنچه که انجام خواهد شد در چهارچوب مقتضیات ادامه حکومت مؤثر خاندان فعلی (که خود نقاط ضعف عمده ای دارد) خواهد بود.

حداقل تأثیر نطق و لیعهد و نخست وزیر آنست که تعهدی برای دولت در انجام اصلاحات ایجاد کرده است. مهمترین مظهر جدی بودن دولت در اجرای برنامه اصلاحی خود، روشی است که برای تأمین آزادی انتخابات آینده اتخاذ خواهد شد. زیرا مجلس فعلی از نظر وابستگی طبقاتی و فکری اعضاء آن قادر نیست برنامه اصلاحی دولت را بخوبی درک و موجبات اجرای آن را فراهم سازد و از طرف دیگر اجرای انتخابات بطور آزاد مهمترین شرطی است که

مخالفین معتدل و بانفوذ برای همکاری با دولت قائل شده‌اند.

۳- سیاست خارجی

در مدت تحت بررسی، خط‌مشی اصلی دولت که عبارت از حفظ موازنه در روابط خود با قدرتهای افراطی و میانه‌رو جهان عرب می‌باشد همچنان دنبال شد و منطقه خلیج فارس صحنه‌ایست که روش سیاسی کویت در آن بخوبی متجلی شده است.

این کشور همواره نسبت به هدفها و فمالیتهای عراق بدبین بوده است بویژه آنکه رژیم فعلی آن کشور نیز اهداف الحاق کویت به عراق را همچنان دنبال می‌کند و برای این منظور به تقویت و گسترش فمالیتهای بمشی در کویت می‌پردازد تا بدینوسیله موجبات برانداختن رژیم حاکم را فراهم سازد. گذشته از مخالفت دولت با طرح پیشنهادی عراق در مورد تشکیل پیمان دفاعی از کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، کویت همیشه روش محتاطانه‌ای نسبت به عراق داشته و هدف اصلی آن اجتناب از برخورد فاطمی با این کشور بوده است. کویت باین دلیل با طرح عراق مخالفت کرد که مطمئن بود هیچ کشور ذینفع عرب حاضر به قبول آن نخواهد شد و از سوی دیگر شرکت کویت در یک پیمان دفاعی با عراق اساس سیاست خارجی آن کشور را بکلی دگرگون می‌ساخت.

روش کویت در مورد عراق و تلاش آن کشور برای نفوذ در امارات خلیج فارس مهمترین موارد اختلاف کویت با عربستان سعودی است. زیرا هدف عمده عربستان سعودی آنستکه عراق را از صحنه سیاست خلیج فارس دور نگهدارد و لذا عریکونه اعتدالی را که در روش کویت نسبت به عراق پدید آید با بدبینی تلقی می‌کند. به همین دلیل پیشنهاد کویت در مورد تشکیل کنفرانس سه جانبه‌ای را با شرکت عراق رد کرد زیرا معتقد بود که این پیشنهاد نشانه عدم صمیمت کویت و راهی برای وارد شدن عراق بعنوان یک عامل مؤثر در سیاست منطقه است.

کویت از موقعیت بسیار خوبی برای نفوذ در امارات خلیج فارس برخوردار است زیرا تنها قدرت محلی است که هیچگونه اختلاف ارضی یا سیاسی با آنها ندارد و به همین دلیل تلاش آن برای بسط روابط سیاسی- فرهنگی و اقتصادی با امارات موفقیت‌آمیز بوده است. توسعه این روابط خود مورد اختلاف دیگری بین کویت و عربستان سعودی است زیرا این کشور امارات را منطقه نفوذ طبیعی خود می‌داند و قصد دارد پس از خروج نیروهای انگلیس، ضمن اعمال

[illegible][illegible][illegible]

عربی است. در این گزارش با ابراز نگرانی از فعالیت گروه‌های مخالف در امارات عربی، نسبت به خروج انگلیسی‌ها از این مناطق اظهار نارضاحتی شده است. در خاتمه گزارش، به موضوعات درون تشکیلاتی شورای سه گانه و کنفرانس معاونان سرویس‌های اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل اشاره شده است:

امارات خلیج فارس

۱- مقدمه

شکست تلاش امارات برای تشکیل اتحادیه و خطرات ناشی از فعالیت گروه‌های برانداز عمده مسائل داخلی این منطقه بوده است. در زمینه سیاست خارجی تغییر دولت در انگلستان و احتمال ماندن نیروهای نظامی این کشور در خلیج فارس و همچنین فعالیتهای نفوذی کشورهای ذینفع مورد توجه بود.

۲- اوضاع داخلی

الف- اتحادیه امارات

نتایج اجلاس نواب حکام امارات خلیج فارس و شورایعالی اتحادیه امارات مسائل مربوط به پیشرفت امر تشکیل اتحادیه را [با] مشکلات زیادی روبرو ساخت. با آنکه حل مسئله بحرین یکی از موانع مهم ایجاد اتحادیه را از بین برد لیکن آزادی عملی که بحرین بدست آورد به آن امکان داد که در صدد بهره‌برداری از موقعیت برتر اجتماعی و فرهنگی خود بمنظور تحصیل امتیازاتی در چهارچوب اتحادیه برآید و از این راه اتحادیه را با بن‌بست مواجه ساخت. با توجه به مخالفت سایر امارات با خواسته‌های بحرین، اتحادیه هم‌اکنون با مشکلی مواجه است که تا آنجائیکه مربوط به روش بحرین است تنها راه حل آن تشکیل اتحادیه [ای] از امارات هفتگانه و قطر و استقلال بحرین می‌باشد.

از نظر ابوظبی که با تهدید عربستان سعودی مواجه است تشکیل هرچه زودتر اتحادیه و بدست گرفتن رهبری آن ضروری است و بدین لحاظ ایجاد آن را با شرکت هر مجموعه‌ای از امارات لازم می‌داند. لذا تلاش نمود طرح خود را در مورد ایجاد کشور متحدی از امارات هفتگانه و اتحاد بحرین و قطر با آن اجرا کند. از آنجائی که این طرح موقع دبی و قطر را تضعیف می‌نمود و مهمتر از آن برخلاف روش انگلستان بود ابوظبی نتوانست در اجرای آن موفق شود. مشکل عمده در راه تشکیل اتحادیه تنها مسئله تسلط جوئی امارات بزرگتر نیست بلکه استقلال طلبی

امارات کوچکتر بویژه رأس الخیمه امکان اجرای طرحهای مناسب دیگری را نیز در موقعیت فعلی غیرممکن ساخته است.

صرف نظر از اختلاف امارات در مورد نحوه تشکیل اتحادیه و شرایط سیاسی لازم (مانند حل اختلاف مرزی ابوظبی و عربستان سعودی) برای این امر، تغییر دولت در انگلستان و عدم تعیین قطعی خط مشی آینده دولت جدید پیرامون نحوه خروج نظامی از خلیج فارس حالت انتظاری در امارات بمنظور روشن شدن مسائل بالا ایجاد نموده است که این امر ضمن آنکه به تشدید اختلافات بین امارات کمک می کند مانع از تلاش مؤثری در جهت حل مسائل مربوط به اتحادیه می باشد.

ب- فعالیت گروههای برانداز

فعالتهای براندازی در امارات خلیج فارس تحت تأثیر زمینه های مساعد اجتماعی و سیاسی افزایش یافت. مجموعه ای از عوامل مانند فعالتهای نفوذی عراق و یمن جنوبی- اختلاف گروههای سیاسی کوچک با یکدیگر و موفقیت گروههای برانداز عمان در بسط نفوذ خود به داخل امارات در ایجاد چنین وضعی مؤثر بوده است.

روش این گروهها بطور کلی آنست که فعلاً و تا خروج نظامی انگلیس از منطقه و تکمیل آمادگی خود دست به اقدام براندازی حادی نزنند بلکه تلاش خود را صرف نفوذ در سازمانهای نظامی و طبقات مختلف مردم نمایند. با توجه به کشف یک سازمان نظامی برانداز در بحرین و دستگیری عده ای از عناصر آن می توان گفت که تلاش نفوذی گروههای برانداز در نیروهای بحرین (و بنابر قرائنی در امارات) علیرغم کلیه اقدامات حفاظتی معمول با موفقیت توأم بوده است و لذا بعید بنظر می رسد ضربتی که به آنها وارد شده تأثیر عمیقی در تجدید فعالتهای آنان داشته باشد. خطر فعالتهای براندازی تنها از جانب گروههای سیاسی افراطی سرچشمه نمی گیرد بلکه اختلافات موجود در برخی از هیئتهای حاکمه (مثلاً در شارجه) به قدرتهای خارجی و داخلی ذینفع امکان اعمال نفوذ برای تأمین هدفهای خود را می دهد.

۳- سیاست خارجی

روی کار آمدن حزب محافظه کار در انگلستان و اعلام آمادگی محتاطانه این کشور برای تجدید نظر در طرح خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس امید امارات را به ادامه حمایت انگلستان از آنها افزایش داد. امارات حضور نظامی این کشور را به شکل فعلی آن یا حداقل ادامه نقش

فعال افسران انگلیسی در اداره امور دفاعی امارات (مانند استفاده از نیروی پیشاهنگان عمان متصالح بعنوان هسته اصلی نیروی دفاعی اتحادیه امارات) ترجیح می‌دهند.

به دلایل مختلف ایدواری امارات به ادامه حیات نظامی مستقیم انگلیس از آنها چندان توجه نیست، زیرا عواملی که دولت کارگری انگلیس را به عقب‌نشینی نظامی از منطقه تشویق کرد (یعنی توجه به مسائل اروپائی-اجتناب از برخورد با ناسیونالیسم عرب در حال رشد در منطقه-کاستن تعهدات خارجی بمنظور بهبود وضع اقتصادی) هنوز هم در تعیین خطوط اصلی سیاست دولت محافظه‌کار مؤثر است. از طرف دیگر قدرتهای منطقه‌ای بطور مطلق با احتیاط آمیزی با ادامه حضور انگلیس در خلیج فارس مخالفتند. با توجه به اینکه تأمین ثبات منطقه مهمترین هدف این کشور است و تغییر اساسی سیاست آن با احتمال زیاد منطقه را دچار ناآسانی خواهد نمود، انتظار می‌رود دولت محافظه‌کار ناگزیر از ادامه سیاست تعدیل یافته دولت کارگری شود. بدین معنی که ضمن تخلیه پایگاههای بحرین و شارجه، از طریق بازدیدهای منظم ناوگان دریائی از بنادر خلیج فارس آثاری از آمادگی نظامی خود در منطقه بر جای بگذارد.

تجدید ادعای عربستان سعودی بر منطقه بریمی و قسمتی از مرزهای جنوبی و غربی ابوظبی عامل اختلاف و ناآسانی دیگری را در منطقه ایجاد نمود. از نظر ابوظبی و بنحوی امارات دیگر تسلط عربستان سعودی بر مناطق مورد ادعای خود آنان را در وضع نامناسبی قرار داده و همبستگی سیاسی آنها را با مشکلاتی مواجه خواهد ساخت. زیرا هدف عمده عربستان سعودی دست یافتن به منطقه مهم بریمی و قطع پیوستگی جغرافیائی ابوظبی و قطر از طریق تسلط بر فستهای شمال غربی ابوظبی و گسترش مرزهای خود به ساحل خلیج فارس است. اختلاف عربستان سعودی و ابوظبی در این مورد نگرانیهای را در سایر امارات و بویژه قطر موجب شد بطوری که علیرغم تمایل خود به تشکیل اتحادیه ترجیح می‌دهند قبلاً این اختلاف حل شود تا مجبور نگردند مآلاً در صف ابوظبی و علیه عربستان سعودی قرار گیرند.

علیرغم اینکه مسئله بریمی برای عربستان سعودی جنبه حیثیتی دارد و به همین دلیل شرایط سختی برای حل این مسئله قائل شده، فشار انگلستان و تأثیر این مسئله در آینده سیاسی منطقه ممکنست عربستان سعودی و ابوظبی را به قبول راه‌حلهای بیانه‌ای (مثلاً بیطرف ساختن مناطق مورد اختلاف و بویژه بریمی) وادار سازد.

چون در جریان مذاکرات سران سه سرویس در این باره صحبتی نشده است. بطور اصولی دبیرکل سه گانه باید در شوراها سه گانه و کنفرانس معاونان سه گانه شرکت نماید و ضمناً لازم است همانطور که در همکاری سه جانبه مرسوم است یکنفر امربر نیز جهت انجام امور دبیرخانه استخدام نماید. پیشنهاد می‌شود حدنصاب بودجه دبیرخانه سه گانه بمیزان ۱۵۰۰ دلار تعیین گردد که با این ترتیب حق‌السهم هر سرویس ۵۰۰ دلار می‌شود.^۱

اداره کل هفتم ساواک، طی نامه‌ای درباره زمان تشکیل سمینار سه جانبه سرویس‌های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه، که در خرداد ماه سال ۱۳۵۰ به میزبانی اسرائیل برگزار شد، گزارش مربوط به اجلاس سه جانبه را ارایه کرده است.

در این گزارش به اوضاع داخلی کشور عراق، موقعیت رژیم وقت آن کشور، چگونگی فعالیت احزاب در عراق، سیاست خارجی و روابط آن کشور با بلوک شرق، روابط با کشورهای عربی چون مصر و سوریه، به شرح ذیل اشاره شده است:

گزارش درباره سمینار سه جانبه

منظور

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

پیشینه

بنابر تصویب بیست و پنجمین کمیته هماهنگ‌کننده سه جانبه قرار است سیزدهمین سمینار سه جانبه در چهارچوب اطلاعات مثبت در تاریخی بین ۱۰-۱۶ اسفند ماه ۴۹ در اسرائیل برگزار شود.

اینک دبیرکل سه جانبه طی نامه‌ای به سه سرویس اطلاع داده که چون لازم است سمینارهای سه جانبه بعد از شورای سه جانبه برگزار شوند از این رو پیشنهاد می‌شود که سمینار آینده به جای اسفند ماه ۴۹ در تاریخی بین ۱۱ خرداد الی ۹ تیر ماه ۱۳۵۰ تشکیل گردد.

نظریه اداره کل هفتم

نظر به اینکه این اداره کل طی اسفند ماه ۴۹ برای کنفرانس ضداخلالگری ستو درگیری دارد در صورت تصویب مقرر فرمایند ضمن استقبال از پیشنهاد دبیرکل سه جانبه بنامبرده گفته شود که

۱. گزارش ساواک، از اجلاس سه جانبه، بدون شماره و تاریخ، ظاهراً در سال ۱۳۴۹ تهیه و تدوین شده است؛ با طبقه‌بندی سری.

سواراک مایل است سمیتار سه‌جانبه از تاریخ ۱۵ تا ۱۸ خرداد ماه ۱۳۵۰ برگزار شود.

اداره کل مفتح

عراق

۱- اوضاع داخلی

الف- موقعیت رژیم

طی سه ماه اخیر کادر رهبری بهت حاکم همچنان درگیر رقابت و مبارزات داخلی بود که نتیجه آن با برکناری سردان تکریتی و چند تن دیگر از فرماندهان نظامی عراق ظاهر گردید. گروه افراطی بهت حاکم که همواره مترصد فرصتی برای طرد عناصر معتدل از رأس هیئت حاکمه بودند ظرف این مدت از تهییج افکار عمومی ملت عرب و فلسطینیها به ملت عدم شرکت نیروهای عراق علیه نیروهای اردن بنفع فدائیان فلسطین استفاده کرده و سعی نمودند ضمن تضعیف موقعیت عناصر معتدل گناه و قصور و سستی ارتش عراق را به گردن تکریتی و طرفداران وی اندازند و با این اقدام از گسترش ناراضانی‌ها بخصوص در میان اعضاء کمیته بین‌الاعراب حزب بهت جلوگیری نمایند و پس از آن در صدد برآمدند با اقدامات ظاهراً اصلاح‌طلبانه از ناراضانی‌های داخلی جلوگیری کنند.

پایان دادن بوضع فوق‌العاده پس از قریب یازده سال از برقراری آن- آزادی عده‌ای از زندانیان سیاسی- تقلیل بعضی از عوارض و مالیاتها در اجرای چنین سیاستی بوده است.

ب- فعالیت احزاب

ادامه شدت عمل بیش‌ها طی سه ماه گذشته گرچه امکانات براندازی احزاب و دستجات مخالف را ضعیف نموده و مقامات بشی با دقت مراقب فعالیت دستجات و احزاب مخالف بودند معذالک ظرف همین مدت سستی عراق در جنگهای اردن و تردید آن کشور برای نبرد با نیروهای اردن به نفع سازمان‌های فلسطینی^۱ به گروههای مخالف امکان داد تا به سیاست رژیم حمله کرده و علیه آن تبلیغ کنند از جمله این دستجات حزب کمونیست بود که طی اعلامیه‌ای روش دو پهلوی بشیها را در مورد سازمانهای فلسطینی مورد حمله قرار داد و روزنامه الفاشی ارگان حزب دمکرات کردستان نیز ادامه حکومت نظامیان و وجود حکومت دیکتاتوری در

^۱ مقصود، درگیری نیروهای ارتش اردن با فلسطینیان و واقعه کشتار مردم فلسطین در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰م، از سوی ارتش اردن است.

عراق را تخطئه کرد.

دستجات ناسیونالیست عرب (قومی) نیز پس از مرگ ناصر در پوشش عزاداری و سوگواری برای ناصر تظاهراتی براه انداختند لیکن رهبران بعضی که نگران این تظاهرات بودند با شدت از ادامه آن جلوگیری کردند و با اعلام کشف یک توطئه از طرف افسران قومی عده زیادی از آنها را بازداشت و از ادامه فعالیتشان جلوگیری نمودند.

۲- سیاست خارجی

الف- روابط با بلوک شرق

تا قبل از اعلان طرح راجرز روابط عراق با شوروی همچنان رو به توسعه بود. مخالفت عراق با طرح راجرز (در اوائل مرداد ماه ۱۳۴۹) در حالیکه شوروی یکی از موافقین اساسی آن بود موجبات بروز اختلافاتی را بین شوروی و عراق فراهم ساخت و باعث شد که برای مدت محدودی روابط دو کشور سردی گراید.

شوروی که نگران اخلاص عراق در طرح صلح راجرز بود به منظور خشی نمودن مخالفت عراق با طرح مزبور و یا لااقل کاهش آن موضوع تقاضای وصول دیون بتعمیق افتاده عراق بشوروی را مطرح ساخته و با این فشار موفق شد دولت عراق را مجبور سازد که فعالیت‌های خود را در مخالفت با طرح راجرز از حدود گفتار رادیویی و تبلیغاتی خارج ننماید چنین سیاستی مانع از بروز یک بحران احتمالی در روابط بین دو کشور گردید و موجب شد که مجدداً همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های مختلف منجمله نظامی-اقتصادی ادامه یابد.

ب- روابط با کشورهای عربی

(۱) با مصر

مخالفت عراق با طرح راجرز روابط تیره مصر و عراق را علنی نمود و حملات تبلیغاتی طرفین در روابط دو کشور ایجاد بحران نمود. لیکن مرگ ناصر برای رهبران بعضی عراق که مایل بودند با التیام روابط خود با مصر از انزوای سیاسی خارج شوند فرصتی فراهم ساخت تا با شرکت در تشییع جنازه ناصر و ارسال پیامهای تسلیت‌آمیز در این زمینه روابط عراق را با مصر التیام بخشیده و خود را از حلقه فشار انزوای سیاسی در میان کشورهای عربی اندکی نجات بخشند در حال حاضر حملات تبلیغاتی دو کشور علیه یکدیگر قطع گردیده و اقداماتی در زمینه بهبود روابط از طرف مقامات دو کشور بعمل آمده است.

(۲) روابط با سوریه

هماهنگی مشترک عراق و سوریه در مخالفت با طرح راجرز تحولات حاصله در ارکان رهبری سوریه-برکناری حردان تکریتی که ظاهراً مخالف همکاری با سوریه بود در نظر مقامات بعثی عراق در زمینه‌هایی بود که امید می‌رفت روابط خصمانه دو کشور را بهبود بخشد و مقامات بعثی که خود را بیش از پیش در جهان عرب تنها و منزوی حس می‌کردند علاقمند به چنین بهبودی در روابط عراق و سوریه بودند لیکن ادامه سیاستهای ناپخته و محیلانه رژیم بعثی عراق و علاقمندی سوریه برای نزدیکی به مصر چنین امیدی را در حال حاضر کاهش داده است و قرینه آن حملات اخیر روزنامه الثوره و البعث سوریه به دولت عراق به مناسبت سالروز سقوط حزب بعث در عراق در سال ۱۹۶۳ بوده است روزنامه مذکور ضمن حمله به بعث عراق برقراری و ادامه آن حکومت را نتیجه تبانی امپریالیستها و مرتجعین دانسته‌اند.^۱

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، سرویس‌های سه‌گانه ایران، اسرائیل و ترکیه، طبق پیمان سه‌جانبه اطلاعاتی در مواقع مقرر یا مقتضی، هریک گزارش‌هایی درباره اخبار و اطلاعات جمع‌آوری شده از طرف خود تدوین و به سمع و نظر طرف دیگر می‌رساندند و با هم مبادله می‌کردند. آنچه از این گزارش‌ها مستفاد می‌گردد، این است که طرف اسرائیلی، همواره در ارایه گزارش‌ها و مبادله آن با سرویس اطلاعاتی ایران و یا ترکیه مرموزانه برخورد و عمل می‌کرد. به بیان دیگر آن‌ها با ارایه اخبار و اطلاعات کهنه و یا رسانه‌ای، بخش عمده و قابل توجهی از گزارش خود را با آن تکمیل و پر می‌کردند. البته این مسأله موضوعی نبود که رؤسا و مقامات سرویس اطلاعاتی ایران و یا ترکیه نسبت به آن غافل و یا بی‌توجه و ناآگاه باشند. لیکن کاری از پیش نمی‌بردند و یا نمی‌توانستند اقدامی به عمل آورند. البته این حرکت و شیوه اسرائیلی‌ها به معنی آن نبود که طرف ایرانی و یا ترک نیز مقابله به مثل کند. بلکه به عکس آن‌ها همیشه بر اثبات خلوص و صداقت خود در قبال اسرائیلی‌ها، از هیچ‌گونه خوش‌خدمتی دریغ نمی‌ورزیدند. گزارش بخش تبادل اطلاعات ساواک در خصوص مبادله اطلاعات، طی یک دوره شش ماهه، از ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۹ تا ۹ آذر ۱۳۴۹ ش/اول مه ۱۹۷۰ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۷۰م، به شرح ذیل است:

۱. گزارش ساواک، بدون شماره، این گزارش ظاهراً بین بهمن تا اسفند ۱۳۴۹ تهیه و تدوین شده است. با طبقه‌بندی سری.

به پیوست ارزیابی گزارشات مبادله شده بین سه سرویس (فولاد- طوفان- پرچم) از تاریخ اول ماه مه الی ۲۰ نوامبر ۱۹۷۰ از عرض می‌گذرد تا در صورت تصویب جهت اقدام لازم در اختیار بخش پیمانها قرار گیرد.

بخش تبادل اطلاعات- ایوب غمامی

مبادله اطلاعات سه جانبه از اول ماه مه ۱۹۷۰ الی ۳۰ نوامبر ۱۹۷۰ در مدت شش ماه و نیم فوق‌الذکر گزارشات خبری بین سه سرویس دوست مبادله گردیده و آمار گزارشات ارسالی هر سرویس به دو سرویس دیگر به قرار زیر بوده است:

کمیت

۱- اطلاعیه‌های صادره سرویس فولاد ۵۸۰ فقره

۲- اطلاعیه‌های صادره سرویس طوفان ۱۷۶ فقره

۳- اطلاعیه‌های صادره سرویس پرچم ۱۹۳ فقره

کیفیت

الف- سرویس فولاد:

سرویس فولاد اطلاعاتی درباره کشورهای عربی و روابط این کشورها با یکدیگر و همچنین با بلوک شرق به دو سرویس دیگر ارسال نموده که اهم آنها به شرح زیر می‌باشد:

(روابط عراق با شوروی- کمک مالی کویت و آلمان شرقی بعراق- بازدید هیئت عراقی از سوریه - روابط اقتصادی و بازرگانی عراق با لیبی- قراردادهای هوایی جدید بین اردن و شوروی - روابط اردن با سازمانهای فلسطینی- دولت جدید اردن- روابط لبنان با سازمانهای فلسطینی - فعالیت کمونیستها در لبنان- روابط سوریه با کویت- وضع داخلی سوریه- قراردادهای اقتصادی سوریه با لیبی- اوضاع داخلی مصر- قراردادهای بازرگانی مصر با سودان- بازدید هیئت اقتصادی مصری از مراکش- بازدید هیئت نظامی یمن از عراق- کمکهای لیبی به یمن - کمکهای اقتصادی چین سرخ و کره شمالی به سودان).

ب - سرویس طوفان:

این سرویس اطلاعاتی در مورد کشورهای عربی و روابط آنها با یکدیگر و همچنین با بلوک شرق به دو سرویس دیگر ارسال داشته که مهمترین آنها عبارتند از:

(ورود کارشناسان نظامی شوروی، آلمان شرقی و بلغارستان به بندر لاذقیه- انتصابات حزب

بعث سوریه- دستگیری کمونیستهای سوری- کمک نظامی سوریه به کماندوهای مقیم اردن- فعالیتهای مصر در لبنان- نقل و انتقالات نظامی عراق- اختلاف در حزب بعث عراق- انتصابات در نیروی هوایی عراق- فعالیتهای عراق در امارات خلیج فارس- زدوخوردهای اردن- روابط سودان با چین کمونیست).

ب- سرویس پرچم:

این سرویس اطلاعاتی در مورد کشورهای عربی و روابط آنها با یکدیگر و همچنین با شیخ‌نشینها به دو سرویس دیگر ارسال داشته که اهم آنها بشرح زیر بوده است:

(ورود کشتی‌های روسی آلمان شرقی و چکسلواکی به بندر بصره- فعالیتهای اطلاعاتی عراق و کویت- وضع نیروهای عراقی مستقر در اردن- مذاکرات کمیته مشترک دولت اردن و سازمانهای فلسطینی- بازداشت عده‌ای از اعضای حزب کمونیست سوریه- کمک چین کمونیست به جمهوری یمن- نقل و انتقالات ارتش کویت- مخالفت شارجه با پیشنهاد دولت عراق- اعزام چریکهای فلسطینی به دوی).

ارزیابی اطلاعاتی‌های واصله از سرویس فولاد

گزارشهای این سرویس در مورد امور نظامی و اقتصادی سوریه و لبنان قابل بهره‌برداری و مفید برای سابقه بوده و تعدادی از گزارشات از منابع آشکار بوده است. گزارشات سرویس فولاد درباره اوضاع داخلی مصر عموماً آشکار و گزارشات در مورد کشورهای یمن و یمن جنوبی و سودان اغلب مفید برای سابقه بوده است. تعدادی از گزارشات مربوط به اردن و عراق مفید برای سابقه و تعداد دیگر کهنه و از منابع آشکار بوده است. گزارش‌های خبری این سرویس در زمینه نفوذ شوروی در خاورمیانه مفید بوده و گزارشات مربوط به اکراد تعدادی مفید برای سابقه و تعداد دیگر کهنه بوده است.

ارزیابی اطلاعات واصله از سرویس طوفان

گزارشهای نظامی این سرویس در مورد کشور سوریه بعلمت عدم تقاطع خبری غیرقابل قضاوت بوده و در سایر موارد تعدادی قابل بهره‌برداری و مفید برای سابقه و تعدادی نیز آشکار بوده است. گزارشات این منبع درباره عراق قابل توجه و تعدادی مفید برای سابقه و غیرقابل قضاوت بوده. گزارشات در مورد اردن مفید برای سابقه و تعدادی دیگر غیرقابل قضاوت بوده.

است. گزارشات در مورد مصر تعدادی مفید برای سابقه و تعدادی دیگر ناقص می‌باشند.^۱ مبادله اطلاعات بین سرویس‌های اطلاعاتی مورد نظر در پاره‌ای اوقات، شفاهی و حضوری و یا بین دو سرویس به تنهایی انجام می‌گرفت. مذاکرات رئیس ساواک با معاون سرویس اطلاعاتی ترکیه، در بهمن ماه سال ۱۳۵۰، نمونه‌ای در این باره است. متن رسمی این مذاکره به شرح ذیل گزارش شده است:

مذاکرات ریاست ساواک با آقای ارگون معاون سرویس ترکیه (سه‌شنبه ۱۹ بهمن ماه ۵۰) بعد از تعارفات

آقای ارگون: من حامل سلامهای مخصوص ژنرال ارسین و کلیه اعضاء سرویس ترکیه برای تیمسار هستم.

ریاست ساواک: متشکرم. اخبار خوبی در مورد فعالیت‌های قاطع شما علیه خرابکاران شنیده‌ام. آقای ارگون: از نظر تیمسار ممنونم.

ریاست ساواک: ما هم این مشکل را داشته و اکنون هم داریم. متأسفانه با دستگیری چند نفر کار تمام نمی‌شود چون باید جلوی سرچشمه را گرفت منبع این فعالیت‌ها در کشورهای افراتی عربی است که به وسیله کمونیستها هدایت می‌شود. متأسفانه باید ضرر ناشی از همسایگان بد را تحمل کرد.

آقای ارگون: با نظر تیمسار موافقم و خوشبختم که کشور ما در کنار ایران قرار گرفته است. ریاست ساواک: همه چیزمان مشترک است. منافع. دوستان- دشمنان و مشکلات ما حالت یکسانی دارند.

آقای ارگون: البته شخصیت تیمسار در نزدیکی دو سرویس و دو کشور فوق‌العاده مؤثر بوده است. مشکلی است که باید بعرض تیمسار برسانم. سفارتخانه‌های خارجی در ترکیه از ما سؤال می‌کنند که آیا بین ایران- ترکیه و اسرائیل همکاری وجود دارد؟ می‌گویند رئیس سازمان سیا بعد از مسافرت به اسرائیل به ترکیه هم سفر کرده است.

ریاست ساواک: این شخص به ایران هم آمد.

آقای ارگون: اتفاقاً نکته همین جا است کسانی که از ما در این مورد سؤال می‌کنند اسمی از سفر رئیس سازمان سیا به ایران نمی‌بریم.

۱. گزارش ساواک، مورخ ۱۳۴۹/۹/۷، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

ریاست ساواک: بهتر است به سفارتخانه‌های خارجی بگوئید [بین] تمام سرویس‌های اطلاعاتی دنیا حتی سرویس‌های دشمن نوعی همکاری اطلاعاتی وجود دارد. و همکاری سرویس‌های ایران و ترکیه امری کاملاً طبیعی است.

آقای ارگون: البته همکاری دو سرویس ایران و ترکیه به هیچ وجه غیرطبیعی نیست اما مقامات خارجی در مورد همکاری با سرویس اسرائیل سؤال می‌کنند. معتقدم یک طرح حفاظتی تهیه و به شورا پیشنهاد شود.

ریاست ساواک: این طرح به وسیله دبیرخانه سه جانبه تهیه و به سرویس‌های مربوطه پیشنهاد شده است.

آقای ارگون: هنوز این طرح بدست ما نرسیده البته من مایل‌م بررسی راجع به این طرح یا هر طرح مشابه دیگری را در دستور جلسه سه جانبه بگنجانم.
ریاست ساواک: با نظر شما موافقم.^۱

۱. گزارش ساواک، بهمن ماه ۱۳۵۰، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

دوره دوم (دهه پنجاه ش)

بیست و ششمین کنفرانس سه جانبه اطلاعاتی سرویس های ایران، ترکیه و اسرائیل در تاریخ ۱۸ تا ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۱ در شهر باکالا در فلسطین اشغالی برگزار شد. نمایندگی ساواک در تل آویو، خلاصه گزارش کمیته ویژه آن کنفرانس را به شرح ذیل برای مرکز ارسال کرده است:

اسرائیل ۲۰ اردیبهشت ماه ۵۱

خلاصه گزارش کمیته ویژه بیست و ششمین کنفرانس سه جانبه

الف- مقدمه

۱- با توجه به عدم شرکت رؤسای سرویس های ایران و ترکیه در بیست و ششمین شورای سه جانبه بعثت درگیری های اداری، سرویس اسرائیل پیشنهاد نمود که کمیته ویژه ای تشکیل شده و توصیه های کمیته اطلاعات و کمیته امنیت را مورد بررسی قرار داده و جهت تصویب تقدیم رؤسای سرویس های سه جانبه بنماید. این پیشنهاد سرویس اسرائیل و همچنین دستور جلسه تنظیمی باتفاق آراء مورد قبول واقع شد.

۲- ریاست هیئت های شرکت کننده در کمیته ویژه بمعهد ناسپردگان زیر بود:

(الف) معاون سرویس اسرائیل- رئیس جلسه

(ب) معاون سرویس ایران.

(پ) جانشین معاون سرویس ترکیه.

(ت) دبیرکل سه جانبه.

ب- مذاکرات

۳- معاون سرویس اسرائیل به اعضای کمیته خوش آمد گفت و معاون سرویس ایران و جانشین معاون سرویس ترکیه از میهمان‌نوازی گرم سرویس اسرائیل اظهار تشکر کردند.

۴- کمیته ویژه گزارش‌های کمیته اطلاعات و کمیته امنیت را مورد بررسی قرار داد. کمیته ویژه همچنین تصمیم گرفت که گزارش گردش کار دبیرکل و گزارش کمیته هماهنگ‌کننده را جهت تصویب تقدیم رؤسای سرویس‌های سه جانبه بنماید.

۵- یکی از اعضای سرویس اسرائیل جریان تلاش برای دزدیدن یک هواپیما را جهت شرکت کنندگان تشریح کرد. واقعه دزدی هواپیما که در جریان برگزاری کنفرانس سه جانبه بوقوع پیوست مورد توجه اعضای کمیته ویژه قرار گرفت.

(توضیح: این واقعه بوسیله رئیس کمیته امنیت از سرویس اسرائیل تشریح شد و طی آن جریان عملیات کماندوهای ارتش اسرائیل در مورد نجات مسافران هواپیمای شرکت هواپیمایی سابنا که در ۵۱/۲/۱۹ بوسیله چهار نفر چریک عرب دزدیده شد توصیف گردید).

۶- بر مبنای پیشنهاد سرویس اسرائیل کمیته ویژه تصمیم گرفت پیشنهادی تقدیم رؤسای سرویس‌های سه جانبه بنماید و طی آن تقاضا کند که در صورت تصویب تشکیل شورای سه جانبه در آینده منوط بحضور حداقل دو رئیس سرویس باشد.

پ- امور اداری

۷- رؤسای هیئت‌های ترکیه و اسرائیل ضمن اظهار تشکر دعوت رئیس هیئت نمایندگی ایران را جهت برگزاری بیست و هفتمین شورای سه جانبه در ایران در تاریخ ۲۴ و ۲۵ آبان‌ماه ۵۱ پذیرفتند. بدین ترتیب کمیته‌های اطلاعات و امنیت در روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان‌ماه ۵۱ و کمیته هماهنگ‌کننده در بعدازظهر روز ۲۳ آبان‌ماه تشکیل جلسه خواهد داد. این تاریخ‌ها باید بتصویب رؤسای سرویس‌های سه جانبه برسد.^۱

گزارش دیگر، مربوط به گردش کار دبیرکل اجلاس سه جانبه (۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۱) است. در این گزارش به مباحث بیست و نهمین کمیته هماهنگ‌کننده سه جانبه (فوریه ۱۹۷۲م/ بهمن ۱۳۵۰) تهران و مباحث چهاردهمین سمینار سه جانبه ترکیه (فوریه ۱۹۷۲م/ بهمن ۱۳۵۰) و دستور جلسه، اشاره شده است:

گزارش گردش کار دبیرکل سه جانبه (۲۰ اردیبهشت ماه ۵۱)

۱. گزارش ساواک، ۱۳۵۱/۲/۲۰، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

۱- ذیلا خلاصه فعالیت‌های سرویس‌های به خانه و دیرخانه از تاریخ بست و پنجمین شورای به

خانه به داده می‌شود. (۱۹۷۲) ۸-۱۱ (ترکیه-)

۲- قسمتهایی از این گزارش در گزارش کار که تقدیم شد و بهمن کمیته هماهنگی کنند. (۸)

فوریه ۱۹۷۲) کرده ذکر کرده است.

بعائتها

۱- بست و بهمن کمیته هماهنگی کنند.

۲- بست و بهمن کمیته هماهنگی کنند. در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۷۲ در تهران برگزار کردند.

۳- کمیته هماهنگی کرده موضوعات زیر را مورد بررسی و تصویب قرار داد:

(۱) کمیته گزارش کار و دیر کار را تصویب کرد.

(۲) کمیته گزارش کار را تصویب کرد. کمیته هماهنگی کنند. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

بموجب آورد و تصویب کرد. کمیته هماهنگی کنند. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

و بهمن کمیته هماهنگی کنند. کمیته گزارش کار را تصویب کرد. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

تقدیم کرد. کمیته هماهنگی کنند. کمیته گزارش کار را تصویب کرد. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

کرده و آن را به اجلاس می‌آمیزد. کمیته هماهنگی کنند. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

(۳) کمیته گزارش کار را تصویب کرد. کمیته گزارش کار را تصویب کرد. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

نمود.

(۴) کمیته گزارش کار را تصویب کرد. کمیته گزارش کار را تصویب کرد. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

۲- بست و بهمن

الف- چهاردهمین سمینار به خانه از ۱۵ تا ۱۷ فوریه ۱۹۷۲ در آنکارا برگزار شد. موضوعات کمیته هماهنگی کنند.

تحقیقات عملیاتی برگزار شد. سمینار مورد نظر نیز بهمن و بهمن بود.

ب- پانزدهمین سمینار به خانه از ۱۵ تا ۱۷ فوریه ۱۹۷۲ در آنکارا برگزار شد. موضوعات کمیته هماهنگی کنند.

برگزار شد. پانزدهمین سمینار به خانه از ۱۵ تا ۱۷ فوریه ۱۹۷۲ در آنکارا برگزار شد. موضوعات کمیته هماهنگی کنند.

پیشنهادهای کرد و بهمن از اینکه موضوع سمینار مورد نظر بهمن و بهمن بود. کمیته هماهنگی کنند.

بازماند. کمیته هماهنگی کنند. کمیته گزارش کار را تصویب کرد. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

در ۱۳۵۱ سال بهمن در خانه بهمن و بهمن بود. کمیته هماهنگی کنند. کمیته گزارش کار را تصویب کرد. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

۱۳۵۱ سال بهمن در خانه بهمن و بهمن بود. کمیته هماهنگی کنند. کمیته گزارش کار را تصویب کرد.

سرویس‌های سه جانبه در اختیار دبیرکل خواهد گذاشت. بدینوسیله مذاکرات معموله در چهارچوب معینی دنبال خواهد شد.

۳- گزارشهای مبادله اخبار

الف- پرو تصمیم بیست و نهمین کمیته هماهنگ‌کننده دبیرخانه فرم مشترکی را به منظور تهیه گزارشات مبادله اخبار تهیه کرده و آن را به اجلاسیه سی‌ام کمیته هماهنگ‌کننده تقدیم نمود.

ب- دبیرخانه همچنین یک گزارش مبادله اخبار طبق روش قدیم تهیه کرد و بمنظور مطلع ساختن کمیته هماهنگ‌کننده از جریان مبادله اخبار و ایجاد مبنائی جهت مذاکرات در کمیته اطلاعات گزارش مزبور را در اختیار کمیته‌های نامبرده گذاشت.

۴- دستور جلسه کنفرانس سه جانبه

دبیرخانه دستور جلسه بیست و ششمین شورای سه جانبه و اجلاسیه سی‌ام کمیته هماهنگ‌کننده و بیست و ششمین کمیته اطلاعات و امنیت را تهیه و تقدیم نموده است.

۵- اوضاع مالی

الف- گزارش اوضاع مالی دبیرخانه بضمیمه این گزارش تقدیم می‌گردد.

ب- از هریک از سرویسهای سه جانبه درخواست می‌شود که مبلغ ۳۱۴/۲۵ دلار به دبیرخانه پرداخت نمایند تا بودجه آن به منظور تأمین احتیاجات ششماه آینده به حد نصاب ۹۰۰ دلار برسد.^۱

اجلاس شورای سه جانبه سرویس‌های اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۱، گزارش مفصل و مبسوطی درباره اوضاع داخلی و خارجی کشورهای اسلامی و عربی منتشر نمود. این گزارش شامل اخبار و اطلاعاتی از یک دوره شش ماهه، پیرامون اوضاع داخلی و سیاست خارجی کشورهای مثل عراق، اردن، سوریه، لبنان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین (به خصوص گروه‌های معارض داخلی این کشور)، قطر، جمهوری عربی یمن، مصر، جمهوری دموکراتیک یمن، سودان و عربستان سعودی بود. متن گزارش مزبور به این شرح است:

عراق

اوضاع داخلی

۱. گزارش ساواک، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

کابینه نموده (به سمت وزیر دفاع) و سرتیپ یوسف شکور یکی از افراد مورد اعتماد خود را بریاست ستاد ارتش منصوب نماید و به این طریق توانست قدرت عملی مصطفی طلاس را که اختلافاتی با وی دارد در ارتش کاهش دهد.

سیاست خارجی

۱- در چهارچوب اتحاد جماهیر عرب دولت سوریه روابط خود را با دو عضو دیگر اتحاد به حال عادی حفظ نموده است.

۲- در روابط سوریه با کشورهای میانه‌رو عرب نظیر عربستان سعودی و کویت بهبودی حاصل گردیده است. مسافرت وزیر دفاع عربستان سعودی به دمشق و بازدید حافظ اسد از کویت قرائنی در این زمینه محسوب می‌گردد.

۳- روابط سوریه با شوروی و بلوک شرق همچنان حسنه بوده و کمکهای نظامی شوروی باین کشور کماکان ادامه داشته است.

۴- دولت سوریه که در اواسط تابستان سال گذشته بمنظور اعتراض به روش دولت اردن نسبت به فلسطینیها^۱ روابط خود را با آن کشور قطع و مرزهای خود را با اردن بسته بود در اواخر اسفند ماه موافقت نمود که مجدداً محصول فسفات اردن از طریق سوریه به خارج صادر گردد.

لبنان

اوضاع داخلی

۱- در مدت تحت بررسی [۱] اوضاع داخلی لبنان با عدم آرامش نسبی مواجه بوده است. حملات سازمانهای فلسطینی از خاک لبنان با اسرائیل و همچنین حملات تلافی جویانه نیروهای اسرائیل به جنوب لبنان موجب شد تظاهراتی له و علیه آزادی فعالیت فلسطینیها در لبنان برپا گردد.

۲- انتخابات لبنان نیز مسئله‌ای بود که به ناآرامی اوضاع داخلی کمک کرد و سرخورد دستجات مختلف در پاره‌ای موارد منجر به جرح و قتل افراد شد نتایج انتخابات نشان می‌دهد که در مجلس آینده تغییرات مهمی از لحاظ موازنه قدرت میان گروههای سیاسی نسبت به گذشته حاصل نگردیده و گروههای دست راستی کماکان اکثریت را در دست دارند.

سیاست خارجی

۱- روابط لبنان با کشورهای میانه‌رو عرب همچنان حسنه بود و مقامات این کشور کوشیدند که

۱. منظور فاجعه کشتار فلسطینیان از سوی ارتش اردن در سال ۱۹۷۰م، معروف به «سپتامبر سیاه» است.

مناسبات خود را با سوریه نیز بهبود بخشند و با دو عضو دیگر اتحاد جماهیر عرب نیز روابط حسنه خود را حفظ نمودند.

۲- در چهارچوب سیاست خارجی دولت لبنان همچنان از خط مشی تمایل به غرب پیروی کرد در حالی که روابطش با کشورهای بلوک شرق کماکان حسنه بود و باین ترتیب دولت لبنان سعی می‌کند همچنان موازنه سیاست خود را میان دو بلوک جهانی حفظ نماید.

کویت

اوضاع داخلی

۱- اوضاع داخلی کویت طی ۶ ماه اخیر با آرامش نسبی مواجه بود و گذشته از انفجارهای کوچکی در تأسیسات نفتی آن کشور واقعه مهمی که منخل امنیت داخلی باشد مشاهده نشد.

۲- گروه ملی در مجلس کویت که می‌رفت نقش فعالی را بعهده گیرد با اقدام بموقع دولت از طریق تطبیع و تهدید اعضای آن نتوانست موفقیتی کسب نماید.

بطور کلی دولت کویت با دادن آزادی نسبی به فعالیت‌های گروه‌های سیاسی کوشیده است که از فعالیت‌های حاد و زیرزمینی آنان علیه رژیم جلوگیری نماید.

سیاست خارجی

۱- در این مدت دولت کویت کوشش نمود که به خط‌مشی اصلی سیاسی خود یعنی موازنه میان قدرتهای افراطی و میانه‌رو جهان عرب ادامه دهد. در این زمینه در حالی که در مقابل استقرار واحدهای مسلح شاهنشاهی ایران در جزایر دهانه تنگه هرمز ظاهراً عکس‌العمل شدیدی نشان داد لکن با اقدامی که موجب تشدید تیرگی روابط با ایران باشد دست نزد.

۲- دولت کویت برای تحکیم موقع خود در قبال رژیم بعثی عراق سعی کرد بسوی قدرتهای رقیب بعث در جهان عرب بویژه مصر و سوریه روی آورد. مسافرت انورالسادات و حافظ اسد به کویت نمونه‌ای از این سیاست بوده است.

کویت می‌کوشد با استفاده از جلیب دوستی سوریه و مصر بتواند قدرتهای تعدیل‌کننده در برابر بعث عراق استفاده نماید.

۳- روابط کویت با شوروی و سایر دول کمونیستی در سطح فعلی همچنان عادی باقی ماند لکن همکاریهای اقتصادی میان کویت و این کشورها رونق بیشتری گرفت از آن جمله چین مقادیری کود شیمیایی از کویت خریداری نمود.

به حساسیت موضوع تاکتیک در مقابل درخواسته‌های شورای برای تبادل سفیر سکوت کرده است.

ب - بحرین اوضاع داخلی

طی شش ماه گذشته اوضاع داخلی بحرین بعثت اعتصابات و تظاهرات کارگران ناآرام بود. علت این اعتصابات عدم تدوین قانون اساسی - پابین بودن دستمزدها و بالا بودن سطح قیمت‌ها بوده است و جبهه ملی با شمار تشکیل سندیکای کارگران در این تظاهرات شرکت داشت. دولت بحرین سرانجام با دادن وعده و استفاده از نیروهای انتظامی توانست از توسعه دامنه تظاهرات جلوگیری و سرانجام آن را آرام نماید.

سیاست خارجی

روابط بحرین و کویت همچنان حسنه بود و خلبانان کویتی اجازه یافتند که از پایگاه هوایی محرق به منظورهای آموزشی استفاده نمایند.

روابط بحرین با عربستان سعودی و مصر نیز از کیفیت دوستانه‌ای برخوردار است ولی روابط بحرین با دولت عراق بسبب حمایتی که رژیم بعثی عراق از گروه‌های برانداز و بعثی‌های بحرینی معمول می‌دارد با سردی مواجه بود و کشف اسلحه قاچاق در جامه‌دان مستشار سفارت عراق در بحرین نگرانی مقامات بحرینی را از فعالیت آن کشور افزایش داده است.

ب - فعالیت گروه‌های برانداز در ششماه

۱- در مدت تحت بررسی [ا] گروه‌های برانداز به بالا بردن آمادگی خود برای انجام فعالیت‌های وسیع در آینده ادامه دادند. دو گروه فعال و دست چپی عمانی یعنی «جبهه آزادیبخش خلق خلیج عربی اشغال شده» و «جبهه آزادیبخش دمکراتیک ملی عمان و خلیج عربی» در فوریه ۱۹۷۲ با یکدیگر ائتلاف نمودند و جبهه واحدی بنام «جبهه آزادیبخش خلق عمان و خلیج عربی» تشکیل دادند. این ائتلاف را می‌توان در شرایط فعلی در فعالیت‌های آنها مؤثر دانست زیرا از اواخر ۱۹۷۰ تماسها و همکاری‌هایی میان دو جبهه وجود داشته است.

۲- فعالیت‌های جبهه آزادیبخش خلق خلیج عربی اشغال شده در امارات خلیج فارس در جهت تثبیت موقع نفوذی در نیروهای مسلح و پلیس امارات متمرکز بوده است.

۳- بنظر می‌رسد که در شاخه‌های جبهه در منطقه امارات گروهی تحت رهبری عثمان عمر مبارک

وجود آمده باشد. که گفته می‌شود این گروه روابط خود را با عراق و جمهوری دموکراتیک خلق یمن مستقلاً حفظ نموده است.

۴- دولت عراق همچنان به آماده ساختن عناصر وابسته به گروههای برانداز منطقه بویژه حزب کار عرب ادامه داده و در زمینه گسترش شبکه‌های حزب بعث در سراسر منطقه فعالیت محسوسی داشته است.

۵- جبهه آزادیبخش ملی در بحرین که خواهان تشکیل سازمان سندیکائی کارگران است در تظاهرات و اعتصابات ۷ مارس ۱۹۷۲ احتمالاً بطور فعالانه شرکت داشته و حمل شعارهایی در زمینه تشکیل اتحادیه کارگران از طرف اعتصاب کنندگان قرینه‌ای بر این امر است.

قطر در ششماه اخیر

اوضاع داخلی

در چهارچوب اوضاع داخلی قطر مهمترین مسئله پس از اعلام استقلال آن شیخ‌نشین علنی شدن اختلافات خانوادگی میان اعضاء هیئت حاکمه قطر بود و شیخ خلیفه ولیعهد قطر خود را وارث حقی می‌دانست که در سال ۱۹۶۰ از وی سلب شده بود در فوریه ۱۹۷۲ با استفاده از غیبت امیر قطر با یک کودتای بدون خونریزی قدرت را بدست گرفت و دست با اقدامات تحجیب‌آسبز از قبیل اضافه کردن ۲۰ درصد بحقوق کارمندان دولت و افراد ارتش زده و همچنین فرمانده و رئیس انگلیسی پلیس را از کار برکنار کرد و فرزندش را بوزارت دفاع منصوب نمود. اکنون نیز بر اوضاع مسلط می‌باشد.

سیاست خارجی

- ۱- روابط قطر بدنبال کودتا با دویی رو بسردی رفت و علت این سردی روابط وابستگی خانوادگی امیر مخلوع قطر با حاکم دویی می‌باشد.
- ۲- بدنبال کودتا در قطر مقامات عربستان سعودی با استقرار واحدهائی در مرز خود با قطر تلویحاً قصد خود را به حمایت از رژیم شیخ خلیفه در برابر تحریکات احتمالی شیخ دویی و امیر مخلوع نشان داده‌اند و ملک فیصل طی پیامی که برای شیخ خلیفه امیر جدید قطر ارسال داشت اشاره نمود که چنانچه اقدامی علیه این کشور از طرف سایر کشورها صورت گیرد عربستان سعودی ناچار از مداخله نظامی خواهد شد.

جمهوری عربی یمن در ۶ ماه

اوضاع داخلی

۱- بدنبال سقوط کابینه حسن العمری مجدداً محسن العینی دولت جدیدی تشکیل داد و در طول این مدت مشکلات گذشته نظیر:

۱- بحران اقتصادی ناشی از کسر بودجه

۲- قروض خارجی

۳- اختلاف دولت یمن با عشایر موافق و مخالف

همچنان در برابر کابینه محسن العینی نیز قرار داشته است.

سیاست خارجی

۱- روابط سیاسی این کشور با دول میانه‌رو عرب همچنان حسنه بوده است.

۲- مناسبات این کشور با جمهوری دموکراتیک خلق یمن بشدت تیره شد و در آستانه بحران قرار گرفت و تا جائیکه هر دو کشور به استقرار نیروهای خود در مرز مشترک اقدام نمودند. علت عمده این تیرگی فعالیت جبهه وحدت ملی (مخالف رژیم عدن) که از جانب عربستان سعودی حمایت می‌شود بوده است.

۳- تیرگی روابط این کشور با شوروی بدنبال مسافرت هیئت ریاست قاضی‌الایرانی جای خود را به روابط بهتری داد و از طرف شوروی نیز قول اعطای کمکهای اقتصادی به دولت یمن داده شد.

مصر

اوضاع داخلی

۱- در ۶ ماه گذشته اوضاع داخلی مصر مواجه با ناآرامیهای نسبی بوده است و این امر ناشی از اعتصابات کارگران کارخانجات حلوان و دانشجویان بوده است و ادامه روش نه صلح و نه جنگ موجب افزایش نارضائیهائی در ارتش و گروههای سیاسی گردید.

۲- بدنبال تصویب قانون اساسی جدید و افزایش اختیارات ریاست جمهوری و همچنین تشکیل دولت جدید بریاست دکتر عزیز صدقی^[۱] انورالسادات توانست در تصفیه مخالفان خود از سازمانهای اداری و حزب اتحاد سوسیالیست عرب گام مؤثری بردارد یکی از هدفهای کابینه دکتر عزیز صدقی بهبود شرایط اقتصادی بوده است ولی با توجه به افزایش انتقادات از سیاست اقتصادی وی می‌توان گفت که این کابینه در وصول به هدفهای خود کامیاب نبوده است و به

همین دلیل شایعانی در مورد کنار رفتن عزیز صدقی شنیده شده است.

سیاست خارجی

۱- در مدت تحت بررسی روابط مصر با عربستان سعودی، همچنان حسنه بوده است و کوششهایی در جهت بهبود روابط با الجزایر از طرف مقامات نامبرده بعمل آمده است. بطور کلی روابط مصر با کشورهای میانه‌روی عرب نظیر عربستان سعودی و کویت از بهبودی محسوسی برخوردار بوده است.

۲- روابط مصر با عراق حالت سردی خود را حفظ نمود. دولت عراق کوشیده است با پیشنهاد وحدت با مصر و همچنین پرداخت مبلغی به مصر به عنوان آمادگی جهت جنگ اعراب و اسرائیل تمایل خود را به بهبود روابط فیمابین نشان دهد.

۳- در چهارچوب اتحاد جماهیر عرب مصر همچنان حالت رهبری خود را حفظ نمود ولی دول عضو تکروری‌هایی در روشهای سیاسی خود نشان داده‌اند که با توجه به تضاد موجود در زیربنای سیاسی کشورهای عضو اتحاد یک نتیجه طبیعی بشمار می‌رود که نمونه‌های آن عدم هماهنگی سه کشور در برابر اردن-عراق و بحران خاورمیانه عربی بوده است.

۴- شوروی و مصر همچنان روابط ظاهراً حسنه خود را حفظ نموده‌اند ولی انورالسادات نتوانست که آن کشور را به حمایت جدی‌تری از اعراب بویژه مصر در برابر اسرائیل وادار سازد. تنها موقعتی که می‌توان در این زمینه به حساب دولت مصر گذارد لحین اعلامیه مشترک صادره در پایان دیدار انورالسادات از مسکو بود ولی هنوز درباره نتیجه این موقعت و بویژه تسلیح مصر از طرف شوروی با سلاحيهای تهاجمی نمی‌توان اظهار نظر کرد.

جمهوری دموکراتیک خلق یمن

اوضاع داخلی

۱- طی ۶ ماه در وضع داخلی این کشور تغییر عمده‌ای بوجود نیامده است و مبارزه بر سر کسب قدرت همچنان بین گروه عبدالوهاب اسمیل طرفدار شوروی و گروه سالم ربیع علی طرفدار یکن ادامه یافت. گروه سالم ربیع علی طی این مدت همچنان از موقعت بهتری در جبهه ملی (حزب حاکم) برخوردار بوده است.

۲- در سطح فعالیت گروههای شورشی که از جانب عربستان سعودی حمایت می‌شوند و دارای پایگاههایی در جمهوری یمن می‌باشند کاهش محسوسی حاصل گردیده و علت این امر

ضربات مؤثری بوده که از جانب نیروهای ارتش جمهوری خلق یمن بر آنان وارد شده است. سیاست خارجی

۱- روابط حکومت عدن با عربستان سعودی و جمهوری خلق یمن طی این مدت تیره بوده و در مقابل مناسبات این کشور با عراق از بهبودی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. تعلیم خلبانان این کشور در عراق- اعزام آموزگاران و کارشناسان نظامی عراقی به عدن نمونه‌هایی از نحوه روابط دو کشور بوده است.

۲- روابط رژیم عدن بعثت تمایلات دست چپی آن با بلوک شرق بویژه شوروی و چین حسنه بوده و از طرف کشورهای بلوک شرق کمکهای نظامی دریافت نموده است. سودان در ۶ ماه

اوضاع داخلی

۱- مهمترین مسئله در اوضاع داخلی سودان توافقی دولت مرکزی با شورشیان جنوب آن کشور بود. این امر اگرچه دولت سودان را از یک قسمت از مشکلات داخلی رهائی داد لکن در مقابل به سبب دو دستگی‌هایی در هیئت رهبری کشور گردید و سرلشگر خالد حسین عباس وزیر دفاع بعثت همین اختلافات از سمت خود کناره‌گیری کرد و به قاهره رفت.

۲- دولت سودان با غیرقانونی اعلام داشتن کلیه احزاب سیاسی و تحیب عناصر دست راستی زمینه را برای تشکیل حزب اتحاد سوسیالیست سودان فراهم ساخت که تشکیلات آن نظیر اتحاد سوسیالیست عرب مصر می‌باشد. هدف از این اقدام در کنترل گرفتن فعالیتهای سیاسی در کشور بوده است.

سیاست خارجی

۱- روابط سودان و اتحاد جماهیر عرب نسبتاً حسنه بوده است و با وجود آنکه جعفر نمیری قبلاً اعلام داشته بود که در اواخر سال ۱۹۷۱ به اتحاد جماهیر عرب خواهد پیوست لکن تاکنون نه تنها این تصمیم خود را عملی نکرده بلکه در مقابل آن سکوت نموده است.

۲- روابط سودان با کشورهای میانه‌روی عرب بهبود یافت و در مقدمه آن می‌توان توسعه روابط با عربستان سعودی- کویت و دولت امارات متحده عرب را نام برد.

۳- روابط سودان با بلوک شرق در کیفیت گذشته خود همچنان ادامه یافت و تنها تحول حاصله توسعه مناسبات با رومانی است که نمونه آن مسافرت رئیس جمهوری رومانی به خرطوم

اخراج طومار و موافقت با پرداخت ۷۵ میلیون دلار کمک اقتصادی به سودان می باشد.

عربستان سعودی

اوضاع داخلی

۱- اختلافات و رقابت های افراد خانواده سلطنتی برای جانشینی ملک فیصل همچنان در خفا ادامه داشته ولی تأثیری در اوضاع داخلی بر جای نگذاشته است.

سیاست خارجی

۱- مناسبات عربستان سعودی با بلوک غرب همچنان حسنه است و روابط این کشور با مصر و سودان و سوریه همچنان در کیفیت دوستانه باقی ماند ولی مناسبات عربستان سعودی با عراق و جمهوری عربی یمن تیره است.

۲- با مسافرت سلطان عمان به ریاض روابط طرفین بهبودی بیشتری یافته ولی بعلمت اختلافات ارضی با ابوظبی بر سر دوحه بوریمی و منطقه الزراره واقع در جنوب این امارات از شناسائی اتحاد امارات خودداری نموده است.^۱

همچنین، در سال ۱۳۵۱، پانزدهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی و نیز بیست و هفتمین کنفرانس یا شورای سه جانبه در تهران برگزار شد. در نشست اخیر، تیمسار معتضد رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران، ضمن شرکت در شورای معاونان سرویس های سه گانه، سخنانی درباره اوضاع منطقه و پاره ای کشورهای عربی و نیز نفوذ شوروی در خاور میانه و حتی سو مالی، ارایه کرد. متن گزارش ساواک در این باره چنین است:

نطق دروافت تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی در شورای معاونان سرویسهای سه گانه همکاران محترم، بسیار خوشوقتم که فرصتی فراهم شده است یکبار دیگر همکاران عزیز را ملاقات نموده و پیرامون مسائل مهم منطقه گفتگو و تبادل نظر نمایم.

اکنون که گردهم آمده ایم با آنکه جهان عرب پس از پایان یافتن درگیری امریکا در ویتنام در انتظار ابتکار جدیدی برای حل بحران خاورمیانه از جانب این کشور می باشد بحران در این منطقه همچنان بعنوان یک کانون خطر جلب توجه می نماید. در چنین شرایطی مصر تلاش می کند که با مستحکم نمودن موقعیت رهبری خویش در دنیای عرب (اموقیعی که البته نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده)^۲ بتواند با استفاده از قدرت کلی اعراب برای رسیدن به صلحی که

۱. گزارش ساواک، اردیبهشت ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

متضمن منافع کشورهای عربی باشد از موضع قدرت با امریکا وارد گفتگو شود. تشکیل فرماندهی مشترک نظامی کشورهای عربی اگرچه اثر فوری و قابل توجهی در تقویت قدرت جنگی اعراب نخواهد داشت ولی موجبات نزدیکی اردن را به مصر و سوریه فراهم آورده است و همچنین این امر که نمایی از جنگ طلبی رژیم سادات محسوب می شود برای دولت مصر زمینه مساعدی جهت تخفیف فشارهای داخلی که نتیجه ادامه حالت نه جنگ و نه صلح است بوجود می آورد.

مسئله مهم دیگری که به موازات بحران خاورمیانه جلب توجه می کند فعالیت های نفوذی شوروی در منطقه است.

دولت شوروی در حالیکه هنوز از تلاش بمنظور تجدید موقعیت نفوذی خود در مصر منصرف نشده به کوشش و تلاش برای تحکیم موقع خویش در عراق و سوریه افزوده و موفقیت هایی نیز در جهت وابستگی این کشورها به خود بدست آورده است. بدین معنی که شوروی توانسته است با اعزام کارشناسان نظامی و فنی بمراق در زمینه آموزش های نظامی و همکاری در بهره برداری از نفت رمبله و منطقه ملی شده کرکوک در دو رکن اساسی عراق یعنی ارتش و صنعت نفت این کشور به میزان بیشتری رخنه نماید.

در سوریه نیز شاهد اعطای کمک های قابل توجه نظامی و اعزام کارشناسان جدید از طرف شوروی هستیم که خود مبین افزایش تلاش نفوذی شوروی در این کشور و در سواحل مدیترانه می باشد.

در ترسیم موقع نفوذی شوروی در خاورمیانه بایستی به فعالیت های این کشور در جنوب غربی شبه جزیره عربستان نیز توجه نمود. شوروی با نفوذ در جمهوری دموکراتیک خلق یمن ضمن حمایت از جنبش های افراطی و گروه های برانداز علاوه بر اینکه در صدد کسب نفوذ در دهانه خلیج فارس می باشد از این کشور بعنوان پایگاهی برای حمایت از جنبش های مخرب در شرق افریقا (مانند جبهه آزادیبخش ایرتیه) نیز استفاده می کند تا زمینه را برای تحقق مقاصد اصلی خویش در غرب اقیانوس هند یعنی تسلط بر سواحل شرقی افریقا عملی نماید.

در حال حاضر در منطقه حساس بحر احمر و شرق افریقا شاهد یک رقابت نفوذی بین چین و شوروی هستیم. چین با استفاده از شکست شوروی در سودان گام های مؤثری در جهت توسعه نفوذ خود در این کشور برداشته است و در حال حاضر در حدود یک هزار کارشناس چینی در

سرویس همکار (ایران- اسرائیل و ترکیه) اقدام گردید و نتیجه بشرح زیر بعرض می‌رسد:

۱- گزارشهای ارسالی ساواک بدو سرویس:

۴۵ درصد از اطلاعات ارسالی ساواک بدو سرویس اسرائیل و ترکیه کاملاً با عناصر اصلی خبر منطبق بوده و سایر گزارشها قابل توجه و مهم تشخیص داده شده است.

۲- گزارشهای ارسالی سرویس ترکیه به ساواک:

در این مدت فقط سه گزارش به ساواک واصل شده است که دوتای آنها از منابع آشکار و سومی در مورد ذخائر نفتی کرکوک بوده است که تا حدودی با عناصر اصلی خبر انطباق داشته است.

۳- گزارشهای ارسالی سرویس اسرائیل به ساواک:

۴۰ درصد از اطلاعات ارسالی این سرویس به ساواک کاملاً منطبق با عناصر اصلی خبر بوده و بطور کلی گزارشهای این سرویس مفید و قابل بهره‌برداری می‌باشد. ضمناً در مورد تغییر عناصر اصلی خبر پیشنهادی ارائه نمی‌گردد.

بخش تبادل اطلاعات- ایوب غمامی^۱

در گزارشی که از سوی کمیته اطلاعات سه‌جانبه به شورای سه‌جانبه (احتمالاً سال ۱۳۵۱) ارائه شده، ضمن ابراز نگرانی در خصوص حضور و نفوذ شوروی در بعضی کشورهای عربی، به دسته‌بندی‌های سیاسی جهان عرب اشاره گردیده است. در این گزارش، اخبار و تحولات داخلی و روابط خارجی کشورهایی چون عراق، سوریه، مصر، لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و نیز سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) مورد بررسی قرار گرفته است. در خاتمه گزارش، تحت عنوان: نتیجه‌گیری و پیشنهاد، اهداف شوروی در زمینه پیشگیری از بسط نفوذ آمریکا و چین و نیز حمایت کرم‌لین از بعضی گروه‌های سیاسی در کشورهای عربی مورد اشاره قرار گرفته است. گزارش مورد نظر، طبق روایت اسناد ساواک به این شرح است:

خلاصه اهم نکات گزارش کمیته اطلاعات

به شورای سه‌جانبه

نفوذ شوروی و کشورهای کمونیست در دول عربی

۱. گزارش ساواک، مورخ ۱۳۵۲/۶/۱، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

- در سیاست دوربرد شوروی مبنی بر توسعه و تقویت جاپاهای نفوذی در منطقه تغییری حاصل نشده است.

- شورویها برای توسعه نفوذ خود از طریق اعطای کمکهای نظامی و اقتصادی و بهره‌برداری از اختلافات محلی و همچنین خرابکاری از طریق کشورهای ملهم از کمونیسم فعالیت می‌نماید.

- تقدم هدفهای شوروی بر بنای سیاست دوربرد و طرح‌ریزیهای استراتژیکی، جغرافیائی قرار دارد.

- مسائل اروپا- تشنج‌زدائی با آمریکا و روابط با جمهوری خلق چین بر مسائل خاورمیانه پیشی گرفته است.

- ادامه حالت نه جنگ و نه صلح در منطقه خاورمیانه که شورویها خواهان آن هستند به توسعه نفوذ مسکو در منطقه کمک می‌کند.

- اگرچه پاره‌ای از رهبران کشورهای عربی متوجه شده‌اند که اسلحه شوروی موجب استقرار صلح در منطقه نمی‌شود ولی ارسال تجهیزات نظامی از جانب شوروی به کشورهای عربی هنوز در توسعه آن کشور در منطقه مؤثر است.

- در حال حاضر پاره‌ای از رهبران کشورهای عربی می‌کوشند که از روابط فعلی خود با دو ابر قدرت بهره‌برداری کنند. این امر به پایداری نفوذ شوروی در منطقه کمک می‌نماید.

- منافع شوروی در مناطق مجاور خاورمیانه به نسبت افزایش نیروی دریائی آن در اقیانوس هند زیاد شده و اینک شوروی بصورت یک قدرت دریائی بزرگ درآمده است.

- شوروی به توجه خود به عدن و بربرا و دیگر بنادر دریای سرخ و اقیانوس هند بعنوان جای پای اولیه‌ای برای توسعه نفوذ خود در منطقه ادامه داده است.

- روابط شوروی و سازمان آزادیبخش فلسطین به شوروی امکان می‌دهد که از وصول به یک راه‌حل سیاسی در منطقه جلوگیری شود.

- اختلافات اعراب و سازمان آزادیبخش فلسطین در جهت منافع شوروی قرار دارد با وجود اختلاف نظرهایی که بین مسکو و سازمان مذکور در مورد کنفرانس صلح ژنو به چشم می‌خورد معهذا تفاهم کلی بین طرفین هنوز برقرار است.

- چینی‌ها همچنان به کوششهای خود برای بهره‌برداری از شکستهای شوروی به منظور نفوذ در منطقه بویژه شرق آفریقا ادامه داده ولی محدود بودن امکانات فعلی آن به این کشور اجازه

نمی‌دهد که جایگزین نفوذ شوروی گردد.

کشورهای عرب

- به نظر می‌رسد که بیش از هر وقت دیگر اعراب برای همبستگی و با لاف‌ل‌ حصول توافق تمایل نشان می‌دهند.

- نقش عربستان سعودی پس از مرگ فیصل همچنان ادامه یافته و اخیراً بوم‌دین کوشش نموده بین رهبران عرب میانجیگری نماید، مهذا اختلاف نظر و برخورد سنافع مانع همبستگی اعراب شده است.

- دسته‌بندی جهان عرب که زمانی در قالب محافظه‌کار-مترقی-چپ‌گرا و سیانه‌رو شناخته شده بود تغییر نموده و بصورت جبهه‌های مخالفین و طرفداران راه‌حل سیاسی در مناقشه اعراب و اسرائیل درآمده است.

- دولت مصر با وجود گرفتاریهای سیاسی و اقتصادی تلاش می‌کند که با حفظ نقش اصلی خود در میان اعراب استیازاتی از اسرائیل بگیرد.

سادات واقف است که دانش و تکنولوژی و کمکهای اقتصادی غرب راه‌حل مشکلات داخلی او می‌باشد. ضمناً سادات امیدوار است ایالات متحده مساعی خود را برای پیدا کردن راه‌حل سیاسی [(که شورویها قادر نیستند)] به کار خواهد برد.

- نیاز مصر به کمکهای اقتصادی کشورهای عربی صادرکننده نفت تا حدودی استقلال عمل سادات را محدود می‌کند با وجود این مصر بعنوان مهمترین کشور عربی مورد توجه شوروی بوده و بعید بنظر می‌رسد روسها به آسانی از جای پای خود در این کشور صرف‌نظر نمایند. احتمال دارد روسها تلاش نمایند رژیم سادات را ساقط نمایند. با وجود اینکه عوامل چپی اغلب ملهم از شوروی بودند بعید به نظر می‌رسد که شورویها مستقیماً در تشکل تظاهراتی که دانشجویان، کارگران و محصلین در طول سال گذشته برپا نموده بودند دخالت داشته باشند.

- تحریکات لیبی و فشاری که از طرف نیروهای مسلح مصر برای ایفای نقش بیشتری در سیاست مصر وجود دارد سادات را نگران ساخته است.

سوریه

- ثبات فعلی سوریه برای مدتی نسبتاً طولانی حتمی است اما شاید رقابتهای موجود در درون حزب بعث تا حدودی آن را متزلزل کرده باشد.

- با وجود گشایشی که در روابط سوریه و غرب بوجود آمده معه‌ذا حافظ‌اسد برای تأمین سلاح‌های مورد نیاز نیروهای مسلح سوریه متکی به شوروی می‌باشند.

عراق

- درآمد نفت و سازش با ایران این امکان را برای رهبران عراق فراهم نموده که راه تازه‌ای در پیش گیرند.

اختلاف عراق با سوریه ظاهراً بر سر آب رودخانه فرات است ولی در واقع ریشه‌های آنرا باید در رقابت ایندو کشور در بدست آوردن فرماندهی حزب بعث جستجو کرد.

- عراق در زمینه داخلی با مشکلاتی روبرو است از جمله مهمترین آن مسئله عشایر شیعه (که در منطقه فرات مرکزی اقامت دارند) و مسائل لاینحل اقتصادی و اجتماعی موجود می‌باشد.

- صدام حسین بعنوان یک‌کنفر پراگماتیست می‌کوشد موقعیت خود را مستحکم کند. این امر ممکن است که در آینده او را دوباره به چپ‌گرایی بکشاند.

لیبی

- تحولات اخیر نشان داده است که اصول و عقاید مذهبی فزاینده برای سد کردن تلاش‌های نفوذی شوروی نیست.

خرید اسلحه از شوروی به روسها اجازه خواهد داد که علیرغم کنترل شدید لیبی از طریق اعزام کارشناسان و کارمندان فنی و معلمین در این کشور نفوذ نمایند.

- وابستگی لیبی در زمینه نظامی به شوروی در آینده تشدید خواهد شد.

- رفتار رهبری لیبی همچنان غیرقابل پیش‌بینی است معه‌ذا به نظر می‌رسد که اگر روابط لیبی با کشورهای عربی نزدیکتر شود از میزان وابستگی این کشور به شوروی کاسته خواهد شد.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن

- سیاست افراطی و نظامی‌گرایانه یمن سبب تیرگی روابط یمن با همسایگانش را فراهم نموده است، معه‌ذا اخیراً تعدیلی در سیاست افراطی این کشور مشاهده می‌شود.

- وابستگی یمن به شوروی همچنان ادامه داشته و کمک‌های مالی امارات عربی متحده و سایر کشورهای عربی (شاید بعثت ناچیز بودن آنها) تغییری در وضعیت یمن ایجاد نکرده است.

- این کشور به حمایت خود از شورشیان ظفار ادامه داده اما از شدت آن کاسته شده است.

سازمان آزادیبخش فلسطین

- روابط بین‌الاعراب از نقطه نظر پیدایش گرایشهای مخالف در درون اعراب و توانائی و هدفهای کشورهای عربی باید مورد توجه قرار گیرد.

- اختلافات موجود بین حزب بعث سوریه، و عراق حائز اهمیت بوده و ممکن است به میزان چشمگیری تحولات منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

- روشهای افراطی سازمانهای فلسطینی که از تروریزم بین‌المللی حمایت می‌کنند باید بعنوان یک خطر جدی و جهانی مورد توجه قرار داد.

- احتمال دارد با بهبود روابط غرب و شوروی فعالیتهای براندازی در خاورمیانه شدت یابد.

گرایشهای احتمالی که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- نفوذ شوروی در لیبی- سومالی- سوریه و سایر کشورهای منطقه

۲- درگیری مستقیم و غیرمستقیم شوروی در حمایت از گروهها و سازمانهای برانداز در منطقه خلیج فارس.

۳- فعالیتهای دریائی شوروی در دریای سرخ- اقیانوس هند و خلیج فارس خصوصاً پس از گشایش آبراه سوئز.

با توجه به اهمیت بحرین بعنوان مرکزی برای فعالیت گروههای چپ‌گرا و استفاده از آن بعنوان پل نفوذی شوروی در منطقه، سرویس ایران پیشنهاد نموده درباره بحرین برای جلسات آینده کنفرانس گزارشی تهیه شود.

بخش تبادل اطلاعات، طی یک یادداشت اداری، در تاریخ ۱۳۵۴/۴/۲۴، خطاب به اداره‌های بررسی یکم، دوم و سوم، ضمن ارایه فهرست نیازمندی‌های اطلاعاتی سه‌جانبه، طی ۵۸ بند، مسایل مختلف منطقه را از مصر، سوریه، عراق، عربستان، یمن، کویت، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس تالیبی، سودان، سومالی و حتی گروه‌های فلسطینی مورد بحث و بررسی قرار داده است.

در این گزارش از نفوذ و فعالیت کشورهای کمونیستی، مثل شوروی، آلمان شرقی، چین، کوبا و... در جهان عرب اظهار نگرانی شده است.

بخش تبادل اطلاعات در این یادداشت تقاضا کرده است که فهرست و مفاد مندرج در گزارش برای کنفرانس سه‌جانبه آینده، که احتمالاً منظور، سی و یکمین شورای سه‌جانبه است، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در این گزارش چنین آمده است:

سوریه- اردن و عراق.

۸- نیازمندیهای اطلاعات نظامی درباره کشورهای عربی- قدرت- ترکیب لجستیک- سلاح پیچیده و مدرن و غیره.

ب- امور بین‌الاعراب

۹- فعالیتها و همکاریهای مشترک کشورهای عربی جهت تشکیل جبهه شرق.

۱۰- الف- نهضت‌های اخلاکرانه مخالف در دنیای عرب و فعالتهای آنها علیه رژیم‌های معتدل در منطقه مانند عربستان سعودی- اردن- لبنان و عمان.

ب- سیاست اعراب نسبت به سازمانهای فلسطینی و سایر نهضت‌های اخلاکرانه و فعالیت آنها علیه کشورهای ایران و اسرائیل و ترکیه و بخصوص خلیج فارس بعنوان یک پایگاه و منطقه عبور و ترانزیت جهت انجام این فعالیتها.

ب- فعالیتهای سیاسی سازمانهای فلسطینی در آینده نزدیک بخصوص با توجه به تشکیل مجدد کنفرانس ژنو- روش سازمان آزدیخش فلسطین نسبت به آن- نظرات آنها درباره تشکیل یک دولت فلسطینی.

ت - فعالیتهای سازمانهای فلسطینی و سایر سازمانهای اخلاکگری در اردن - سوریه - لیبی - لبنان - عراق - جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سایر کشورهای عربی.

ث- پشتیبانی مالی اعراب از فلسطینها و سازمانهای اخلاکگری دنیا و با سازمانهای تروستی- ۱- تقویت و گسترش نظامی که سایر کشورهای منطقه را مورد تهدید قرار می‌دهد.

الف- آمادگی جنگی و هدف‌های مصر- سوریه- اردن و عراق- همکاری نظامی بین کشورهای عربی درگیر در بحران.

ب- فعالیتهای سازمانهای فلسطینی در زمینه‌های سیاسی تروستی اخلاکگری و نظامی.

۱۲- عوامل قطب‌بندی و بارزه جهت تسلط بر جهان عرب.

۱۳- میزان همکاری بین کشورهای عربی در زمینه‌های.

الف- نظامی

ب- مالی مانند ادامه و اختصاص دادن وجه جهت مقاصد نظامی.

ب- تحولات در جهت اتحاد کشورهای عربی.

۱۴- استفاده از سلاح نفت و پول وسیله کشورهای عربی- امکانات راههای اقدام و عواقب.

۲۸- اثرات همکاریهای احزاب عرب- طرفداری شوروی و یا چین با نهضت‌های سوسیالیستی عرب.

۲۹- پشتیبانی و کمک شوروی و چین کمونیست به سازمان آزادیبخش فلسطین و سازمانهای انفرادی فلسطینی.

۳۰- فعالیتهای شوروی بمنظور تشکیل زیربنای سیاسی و اقتصادی جهت حضور طولانی در منطقه.

۳۱- منافع سوق‌الجیشی- حضور و فعالیتهای شوروی در دریای سرخ- مخصوصاً در سودان و یمن جنوبی- سومالی و حبشه.

۳۲- مقاصد و فعالیتهای شوروی در خلیج فارس و کوشش شوروی برای بهبود روابط با عربستان سعودی.

۳۳- علاقه شوروی به نفت خلیج فارس مخصوصاً توسعه منافع نفتی در عراق خریداری نفت عراق و حمل آن به کشورهای کمونیستی.

۳۴- مقاصد و فعالیتهای شوروی بمنظور محدود کردن عملیات کمپانی‌های نفتی دول غرب در عراق و در خلیج فارس.

۳۵- فعالیتهای نظامی شوروی و گسترش آن در مدیترانه- دریای سرخ و خلیج فارس و همچنین در مناطق اقیانوس هند و گسترش واحدهای شوروی در کشورهای عربی. استفاده احتمالی از اطلاعات الکترونیکی- جنگهای الکترونیکی، پایگاههای هواشی و دریائی شوروی در کشورهای عربی مخصوصاً در مصر- عراق سوریه و لیبی همچنین جمهوری خلق دموکراتیک یمن و سومالی.

۳۶- فعالیتهای سیاسی کشورهای بلوک شرق در خاورمیانه.

۳۷- الف- روابط شوروی و کشورهای بلوک شرق با اردن.

ث - توسعه روابط شوروی با اردن و لبنان.

ج - فعالیتهای مخصوص کشورهای عربی

مصر

۳۸- سازمان و فعالیتهای مصر و سرویسهای اطلاعاتی مخاصم.

۳۹- تجدید سازمان قوای نظامی و تسلیحات مصر.

الف- گسترش سلاحهای غیراتمی و توسعه نیروهای مسلح مخصوصاً نیروهای هوایی و زرهی.
ب- توسعه سلاحهای تاکتیکی و موشکها- اتمی- شیمیایی و میکروبی توجه و کوشش مخصوص در توسعه و استفاده از گازهای سمی.

۴۰- فعالیتهای مصر در جهان افریقائی آسیائی.

۴۱- سیاست ثبات مصر در قبال سازمان همبستگی مردم آسیائی، افریقا و امریکای لاتین.

۴۲- ثبات رژیم سادات فعالیتهای داخلی و خارجی علیه رژیم دستجات داخل رژیم. تجدید فعالیتهای زیرزمینی.

۴۳- مشکلات اقتصادی مصر.

سوریه

۴۴- تحولات داخلی سوریه.

الف- خط مشی و ثبات رژیم اسد

ب- گسترش نیروهای سوریه: ایجاد تشکیلات جدید- خرید سلاح تغییرات در تشکیلات سوریه و نتایج سیاسی آن.

پ- فعالیتهای سوریه بعنوان مرکز فعالیتهای براندازی و تروریسم.

ت- مشکلات اقتصادی سوریه.

ث- توسعه روابط سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین با توجه به پیشنهاد ایجاد فرماندهی سیاسی و نظامی مشترک.

عراق

الف- موقعیت رژیم بعث در عراق و روابط عراق با رژیم بعث در سوریه.

ب- فعالیتهای گروههای دیگر سیاسی عراقی مخصوصاً گروههای مخالف رژیم.

پ- آرایش ارتش عراق- سطح آموزش و نقل و انتقالات نیروی عراقی بطرف سوریه و اردن.

فعالیتهای نفوذی عراق در شیخ نشینهای خلیج فارس همچنین کمکهای این کشور به سازمانهای برانداز در منطقه.

اردن

۴۶- اوضاع داخلی در اردن و تهدیدهایی که کشور پادشاهی اردن با آن مواجه است.

عربستان سعودی

۴۷- الف- مسیر و تحولات داخلی- ثبات رژیم- گروههای داخل در خانواده سلطنتی و سازمانهای دولتی- گروههای مخالف.

ب- تقویت نیروهای مسلح- معاملات خرید اسلحه- اکتساب وسائل و جنگ افزارهای نظامی.
پ- روابط خارجی با دیگر کشورهای عربی و کشورهای ابرقدرت.
ت- فعالیتهای عربستان سعودی در منطقه دریای سرخ و شیخ نشینهای خلیج فارس- کمک به کشورهای عربی در حال جنگ- همکاری با دیگر کشورهای عربی در نقاط جنوبی شبه جزیره عربی.

سودان

۴۸- اوضاع سیاسی داخلی

الف- ثبات رژیم در کشور.

ب- فعالیتهای عناصر و گروههای مخالف رژیم.

پ- خط مشی ارتش در قبال کمونیستها و مخالفین.

ت- حزب کمونیست در سودان- موقعیت آن- فعالیتهای و تماسهای آن با شوروی.

ث- توسعه روابط حکومت مرکزی با قبایل جنوبی.

۴۹- نیروهای مسلح

الف- آرایش جنگی- نیروی هوایی نیروی دریایی نیروی زمینی.

ب- احتمال استفاده پایگاههای هوایی سودان بوسیله مصر.

پ- توسعه پایگاههای هوایی و بنادر نظامی.

ت- استفاده از امکانات دریایی سودان بوسیله کشورهای کمونیستی.

۵۰- روابط خارجی

الف- روابط سودان با کشورهای عربی بخصوص مصر و لیبی.

ب- کمک سودان به جبهه اخلاکگر در شرق آفریقا بخصوص به E.L.F.

ث- روابط سودان با سومالی- حبشه- اوگاندا.

۵۱- رخنه کمونیستها

فعالتهای سیاسی و نظامی شوروی- چین کمونیست و دیگر کشورهای کمونیستی جهت نفوذ

در نیروهای مسلح- احزاب و گروههای سیاسی و بخش اقتصادی.

۵۲- خط‌مشی سودان در قبال کشورهای بلوک غرب- بخصوص امریکا انگلستان و آلمان غربی- لبنان.

۵۳- اوضاع داخلی لبنان.

۵۴- نفوذ شوروی در لبنان.

۵۵- روابط با سوریه و سازمانهای فلسطینی.

لیبی.

الف- اوضاع داخلی- ثبات رژیم- روابط در داخل شورای فرماندهی انقلاب روابط شورای فرماندهی انقلاب با نیروهای مسلح.

ب- حمایت لیبی از سازمانهای فلسطینی و پشتیبانی از شورشیان ظفار (مستقیم و یا غیرمستقیم بوسیله جمهوری دموکراتیک خلق یمن).

پ- روابط بین لیبی و شوروی بخصوص در زمینه نظامی- معاملات اسلحه و موافقت‌های سری.

ت- فعالیتهای براندازی بوسیله لیبی علیه موقعیت کشورهای عربی طرفدار غرب در دنیای افریقائی- آسیائی و بخصوص کشورهای عربی.

ج- تأثیر فعالیتهای ابرقدرتها.

۵۷- فعالیتهای پشت پرده کشورهای بلوک غرب و شرق جهت کسب موافقت کلی در مورد راه‌حلهای بحران خاورمیانه.

افغانستان

۵۸- الف- تحولات جدید در افغانستان بخصوص توسعه نفوذ شوروی و تأثیر آن در خلیج فارس و خاورمیانه.

ب- کمکهای مادی و معنوی و همکاری شوروی، عراق، هند و سوریه به نهضت بلوچستان آزاد.

پ- فعالیتهای براندازی افغانستان علیه پاکستان.

گزارش مزبور، در کنفرانس سی و یکم شورای سه‌جانبه که به میزبانی اسرائیل برگزار شد، مورد استفاده قرار گرفت.

کنفرانس مزبور، در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۵۴، در تل‌آویو و با حضور رؤسای سرویس‌های

اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه برپا گردید.

روز قبل از برگزاری کنفرانس، کمیته هماهنگی سه سرویس با تشکیل جلسه، مواردی را در خصوص اجلاس شورا مورد بحث و گفت‌وگو قرار داد. کنفرانس سه‌جانبه در خاتمه با صدور قطعنامه‌ای، دیدگاه‌ها و مواضع خود را در خصوص قرارداد موقت بین مصر و اسرائیل (پس از جنگ چهارم معروف به جنگ رمضان)، پشتیبانی شوروی از سوریه، و لیبی اعلام و زمان تشکیل سی و دومین اجلاس شورا را برای اردیبهشت سال ۱۳۵۵ در ترکیه، معین کرد:

درباره شورای سه‌جانبه

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک

۱- سی و یکمین اجلاس شورای سه‌جانبه با شرکت رؤسای سرویسهای ایران، ترکیه و اسرائیل در تاریخ ۵۴/۸/۲۱ در تل‌آویو برگزار شد.

۲- قبل از شورا کمیته‌های اطلاعات و امنیت در روزهای ۱۶ الی ۱۹ آبانماه ۱۳۵۴ با شرکت نمایندگان و کارشناسان سه سرویس و کمیته هماهنگ کننده در روز ۵۴/۸/۲۰ با شرکت اینجانب و معاونین سرویسهای ترکیه و اسرائیل تشکیل جلسه داده و گزارشات خود را تقدیم شورا نمودند.

۳- مهمترین نکات مندرج در قطعنامه شورای (پیوست الف) گزارشات کمیته اطلاعات (پیوست ب) کمیته امنیت (پیوست پ) و کمیته هماهنگ‌کننده (پیوست ت) از عرض می‌گذرد.
اداره کل هفتم.

رنوس مطالب قطعنامه سی و یکمین شورای سه‌جانبه در اسرائیل

۱- شورای سه‌جانبه در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۱ با شرکت رؤسای سرویسهای ایران، ترکیه و اسرائیل در ۱۳۵۴/۸/۲۱ در تل‌آویو تشکیل شد.

۲- رئیس سرویس اسرائیل اجلاس شورای را افتتاح نموده و سپس تیمسار ریاست ساواک در پاسخ اظهار داشت که منطقه خاورمیانه با تحولات قابل توجهی روبرو بوده که مهمترین آنها انعقاد دومین قرارداد موقت مصر و اسرائیل است. سوریه نیز با پشتیبانی شوروی عامل دیگری است که مانع پیشرفت مذاکرات صلح می‌باشد، اوضاع آشفته و نابسامان لبنان نیز ممکن است صلح و آرامش منطقه را به خطر بیندازد. نفوذ شوروی در منطقه ادامه داشته و فعالیت نفوذی این کشور همچنان در

جمهوری خلق یمن، باب‌المندب و سایر مناطق ادامه دارد. لیسی اسماً به صورت انبار سلاح شوروی درآمد و قذافی فعالیت‌های اخلاک‌گراانه خود را در ظفار و خلیج فارس ادامه می‌دهد.

۳- رئیس سرویس ترکیه اظهار نمود که گزارشات کمیته اطلاعات و امنیت برای سه سرویس مفید می‌باشد.

۴- رئیس سرویس اسرائیل نیز اوضاع منطقه را تشریح نمود.

۵- شورا پس از بررسی، گزارشات سه جانبه و کمیته‌های هماهنگ کننده، اطلاعات و امنیت را تصویب نمود.

۶- تیمسار ریاست ساواک پیشنهاد نمود که جلسات شورا بعوض هر شش ماه سالی یکبار تشکیل شوند و در صورت لزوم فوری هرگاه هریکی از رؤسای سرویس‌های سه جانبه درخواست تشکیل شورا را بدهند جلسه مربوطه تشکیل خواهد شد، چون این امر مستلزم تغییر اساسنامه شورای سه جانبه می‌باشد قرار شد که این پیشنهاد مورد بررسی قرار گرفته و در سی و دومین شورای سه جانبه در این مورد تصمیم گرفته شود.

۷- بنابه دعوت رئیس سرویس ترکیه سی و دومین جلسه شورای سه جانبه در آنکارا در اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ تشکیل خواهد شد.

۸- چهل و یکمین کمیته هماهنگ کننده نیز در تهران در اواسط بهمن ماه تشکیل خواهد شد.^۱

سی و دومین کمیته امنیت، قبل از برگزاری سی و دومین شورای سه جانبه، طی گزارشی، رئوس و محور مباحث و مصوبات خود را به اطلاع کمیته هماهنگ کننده اجلاس رساند. این کمیته که در کشور ترکیه تشکیل شده بود، تحولات نهضت‌های کمونیستی در کشورهای سه جانبه، فعالیت‌های گروه‌های برانداز در کشورهای سه جانبه، تحولات تکنیکی در فعالیت سرویس‌های جاسوسی و نحوه جمع‌آوری اطلاعات از سوی آن‌ها را در کشورهای سه جانبه مورد بررسی قرار داد. به علاوه، موضوع بررسی سازمان و فعالیت سرویس‌های عرب، یعنی مبارزان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی را، نیز مورد بحث قرار داد و توصیه‌های خود را به شورا اعلام کرد:

گزارش سی و دومین کمیته امنیت به چهل و دومین کمیته هماهنگ کننده.

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. این گزارش احتمالاً در آبان ۱۳۵۴ تهیه شده است.

پ- تعداد محدودی اتباع ناراضی اسرائیل

توصیه‌ها:

۴- کمیته امنیت موارد زیر را توصیه کرد:

الف- با استفاده از هر موقعیتی سرویس‌های سه جانبه موظف می‌باشند مبارزات تبلیغاتی مؤثری بمنظور آشکار کردن هویت واقعی سازمانهای جبهه‌ای کمونیستی در نظر مردم شروع و دنبال کنند.

ب- با توجه باینکه اخیراً در کشور ایران و با احتمال قوی در کشور اسرائیل تروریستها به سیستم کار گذاشتن دو بمب در یک محل که بفواصل کوتاه از هم منفجر می‌شوند، متوسل شده‌اند و این انفجارها خساراتی را هم بیار آورده است به مقامات سه جانبه آگاهی داده شد که در چنین مواردی محل تصادف را بروی کلیه افراد (بویژه مقامات عالیرتبه) باستثناء کارشناسان مربوطه مسدود نمایند.

پ- سرویس‌های سه جانبه باید اطلاعاتی درباره آخرین روشهای مربوط به نحوه ارتباط- مواد منفجره- اسلحه و سایر کمکهای عملیاتی مورد استفاده تروریستها را مبادله کنند.

ت- سرویس‌های سه جانبه موظف می‌باشند درباره نزدیکی اعضاء سرویس‌های مخاصم بدانشجویان- هیئت‌های نمایندگی- تجار و سایر مقیمین خارجی که بمنظور واداشتن این طبقات به اعمال تروریستی- قبول تمایلات کمونیستی و جاسوسی است اطلاعاتی مبادله کنند.^۱

کنفرانس اطلاعاتی سرویس‌های سه جانبه، در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۵، در ترکیه تشکیل شد. این کنفرانس با صدور قطعنامه‌ای مواضع و دیدگاه‌های خود را پیرامون مسایل مختلف و نیز برنامه‌های داخلی سه جانبه اعلام کرد. رئوس مطالب قطعنامه مزبور در گزارش ساواک چنین آمده است:

رئوس مطالب قطعنامه سی و دومین شورای سه جانبه در آنکارا

۱- شورای سه جانبه در تاریخ ۲۵۳۵/۲/۲۱ [۱۳۵۵] با شرکت رؤسای سرویس‌های ایران- ترکیه و اسرائیل در آنکارا تشکیل شد.

۲- رئیس سرویس ترکیه جلسه را افتتاح نمود و سپس تیمسار ریاست ساواک به تحولات اصلی

۱. گزارش ساواک، ۱۳۵۵/۲/۱۹، آنکارا، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

خاورمیانه اشاره نمود و پیوستن ژنرال یلدیز را به خانواده سه جانبه خوش آمد گفتند و رئیس سرویس اسرائیل نیز در زمینه تحولات منطقه مطالبی اظهار داشت.

۳- تیمسار ریاست ساواک در مورد تحولات جمهوری دمکراتیک خلق یمن مطالبی بیان داشتند.

۴- شورا گزارش کمیته‌های اطلاعات و امنیت و هماهنگ کننده و همچنین گزارش دبیرکل سه جانبه را پس از بررسی تصویب کرد.

۵- بنابه دعوت تیمسار ریاست ساواک سی و سومین اجلاس شورای سه جانبه در تهران در اردیبهشت ماه ۲۵۳۶ [۱۳۵۶] تشکیل خواهد شد.

۶- چهل و سومین کمیته هماهنگ و همچنین کمیته‌های اطلاعات و امنیت در اسرائیل در آبان ماه ۲۵۳۵ [۱۳۵۵] تشکیل جلسه خواهد داد.^۱

سی و سومین جلسه کمیته اطلاعات سه جانبه (آبان ۱۳۵۵)، در تل آویو تشکیل شد. این کمیته با ارایه گزارشی، نقطه نظرات، بررسی‌ها و تحلیل خود را درباره اوضاع کشورهای عربی به جلسه کمیته هماهنگ کننده سه جانبه اطلاع داد. گزارش مزبور پیرامون مسایل کشورهای عربی از سوی ایران، ترکیه و اسرائیل تهیه شده بود. سرویس اطلاعاتی ایران گزارش خود را پیرامون مسائل مربوط به کشورهای عراق، امارات متحده عربی، کویت، قطر، عمان، عربستان سعودی، بحرین و نفوذ شوروی و کشورهای کمونیست در منطقه تهیه کرده بود.

سرویس اطلاعاتی ترکیه نیز درباره اوضاع خاورمیانه، سوریه، لبنان، لیبی، الجزایر، تونس، مراکش، سازمان آزادیبخش فلسطین گزارش تهیه و به کمیته ارایه کرده بود. سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی درباره امور بین‌الاعراب، مصر، سودان، اردن و جمهوری عربی یمن و جمهوری دمکراتیک خلق یمن گزارش تهیه کرده بود. متن کامل گزارش مزبور به این شرح از سوی ساواک ارایه شده است:

گزارش سی و سومین جلسه کمیته اطلاعات

به چهل و سومین جلسه کمیته هماهنگ کننده

الف- مقدمه

۱- در روزهای ۲۲ و ۲۳ نوامبر ۷۶ سی و سومین جلسه کمیته اطلاعات در تل آویو تشکیل گردید.

۱. گزارش ساواک، بدون تاریخ و شماره، با طبقه‌بندی سری، این گزارش ظاهراً در اردیبهشت ۱۳۵۵ تهیه شده است.

۲- گزارشهای زیر بوسیله سرویسهای عضو تهیه شده بود:

ایران

(۱) امور بین‌الاعراب و نفوذ شوروی و کشورهای کمونیست در منطقه.

(۲) عراق

(۳) امارات متحده عربی

(۴) کویت

(۵) قطر

(۶) عمان

(۷) عربستان سعودی

(۸) بحرین

ترکیه

(۱) اوضاع خاورمیانه

(۲) سوریه

(۳) لبنان

(۴) لیبی

(۵) الجزایر

(۶) تونس

(۷) مراکش

(۸) سازمان آزادیبخش فلسطین

(۹) مطالب تکمیلی درباره خاورمیانه، سوریه، لبنان، لیبی و مراکش

اسرائیل

(۱) امور بین‌الاعراب

(۲) مصر

(۳) سودان

(۴) اردن

(۵) جمهوری عربی یمن

۶) جمهوری دموکراتیک خلق یمن

۳- گزارشات نوبهای مبادله اطلاعات مربوط به کمیته اطلاعات که وسیله دبیر کل تهیه شده بود برای تصویب به کمیته هماهنگ کننده تقدیم گردید.

۴- اوضاع خاورمیانه و تحولات منطقه از مه ۱۹۷۶ مورد بررسی قرار گرفت.

۵- اعضای هیأت سرویسهای سه جانبه اوضاع منطقه را بررسی نموده و در این زمینه تبادل نظر بعمل آمد. ارزیابی و نظرات سه سرویس مشابه به یکدیگر بود و اطلاعات اضافی در زمینه تحولات اخیر منطقه مبادله گردید.

۶- کمیته فهرست نیازمندیهای اطلاعات را با تجدید نظرهای مختصری تصویب و ارزیابیهای زیر را نمود:

ب- ارزیابی

۱- مقدمه

بطور کلی مهمترین تحولات منطقه در مدت تحت بررسی بشرح زیر می باشد:

الف- بحران لبنان

ب- کاهش نفوذ شوروی در بعضی از کشورهای خاورمیانه

۲- نفوذ شوروی و کشورهای کمونیستی

موقعیت شوروی در جهان عرب در حال تضعیف بوده ولی موقعیت غرب بویره آمریکا تقویت گردیده است در جریان بحران لبنان بعلت درگیری نیروهای سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین، مسکو در وضع مشکلی قرار گرفت و احمال هر نوع سیاستی از جانب شوروی موجب تأثیر منفی در روابط با دمشق گردید. ضمناً مسکو نگران تلاشهای عربستان سعودی در جهت از بین بردن نفوذ چپ‌گرایان در شبه جزیره عربستان بود.

با این وجود هنوز هم موقعیت شوروی مستحکم است و سوریه و عراق کاملاً به سلاحهای شوروی متکی می باشند. همچنین مصر تا حد زیادی به شوروی متکی است.

دولتین لیبی و الجزایر نیز روابط حسنه خود را با مسکو حفظ نموده و انبار شدن سلاحهای شوروی در لیبی هنوز ادامه دارد.

موقعیت شوروی در منطقه باب‌المندب بسیار خوب است و کشورهای سوئالی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن هم‌پیمان آن کشور هستند. استقلال جیبوتی و بحرانی شدن وضع شماغ

افریقا بنفع شوروی تمام خواهد شد.

۳- دنیای عرب

الف- مقدمه

(۱) بحران لبنان در مدت تحت بررسی بعزل مبارزات بین‌الاعراب در این کشور از جمله مهمترین تحول در منطقه بود.

(۲) اختلافات اصلی بین اعراب بویژه میان سوریه و مصر، که پس از امضای قرارداد سینا در ۱۹۷۵ آغاز شده و به تشدید بحران لبنان نیز تا حد زیادی کمک کرده بود، در کنفرانس سران عرب در ریاض و قاهره تا حدودی کاهش یافت. در جلسات این کنفرانس تسلط سوریه در لبنان مورد قبول واقع گردید و سوریه عملاً بر اوضاع لبنان مسلط است.

(۳) مبارزات بین‌الاعراب در سال گذشته موجب پیدایش گروه‌بندی جدیدی در خاورمیانه عربی گردید و رهبری سه گانه مصر-سوریه و عربستان سعودی جانشین رهبری مصر شد. علت این امر تضعیف موقعیت مصر و تقویت نسبی قدرت سوریه و بهره‌برداری سیاسی عربستان سعودی از ثروت نفت خود بود.

(۴) در مورد سایر مسائل، توسعه همکاری اردن و سوریه ادامه یافت، از سوی دیگر مبارزات بین لیبی و سودان، لیبی و مصر، سوریه و عراق، الجزایر و مراکش در مدت تحت بررسی ادامه یافت.

در هر حال باید منتظر نتیجه کوششهای کنفرانس ریاض و قاهره در جهت ایجاد همبستگی اعراب بود.

(۵) موقعیت سازمان آزادیبخش فلسطین در کشورهای عربی، که پس از بحران لبنان بار دیگر ماهیت افراطی و مخرب آن ظاهر گردید، بمیزان زیادی تضعیف گردید و در حال حاضر این سازمان تحت فشار کشورهای عربی، که از افراطی بودن آن نگران می‌باشند، قرار گرفته است.

ب- مصر

(۱) علاوه بر سایر امتیازات، سادات قرارداد موقت را فرصتی برای وقفه در مورد اختلافات اعراب و اسرائیل جهت اختصاص دادن منابع بیشتری، برای حل مشکلات داخلی مصر تلقی نمود. با این وجود سال ۱۹۷۶ (حداقل تاکنون) سال خوبی برای مصر نبوده است.

(۲) در زمینه اوضاع داخلی، مشکلات اقتصادی و سیاسی و اداری مصر شدت یافته و موجب

افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی گردیده است. بهر حال موقعیت داخلی سادات علیرغم این مشکلات مستحکم باقی مانده است.

۳) موقعیت مصر بین اعراب تضعیف شده است در حالیکه پس از قرارداد سینا سوریه کوشید نقش مهمی در امور بین‌الاعراب ایفاء نماید چون انگاه در حال افزایش مصر به کمک خارجی، این کشور را در مقابل فشارهای عربستان سعودی آسیب‌پذیر نموده است.

پ- عربستان سعودی

قدرت نفتی از یکطرف و اختلافات بین کشورهای عربی از طرف دیگر موجب گردید که عربستان سعودی بتواند نقش مهمی را در امور اعراب ایفاء نماید. ریاض تمایل دارد که نقش فعال‌تری در امور منطقه داشته باشد. علاقه عمده عربستان سعودی تسلط کامل در شبه جزیره عربستان و افزایش نفوذ در مناطق خلیج فارس و دریای سرخ می‌باشد. در امور بین‌الاعراب این کشور سیاست یکپارچگی بر مبنای ضدکمونیستی را اعمال می‌نماید.

ث- سوریه

آرامش داخلی سوریه که از خصوصیات رژیم اسد نسبت به رژیمهای قبلی بود در نتیجه درگیری در لبنان بهم خورد. در نیروهای مسلح سوریه نیز ناراحتی دیده شد ولی همین امر که رژیم بعثی موفق به حفظ موجودیت خود در این بحران بود نشانه قدرت آن می‌باشد. در امور خارجی نیز با اینکه در قسمت عمده مسائل جاری دمشق در دنیای عرب در انزواء قرار گرفته بود ولی موقعیت این کشور پس از آنکه تسلط سوریه در لبنان در کنفرانسهای ریاض و قاهره شناخته شد تقویت یافت. روابط این کشور با امریکا پیش از پیش بهبود یافت ولی در عین حال در روابط سوریه با شوروی تیره‌گی بوجود آمد هنوز این کشور از شوروی اسلحه دریافت می‌دارد.

ث- عراق

میزان مخالفت در عراق به مرحله‌ای نرسیده که تأثیر منفی در ثبات رژیم داشته باشد. حزب بعث کنترل خود را در کشور بطور اعم و در دولت بطور اخص افزایش داد. در دنیای عرب انزوای نسبی سیاسی عراق ادامه یافت. با اینکه بغداد سیاست خود را مبنی بر باز کردن دریچه‌های بسوی غرب از نظر اقتصادی و فنی و تا حدودی وسائل نظامی ادامه داد ولی هنوز از نظر تدارکات نظامی به شوروی متکی باقی مانده است.

ج- سودان

کودتای نافرجام ژوئیه بار دیگر عدم ثبات اساسی رژیم سودان را جلوه گر ساخت ولی در هر حال فعلاً موقعیت نمیری قوی بوده و می‌کوشد رژیم خود را تا حدودی متکی به ملت جلوه داده و تمرکز خود را در داخل کشور کمتر نماید. کوششهایی نیز جهت توسعه اجرای برنامه‌های عمرانی نیز صورت گرفته است. در دنیای عرب نمیری روابط خود را با مصر گسترش داده و با آن کشور در یک پیمان نظامی نیز شرکت دارد. ضمناً امیدوار است جهت نجات خود از عربستان سعودی کمک اقتصادی دریافت نماید.

ج- لیبی

اگر چه موقعیت قذافی در داخل کشور و در میان کشورهای عرب تضعیف گردیده ولی در عین حال توانسته است ناراحتی داخلی را برطرف سازد. با این وجود بنظر می‌رسد که مخالفین وی فعلاً تحت کنترل قرار گرفته باشند. احتمال می‌رود علاوه بر انزوای قذافی در کشورهای عربی اوضاع داخلی او را وادار به سازش با مصر نموده است زیرا استقرار نیروهای مصر در مرز لیبی موجب تشویق عوامل ناراضی در داخل کشور می‌گردد. از نظر امور داخلی قذافی متوجه تهیه مقدمات برگزاری چهارمین کنگره ملی خلق که قرار است در ژانویه ۱۹۷۷ تشکیل شود گردیده است. با وجود ناراحتیهای داخلی قذافی به عملیات اخلاص‌گراانه خود در خارج ادامه می‌دهد. نامبرده محرک اصلی کودتای نافرجام در سودان بوده و در آن کشور عملیات خرابکاری را طرحریزی نموده و به شورشیان اریتره و عمان، فلسطینیها و گروههای بین‌المللی تروریستی کمک می‌نماید.

ح- اردن

(۱) در مدت تحت بررسی مشکلات مالی در مورد خرید موشکهای هاوک از امریکا، روابط اردن و عربستان سعودی را تیره نمود و ملک حین جهت خرید موشک با مقامات شوروی مذاکره کرد. ولی سرانجام از سیاست قبلی خود مبنی بر همکاری نظامی با سوریه و اتکای به امریکا و شوروی که اساس آن در بهار سال ۱۹۷۵ پی‌ریزی شده بود، مجدداً پیروی نمود. تضعیف موقعیت سازمان آزادیبخش فلسطین در اثر بحران لبنان موجب بهبود موقع اردن پیرامون وضع غرب رود اردن گردیده است. بهبود روابط مصر و سوریه نیز موجبات پیدایش چنین وضعی در روابط اردن و مصر گردیده که احتمالاً وضع پادشاه اردن نیز تقویت خواهد یافت.

۲) مهمترین واقعه در امور داخلی تمویض زیدالرفاعی و انتصاب بدربدران بوده است ولی این امر تغییر قابل توجهی در سیاست کشور موجب نگردید. در مدت تحت بررسی ثبات داخلی در کشور حفظ شد.

خ- لبنان

پس از تصمیمات کنفرانس سران ریاض و قاهره اکنون اوضاع لبنان از نظر نظامی و سیاسی با صوابدید اعراب تحت تسلط سوریه قرار گرفته است. با اینکه اوضاع پس از اشغال مناطق ساحلی (باستثنای قسمت انتهایی جنوبی) وسیله نیروی سوریه بعنوان نیروی «بازدارنده عرب» از نظر نظامی آرام است آینده سیاسی کشور هنوز در پرده ابهام قرار دارد. احتمالاً با کمک سرکیس رئیس جمهور لبنان مقامات سوریه مایل هستند که تدریجاً یک رژیم بهمان شکلی که در موافقتنامه فوریه عنوان شده تشکیل دهند. ولی مسیحی‌ها مخالف تشکیل مجدد یک کشور فلسطینی در داخل کشور طبق موافقتنامه قاهره بوده درحالیکه چپ‌گراها نیز طالب امتیازات بیشتر از آنچه در موافقتنامه قاهره به آنها داده شده می‌باشند. هیچکس مایل نیست که نیروهای سوریه در لبنان باقی بمانند. اسرائیل نیز صریحاً اعلام کرده است از عملیات تروریستی که در لبنان و بخصوص از جنوب آن کشور علیه آن کشور صورت گیرد چشم‌پوشی نخواهد کرد بدین ترتیب با احتمال زیاد امکان بروز ناراحتیهای بیشتری در لبنان وجود دارد.

د- کشورهای عربی مغرب افریقا

۱) مقدمه

مسئله صحرا در سال گذشته بعدی توجه الجزیره و مراکش را بنخود جلب کرده بود که این کشورها فرصتی برای توجه به امور کلی اعراب نداشته‌اند.

۲) مراکش

ملک حسن دوم کوشش می‌نماید با اتخاذ سیستم پارلمانی، به رژیم خود ظاهر دموکراسی بدهد.

۳) الجزیره [الجزایر]

بومدین نیز جهت دادن صورت ظاهری پارلمانی می‌کوشد به رژیم خود ادامه دهد ولی با وجود اینکه قانون اساسی که وسیله همه‌پرسی در اواخر نوامبر ۱۹۷۶ مورد قبول واقع شد دارای تعدادی از اصول دموکراتیک می‌باشد مع هذا تصور می‌رود بومدین و گروه طرفدارانش موقعیت قوی خود را در داخل رژیم حفظ خواهند کرد. احتمال می‌رود روش غیرقابل انعطاف‌پذیر

(۴) بحرین

علاوه بر کاهش دادن فعالیتهای چپ‌گرا در این کشور مقامات بحرینی اقداماتی جهت جلب توجه افکار عمومی نموده‌اند ولی در عین حال اکثر طبقات مردم بخصوص دانشجویان، روشنفکران و کارگران تقاضای داشتن آزادیهای بیشتر سیاسی داشته و از شرایط موجود ناراضی می‌باشند. این امر زمینه مساعدی جهت توسعه نفوذ چپ‌گرایان و فعالیتهای جبهه ملی آزادیبخش بحرین فراهم می‌نماید.

(۵) قطر

در مدت تحت بررسی قطر از آرامش برخوردار بوده است. بحران لبنان و مهاجرت تعداد زیادی فلسطینی و لبنانی به مناطق جنوبی خلیج فارس نگرانی مقامات قطر را فراهم کرده و آنها را مجبور کرد که محدودیتهائی جهت فروش املاک و زمین به اتباع خارجی ایجاد نمایند. روابط عربستان سعودی و قطر توسعه یافت و در همین حال روابط عراق و قطر بطور نسبی بهتر شد.

ر- جمهوری دموکراتیک خلق یمن

در بهار سال جاری پس از نزدیک شدن عربستان سعودی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن این امیدواری و انتظار بوجود آمد که جمهوری دموکراتیک خلق یمن از روش معتدل‌تری نسبت به گذشته پیروی نماید. ولی در حال حاضر اینطور بنظر می‌رسد که پیشرفت واقعی در این زمینه صورت نگرفته است. در امور داخلی رژیم این کشور تأکید بیشتری نسبت به سوسیالیزم علمی نموده است. در زمینه سیاست خارجی رژیم آن کشور ارتباط نزدیک خود را با شوروی و کشورهای بلوک شوروی حفظ نمود و به عوامل افراطی اخلاک‌گر و فلسطینیها و به سایر گروههای تروریستی کمک نموده و مشوق آنها می‌باشد. اگر چنانچه در سیاست این کشور اعتدالی بوجود آمده این تحول در حداقل بوده و فقط پس از گذشت زمان می‌توان آنرا ارزیابی نمود.

ز- جمهوری عربی یمن

در مدت تحت بررسی الحمیدی با کمک مستقیم و غیرمستقیم ریاض به کوششهای خود جهت تحکیم موقعیت خود ادامه داد. با اینکه خطر فوری این رژیم را تهدید نمی‌نماید اصولاً رژیم مذکور از ثبات سیاسی برخوردار نیست. در زمینه خارجی توسعه ارتباطات یمن با غرب

بخصوص با امریکا که شامل خرید سلاح نیز می‌باشد ادامه یافت. روابط این دولت با کشورهای معتدل عربی نیز توسعه یافت.

ژ- شاخ افریقا

اهمیت جهانی استراتژیکی منطقه شاخ افریقا و اهمیت خاص این منطقه برای کشورهای خاورمیانه احتیاجی به تأکید ندارد. در مورد شوروی مهمترین پایگاه نظامی آنها در اقیانوس هند پایگاه آنها در برمیرا می‌باشد. مهمترین مسئله در منطقه آینده جیبوتی می‌باشد. در دسامبر ۱۹۷۵ فرانسه اعلام نمود که به این منطقه استقلال اعطاء خواهد کرد. این منطقه با جمعیت محدود خود موفق نشده که یک گروه سیاسی قابل دوامی را تشکیل دهد. این منطقه با اختلافات قبیله‌ای (آفار و عیسی) با عدم رشد سیاسی کلی مواجه بوده و در مقابل تحریکات خارجی کاملاً آسیب‌پذیر است. سوماتی کوشش می‌نماید که این منطقه را بنحوی از انحاء بخاک خود ملحق سازد. جیبوتی یک نوع آزمایشی بمنظور پیشبرد هدفهای خود برای ایجاد یک سوماتی بزرگ که شامل قسمتی از خاک جنوبی اتیوپی (اوگادن) و قسمت شمالی کنیا است محسوب می‌شود به همین جهت و به علت اینکه جیبوتی می‌تواند راه اساسی دسترسی به دریا باشد کشور اتیوپی مخالف اشغال این منطقه وسیله سوماتی می‌باشد.

در مورد اریتره کمک اعراب که وسیله عراق هماهنگ شده و از طریق سودان به شورشیان ارسال می‌شود موجب شده که ناآرامی ادامه یابد. اتیوپی اعراب را به صورت دشمن اصلی خود که مایلند اریتره را جزء خاک عربی نموده و دریای مرخ را نیز به یک دریای عربی تبدیل نمایند محسوب می‌نماید.

اریتره مستقل و احتمال اشغال جیبوتی وسیله سوماتی اوضاع را برای شوروی مساعد خواهد نمود بدین ترتیب در مورد اوضاع جیبوتی و بطور کلی در منطقه اتیوپی با تمام ناراحتیهایش برای غرب بهترین راه حل و یا می‌توان گفت تنها راه حل می‌باشد. جهت بهره‌مند شدن از پشتیبانی، در مورد سوماتی و بطور کلی کمک متوجه غرب و بخصوص امریکا می‌باشد. سرنوشت منطقه بستگی به تمایل فرانسه به ادامه حضور خود و سرانجام موافقت کشورهای ذینفع در این زمینه تا بدست آوردن فرصت لازم برای ایجاد ثبات خواهد داشت.

پیشنهادهات

کمیته اطلاعات پیشنهادات زیر را به چهل و سومین کمیته هماهنگ کننده تقدیم می‌نماید:

توجه سرویسهای سه جانبه به جمع‌آوری موضوع‌های زیر جلب می‌شود:

الف- فعالیتهای لیبی در شمال آفریقا و خاورمیانه.

ب- میزان تغییرات نفوذ شوروی در عراق و خلیج فارس.

پ- تغییرات در موازنه جناح‌ها در دولت جمهوری دموکراتیک خلق یمن و اثرات آن در سیاست خارجی آن کشور.

ت- تعقیب فعالیتهای تروریستی در خاورمیانه با پشتیبانی عراق و لیبی (مشابه فعالیت گروههای فلسطینی در مصر و سوریه).

ث- تحولات آینده در لبنان با توجه خاص به نقش سوریه و نفوذ آن کشور در طرحهای مبارز.^۱ چهل و ششمین کمیته هماهنگ‌کننده سه جانبه، در اردیبهشت سال ۱۳۵۷ یک روز قبل از اجلاس شورای سه جانبه، در تل‌آویو برگزار شد.

رئیس کمیته هماهنگ‌کننده، طی سخنانی ضمن تشکر از میزبانی اسرائیلی‌ها، با ابراز نگرانی از بعضی حوادث و تحولات منطقه خاورمیانه، که احتمالاً مقصود قیام و انقلاب اسلامی مردم مسلمان ایران است، از آن به عنوان خطری یاد کرده که صلح و آرامش منطقه را مورد تهدید قرار داده است. در گزارش ساواک در این باره چنین آمده است:

سخنرانی افتتاحیه رئیس کمیته هماهنگ‌کننده در چهل و ششمین جلسه کمیته تل‌آویو-

اردیبهشت ۲۵۳۷ [۱۳۵۷]

دوستان- همکاران عزیز

بسیار خوشوقتم که بمناسبت تشکیل چهل و ششمین کمیته هماهنگ‌کننده بار دیگر فرصت یافته‌ام با دوستان قدیم و همکاران ارجمند دیدار نمایم و درباره مسائل مهم منطقه و امور مربوط به سه جانبه بحث و تبادل نظر داشته باشیم.

در مدتی که از آخرین گردهم‌آیی ما می‌گذرد صحنه سیاست خاورمیانه شاهد تحولات و ناآرامی‌هایی بوده است که مشروحاً بوسیله کمیته‌های اطلاعات و امنیت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از مطالعه این گزارشها چنین استنباط می‌شود که صلح و آرامش در این منطقه حساس همچنان در خطر است و متأسفانه ابتکاراتی که برای حل بحران بعمل آمده تاکنون نتیجه مطلوبی نداده است.

۱. گزارش ساواک، آبان ۱۳۵۵، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

[illegible]

بعدی با یکدیگر ملاقات کرده و یک تاریخچه مشترک بنویسند. تاریخچه‌ای که بوسیله هر سرویس بطور جداگانه نوشته می‌شود و تاریخچه مشترک باید بکلی سری تلقی شود.

۱۲- کمیته به دبیرکل سه جانبه توصیه کرد که در چهارچوب بودجه دبیرخانه می‌تواند هر چیزی را که برای کارهای اداری احتیاج دارد خریداری نماید بدون اینکه احتیاجی به ارائه گزارش نوبه‌ای به کمیته هماهنگ کننده باشد.

۱۳- چهل و هفتمین کمیته هماهنگ کننده در ایران در نوامبر ۱۹۷۸ (اوایل آبانماه) تشکیل خواهد شد که تاریخ دقیق آن بعداً تعیین خواهد شد.

۱۴- کمیته هماهنگ کننده تصویب کرد که این گزارش به شورای سه جانبه تسلیم گردد.^۱

نشست کمیته سه جانبه، مقدمه‌ای برای تشکیل شورای اطلاعاتی سه جانبه ایران و ترکیه و اسرائیل در تل‌آویو در اردیبهشت ۱۳۵۷ بود. اداره کل هفتم ساواک طی گزارشی به حوزه ریاست ساواک (اداره پیمان‌ها) با اشاره به مباحثات و موضوعات مطروحه در اجلاس کمیته و شورای سه جانبه در تل‌آویو، به توافق و تصمیم سرویس اطلاعاتی ترکیه، اسرائیل و ایران، مبنی بر تشکیل بیست و ششمین سمینار سه جانبه در ماه سپتامبر ۱۹۷۸ (آبان ۱۳۵۷) و نیز چهل و هفتمین کمیته هماهنگ کننده و سی و هفتمین کمیته‌های اطلاعاتی و امنیت سه جانبه در ماه نوامبر ۱۹۷۸ (آبان ۱۳۵۷) و به علاوه سی و پنجمین شورای سه جانبه در ماه مه ۱۹۷۹ (اردیبهشت ۱۳۵۸) در ترکیه اشاره شده است. رؤسای سرویس‌های اطلاعاتی سه گانه در اجلاس مزبور، با همه کارشناسان و جاسوسان اطلاعاتی خود هیچ‌گاه تصور و پیش‌بینی نمی‌کردند که با پیروزی مردم مسلمان ایران و انقلاب اسلامی در این کشور، همه پیش‌بینی‌ها و تصمیمات آن‌ها مبنی بر برگزاری اجلاس سمینار سه جانبه آتی در ترکیه منجر به شکست و نقش بر آب خواهد شد:

بازگشت بشماره ۱۰۰۱/۹۸۷۹ پ-۸/۱۲/۲۵۳۶ [۱۳۵۶]

بنابر تصویب تیمسار ریاست ساواک، سی و ششمین کمیته‌های اطلاعات و امنیت، چهل و ششمین کمیته هماهنگ کننده و سی و چهارمین شورای سه جانبه با شرکت سه سرویس ایران، ترکیه و اسرائیل از تاریخ ۱۰ الی ۱۴ اردیبهشت ماه ۲۵۳۷ [۱۳۵۷] در تل‌آویو تشکیل شد. گزارشهای مشروحه زیر جهت اطلاع و اقدام مقتضی به پیوست ایفاد می‌گردد:

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. این گزارش در اردیبهشت ۱۳۵۷ تهیه شده است.

۴- کمیته هماهنگ کننده به دبیرکل سه جانبه توصیه کرد که در چهارچوب بودجه دبیرخانه می تواند برای مصارف اداری هزینه نماید بدون اینکه نیازی به ارائه گزارش نوبه ای به کمیته باشد.
۵- قرار شد گزارشهای سرویسهای سه جانبه دارای یک پاراگراف نتیجه در آخر هر گزارش باشد.
۶- هریک از سرویسهای سه جانبه با همکاری یکدیگر گزارشهای خود را حداقل ۵ روز قبل از تشکیل کمیته ها در اختیار دو سرویس دیگر بگذارند تا فرصت کافی جهت مطالعه و بررسی آنها وجود داشته باشد. نتیجه کار کنفرانس در محل بعرض تیمسار ریاست ساواک رسیده است.

مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی اعلام می گردد.

مدیر کل اداره هفتم- کاوه^۱

اسناد موجود ساواک حکایت از آن دارند که از سوی کمیته هماهنگ کننده و شورای سه جانبه تل آویو، به شرح ذیل، تصمیم گرفته شده بود:
بیست و ششمین سمینار سه جانبه در حدود شهریور ماه ۲۵۳۷ [۱۳۵۷] (ماه سپتامبر ۱۹۷۸) در ترکیه تشکیل خواهد شد.

سی و هفتمین کمیته های اطلاعات و امنیت و چهل و هفتمین کمیته هماهنگ کننده سه جانبه در نیمه دوم آبان ۲۵۳۷ (حدود ۶ نوامبر ۱۹۷۸) [۱۳۵۷] در تهران تشکیل خواهد شد.^۲
در یکی دیگر از اسناد ساواک، آمار اخبار و گزارش های مبادله شده بین سرویس های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه، طی یک دوره شش ماهه، از تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۷ تا آوریل ۱۹۷۸ م/ ۲۸ شهریور ۱۳۵۶ تا فروردین ۱۳۵۷، به شرح ذیل اعلام شده است:
آمار گزارشهای وارده و صادره سه جانبه از تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۷ تا اول آوریل ۱۹۷۸ [۱۹]

صادر به پرچم به طوفان	۱۲۶ فقره
واصله پرچم از طوفان	۱۵ فقره
صادر به پرچم به فولاد	۱۵۱ فقره
واصله پرچم از فولاد	۳۲۹ فقره ^۳

۱. گزارش ساواک، مورخ ۲۵۳۷/۲/۲۳ [۱۳۵۷]؛ شماره ۷۰۲/۲۵۸۱.

۲. سند ساواک، بدون شماره و تاریخ. با طبقه بندی سری.

۳. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری.

● پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه

اتیوپی، اسرائیل و ایران شاهنشاهی

موقعیت، اهمیت و جایگاه اتیوپی در استراتژی پیرامونی اسرائیل

سران و رهبران رژیم صهیونیستی، از ابتدای تأسیس آن، تحت پوشش شعار تبلیغاتی دفاع از امنیت و موجودیت اسرائیل و پیشگیری از هرگونه خطری که عمق استراتژیک جامعه صهیونی در فلسطین را تهدید می‌کند، اهداف توسعه طلبانه خود را به ویژه با ابزارهای اطلاعاتی و سیاسی دنبال کردند. این اهداف که همان «استراتژی پیرامونی اسرائیل» است از همان آغاز از سوی دستگاه اطلاعاتی و جاسوسی و سیاسی اسرائیل مورد تعقیب بوده و در دستور کار و فعالیت رهبران و سران اسرائیلی قرار داشته است. رهبران و دولتمداران اسرائیلی در جهت تحقق این استراتژی، دسترسی آسان و بی مانع، به آب‌ها و مناطق ساحلی مدیترانه را تا کانال سوئز، دریای سرخ و تنگه باب‌المندب تا خلیج عدن و اقیانوس هند، شامل همه سواحل آبی کشور لیبی، مصر، سودان، اریتره، اتیوپی، کنیا، جیبوتی و سومالی و... در دستور و برنامه‌های خود قرار دادند و دنبال کردند. اجرا و تعقیب این برنامه ایجاب می‌کرد اسرائیلی‌ها پایگاه‌ها و ایستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی ویژه خود را در کشورهای همجوار و همسایه مناطق و سرزمین‌های پیرامونی ایجاد و آن را تحکیم و تقویت کنند.

بن‌گوریون مدعی شده بود که تحکیم روابط اسرائیل با کشورهای غیر عرب پیرامون میهن عربی، می‌تواند سرانجام [در راستای استراتژی صهیونیسم] به تحمیل صلح منجر شود. وی اضافه کرد:

ما نمی‌توانیم همسایگانمان را مجبور کنیم به امضای قرارداد صلح با ما تن دهند، اما هیچ چیز بهتر از بدست آوردن دوست در کشورهای آسیا و آفریقا، نمی‌تواند کینه اعراب نسبت به ما را

کاهش دهد.^۱

رهبران و تئوریسین‌های دیگر صهیونیست نیز همان اعترافات دیوید بن‌گوریون را مبنی بر استراتژی پیرامونی اسرائیل تأیید کرده‌اند.

عاموس بن‌ترنر گفته‌های بن‌گوریون را چنین تکرار می‌کند:

این روابط، منظور روابط همکاری با آفریقا و آسیا تکیه‌گاه اساسی و اصلی اسرائیل در رابطه با جهان خارج در آن سو و در بالای دیوار صوت خصومت است که اعراب پیرامون اسرائیل کشیده‌اند.^۲

قدرت‌های غربی به همان میزان در اشغال فلسطین و استقرار و اسکان یهودی‌های در آن سرزمین و سپس ایجاد اسرائیل و بعدها، تحکیم و تقویت و پشتیبانی از آن، نقش اساسی و عمده ایفا کردند؛ و اسرائیل را در تعقیب استراتژی پیرامونی‌اش نیز به‌طور جدی و همه‌جانبه یاری رساندند.

کشورهای امپریالیستی به موجودیت صهیونیستی برای انجام مأموریت و تسهیل برقراری روابط با کشورهای نوخاسته کمک شایانی کردند، از جمله، انگلستان به اسرائیل اجازه داد در کنیا و اوگاندا و غیره کنسولگری افتتاح کند. فرانسه نیز راه را برای رخنه اسرائیل به مستعمره‌های تازه استقلال یافته کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، کنگو برازاویل، داهومی، گابن، ساحل عاج، ماداگاسکار، مالی، نیجر، سنگال، توگو و ولتای علیا هموار کرد.^۳

به این ترتیب، اسرائیل صرف نظر از ابزارها و اهرم‌های گوناگون که در اختیار داشت، با هماهنگی و همکاری قدرت‌های غربی، به ویژه آمریکا، در صدد انعقاد پیمان سیاسی و اطلاعاتی مشترک با تعدادی از کشورهای پیرامونی غیرعرب و وابسته با اردوگاه نظام سلطه، برآمد.

درباره علایق و اهداف اسرائیلی‌ها برای تعقیب استراتژی پیرامونی در آفریقا نوشته شده است:

گسترده‌گی علاقه اسرائیل را به آفریقا در اواسط دهه ۱۹۶۰، می‌توان به خوبی از خلال سوابقی که بازمانده یکی از افسران بانفوذه دفاعی اسرائیل است دریافت. وی که اسرائیل لئور نام دارد،

۱. استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۱۰، به نقل از روزنامه اسرائیلی هتوفیه، مورخ ۱۹۸۰/۱۰/۴.

۲. همان منبع، ص ۲۱۰.

۳. همان منبع، صص ۲۱۱-۲۱۰.

در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ مسافرت‌هایی به خطه این متحدین تازه یافته کشورش داشته است. او به عنوان منشی امور نظامی لوی اشکول نخست‌وزیر اسرائیل خدمت می‌کرد. هدف نخستین سفر که طی آن آوراهاام تامیر ژنرال ارتش اسرائیل نیز لیور را همراهی می‌کرد کنترل و ارزیابی توانایی‌های نظامی اسرائیل در آنجا و بررسی چگونگی پدید آوردن روابط نزدیکتر با ارتش‌های قاره سیاه بود. آن‌گونه که لیور بعداً خاطرنشان ساخت: کمک‌های نظامی و غیرنظامی اسرائیل به دولت‌های آفریقایی در آن هنگام به حداکثر مقدار خود رسیده بود. تقریباً در همه کشورها [در آفریقا]، اسرائیلی‌هایی بودند که در سیستم‌های نظامی و غیرنظامی به آنها یاری می‌کردند.^۱

به این ترتیب، علاوه بر ابزارها و اهرم‌های گوناگونی که اسرائیلی‌ها در اختیار داشتند، از نفوذ و تعامل خود با قدرت‌های غربی به ویژه آمریکا نیز استفاده کامل بردند. با بهره‌گیری از این زمینه‌ها و فرصت‌ها، آن‌ها در صدد انعقاد پیمان سیاسی و اطلاعاتی مشترک با تعدادی از کشورهای پیرامونی غیرعرب و وابسته به اردوگاه غرب برآمدند. ایران شاهنشاهی، ترکیه، اتیوپی و آفریقای جنوبی در رأس این کشورها در آفریقا و آسیا قرار داشتند.

بارزوه‌ر مؤلف کتاب پیامبر صلح که داستان زندگی دیوید بن گوریون است، می‌گوید:

اسرائیل بعد از تأسیس در سال ۱۹۴۸، در پی اعلام تضمین مرزهای آن توسط سه کشور امپریالیستی آمریکا و انگلستان و فرانسه به سال ۱۹۵۰، در سال ۱۹۵۱ کوشید پیمان نظامی با آمریکا و انگلستان و فرانسه- انفرادی یا دسته‌جمعی- تشکیل دهد و به عضویت پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) درآید. در همان اول اسرائیل سعی کرد، انجمن دفاعی با همپیمانان امپریالیسم آمریکا در منطقه اتیوپی و ایران و ترکیه، با تأیید و هدایت آمریکا بوجود آورد.^۲

بعد از اعلام موجودیت جمهوری متحده عرب در فوریه ۱۹۵۸، بن‌گوریون به رژیم‌هایی در منطقه رو آورد که امکان داشت رشد جنبش آزادی‌بخش ملی عرب را تهدیدی برای منافع و مطامع خود، تلقی کرده باشند. بارزوه‌ر، اندیشه‌های بن‌گورین را در آن مرحله، چنین تصویر می‌کند:

اتیوپی به‌طور فزاینده‌ای از سیاست توسعه‌طلبانه جمال عبدالناصر دچار وحشت خواهد شد.

۱. کاکبورن، صص ۱۷۵-۱۷۶؛ به نقل از خاطرات سرتیپ اسرائیل لیور، (اورشلیم، یدبوت آهارانوت ۱۹۸۷).

۲. استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۱۳.

ترکیه از دشمن عربی در جبهه جنوبی خود [عراق] بیمناک است. ایران درگیر کشمکش اقلیمی با عراق می‌شود. جمعیت این کشورها علاوه بر اسرائیل، بیشتر از جمعیت خاورمیانه است. لذا چرا نباید میان آنها پیمانی تشکیل شود.^۱

نویسندگان آمریکایی نیز این گونه نوشته‌اند:

متحدین بالقوه‌ای که بن‌گوریون در ذهن داشت ترک‌ها و ایرانیان بودند که از نظر موقعیت جغرافیایی برای محاصره و تنگنا گذاشتن سوریه و عراق وضعیتی ایده‌آل داشتند. امپراتوری باستانی اتیوپی نیز که در آفریقا هم‌مرز کشورهای عرب بود، چنین حالتی داشت.^۲

این پیمان‌های چندجانبه، علاوه بر اهداف بلندمدت، در راستای استراتژی صهیونیسم، منافع تاکتیکی و کوتاه‌مدت نیز برای صهیونیست‌ها به همراه داشتند.

هریک از سه کشور، اتیوپی و ایران و ترکیه، در آن موقع مستقیماً وابسته به امپریالیسم آمریکا بودند. ترکیه عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و عضو پیمان مرکزی (ستو) است. اما رژیم شاه یکی از کشورهای اساسی در پیمان ستو و اولین تأمین‌کننده نفت اسرائیل بود. امپریالیسم، رژیم شاه را در ایران برای ایفای نقش ژاندارم در منطقه آماده می‌کرد. اما اتیوپی دوران امپراتور هیلا [هایله] سیلاسی به دلیل عقب‌ماندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی رژیم حاکم بر پایه ترک قرون وسطی و سلسله امپری و به دلیل وجود پایگاه‌های آمریکایی در جزایر «دارا» [در] اتیوپی و در نتیجه درگیر بودن در جنگ با اریتره، سبب شد که هر سه رژیم در مجموع در دشمنی با جنبش آزادی‌بخش عرب، همسو شوند. و چون این کشورها دیواری پیرامون کشورهای اساسی [مهم] منطقه خاورمیانه تشکیل می‌دادند، ترکیه از شمال و ایران از شرق، و اتیوپی از جنوب غربی، برای تحت فشار گذاشتن کشورهای عربی ملی و درگیری با آنها به نیابت از سوی امپریالیسم به کار گرفته می‌شدند ترکیه و تهدیدهای سال ۱۹۵۷ آن علیه سوریه، ایران و دست‌اندازی‌هایش علیه عراق در پی انقلاب ۱۹۵۸، اتیوپی و تحت فشار گذاشتن مصر در جریان سداسوان و مجهز ساختن جیره‌خواران (مزدوران) در جنوب سودان به اسلحه و مهمات از جمله تهدیدات آنان بوده است.^۳

ساموئیل کاتز که خود دارای گرایشات شدید صهیونیستی است، در کتاب جاسوسان خط

۱. همان منبع، ص ۲۱۳.

۲. کاکبورن، ص ۱۵۹.

۳. استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۱۴.

آتش، درباره جایگاه اتیوپی، ترکیه و ایران در استراتژی پیرامونی اسرائیل نوشته است:

در صحنه بین‌المللی، واحد اطلاعات نظامی [اسرائیل] در حال برقرار کردن پیوندهای محکمی با تعدادی از قدرت‌های دوست بود که خود را به صورت علنی و کامل نسبت به اسرائیل متعهد می‌ساختند؛ روابط پنهانی را با تقریباً همه کشورهای دیگر پدید می‌آوردند. در واقع از اوایل دهه ۱۹۵۰، واحد اطلاعات نظامی تحت رهبری بن‌گوریون، به عنوان نخست‌وزیر و وزیر دفاع در فعالیت‌های گسترده‌ای از کسب اطلاعات در شمال آفریقا و آسیا درگیر شده بود. استراتژی «نظریه پیرامون» تلاش می‌کرد دشمنان عمده اسرائیل را تحت محاصره متحدین اسرائیل درآورد. چنین متحدینی که باید برای رسیدن به توافق با آنها، اقدام می‌شد عبارت بودند از اتیوپی، که هم‌مرز سودان و مصر بود، ترکیه که با سوریه و لبنان هم‌مرز بود، و ایران که روی عراق و اردن سایه می‌انداخت. از آنجا که دولت‌های آفریقای شمالی (مراکش، الجزایر و لیبی) [در آن زمان] یا مستعمره بودند و یا تحت تسلط پادشاهان به سر می‌بردند، با واحد اطلاعات نظامی و موساد پیوندهای موقتی برقرار ساخته بودند.^۱

به هر روی، به دلایل، عوامل و علل متعددی، سه کشور ایران، ترکیه و اتیوپی جایگاه مهم و اساسی در استراتژی پیرامونی اسرائیل داشتند. اهمیت این جایگاه فقط به دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی و استراتژیکی آن کشورها نبود، بلکه زمینه‌های سیاسی دیگری نیز وجود داشت که از همه مهمتر وابستگی دولتمداران و حکام آن کشورها به اردوگاه نظام سلطه جهانی و حامیان اصلی اسرائیل بود. بهره‌گیری سریع و همه‌جانبه از این فرصت‌ها و موقعیت‌ها برای اسرائیلی‌ها، حیاتی و کلیدی بود. بنابراین آن‌ها نیز فرصت را مغتنم شمردند و بدون فوت وقت، در کنار انعقاد پیمان سه‌جانبه اطلاعاتی با ترکیه و ایران، که شرح آن گذشت، هم‌زمان با اتیوپی و ایران نیز یک پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه منعقد کردند. تا در کنار به خدمت گرفتن دستگاه اطلاعاتی ایران و ترکیه در یک جبهه از ایران و اتیوپی نیز در جبهه دیگری استفاده کنند و آن‌ها را در خدمت استراتژی صهیونیسم به کار گیرند.

اسرائیلی‌ها با حضور و نفوذ همه‌جانبه سیاسی و اطلاعاتی که از قبل در اتیوپی به هم زده بودند توانستند ایده‌های خود را جامه عمل بپوشانند. درباره سابقه روابط اسرائیلی‌ها با

۱. ساموئل کاتز، جاسوسان خط آتش، ترجمه محسن اشرفی، انتشارات مؤسسه اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۲۵۸-۲۵۹.

کامل به رسمیت شناخت و برقراری رابطه سیاسی بین دو دولت را اعلام کرد.^۱ به هر روی، اشاره به عوامل و زمینه‌هایی که موجب ایجاد رابطه بین اتیوپی و اسرائیل و سپس تقویت آن شد، ضروری می‌نماید.

حضور آمریکا زمینه‌ساز نفوذ اسرائیل

در آغاز دهه پنجاه میلادی، اتیوپی تحت حمایت آمریکا بود. آمریکا در جزیره کانئو نزدیک شهر «اسمره» یک پایگاه نظامی تأسیس کرد... وظایف بسیار مهمی به عهده این پایگاه گذاشته شده بود: پیگیری ماهواره‌ها، ضبط و انتقال مخابرات بی‌سیم و کلیه تماس‌های اردوگاه سوسیالیسم. در تاریخ ۱۹۷۱/۲/۳ مجله لبنانی الحوادث طی گزارشی اعلام کرد: در این پایگاه مکالمات نظامی به هر زبانی که باشد سریعاً ترجمه شده و رمز آنها حل می‌شود و در واقع بزرگترین ایستگاه فرستنده آمریکا در خارج کشور و نخستین جای پای آمریکا در شاخ آفریقا به شمار می‌رود. در سال ۱۹۶۰ آمریکا با امپراتور هایله سلاسی قراردادهایی امضا کرد و بر مبنای آن متعهد شد که در مقابل پایگاه «کانئور» ۴۰ هزار نظامی اتیوپیایی را آموزش دهد.^۲ بنابراین آمریکا به عنوان دوست، همپیمان و متحد استراتژیک اسرائیل، زمینه‌های لازم را برای تقویت و گسترش حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در اتیوپی فراهم آورد.

گسترش نفوذ اسرائیل در اتیوپی

در سال ۱۹۵۷، حدود یک سال پس از تجاوز سه‌جانبه فرانسه، انگلیس و اسرائیل به مصر، امپراتور اتیوپی با درخواست بن‌گوریون نخست‌وزیر وقت اسرائیل موافقت کرد و به این ترتیب روابط دو طرف گسترش یافت و این به منزله تلاش آمریکا برای تثبیت موقعیت اسرائیل در آفریقا بود. در تاریخ ۱۹۶۰/۹/۱۴، نیروی هوایی اسرائیل به امپراتور هایله سلاسی که با یک کودتای نظامی مواجه شده بود، کمک کرد. امپراتور در آمریکای لاتین مشغول گردش بود که کودتا رخ داد. وی از گلدامایر وزیر امور خارجه وقت اسرائیل تقاضای کمک کرد. گلدامایر، ضمن قبول این درخواست، بن‌گوریون (نخست‌وزیر وقت اسرائیل) را در

۱. علی‌اکبر ولایتی، ص ۱۰۰.

۲. استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، صص ۲۱۸-۲۱۹.

جریان گذاشت و او، به شرط اشغال پایگاه اسمره توسط نیروی هوایی اسرائیل، به منظور تأمین امنیت فرود هواپیمای امپراتور، با این درخواست موافقت کرد. در سال ۱۹۶۱ بن‌گوریون طی یک نامه شخصی به امپراتور اتیوپی، از وی درخواست کرد، اسرائیل را به‌طور کامل و دیپلماتیک به رسمیت بشناسد. لذا پس از اجرای مقدمات، در سپتامبر ۱۹۶۳ اتیوپی اسرائیل را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۷۱، اسحاق رابین^۱ و حییم بارلو و سپس موشه دایان، آبا‌ایان و شیمون‌پرز، [شخصیت‌های بلندپایه و استراتژیست اسرائیل] به اتیوپی مسافرت کردند. از این زمان، اسرائیلی‌ها در دستگاه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی اتیوپی نفوذ خود را تقویت کردند.^۲ فعالیت و نفوذ اسرائیلی‌ها در اتیوپی، طی این سال‌ها، به شرح زیر بود:

۱- اسرائیلی‌ها مدیریت فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی اتیوپی و اداره مرکز آموزش عالی

۱. اسحاق رابین در اول مارس ۱۹۲۲ در بیت‌المقدس متولد شد. پدرش آمریکایی و اوکراینی‌الصل و مادرش روسی‌تبار بود.

پدر اسحاق رابین از بنیانگذاران جنبش کارگران یهود در فلسطین و مادرش روزاکهن مدت چند سال نماینده شورای کارگران تل‌آویو بود. از او یک مدرسه شبانه‌روزی کشاورزی به نام کالج کادوری فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۴۰ یک جایزه بورس تحصیلی از کمیسر عالی انگلستان در فلسطین دریافت کرد و در همین سال از سوی ایگال آلون فرمانده رقت پالماخ (گروه تهاجم هاگانا، سازمان تروریستی و زیرزمینی یهود) استخدام و به این سازمان ملحق شد و بعدها افسر اجرایی ستاد آلون و سپس رئیس پالماخ شد.

در طول جنگ جهانی دوم، تحت لشکر انگلستان در مناطق فرانسه (ویشی)، لبنان و سوریه در جنگ شرکت کرد. در سال ۱۹۴۸ در اولین تقابل اعراب و اسرائیل فرمانده یک تیپ بود که مأموریت آن حفاظت از جاده منتهی به بیت‌المقدس بود.

اسحاق رابین پس از حضور در کالج ستاد کمبریج انگلستان در سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۳، به عنوان رئیس اداره آموزش نظامی منصوب و در سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ فرمانده منطقه شمالی و سپس رئیس عملیات ستاد کل شد. در سال ۱۹۶۰ یک دوره دو ماهه آموزشی برای آشنایی با سلاح‌های مدرن را در تگزاس گذراند و پس از آن به سمت قائم‌مقام رئیس ستاد ارتش منصوب شد. در سال ۱۹۶۴ به ریاست ستاد نیروی دفاعی اسرائیل رسید و در سال ۱۹۶۷ در زمان جنگ ژوئن، وزیر دفاع بود. از ژانویه ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ سفیر امواتیل در آمریکا و از سال ۱۹۷۴ نماینده کینست (پارلمان اسرائیل) بود. در دولت گلداماير وزیر کار شد و در ژوئن ۱۹۷۴ به نخست‌وزیری رسید و تا سال ۱۹۷۷ این سمت را به عهده داشت تا مناخیم‌بگین به عنوان نخست‌وزیر بر سر کار آمد. البته در سال ۱۹۷۷ به دلیل رسوایی ناشی از کشف حساب همسر اسحاق رابین در یکی از بانک‌های آمریکا که امری غیرقانونی در دولت اسرائیل محسوب می‌شد، از سمت خود استعفا داد. رابین در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ وزیر دفاع بود که سیاست «مشت آهنین» و شکستن استخوان را در انتفاضه اول علیه فلسطینی‌ها در دستور برنامه خود قرار داد.

اسحاق رابین در سال ۱۹۹۲ با پیروزی حزب کارگر مجدداً به نخست‌وزیری رسید و در سال ۱۹۹۳ پیمان صلح موسوم به قرارداد آسلو را با یاسر عرفات امضا و در سال ۱۹۹۴ جایزه صلح نوبل را به‌طور مشترک، با یاسر عرفات و شیمون‌پرز دریافت کرد. او در چهارم نوامبر ۱۹۹۵، در سن ۷۳ سالگی، در تل‌آویو به دست یک دانشجوی یهودی ترور شد.

۲. همان منبع، صص ۲۱۹-۲۲۰.

نیروهای امنیتی در آدیس آبابا را در اختیار گرفتند.

۲- چند مرکز و پایگاه جنگی، به خصوص در اریتره احداث کردند.^۱ بر اساس گزارش جبهه آزادیبخش اریتره در آن زمان، اسرائیلی‌ها یک پایگاه هوایی در جزیره «حالب» در دریای سرخ، روبروی بندر حالب تأسیس کردند.^۲

استراتژیست‌های صهیونی اتیوپی را به لحاظ استراتژیکی، امنیتی و ژئوپولیتیکی برای اسرائیل و اهداف آن مهم‌ترین کشور آفریقایی به حساب می‌آوردند.

اسرائیل در سال ۱۹۷۰، جزیره حالب واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی بندر عصب را که ۴۰ کیلومتر مربع مساحت دارد، اجاره کرد و در آن پایگاه هوایی و دریایی ایجاد کرد. همچنین یک پایگاه در بخش غربی اریتره به نام «رواجبات» و دو پایگاه دیگر به نام‌های «مهکلای» در اسمره تأسیس کرد که یکی از آنها مختص فعالیت‌های جاسوسی بود. علاوه بر آن به منظور کنترل حرکت‌های دریایی کشورهای همجوار عربی و ناوگان‌های دریایی شوروی در جزیره «وهلک» ایستگاه‌های رادار ایجاد کرد... در تاریخ ۱۹۷۳/۳/۱۲ خبرگزاری‌ها گزارش دادند که اسرائیل چند جزیره کوچک را در نزدیکی باب‌المندب اشغال کرده است. اسرائیلی‌ها نیز اعتراف کردند که این جزیره‌ها را هشت ماه پیش، به وسیله یک نیروی کماندویی در لباس غیرنظامی و بدون برافراشتن پرچم، تصرف کرده‌اند. اسرائیل همچنین اعتراف کرد که یک پایگاه ارتباطاتی در جزیره کوچکی به نام زطیر در فاصله ۳۲ کیلومتری ساحل جمهوری یمن جنوبی، تأسیس کرده است.^۳

اسرائیل، سقوط هایل سلاسی امپراتور اتیوپی و روی کار آمدن منگیستوها یله ماریام در سال ۱۹۷۴ را ضربه‌ای به نقشه‌های صهیونیسم ارزیابی کرد... در تاریخ ۱۹۷۸/۲/۶ موشه دیان وزیر امور خارجه وقت اسرائیل اعلام کرد که بین آنها و اتیوپی روابطی وجود دارد. به دنبال

۱. تحلیل سرویس اطلاعاتی و نیز وزارت امور خارجه اسرائیل، در سال‌های مورد نظر، این بود که اگر جنبش آزادیبخش اریتره، که از آن با عنوان شورشیان اریتره یاد می‌کردند، پیروز و اریتره از اتیوپی جدا شود، اسرائیلی‌ها در باب‌المندب و بنادر دریای سرخ (بحر احمر) دچار مشکل خواهند شد. همان‌طور که موشه دیان وزیر امور خارجه و دیوید کیمخی معاون موساد در ملاقات ۲۸ مرداد ۱۳۵۶ به رئیس ساواک گفته بودند؛ آنها در این زمینه به شدت در نگرانی و اضطراب به سر می‌بردند.

۲. همان منبع، ص ۲۷۰.

۳. همان منبع، ص ۲۲۵.

این اظهارات، اتیوپی هیأت اسرائیلی را اخراج و روابط خود را با رژیم صهیونیستی قطع کرد.^۱ منابع دیگر در این باره نوشته‌اند؛ پس از جنگ ۱۹۷۳، روابط اسرائیل با اتیوپی که در آغاز زیر سپر موساد و طی اوج دورهٔ دکترین حاشیه‌ای در سال ۱۹۵۸ تحکیم یافته بود قطع شد و پس از آن هم از سوی رژیم مارکسیستی که پس از سرنگونی هایل هلاسی در سال ۱۹۷۴ به قدرت رسید تجدید نشد.^۲

در پایان سال ۱۹۷۷ یک توافق سرّی میان مناخیم بگین و سرهنگ منگیستوها یله ماریام به عمل آمد که بر پایهٔ آن، اتیوپی مهاجرت فلاشاها را در ازای ادامه دریافت اسلحه از اسرائیل نادیده انگاشت. این ترتیبات مساعد دوجانبه، طی یک پریشانی دوجانبه بسیار در هم و بر هم، در فوریه ۱۹۷۸، یعنی زمانی که موشه دایان وزیر امور خارجه اسرائیل، سهواً به طور آشکار تأیید کرد که جنگ‌افزارهای اسرائیلی هنوز هم به آدیس آبابا فرستاده می‌شوند پایان یافت.^۳ اما اسرائیل سعی کرد به هر صورت ممکن روابط خود را با دولت کمونیستی اتیوپی برقرار کند. قطع روابط اتیوپی با اسرائیل منجر به ایجاد فشار از سوی رژیم صهیونیستی علیه رژیم مارکسیستی اتیوپی برای صدور مجوز به یهودی‌های این کشور (فلاشه‌ها) برای انتقال به فلسطین شد. این فشارها در سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۸۴ نتیجه داد. در اثر بحرانی شدن اوضاع سیاسی و اقتصادی اتیوپی، طی توافقی که بین طرفین امضا شد، ۷ هزار یهودی اتیوپیایی به طور مخفیانه به فلسطین منتقل شدند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که بزرگترین تکیه‌گاه دولت مارکسیستی اتیوپی بود و نیز با بحرانی شدن اوضاع داخلی آن کشور، به دنبال پیشروی نیروهای شورشی به سمت آدیس آبابا که منجر به فرار هایل ماریام رئیس‌جمهور از این کشور شد، روابط اسرائیل با اتیوپی گسترش یافت و اسرائیل بلافاصله **اوری لوبرانی**^۴ و سفیر خود در آدیس آبابا را به عنوان دو مقام اسرائیلی، مأمور مذاکره با رهبر

۱. همان منبع، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۲. یان بلیک و بنی موریس، ص ۵۴۳.

۳. همان منبع، ص ۵۴۵.

۴. در ۱۲۷ اکتبر ۱۹۲۶ در فلسطین اشغالی متولد شد. درجه لیسانس افتخاری علوم انسانی از دانشگاه لندن دریافت و از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۸ در سازمان هاگانا و نیز نیروی دفاعی اسرائیل خدمت کرد.

لوبرانی در سال ۱۹۵۰ وارد وزارت امور خارجه شد. ابتدا در قسمت خاورمیانه و سپس از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۲ به عنوان دبیر خصوصی موشه شاروت وزیر امور خارجه وقت، فعالیت خود را ادامه داد. از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶ به مأموریت لندن گمارده شد و از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۱ دستیار مشاور و سپس مشاور بن‌گوریون نخست‌وزیر در امور اعراب گردید. پس از استعفای بن‌گوریون از نخست‌وزیری، لوبرانی به عنوان سفیر در برمه منصوب شد ولی هرگز پست خود را در دست

جدید اتیوپی کرد. این دو پس از مذاکرات ویژه توانستند ۱۴۵۰۰ یهودی اتیوپیایی (فالاشه) را در تاریخ ۲۴ و ۱۹۹۱/۵/۲۵ به فلسطین اشغالی منتقل کنند. به این ترتیب روابط اسرائیل و اتیوپی روند عادی به خود گرفت.^۱

اسناد و منابع موجود حکایت از آن دارند که در تمام عملیات‌ها، سرویس‌های اطلاعاتی و سیاسی آمریکا نقش درجه اول در مساعدت به اسرائیل داشته‌اند.

طی سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ که هزاران یهودی اتیوپیایی (فالاشاها) از طریق همکاری مأموران موساد با بعضی از سران دولت وقت سودان به فلسطین اشغالی منتقل شدند، سازمان سیا و سفارت آمریکا در سودان نقش میانجی و واسطه را بازی می‌کردند.^۲

اسرائیلی‌ها، تحت پوشش‌های مختلف، از جمله پرورش دام و پروژه گاو‌داری، در اتیوپی ایستگاه اطلاعاتی ایجاد کردند و اهداف خود را حتی تا ممالک عربی از طریق آن دنبال می‌کردند. شرکت گاو‌داری «اینکودا»، از مهمترین ایستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی صهیونیستی در آفریقا بود که اسرائیل در کشور اتیوپی دایر کرده بودند.

در دوران قبل از اینکه اتیوپی به خاطر پناهندگان قحطی‌زده خود [فالاشه‌ها] معروف شود از صادر کنندگان گوشت گاو به شمار می‌رفت. یکی از موفقترین شرکت‌های فعال در زمینه صادرات این محصول یک شرکت وابسته به موساد و موسوم به اینکودا بود. یکی از مدیران این شرکت بعدها به خاطر می‌آورد: «اینکودا» در واقع یک ایستگاه اطلاعاتی اسرائیل در آفریقا بود.

نگرفت و به عنوان دبیر سیاسی و رئیس دفتر خصوصی، لوی اشکول نخست‌وزیر جدید باقی ماند. از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ سفیر اسرائیل در اوگاندا، رواندا و برون‌دی بود. لوبرانی در دوران حضور خود در اوگاندا به یکی از بانفوذترین و مطلع‌ترین افراد در آن کشور تبدیل شد و مشاورانی را در نیروی هوایی، ارتش و پلیس اوگاندا به کار گمارد. او از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ سفیر اسرائیل در اتیوپی بود و از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ در هیأت مدیره صنایع کور (koor) به عنوان رئیس پروژه‌ها و رئیس تشکیلات اقتصادی مشترک در خارج بود. این هیأت سیاست اساسی صنایع، بزرگترین شرکت صنعتی اسرائیل را تعیین می‌کند.

اوری لوبرانی در سال ۱۳۵۲ ش/ژوئن ۱۹۷۳ به جای مه‌یر عزری به عنوان نماینده سیاسی یا سفیر غیررسمی اسرائیل در ایران به فعالیت مشغول شد و تا زمان سقوط سلطنت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی در این سمت باقی بود. او از همسرش سارانی لوی دارای چهار فرزند دختر است.

درباره او نوشته‌اند که یک کارمند و مأمور لایق دولت اسرائیل، اما یک شخص بی‌مزه (کودن و بی‌محتوا) بوده است. (اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱۱، ص ۹۴؛ نیز سند ساواک، خرداد ۱۳۵۲، طبقه‌بندی سری و سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران).

۱. مجید صفاتاج، دانشنامه فلسطین، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۲۷۲.

۲. یان‌بلک و بنی‌موریس، ص ۵۴۵.

ما نهانگاه بزرگی پر از اسلحه داشتیم... تنها پوششی برای معاملات موساد به شمار می‌رفتیم. هنگامی که می‌خواستند کسی را به کشورهای عرب بفرستند، این کار را از طریق ما انجام می‌دادند... در محموله‌هایمان نامه‌های جاسوسان مستقر در کشورهای عرب را برای آنها می‌فرستادیم.^۱

حضور و نفوذ اسرائیلی‌ها، در اتیوپی به شکل‌ها و عناوین گوناگون همواره تداوم و استمرار داشته است.

حتی بعد از آنکه کودتای نظامی مارکسیستی در سال ۱۹۷۴، رژیم هایل سیلاسی را برانداخت، ارتباط با اتیوپی حفظ شد. بین سایر دلایلی که دولت اتیوپی برای حفظ این ارتباط داشت، این نیز مطرح بود که اتیوپی از اسرائیل به عنوان رابطی با ایالات متحده سود می‌برد. در اواخر سال ۱۹۹۰ این رابطه هنوز آنقدر گرم بود که اسرائیل برای رژیم آدیس آبابا بمب خوشه‌ای ارسال کند تا در مقابل چریک‌های جدایی طلب به کار رود. [...] واشنگتن ارسال کمک نظامی مرگ‌آور اسرائیل به اتیوپی را [...] نادرست ارزیابی نمی‌کرد.^۲

اسرائیلی‌ها با این نفوذ و حضور همه‌جانبه، توانستند طرح انعقاد پیمان سه‌جانبه اطلاعاتی اتیوپی، اسرائیل و ایران را به مرحله اجرا و عمل دریاورند. به گونه‌ای که یک پیمان و قرارداد همکاری اطلاعاتی و جاسوسی سه‌جانبه بین سه رژیم یاد شده به امضا رسید. بر اساس این پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه، اسرائیلی‌ها توانستند، امکانات اطلاعاتی اتیوپی را در کنار ایران، در سراسر منطقه خاورمیانه و آفریقا به ویژه شمال آفریقا، و علیه ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی و عربی در خدمت مطامع و اهداف خود به کار گیرند.

اریتره

پس از تشکیل دولت موقت اریتره در ژوئیه سال ۱۳۸۰/۱۹۹۱، اسرائیل تلاش همه‌جانبه‌ای را برای نفوذ و برقراری ارتباط با آن آغاز کرد. به دنبال همه‌پرسی معروف آوریل ۱۹۹۳ م/۱۳۷۲ ش، در اریتره، که با نظارت جامعه جهانی برگزار گردید، استقلال اریتره از اتیوپی تأیید و به رسمیت شناخته شد. رژیم

۱. کاکبورن، صص ۱۷۲-۱۷۳. به نقل از بنیامین بنت هلحمی، ارتباط اسرائیلی. نیویورک، کتاب‌های پانتئون، ۱۹۸۷، ص ۵۲.

۲. کاکبورن، ص ۱۷۳. به نقل از مجله سیاست خارجی اسرائیل، ژانویه ۱۹۹۱.

صهیونیستی بلافاصله پس از این رویداد کشور اریتره را به رسمیت شناخت. این در حالی بود که اسرائیل همواره از اتیوپی در مقابله و سرکوب استقلال طلبان اریتره حمایت و پشتیبانی می‌کرد و با اهداف استقلال طلبان به شدت مخالف بود. بعضی اسناد و منابع حکایت از آن دارند که از زمان تشکیل دولت موقت در سال ۱۹۹۱ م/ ۱۳۷۰ ش، در اریتره، اسرائیلی‌ها تحت پوشش کارشناسان کشاورزی و گروه‌های پزشکی در آن سامان نفوذ کردند و برای برقراری رابطه با اریتره گام برداشتند.^۱ این رابطه به تدریج به صورت عادی درآمد و اسرائیل با یک چرخش سیاسی و تاکتیکی، تعقیب استراتژی پیرامونی در منطقه مزبور را از طریق اریتره مناسب و مطلوب ارزیابی کرد. چندین سال پیش، اسرائیلی‌ها پس از بهبود روابط با اریتره، تصرف جزیره حنیش از نیروهای یمنی را به فال نیک گرفتند. در همان زمان یک تحلیل‌گر و کارشناس اسرائیلی در مسایل استراتژیک خاورمیانه، گرفتن جزیره حنیش را در چارچوب استراتژی پیرامونی و پیشگیرانه منطقه‌ای اسرائیل ارزیابی و اعلام کرد.^۲

این حمله و تجاوز، در آذر ماه ۱۳۷۴ ش/ دسامبر ۱۹۹۵ م، از سوی ۵ هزار سرباز اریتره‌ای با پشتیبانی ۶ قایق اسرائیلی و نیروی هوایی رژیم صهیونیستی، به جزیره حنیش انجام گرفت. منابع دیپلماتیک از همان ابتدا این تهاجم را یک طرح صهیونیستی ارزیابی کردند.^۳

گفته می‌شود، پس از اعلام استقلال اریتره تا سال ۱۹۹۵ م/ ۱۳۷۴ ش، سه توافق‌نامه نظامی، سیاسی و اقتصادی میان طرف اسرائیلی و اریتره به امضا رسیده است. عمده‌ترین این توافق‌نامه‌ها، نظامی است که به اسرائیل اجازه می‌دهد از تسهیلات پایگاه نظامی در اسمره، «نگالیا» و «سنهین» برخوردار شود.^۴ به عقیده کارشناسان، اهمیت اریتره در حال حاضر برای اسرائیل، به مثابه کلید تسلط بر آبراه دریای سرخ و کانال سوئز است. چرا که بخش عمده نفت کشورهای اسلامی و عربی به مقصد اروپا و آمریکای شمالی از این آبراه می‌گذرد.^۵

۱. ن.ک: داود کریملو، اریتره، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۷۳، صص ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷.

۲. ابراهیم خیاط، الحیات، ۱۷ آوریل ۱۹۹۶ م/ ۱۳۷۵/۱/۲۸ ش، ترجمه محمدحسن خوانساری‌زاده، چاپ انگلستان، ایران در مطبوعات جهان، ۱۶۳۴، تیر ماه ۱۳۷۵.

۳. علیرضا سلطان‌شاهی، اریتره قمر جدید اسرائیل، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲ شهریور ۱۳۷۶، شماره ۵۲۷۴. به نقل از: مجله البلاد، ۲۷ شوال ۱۴۱۶، شماره ۲۷۵، ص ۲۷۵.

۴. همان منبع؛ به نقل از: مجله مطالعات آفریقا، زمستان ۱۳۷۳، شماره دوم، سال اول، ص ۱۶۶.

۵. همان منبع؛ به نقل از: مجله فلسطین الثورة، مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۹۶، شماره ۶۵۰، ص ۴۳.

● همکاری اطلاعاتی

اتیوپی، اسرائیل و ساواک

اتیوپی، اسرائیل و ساواک

درباره همکاری سرویس های اطلاعاتی سه گانه اسرائیل، اتیوپی و ایران شاهنشاهی، در اسناد ساواک، اخبار و اطلاعات قابل توجهی خودنمایی می کنند. اسناد مزبور نشان می دهد که پس از انعقاد پیمان اطلاعاتی سه جانبه مزبور، نمایندگی ساواک در اتیوپی و نمایندگی سرویس اطلاعاتی اتیوپی در تهران مستقر شد. نشست های سه جانبه اطلاعاتی طبق یک برنامه کاری از پیش طراحی شده، تقریباً شبیه برنامه کاری سرویس سه جانبه ایران، ترکیه و اسرائیل، به طور مستمر، برپا می شد. در یکی از گزارش های ساواک، موضوع برگزاری کنفرانس سه گانه اتیوپی، اسرائیل و ایران، و مسایل مربوط به چگونگی برگزاری، موضوعات پیشنهادی، نفرات شرکت کننده و دستورات جلسه مورد بررسی قرار گرفته است.

یادآوری می شود که برای هریک از سرویس های سه گانه، طبق پیمان یاد شده، اسم مستعار یا نام رمز خاص انتخاب شده بود. در این پیمان، از سرویس اطلاعاتی ایران با نام رمز شیر، اتیوپی با نام رمز پلنگ و اسرائیل با نام رمز فیل و نام رمز هر سه سرویس با هم، عقاب یاد می شد.

درباره پیشنهاد سرویس اسرائیل

بازگشت بشماره ۵۲۲۰/۱۰۰۱پ-۵۱/۱۱/۹

با توجه به بررسیهای معموله نظرات این اداره کل در مورد هریک از موارد مندرج در عطفی

فوق بشرح پیوست جهت هرگونه اقدام مقتضی ایفاد می‌گردد.

مدیر کل اداره دوم- فرازیان

- ۱- تشکیل کنفرانس معاونان سه‌گانه در روزهای ۷ و ۸ اسفند ۱۳۵۱ در اسرائیل مورد تأیید می‌باشد.
- ۲- سازمان نمایندگی ساواک در اتیوپی که ضمناً عهده‌دار وظیفه دبیرخانه سه‌گانه می‌باشد مورد تصویب قرار گرفته و آقای محمد بهمنش به این سمت تعیین گردیده که پس از انجام مراحل توجیهی و آموزشی با کارسند مربوطه به محل مأموریت عزیمت خواهد نمود.
- ضمناً بفرموده تیمسار ریاست ساواک رئیس نمایندگی اتیوپی در جلسات کنفرانس سه‌گانه معاونان متشکله در اسرائیل نیز شرکت خواهد نمود.

۳- در مورد پیشنهادات سرویس اسرائیل نظرات زیر اعلام می‌گردد:

الف- هیئت‌های نمایندگی:

- ۱) شرکت یک نفر کارمند اطلاعاتی که کارشناس امور منطقه باشد در کنفرانس مورد تأیید می‌باشد و کارمند مربوطه قبلاً به بخش پیمانها معرفی گردیده است.
 - ۲) کارمندی که انتخاب گردیده علاوه بر اینکه در جلسات معاونان پیرامون عملیات جمع‌آوری در منطقه مذاکره خواهد نمود عنداللزوم در زمینه بررسی مسائل نیز شرکت خواهد کرد.
- ب- سیستم برقراری ارتباط:

- ۱) این اداره کل در انتظار وصول پیشنهاد سرویس اسرائیل در مورد موضوع مسائل ارتباطی می‌باشد.
 - ۲) بنظر این اداره کل وجود یک کارشناس مخابرات در جلسات کنفرانس سه‌گانه از نظر مشارکت در مذاکرات فنی ضروری خواهد بود که به همین نحو در گزارش معروضه قبلی پیشنهاد گردید و مورد تصویب تیمسار ریاست ساواک قرار گرفت.
- ب- دستور جلسه پیشنهادی:

- ۱) نماینده این اداره کل ضمن مشارکت در بحث پیرامون مسائل سیاسی و عملیاتی و در صورت لزوم مسائل سازمانی در کمیته تهیه طرح به منظور عملیات جمع‌آوری نیز شرکت خواهد نمود.
- ۲) کارشناس مخابراتی ساواک که در کنفرانس سه‌گانه شرکت خواهد کرد بموازات تشکیل سایر جلسات در کمیته کارشناسان مخابراتی نیز شرکت خواهد نمود.

۳) در صورت تصویب موارد فوق‌الذکر و همچنین اسامی شرکت کنندگان ساواک در کنفرانس سه گانه ضمن آنکه به سرویس اسرائیل اعلام می‌گردد از طریق سرویس اسرائیل به سرویس اتیوپی نیز اعلام گردد.

ت- در مورد پیشنهاد سرویس اسرائیل به دبیرخانه سه گانه در مورد تهیه نیازمندیهای جمع‌آوری از جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سومالی اقدام به شرح شش صفحه بپیوست ایفاد می‌گردد.

ث- در مورد نشان کردن گروهها و اشخاصی که همکاری با آنها بمنظور نفوذ در سیاستهای جمهوری دموکراتیک خلق یمن در زمینه حمایت و کمک به عناصر برانداز در منطقه امکان‌پذیر باشد.

پیشنهاد می‌گردد که موضوع در جریان تشکیل جلسات کنفرانس در کمیته‌های مربوطه مورد مذاکره و بررسی قرار گیرد. و در مورد تنظیم طرح جمع‌آوری در زمینه کشورهای عراق- کویت- قطر- بحرین و دولت امارات عربی متحده و دریای سرخ نیز از طرف سرویسهای دوگانه اقدام لازم معمول گردد.

هنگام بحث پیرامون سازمان همکاریهای سه گانه در صورت تصویب پیشنهادات و مطالب زیر را در مورد وظائف و سازمان دبیرکل و دبیرخانه سه گانه مطرح بفرمائید.

۱- سرویس اتیوپی بعنوان سرویس سیزبان در مورد لزوم کمکهای لازم در زمینه‌های مختلف- فنی- اداری و تدارکاتی درباره دبیرکل سه گانه معمول خواهد داشت.

۲- موضوع همکاری ساواک با سرویس اتیوپی بطور دوجانبه و در چهارچوب همکاریهای سه گانه از حیطه‌بندی حفاظتی مخصوص برخوردار است و مقامات سرویس اتیوپی نباید پیرامون چگونگی این همکاری با مقامات سفارت شاهنشاهی مذاکره کنند.

۳- سرویس اتیوپی باید یک نفر رابط جهت تماسهای دبیرکل سه گانه تعیین و معرفی نماید. دبیرکل باید بتواند در موارد لزوم تلفنی از رابط سرویس اتیوپی تقاضای ملاقات بنماید. محل این ملاقاتها نیز باید قبلاً تعیین گردد.

۴- بودجه دبیرخانه از یک تنخواه گردان ۱۵۰۰ دلاری تشکیل می‌شود که به نسبت بین سه سرویس تقسیم خواهد شد. مخارج دبیرخانه در گزارش گردش کاری که دبیرکل تقدیم کنفرانس معاونان و شورای رؤسای سه سرویس می‌کند منعکس می‌شود و هر سه سرویس بلافاصله بعد از خاتمه

[illegible]

مجلسه اول در بیان کلیات و مقدمات

جاءه - فاجاب

མཁའ་འགྲུ་ལྷ་མོ་ལྷ་མོ་། ལྷ་མོ་།

بسمہ جلیق ایتھامہ دی جمہوری

[illegible]

تجارتی جاتی (جمہوری) کے دربارہ اطلاعات سند، اقدامات

77

॥ श्रीगणेशाय नमः ॥

کتابخانه عمومی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

(?) 1919 10 10 (1919 10 10) 1919 10 10

٨٠

روسی به سرویس تقدیم خواهد شد. حقوق جنسیت‌ها به طور مساوی به سرویس

[illegible]

- ۲- میزان نفوذ جبهه ملی (سازمان سیاسی حاکم) در ارتش و طبقات مختلف اجتماع.
- ۳- گروه‌بندیهای داخلی جبهه ملی و نظرات گروه‌ها در مورد مسائل داخلی و امور خارجی (بخصوص مسئله وحدت).
- ۴- اقدامات سوسیالیستی رژیم و اثرات آن در:
 - (الف) وحدت دو یمن
 - (ب) افکار عمومی
- ۵- روابط و فعالیتهای احزاب سیاسی (اعم از چپ یا راست) له یا علیه دولت در داخل یا خارج از کشور و عکس‌العمل دولت در برابر آنها.
- ۶- اقدامات و فعالیتهای جبهه وحدت ملی (N.U.F) در خارج از کشور- حمایت‌های خارجی که از این جبهه بعمل می‌آید.
- ۷- وضع عشایر و قبایل در برابر دولت:
 - اقداماتی که از جانب دولت در جهت کسب پشتیبانی عشایر و قبایل بعمل می‌آید.
 - ناخرسندیهای عشایر و قبایل و هرگونه رابطه‌ای که با جمهوری عربی یمن و عربستان سعودی پیدا می‌کنند.
- ۸- اوضاع اقتصادی کشور- اثرات اکتشافات و تولیدات نفتی در پیشرفتهای اقتصادی.
 - ب- خارجی
 - ۱- روابط با جمهوری عربی یمن- هرگونه تحول در زمینه تحقق وحدت دو کشور.
 - ۲- روابط با عربستان سعودی و عمان و حمایت جمهوری دمکراتیک خلق یمن از فعالیتهای براندازی علیه این دو کشور.
 - ۳- نحوه و میزان کمک‌های رژیم به جبهه آزادیبخش خلق خلیج عربی و عمان در اجرای فعالیتهای چریکی و براندازی.
 - ۴- روابط و همکاری با عراق بخصوص از نظر حمایت‌هایی که از سازمانهای برانداز در جنوب شبه جزیره عربستان بعمل می‌آید.
 - ۵- روابط و همکاری با سایر کشورهای عربی بخصوص لیبی- مصر و سوریه.
 - ۶- همکاری و کمک به سازمانهای فلسطینی و تسهیلاتی که در باب‌المندب و سوکوتره در اختیار آنان گذارده می‌شود.

- ۷- حمایت از جبهه آزادیبخش اریتره و تسهیلاتی که در اختیار این جبهه قرار می‌گیرد.
 - ۸- روابط با کشورهای کمونیست بویژه شوروی و چین از نظر نظامی و اقتصادی- رخنه و نفوذ شوروی و چین در شئون مختلف کشور- تسهیلات بندری که در اختیار شوروی قرار می‌گیرد بخصوص در جزیره سوکوتره.
 - ۹- هرگونه همکاری با کشورهای کمونیست با توجه به حمایت آنها از جبهه‌های برانداز در جنوب شبه‌جزیره عربستان.
 - ۱۰- روابط با کشورهای غیرعرب آسیائی.
 - ۱۱- روابط با کشورهای بلوک غرب.
- پ- امور نظامی
- ۱- استعداد و ترکیبات گسترش نیروهای مسلح.
 - ۲- اسلحه و مهمات بویژه قدرت موشکی (و انواع و تعداد آن).
 - ۳- انواع و تعداد هواپیماها و هلیکوپتر و سیستم دفاع هوائی.
 - ۴- پیمانهای نظامی و قراردادهای خرید اسلحه و حضور مستشاران نظامی خارجی.
 - ۵- صنایع نظامی و نوع و میزان محصولات.
 - ۶- تأسیسات و فعالیتهای نظامی (بخصوص در جزیره پریم).^۱
- به این ترتیب اولین نشست کمیته معاونان و کمیته ارتباطات سرویس‌های اطلاعاتی اتیوپی، ایران و اسرائیل در اسفند ماه سال ۱۳۵۱ در تل‌آویو برگزار شد. در گزارش ساواک در این باره آمده است:

اولین اجلاس کمیته معاونان سه‌گانه

منظور:

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

- ۱- اولین اجلاس کمیته معاونان سه‌گانه مرکب از سرویس‌های ایران- اتیوپی و اسرائیل و کمیته‌های تابعه آن شامل کمیته اطلاعات و کمیته ارتباطات در روزهای ۷ و ۸ اسفند ماه ۵۱ در شهر تل‌آویو برگزار گردید.
- ۲- ترجمه و اصل گزارشات مشروح زیر به پیوست تقدیم می‌گردد تا در صورت تصویب مصوبات

۱. گزارش ساواک، مورخ ۱۳۵۱/۱۱/۱۱، شماره ۲۲۴/۵۳۰۵۶، با طبقه‌بندی سری.

و تصمیمات مندرج در این گزارشها مورد اجرا گذارده شود.

الف- توصیه‌های کمیته معاونان سه گانه به رؤسای سرویسهای سه گانه.

ب- توصیه‌های کمیته ارتباطات به کمیته معاونان سه گانه.

پ- توصیه‌های کمیته معاونان سه گانه پیرامون فعالیت ویژه سیاسی به رؤسای سرویسهای سه گانه.^۱

در ادامه این گزارش، متن توصیه‌ها و پیشنهادهای کمیته معاونان سه سرویس به رؤسای دستگاه اطلاعاتی سه کشور، ضمیمه شده است. در این توصیه‌نامه به چگونگی مبادله اطلاعات، هزینه بعضی فعالیت‌ها، بودجه مشترک، چگونگی ارایه گزارش گردش کار، وظایف کمیته‌ها و زمان برگزاری اجلاس آتی کمیته معاونان، اشاره شده است:

توصیه‌های کمیته معاونان سه گانه به رؤسای سرویسهای سه گانه

۱- کمیته معاونان سه گانه در روزهای ۷ و ۸ اسفند ماه ۵۷/۸ در شهر تل‌آویو برگزار شد.

۲- کمیته تصمیم گرفت که توصیه‌های زیر را جهت تصویب تقدیم رؤسای سرویسهای سه گانه

بنماید:

الف- اسامی رمز برای همکاری سه گانه و سه سرویس،

سرویسهای سه گانه = عقاب

ایران = شیر

انبوهی = پلنگ

اسرائیل = فیل

ب- بعد از اینکه نماینده ایران در آدیس آبابا مستقر گردید دبیرخانه سه جانبه را تشکیل داده و

بنوان دبیرکل شروع بکار خواهد کرد. تا تاریخ مستقر شدن دبیرکل سرویس اسرائیل

مشتولیت انجام امور دبیرخانه سه گانه را بهعهده خواهد داشت.

پ- (۱) بمنظور تفکیک مدارکی که بطور دو جانبه مبادله می‌گردد از مدارکی که بین سرویسهای

سه گانه مبادله می‌شود گزارشهایی که در اختیار سرویسهای سه گانه گذارده می‌شود با کلمه

«عقاب» مشخص خواهد شد. سرویس اسرائیل مهرهای لازم را در اختیار سرویسهای ایران و

انبوهی و همچنین دبیرکل خواهد گذاشت.

(۲) هریک از اعضاء سرویسهای سه گانه بطور ماهانه فهرستی از گزارشات ارسال جهت

۱. گزارش ساواک، مورخ ۱۳۵۱/۱۲/۲۰، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

سرویسهای سه‌گانه تهیه کرده و در اختیار دبیرکل خواهند گذاشت. این فهرست شامل تعداد گزارشات ارسالی و موضوع این گزارشات خواهد بود.

ت- کمیته پیشنهاد می‌کند که بودجه دبیرخانه بمیزان ۱۵۰۰ دلار آمریکا تعیین گردد. این بودجه بطور تساوی بین سرویس عضو تقسیم خواهد شد. این بودجه برای هزینه‌های مربوط به مسافرت دبیرکل بکشورهای ایران و اسرائیل بمنظور شرکت در کنفرانسهای سه‌گانه- هزینه معیشت روزانه وی هنگام اقامت در مناطق دور از محل اقامت و همچنین سایر هزینه‌های اداری مصرف خواهد شد. فهرست مخارج دبیرخانه بوسیله کمیته معاونین بررسی خواهد شد. دبیرکل طی هریک از جلسات کمیته معاونین گزارشی از وضع بودجه دبیرخانه شامل هزینه‌های مصرف شده در اختیار خواهد گذاشت. کمیته معاونین بطور منظم بودجه دبیرخانه را بنحوی تصویب خواهد کرد که به حدنصاب ۱۵۰۰ دلار آمریکا برسد.

ث- سرویس ایران وظائف دبیرکل را تنظیم کرده و بصورت پیشنهاد کتبی در اختیار سرویسهای اسرائیل و اتیوپی خواهد گذاشت.

ج- بودجه مشترک برای هزینه‌های عملیاتی سه‌گانه:

هزینه‌های عملیاتی سه‌گانه برای هر عملیات بطور جداگانه تعیین خواهد شد. و اینکار با توجه به تصمیم رؤسای سرویسهای سه‌گانه در زمینه اجرای عملیات بخصوصی انجام خواهد گرفت. کمیته معاونان سه‌گانه عملیات پیشنهادی را مورد بحث قرار داده و در مورد هریک از سرویسهای عضو که باید مجری عملیات شوند توافق خواهد کرد. سرویس عضویکه مسئولیت اجرای عملیات را بعهده دارد امکانات موجود را مورد بررسی قرار داده و بودجه عملیاتی را پیشنهاد خواهد کرد. این بودجه همراه با طرح عملیاتی مورد نظر در اختیار کمیته معاونان سه‌گانه گذارده خواهد شد تا مورد بررسی قرار گیرد. هرگاه طرح عملیاتی و بودجه پیشنهادی بوسیله معاونان سه‌گانه مورد تصویب قرار گرفت هزینه‌های عملیاتی بطور تساوی بین سه سرویس تقسیم خواهد شد و در اختیار سرویس مأمور اجرای عملیات گذارده خواهد شد. سرویس مجری عملیات مطالب زیر را در اختیار دو سرویس دیگر خواهد گذاشت:

(۱) مطالب و مدارک اطلاعاتی که در نتیجه اجرای عملیات بدست آمده است.

(۲) یک گزارش گردش کار مشروح پیرامون عملیات مورد نظر در اختیار کمیته معاونان

سه گانه در هریک از جلسات کمیته گزارده خواهد شد تا اینکه کمیته پایان عملیات را تصویب نماید. کمیته معاونان پیرامون ادامه- توسعه- محدود کردن یا خاتمه عملیات تصمیم گرفت و با توجه به این تصمیم بودجه مربوطه را تعیین خواهد کرد. این تصمیمات مبتنی بر میزان پیشرفت و منافع حاصله از عملیات مورد نظر خواهد بود.

۳- سرویس اتنوبی پیشنهاد کرد که در صورت لزوم کمکهای فنی لازم را در اختیار دبیرکل بگذارد. این پیشنهاد ضمن اظهار تشکر مورد قبول کمیته قرار گرفت. دبیرکل ضمناً با نماینده سرویس اسرائیل در آدیس آبابا تماس نزدیک خواهد داشت.

۴- کمیته معاونان توصیه‌های کمیته ارتباطات را تصویب کرد و تصمیم به اجرای این توصیه‌ها گرفت. معاونان سه گانه این تصمیمات را بصورت گزارش در اختیار رؤسای متبوعه خود خواهند گذاشت.

۵- کمیته معاونان ارزیابیها و توصیه‌های کمیته اطلاعات را مورد بررسی و بحث قرار داد. کمیته تصمیم گرفت:

الف- از اعضای کمیته اطلاعات درخواست نماید پیشنهاداتی بمنظور انجام عملیات جمع‌آوری ویژه تهیه نمایند. این پیشنهادات بوسیله هر هیئت نمایندگی بطور جداگانه تسلیم اجلاسبه آینده کمیته اطلاعات (ژوئیه/ ۱۹۷۳) خواهد گردید. کمیته اطلاعات طی اجلاسبه آینده خود امکانات هریک از سرویسهای عضو را در زمینه پوشاندن هدفهای ضروری و ویژه مورد بررسی قرار داده و با توجه به این بررسی پیشنهاداتی تقدیم کمیته معاونان خواهد نمود.

ب- کمیته اطلاعات طی هریک از جلسات آینده خود خلاصه‌ای از هدفهای جمع‌آوری و پیشنهادات مربوطه تهیه کرده و آنرا تقدیم کمیته معاونان خواهد کرد. این پیشنهادات بطور خلاصه و روشن تنظیم گردیده و شامل توصیه‌های مربوط به سرویس خواهد بود که امکان اجرای طرح جمع‌آوری بخصوصی را خواهد داشت.

پ- هرگونه تقاضای فوری یکی از سرویسهای عضو بمنظور پوشاندن هدف جمع‌آوری بخصوصی بطور کتبی در اختیار دو سرویس دیگر گزارده خواهد شد تا آنرا مورد بررسی و تصویب قرار دهد. در صورت لزوم معاونان سه گانه در فواصل بین اجلاسبه‌های دانشی و ۶ ماهه خود ملاقات خواهند کرد تا درخواست با پیشنهاد مورد نظر را بررسی نمایند.

ت- هریک از سرویسهای سه گانه می‌توانند بدلیل فوریت موضوع طرح عملیاتی بخصوصی را

کتاباً بدو سرویس دیگر پیشنهاد نماید در مورد این قبیل پیشنهادات بهمان ترتیبی رفتار خواهد شد که در بند (۵) - پ ذکر آن گذشته است.

۶- تصمیمات و توصیه‌های کمیته معاونان بدینوسیله تقدیم رؤسای سرویسهای سه گانه می‌گردد تا این تصمیمات را مورد تصویب قرار داده و مراتب را قبل از پایان مارس/ ۱۹۷۳ اعلام دارند. نظرات احتمالی رؤسای سرویسهای سه گانه پیرامون تصمیمات و توصیه‌های معاونان طی اجلاسیه آینده شورا در ژوئیه/ ۱۹۷۳ مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۷- اجلاسیه آینده کمیته معاونان در شهر تهران ظرف هفته اول (ژوئیه/ ۱۹۷۳ - ۱۰ الی ۱۶ تیر ماه/ ۱۳۵۲) برگزار خواهد شد. این اجلاسیه دو روز قبل از شورای سه گانه تشکیل خواهد شد. تاریخ دقیق کنفرانس کتاباً بوسیله سرویس ایران پیشنهاد شده و بوسیله سرویسهای اسرائیل و اتیوپی تصویب خواهد شد.^۱

در ادامه، توصیه‌ها و پیشنهادهای کمیته ارتباطات نیز به کمیته معاونان سه گانه سرویس‌ها ارایه شده است. در این توصیه‌نامه، به چگونگی ارسال و مبادله پیام‌های اطلاعاتی، نحوه استفاده از رمز و شماره گذاری پیام‌ها و تعیین پیک از سوی سرویس اطلاعاتی اسرائیل برای برقراری ارتباط بین ایران و اتیوپی، تا قبل از استقرار سیستم پیک سیاسی بین دو سرویس مزبور، اشاره شده است:

توصیه‌های کمیته ارتباطات به کمیته معاونان سه گانه

کمیته ارتباطات در روز ۷ اسفند ماه ۵۱ در شهر تل‌آویو تشکیل جلسه داده و طرق مختلف ارتباطی را بنحویکه سه سرویس بتواند پیام‌های رمز شده را بین خود مبادله نمایند مورد بررسی قرار داد. کمیته تصمیم گرفت که توصیه‌های مشروحه زیر را به کمیته معاونان تقدیم نماید:

الف -

(۱) پیام‌های صادره از اسرائیل برای سرویسهای ایران و اتیوپی بصورت رمز به تهران و آدیس‌آبابا مخایره شده و بعد از کشف در اختیار نمایندگان سرویسهای مربوطه گذارده خواهد شد.

(۲) پیام‌های صادره از تهران به آدیس‌آبابا و تل‌آویو بصورت کشف در اختیار نماینده سرویس اسرائیل در تهران گذارده خواهد شد و وی بعد از رمز کردن این پیامها آنها را فوراً به تل‌آویو مخایره می‌کند و بعداً از تل‌آویو به آدیس‌آبابا مخایره خواهد شد. در این مرحله پیامهای وارده

ت-

روش کار:

(۱) کلیه پیامها دارای شماره ردیف خواهند بود.

(۲) پیامهای صادره از هریک از سرویسهای سه گانه به مقصد دو سرویس دیگر بصورت زیر تنظیم

خواهد شد:

به: عقاب

از: پلنگ- فیل یا شیر

شماره:

پیامهای مبادلاتی قبل از شماره‌های ردیف با علامت EG مشخص خواهند شد.

(۳) پیامهای صادره از هریک از سرویسهای سه گانه به یکی از دو سرویس دیگر بطریق زیر تنظیم

خواهد شد.

از: پلنگ

به: شیر

شماره:

پیامهای دوجانبه همیشه با علامت BL مشخص خواهند شد.

(۴) شماره‌های مسلسل از ۱ الی ۱۰۰ ادامه پیدا کرده و مجدداً از ۱ شروع خواهد شد. برای عطف

کردن بهریک از پیامهای قبلی علامت مشخصه- تاریخ و شماره آن پیام باید ذکر گردد.

ث-

معاونان سه گانه تصمیم گرفتند قبل از استقرار سیستم پیک سیاسی بین سرویسهای ایران و

اتیوپی کلیه مدارک و اسناد مورد نظر از طریق پیک سرویس اسرائیل بین آدیس آبابا و تهران

مبادله گردد.^۱

اجلاس کمیته معاونان سرویس‌های ایران، اتیوپی و اسرائیل که در اسفند ۱۳۵۱ در

تل آویو برگزار شد، نیز، توصیه و پیشنهاد خود را به رؤسای دستگاه اطلاعاتی سه گانه ارایه

کرد. در این توصیه نامه به گزارش ارایه شده از سوی سرویس اسرائیل درباره اوضاع کشور

یمن و نیز گروه‌های داخلی آن کشور به عنوان نمونه و الگو اشاره و سپس توصیه شده که هر

۱. پیوست همان گزارش، مورخ ۵۱/۱۲/۲۰، با طبقه بندی سری.

سه سرویس موظف به تهیه گزارش‌هایی مشابه از کشور عراق، یمن جنوبی و سومالی هستند. در ضمن تأکید شده که گزارش مورد نظر باید تا قبل از ژوئن ۱۹۷۳م/خرداد ۱۳۵۲ تهیه و ارایه شود. این توصیه نامه قبل از هر چیز نشانگر میزان اعمال نفوذ اسرائیلی‌ها به سران سرویس‌های اتیوپی و ایران و چگونگی دیکته کردن اهداف و برنامه‌ها و شگردهای صهیونیستی به سرویس‌های مزبور است:

توصیه‌های کمیته معاونان سه گانه پیرامون فعالیت ویژه سیاسی برای تقدیم به رؤسای سرویس‌های سه گانه

۱- سرویس اسرائیل دو گزارش پیرامون اطلاعات عملیاتی درباره جمهوری دموکراتیک خلق یمن و عناصر مخالف در آن و همچنین گزارش دیگری درباره شخصیت‌های یمنی که مخالف رژیم یمن جنوبی هستند تقدیم کمیته نمود.

۲- کمیته توصیه می‌کند که سه سرویس عضو یک سلسله گزارشات در چهارچوب اطلاعات عملیاتی پیرامون عراق، یمن جنوبی و سومالی تهیه نماید این گزارشات باید مشابه گزارشاتی باشد که سرویس اسرائیل پیرامون یمن جنوبی تهیه کرده است یعنی گزارشات مذکور لازم است حاوی حداکثر اطلاعات درباره عناصر و شخصیت‌های مخالف رژیم‌های سه کشور هدف باشد. این گزارشات باید قبل از اول ژوئن ۱۹۷۳ میان سرویس‌های سه گانه توزیع گردد. در اجلاس آینده کمیته معاونان گزارشات نامبرده بالا در یکدیگر تلفیق گردیده و یک گزارش اطلاعات عملیاتی مشترک تنظیم خواهد گردید. یک سلسله توصیه‌ها بر مبنای اطلاعات مندرج در گزارشات یاد شده بالا تنظیم شده و تقدیم رؤسای سرویس‌های سه گانه خواهد گردید این توصیه‌ها شامل موارد مشروحه زیر خواهد بود:

الف- تلاش‌های بیشتر در جهت جمع‌آوری از هدف‌های ویژه که ذکر آن در گزارشات یاد شده بالا خواهد گذشت.

ب- توصیه‌های عملیاتی.^۱

سرویس اطلاعاتی ایران، به عنوان یکی از اعضای پیمان سه جانبه اطلاعاتی، طی نامه‌ای پیشنهاد خود را درباره وظایف دبیرکل سه گانه مستقر در آدیس آبابا (اتیوپی) به اطلاع دو سرویس دیگر رساند. در این پیشنهاد به جایگاه و مسئولیت دبیرکل، و تعهدات کمیته

۱. پیوست همان گزارش، مورخ ۵۱/۱۲/۲۰، با طبقه‌بندی سری.

معاونان در قبال او و نحوه برقراری ارتباط و تبادل اخبار و اطلاعات میان آن‌ها به شرح ذیل اشاره شده است:

وظائف دبیرکل سه گانه

وظائف دبیرکل سه گانه (ایران- اسرائیل- اتیوپی) که بنابر تصویب اولین شورای سه گانه بطور دائمی در آدیس آبابا اقامت می‌کند بشرح زیر از طرف سرویس ایران پیشنهاد می‌شود تا بعد از تصویب رؤسای دو سرویس دیگر به صورت دستورالعمل به دبیرکل ابلاغ شود.

دبیرکل سه گانه مسئول امور دبیرخانه‌ای همکاری سه گانه بین سرویسهای ایران- اسرائیل و اتیوپی بوده و وظیفه‌ای بطورکلی هماهنگ کردن فعالیتهای سه سرویس در مورد امور مربوط به همکاری سه گانه و کنفرانسهای مربوطه به آن می‌باشد.

جزئیات وظائف دبیرکل سه گانه بشرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- تماس دائم و منظم با نمایندگان سرویسهای اتیوپی و اسرائیل بمنظور انجام ترتیبات مربوط به کنفرانسهای سه گانه- تبادل اطلاعات و مسافرتها مقامات سه سرویس به کشورهای یکدیگر در چهارچوب همکاری سه گانه.

۲- یادآوری و پیگیری اقدامات اطلاعاتی- عملیاتی و غیره که در فاصله بین دو ملاقات کمیته معاونان و شورا باید بوسیله سه سرویس انجام شود- صدور- یادداشت‌هایی بعنوان سه سرویس با توجه به قطعنامه کنفرانسها در مورد برگزاری شورای سه گانه و کمیته‌های تابعه آن و یا ملاقات یا کنفرانس دیگری که در چهارچوب همکاری سه گانه بین سه سرویس انجام می‌گیرد.

در این یادداشتها دبیرکل تاریخ- محل برگزاری و موضوع کنفرانس مورد نظر را بااطلاع سه سرویس رسانده و از آنها درخواست خواهد نمود که نمایندگان خود را در کنفرانس مورد نظر تعیین کرده و نظریات احتمالی خود را ارائه نمایند. این یادداشتها که پس از تلفیق نظرات سه سرویس تهیه می‌شود حداقل یک ماه قبل از برگزاری هر کنفرانس بین سه سرویس توزیع خواهد شد.

۳- حضور در جلسات شورا و کمیته معاونان سه گانه بمنظور اطلاع از مصوبات این جلسات.

۴- تنظیم یک گزارش گردش کار از فعالیتهای دبیرخانه و یک گزارش مالی از مخارج انجام شده[۱] دبیرکل گردش کار خود را در جلسات شورا و کمیته معاونان قرائت کرده و نظرات اعضاء کنفرانسهای فوق‌الذکر را در مورد گزارش خود استفسار خواهد نمود.

۵- تنظیم گزارش مبادله اخبار بین سه سرویس بر مبنای گزارش هر سرویس پیرامون امر مبادله خبر، کیفیت اخبار مبادله شده و میزان پوشاندن فهرست نیازمندیهای هر سرویس.
(فرم گزارش مبادله اخبار بعداً بوسیله کمیته معاونان تنظیم شده و به دبیرکل ابلاغ خواهد گردید).

دبیرکل گزارش مبادله اخبار را به کمیته اطلاعات و کمیته معاونان (هنگامیکه در فاصله دو شورا ملاقات می‌کند) تسلیم خواهد نمود.

۶- نگاهداری سوابق مالی و محاسبات مربوط به بودجه دبیرخانه سه گانه و تسلیم فهرست مخارج انجام شده به کمیته معاونان و شورای رؤسای سه سرویس هنگام برگزاری هر اجلاس شورا.
برای تصویب آن بودجه دبیرخانه باید به حدنصاب مصوبه- ۱۵۰۰ دلار برسد.^۱
در گزارش دیگر ساواک، به چهارچوب همکاری‌های سرویس سه گانه اتیوپی، ایران و اسرائیل و جایگاه کمیته‌های اطلاعات، امنیت و کمیته معاونان و وظایف و مسئولیت هر کدام از آنها در قبال اجلاس شورای سه گانه، اشاره شده است. در این گزارش زمان تشکیل کمیته‌ها و اجلاس شورای سه جانبه، برخلاف پیمان سه جانبه ترکیه، ایران و اسرائیل که هر شش ماه یک بار برگزار می‌شد، هر سال یک بار پیش‌بینی شده است:

درباره: تعیین نماینده ساواک در کنفرانس معاونان

منظور استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

با توجه به مصوبات قبلی در چهارچوب همکاری‌های [...] سه گانه (ایران- اسرائیل- اتیوپی)
کمیته‌های مشروحه زیر، تحت نظر شورای سران سه سرویس فعالیت می‌کنند:

۱- [...]]

۲- سه گانه (ایران- اسرائیل- اتیوپی)

(مستخرج از اساسنامه و قطعنامه‌های مصوبه)

الف- کمیته امنیت:

هر سال یکبار همزمان با شورا با شرکت کارشناسان امنیتی سه سرویس تشکیل جلسه خواهد داد.

ب- کمیته اطلاعات:

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. این گزارش احتمالاً در سال ۱۳۵۱ تهیه شده است.

هر سال یکبار همزمان با شورا و با شرکت کارشناسان اطلاعاتی (بررسی) سه سرویس تشکیل جلسه خواهد داد.

پ- کمیته معاونان:

در سال دوبار تشکیل جلسه داده و وظائف آن با توجه به قطعنامه‌های مصوبه بقرار زیر خواهد بود:

- بررسی بودجه دبیرخانه.

- بررسی و تصویب بودجه عملیات مشترک.

- بررسی عملیات مشترک در کشورهای هدف با توجه به پیشنهادات هریک از سه سرویس.

- ادامه- توسعه- محدود کردن یا خاتمه عملیات مشترک.

- بررسی هدف‌های جمع‌آوری بنابر پیشنهاد هریک از سه سرویس.

با شرح مراتب بالا و با توجه به اینکه وظائف اصلی کمیته هماهنگ کننده سه‌جانبه (ایران- ترکیه- اسرائیل) و کمیته معاونان سه‌گانه (ایران- اسرائیل- اتیوپی) در جهت مسائل عملیاتی در کشورهای هدف می‌باشد مقرر فرمایند اوامر عالی را در مورد نماینده ساواک در کمیته‌های یاد شده بالا امر بابللاغ فرمایند تا به همان ترتیب عمل شود. ضمناً باستحضار می‌رساند که تاکنون سرلشگر معتضد بعنوان معاون سازمان اطلاعات و امنیت کشور در کمیته‌های مشروح بالا شرکت می‌کرده‌اند.^۱

دومین اجلاس شورای سه‌گانه سرویس‌های اطلاعاتی اتیوپی، اسرائیل و ایران و کمیته‌های تابعه آنها در تیر ماه سال ۱۳۵۲، در تهران برگزار شد. گزارش ساواک در این باره چنین است:

گزارش

درباره احضار به مرکز

منظور:

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

بنابر تصویب قبلی دومین اجلاس شورای سه‌گانه و کمیته‌های تابعه آن با شرکت رؤسای سه

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. به نظر می‌رسد این گزارش در سال ۱۳۵۱ تهیه شده است.

سرویس ایران- اسرائیل و اتیوپی از ۱۸ تا ۲۰ تیر ماه/ ۵۲ در تهران برگزار خواهد شد. در صورت تصویب مستدعی است مقرر فرمایند طبق روش به دبیرکل سه گانه که در آدیس آبابا مستقر می باشد (آقای محمد بهمنش) دستور داده شود که بمنظور شرکت در جلسات کنفرانس در رأس تاریخ یاد شده بتهران عزیمت نماید.

پیمانها^۱

اداره پیمانها در ساواک، طی گزارشی به ریاست ساواک، پیشنهادهای خود را درباره چگونگی و زمان برگزاری دومین اجلاس شورای سه جانبه و زمان تشکیل کمیته های تابعه، چنین رایه کرده است:

گزارش

درباره شورای سه گانه

منظور:

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

بنابر تصویب قبلی شورای سه گانه با شرکت رؤسای سرویسهای ایران- اسرائیل- و اتیوپی و کمیته های اطلاعات- امنیت و معاونان ظرف هفته اول ژوئیه ۱۹۷۳ (۱۰ الی ۱۶/ تیرماه/ ۵۲) در تهران برگزار خواهد شد.

ذیلاً تاریخ و ترکیب هیئت نمایندگی ساواک در شورا و کمیته های تابعه آن به عرض می رسد تا در صورت تصویب در کنفرانس آینده و کنفرانسهای بعدی به همان ترتیب عمل شود:

۱- کمیته امنیت سه گانه (سه شنبه و چهارشنبه ۱۲ و ۱۳ تیرماه ۵۲)

الف- مدیرکل یا معاون یا یکی از رؤسای اداره کل هشتم

ب- مدیرکل یا معاون یا یکی از رؤسای ادارات کل سوم.

پ- در صورت تصویب ریاست هیئت ساواک در کمیته امنیت سه گانه، مانند کمیته امنیت سه جانبه

با مدیرکل اداره هشتم یا نماینده ایشان خواهد بود.

۲- کمیته اطلاعات سه گانه (سه شنبه و چهارشنبه ۱۲ و ۱۳ تیرماه ۵۲)

الف- یک نماینده از اداره کل هفتم.

ب- یک نماینده از اداره کل دوم.

۱. گزارش ساواک، مورخ ۵۲/۳/۱۰، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

ب- در صورت تصویب ریاست کمیته اطلاعات سه گانه مانند کمیته اطلاعات سه جانبه با آقای حسین حجازی نماینده مدیرکل اداره هفتم خواهد بود.

۳- کمیته معاونان سه گانه (پنجمین ۱۴ تیرماه ۵۲)

بنابر تصویب قبلی مدیرکل اداره هفتم رئیس بخش مستقل پیمانها بمنوان اعضاء دائمی کمیته هماهنگ کننده سه جانبه تعیین شده‌اند در صورت تصویب مقرر فرمایند در مورد کمیته معاونان سه گانه نیز بهمین ترتیب عمل شود.

شورای سه گانه (شنبه و یکشنبه ۱۶ و ۱۷ تیرماه ۵۲)

معمولاً شورا در سطح رؤسای سه سرویس تشکیل شده و اعضاء آن بشرح زیر می‌باشند:

الف- رئیس کمیته معاونان.

ب- رئیس کمیته امنیت.

پ- رئیس کمیته اطلاعات.

ت- رئیس بخش مستقل پیمانها.

مقرر فرمایند در شورای سه گانه آینده نیز به همین ترتیب عمل شود.

در صورت تصویب مقرر فرمایند تاریخهای مشروحه بالا در اختیار سرویسهای اتیوپی و اسرائیل گذارده شود و با توجه به ترکیب کمیته‌ها طبق پیشنهادات بالا از ادارات کل ذینفع درخواست شود که نمایندگان خود را تعیین و سایر اقدامات مربوطه را نیز با توجه به قطعنامه‌های مصوبه قبلی انجام دهند.

پیمانها^۱

رئیس ساواک نیز طی یادداشتی در تاریخ ۵۲/۳/۱۰ در همان گزارش چنین نوشت:

تصویب می‌شود-

اداره پیمانها، طی نامه‌ای دیگر، از ریاست ساواک تقاضا می‌کند که نماینده ساواک در اسرائیل، طبق روال پیمان سه جانبه ایران، ترکیه و اسرائیل، جهت شرکت در کنفرانس اطلاعاتی سه جانبه اتیوپی، اسرائیل و ایران نیز به تهران احضار شود.

رئیس ساواک نیز در پاسخ به اداره پیمانها، در حاشیه، در تاریخ ۵۲/۴/۳، ضمن موافقت با پیشنهاد مزبور، می‌نویسد: احضار شود-

۱. بیوست گزارش سارا، مورخ ۵۲/۳/۱۰.

گزارش

درباره احضار رئیس نمایندگی

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

۱- طبق روش معمول در جریان کنفرانسهای سه‌جانبه رؤسای نمایندگی ساواک در کشورهای ترکیه و اسرائیل جهت شرکت در کنفرانس احضار می‌شوند.

۲- در مورد شرکت نمایندگی‌های سرویسهای عضو همکاری سه‌گانه (ایران- اسرائیل- اتیوپی) از رابط سرویس اسرائیل استفسار شد اظهار داشت که سرویس اسرائیل نماینده خود را در آدیس آبابا در کنفرانس شرکت خواهد داد.

مقرر فرمائید اوامر عالی را در مورد شرکت رئیس نمایندگی ساواک در اسرائیل در کنفرانس سه‌گانه آینده (۱۸ الی ۲۰ تیر ماه ۵۲) امر بابلاغ فرمایند تا بهمان ترتیب عمل شود. ضمناً باستحضار می‌رساند که قبلاً اوامر تیمسار ریاست ساواک در مورد احضار رئیس نمایندگی ساواک در اتیوپی که در عین حال دبیرکل سه‌گانه نیز می‌باشد به اداره کل یکم اعلام شده است. پیمانها^۱

یکی از موضوعات قابل توجه در گزارش ساواک، نامه اداره کل هفتم به رئیس آن سازمان درباره پیشنهاد سرویس اسرائیل مبنی بر تشکیل کمیته امور سیاسی در کنار اجلاس شورای سه‌جانبه است. اسرائیلی‌ها همچنین در پیشنهاد خود، وظایف و موضوع اقدام هریک از کمیته‌های سه‌گانه را در حوزه‌های جغرافیایی سرویس کشور مورد نظر مشخص کرده و برای هریک از سرویس‌ها تعیین تکلیف کرده‌اند:

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک

پیشینه: سرویس اسرائیل در مورد کنفرانس سه‌گانه که دومین اجلاس آن در نیمه اول تیر ماه سال جاری در تهران تشکیل می‌شود پیشنهاداتی ارائه نموده که در تاریخ ۱۳۵۲/۳/۱۷ از طریق بخش مستقل پیمانها به اداره کل هفتم واصل گردیده است.

سرویس اسرائیل پیشنهاد نموده است که:

۱- دو کمیته معاونان یکی برای امور کلی و دیگری برای تماسهای سیاسی تشکیل شود.

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. به نظر این گزارش در روزهای اول تیر ۱۳۵۲ تهیه شده است.

۲- ساواک در مورد باب‌المندب و خلیج فارس- سرویس اسرائیل در مورد جمهوری دمکراتیک خلق یمن و جنبشهای تروریستی- سرویس اتیوپی در مورد سومالی و باب‌المندب گزارش تهیه و ارائه نمایند.

اقدامات انجام شده:

با رابط سرویس اسرائیل مذاکره و در مورد پیشنهاد بند ۱ توضیح داده شد با توجه به وظایف مشابه کمیته هماهنگ کننده در کنفرانس سه‌جانبه ساده‌تر و عملی‌تر خواهد بود که فقط یک کمیته معاونان تشکیل و وظائف خود را در زمینه مسائل اداری- سازمانی- بررسی گزارشها و پیشنهادات کمیته‌های اطلاعات و امنیت و ارسال به شورای سه‌گانه انجام دهد. این نظر مورد تأیید رابط سرویس اسرائیل واقع شد.

در مورد پیشنهاد بند ۲ توافق شد هر سرویس با توجه به مقدورات خود گزارش تحلیلی پیرامون مناطق هدف (برای ساواک: امارات عربی متحده- کویت- قطر- بحرین- عمان و عراق) تهیه نماید و خواسته شد وسیله سرویس اسرائیل نظر سرویس اتیوپی نیز در مورد گزارشهایی که در کمیته اطلاعات ارائه خواهد نمود استفسار گردد.

ضمناً با توجه به فرصت کمی که تا تاریخ تشکیل کمیته اطلاعات (۱۳۵۲/۴/۱۲) باقی مانده اداره کل هفتم شروع به تهیه گزارشهای مناطق هدف ساواک نموده است.

اداره کل هفتم^۱

حوزه ریاست ساواک در پاسخ به این نامه، از قول رئیس آن سازمان، در تاریخ ۵۲/۳/۲۶ نوشت:

سعی کنید ما از حدود مبادله اطلاعات جلوتر نرویم. طرحهای ما باید در این زمینه باشد. امور سیاسی کار ما نیست. ما در امور سیاسی می‌توانیم توصیه‌هایی به دولت‌های مان بنمائیم. اسرائیلی‌ها پیشنهادها و طرح‌های دیگری نیز در این باره ارایه می‌کردند، که در آنها عمدتاً سعی داشتند اغراض خود را تعقیب کنند. در یکی از گزارش‌های ساواک، ترجمه متن پیشنهادی سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای نحوه فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی سه‌جانبه (اتیوپی، ایران و اسرائیل) چنین است:

ترجمه پیشنهاد واصله از سرویس اسرائیل پیرامون سیستم ارتباطی بین سرویس‌های سه‌گانه

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. این گزارش در خرداد ۱۳۵۲ تهیه شده است.

۱- بر مبنای موافقت رؤسای سرویسهای سه گانه از سرویس اسرائیل درخواست شد که پیشنهاداتی در زمینه طرح ارتباطات تنظیم نماید.

۲- امکان استقرار یک سیستم ارتباطی مستقیم و مستقل بین سرویسهای مربوطه مورد بررسی قرار گرفت اما انجام این موضوع مستلزم مخارج مالی زیاد- تجهیزات ویژه- و پرسنل متعدد می باشد.

۳- بنابراین ما پیشنهاد می کنیم که یک طرح ارتباطی بر مبنای ارتباطات فعلی بین ایستگاههای ما در ایران و اتیوپی و پایگاه این ایستگاهها در اسرائیل بمرحله عمل درآید. خلاصه ای از این طرح ذیلاً تقدیم می گردد.

الف- ارتباطات بوسیله مرس یسیم در ساعات تعیین شده قبلی انجام خواهد گرفت.

ب- ارتباطات را می توان با توجه به میزان نیازمندیها توسعه داد و حتی می توان یک سیستم ارتباطی ۲۴ ساعته دایر نمود تا بدینوسیله اخبار فوری سریعاً مخابره گردد.

۴- سیستم مخابره بطریق زیر خواهد بود:

الف- مخابره مطالب از یک سرویس بدو سرویس دیگر: سرویس مربوطه مطالب مورد نظر را بزبان انگلیسی در اختیار نماینده ما خواهد گذاشت. این مطالب در مرکز مخابرات ما رمز شده و فوراً به پایگاه مخابراتی ما در اسرائیل مخابره خواهد شد.

پایگاه مخابراتی اسرائیل پیام دریافتی را برای استفاده خود کشف کرده و فوراً آنرا بصورت رمز بایستگاه سوم مخابره خواهد کرد. ایستگاه سوم این پیام را کشف کرده و در اختیار سرویس سوم خواهد گذاشت.

ب- ارسال مطالب از سرویس ایران بسرویس اتیوپی و بالعکس- این کار را نیز می توان با روش مشروحه بالا انجام داد.

د- توضیحات بیشتر پیرامون روش مخابراتی مورد پیشنهاد طی مذاکرات مربوط موضوع ارتباطات که در چهارچوب کنفرانس معاونان سه گانه انجام خواهد گرفت ارائه خواهد گردید.^۱

اسرائیلی ها درباره سیستم ارتباطی سرویس های اطلاعاتی سه گانه و نحوه مبادله اطلاعات بین آنها نیز پیشنهادهای خاص خود را ارایه کرده بودند:

گزارش درباره سیستم ارتباطی

۱. پیوست سند ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش احتمالاً در سال ۱۳۵۲ تهیه شده است.

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

گزارش پیوست که ترجمه آن نیز به‌مراه است در مورد سیستم ارتباطی بین سرویس‌های سه‌گانه ایران، اتیوپی و اسرائیل به صورت پیشنهاد از سرویس اسرائیل واصل گردیده است. در گزارش پیوست عطف بمذاکرات رؤسای سرویس‌های سه‌گانه سرویس اسرائیل بررسی‌هایی درباره نحوه ارتباط بین سه سرویس بعمل آورده که طی آن پیشنهاد نموده بطور دائم کلیه مخابرات حتی ارتباط بین ساواک و سرویس اتیوپی از طریق سازمان مخابراتی سرویس اسرائیل در تل‌آویو انجام گردد. (شرح طرح پیوست).

نظریه و پیشنهاد:

عطف به اوامری که به ویژه، پیرامون لزوم استقرار نمایندگی ساواک در کشور اتیوپی صادر فرموده‌اند از یک طرف و با توجه باینکه ارتباط با سرویس اتیوپی از طریق سرویس اسرائیل بدلائل متعدد مصلحت نمی‌باشد در صورت تصویب مقرر فرمایند علیرغم آنچه سرویس اسرائیل مدعی مخارج زیاد آن می‌باشد در کنفرانس آینده معاونان صریحاً تصمیم ساواک مبنی بر ایجاد سیستم ارتباطی مستقیم و مستقل بین سرویس‌های سه‌گانه (بطور دو به دو) به مقامات دو سرویس دیگر اعلام گردد.

پیمانه^۱

در دوره کوتاهی که روابط سیاسی اسرائیل با اتیوپی قطع شده بود، مقامات ساواک سعی کردند تا با استفاده از کانال ارتباط اطلاعاتی پنهان موساد با سرویس اطلاعاتی اتیوپی، رؤسای سرویس اطلاعاتی آن کشور را برای شرکت در اجلاس شورای اطلاعاتی سه‌گانه، مورخ آذرماه ۱۳۵۲، به تهران دعوت کنند. گزارش ساواک در این باره چنین است:

گزارش درباره کنفرانس سه‌گانه

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

روز دوشنبه ۵۲/۸/۷، رابط سرویس اسرائیل اظهار داشت:

۱- بنابر تصمیم قبلی رؤسای سه سرویس ایران- اتیوپی و اسرائیل تاکنون مبادله اطلاعات بین دو سرویس ایران و اتیوپی از طریق سرویس اسرائیل انجام می‌گرفته اما در حال حاضر بعلت قطع روابط سیاسی بین اسرائیل و اتیوپی و احضار کارکنان سفارت اسرائیل از آدیس‌آبابا امکان

۱. گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه‌بندی سری. این گزارش احتمالاً در سال ۱۳۵۱ تهیه شده است.

ارسال اطلاعاتی‌های ساواک برای سرویس اتیوپی موجود نیست ولی چون سرویس اسرائیل هنوز با آدیس آبابا ارتباط تلگرافی دارد فقط ارسال پیامهای تلگرافی امکان‌پذیر می‌باشد.

۲- طبق تصمیم قبلی قرار است کنفرانس سه‌گانه با شرکت رؤسای سه سرویس ایران-اتیوپی و اسرائیل از ۲۶ تا ۲۹ آذر ماه ۵۲ در تهران برگزار شود. رئیس سرویس اتیوپی از طریق سرویس اسرائیل اطلاع داده که اگرچه بین اتیوپی و اسرائیل قطع رابطه سیاسی شده اما کنفرانس سه‌گانه در تاریخ مقرر تشکیل شده و رئیس سرویس اتیوپی برای شرکت در این کنفرانس بتهران عزیمت خواهد کرد.

نظریه و پیشنهاد

۱- در مورد سباده اطلاعات بین دو سرویس ایران و اتیوپی چون اسرائیل با اتیوپی قطع رابطه کرده و ضمناً ساواک نیز نماینده‌ای در آدیس آبابا ندارد مقرر فرمایند سباده اطلاعات بین دو سرویس تا کنفرانس آینده سه‌گانه (۲۶ تا ۲۹ آذر ماه ۵۲ تهران) متوقف شود تا کنفرانس مذکور در مورد نحوه انجام این کار تصمیم بگیرد.

۲- چون ساواک میزان کنفرانس آینده است و مقامات اتیوپی آمادگی خود را برای شرکت در این کنفرانس ابراز کرده‌اند در صورت تصویب مقرر فرمایند از طریق سرویس اسرائیل به رئیس سرویس اتیوپی پیغام داده شود که ساواک آماده پذیرائی از رؤسای دو سرویس در تاریخ مقرر می‌باشد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک (پیمانها)^۱

رئیس ساواک در پاسخ به پیشنهاد اداره پیمانها وابسته به حوزه ریاست ساواک، چنین نوشت: موافقت می‌شود.

یادآوری می‌شود که در تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۹۷۴ [آذر ۱۳۵۳] با یک کودتای نظامی، رژیم سلطنتی هایله سیلاسی سقوط کرد و شورای نظامی حکومت اتیوپی را در دست گرفت [...] در ژوئیه ۱۹۷۷، اسرائیل که مایل نبود در همسایگی خود یک کشور اسلامی به وجود بیاید، ترجیح داد که یک رژیم مارکسیستی در اتیوپی بر سر کار باشد تا یک حکومت عربی و مسلمان. در ژوئیه ۱۹۷۷ اسرائیل دو جزیره «فاطمه» و «حالب» در باب‌المندب را اشغال و شروع به تعلیم چتربازان و افراد نیروهای دریایی اتیوپی نمود و بمب ناپالم در اختیار ارتش

۱. گزارش ساواک، مورخ ۱۳۵۲/۸/۸، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

اتیوپی قرار داد.^۱

این تلاش، نشان از اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی اتیوپی برای اسرائیل داشت. بر این اساس، آن‌ها ضمن استفاده از همه امکانات و اهرم‌های جهانی و منطقه‌ای پیرامون اتیوپی، هیچ‌گاه بهره‌گیری از ابزار و اهرم ساواک را نیز فراموش نمی‌کردند. اسرائیلی‌ها با همه این ابزارها و شیوه‌ها، هیچ‌گاه از امکانات و پوشش ساواک نیز در این مسیر بی‌بهره نبودند.

ژنرال زامیر رئیس موساد در این دوران، در گفت‌وگو با نصیری رئیس ساواک، شیوه‌های ورود و نفوذ به اتیوپی را مورد بررسی قرار می‌دهد:

ژنرال ضمیر: در مورد سه‌گانه چون من پیشنهاد داده‌ام خودم را کمی ناراحت حس می‌کنم. باید بگویم که در اتیوپی دو فکر وجود دارد. یکی مربوط به نخست‌وزیر- وزیر دفاع- وزیر خارجه و دیگری رهبری ولعهد و بعضی از ژنرال‌های ارتش است. گروه اول هدفشان تسلیم شدن به فشارهای کشورهای عرب است. در ضمن سازمان وحدت افریقا یازده عضو عرب هستند و از این طریق بود که اتیوپی را وادار به قطع رابطه با ما نمودند. به ما پیشنهاد کردند که راهی برای ماندن در اتیوپی پیدا نماییم. ولی من شخصاً به ارزش این کار مشکوکم. بنی‌لؤل کیفله ولعهد و فرماندار اریتره می‌خواستند که ما آنجا بمانیم- ما در کنیا حضور داریم و می‌توانیم از طریق کنیا با کیفله تماس بگیریم ولی می‌گذارید [گذاریم] به عهده خود کیفله. در مدت جنگ ما برای کارمندان اتیوپی دوره آموزشی گذاشته بودیم. آنها به‌طور اصولی طرفدار غرب هستند فکر می‌کنم سعی و کوشش ما بتدریج میوه خود را خواهد داد. رفتن ما به باب‌المندب بدون اینکه یک بندر سر راه باشد مشکل بود و فکر می‌کردیم باب‌المندب برای اتیوپی هم به اندازه ما مهم است ولی در میان جنگ ناگهان اتیوپی سیاست خود را عوض کرد.

تیمسار ریاست ساواک: ما برنامه‌ای را شروع کرده‌ایم که در صورت اجرای آن شاید از نظر هدفی که می‌خواستیم دیدی بر باب‌المندب داشته باشیم به اتیوپی احتیاجی نباشد. ولی شاید بعد از کنفرانس ژنو وقتی مصر اسرائیل را شناخت اتیوپی هم اصراری برای رفتن به طرف بلوک افریقا نداشته باشد و شاید علاقه برای برقراری روابط رسمی با اسرائیل پیدا کند. تیمسار کاوه: خبری بود که چند کشتی شما در آنجا دچار مشکل شده بودند.

۱. داود کریملو، اریتره، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۳، صص ۱۳۷ و ۱۳۹.

ژنرال ضمیر: این صحیح نیست ما بدون حمایت نظامی از آنجا عبور می‌کنیم. گردن این راه در دست ماست. لوله نفتی ما هم دارد کار می‌کند.

کیسینجر قویاً معتقد است که اگر بحران را از این منطقه دور کنیم روسها باید از مصر بروند.^۱ اسرائیل از طریق ارتباط، همکاری و پیوندی که با ساواک برقرار کرده بود، استراتژی حاشیه‌ای خود در کشورهای مورد نظر را نیز از این زاویه تعقیب می‌کرد. اسناد حاوی گفت‌وگوها و مذاکرات به جامانده از آن دوران به خوبی گویای این واقعیت هستند که ساواک همواره به مثابه ابزار و آلت دست رژیم صهیونیستی، در پیشبرد اهداف و استراتژی صهیونیست‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت.

مذاکرات دو جانبه ژنرال خوفی رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل با ارتشبد نصیری رئیس ساواک در تاریخ ۱۳۵۶/۲/۱۴ این واقعیت را آشکار می‌سازد. این سند نه فقط میزان نفوذ اسرائیل در اتیوپی و سرمایه‌گذاری اطلاعاتی و جاسوسی صهیونیست‌ها در آن کشور و در میان گروه‌ها و اشخاص مختلف و اهداف مورد نظر صهیونیستی در آن سرزمین را نشان می‌دهد؛ بلکه مطامع اسرائیل در کشورهایی چون سومالی، سودان، جیبوتی، و چگونگی بهره‌گیری اطلاعاتی از عوامل ساواک در این کشورها، به ویژه مصر و عربستان سعودی را بازگو می‌کند.

این سند همچنین نشان می‌دهد که چگونه رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل، از ارتشبد نصیری رئیس ساواک به عنوان یک منبع اطلاعاتی استفاده و از طریق تبادل نظر اطلاعاتی، اسرار امنیتی و حفاظتی کشورهای چو عراق، کویت، عربستان سعودی را به آسانی از او اخذ و در واقع او را تخلیه اطلاعاتی می‌کند.

به علاوه از موقعیت سیاسی ایران در میان برخی دولت‌های غرب مثل فرانسه، به نفع اسرائیل بهره‌برداری و از رئیس ساواک می‌خواهد تا ایران مانع از همکاری هسته‌ای عراق و فرانسه شود. به هر روی به گواهی مندرجات این سند، سرسپردگی و تسلیم‌طلبی مقامات و رؤسای ساواک در برابر سرویس اطلاعاتی اسرائیل به گونه‌ای بود که خواننده، نوعی اتحاد و پیوند استراتژیکی در حوزه مسایل سیاسی، امنیتی و نظامی بین ایران شاهنشاهی و رژیم

۱. سند ساواک، مذاکرات رئیس سرویس اسرائیل با رئیس ساواک، ۱۳۵۲/۱۰/۶، شماره ۱۹۱، تاریخ این گفت‌وگو ۲۸ آذر ۱۳۵۲ ثبت شده است.

اما پیش از آنکه به بحث بپردازیم، لازم است بدانیم که این مسئله به چه نحوی در اسرائیل مطرح شده است. در اسرائیل، مسئله امنیت ملی و دفاع از سرزمین، همواره یکی از اولویتهای اصلی بوده است. در این زمینه، اسرائیل همواره با چالشهای زیادی مواجه بوده است. در سالهای اخیر، با افزایش تنشها در منطقه، مسئله امنیت ملی و دفاع از سرزمین، به یکی از مهمترین مسائل برای اسرائیل تبدیل شده است. در این زمینه، اسرائیل همواره با چالشهای زیادی مواجه بوده است. در سالهای اخیر، با افزایش تنشها در منطقه، مسئله امنیت ملی و دفاع از سرزمین، به یکی از مهمترین مسائل برای اسرائیل تبدیل شده است.

در این زمینه، اسرائیل همواره با چالشهای زیادی مواجه بوده است. در سالهای اخیر، با افزایش تنشها در منطقه، مسئله امنیت ملی و دفاع از سرزمین، به یکی از مهمترین مسائل برای اسرائیل تبدیل شده است. در این زمینه، اسرائیل همواره با چالشهای زیادی مواجه بوده است. در سالهای اخیر، با افزایش تنشها در منطقه، مسئله امنیت ملی و دفاع از سرزمین، به یکی از مهمترین مسائل برای اسرائیل تبدیل شده است.

در این زمینه، اسرائیل همواره با چالشهای زیادی مواجه بوده است. در سالهای اخیر، با افزایش تنشها در منطقه، مسئله امنیت ملی و دفاع از سرزمین، به یکی از مهمترین مسائل برای اسرائیل تبدیل شده است. در این زمینه، اسرائیل همواره با چالشهای زیادی مواجه بوده است. در سالهای اخیر، با افزایش تنشها در منطقه، مسئله امنیت ملی و دفاع از سرزمین، به یکی از مهمترین مسائل برای اسرائیل تبدیل شده است.

در این زمینه، اسرائیل همواره با چالشهای زیادی مواجه بوده است. در سالهای اخیر، با افزایش تنشها در منطقه، مسئله امنیت ملی و دفاع از سرزمین، به یکی از مهمترین مسائل برای اسرائیل تبدیل شده است. در این زمینه، اسرائیل همواره با چالشهای زیادی مواجه بوده است. در سالهای اخیر، با افزایش تنشها در منطقه، مسئله امنیت ملی و دفاع از سرزمین، به یکی از مهمترین مسائل برای اسرائیل تبدیل شده است.

وزیر امور خارجه کار می‌کند یک مارکسیست حرفه‌ای است. بعلاوه در داخل هیئت حاکمه اتیوپی کسانی نفوذ دارند که تحصیل‌کرده شوروی هستند و از راه رسم مارکسیسم پیروی می‌نمایند و لذا این یک امر طبیعی است که اتیوپی بسوی روسها کشیده شود خاصه آنکه از امریکا چیزی دریافت نکرده است. من معتقدم که رئیس حکومت اتیوپی کمونیست نیست و اگر غرب می‌توانست او را حفظ کند هیچگاه به روسها نزدیک نمی‌شد.

ارتشبد نصیری: آیا «آتوزامنا» رئیس سازمان امنیت اتیوپی کمونیست است یا خیر؟
دکتر کیمخی: او صد در صد طرفدار غرب بوده و معتقد است که شوروی پایگاههای خود را در سومالی از دست نخواهد داد و اگر قرار باشد روسها میان سومالی و اتیوپی یکی را انتخاب کنند مسلماً سومالی را انتخاب خواهند کرد. بعلاوه نمی‌توان تصور کرد که عربستان سعودی بتواند روسها را از سومالی دور کند.

ارتشبد نصیری: سعودی‌ها اظهار داشته‌اند که پول نقد به سومالی نخواهند داد و بصورت اعتبار برای اقدامات عمرانی سومالی کمک خواهند کرد.
دکتر کیمخی: ما اطلاعی در این باره نداریم.

ارتشبد نصیری: بنابراین هیئت حاکمه اتیوپی مرکب از یک سوسیالیست-چند کمونیست و چند نفر طرفدار غرب است. چطور این افراد با یکدیگر کار می‌کنند؟
دکتر کیمخی: این یک ازدواج مصلحتی است.

ارتشبد نصیری: کدامیک از عناصر مهم دولتی طرفدار غرب هستند؟
دکتر کیمخی: جواب این سؤال مشکل است زیرا عوامل ما در آنجا زیاد نیستند که بتوانند اخبار کافی بدست آورند.

ارتشبد نصیری: بنظر شما آینده اتیوپی به چه نحو خواهد بود؟
ژنرال خرفی: اجازه بدهید من جواب این سؤال را بدهم. ما در مورد نظرات خود اطمینان زیاد نداریم البته با افراد مخالف دولت سومالی درباره اتیوپی زیاد صحبت کرده‌ایم هم در اسرائیل و هم در خود اتیوپی. مشکل اصلی در گذشته و حال حفظ تماس با ارضی اتیوپی است. جنگ با دشمن خارجی در حالی که در داخل آرامش وجود ندارد مشکل است. گذشته از گروههای چپ و راست گروه سومی نیز در اتیوپی وجود دارد و این گروه سلطنت‌طلبان هستند که از ناحیه سودان حمایت می‌شوند و حکومت اتیوپی خطر گروه سلطنت‌طلبان را جدی تلقی

... می‌کشد. «حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق است یا آیه می‌گوید؟»

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

«حق می‌گوید و قلب می‌گوید و زبان می‌گوید و این است حق».

[جیبوتی]

ارتشبد نصیری: می‌خواستم درباره جیبوتی توضیحاتی بدهید.

ژنرال خونی: یک میلیون مسئله درباره جیبوتی وجود دارد. ما مطمئن هستیم که فرانسویها این ناحیه را ترک خواهند کرد. قرار است در جیبوتی انتخابات شود ما اطلاعاتی داریم که آفاراها (AFARS) این انتخابات را قبول نخواهند کرد زیرا بازنده خواهند بود و در آن صورت جیبوتی به سوماتالی ملحق خواهد شد. دولت اتیوپی آفاراها را آموزش نظامی داده و به جیبوتی فرستاده است تا در صورت لزوم از وجود آنها استفاده کند. در حال حاضر کشورهای غربی هجوم آورده‌اند که در جیبوتی سفارتخانه باز کنند من (ژنرال خونی) می‌خواستم یادآوری کنم که جیبوتی مسئله مهمی است. برای ایران نیز مسئله خیلی حائز اهمیت است البته خود شما باین موضوع واقف هستید بنظر ما برای ایران لازم است که در جیبوتی نمایندگی سیاسی داشته باشد.

ارتشبد نصیری: احتمال می‌رود جیبوتی ضمیمه سوماتالی یا اتیوپی شود.

ژنرال خونی: من مطمئن نیستم. ممکن است بعد از خروج فرانسویها ارتش مستقلی در جیبوتی تشکیل شود و حکومت مستقلی بوجود آورد. ما شروع به جمع‌آوری اطلاعات از جیبوتی کرده‌ایم و شما نیز این اطلاعات را خواهیم داد. قبلاً بشما اطلاع داده بودیم که ما با سوماتلیها در تماس هستیم. اخیراً تماسهای مستقیمی با گروههای زیرزمینی داخل سوماتالی داشته‌ایم و چون این امر مورد توجه شما است حاضریم در صورتی که مایل باشید میان شما و این گروهها ارتباط برقرار کنیم و می‌خواستم بگویم که لازم نیست در این راه پولی خرج شود. شما می‌توانید با تماس با این افراد اطلاعات لازم را از داخل سوماتالی بدست آورید.

ارتشبد نصیری: ارتباط ما به هر حال از طریق شما انجام خواهد شد و بهتر است اول در خود اسرائیل این تماس برقرار شود.

ژنرال خونی: ما این کار را برای شما انجام خواهیم داد دنباله کار را به نظر و مصلحت خودتان تنظیم نمائید.

ارتشبد نصیری: آیا این گروههای زیرزمینی طرفدار غرب هستند؟

ژنرال خونی: بله. این افراد طرفدار غرب هستند.

ارتشبد نصیری: اولین تماس چگونه خواهد بود؟

هستند و این امر مشکلی نیز میان ما و شورویها بوجود خواهد آورد. این جواب صریح سعودی روشن ساخت که آنها مخالف این طرح هستند و من فکر می‌کنم مصر سودان را برای تشکیل این اتحادیه جلو انداخته است. بهر حال این مسئله اکنون متفی شده است.

ما این اطلاعات را با تماس مستقیم با دولت و مقامات امنیتی سعودی بدست آورده‌ایم. سعودیها وقتی از علت تشکیل این جلسه مطلع شدند واقعاً ناراحت شدند. من شخصاً فکر می‌کنم در حال حاضر اعراب دارای نیروی دریائی مجهزی نیستند و نمی‌توانند در بحر احمر سیادت از خود نشان دهند. بحر احمر یک شاهراه تجارتی است و به خواسته چند کشور عربی نمی‌توان تغییراتی در آن ایجاد کرد خاصه آنکه بحر احمر یک دریای بسته نیست.

[عربستان سعودی]

ژنرال خرفی: سعودیها را چگونه ارزیابی می‌کنید. آیا تهدیدی علیه ایران و اسرائیل نیستند؟
ارتشبد نصیری: هر کشور عربی می‌خواهد رهبری بقیه اعراب را در دست داشته باشد. بدبختانه فقر اعراب و ثروت سعودی موجب تبعیت اعراب از سعودی شده است. وضع داخلی عربستان سعودی هیچ رضایتبخش نیست. تمام مشاغل میان امراء و شاهزادگان تقسیم شده است. کارهای تجارتی و ساختمانی بدون شرکت امراء و شاهزادگان اجراء نمی‌شود و به این ترتیب سعودی نمی‌تواند آینده روشنی داشته باشد. اخیراً سعودیها چند نار جنگی خریده‌اند ولی پرسنلی را که بتواند از این کشتیها استفاده کند در اختیار ندارند. استفاده از کشتی نیاز به پرسنل تحصیلکرده دارد.

ژنرال خرفی: اما نقش سعودی در جهان عرب خیلی بیش از گذشته است.

ارتشبد نصیری: بعلمت پول و وجهه مذهبی آن کشور است.

ژنرال خرفی: از نظر توسعه نظامی عربستان سعودی باید حدی را در نظر بگیرد. آنها در نزدیکی ایلات در «تبوک» یک شهر نظامی ایجاد می‌کنند و پایگاههای هوائی و زمینی دایر کرده‌اند و بکشورهای عربی هم کمک نظامی می‌کنند. بنظر ما تمرکز قوا و تجهیزات سعودی نزدیک ایلات تهدید جدی علیه اسرائیل است.

ارتشبد نصیری: سعودیها می‌خواهند مرزهای کشور صحرائی خود را حفظ کنند. نیمی از ارتش آن کشور از عناصر بدوی تشکیل شده و نیم دیگر یک ارتش منظم است. به این ترتیب ارتش سعودی تابع دو گروه از امراء و شاهزادگان می‌باشد. موضوع اینست که همه وسائل نظامی عیناً

چریکی آموزش داده می‌شود. در دوره شش ماهه با تمام انواع خرابکاری و وسایل مربوط به آن آشنا می‌شوند. در دوره نه ماهه افسر چریک تربیت می‌کنند.

ژنرال خونی: من مطمئن هستم که مرکز اصلی در بغداد است.

می‌خواستم تقاضا کنم اگر از ایرانی‌هایی که از اقدامات گذشته خود پشیمان شده و خواستار مراجعت بوطن هستند کسانی با فلسطینی‌ها در ارتباط بوده‌اند اطلاعات آنها به ما داده شود.

ارتشبد نصیری: این کار را خواهیم کرد.

ژنرال خونی: برای برگزاری سمینار ما کارمندان متخصص خود را به ایران می‌فرستیم شما نیز چند نفر را به اسرائیل بفرستید تا برای اعضای ما در مورد مبارزه با تروریسم سخنرانی کنند.

ارتشبد نصیری: بسیار فکر خوبی است.

ژنرال خونی: بهر حال ما آمادگی کامل برای همه گونه همکاری داریم و امیدواریم شخص جنابعالی را هرچه زودتر در اسرائیل ملاقات کنیم و منتظر ملاقات یکسال دیگر نشویم.

ارتشبد نصیری: متشکرم. البته اگر موقعیت ایجاب کرد زودتر از سال آینده خواهیم آمد.

ژنرال خونی: در خاتمه باید عرض کنم که ما باید از میان کشورهای افریقائی کنیا را تقویت کنیم زیرا کنیا تنها کشور طرفدار غرب در شرق افریقا است و بعد از رهبری کنونی معلوم نیست

سرنوشت این کشور به چه صورت درخواهد آمد.^۱

اهمیت اتیوپی و جایگاه آن در استراتژی پیرامونی اسرائیل، ایستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیلی در آن کشور و مسایل متعدد دیگر، موجب شده بود که اسرائیلی‌ها و به‌ویژه سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، مسایل آن کشور را به‌طور جدی تحت نظر و کنترل داشته باشد. در این میان نقش ساواک برای اسرائیلی‌ها بسیار اساسی می‌نمود. مذاکرات رئیس ساواک با معاون سرویس اطلاعاتی اسرائیل پیرامون مسایل اتیوپی قابل توجه و خواندنی است. این متن از سوی محیط (اداره پیمان‌ها)، از حوزه ریاست ساواک طی ۴ صفحه به مدیریت کل اداره هفتم و دوم ارسال شده است:

ملاقات تیمسار ریاست ساواک با آقای کیمخی معاون سرویس اسرائیل (۳۶/۵/۲۸-تهران)

[اهداف اسرائیل در اتیوپی]

دکتر کیمخی: اخیراً منگستو رهبر اتیوپی یادداشتی برای نخست‌وزیر ما فرستاد و طی آن

۱. گزارش ساواک، مورخ ۳۶/۲/۱۴ [۱۳۵۶]، بدون شماره، با طبقه‌بندی سری.

مقیاس وسیعی از دست داده است. از نظر نظامی اتیوپی سعی می‌کند که تا اکتبر آینده بنحوی خود را حفظ کند تا فصل باران شروع شود شاید در آن موقع بتواند قسمتهای از دست رفته استان اوگادن را پس بگیرد. سیاست ما در اتیوپی با سیاست غرب تفاوت داشته است گذشته از موضوع بحر احمر و کشتیهای اسرائیلی که در سواحل اتیوپی پهلوی می‌گیرند عوامل دیگری هم هست. ما با امریکا و شما موافق هستیم که منگیستو به روسها نزدیک شده است اما حتی اگر او سرنگون شود ما باز هم به اتیوپی کمک خواهیم کرد چون مسئله منگیستو مطرح نیست موضوع تمامیت ارضی کشوری مطرح است که برای دفاع از سرحدات خود دست به یک پیکار ملی زده است. شما خوب می‌دانید که اگر منگیستو سقوط کند باز هم جنگ ادامه خواهد یافت. غرب باید جای پائی برای خود در اتیوپی باقی بگذارد ما بشما اطمینان می‌دهیم که اگر غرب به اتیوپی کمک کند این کشور در صفوف کشورهای طرفدار غرب درخواهد آمد. اما اگر غرب از کمک باین کشور خودداری کند نه فقط دولت اتیوپی بلکه مردم این کشور نیز برای همیشه ضد غربی خواهند شد.

تیمسار ریاست ساواک: اما کمک غرب در گذشته فایده‌ای دربر نداشته است. دکتر کیمنی: اگر بعد از تغییر رژیم غرب به اتیوپی کمک می‌کرد هرگز این کشور بسوی شوروی نمی‌رفت.

تیمسار ریاست ساواک: ظاهراً شوروی هم کمک نظامی واقعی به اتیوپی نکرده است. دکتر کیمنی: شوروی سعی دارد که در وهله اول سوماتی را برای خود نگاهدارد اما امیدوار است که در این میان اتیوپی را هم به چنگ آورد از اینرو کمکهای محدودی به او می‌دهد اما نه در مقیاسی که برای سوماتی خطری ایجاد نماید.

تیمسار ریاست ساواک: شوروی سلاحهای جدیدی به یمن جنوبی داده است و در مقابل خواسته که حکومت یمن جنوبی سلاحهای کهنه خود را به اتیوپی بدهد. با کمک و نفوذ عربستان سوماتی از دست شوروی خارج خواهد شد. چون شرط کمک سعودی به سوماتی جدائی این کشور از شوروی است.

دکتر کیمنی: در دو هفته گذشته حداقل سه کشتی روسی مملو از اسلحه و مهمات در بندر بربرا پهلوی گرفتند تا بار خود را به حکومت سوماتی تحویل دهند.

تیمسار ریاست ساواک: قرار هم بر این است که فعلاً عربستان سعودی از لحاظ اقتصادی و

ایجاد حکومت فدرال کار مطلوبی است شما هم می‌توانید عربستان و مصر را وادار کنید که اریتره را زیر فشار قرار دهند تا با ایجاد حکومت فدرال در اتیوپی موافقت کنند. اگر منگیستو سقوط کند کسی نمی‌داند چه کسی جای او را خواهد گرفت شاید هم یک مارکسیست سرکار بیاید که بدتر از او باشد. بسیاری از رجال طراز اول اتیوپی منجمله رئیس ستاد ارتش و رئیس سازمان امنیت صد در صد طرفدار غرب هستند.

تیمسار ریاست ساواک: شنیده‌ام که اتیوپی اخیراً تسهیلات بندری در اختیار شوروی گذاشته است.

دکتر کیمخی: این خبر مورد تأیید ما نیست چون همانطوری که می‌دانید اتیوپی فقط اکنون یک بندر در کنار بحر احمر دارد چون بقیه این مناطق زیر تسلط شورشیان اریتره است. باید در خاتمه عرض کنم که هنوز می‌شود اتیوپی را خارج از اردوگاه شوروی حفظ کرد. اگر امریکا منگیستو را سرنگون کند کار بدی نیست مشروط بر اینکه بعد از او تمام اتیوپی به اردوگاه شوروی ملحق نشود. فرانسه هم می‌خواهد منگیستو را سرنگون کند چون فرانسویها می‌خواهند در جیبوتی باقی بمانند و از طرفی با سوماتالی همکاری دارند.

(در مورد اتباع اسرائیلی متولد اروپای شرقی که مایل به کار در ایران هستند در اجرای اوامر مراتب به مدیر کل اداره هشتم اعلام شد تا از حضور تیمسار ریاست ساواک کسب دستور نماید).^۱

ژنرال موشه دایان وزیر امور خارجه وقت اسرائیل، طی دیداری که در مرداد سال ۱۳۵۶ از تهران به عمل آورد، طی دیداری با رئیس ساواک سیاست‌ها و برنامه‌های اسرائیل در اتیوپی را مورد بحث قرار داد. موشه دایان تسلط اتیوپی بر بنادر دریای سرخ را به نفع اسرائیل ارزیابی و نسبت به تداوم کمک به منگیستوها یله ماریام تأکید کرد. وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی با اشاره به تقاضای رئیس جمهور وقت اتیوپی از اسرائیل برای آموزش سربازان و نظامیان اتیوپیایی، به نفوذ صهیونیست‌ها در ارتش آن کشور و برنامه‌ریزی برای تحکیم و تثبیت این حضور در آینده تصریح نمود.

گزارش طبقه‌بندی شده ساواک درباره این مذاکرات بسیار حائز اهمیت است:

ژنرال دایان: اکنون احتمال دارد که منگیستو رهبر کشور اتیوپی به غرب نزدیک شود.

۱. پیوست گزارش ساواک، مورخ ۱۳۵۶/۵/۳۰، شماره ۱۰۰/۸۶۳۵، با طبقه‌بندی سری.

تیمسار ریاست ساواک: در اخبار خواندم که امریکا اطمینانی به منگیتو ندارد. ژنرال دایان: باید بگویم که امریکا هنوز در آدیس آبابا سفارت دارد و حتی برنامه کمکهای اقتصادی خود را به اتیوپی نیز دنبال می‌کند. امریکائیان راه را برای خود باز گذاشته‌اند. تیمسار ریاست ساواک: اعتماد به منگیتو کار مشکلی است همانطور که اعتماد به قذافی و بلوک شرق مشکل است.

ژنرال دایان: منگیتو مشکلات زیادی در پیش دارد. ممکن است اریتره را از دست بدهد. البته اگر شخص بهتری از او سر کار بیاید طبیعتاً امری خوشنود کننده است ولی با اجازه شما می‌خواهم سیاست اسرائیل را در مورد اتیوپی برایتان تشریح کنم. اگر در جنگ کنونی سومالی برنده شود بحر احمر تبدیل به یک دریای عربی خواهد شد و این کاری است که ما با آن مخالفیم. ما اعتقاد و علاقه داریم که از خلیج فارس تا اسرائیل در مسیر راههای آبی از عربیت این راهها اسمی برده نشود. اگر اتیوپی کماکان بر اوضاع خود مسلط باشد بنادر بحر احمر این کشور برای ما جنبه دوستانه خواهد داشت. همچنین در این صورت هواپیماهای ما نیز خواهند توانست از فضای اتیوپی استفاده نمایند. به هر صورت تا موقعی که منگیتو حاکم بر اوضاع اتیوپی است ما تماس خود را با او قطع نخواهیم کرد و کمکهای لازم را نیز به او خواهیم داد. اخیراً وی درخواست کرد که به قسمتی از نیروهای اتیوپی در اسرائیل آموزش بدهیم ما هم قبول کردیم. ما به منگیتو کمک نمی‌کنیم بلکه به مردم اتیوپی کمک می‌کنیم که در ۲۰ سال گذشته برای دفاع از مرزهای خود در حال جنگ بودند. همانطور که ما حاضریم به مصر و مراکش علیه قذافی و شوروی کمک بدهیم به اتیوپی نیز کمک خواهیم کرد تا دریای عربی در منطقه ایجاد نشود. ما در میان نیروهای مسلح اتیوپی دوستان بانفوذی داریم که همگی در سطوح بالا بوده و طرفدار غرب می‌باشند. ما ۱۰ سال پیش هم به ارتش اتیوپی کمک می‌کردیم و سربازان و افسران جزئی که امروز آموزش می‌دهیم ممکن است رهبران فردای ارتش اتیوپی باشند.

تیمسار ریاست ساواک: یکی از دلایل وضع موجود اتیوپی اینست که در شمال شورشیان اریتره با این کشور در حال جنگ هستند و در جنوب هم قبائلی زندگی می‌کنند که با سومالی همکاری دارند. دولت اتیوپی حتی در دوران پادشاهی و بعد از آن مناسبات خوبی با مسلمانها و سایر اقلیتهای نژادی و مذهبی نداشته است. در این میان عربها از موقعیت استفاده کرده‌اند و سومالی

هم می‌خواهد به آرزوی دیرپای خود یعنی بدست آوردن اوگادن جامعه عمل بپوشاند. البته اگر اتیوپی اریتره را از دست بدهد دیگر دست به دریا نخواهد داشت و این مشکل بزرگی ایجاد خواهد کرد. البته عربها می‌خواهند یک کشور عرب دیگر در کنار سواحل بحر احمر ایجاد نمایند اما ایجاد این کشور عربی و اعلان کردن بحر احمر به عنوان یک دریای عربی کار ساده‌ای نیست. بحر احمر یک دریای بسته نیست و دنیا می‌خواهد از آن به عنوان یک آبراه بین‌المللی استفاده کند. بحر احمر کوتاه‌ترین راه بین شرق و غرب است. البته عربستان سودای رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراند. ولی نباید فراموش کرد که عربها نیز با یکدیگر اختلافاتی دارند. ممکن است مصر و سوریه در مورد شما با یکدیگر هم‌صدا باشند ولی نمی‌خواهند که یکی از دیگری قویتر شود. عربستان به مصر کمک می‌کند اما در عین حال نمی‌خواهد مصر خیلی قوی شود. خاطرم هست یک بار به ژنرال ضمیر گفتم شما با یکی از کشورهای عربی سازش کنید آن وقت ببینید نتیجه آن چه می‌شود. اگر اختلافات اعراب و اسرائیل برطرف شود اعراب هرگز به اتحاد دست نخواهند یافت. [...] در مورد بحر احمر و عربی شدن این دریا باید صریحاً بگویم که عربستان سعودی با این کار به هیچ وجه موافق نیست. در مورد اتیوپی باید بگویم که راه‌حل این مملکت ایجاد یک حکومت ائتلافی فدرال از کلیه گروههای متعارض است. این کار چند حُسن دارد اولاً جلوی خونریزی گرفته می‌شود. دوم اینکه جلوی نزدیکی اتیوپی به شوروی سد می‌شود و سوم اینکه موضوع بحر احمر به عنوان یک دریای عربی و ایجاد یک کشور عربی دیگر در سواحل بحر احمر متفی خواهد شد.

کیمخی: آیا شما اطمینان دارید که اریتره با شرکت در یک حکومت فدرال موافق است؟ تیمسار ریاست ساواک: ما اخیراً با دو گروه از مخالفان رژیم اتیوپی ملاقات کردیم. من به آنها گفتم شما در حقیقت سه گروه مختلف هستید. شما مسلمان هستید و گروههای دیگر مسیحی و تازه دو گروه دیگر تمایلات کمونیستی دارند. اگر حکومت اتیوپی هم سقوط کند شما باز هم با یکدیگر اختلاف خواهید داشت. آنها پاسخ دادند که ما تصمیم گرفته‌ایم چنانچه دولت اتیوپی سقوط کند نمایندگان هر گروه مشترکاً کشور را اداره نمایند. آنها خودشان می‌دانند که یک گروه نمی‌تواند به تنهایی کشور را اداره کند.^۱

۱. گزارش ساواک، مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال موشه دایان، ۲۸/۵/۳۶ [۱۳۵۶] تهران.

● عملیات پنهان

اسرار همکاری موساد، سیا، ساواک و کُردهای عراق

عملیات پنهان

از آغاز تأسیس دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین، سیاست برقراری ارتباط با اقلیت‌های قومی و نژادی و نفوذ در درون آنها، بخشی از برنامه سران و رهبران اسرائیل را در خاورمیانه عربی تا شمال آفریقا تشکیل می‌داد.

تحریک اقوام و طوایف گوناگون جزئی از توطئه نزاع قومی در جهان اسلام بود که در چارچوب استراتژی پیرامونی اسرائیل قرار داشت.

در کتاب ارتباط خطرناک، در ارزیابی اهداف اسرائیل از نفوذ در میان اقوام و گروه‌های مختلف و دامن زدن به اختلافات و درگیری‌های قومی در کشورهای اسلامی آمده است:

بخش عمده افراد قبیله ایدی امین [دیکتاتور اسبق اوگاندا] موسوم به کاکوا در کنار مرزهای جنوبی سودان سکنا داشتند. از اواخر دهه ۱۹۶۰ یک جنبش جدایی طلب به نام «آنیانیا» در این منطقه به تحریک اسرائیلی‌ها با دولت عرب و مسلمان مستقر در خارطوم می‌جنگید. به گفته منابع اسرائیلی، این جریان با هماهنگی سازمان سیا انجام می‌شد. همانند مورد کردهای عراق، این نیز یک کاربرد تاکتیکی از استراتژی پیرامونی [اسرائیل] بود که براساس آن کشورهای عرب تضعیف می‌شدند و ثبات خود را از دست می‌دادند.^۱

به نوشته نشریه عربی زبان الشروق؛ در پژوهش‌های انجام شده از سوی اسرائیلی‌ها آمده است که پس از تأسیس دولت یهود در فلسطین، تماس‌های اسرائیل برای حمایت از اقلیت‌های قومی متوقف نشد، چرا که دیوید بن‌گوریون تمایل شدید به حفظ و توسعه این

روابط داشت و معتقد بود، کمک به این اقلیت‌ها برای آزاد شدن از سلطه عرب‌ها [مسلمانان] به منافع امنیتی و استراتژیک اسرائیل خدمت می‌کند. جنبش‌های صهیونیستی و سرویس‌های وابسته به آن همواره چنین سیاستی را در پیش داشته‌اند. آرانس یهود تماس‌های خود را در این ارتباط از دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در جهان اسلام آغاز کرد. تل‌آویو علت اتخاذ چنین موضعی را این‌گونه توجیه می‌کند که اقلیت‌ها در جهان اسلام و عرب با اسرائیل سرنوشت مشترکی دارند و چاره‌ای ندارند که برای مقابله با فشار اسلام و عرب‌ها در کنار دولت یهود قرار گیرند.

بر اساس منابع اسرائیلی، بن‌گوریون نخست‌وزیر و وزیر جنگ وقت اسرائیل در سال ۱۹۵۴-۱۹۹۵ با کمک موشه‌دایان رئیس ستاد کل ارتش، طرحی را برای انجام یک کودتا توسط مارونی‌های طرفدار اسرائیل در لبنان و حمایت از این طایفه در هر جنگی علیه مسلمانان تهیه کرد.^۱ همین موضع را اسرائیلی‌ها در قبال کُردهای عراق و بربرها در مغرب عربی و در قبال جنوب سودان در پیش گرفتند. در طرح اسرائیلی‌ها حتی قبطی‌های مصر هم گنجانده شده‌اند؛ در حالی که اسرائیل، به دشواری اجرای چنین طرحی، به دلیل همبستگی جامعه مصر، معترف است.^۲

۱. موشه شارت (با نام قبلی موشه شرتوک) اولین وزیر امور خارجه و دومین نخست‌وزیر اسرائیل در یادداشت‌ها و خاطرات خود، عین مذاکرات بن‌گوریون در ۲۷ فوریه ۱۹۵۴ را به صراحت نوشته است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره، مراجعه شود به: لیویاروکاچ، تروریسم مقدس اسرائیل، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات مؤسسه کیهان، صص ۶۸-۶۹.

۲. الشروق، ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۰م/ ۱۰ مرداد ۱۳۷۹، ترجمه ا. زارع‌زاده، ترجمان سیاسی، بیست و ششم مرداد ماه ۱۳۷۹، شماره ۳۶.

سری‌ترین مسأله خاورمیانه

اسرائیلی‌ها اجرای سناریوی صهیونیستی نفوذ در مناطق کُردنشین عراق و ایجاد ارتباط با سران، رهبران و اشخاص ذی نفوذ کُرد، در قالب «استراتژی پیرامونی» را از همان آغاز به عنوان یک عملیات سری و پنهانی به سرویس جاسوسی و اطلاعاتی خود واگذار کردند. آن‌گونه که از منابع غربی و اسرائیلی برداشت و استنباط می‌شود، ارتباط اسرائیل با شماری از رهبران کُردهای عراق و میزان نفوذ و حضور جاسوسان و مأموران اطلاعاتی اسرائیل در مناطق کُردنشین عراق، به تدریج چنان شدت، افزایش و عمق پیدا کرد که به سرعت به صورت یکی از سری‌ترین امور در خاورمیانه درآمد. **ملا مصطفی بارزانی**، رهبر حزب دمکرات کردستان (عراق) در ماه سپتامبر ۱۹۶۷ از اسرائیل دیدار کرد و یک خنجر انحنادار کُردی به [موشه] **دایان** هدیه کرد. بسیاری بر این باورند که حمله کاملاً برنامه‌ریزی شده خمپاره‌ای به پالایشگاه نفت در کرکوک در ماه مارس [۱۹۶۷] کار اسرائیلی‌ها بوده است. در سال ۱۹۷۱ به **محمد حسنین هیکل**، روزنامه‌نگار مصری گفته شد که افسران اسرائیلی در کردستان پیوسته در تماس رادیویی با اسرائیل بوده و درگیر در عملیات جاسوسی در عراق هستند. مطبوعات عراق به طور مرتب از حضور اسرائیلی‌ها سخن به میان می‌آوردند.^۱

بخش عمده روابط اسرائیل با کُردها همواره در هاله‌ای از اسرار نگهداری شده است:

جزئیات عملیاتی آنچه در کردستان صورت گرفته هنوز هم در اسرائیل پنهان می‌شود. تحت سانسور قرار می‌گیرد و احتمالاً برای این کار دلیل خوبی وجود دارد. شاه مسلماً هیچ علاقه‌ای

پیشمرگه‌ها و ملامصطفی بارزانی

درباره پیدایش و شروع تحرکات در میان کُردهای عراق در دهه پنجاه میلادی، مأمور اطلاعاتی سیا چنین نوشته است:

ظهور ناسیونالیسم کُرد در ایران، در عراق نیز بدون بازتاب نماند. در سال ۱۹۴۳ ملامصطفی با عده‌ای از هوادارانش از محل اقامت اجباری خود در سلیمانیه فرار کردند و به موطن خود بارزان رفتند. کوتاه زمان پس از رسیدن او، درگیری‌هایش با مقامات محلی آغاز شد. در ماه اکتبر قوای ملامصطفی - که آن زمان از دویست تن تجاوز نمی‌کرد - در نبرد با نیروهای پلیس محلی پیروز شد. یک ماه بعد، هنگامی که بر شمار هوادارانش افزوده شده بود، ملامصطفی یک بریگاد ارتش را شکست داد.^۱ ملامصطفی حکومت مستقل خودش را در قلمرو ایلش علم کرده بود و عراقی‌ها در اوایل اوت ۱۹۴۵ قصد کردند به استحکامات او حمله کنند. رئیس هیأت نظامی بریتانیا، ژنرال رنتون معتقد بود که ارتش عراق هنوز آمادگی همچو حمله‌ای را ندارد. و وقتی به هشدارهای او مبنی بر اینکه ارتش به همان سرنوشتی دچار می‌شود که در سال ۱۹۴۳ به سرش آمده است واقعی گذاشته نشد، او مرکز فرماندهی خودش را در خط مقدم در «اربیل» ترک کرد و مشاورانش را نیز از ارتش آماده نبرد شده عراق خارج نمود.^۲

این موضوع از سوی دیگر نشان می‌دهد که انگلیسی‌ها نیز در واقع به مصلحت نمی‌دیدند که این گروه نسبتاً تازه‌پا به دست قوای ارتش دولت عراق به کلی قلع و قمع شوند.

لامصطفی در همان دوران برای تحکیم موقعیت خود، در صدد ازدواج با دختر رئیس ایل

۱. آرچیبالد روزولت، شرق آموختن، ترجمه صهبا سعیدی، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۳۱۵.

۲. همان منبع، ص ۳۲۰.

رقیب یعنی زبار برآمد، رهبران این ایل با بارزانی‌ها سر ناسازگاری داشتند. اما او سرانجام به این هدف نایل آمد.^۱ اما این وصلت برای همیشه نتوانست از موقعیت بارزانی‌ها دفاع و حمایت کند. زیرا در این مقطع عراقی‌ها موفق شدند با ترغیب و تهدید و رشوه، مهمترین رهبران کُرد و از آن جمله پدرزن جدید ملامصطفی و رهبر قبیله زبار- را از صف متحدان ملا جدا کنند.[۱] در طول دو هفته پایانی ماه سپتامبر رهبران ایلات دیگر نیز به ایل زبار پیوستند و به عنوان نیروهای تهاجمی ارتش عراق، ملامصطفی و حامیانش را از استحکامات کوهستانی‌شان بیرون راندند.^۲

اگرچه پیش از جمهوری خودمختار قاضی محمد در مهاباد، تحرکات قومی و ناسیونالیستی کُردی در مناطق کردنشین عراق، ترکیه و... آشکار و مسبوق به سابق بود و حتی مجامع صهیونیستی و قدرت‌های غربی در تحریک آن نقش قابل توجه داشتند، لیکن بعضی منابع؛ جمهوری مهاباد را الهامبخش جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در منطقه قلمداد کرده‌اند.^۳

به هر روی ملامصطفی را بنیانگذار حزب دمکرات کردستان عراق دانسته‌اند؛ کسی که نام او با چندین دهه تاریخ و درگیری‌های منطقه کردستان عراق عجین است. به دلیل این ویژگی، شاید چندان بی‌مناسبت نباشد تا به اطلاعات کاملتری از دوران حیات و مبارزات ایشان در این نوشتار اشاره شود:

ملامصطفی بارزانی پایه‌گذار حزب دموکرات کردستان عراق و کسی که بیش از چهل سال برای خودمختاری آن خطه مبارزه کرد، در ۱۹۰۲ میلادی [۱۲۸۱] متولد شد. او دوران کودکی و جوانی خود را در دهکده بارزان در مجاورت مرز ایران و ترکیه در داخل عراق سپری کرد. در جوانی به رمه‌داری مشغول بود. ملامصطفی سواد و اطلاعات مذهبی خود را در مکتب‌خانه‌های دهکده خویش به دست آورد. ۲۹ ساله بود که نخستین طغیان خود را علیه حکومت بغداد آغاز کرد، ولی دستگیر شد و از بارزان و استان سلیمانیه در شمال شرقی به بغداد تبعید شد. این قیام در ۱۹۳۱ [۱۳۱۰] و به هنگامی رخ داد که انگلیسی‌ها و ایتالیایی‌ها تصمیم گرفتند آرامنه و آسوری‌های اخراجی از ترکیه را در منطقه بارزان اسکان دهند. در آن

۱. ن.ک. همان منبع، ص ۳۲۰.

۲. همان منبع، ص ۳۲۱.

۳. ن.ک: رابرت آلن، مسأله کُرد و روابط ایران و ترکیه، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانیز، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۴۶.

پیمان ۱۹۷۵ [۱۳۵۴] الجزیره نقطه پایان جنگهای طولانی ملامصطفی بارزانی علیه عراق بود. از آن تاریخ ملامصطفی تا ۱۹۷۹ [۱۳۵۸] در ایران تحت نظر زندگی کرد.^۱ سپس در این سال به دلیل ابتلا به مرض سرطان عازم آمریکا شد و در آنجا در اول مارس ۱۹۷۹ [۱۳۵۸] درگذشت و جسدش پس از انتقال به ایران در اشنویه کردستان^۲ دفن شد.^۳

فردوست درباره نیروها و واحدهای تحت فرماندهی ملامصطفی نوشته است:
نیروهای ملا از واحدهای پیشمرگه تشکیل می‌شد و هر واحد تقریباً معادل یک تیپ بود. تعداد پیشمرگه‌ها حدود ۳۰ هزار نفر بود که هر تیپ پیشمرگه بین ۳ تا ۵ هزار نفر نیرو داشت و بنابراین حدود ۸ الی ۱۰ واحد پیشمرگه را دربر می‌گرفت.^۴

به گفته فردوست، با سلب حمایت محمدرضا از اکراد، ملامصطفی راهی جز پناهنده شدن به ایران نداشت، زیرا اگر مقاومت می‌کرد از سوی محمدرضا با برخوردهای تند مواجه می‌شد. این حادثه مسلماً بزرگترین ضربه را بر ملا وارد ساخت و نشان داد که طی این سال‌ها آمریکایی‌ها به سود خود با او بازی کرده‌اند. به ملا و سران کُرد در عظیمیه کرج جا داده شد.

۱. ملامصطفی و یارانش در عظیمیه کرج تحت نظر بودند.

۲. از نظر تقسیمات کشوری، اشنویه جزو استان آذربایجان غربی است. ولی در اصطلاح به خاطر کردنشین بودن این منطقه از آن به عنوان اشنویه کردستان یاد می‌شود.

۳. احمد ساجدی؛ مشاهیر سیاسی قرن بیستم؛ ویراستار علمی: محمد رجبی؛ مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب‌قلم؛ تهران: ۱۳۷۷؛ صص ۶۶-۶۷.

۴. خاطرات ارتشید سابق حسین فردوست، ص ۵۰۲.

بنیاد (آمریکایی) و وارد صحنه شد و تلاشی کرد تا کمی محمدرضا را شوهرش از عراق به تبع
ملایم و همراهِش به عراق و برقراری روابط حسنه بین کُردهای عراق و دولت مرکزی
(پس) از این مرحله (صدور فرمان عمومی از سوی عبدالکریم قاسمی، بازگشت

1

اما اسرارای راکه مستی فرودست دربارہ یقینی ایران می‌کند، بسیار مهم و جویباری

॥ वा ॥

مراقبت برای رژیم کشور چنان مشغول می باشد که قادر به اجتماع با ایرانیان و اسرائیلی
مردم نخواهد بود. اسرائیلی ها با اسرائیلی ها دوستی دارند و با اسرائیلی ها دوستی دارند و با اسرائیلی
با تمام اینها شاه ایران [محمد رضا پهلوی] آتشباران از تهدید وجود یک عراق مسلح در پشت
مستقبل راحت کننده ای برای دولت های ایران، ترکیه و اتحاد شوروی می باشد.

د: اهمیت یو د: حایر اساسی و مجتلف های و از و جنبه ها از یقی این است. ای شاهانه

انسانیت پر حق تعالیٰ کی رحمت و کرم کی مثال اس طرح ہے کہ اگرچہ انسان

འཛིན་གཏུག་གི་ཁྱེད་

سیاست منطقه‌ای خود [و بلکه اسرائیل] و ایجاد تحولات مناسب در بغداد استفاده کند. در نتیجه محمدرضا به حمایت از ملامصطفی پرداخت و تا مدت‌ها جبهه بارزانی‌ها را علیه دولت مرکزی عراق تقویت نمود.

زمانی که قائم‌مقام ساواک شدم روزی فردی به نام سرتیپ منصورپور نزد من آمد و گفت که از طرف ساواک مأموریت تماس با ملامصطفی را دارد. [...] او ستاد کوچکی را در منطقه تحت تصرف بارزانی‌ها اداره می‌کرد و بهترین روابط را با ملامصطفی داشت و در واقع رابط محمدرضا با او به شمار می‌رفت [...]. در طول دورانی که جنگ ملامصطفی با دولت بغداد ادامه داشت، منصورپور به کردستان عراق می‌رفت و در ستاد فرماندهی ملامصطفی با او و سایر سران کُرد ملاقات می‌کرد و پیغام‌ها و خواسته‌های بارزانی‌ها را به تهران منتقل می‌نمود. [...] منصورپور هر گونه سازوبرگ و تجهیزات مورد لزوم کردها را از طریق ارتش تأمین می‌کرد و به آنها می‌رساند. توسط ساواک یک فرستنده قوی نیز از خارج خریداری شده و در منطقه بارزانی‌ها نصب شده بود که از آن برای تبلیغات ملا استفاده می‌شد.^۱

اشاره ژنرال زامیر (ضمیر) رئیس موساد به ملامصطفی بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان عراق درباره نقش و جایگاه ایران در روابط آنها با اسرائیل خواندنی است:

من بارها توضیح دادم که شما فقط یک پل دارید و آن ایران است. اگر ایران نباشد برای شما اسرائیل هم وجود نخواهد داشت.^۲

ساواک نه فقط حلقه وصل مأموران موساد با بعضی گروه‌ها و احزاب کُرد عراق بود، بلکه از طریق استخدام جاسوس از میان کُردهای عراقی، اخبار و اطلاعات ذی‌قیمتی از منطقه جمع‌آوری و آنها را در اختیار سرویس اطلاعاتی اسرائیل قرار می‌داد. این گونه اقدامات ساواک در چارچوب طرح کریستال،^۳ پیمان اطلاعات مشترک سرویس اطلاعاتی ایران و اسرائیل بود که نمونه‌ای از گزارش ساواک در این باره چنین است:

گزارش

به عرض می‌رساند:

با توجه به اوامر تیمسار ریاست ساواک مبنی بر: بهره‌ای که از این طرح در مدت این یک سال

۱. خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۵۰۱-۵۰۲.

۲. گزارش ساواک، مذاکرات ژنرال ضمیر و نصیری رؤسای موساد و ساواک، جمعه مورخ ۱۳۵۲/۴/۲۲.

۳. ن. ک: عبدالرحمن احمدی.

۳) امید به پیشرفت این طرح در سال آینده نیز موجود است زیرا از هم اکنون تحقیقات و اقدامات لازم درباره استفاده از افراد زیر ادامه دارد:

۱- فؤادیانی که دوستان و امکاناتی در لبنان و کویت دارد. (پیوست شماره ۲)

۲- عبدالقادر عبدالواحد در عراق (پیوست شماره ۳)

۳- امین زکی علی خالوق عراقی و دوستان او (پیوست شماره ۴)

اداره کل دوم^۱

آمریکا آتش افروز اصلی

اگر چه نقش ایران در ایجاد، گسترش و تداوم ارتباط اسرائیل با کُردهای عراق اساسی و کلیدی بود، اما این ایالات متحده آمریکا بود که با چراغ سبز و دخالت مستقیم خود، این آتش را شعله‌ور و حتی تحت نظر داشت. ایالات متحده به منظور متزلزل کردن حکومت مرکزی عراق همواره از این عملیات حمایت می‌کرد. در اوایل دهه ۱۹۷۰ به نظر می‌رسید که کُردها با توجه به موفقیت‌های قابل توجهی که به دست آورده‌اند، احتمالاً در آستانه رسیدن به نوعی توافق با عراق هستند. نیکسون و هنری کسینجر [یهودی] طی سفری در سال ۱۹۷۲ به تهران، با شاه ایران به این توافق دست یافتند که کُردها را در حال نبرد نگه دارند. به سیاستور داده شده مستقیماً در جریان دخالت کند. طی سه سال بعد از آن، سیا ۱۶ میلیون دلار در کردستان خرج کرد (البته شاه هزینه‌های بسیار بیشتری را می‌پذیرفت) و هدف آن بود که شورشیان را متقاعد سازد، ایالات متحده به شاه اجازه نخواهد داد آنان را تنها بگذارد و رهایشان کند. آمریکایی‌ها این عملیات را مخفی‌ترین شکل ممکن نگه می‌داشتند.^۱

آمریکا، اسرائیل و ایران شاهنشاهی هیچ‌کدام انگیزه و تمایل برای اعطای خودمختاری به کُردها از سوی عراق نداشتند. از سوی دیگر با سازش میان کُردها و دولت عراق نیز به شدت مخالف بودند. زیرا وجود این معضل و بن‌بست، بهترین گزینه موجود برای اسرائیل در مسیر تعقیب استراتژی پیرامونی آن رژیم در منطقه بود:

یکی از یادداشت‌های سیا به تاریخ ماه مارس ۱۹۷۴ خاطرنشان می‌کند: ما [مقامات سازمان سیا]

فکر می‌کنیم که شاه نسبت به تأسیس یک دولت خودمختار کرد هر چند به صورت ظاهری هم باشد، نظر خوشی ندارد. شاه نیز مانند ما نفع خود را در پدید آمدن یک موقعیت بن‌بست می‌داند... که در آن عراق از طریق امتناع کردها از پذیرش حق خودمختاری اعطایی‌اش ضعیف می‌شود. نه شاه و نه خود ما علاقه‌ای به حل شدن این مسأله نداریم [...] سازمان اطلاعاتی ما حتی نسبت به معیارهای عملیات پنهانی نیز روشی شریانه دارد.^۱

نمونه روش و اقدام شریانه و توطئه‌آمیز آمریکا و اسرائیل در این زمینه به دوران سقوط رژیم سلطنتی عراق برمی‌گردد. یعنی زمان ریاست جمهوری عبدالکریم قاسم؛ هنگامی که وی به صراحت اعلام کرد، امتیازهایی به کردها واگذار می‌کند و آنها را به رسمیت می‌شناسد. ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸، در ساعت ۲ شب، بخشی از نیروهای نظامی ارتش وارد بغداد شدند و ظرف چند ساعت رژیم سیاه [حکومت سلطنتی] سقوط کرد. آنگاه اولین دولت جمهوری تشکیل شد که در ترکیب آن دو تن از کردها نیز شرکت داشتند. محمود صالح محمود - وزیر بهداشتی و مصطفی علی - وزیر دادگستری [...] یکی از سه عضو منشکل در شورای عالی دولت به نام خالد نقش‌بندی نیز کرد بود. با شرکت نقش‌بندی در شورای عالی، دولت عراق آمادگی خود را برای شناسایی حقوق ملی کردها در جمهوری عراق اعلام داشت. بر اساس فراخوان حزب دمکرات کردستان جنوبی و نیز نیروهای دمکرات کرد، فعالیت و تلاش افراد دستگاه اداری محلی و برخی از افسران در مبارزه علیه رژیم جدید خشی شد. در شهر سلیمانیه، کردها عناصر مخالف را از حکومت خلع و خود کنترل اوضاع شهر را به دست گرفتند [...].

طی فرمانی از سوی دولت قاسم، کلیه فعالین میاسی که در رژیم سابق تحت تعقیب بودند و همچنین شرکت کنندگان در جنبش‌های رهایی‌بخش سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ به رهبری مصطفی بارزانی عفو شدند. این فرمان اعتماد و اطمینان مردم کرد را نسبت به قابلیت و ظرفیت رژیم جدید در حل مسایل ملی مردم کرد بیشتر کرد. در همین حال، یکی از روزنامه‌های بغداد به نام «الجمهوری» متعلق به محافل رسمی دولت جدید نوشت: مردم کرد به موازات دیگر اهالی کشور در مبارزه به خاطر آزادی و استقلال عراق شرکت جسته‌اند و می‌توانند اطمینان داشته باشند که وضعیت آنها همواره در انطباق با وضعیت دیگر اهالی کشور مورد نظر قرار خواهد گرفت.

عبدالکریم قاسم در هفتم اکتبر ۱۹۵۸ با مصطفی بارزانی و دیگر همراهان وی ملاقات کرد.^۱ روند صلح آمیز مزبور برای سازمان های اطلاعاتی موساد و سیا چندان خوشایند نبود، بلکه کاملاً مغایر برنامه های و انتظارات آنها ارزیابی می شد. بنابراین به طور سریع دست به اقدام زدند:

اقداماتی برای سازماندهی عملیات ضدگردی و ضددولتی در کردستان جنوبی صورت گرفت. نیروهای راستگرا سعی می کردند بین دولت قاسم و مصطفی بارزانی جو عدم اطمینان ایجاد کنند. جاسوسان ترکیه و ایران نیز به نوبه خود به فعالیت های خرابکارانه روی آوردند [...].

یازدهم فوریه ۱۹۵۹ عبدالکریم قاسم و مصطفی بارزانی و احمد بارزانی با هم ملاقات کردند. طی مذاکرات، نمایندگان کرد از سوی حزب دمکرات کردستان و تمام نیروهای میهن دوست کرد اعلام داشتند که در صورت ادامه روند سیاسی درست از جانب دولت جمهوری که منافع ملی کرد را بازتاب می نماید، آنها قاطعانه به حمایت از آن خواهند پرداخت.^۲

در این میان سرویس های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و جاسوسان کهنه کار آنها دست به فعالیت های پراکنده ای زدند:

توطئه گران جنایت هولناکی را مرتکب شدند. آنها دست به قلع و قمع بسیاری از دمکرات های کرد زدند و با اشاعه اطلاعات و خبرهای جعلی حول جدایی طلبی با تمام نیرو به برانگیختن احساسات ناسیونالیستی راستگرایانه عربی پرداختند. همچنین توطئه گران قاسم را منقسم کننده عراق خواندند و اعلام داشتند که گویا دولت قاسم می خواهد عراق را به دو بخش گردی و عربی تقسیم کند.

این نقشه توطئه گران نظر مساعد محافل و دولت های غربی را به خود جلب کرد. شورش در زمانی رخ داد که محافل زمامدار آمریکا و ایران فعالیت هایی را در زمینه اتحاد کردستان جنوبی و شرقی حول تخت سلطنت محمدرضا شاه تدارک می دیدند.^۳

لذا به دنبال قیام مسلحانه کردها در سال ۱۹۶۱، در ژوئن ۱۹۶۳ درگیری نظامی بین دولت مرکزی بغداد و کردها تشدید شد. در نوامبر ۱۹۶۳ عبدالسلام عارف با همکاری برادرش عبدالرحمن عارف و شماری دیگر از افسران عراقی عبدالکریم قاسم را سرنگون کردند و قدرت را به دست گرفتند.

۱. م. کاردوخ، جنبش های کرد از دیرباز تا کنون، Coimex چاپ اول ۱۹۹۳، سوند، صص ۳۳۴، ۳۳۵.

۲. همان منبع، ص ۳۳۸.

۳. همان منبع، صص ۳۳۹-۳۴۰.

پیشینه نفوذ و حضور اسرائیلی‌ها

درباره پیشینه و سابقه ارتباط صهیونیست‌ها با کردهای عراق در منابع غربی اخبار و اطلاعات قابل توجه و بلکه شگفت‌انگیزی به چشم می‌خورد.

فعالان سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل از دورانی که ریون شیلوا در سال‌های دهه ۱۹۳۰ اقامتگاه دور افتاده و کوهستانی کردهای عراق را درنوردید تا درباره آن اطلاعات به دست آورد، به مسأله کردها علاقمند شده بودند.^۱ مع الوصف بعضی اشخاص و محافل صهیونیست، یعقوب نیمرودی را عامل اصلی برقراری ارتباط بین کردهای عراق و محافل صهیونیست دانسته‌اند که سرانجام به شورش کردها منجر شده است:

[آریل] شارون یکبار در توصیف [یعقوب] نیمرودی از وی به عنوان معمار اصلی روابطی که اثرات اقتصادی و سیاسی وسیعی داشته و از جمله به برپایی شورش کردهای عراق منجر شده است یاد کرد.^۲

برخی محافل نقش کردهای یهودی منطقه را در ایجاد و تقویت ارتباط بین دولت صهیونیستی با احزاب و گروه‌های کرد، اساسی و مهم ارزیابی کرده‌اند. بعضی اسناد تعداد کردهای یهودی در فلسطین را تا قبل از پیدایش اسرائیل حدود بیست هزار نفر برآورد کرده‌اند که طی سال‌های اولیه اعلام موجودیت دولت صهیونیستی، حدود چهل هزار نفر نیز به آنها اضافه شده است:

تعداد کردهای یهودی قبل از پیدایش دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، بیست هزار نفر بود؛ در طی

۱. کاکبرن، ص ۱۶۷.

۲. همان منبع، صص ۱۶۶-۱۶۷.

၁. ရာဇဝတ်ဗိမာန် V၃၁
 ၂. ရာဇဝတ်ဗိမာန် V၃၁
 ၃. ရာဇဝတ်ဗိမာန် V၃၁

در ماه ژوئن سال ۱۹۶۷، درست پیش از آغاز جنگ شش روزه، اسرائیل و اعراب در میان یک هیأت نظامی عراقی، با هدف روبرو ساختن دشمن صهیونیستی با یک جنبه واحد، از یک طرف تقاضای آتش‌بس نمود. یک چریک کرد در طرف مقابل این تقاضا را به شدت رد کرد. اما این شخص در واقع یکی از مستشاران اسرائیلی بود.^۳ اسرائیلی‌ها همواره تلاشی کرده‌اند تا حضور و نفوذ خود در میان اعراب سنی را در میان اسرائیلی‌ها هموار سازند.

مرتضی مرتضایی^۱

نامه ساواک درباره تقاضای موزه ملی اسرائیل مبنی بر همکاری با عکاس اسرائیلی اعزامی به ایران نشان از فعالیت گسترده و جدی اسرائیلی‌ها در جمع‌آوری هرگونه آثار تاریخی، هنری و فرهنگی مربوط به کُردهای یهودی در ایران، عراق، ترکیه و سوریه دارد:

درباره تشکیل نمایشگاه در اسرائیل

بدینوسیله فتوکپی نامه شماره ۴/۱۰۹۴-۱۷/۴۱ مورخه ۳۶/۲/۱۷ وزارت امور خارجه به انضمام دو برگ ضmann آن درباره تقاضای موزه ملی اسرائیل مبنی بر برگزاری نمایشگاهی از آثار هنری و فولکلوریک و لباسهای محلی یهودیان کُردنژاد ایران-عراق-ترکیه و سوریه و اعزام خانم Orah-Shwartz و یک عکاس به ایران به پیوست ایفاد می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید هرگونه نظری در مورد تشکیل نمایشگاه مزبور و مسافرت خانم یاد شده به ایران دارند مراتب را مستقیماً به وزارت امور خارجه اعلام دارند.

گیرنده: مدیریت اداره کل هشتم جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی.

مدیر کل^۲

۱. نامه نمایندگان وزارت امور خارجه شاهنشاهی در تل‌آویو، مورخ ۲۵۳۶/۲/۴ [۱۳۵۶]، شماره ۱۵۳ م.
۲. سند ساواک، مورخ ۳۶/۲/۲۱ [۱۳۵۶]، شماره ۲۳۲/۵۳۰۷۹.

به کام اسرائیل

درگیر کردن کشورهای منطقه با یکدیگر، به خصوص ایجاد و تشدید تنش بین ایران و عراق از یک سو و نیز ایجاد جنگ و ستیز بین کردهای عراقی با دولت آن کشور، بخشی از توطئه اسرائیل با هدف مشغول کردن دولت‌های منطقه و گسترش و تعمیق اغتشاشات محلی و منطقه‌ای بود که در نهایت به سود دولت صهیونیستی تمام می‌شد. به بیان دیگر، صهیونیست‌ها با تضعیف قوای داخلی کشورهای مسلمان و انحراف افکار عمومی منطقه، به اشکال مختلف در صفوف مسلمانان اخلاص می‌کردند تا مانع اتحاد ضد صهیونیستی آنان شوند.

عزرا داین از مأموران کهنه کار یهودی سرویس اطلاعاتی اسرائیل در خصوص شگردهای شیطانی اسرائیلی‌ها چنین اعتراف می‌کند:

برای من روشن بود کمک‌هایی را که ما به رزمندگان کرد در عراق می‌دادیم، تفسیری جز این نمی‌توانست داشته باشد که ما از تراژدی کردها در راه آرمان‌های خود بهره‌کشی می‌کردیم. ولی به هر حال حقیقت آن بود که ما از این راه با مشغول کردن بخش درخور توجهی از ارتش عراق در رویارویی با مسأله کردها، مزیت‌های نظامی به دست می‌آوریم.^۱

این عملیات بخشی از سناریوی بزرگتر صهیونیستی، یعنی قسمتی از استراتژی پیرامونی اسرائیل بود. ساموئل کاتز از افسران سابق واحد اطلاعاتی نظامی اسرائیل درباره استراتژی پیرامونی اسرائیل در منطقه کردستان عراق نوشته است:

۱. بان‌بلک و بنی‌موریس، صص ۲۳۴-۲۳۵.

سال‌ها بود اسرائیل برای رویارویی با یک جنگ تمام‌عیار با همه ملت‌های عرب- از مراکش در غرب تا عربستان سعودی و عراق در شرق- آماده می‌شد. برای کسب توانایی جهت ایستادگی در این جنگ، اسرائیل استراتژی خاصی پدید آورده بود که می‌شد آن را «دفاع از پیرامون» نامید. بر اساس این استراتژی، اسرائیل با دولت‌ها و ملت‌های غیرعرب و غیرمسلمان در خاورمیانه اتحادهایی پدید می‌آورد. به خاطر ترس از یکی شدن نیروی اردن و عراق، تلاش‌هایی برای فعال کردن کردها از جنبه نظامی صورت می‌گرفت [...].

اسرائیل فهمیده بود که حمایت از کردها فرصت عالی برای تضعیف عراق و ماشین قدرتمند نظامی آن است، از کردها به‌طور علنی حمایت می‌کرد. هم موساد و هم واحد اطلاعاتی نظامی از مبارزه نظامی آنها پشتیبانی می‌کردند. ارتباط با کردها اطلاعات ذیقیمت و دست اولی را در مورد ارتش عراق در اختیار اسرائیل قرار می‌داد. ملاقات‌هایی پنهانی بین کردها و افسران ارتش اسرائیل صورت می‌گرفت. از جمله افسرانی که به ملاقات کردها رفتند، سروان آریک رجب^۱ از افسران واحد نخبه تجسس و سرپیش‌ریم (رفاویم) «قندی» ذهبی^۲ (زیوی) معاون فرمانده شاخه عملیاتی را می‌توان نام برد. واحد اطلاعات نظامی قادر بود از طریق شبکه موساد در کردستان تصویری به هنگام از ارتش عراق به دست آورد. این اطلاعات شامل آرایش جنگی عراق و نمودار سازمانی آن تا حد دسته، تعداد هواپیماهای جنگی قابل پرواز، و حتی نام اکثر خلبانان نظامی آن می‌شد.^۳

در جنگ چهارم اعراب و اسرائیل معروف به جنگ رمضان در سال ۱۹۷۳م/ ۱۳۵۲ش، وقتی جاسوسان اسرائیلی حضور و ورود ارتش عراق برای مساعدت به نیروهای سوری و مصر علیه اسرائیل را جدی ارزیابی کردند، فوراً دست به کار شدند، جبهه جدیدی را در منطقه کردستان علیه دولت عراق به وجود آوردند تا عراقی‌ها قادر به حضور در چند جبهه به‌طور همزمان، به‌خصوص جبهه ضد صهیونیستی نباشند.

ژنرال ضمیر رئیس موساد در این خصوص چنین می‌گوید:^۴

۲۵ مهر ماه/ ۱۹۷۳]

1. Arik Regev

2. Rechavem «Ghandl» Ze'evi

۳. ساموئل کاتز، صص ۳۳۳-۳۳۴.

۴. نامه ژنرال ضمیر، رئیس وقت موساد به نصیری رئیس ساواک، ۲۵/۷/۱۳۵۲.

تیمسار نصیری عزیز مایلم بدین وسیله جنابعالی را در جریان وقایع جنگ بگذارم. در جبهه شمالی ارتش سوریه مشغول تجدید سازمان خود به خاطر دفاع از دمشق می‌باشد. سوریه مسئولیت منطقه جنگی را به عهده نیروهای عراقی گذارده که قبلاً با نیروهای ما برخورد پیدا کرده و به نحو شدیدی شکست خورده‌اند و به دلایل حیثیتی عراقیها هنوز مشغول اعزام نیروهای بیشتر به سوریه بوده و این نیروها را در جبهه سوریه به جنگ واداشته‌اند.

همانطور که اطلاع دارید ملک حسین در مقابل فشارهای وارده مقاومت نکرده و یک تیپ زرهی به سوریه اعزام نموده که اکنون در قسمت مقابل جناح جنوبی ارتفاعات جولان مستقر شده است.

این تیپ تحت فرماندهی لشکر عراقی در منطقه می‌باشد. نیروهای ما مشغول تقویت خود در خاک سوریه بوده و به طرف شمال و شرق پیشرفت می‌کنند.

جنگ اصلی در جبهه سینا هنوز شروع نشده است و ما درباره آن خوش بین هستیم. مصریها تلفات و خسارات زیادی متحمل شده‌اند. شورویها کماکان به تلاشهای عظیم خود در جهت تأمین مجدد سلاحهای مختلف به مصر و سوریه از طریق هوا و دریا ادامه می‌دهند. شورویها اینطور استنباط می‌کنند که هر گونه موفقیت اعراب در این جنگ به عنوان موفقیت شوروی منظور خواهد شد و از اینرو شدیداً تلاش می‌کنند تا از این جنگ به منظور توسعه منافع خود در سراسر منطقه بهره‌برداری نمایند.

ایالات متحده آمریکا از مقاصد شوروی آگاه است و ما در مقابل فعالیتهای آمریکا برای جلوگیری از تحقق نیات شوروی و همچنین حمایت بیدریفی که آمریکا از ما به عمل می‌آورد بی‌اندازه سپاسگزاریم.

گذشته از تأمین ساز و برگ نظامی به منظور احیاء کارآیی رزمی ارتشهای مصر و سوریه شورویها همچنین به کشورهای هربی فشار می‌آورند تا بیش از پیش خود را در جنگ کنونی درگیر نمایند. در این زمینه مایلم توجه جنابعالی را به اطلاعاتی که در مورد عربستان سعودی دریافت کرده‌ایم جلب نمایم. سعودیها که قبلاً به سوریه نیرو فرستاده بودند در نظر دارند نیروهای بیشتری شامل موشکهای ضد هوایی از نوع «هاک» به سوریه بفرستند. سعودیها ممکن است از ایران درخواست کنند که در مورد حمل و نقل هوایی این موشکها به سوریه به آنها کمک نماید. احتمال دارد عربستان سعودی این نکته را درک نکند که درگیری آنها به طور

جهت ایجاد و گسترش تشنج و اغتشاش در منطقه، چون آتش زیر خاکستر بود. اما آنچه امروز اسرائیلی‌ها خود را حامی و پشتیبان آن قلمداد می‌کنند، لزوم ایجاد کشور مستقل کرد در جهت استراتژی منطقه‌ای اسرائیل است. *افرایم سنیه* صهیونیست در این خصوص چنین می‌نویسد:

در زمان نگارش این کتاب [اسرائیل پس از ۲۰۰۰] تلاش‌های جدی [از سوی محافل اسرائیلی] به منظور رفع کدورت بین بارزانی و طالبانی در جریان بود، چه اگراد تنها با اتحاد می‌توانند [...] اهداف خود را پیش ببرند. شکی ندارم که خاورمیانه پس از سال ۲۰۰۰ شاهد به وجود آمدن کشور مستقل یا حکومت خودمختار گردد خواهد بود. چنانچه روابط پیشین یهودیان کردستان با همسایگان‌شان و نیز پشتیبانی گذشته‌ی اسرائیل از کردهای عراق را مد نظر قرار دهیم، می‌توان چنین فرض کرد که کشور مستقل (یا خودمختار) گردد، دوست اسرائیل خواهد بود و بر ما لازم است در صورت درخواست کردها، آنان را جهت تسریع در ایجاد کشور مستقل خود کمک کنیم.^۱

آنچه امروز، یعنی پس از سقوط صدام و حزب بعث عراق، در مناطق کردنشین آن کشور بسیار مشکوک و سؤال‌برانگیز است، تلاش پنهان و آشکار همه‌جانبه صهیونیست‌ها در راستای استراتژی پیرامونی صهیونیسم در آن سامان است.

قرار می‌دادند. به علاوه افشای این قبیل اطلاعات، پوششی برای تیره رژیم صهیونیستی و دخالت همه‌جانبه آن در امور عراق و کُردهای منطقه بود. نمونه تبلیغات رسانه‌های صهیونیستی در بخشی از مقاله نشریه اسرائیلی «اورشلیم‌پست»^۱ خواندنی است:

گُردها و حزب دموکرات آنها متهم به تباخی با ایران دشمن دیرینه عراق شده‌اند. گفته می‌شود که گُردها از نیروهای ایران و سرویسهای اطلاعات تعلیمات و نیز اسلحه دریافت داشته‌اند البته گُردها این اتهام را رد می‌کنند اما مسلم است که از خارج به آنها کمک می‌شود و مشکل می‌توان باور کرد که غیر از ایران کشور دیگری در این کار دخالت داشته باشد.^۱

رسانه‌های صهیونیستی در حالی به چنین تبلیغاتی مشغول بودند که سیل مهمات نظامی از سوی سرویس اطلاعاتی اسرائیل از کانال ارتباطی ساواک، در اختیار احزاب کُردهای عراقی قرار می‌گرفت. در این باره مذاکرات ژنرال زامیر رئیس موساد با نصیری رئیس ساواک در آذر ماه ۱۳۵۲ خواندنی است:

تیمسار ریاست ساواک: می‌خواهم در مورد کردستان صحبت کنیم.

با توجه به اینکه اخیراً دارند در مرز کردستان عناصر ارتشی را تقویت می‌کنند و فاصله کوتاهی به تمام شدن مدت قرارداد قبلی نمانده و خطاری که روسها به اکراد داده‌اند ما باید او را از لحاظ مالی و نظامی بیشتر از گذشته تقویت نماییم. چیزهایی که در درجه اول به آن احتیاج است دفاع هوایی و زبینه است. سمودر و سمودر لیستی از احتیاجات خود را در اختیار ما گذارده‌اند که ما آن لیست را به شما می‌دهیم آنچه را که شما می‌توانید تأمین کنید کمکی است که چیزهای دیگر را ما تهیه نماییم. اگر از موشک‌هایی که به وسیله دو نفر حمل می‌شود به دست آورده باشید برای آنها مفید خواهد بود.

ژنرال ضمیر: آنچه که مسلم است گُردها نمی‌توانند ما را مایوس کنند چون توفعی از آنها نداریم. بخصوص که از فرصتهای خوبی چشم‌پوشی کرده‌اند. مثل زمان جنگ که عراق وارد جنگ با ما شد.

تیمسار ریاست ساواک: ما نباید از یک مرد کوه‌نشین توقع غیرعادی داشته باشیم. بخصوص در آن موقعیت که تمام اعراب را با خود دشمن می‌ساخت.

ژنرال ضمیر: ما در اختیار شما هستیم. مشکل ما مشکل حمل و نقل است در ضمن وزن بعضی

۱. اورشلیم‌پست، ۱۲ آوریل ۱۹۷۳.

از این تجهیزات زیاد است. شما می‌توانید ترتیب حمل را بدهید. در ضمن اجازه بدهید من بروم برآورد کنم. یا ما تجهیزات مورد لزوم را جدا کنیم یا شما افرادی را بفرستید تا ترتیب این کار را بدهند. ضدزره و ضدهوایی دوشکا خیلی داریم. توپهای ضدهوایی ۱۴/۵ با مهمات در هر صورت من این کار را برای شما می‌کنم. اگر موافقت بفرمایید دو نفر بالای تپه را بخواهیم و یک نفر در سفارت بگذاریم که مرتباً برود و تماس بگیرد.

تیمسار ریاست ساواک: راجع به حمل و یا کار برای جدا کردن تجهیزات به شما اطلاع خواهم داد راجع به گماشتن یکی از آن دو نفر در سفارت حرفی نیست این چیزی بود که خود شما می‌خواستید.

ژنرال ضمیر: چقدر خوشحال خواهیم شد اگر تیمسار تشریف بیاورند تا شخصاً از قسمتهای افریقایی که در اختیار ماست دیدن نمایند.^۱

اسرائیلی‌ها با ارسال انواع سلاح‌های جنگی، از موشک‌های ضدتانک و ضدهوایی گرفته تا تجهیزات گوناگون ویژه مناطق کوهستانی برای کُردهای عراق و بهره‌گیری از همه امکانات و توانایی ساواک، به شدت سعی در تداوم و تشدید درگیری‌های نظامی بین اکراد از یک سو و دولت عراق از سوی دیگر داشتند.

مذاکرات معاون سرویس اسرائیل با رئیس ساواک در این خصوص قابل تأمل است:

ملاقات با آقای ادمونی (معاون سرویس اسرائیل)

آقای ادمونی: افسری که به منطقه اعزام داشتیم نسبت به روحیه اکراد اعلام خطر نموده است. مطمئناً تیمسار از وضع نظامی منطقه اطلاع کامل دارند. عراقیها سیصد تانک در ناحیه رواندوز متمرکز کرده‌اند. وضع اکراد به این ترتیب بحرانی به نظر می‌رسد. پریروز ژنرال ضمیر در مورد درخواست تیمسار نصیری با وزیر دفاع و رئیس ارتش و نخست‌وزیر ملاقات و گفتگو کردند و به این نتیجه رسیدند که نمی‌توان از تجهیزات امریکایی در منطقه استفاده نمود.

ما تعداد زیادی موشک‌های ضدتانک و ضدهوایی روسی در اختیار داریم که ارتش به دلیل خطر جبهه سوریه آنها را در اختیار ما قرار نمی‌دهد که برای اکراد بفرستیم. با اصرار زیاد ژنرال ضمیر توانسته است تعداد ۳۰ موشک ضدتانک و ۱۵ موشک ضدهوایی برای اکراد از ارتش بگیرد.

۱. گزارش حوزه ریاست ساواک درباره مذاکرات نصیری رئیس ساواک با ژنرال ضمیر رئیس موساد در مورخ ۲۸ آذر ۱۳۵۲، شماره سند ۱۹۱، مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۶.

البته ما با امریکائیا تماس گرفته‌ایم که اگر آنها به جای موشکهای روسی موشکهای آمریکایی ضدتانک TOW و موشکهای ضدزره RED EYE در اختیار ما بگذارند تا ما بتوانیم سلاحهای روسی مذکور را در اختیار اکراد قرار دهیم. در ضمن امریکاییها امکان دارد به کندی این کار را انجام دهند اگر شما خود بتوانید این تعویض را انجام دهید ما به فوریت آماده می‌باشیم. در ضمن باید متذکر شوم که ژنرال ضمیر برای گرفتن تعداد یاد شده بالا (موشکهای روسی) بسیار زحمت کشیده‌اند.

تیمسار ریاست ساواک: اول باید از ژنرال ضمیر در مورد همکاری ایشان تشکر نمایم ولی ارتش شما نباید فراموش کند که اگر کار اکراد تمام شود دیگر برای عراق بهانه‌ای وجود نخواهد داشت که از فرستادن ارتش خود به جبهه سوریه خودداری نماید بخصوص با تجهیزات جدیدی که عراق در حال حاضر دارد. من تصور می‌کنم با این تعداد موشک آنها بتوانند در وهله اول روحیه خدمه تانکهای عراقی را که فعلاً به دلیل نبودن مانع جسر می‌باشند ضعیف نماید و اگر بتوانیم جنگ را تا شروع باران در منطقه ادامه دهیم خواهیم توانست اکراد را برای جنگ در سال آینده آماده نمایم. در مورد تعویض موشک باید از حضور مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر کسب تکلیف نمایم و بعد از تماس با افراد ارتش به شما جواب خواهم داد.

آقای ادمونی: آیا به نظر تیمسار عراقیها تصمیم دارند در عرض این دو ماه کار را یکسره نمایند؟ تیمسار ریاست ساواک: صدام تا اول سپتامبر را قول داده است. اما من از اکراد خواسته‌ام که با جنگهای گریلایی به پشت جبهه عراقیها خسارات ممکنه وارد نمایند و تانکهای آنها را از نزدیک مورد حمله قرار دهند و یا حداقل از رسیدن مواد سوختی به تانکها جلوگیری کنند. البته نظر به اینکه آموزش موشکهای ضدتانک در محل امکان‌پذیر نمی‌باشد پیشنهاد می‌کنم کارآموزان به اسرائیل اعزام گردند.

همکاری ساواک با دستگاه اطلاعاتی اسرائیل به گونه‌ای هماهنگ و همسو بود که عملاً نشان می‌دهد دو رژیم، پهلوی و اسرائیل برخوردار از علایق، ایده‌ها، طرح‌ها و منافع مشترک سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی بودند و به علاوه استراتژی واحدی را در منطقه تعقیب می‌کردند.

همکاری، هماهنگی و ارتباط دو سرویس با خانواده بارزانی‌ها در منطقه کردستان عراق،

تأمین برخی نیازمندی‌های نظامی کُردهای عراق از سوی آمریکا با هماهنگی ساواک و سرویس اسرائیل، اجرای طرح حفاظت و حراست از امنیت خانواده بارزانی، تقویت تسلیحاتی کُردها به خصوص در بخش دفاع ضد هوایی از سوی رژیم صهیونیستی و آموزش کُردها در اسرائیل در زمینه صنایع تانک و حضور مستمر نماینده اطلاعاتی اسرائیل در میان کُردهای عراقی، تنها بخشی از واقعیت‌هاست که تماماً با هماهنگی ساواک اجرا و عملی می‌شد. تشویق و تحریک کُردها برای به آتش کشیدن مناطق نفتی کرکوک آن هم با موافقت ساواک و حتی اجرای طرح تهاجم به تأسیسات نفتی کرکوک از طریق یک مأمور و جاسوس اسرائیلی به نام سامی با آگاهی قبلی ساواک، نشانگر سرسپردگی کامل این سازمان در قبال سرویس جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیل و همسویی و همراهی ایران شاهنشاهی با رژیم صهیونیستی در تعقیب استراتژی پیرامونی صهیونیسم در منطقه است.

ساواک نه تنها اخبار جابجایی نظامی و لجستیکی ارتش عراق را به اسرائیلی‌ها تقدیم می‌کرد، بلکه از همه طرح‌های اسرائیل در زمینه مقابله با گروه‌های مبارز فلسطین در کشورهای اسلامی، به ویژه در لبنان حمایت به عمل می‌آورد و از اقدامات اسرائیل به‌طور جدی پشتیبانی اطلاعاتی می‌کرد. به علاوه ساواک از ایده اسرائیلی‌ها برای استقرار یک پایگاه اطلاعاتی در لبنان به منظور سرکوب و انهدام گروه‌های مبارز فلسطینی جانبداری سیاسی و اطلاعاتی می‌کرد، و حتی به‌طور مرموزانه سعی می‌نمود تا از طریق اعمال نفوذ در مقامات لبنانی آنها را به سرکوب فلسطینی‌ها تشویق و وادار کند. ساواک در حالی به نیابت از اسرائیل دست به چنین اقداماتی می‌زد که دستاوردهای این قبیل عملیات جز منافع رژیم صهیونیستی را تأمین نمی‌کرد.

متن مذاکرات رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل با نصیری رئیس ساواک دارای نکات بسیار مهم و قابل توجه است:

متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر رئیس سرویس اسرائیل (دوشنبه ۵۲/۴/۱۸)

حاضران در جلسه:

۱- تیمسار ریاست ساواک

۲- رئیس سرویس اسرائیل

۳- تیمسار قائم مقام ریاست ساواک

۴- مدیر کل اداره دوم

۵- آقای علی محیط

ع- خانم برپه‌پوره عبادی‌فرشچی

ژنرال ضمیر: نخست‌وزیر اسرائیل بهترین سلاهای خود را از طریق اینجانب برای تیمسار فرستاده‌اند. در جریان ملاقاتی که اخیراً نماینده ما آقای کارون با ملاصفی بارزانی داشت رهبر کردها از اینجانب دعوت کرد تا با وی ملاقات کنم. البته او همیشه از همه چیز گله دارد و ناراضی است به‌خصوص اخیراً از آمریکاییها گله می‌کند. البته من شخصاً پیرامون روابط کردها با آمریکاییها اطلاعات زیادی ندارم البته می‌دانم که آمریکاییها به کردها جواب داده‌اند اما نمی‌دانم که این جواب و کمک احتمالی آنها در چه زمینه‌ای و به چه اندازه‌ای است. ملاصفی تقاضای مفادیری اسلحه و مهمات کرده که فهرست آن را بعداً در اختیار جنابمالی خواهم گذاشت. موضوع دیگر مربوط به سیستم دفاعی ملا می‌باشد، چون تنها خطری که ملا را تهدید می‌کند حمله ناگهانی ارتش عراق از راه هوا می‌باشد. به علاوه اخیراً ارتش عراق تعدادی هلیکوپتر الورت از فرانسه خریداری کرده که مجهز به موشک می‌باشد. همانطور که قبلاً موافقت فرمودید ما قدرت دفاع ضدهوایی کردها را از طریق تحویل توپهای ۳۰ میلیتری تقویت کردیم اما با وجود این کردها خود را مصون نمی‌دانند.

موضوع دیگری که ملا می‌خواهد راجع به آن با من مذاکره کند مربوط به اقدامات دولت عراق مبنی بر کوچ دادن کردها از منطقه کرکوک و اسکان اعراب به جای آنها می‌باشد. ضمناً ما بلم به اطلاع برسانم که آقای ملر^۱ از طریق رئیس نمایندگی سیاسی ما در تهران از مسافرت من به ایران مطلع شده و درخواست کرده که طی این مسافرت با ایشان ملاقات کنم. با توجه به اینکه آمریکاییها از کردها خواسته‌اند که موضوع مناسبات فیما بین را به هیچ کس اطلاع ندهند بنابراین فکر می‌کنم که حقایق مربوط به این کار را فقط از دهان آقای ملر خواهیم شنید. آنچه که کردها اخیراً درخواست کرده‌اند عبارتست از: ۱۰۰ قبیله مسلسل سبک برون ساخت انگلستان- ۵۰ قبیله مسلسل ضدهوایی از نوع دوشکا- نیم میلیون مهمات ۳۰۳- یک ریح میلیون مهمات لازم برای سلاحهای دوشکا- ۲۵۰ خمپاره‌انداز- مهمات بازوکا- پنج دستگاه موتور برای توپهای ۳۰ میلیتری.

۱. ریچارد ملر رئیس وقت سازمان CIA

به نظر ما تا پایان تابستان جاری خطری گردها را تهدید نخواهد کرد، تنها خطر موجود مربوط به احتمال یک حمله ناگهانی به مقر ملامصطفی بارزانی می‌باشد.

در مورد کوچ دادن اکراد از منطقه کرکوک نظرات گردها را خواهم خواست اگر شما توافق بفرمایید و گردها خودشان بخواهند ما کمک خواهیم کرد که آنها به تأسیسات نفتی کرکوک آتش بگشایند و برای این منظور ما می‌توانیم ۸۰ تا ۱۲۰ راکت که شبیه راکتهای کانیوشا می‌باشند آماده نماییم. بُرد این راکتها ده کیلومتر می‌باشد. به نظر من تنها راه متقاعد کردن دولت عراق مبنی بر انصراف از کوچ دادن گردها حمله به تأسیسات نفتی کرکوک به وسیله گردها می‌باشد. البته به عمل آوردن چنین پیشنهادی به گردها منوط به موافقت قبلی جنابعالی است. طبیعی است که تحویل این راکتها به گردها منوط به این می‌شود که ما قبلاً مطمئن شویم که گردها حمله مورد نظر را انجام خواهند داد چون ما نمی‌خواهیم که گردها فقط این راکتها را در کوهستان انبار نمایند. در ملاقات آقای کارون با گردها به وی گفته بودند که عراقیها از طریق فشار نظامی سکنه کردنشین را به طرف کوهها می‌رانند و از اینرو گردها اظهار عقیده کرده بودند که شروع جنگ احترازناپذیر است.

تیمسار ریاست ساواک: قبلاً از من در مورد مقاله روزنامه واشنگتن پست سوال کردید. من در این مورد با دکتر محمود و مسعود صحبت کرده‌ام آنها اظهار داشته‌اند که واشنگتن پست مطالبی را که آنان با خبرنگار مربوطه اظهار کرده بودند چاپ نکرده و از خود مطالبی را به چاپ رسانده است به علاوه آنها هرگز در مصاحبه خود اسمی از اسرائیل نبرده‌اند چون اگر چنین کاری را انجام می‌دادند کلیه کشورهای عربی علیه آنها اعتراض می‌کردند و در مورد آمریکا گفته بودند که اگر دولت آمریکا به آنها کمک کند کمک مذکور را خواهند پذیرفت. من از گردها سوال کردم که چرا مطالب این مقاله را تکذیب نمی‌کنید اظهار داشتند که آمریکاییها ادامه این بحث را مصلحت نمی‌دانند و به علاوه عین این مطالب را من از دهان آقای کالاهان نماینده سرویس آمریکا در ایران شنیدم در مورد مهمات که صحبت کردید ما تصمیم داریم مقداری فشنگ کالیشنکف [کلاشینکف] برای گردها خریداری کنیم که اگر شما موجود داشته باشید البته از شما خواهیم خرید.

ژنرال ضمیر: در مورد این فشنگ‌ها تحقیقات لازم را انجام داده و نتیجه را به اطلاعاتان خواهم رسانید.

تیمسار ریاست ساواک: هنگامی که برای خرید این فشنگ‌ها با ارتشبد طوفانیان^۱ صحبت کردم ایشان اظهار داشت که این فشنگ‌ها را از اسرائیل هم می‌توان تهیه کرد. البته ما این مهمات را در ایران ذخیره می‌کنیم و هر موقع که جنگ شروع شد آنها را به اکراد تحویل می‌دهیم. ضمناً ملامصطفی بارزانی استدعا کرده که قبل از تشریف‌فرمایی ذات اقدس ملوکانه به آمریکا به حضور معظم‌له شرفیاب شود تا تقاضای کمکهای لازم را شخصاً به شرفعرض برساند تا از طریق معظم‌له به آمریکاییها توصیه گردد. ما اطلاعاتی بدست آورده‌ایم که به موجب آن دولت عراق تعداد تقریبی ۱۰۰۰ قاطر برای جنگهای کوهستانی علیه گُردها از هندوستان خریداری کرده است طبیعی است که این قاطرها فقط به منظور جنگ گُردها خریداری شده چون برای جنوب عراق فقط احتیاج به شتر است نه قاطر. ضمناً اطلاع پیدا کردیم که ارتش عراق در شمال آن کشور چند مانور انجام داده و طی آن مناطق بخصوصی را بمباران کرده و تعدادی چترباز نیز پیاده کرده است نتیجه این بمباران هوایی از نقطه نظر مانور نظامی خوب بوده است. اینها نشانه‌هایی است مبنی بر اینکه دولت عراق خیال دارد دست به یک حمله غافلگیر کننده بزنند. ضمناً ما هم از موضوع خرید هلیکوپترهای الووت که قادر به حمل تعداد زیادی از نفرات می‌باشد مطلع هستیم. اطلاع پیدا کرده‌ایم که شوروی پیرامون استفاده از گازهای سمی به افراد ارتش عراق تعلیم می‌دهد و به همین دلیل گُردها از ما تقاضای ماسکهای ضدگاز کرده‌اند. در ملاقات دبیر اول و دبیر دوم سفارت شوروی در عراق با گُردها سمود به آنها گفته که شما مشغول تعلیم عراقیها در زمینه استفاده از گازهای سمی هستید دبیر

۱. حسن طوفانیان، فرزند مهدی، در سال ۱۲۹۱ در تهران متولد شد. او در سال ۱۳۱۲ به استخدام ارتش درآمد و در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی، مهم‌ترین مشاغل وی چنین بود: فرمانده آموزشگاه خلبانی، رئیس دایره ۲ طرحهای استراتژیک اداره سوم ارتش، معاون هوایی اداره سوم ارتش، مدیر عامل سازمان صنایع نظامی، آجودان مخصوص شاه، رئیس اداره خرید و سفارشات خارجی صنایع نظامی و جانشین وزیر جنگ.

ارتشبد حسن طوفانیان به عنوان مسؤل خریدهای نظامی ایران در سال‌های ۱۳۵۰ و در دوران رونق اقتصاد نفتی شهرت جهانی یافت و مطبوعات غرب گزارشات متعددی درباره معاملات تسلیحاتی ایران و کمیسیون‌های طوفانیان درج کردند. از جمله مطبوعات آلمان غربی گزارش دادند که طوفانیان در یک معامله تسلیحاتی با کمپانی‌های این کشور، مبلغ ۳ میلیون مارک کمیسیون دریافت داشته است. ارتشبد طوفانیان در جریان پیروزی انقلاب توسط مردم دستگیر شد، ولی با حمایت مسؤلین دولت موقت مهدی‌بازرگان به همراه اسناد خریدهای کلان نظامی ایران فرار داده شد. در این باره در خاطرات فردوست توضیح داده شده است. علیرغم این تمهیدات، با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اسناد متعددی درباره معاملات طوفانیان، از جمله با رژیم صهیونیستی اسرائیل، به دست آمد که در اسناد لانه جاسوسی مندرج است. (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، ص ۴۶۹).

اول سفارت شوروی موضوع را تکذیب کرده اما مسعود نام استادان و محل آموزش را در اختیار دبیر اول سفارت شوروی می‌گذارد که شدیداً موجب تعجب دیپلمات روسی می‌شود. به علاوه عراقیها در منطقه کرکوک به غیر از اعراب افراد آسوری و ارمنی را نیز جانشین اکراد می‌کنند در مورد حمله به تأسیسات نفتی کرکوک باید بگویم که تاکنون این عمل سابقه نداشته حتی دو کشوری که در حال جنگ بوده‌اند به دلیل استفاده بعدی خود از منابع نفتی دست به چنین کاری نزدند البته ملا، [حاشیه مناطق نفتی را بمباران کرده است. بمباران مناطق نفتی کرکوک باید مورد بررسی بیشتری قرار گیرد در ضمن چون کرکوک تنها جاییست که نفت آن در عراق ملی اعلام شده بنابراین ممکن است این کار اثرات سیاسی بدی دربر داشته باشد شاید بهتر باشد که سایر مناطق نفتی عراق مورد حمله قرار گیرد این مطلب را بررسی می‌کنیم و بعداً با شما صحبت خواهیم کرد. اکراد از ما تقاضای تانک کرده‌اند و بخصوص اشاره به قول شما نمودند و در این مورد باید از شما سؤال کنم که آیا موضوع قول دادن شما صحیح است؟

ژنرال ضمیر: ما در بین خودمان توافق کردیم که آنها چند تانک از عراقیها بگیرند زیرا در غیر این صورت ایران در مظان اتهام قرار می‌گیرد.

تیمسار ریاست ساواک: من هم به آنها گفتم که چهار تانک از ارتش عراق به زور بگیرند ما هم چهار تانک دیگر به آنها می‌دهیم که جلب توجه نکند ادریس گفت ما عواملی را آماده کرده‌ایم که تانک بیاورند ولی اگر حالا این کار انجام شود تمام افراد کُرد را از ارتش بیرون می‌کنند و ما در مضیقه عجیبی قرار خواهیم گرفت.

چندی قبل هم یک خلبان عراقی با یک هواپیمای باجر قصد پناهنده شدن به ایران را داشت که به وسیله شکاریه‌های عراقی مجبور به مراجعت شد و بلافاصله اعدام گردید.

ژنرال ضمیر: در مورد استفاده گازهای سمی ما از یک هیئت علمی خواستیم که این مطلب را بررسی کنند گزارشی که از این بررسی به ما داده شد نشان می‌داد که استفاده از گازهای سمی بسیار امکان ضعیفی داشته و البته ممکن است ما اشتباه کرده باشیم. آسوزش نظامی روسها همیشه استاندارد است و در مورد گاز آموزش ضدگاز داده می‌شود نه آموزش استعمال گاز و وقتی در کشورهای همجوار ما مثل مصر و سوریه آموزش می‌دادند ما هم نگران شدیم ولی اینطور نبود.

فکر می‌کنم در سال ۶۹ یا ۷۰ [۱۹۷۰-۱۳۴۹] موافقت فرمودید که کُردها تأسیسات نفتی کرکوک را بمباران کنند فرمانده این عملیات شخصی به نام سامی بود که بعد هم به لندن رفت و تمام

مطالب را بدون بردن اسم ما در روزنامه دلی تایمز به چاپ رسانید. در اثر آتش‌گردها قسمتی از تأسیسات نفتی نیز آتش گرفت.

تیمسار ریاست ساواک: این واقعه در زمان جنگ بین کردها و عراقی‌ها اتفاق افتاد و البته اگر جنگ شروع شود شاید ایجاب کند که نظیر آن تکرار شود.

ژنرال ضمیر: البته من در این مورد اصرار نخواهم کرد و فقط اگر خودشان هم مایل باشند موضوع را پیشنهاد خواهیم کرد و در مراجعت نتیجه را به اطلاعاتان خواهیم رسانید. تیمی که آنها برای آموزش تانک به اسرائیل فرستاده بودند بسیار تیم خوبی بود و فکر می‌کنم فرستادن تانک برای آنها اشتباه بزرگی است و باید در زمان جنگ و غیرسترقبه این تانکها را به آنها داد که بتوانند وضع جنگ را عوض کنند در ضمن اگراد از لحاظ نگهداری و تعمیر این تانکها ضعیف هستند [...].

تیمسار ریاست ساواک: نظر شما راجع به وقایع اخیر عراق چیست؟

ژنرال ضمیر: قصابی. اطلاعات شما در این زمینه مسلماً از ما بیشتر است.

تیمسار ریاست ساواک: صدام را که رهبر کودتا بوده هنوز بر سر کار می‌بینم.

ژنرال ضمیر: ولی مسئله‌ای که تعجب ما را برانگیخت قربانی شدن کزاز است.

تیمسار ریاست ساواک: صدام برای رفع اتهام او را از بین برده است.

ژنرال ضمیر: پسران ملا گفتند که دوباره به جان ملا سوء قصد شده است و من گفتم ما به یک [به یک] نوع مبارزه معتقدیم که به کسی که می‌خواهد پدر شما کشته شود حمله کنید این شخص کیست؟ گفتند صدام من اضافه نمودم برای کشتن صدام به یک سلاح مخصوص احتیاج داریم و هیچ چیز در دنیا غیرممکن نیست و ما این سلاح را به شما خواهیم داد اما آنها هنوز جوابی نداده‌اند.

تیمسار ریاست ساواک: در بحثی با محمود و مسعود به این نتیجه رسیدیم که نامه تسلیتی بارزانی برای البکر بفرستند و شخصی که این نامه را به البکر می‌دهد شفاهی به البکر بگوید که اگراد برای نجات او از دسیسه‌های صدام آماده هر نوع کمک می‌باشند.

[...]

تیمسار ریاست ساواک: کردها از ما خواسته‌اند که در مورد وعده خرید توتون که به آنها داده بودید با شما تماس بگیریم.

ژنرال ضمیر: ما با چه وضعی می‌توانیم این نوع توتون را که با انواع ترک و اسرائیل و ایران مغایرت دارد در بازار عرضه کنیم دو کارمند متخصص کشاورزی به منطقه اکراد اعزام نمودیم و گزارشی هم داده‌اند که هنوز من آن را مطالعه نکرده‌ام.

تیمسار ریاست ساواک: می‌خواستم سنوالی در مورد مطلب چاپ شده در اورشلیم‌پست که حاوی مناسبات ایران و کردها بوده است سوال کنم.

ژنرال ضمیر: یکی از جنبه‌های ضعف اسرائیل همین مسئله است البته من این خبر را بررسی خواهم کرد.

[...]^۱

پس از جلسه مورخ ۱۸ تیر ۱۳۵۲، رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل دو بار با ملامصطفی بارزانی ملاقات کرد. ژنرال ضمیر در روز ۵۲/۴/۲۲، طی نشستی با همتای ایرانی خود، دستاوردهای این دیدارها را مورد بحث و مذاکره قرار داد:

ملاقات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر رئیس سرویس اسرائیل (جمعه ۵۲/۴/۲۲)

حاضران در جلسه:

۱- تیمسار ارتشبد نصیری

۲- ژنرال ضمیر

۳- آقای علی محیط

ژنرال ضمیر: من دو بار ملامصطفی را ملاقات کردم ابتدا در شب اول و بعد در شب دوم از چند منطقه کردنشین و همچنین دره رواندوز دیدن کردم. در دهات بین راه همه جا نوسازی می‌کردند و وضع زندگی عادی بود و کسی از جنگ صحبت نمی‌کرد. البته پیشمرگ‌ها همه جا هستند. از تاریخ سوء قصد به ملا همه جا کنترل حفاظتی زیاد شده است. مهمانان تابستانی در منطقه زیاد بودند. یک هتل کوچک نزدیک حاجی عمران برای مهمانان ساخته‌اند ملامصطفی مثل گذشته از مشکلات اقتصادی زیاد صحبت نمی‌کرد. در بازدید از رواندوز ادریس هم با من بود و او نقشه اشغال این منطقه را به من گفت. مشکل اصلی آنها دفاع ضدهوایی است در کنار تمام چادرها توپهای ضدهوایی به چشم می‌خورد. آنها به تعداد بیشتری از توپهای ۳۰ میلیمتری احتیاج دارند. احتمالاً بین ۶ تا ۱۰ توپ دیگر از این نوع به آنها تحویل خواهیم داد.

۱. گزارش ساواک درباره متن مذاکرات رؤسای سرویسهای اطلاعاتی ایران و اسرائیل؛ مورخ ۵۲/۴/۱۸.

ایستادگان اسرائیل بر صورت بیست و پنج ساله با هم یکی می‌باشند و در هر یک از این سالها یک نفر از آنها را به نمایندگی از اسرائیل در سازمان ملل متحد می‌نمایند. این امر به گونه‌ای است که هر یک از این سالها را به نمایندگی از اسرائیل در سازمان ملل متحد می‌نمایند. این امر به گونه‌ای است که هر یک از این سالها را به نمایندگی از اسرائیل در سازمان ملل متحد می‌نمایند.

در هر یک از این سالها یک نفر از آنها را به نمایندگی از اسرائیل در سازمان ملل متحد می‌نمایند. این امر به گونه‌ای است که هر یک از این سالها را به نمایندگی از اسرائیل در سازمان ملل متحد می‌نمایند. این امر به گونه‌ای است که هر یک از این سالها را به نمایندگی از اسرائیل در سازمان ملل متحد می‌نمایند.

در هر یک از این سالها یک نفر از آنها را به نمایندگی از اسرائیل در سازمان ملل متحد می‌نمایند. این امر به گونه‌ای است که هر یک از این سالها را به نمایندگی از اسرائیل در سازمان ملل متحد می‌نمایند. این امر به گونه‌ای است که هر یک از این سالها را به نمایندگی از اسرائیل در سازمان ملل متحد می‌نمایند.

صحبت خواهم کرد و وقتی که به اسرائیل آمدید نخست وزیر به شما توضیحات لازم را خواهد داد.

حال ملا خوب بود. ادریس-سمود و دکتر محمود را دیدم همه راضی بودند و نسبت به ایران و اسرائیل ابراز حق شناسی می کردند.

ملا به عربها اعتقاد ندارد او از من سؤال کرد در صورت اعلام استقلال کردستان نظر شما یعنی نظر ایران-اسرائیل و آمریکا چه خواهد بود؟ گفتم من فقط می توانم نظر اسرائیل را بگویم و در این صورت ما با شما روابط نزدیکی خواهیم داشت ولی البته شرط اصلی نظر ایران است. تصور می کنم نقشه ای در فکرش بود که نمی خواست بطور آشکار توضیح دهد. حتی ادریس و سمود هم از موضوع بی اطلاع بودند و اظهار تعجب می کردند.

تیمسار ارتشبد نصیری: من می دانم فکر او چه بوده و این موضوع ارتباط به اوامر شاهنشاه آریامهر دارد که چندین سال سن در اجرای آن کوشش کرده ام و امروز شما بطور مبهم متوجه آن شدید. تصمیم ما این بود که بین ملا و سایر کشورهای عربی روابط برقرار کنیم اما اعراب در این مورد دلسردی نشان دادند چون اصولاً اعراب نمی خواهند با مردم غیرعرب تماس بگیرند. سعودی ها حاضر به این کار نبودند حتی پاکستان که یک کشور غیرعرب است گفت با انجام این کار ما دوستان عرب خود را از دست خواهیم داد. در جریان بحران اخیر روابط کویت و عراق ما به کویت گفتیم که بهترین موقعیت برای تماس با کردها همین وقت است ما به کویتی ها گفتیم که وجود کردها مثل خاری در چشم دولت عراق است و باید شما این خار را بزرگتر کنید. ولی با تمام این حرفها جواب دولت کویت نامساعد بود. بعد با لبنانیها تماس گرفتیم. همانطور که گفتیم عربها از تماس با مردم غیرعرب اکراه دارند. با تمام حمایتی که ما از کویت در جریان بحران اخیر کردیم دولت کویت به حرف ما گوش نداد. عربستان سعودی البته دوست ماست. اما وقتی می گوئیم بیاید در خلیج فارس همکاری کنید اقدامی نمی کنند و این مایه تأسف است. اما ما مأیوس نیستیم و باز هم کوشش خواهیم کرد چون بالاخره دسته بندی و نفاق بین عربها قطعی است و برخی از آنها به ما نزدیک خواهند شد. فکر کردم لبنان با بقیه کشورهای عربی تفاوت دارد و از این رو سعی کردیم بین آن کشور و کردها تماس برقرار کنیم و برای این کار کامیل شمعون را انتخاب کردیم چون کامیل شمعون عرب نیست و با رئیس جمهور کنونی لبنان دوست است قرار است بعد از عزیمت شاهنشاه آریامهر به آمریکا موضوع ارتباط کامیل شمعون

با کردها را عملی کنیم. لبنان از عراق ناراحت است و دولت لبنان می‌داند که عراق پولهایی در لبنان خرج کرده است از این رو فکر می‌کنم که لبنانیها حاضر به همکاری در این مورد باشند. وقتی دبیر اول و دبیر دوم سفارت شوروی در بغداد با ملا ملاقات کردند از او دعوت کردند و حتی اصرار کردند که از شوروی دیدن نماید ملا در جواب گفت من پیر شده‌ام شما به درد ما نمی‌خورید من هم به درد شما نمی‌خورم. روسها گفتند پس اجازه بده پسرانت از شوروی دیدن کنند ملا گفت من فقط دو پسر دارم یکی از آنها را می‌خواستید از بین ببرید و از احوالات او خبری ندارم بنابراین فقط یک پسر دیگر برایم می‌ماند. موضوع سازش آمریکا و شوروی را خود شورویها به ملا گفته‌اند و اضافه کرده‌اند که شوروی و آمریکا درباره تمام مشکلات دنیا با یکدیگر سازش کرده‌اند ملا جواب می‌دهد پس چطور آنها در مورد کردها تصمیم نگرفته‌اند؟ در مورد کمک، ما به آنها کمک می‌دهیم و از هر جا که بتوانیم ساز و برگ نظامی ساخت شوروی پیدا کنیم می‌خریم و به آنها می‌دهیم مقداری اسلحه روسی از اردن برای آنها خریداری کردیم. به آمریکاییها فشار آورده‌ایم تا کمک کنند البته اگر جنگ شروع شود به آنها همه چیز خواهیم داد. کردها از ما سپاسگزاری کردند آنها می‌گویند در گذشته برای جلب حمایت کشورهای خارجی ما مستقیماً نماینده می‌فرستادیم ولی حتی دربان سفارتخانه‌های خارجی نمایندگان ما را نمی‌پذیرفتند ما به آمریکا رفتیم با انگلیس تماس گرفتیم اما کمکی نکردند ولی از زمانی که شما به نمایندگی از طرف ما اقدام کرده‌اید صاحب همه چیز شده‌ایم. ما به آنها توضیح داده‌ایم که کشورهای دنیا محظوراتی دارند ولی ما تمام راهها را برای شما باز خواهیم کرد. آنها می‌خواستند که تظاهرات دولت عراق را به گوش مردم دنیا از طریق سازمان ملل متحد برسانند ما آنها را راهنمایی کردیم که بهتر است از طریق کشورهای اسکاندیناوی اقدام کنند. چندی قبل ملامصطفی از من خواست که به شرفعرض ذات اقدس ملوکانه برسانم که اجازه فرمایند کردستان عراق ضمیمه ایران شود. شاهنشاه مقرر فرمودند به او جواب بدهید که دنیای ما دنیای توسعه‌طلبی نیست شما کوشش کنید حقوق ملی خود را بگیرید ما هم در این راه از شما حمایت خواهیم کرد. در مورد احتمال حمله شوروی ملامصطفی به ما هم چیزهایی گفته ما به او گفتیم که شوروی به شما حمله نخواهد کرد البته اگر جنگ شروع شود ممکن است شوروی از عراق حمایت کند که البته این هم مشکوک به نظر می‌رسد چون شوروی به عراق اعتماد ندارد.

بالاخر رفته است شاید موفقیت ما در مورد کردها یکی از دلایلی این باشد که من انتظار داشتم مدتی نسبتاً طولانی مجری اوامر شاهنشاه در مورد کردها و کمک به آنها باشم. در مورد کودتای عراق ملا چه عقیده‌ای داشت؟

ژنرال ضمیر: ملا می‌گفت که همه کارها زیر سر صدام حسین است که با البکر مخالفت می‌کند او ضمناً اضافه کرد متهمانی که دو روز قبل رسماً خبر اعدام آنها از طریق دولت عراق منتشر شد یک هفته قبل اعدام شده بودند. در حال حاضر حفاظت از ملا خیلی بهتر شده.

تیمسار ارتشبد نصیری: ما کوشش کرده‌ایم که اعراب را به حقانیت کردها متوجه سازیم دنیا باید بفهمد که عراقیها در مورد کردها اشتباه کرده‌اند حتی ما به ملا گفتیم که او نماینده‌ای نزد قذافی بفرستد. جواب داد که قذافی آدم سرسختی است اما ما گفتیم که اگر او سرسخت است پول هم دارد.

ژنرال ضمیر: ملا مصطفی برای انجام کارهایش فقط از وجود ده نفر استفاده می‌کند من به او گفتم که باید کارهایش را تقسیم کند و به آنهایی که اعتماد دارد استقلال عمل بدهد و سائل را با مشورت قبلی و بطور مشترک اداره نماید. ما این موضوع را تعقیب خواهیم کرد تا بعد از ملا یک کمیته کارش را انجام دهد.

تیمسار ارتشبد نصیری: این از فرمایشات شاهنشاه آریامهر است که اکنون به نتیجه هم رسیده است کمیته مورد نظر اکنون تشکیل شده و مشغول کار است و طبق اطلاع ۸۰ درصد کارهای آن را ملا تأیید می‌کند.^۱

گزارش دیگر ساواک در خصوص ملاقات و مذاکرات ژنرال خفی (هوفی) رئیس وقت موساد با رئیس ساواک خواندنی و قابل توجه است.

در این نشست طرفین درباره همکاری ایران و اسرائیل در کردستان عراق به بحث و تبادل نظر پرداختند؛ از جمله مباحث مطروحه در این مذاکرات عبارت بود از: نقش انگلستان و شوروی در پیدایش جنبش استقلال طلبانه کرد؛ میزان تلاش دولت شاهنشاهی ایران در ایجاد اختلاف بین کردها و دولت عراق و نیز اقدام در جهت ایجاد و تشدید تفرقه و درگیری بین آنها؛ جانبداری تاکتیکی ایران شاهنشاهی از کردهای عراق؛ کمک‌های تسلیحاتی

۱. گزارش ساواک درباره ملاقات ریاست ساواک با ژنرال ضمیر رئیس سرویس اسرائیل، مورخ جمعه ۱۳۵۲/۴/۲۲، با طبقه‌بندی به کلی سزی.

اسرائیل به کردهای عراق؛ و نیز همکاری‌ها و فعالیت مشترک حکومت پهلوی و اسرائیل در ارسال تجهیزات نظامی برای کردها و نیز آموزش اکراد از سوی آنها:

ملاقات ژنرال خفی با تیمسار ریاست ساواک

شرکت‌کنندگان: تیمسار قائم‌مقام ساواک- مدیریت کل اداره دوم- مدیریت کل اداره هفتم آقای محیط- خانم عبادی

تیمسار ریاست ساواک: دیدار از منطقه چطور بود؟ متأسفیم که مقداری را با لندرور رفته‌اید. ژنرال خفی: برای من بازدید جالبی بود. باید در این مورد از شما تشکر کنم. همانطور که می‌دانید من تا چندی قبل در ارتش بودم و همیشه با این نوع وسائل مسافرت می‌کرده‌ایم. تیمسار ریاست ساواک: می‌خواستم اول از روحیه بارزانی سؤال کنم.

ژنرال خفی: من اگر چه قبلاً با مسئله اکراد آشنایی داشته‌ام ولی تاکنون شخصاً با اکراد ملاقات نکرده بودم. بنابراین با توجه به این که شما در مورد اکراد از من بیشتر می‌دانید ممکن است نتیجه‌گیری من زیاد صحیح نباشد. من تصور می‌کنم که رهبری جوان‌گرد مثل دکتر محمود واقعاً دلیل و برهانی برای ادامه جنگ پیدا نمی‌کند. ملا احساس می‌کند که ملت خود را گمراه کرده است زیرا ملتش شدیداً در رنج هستند. اولین مسئله مشکل پناهندگان است و نیز کمبود مواد غذایی در شمال بارزان. ملا تصور می‌کند راه‌حل تشکیل یک دولت تبعیدی است که قبلاً راجع به آن با شما صحبت کرده و می‌خواهد که این دولت از حمایت ایران و امریکا برخوردار باشد. ملا گفت می‌تواند نظر بعضی از اعراب را در سهم شدن این دولت جلب کند. این دولت در حقیقت جانشینی برای دولت بغداد خواهد شد. من نمی‌دانم حقیقتاً این رؤیا به حقیقت مبدل خواهد شد یا نه. تا آنجا که موضوع مربوط به ما است هر چه که اکراد تصمیم بگیرند و از حمایت شما برخوردار باشد ما نیز حمایت خواهیم کرد. به نظر من ملا از نظر جسمانی و روحی در وضع خوبی قرار دارد. دکتر محمود فکر می‌کند ملا از نظر جسمی وضع خوبی دارد ولی نه از نظر فکر و روحی. رهبری جوان اکراد کمی دستپاچه است و نمی‌داند چه راهی را در پیش بگیرد. فکر می‌کنم توانایی تغییر اوضاع نظامی را نداشته باشند و تقاضای حمایت بیشتر دارند. به علت حمایت ایران،] کردها موفق شده‌اند جلوی عراقیها را بگیرند. کردها از این وحشت دارند که جنگ در زمستان هم ادامه پیدا کند و تنها مسئله‌ای که آنها را ناراحت می‌کند حملات هوایی است. ما نزدیکیهای صبح به کلاله رفتیم. دیدیم مردم به هوا نگاه می‌کنند و دنبال

ما از ملا خواستیم که عراقیها در مقابل درخواستهای متعددشان برای نزدیکی، اجرا نکردن مواد موافقتنامه قبلی را متذکر شود. بار دیگر مواردی نوشته شد و برای ملا فرستاده بودند که دو ماده آن مخالف خودمختاری قبلی بود که واحدهای مرزبانی در اختیار ملا بود و میبایستی هم به او پرداخت می شد که این بار با این موارد از بین می رفت و جنگ شروع شد.

در خودمختاری قبل موصل هم جزو منطقه اکراد بود و باید دولت بابت نفت پولی هم به اکراد می داد و دولت عراق هم چاه را بست که منفعتی نداشته باشد که پولی بپردازد و بعد شروع به تخلیه مناطق کر دشتین از اکراد و جانشین کردن آنها با اعراب نمود و یک علت دیگر برای شروع جنگ بوجود آمد. هشت ماه است که جنگ شروع شده و استیباط می شود که این جنگ کاملاً با جنگ قبلی فرق دارد. وجود مستشاران شوروی کاملاً به چشم می خورد تکنیک را عوض کرده اند و قدرت نظامی آن صد برابر شده ولی ثرات همانها هستند. تنها نقطه ضعف عراق در مورد نفرات است.

ژنرال خفی: من طی جنگ گذشته در جبهه سوریه با عراقیها جنگ کرده ام.

تیمسار ریاست ساواک: به تلفات و ضایعات اهمیت داده نمی شود. خط اول جبهه حق عقب نشینی ندارد. وقتی یک نقطه سوق الجیشی را بدست بیاورند بلافاصله شبانه مناطق استحفاظی محکمی درست می کنند که اکراد با آنها بارها مصادف شده اند و نتوانسته اند کاری انجام دهند. هواپیماها در مسافات بالا بمبهای تأخیری چند ساعته می ریزند و می روند با تمام این موارد باید قبول کنیم که خوب مقاومت کرده اند. از هر جهت کمک به اینها را ما جایز می دانیم زیرا اولاً از نژاد آریایی هستند دوم اینکه دولت بمث عراق برای خاورمیانه خطرناک است. شما خودتان یک مقام عالیرتبه ارتشی هستید و می دانید کمک به اکراد در این وضعیت یک ریسک است زیرا مقررات بین المللی را در مورد سلاح می دانید. برنامه های دیگری هم داریم. هدف ما طبع کردن ارتش بمث عراق است. نه تنها برای ما بلکه این دولت برای خاورمیانه خطرناک است. هر چند دولتهای دوست عربی قول داده اند که اینها به سرور از شوروی دور خواهند شد ولی ما هنوز صملاً علائقی ندیده ایم. دولت عراق به دول عرب می گوید از مستشاران شوروی در زمینه های کشاورزی و غیر [غیره] استفاده می کنیم. ولی آنها حتی آموزش بهبهای گازی به افراد عراقی می دهند. اکراد به این ترتیب احتیاج به کمک دارند. سلاحهایی دارند که مهمانش در دنیای غرب مشکل پیدا می شود مثل گلوله توپ ۲۵ تنی.

ژنرال خفی: متشکرم که مرا در مورد اوضاع توجیه فرمودید. برای من بسیار مفید بود. می‌خواهم در چند مورد اظهار نظر کنم. به یاد می‌آورم [می‌آورم] در سال ۴۸ که عراقیها هم در جنگ با اسرائیل درگیر بودند سربازان را برای نگهداشتن در جبهه با زنجیر می‌بستند. اگراد عقیده دارند اینها اجساد سربازانشان را با هلیکوپتر به دریاچه می‌ریزند. قبل از اینکه کشورم را ترک کنم اطلاعاتی در مورد کنفرانس رباط بدست آوردم. مسئله اصلی موضوع فلسطین بود. وزیر خارجه عراق همکارانش را در مورد مرز ایران توجیه کرده و اظهار نموده نه تنها فلسطین مرز اعراب و اسرائیل است بلکه مرز ایران هم مرز دیگری است و از کشورهای عرب خواست در مورد جنگ مرزی با ایران از عراق حمایت سیاسی کنند.

تیمسار ریاست ساواک: تا آنجا که من خبر دارم وزیر خارجه فوت شده و در صورتجلسه هم نامی از ایران برده نشده است.

ژنرال خفی: البته عوض کردن سلاح روسی که به اگراد داده‌ایم مشکل است.

تیمسار ریاست ساواک: باید در زمستان انجام بدهیم و هر چه در قدرت داریم انجام دهیم. ژنرال خفی: مهمات روسی و گلوله‌های ۲۵ تنی ما تمام شده است بنابراین باید با سلاحهای غرب عوض بشوند.

تیمسار ریاست ساواک: حداقل یک توپخانه شامل ۶ توپ است ولی شما دو توپ برای آنها فرستاده‌اید.

ژنرال خفی: ما این سلاحها را از واحدهای ذخیره در ارتش می‌گیریم و می‌فرستیم. امیدوارم در مراجعت بتوانم چهار توپ دیگر برای منطقه بگیریم.

البته با جانشینی سلاح امریکایی با سلاحهای فرانسوی که ما داریم و آنها را به اگراد خواهیم داد امیدواریم به زودی گلوله‌ای ۲۵ پوندی گرفته برای اگراد بفرستیم.

تیمسار ریاست ساواک: من شاهد مبارزه کمک به اگراد بین ارتش و دستگاه امنیتی شما بوده‌ام. شما فکر جنگ آینده خود بوده‌اید که در نتیجه می‌خواستید از سلاحهای ذخیره‌ای کم نشود. حالا شما پشت میز امنیتی هستید و می‌بینید که این نه تنها ذخیره شما را کم نمی‌کند بلکه یک جبهه عرب را از شما کم می‌کند.

درست است که نفر شما با نفر عراق قابل مقایسه نیست ولی اگر عراق آزاد باشد تعداد نفرات آن تولید اشکال خواهد کرد. در اول صحبتهای خود گفتم منظور خرد کردن ارتش عراق است

همانطور که عرض کردم در آینده نزدیک تعویض سلاحها صورت خواهد گرفت. باید به عرض برسانم گلوله ۲۵ پوندی برای توپ را باید از ارتش افریقای جنوبی که آن را تولید می‌کند تهیه کنیم. به ما قول داده‌اند که بدهند. تیمسار ریاست ساواک: از گلوله‌های خمپاره‌ای ۱۲۰ میلیمتری ۵۰۰ تا فرستاده‌ایم. ۵۰۰ تایی دیگر هم تقاضا کرده‌ایم که بفرستیم. ژنرال خفی: برنامه آموزشی را ما تهیه می‌کنیم و برای شما می‌فرستیم. بعد از تصویب جناب‌عالی معلمین را برای آموزش می‌فرستیم.^۱

۱. سند ساواک، بدون شماره و تاریخ. ژنرال اسحاق هوفی (خوفی) در سال ۱۹۷۳ به ریاست موساد منصوب شد و در سال ۱۹۷۵ نیز قرارداد الجزایر میان محمدرضا شاه و صدام امضا گردید. بنابراین، مذاکرات مزبور در بین سال‌های مذکور صورت گرفته است.

تسلیم و تعلیم کردها

بخش عمده همکاری و فعالیت مشترک موساد و ساواک در میان کردهای عراق، موضوع کمک‌های سرشار تسلیحاتی و نیز آموزش نظامی کردهاست.

اسرائیلی‌ها اگر چه بخش عمده کمک‌های نظامی را از طریق ایران برای کردها ارسال می‌کردند، اما این بدان معنی نبود که تمامی این فعالیت‌ها را با کسب مجوز از ساواک و با واسطه آنها انجام می‌دادند. آن گونه که از اسناد ساواک معلوم می‌شود، اسرائیلی‌ها در پاره‌ای مواقع بدون اطلاع و هماهنگی با ساواک خود مستقیماً اقدام به این کار می‌کردند. در بخش آموزش نیروهای کرد عراقی نیز در بسیاری موارد، مأموران اطلاعاتی موساد بدون اطلاع ساواک کردها را تحت آموزش نظامی و اطلاعاتی قرار می‌دادند. البته اسرائیلی‌ها در این زمینه به دو شکل اقدام می‌کردند. اسرائیلی‌ها با گزینش بعضی از کادرها و نیروهای کرد، آنها را به فلسطین اعزام می‌کردند و در مراکز اطلاعاتی و نظامی اسرائیلی تحت تعلیمات نظامی و اطلاعاتی قرار می‌دادند. به علاوه مأموران اطلاعاتی موساد خود نیز با حضور در مناطق کردنشین، به آموزش نظامی و اطلاعاتی کادرهای کرد اقدام و مبادرت می‌کردند.

برای نمونه، رئیس موساد در مذاکرات مورخ ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۲ با رئیس ساواک، درباره آموزش گروه‌های کرد در فلسطین اشغالی، می‌افزاید:

تیمی که آنها [کردها] برای آموزش تانک به اسرائیل فرستاده بودند، تیم بسیار خوبی بود.

نامبرده در نشست اطلاعاتی دیگر با رئیس ساواک از او می‌خواهد که منطقه‌ای نزدیک مرز ایران و عراق به عنوان کمپ آموزشی در اختیار آنها قرار گیرد:

ژنرال خفی: من موضوع اکراد را که نخست‌وزیر هم خیلی به آن علاقمند است، قبل از آمدن با

۵۵۹۴۶۲ درخواست صدور روادید کرده است. طبق اظهار سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل قرار است آقای ژوزف جهت انجام اوامر تیمسار ریاست ساواک مربوط به اکراد در ۵۳/۲/۱۰ به تهران عزیمت نماید. خواهشمند است دستور فرمایید سریعاً نظر مرکز را ابلاغ فرمایند تا طبق آن عمل گردد.

رئیس نمایندگی اسرائیل^۱

اما درباره کمک‌های تسلیحاتی برای کردهای عراقی، نمونه گزارش ساواک در خصوص مهمات مورد نیاز درخواستی از سوی کردها چنین است:

اظهارات آقای بهار در مورد مهمات درخواستی دوستان شمال

موشکهای فرانسوی ۱۰کک-۱۱کک ضد تانک

۱۲ عدد توپ ضد هوایی ۳۰ میلیمتری

۴۰۰۰ مهمات دارد

۵۰ دوشکا و مهماتش

۳۰۰۰ مهمات برای خمپاره‌انداز ۱۲۰

۱۰۰۰ مین ضد تانک

۱۰۰۰ گلوله برای بازو کای مدل ۳/۵

مهمات انگلیسی برای ۳۰۳ تفنگهای برنگ‌گان و تفنگهای معمولی مهمات ۷/۶۲

توپهایی که مثل هوتزر عمل می‌کند ۱۲۲ میلیمتری با مهمات

یک تن وسائل طبی و بهداشتی (که ممکن است از سفارشات قبل از جنگ خودمان باشد) و

وسائل براندازی و مخرب

جمعاً ۳۰۰۰ تن می‌شوند که ۲۵۰ تن آن آماده برای حمل می‌باشد.

راجع به تاریخ احتمالی کنفرانس تیمسار فرمودند اواسط فروردین ۵۳.^۲

موضوع ارسال تجهیزات موشکی از سوی اسرائیل برای کردهای عراق از فرازهای برجسته همکاری موساد و ساواک در تسلیح اکراد و پشتیبانی همه‌جانبه نظامی از آنها برای جنگ علیه دولت و حاکمیت عراق است. نامه ناهوم ادمونی معاون وقت موساد به رئیس

۱. سند ساواک، مورخ اردیبهشت ۱۳۵۲.

۲. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۱۶.

ساواک که از سوی نمایندگی آن سرویس، مستقر در تهران، با نام رمز بهار به ساواک ارایه شده، حاوی اطلاعات صریح و روشنی در این باره است:

موضوع موشک برای امام^۱

۱- بنا به تقاضای شما من پیغام شفاهی را که روز یکشنبه ۲۶ اوت وسیله آقای ادمونی به اطلاع آن عالیجناب رسید خلاصه کرده‌ام.

الف- وضعیت نظامی امام ما را به این نتیجه رساند که تجهیز کردن امام به صلاح‌های [سلاح‌های] مدرن ضدتانک و ضدهوایی حائز اهمیت می‌باشد.

ب- موشک‌های ضدتانک «ساگر» و موشک‌های ضدهوایی «استرلا» که ساخت شوروی هستند در واحدهای ارتش اسرائیل مورد استفاده قرار می‌گیرند (این موشک‌ها در خلال جنگ به غنیمت گرفته شده‌اند).

ما فکر می‌کنیم که تدارک موشک‌های (ساگر و استرلا) ممکن است افراد امام را قادر سازند که تعدادی از تانک‌ها و هواپیماهایی را که در ارتفاع کم پرواز می‌کنند منهدم سازند و بدین وسیله حمله عراقی‌ها را حداقل تا پایان فصل زمستان متوقف نمایند.

ت- ما فکر کردیم که ایران به علت محدودیتهای سیاسی نمی‌تواند موشک‌های ساخت امریکا در اختیار امام بگذارد.

ث- با وجودی که موشک‌های استرلا و ساگر در ارتش اسرائیل در واحدهای رزمی که به حالت آماده بسر می‌برند مورد استفاده می‌باشد، ما از ارتش اسرائیل ۱۵ موشک استرلا و سی موشک ساگر دریافت نمودیم که مستقیماً از واحدهای ما اخذ و به امام تحویل خواهد شد. ما آماده‌ایم که افراد امام را برای به کار بردن این موشک‌ها آموزش دهیم.

ج- بدیهی است که برای گرفتن نتیجه در ایجاد وقفه در حمله عراقی‌ها این موضوع حائز کمال اهمیت است که امام با تعداد خیلی بیشتری از ۱۵ موشک استرلا و سی موشک ساگر تجهیز شود. متأسفانه به علت شرایط موجود در منطقه ما قادر نیستیم که موشک‌های بیشتری را از بین واحدهای خود بدون دریافت موشک‌های ساخت امریکا برای جایگزین کردن آنان خارج نماییم.

چ- جایگزین موشک ساگر موشک «تو» و جایگزین موشک استرلا موشک «چشم قرمز» می‌باشد.

۱. ظاهراً نام رمز برای ملامصطفی بارزانی است.

«SAGER» «STRELLA» «TOW» «THE EYE»

ح- ما با آمریکایی‌ها تماس گرفته و آنها را در جریان کامل وضعیت گذارده‌ایم. اگر آمریکایی‌ها موافقت نمایند که جایگزین موشکهای مذکور را در اختیار ما بگذارند ما قادر خواهیم بود که امام را با تعداد زیادی موشکهای روسی (استرلا و ساگر) که از واحدهای خود خواهیم گرفت تجهیز نماییم.

خ- پیشنهاداتی که وسیله آقای ادمونی ارائه شده به شرح زیر است.

که آن عالیجناب امکان اینکه موشکهای «تو» و «چشم قرمز» را به عنوان جایگزین موشکهای روسی که به وسیله ما در اختیار امام گذارده خواهد شد. (بیشتر و بالاتر از ۱۵ استرلا و ۳۰ ساگر) بررسی نمایند.

اگر شما آماده باشید که موشکهای جایگزین را در اختیار ما بگذارید ما قادر خواهیم شد که امام را با صدها موشک ساخت شوروی تجهیز نماییم. همچنین خاطرنشان شد که اگر ما تعداد کافی موشک از آمریکاییان دریافت نماییم دیگر احتیاجی به موشکهای ایران نخواهد بود.

۲- از جوابی که از گرین دریافت داشته‌ایم (وسیله بهار) چنین درک کردیم که شما آماده‌اید به عنوان جایگزین موشکهایی که ما برای امام ارسال خواهیم نمود موشک «تو» در اختیار ما بگذارید و همچنین متوجه شدیم که دارای موشکهای «چشم قرمز» نمی‌باشید.

۳- همزمان با این موضوع ما جواب آمریکا را دریافت کرده‌ایم مبنی بر اینکه ایالات متحده آمریکا بطور کلی حاضر است جایگزین موشکها را در اختیار ما بگذارد ولی فعلاً به تعداد محدود.

۴- ما آماده‌ایم که امام را با هر اسلحه‌ای که جایگزین آن را دریافت نماییم تجهیز کنیم.

۵- ما هم اکنون مشغول آماده کردن تعدادی موشک استرلا و یک مریی هستیم که آنان را در اسرع وقت به منطقه خواهیم فرستاد.

۶- آموزش موشک ساگر باید در اسرائیل صورت گیرد و ما ترتیباتی داده‌ایم که این دوره در ظرف چند روز شروع شود.

۷- از آنجایی که ما مجبوریم تمام عملیات تدارک و آموزش را طرحریزی نماییم بسیار ممنون خواهیم شد اگر آن عالیجناب بر اساس این نامه بتوانند به ما پاسخ بدهند که آیا از طریق ایران نیز موشکهایی به عنوان جایگزین ساگر در اختیار گذارده خواهد شد. یعنی اگر شما آماده باشید

که برای موشکهای اضافی «ساگر» که بلافاصله وسیله ما برای امام ارسال خواهد شد موشکهای «تو» به عنوان جایگزین در اختیار ما بگذارید. البته این تعداد بیشتر و بالاتر از تعداد موشکهایی است که وسیله آمریکاییها در اختیار ما گذارده خواهد شد.^۱

گزارشی را که سرویس اطلاعاتی اسرائیل از طریق رابط خود با ساواک، برای ارتشبد نصیری (رئیس ساواک) ارسال کرده، عمدتاً درباره چگونگی تجهیز کردهای عراقی به سلاح‌های جنگی و پشتیبانی و تقویت نظامی آنها در مقابل حکومت عراق از سوی اسرائیل است.

نکته قابل توجه که در این گزارش به صراحت به آن اشاره شده، هماهنگی اسرائیل با ایالات متحده آمریکا در این باره است. در ادامه گزارش مزبور، لیست انواع سلاح‌های جنگی مورد نیاز برای کردهای عراقی ضمیمه شده است. این لیست از سوی سرویس اطلاعاتی اسرائیل و با همکاری ساواک تهیه و به وزیر امور خارجه آمریکا تسلیم شده است:

تیمسار ارتشبد نصیری

درباره: اسلحه برای امام

عالیجناب

۱- گزارش مربوط به تماس ما با وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا به پیوست تقدیم می‌گردد.

۲- به نظر ما وزیر امور خارجه آمریکا ضمن بازدید خود از ایران موضوع را با اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر مورد بحث قرار خواهند داد.

۳- خوشحال خواهیم شد که هر گونه اطلاعات تکمیلی در این مورد را شفاهاً به عرض برسانم.

با تقدیم احترام- بهار^۲

تاریخ: ۷ آبان ماه ۵۳

در یادداشت دستنویس حاشیه سند چنین آمده است:

این گزارش را رابط اسرائیل در غیاب تیمسار ریاست ساواک و قبل از سفر وزیر خارجه آمریکا به ایران بنا به تصویب قبلی تیمسار ریاست ساواک از طریق ساواک به شرفعرض پیشگاه مبارک ملوکانه رساند. تیمسار ریاست ساواک بعداً در تاریخ ۵۴/۱/۱۸ ضمن اینکه گزارش مربوطه را

۱. متن ترجمه نامه ادمونی معاون سرویس اطلاعات اسرائیل، مورخ ۲۹ آگوست ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳، شماره ۶۹۶، با طبقه‌بندی سری، از بهار، به نصیری.

۲. سند ساواک، مورخ ۸ آبان ماه ۱۳۵۳، شماره ۴۷۴

به اینجانب دادند امر به ترجمه آن فرمودند که ترجمه به عرض رسید و اوامری فرمودند.

۵۴/۱/۲۴

انتظار می‌رود با آغاز زمستان از شدت جنگ در کردستان کاسته شود. از این موقعیت برای تقویت نیروهای کُرد می‌توان استفاده نمود بطوری که آنها در صورت بروز جنگهای گسترده‌ای که قرار است در اوایل بهار ۱۳۵۴ آغاز گردد آماده باشند.

سفارش می‌کنم جزئیات مربوط به طرح تجهیزات- ملزومات و آموزش و غیره هر چه زودتر بین ما مورد بحث واقع شود.

نکته مهمی را که باید در نظر داشت اینست که چند نوع از سلاحهای مشخص ساخت روسیه را که ما آماده می‌کردیم رو به اتمام است. ذخائر سایر سلاحهایی که در حال حاضر در دست کردها است به سرعت در حال تمام شدن است. باید منابعی برای جبران سلاحهای اساسی پیدا نمود. همچنین سلاحهایی را که نمی‌توان مهمات برای آنها پیدا کرد باید با سلاحهایی عوض نمود که بتوان برای آنها بر اساس روش جاری ملزومات مهمات تهیه نمود.

یک منبع احتمالی برای تهیه سلاحهای یدکی، نیروهای دفاعی اسرائیل می‌باشد که حاضر خواهد بود از ذخایر خود سلاحهای لازم را تحویل دهد به شرط آنکه ایالات متحده آمریکا قبول نماید آنها را جبران نماید. انواع مشخصی از سلاحها را نیز می‌توان توسط واسطه‌های اسلحه از بازارهای جهانی تهیه کرد.

ما از وزیر امور خارجه آمریکا تقاضا نموده‌ایم که موضوع تمویض سلاحهای امریکائی را با آن قسمت از سلاحها و مهماتی که ساخت آمریکا نیست و نیروی دفاعی اسرائیل حاضر است از محل انبارهای خود به کردها تحویل دهد مورد مطالعه قرار دهد. علاوه بر این ما از وزیر امور خارجه آمریکا تقاضا نموده‌ایم که موضوع کمک پولی به خرید سلاحهایی را که می‌توان از بازار خریداری نمود مورد بررسی قرار دهد.

فهرست تجهیزاتی که به نظر ما باید در طول مدت زمستان در دسترس کردها گذاشت به وزیر امور خارجه آمریکا تسلیم شده است.

به نظر ما وزیر امور خارجه ایالات متحده در دیدار آینده خود از ایران موضوع را با اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در میان خواهد گذاشت.

رونوشت فهرستی که به وزیر امور خارجه ایالات متحده تسلیم شده به پیوست تقدیم می‌گردد.

اسلحه برای کردستان

۱- فهرست سلاحها، مهمات و تجهیزات جایگزین سلاحهای شوروی در کردستان به قرار زیر است.

۲- اینگونه سلاحها باید در اروپا یا در اسرائیل و در صورت امکان از مازاد و قسمتی بطور مستقیم از کارخانجات تولید کننده خریداری شود. قیمتها بر همین اساس محاسبه شده‌اند.

۳- از آنجا که هنوز به درستی معلوم نیست کلیه این اقلام در دسترس باشد این فهرست بر اساس شرایط موجود در بازار تغییرپذیر است.

۴- چند قلم از این سلاحها را که خریداری آنها در بازار مشکل است می‌توان از نیروی دفاعی اسرائیل خواست که در مقابل سلاحهای مشابه ساخت آمریکا معاوضه نماید.

۵- توپخانه

نوع سلاح	تعداد	قیمت هر واحد به دلار	جمع
الف توپ ۱۵۵ میلیمتری کشتی	۱۸	۱۵۰۰۰	۲۷۰۰۰۰
ب مهمات ۱۵۵ میلیمتری	۲۰۰۰۰	۲۳۰	۴۶۰۰۰۰۰
پ توپ ۱۰۵ میلیمتری کشتی	۱۲	۱۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰
ت مهمات ۱۰۵ میلیمتری	۱۲۰۰۰	۵۰	۶۰۰۰۰۰
ث خمپاره‌انداز ۱۶۰ میلیمتری	۶	۲۵۰۰۰	۱۵۰۰۰۰
ج مهمات ۱۶۰ میلیمتری	۶۰۰۰	۲۰۰	۱۲۰۰۰۰۰
چ خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلیمتری	۲۴	۷۰۰۰	۱۶۸۰۰۰
ح مهمات ۱۲۰ میلیمتری	۲۴۰۰۰	۸۰	۱۹۲۰۰۰۰ ۱۹۲۰۰۰۰
خ لوازم بدکی			۱۰۶۲۰۰
ر لوازم نگهداری			۳۵۴۰۰

۶- سلاحهای ضدتانک

	نوع سلاح	تعداد	قیمت هر واحد به دلار	جمع
الف	توپ بدون عقب‌نشینی ۱۰۶ میلیمتری	۵۰	۹۰۰۰	۴۵۰۰۰
ب	مهمات ۱۰۶ میلیمتری	۲۵۰۰	۱۵۰	۳۷۵۰۰۰
پ	بازوکا	۵۰۰	۶۰۰	۳۰۰۰۰
ت	مهمات بازوکا	۲۵۰۰۰	۷۰	۱۷۵۰۰۰۰
ث	راکت ضدتانک اس‌اس-۱۱	۵۰۰	۳۵۰۰	۱۷۵۰۰۰۰ ۱۶۱۵۰۰۰
ج	لوازم یدکی			۱۱۲۵۰۰
چ	لوازم نگهداری			۲۷۵۰۰
				۱۵۰۰۰۰

۷- سلاحهای ضدهوایی

	نوع سلاح	تعداد	قیمت هر واحد به دلار	جمع
الف	مهمات توپهای ضدهوایی ۳۰ میلیمتری	۲۵۰۰۰۰	۲۰	۵۰۰۰۰۰۰
ب	توپهای ۲۰ میلیمتری ضدهوایی	۵۰	۴۰۰۰	۲۰۰۰۰۰
پ	مهمات توپهای ۲۰ میلیمتری	۵۰۰۰۰۰	۸	۴۰۰۰۰۰۰ ۳۳۰۰۰۰۰
ت	لوازم یدکی			۳۰۰۰۰
ث	وسایل نگهداری			۱۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰

۸- تجهیزات رادیویی

	نوع سلاح	تعداد	قیمت هر واحد به دلار	جمع
الف	سیستم PRC-77	۵۰	۱۲۰۰	۶۰۰۰۰
ب	لوازم یدکی و باطری			۱۲۰۰۰
پ	وسایل			۶۰۰۰ ۷۸۰۰۰

۹- وسائل نقلیه

	نوع سلاح	تعداد	قیمت هر واحد به دلار	جمع
الف	کامیون سبک برای مهمات حمل	۱۲	۱۲۰۰۰	۱۴۴۰۰۰
ب	جیب برای توپهای بدون عقب‌نشینی	۱۲	۶۰۰۰	$\frac{۷۲۰۰۰}{۱۱۶۰۰۰}$
پ				۲۲۴۰۰

۱۰- مین و نارنجک^۱

	نوع سلاح	تعداد	قیمت هر واحد به دلار	جمع
الف	مین ضدتانک	۱۰۰۰۰	۳۰	۳۰۰۰۰۰
ب	مین ضد نفر	۱۰۰۰۰	۵	۵۰۰۰۰
پ	نارنجک دفاعی	۵۰۰۰۰	۷	۳۵۰۰۰۰
ت	نارنجک نهاجمی	۵۰۰۰۰	۵	۲۵۰۰۰۰
جمع کل ۲۴۴۶۱۰۰۰ دلار				

ژنرال (زامیر) ضمیر رئیس موساد، در سال ۱۳۵۳، طی نامه‌ای به نصیری رئیس ساواک، ضمن اشاره به درگیری قریب‌الوقوع بین کردها و دولت عراق، به‌طور تلویحی از موقعیت ملامصطفی بارزانی اظهار نگرانی کرد. نامبرده با یادآوری کمک‌های نظامی ارسالی اسرائیل برای کردها به منظور تقویت و پشتیبانی از آنان در جنگ با دولت عراق، درخواست کرد که ایران عهده‌دار کمک‌های اقتصادی ویژه به بارزانی شود:

جناب تیمسار نصیری
۱۶ مارس ۱۹۷۴
من از تصمیم یک‌جانبه دولت عراق که ناقض موافقت‌نامه مارس ۱۹۷۰ [۱۳۴۹] است اطلاع پیدا

کردم. از گزارشهایی که به وسیله نمایندگان خود دریافت کرده‌ام چنین به نظر می‌رسد که ملامصطفی بارزانی تصمیم گرفته به مبارزه خود در راه حقوق ملت گردد و به منظور مخالفت با سیاستهای دولت عراق ادامه دهد. این تحول بحران بین کردها و دولت عراق را تشدید نموده و برخوردهایی بین آنها بوقوع پیوسته است. باید تیره‌تر شدن اوضاع را که منجر به تجدید جنگ گردد به عنوان یک احتمال در نظر داشت. به نظر ما ملامصطفی بارزانی احتیاج فوری به کمکهای اقتصادی و نظامی دارد. ما تلاش ویژه‌ای را در این زمینه شروع کرده و هر چه زودتر یک یا دو هواپیما حامل مهمات و یا تجهیزات ضروری‌تر با توجه به نیازمندیهای فوری اعزام خواهیم داشت. من می‌دانم که نگرانی اصلی ژنرال بارزانی ناشی از فشار سنگین اقتصادی می‌گردد که به دلیل زیاد شدن هجوم پناهندگان به اراضی تحت کنترل وی هر لحظه بیش از گذشته می‌شود این موضوع می‌تواند به عنوان عامل مهمی در توانایی بارزانی و پیروانش برای ادامه مبارزه محسوب شود. با توجه به موقعیت ما در زمان حاضر مشکل است کمک اقتصادی مهمی به بارزانی به عمل بیاوریم و من راهی ندارم جز اینکه از جنابعالی خواهش کنم که این کار را خود به عهده بگیرید البته اطمینان دارم که جنابعالی به خوبی از موقعیت ما در زمان حاضر آگاه هستید. امیدوارم هنگامی که اواخر این ماه با هم ملاقات می‌کنیم بتوانیم بطور مشروح پیرامون مسئله گردد و نیازمندیهای آنها برای آینده نزدیک مذاکره نماییم. اجازه بدهید خدمت جنابعالی و سرکار خانم نصیری گرمترین تبریکات نوروزی خود و همسرم را تقدیم نمایم.

دوستدار- ژنرال ضمیر^۱
بر اساس یادداشت دستنویس حاشیه این سند، پاسخ رئیس ساواک که به صورت تلگرام در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۵ برای رئیس سرویس اسرائیل ارسال شده، به شرح ذیل است:

مشکلات اقتصادی و مالی برای بارزانی بیش از آن حدیست که اشاره فرموده‌اید. ما آنچه از دستمان برمی‌آید کوتاهی نخواهیم کرد، ولی جوابگوی احتیاجات آنها نیست. تصور می‌کنم با تهیه و تمرکزی که ارتش عراق در شمال می‌دهد در خاتمه پانزده روز مهلت دولت عراق درگیری سخت شروع شود و باید کمک‌های نظامی قبل از آن روز به منطقه برسد. لذا خواهشمند است مقدار کمکی که باقیمانده زودتر ارسال دارید موجب امتنان و تشکر است. با عرض تشکر از تبریکات نوروزی آن تیمسار و بانو می‌پاس خود و خانم را متقابلاً معروض می‌دارم. [محل امضای رئیس ساواک]^۲

۱. سند ساواک، نامه ژنرال ضمیر (زامیر) رئیس موساد به نصیری رئیس ساواک، ۱۶ مارس ۱۹۷۴.

۲. همان سند، یادداشت دستنویس نصیری رئیس ساواک برای ژنرال زامیر (ضمیر) رئیس موساد.

پس از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر

امضای پیمان موسوم به «قرارداد الجزایر» بین دو دولت ایران و عراق در سال ۱۹۷۵، شرایط و وضعیت جدیدی را در تعامل ایران و اسرائیل با کردهای عراق به وجود آورد. وضعیت جدید، اگر چه محدودیت‌هایی را برای فعالیت اسرائیلی‌ها در منطقه به دنبال داشت، اما در مجموع مغایر با آنچه که در استراتژی پیرامونی اسرائیل تعقیب می‌شد، نبود. به نوشته بعضی منابع غربی در اوایل سال ۱۹۷۵ عراقی‌ها پیشنهاد ایران را برای توقف پشتیبانی از کردها در قبال سازشی در شط‌العرب [اروندرو] پذیرفتند. شورش‌گردها با فروپاشی روبه‌رو شد و درخواست اضطراری بارزانی از کسینجر [وزیر امور خارجه وقت آمریکا] نادیده انگاشته شد. ویلیام کلبی رئیس [سازمان جاسوسی] سی.آی.ای در این باره وزیر خارجه را مورد پرسش قرار داد و رک و راست به وی گفته شد که عملیات سازمان نهانی کار تبلیغی نیست. راز پشتیبانی اسرائیل از کردها، به هر اندازه که آشکار شده بود همچنان مسأله‌ای بسیار حساس قلمداد می‌شد.^۱

در شرایط و موقعیت جدید، اسرائیلی‌ها به شدت در تلاش بودند تا برای مقامات ایرانی اهمیت و ضرورت تداوم همکاری با اسرائیل را در حمایت و پشتیبانی از کردهای عراق بیش از پیش توجیه کنند. نامه ژنرال هوفی رئیس وقت موساد به نصیری رئیس ساواک در این باره خواندنی و قابل توجه است. او در این نامه با بزرگنمایی خطر شوروی در منطقه، ضرورت حمایت از کردها را یادآوری می‌کند و در پایان به‌طور تلویحی هشدار می‌دهد که چنانچه در

۱. یان‌بلک و بنی‌موریس، صص ۴۰۶-۴۰۷.

این باره مطابق خواست و تمایل اسرائیل عمل نشود، ممکن است رسانه‌های اسرائیلی درباره همکاری دولت ایران با احزاب کُرد عراقی در سال‌های پیش از این، افشاگری کنند:

استحضار تیمسار ریاست معظم ساواک

ترجمه و عین نامه واسله از رئیس سرویس اسرائیل (جمعاً در ۴ برگ) به عنوان تیمسار ریاست معظم ساواک که در تاریخ ۵۳/۱۲/۲۹ از رابط سرویس مذکور در مرکز دریافت گردیده به پیوست تقدیم می‌گردد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک

تیمسار نصیری عزیز

از شنیدن خبر بیماری شما متأسف گردیدم و امیدوارم زمانی که این نامه به شما می‌رسد سلامتی خود را بدست آورده و فعالیت خود را مجدداً شروع نموده باشید. ما از نزدیک آثار توافق ایران و عراق را در کادر جهانی بطور کلی و در محدوده خاورمیانه بطور دقیق دنبال می‌نماییم. احتیاجی به ذکر این مسئله نیست که به نظر ما این قرارداد مانند کلیه قراردادهای صلح که به مخاصمات بین کشورها به وسیله مذاکرات مستقیم خاتمه می‌دهد اقدام مثبتی محسوب می‌گردد و ما امیدواریم کشورهای عربی که با ما مشترک دارند از این مورد سرشناس گیرند و با انجام مذاکرات مستقیم با ما موافقت نمایند. در حال حاضر باید مراقبت بسیار دقیقی در مورد میزان وفاداری عملی عراق نسبت به تعهداتش و دست کشیدن از دشمنی و پیروی از خطوط همکاری و صلح صورت گیرد.

در موافقتنامه‌ای که تنظیم گردیده قسمتی مربوط به افراد می‌شود که ما سالها در مورد آنان با یکدیگر همکاری می‌کردیم. ما عقیده داریم که به دنبال قطع کمک به جنبش مقاومت ملابازانی و همچنین عدم امکان رسانیدن مواد و ملزومات آنان به علت بسته شدن مرز ایران توانایی جنگی افراد به سرعت خاتمه خواهد یافت و طولی نخواهد کشید که مقامات عراقی خواهند توانست پیروزی خود را اعلام نمایند.

بدون احتساب مفهوم پیروزی رژیم عراق (حتی اگر فقط یک پیروزی نسبی باشد) ما از آن می‌ترسیم که اتحاد شوروی که در حال تحکیم موضع‌گیری خود در منطقه می‌باشد و از هیچ کوششی در راه تقویت قوای نظامی عراق مضایقه نمی‌نماید، قادر گردد از پیروزی عراق بر افراد برای پیشبرد مقاصدش در منطقه بهره‌برداری نماید.

ژنرال خوفی^۱

آیا قرارداد الجزایر رویکرد جدیدی بر خلاف استراتژی مشترک پیشین آمریکا و صهیونیسم در منطقه بود؟ ارتشبد سابق حسین فردوست در این خصوص نوشته است:

به هر حال، سال‌ها این نبرد اکراد بارزانی ادامه داشت و دولت عراق هیچ امیدی به پیروزی نداشت [...] منصورپور معتقد بود [...] دولت بغداد بالاخره مجبور به پذیرش خواست و حقوق اکراد است. در چنین شرایطی ناگهان آمریکا وارد عمل شد و به محمدرضا دستور انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ با عراق داده شد. قرارداد فوق با وساطت بومدین در الجزایر میان محمدرضا و صدام به امضاء رسید و محمدرضا پذیرفت که در مقابل تعدادی ارتفاعات در باختران و قطعی شدن مرز آبی اروندرود حمایت خود را از بارزانی‌ها سلب کند. به اعتقاد من این قرارداد فقط به سود عراق بود و مانند این بود که محمدرضا ۱۰۰۰ دلار بدهد و ۵ دلار بگیرد. چرا آمریکا تا سال ۱۹۷۵ محمدرضا را به حمایت از اکراد تشویق کرد و دولت مرکزی بغداد را تضعیف نمود و در این سال خواستار پایان شورش باوزانی‌ها و تثبیت دولت بغداد شد؟! توضیح خواهم داد که این مسئله فقط به خاطر صدام بود و اکنون که مهره مورد نظر آمریکا، یعنی صدام در جای مناسب قرار داشت، لازم بود که وی به عنوان ناجی ارتش عراق از جنگ فرسایشی با اکراد وارد میدان شود.^۲

چرا آمریکا در سال ۱۹۷۵ خواهان پایان شورش کردهای عراق شد و محمدرضا را برای انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ تشویق کرد؟ چرا انعقاد این قرارداد مصادف با زمانی بود که صدام در نقش نفر اول و قدرت فائقه عراق ظاهر می‌شد؟ چرا و به توصیه که محمدرضا پذیرفت که به جای البکر، رئیس جمهور، با صدام قرارداد مهم فوق را امضاء کند؟ پاسخ به همه این پرسش‌ها روشن است: تا زمانی که هنوز صدام - مهره مورد نظر آمریکا - قدرت کافی نداشت، محمدرضا عملیات اکراد عراقی را علیه دولت بغداد تقویت می‌کرد. فعالیت اکراد بارزانی یک خطر جدی بالفعل برای دولت مرکزی عراق به شمار می‌رفت و بیش از ۱۰ سال حداقل^۱ ارتش عراق را به خود جلب نمود. در این میان ارتش عراق تلفات انسانی و تسلیحاتی زیاد دارد.^۳

ویلیام شوکراس درباره نقش فریبکارانه، تاکتیکی و خیانتبار آمریکا، اسرائیل و حکومت

۱. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۹.

۲. خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ص ۵۰۳.

۳. همان منبع، ص ۵۵۶.

پهلوی در خصوص مسأله کُردهای عراق در زمان قبل و بعد از قرارداد ۱۹۷۵ ایران و عراق تصریح کرده است که شاه از سازمان سیا تقاضای کمک نمود تا بتواند کُردهای عراقی را در قیام دیرینه‌شان علیه عراق مساعدت و پشتیبانی کند.^۱ شوکراس در این باره می‌افزاید: به سازمان سیا دستور داده شد کُردها را مسلح کند. نماینده سیا در ایران اعتراض کرد و پیش‌بینی فاجعه‌ای را نمود. در واقع سیاست جدید برای کُردها فاجعه‌آمیز بود. زیرا پس از آنکه شاه از آنان برای نیل به مقاصدش بهره‌برداری نمود، آنان را به حال خودش رها کرد.^۲ این منبع با استناد به مدارک دیگر در این باره اضافه می‌کند:

تصمیم نیکسون و کسینجر دایر بر اینکه سازمان سیا مقادیر زیادی اسلحه به کُردها برساند مورد مخالفت سفیر آمریکا و نماینده مقیم سیا در تهران قرار گرفت. در واشنگتن کمیته ۴۰ نفره گروه ناظر بر عملیات پنهان هیچ فرصتی نیافت که درباره این سیاست بحث و آن را تأکید کند. فقط پس از آنکه جان کانالی به ایران اعزام شد تا شاه را از اینکه طرح در دست اقدام است مطمئن سازد، یک صفحه پلی‌کپی شده شامل خلاصه طرح برای امضا به اعضای کمیته داده شد. کاخ سفید و شاه مایل نبودند کُردها به خودمختاری که برای آن می‌جنگیدند دست یابند. هر دو می‌خواستند مادام که شاه برای منافع ایران او در واقع اسرائیل لازم می‌دانست، از کُردها به عنوان وسیله فشار و درگیر شدن سربازان عراقی استفاده کنند. کُردها این موضوع را نفهمیدند. رهبرشان مصطفی بارزانی اغلب به مأموران سیا می‌گفت که به شاه اعتماد ندارد ولی کاملاً به ایالات متحده معتقد است. اگر به هدفش نایل می‌شد حاضر بود پنجاه و یکمین ایالت آمریکا بشود.

در مارس ۱۹۷۵ شاه به توافقی با عراقی‌ها نایل شد. کمک به کُردها را قطع کرد و در حالی که عراق دست به حمله گسترده‌ای به کُردها زده بود سربازهایش را بست. بازارانی تلگرام‌های نویدانه‌ای، برای نمایندگی سیا در تهران فرستاد و تقاضای کمک کرد. نمایندگی سیا این تلگرام‌ها را به واشنگتن فرستاد و نگرانی خودش را درباره اوضاع منطقه مستدرک‌گردید. نیز بارزانی به کسینجر نوشت: نهفت و ملت ما در برابر سکوت همگان به طرز بی‌اور نگرانی در شرف نابودی است. عالیجناب، ما احساس می‌کنیم که ایالات متحده مسئولیت اخلاقی و

۱. ن. ک. ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، تهران چاپ هشتم، ۱۳۷۱، ص ۲۰۲.

۲. همان منبع، ص ۲۰۵.

سیاسی در قبال ملت ما دارد که خودش را به سیاست کشور شما متعهد ساخته است. از سوی نمایندگی سیا در تهران تقاضای دیگری ارسال شد ولی هیچ پاسخی از واشنگتن نرسید. حمله عراقی‌ها نهضت بارزانی را خرد و نابود ساخت. دویست هزار پناهنده کُرد به ایران گریختند. ایران به زور چهل هزار کُرد را به عراق برگرداند. از قول کسینجر می‌گفتند: عملیات پنهانی را نباید با کار مبلغین مذهبی اشتباه کرد.^۱

به نوشته کاکبورن درباره قرارداد ایران و عراق و موقعیت جدید منطقه کردستان عراق: شاه ایران در ماه مارس ۱۹۷۵ با صدام حسین معامله‌ای کرد و مرزهای ایران را فوراً به روی کُردها بست. با وجود خاطرات رومانتیکی که [دبوید] کیمچی، الیاف و نیمرودی درباره کُردها نوشته‌اند، این قوم خیلی سریع دوستان اسرائیلی خود را از دست داد (ظاهراً هدیه عروسی رهبر کُردها به نانسی کسینجر که یک گردنبند ساخته شده از طلا و مروارید بود، هنری را به وجد نیاورد...)^۲

علی‌رغم بعضی پنهان‌کاری‌ها از سوی محافل سیاسی و اطلاعاتی اسرائیل، اسناد و مدارک و شواهد موجود حکایت از آن دارند که موساد پس از قرارداد سال ۱۹۷۵ نیز به شکل مرموزانه و اسرارآمیزی همچنان برنامه‌های خود را چون گذشته در مناطق کردنشین عراق دنبال می‌کرد. در عین حال، اسرائیلی‌ها به شدت سعی و تلاش داشتند تا در این مسیر از سوی ایران نیز مانع و مشکلی وجود نداشته باشد و ساواک همچون گذشته با آنها همراه و همکار باشد. گزارش طبقه‌بندی ساواک در این خصوص چنین می‌گوید:

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

پیشینه: برابر اظهار نظر نماینده سرویس زیتون در مذاکرات دوجانبه آتی که قرار است در تهران تشکیل گردد سرویس زیتون در نظر دارد سه مورد مشروحه زیر را مطرح نماید.

۱- استفاده مجدد از شبکه اطلاعاتی شمال.

۲- همکاری در زمینه نفوذ در اعراب از طریق اروپا.

۳- استقرار مجدد نماینده دوستان زیتون در جنوب.

بررسی، نظریه و پیشنهاد:

۱. شوکراس، ص ۲۰۵-۲۰۶؛ به نقل از گزارش کمبسیون پایک در مقاله‌ای به قلم روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی، ویلیام سافایر، در شماره‌های ۱۲ فوریه ۱۹۷۶ و ۱۹ دسامبر ۱۹۷۷، نیویورک تایمز.
۲. کاکبورن، ص ۱۶۹.

شبکه اطلاعاتی شمال

از سال ۱۳۴۶ شبکه‌هایی در شمال عراق جهت کسب اخبار داخلی عراق توسط عناصر بارزانی در سازمانهای لشگری و کشوری عراق تشکیل و زیر نظر یکی از فرزندان بارزانی (مسعود) شروع به بهره‌برداری نموده بود که ضمن تماس نمایندگان مرکز و دوستان زیتون قرار شد با تأمین قسمتی از هزینه‌های این شبکه و تکمیل آن اطلاعات مکتسبه از شبکه تکثیر و در اختیار مرکز دوستان زیتون گذارده شود (که از سال گذشته یک نسخه در اختیار سرویس الف گذارده می‌شد).

ضمن اینکه اخیراً به علت توافقی ایران و عراق فعالیت این شبکه‌ها نیز متوقف گردیده است. تجدید و برقراری ارتباط با مأموران مستلزم یک سلسله فعالیت‌هایی در داخل و خارج عراق و همچنین برآوردن توقعات بیش از حد اکراد خواهد بود زیرا فعلاً کلیه سوابق منهدم و فعالیت‌های کلی متوقف می‌باشد و معلوم نیست به وسعت گذشته بتوان شبکه ایجاد نمود که مانند گذشته قابل بهره‌برداری باشد. ضمناً نادیده نباید گرفت که علاقمندی دوستان زیتون به تجدید فعالیت این شبکه اصولاً ناشی از عدم رضایت آنان از سازش ایران و عراق می‌باشد و احیای این شبکه چه از طریق کشورهای اروپایی و همجوار عراق و چه از طریق ایران وسیله دوستان زیتون بالاخره به حساب ایران گذارده می‌شود و اثرات سویی در روابط بین ایران و عراق خواهد داشت لذا در شرایط کنونی بهتر است در این زمینه اقدام نشود.^۱

آن گونه که اسناد گواهی می‌دهند، ساواک علی‌رغم قرارداد سال ۱۹۷۵، به خواست موساد مبنی بر تداوم همکاری پنهان و اطلاعاتی در مناطق کردستان عراق پاسخ مثبت داد و به مثابه آلت دست اسرائیل در این حوزه عمل کرد. بخشی از مذاکرات ژنرال هوفی رئیس موساد با رئیس ساواک مبنی بر ضرورت تداوم همکاری اطلاعاتی چنین است:

ژنرال خونی: [...] در مورد کسب اطلاعات از آن کشور [عراق] تا قبل از خاتمه جنگ اکراد با ارتش عراق به راحتی می‌توانستیم عمل کنیم؛ ولی پس از پایان جنگ استفاده از پوشش اکراد برای ما کمتر شده [...] پس از پایان جنگ اکراد بطور مستقیم به ما گفته شد استخدام و یا هرگونه تماس با اکراد از نظر شاهنشاه و دولت ایران به مصلحت نیست بدین جهت ما قطع رابطه با مأمورین خود نمودیم. در اروپا فعالیت ما محدود است خیلی به سختی می‌توان با آنها تماس

۱. گزارش ساواک، مورخ ۱۳۵۴/۲/۲۰.

گرفت، در حال حاضر خیلی مشکل است که با اکراد تماس حاصل کرده و آنها را خریداری نمود زیرا یک نفر افسر مراقب آنها است. در گذشته پناهندگان اکراد گروه گروه به سفارتخانه‌ها می‌رفتند، بعد اطلاع حاصل شد بعضی از آنها به سفارت عراق بعضی هم به سفارت اسرائیل می‌رفتند و بدین جهت ضمن تماس با سفارت عراق اطلاعاتی در اختیار می‌گذاشتند. و در اروپا هم همینطور عمل می‌کردند. آیا تیمسار مصلحت می‌دانند که این چنین امکاناتی در اینجا بوجود آوریم و آیا مشکلاتی پیش می‌آید. نظر تیمسار در مورد تماس با اکراد اروپا چیست؟ تیمسار ریاست: دوستان ما می‌خواهند می‌توانند نیازمندیهایشان را بدهند، ما بر علیه عراق محدودیت نظامی داریم این آن را نمی‌رساند که محدودیت اطلاعاتی داشته باشیم شما می‌توانید با اکراد اروپا تماس حاصل کرده اقدامات مؤثر و لازم را انجام دهید، ما از هر گونه کمکی که باشد استقبال خواهیم کرد.^۱

اسناد به جا مانده از ساواک حکایت از آن دارند که سیاست ساواک و حتی نظر رئیس وقت آن پس از قرارداد سال ۱۹۷۵ ایران و عراق، مبنی بر عدم موافقت در راه‌اندازی مجدد شبکه اطلاعاتی شمال، مطابق آنچه اسرائیلی‌ها می‌خواستند، بود. اما همان دست‌های مرموزی که ساواک و موساد را به هم پیوند می‌زد، وضعیت را به گونه‌ای تغییر داد تا مطالبات اسرائیلی‌ها تأمین شود. بر این اساس رؤسای ساواک فوراً ناگزیر به تغییر موضع شدند و موافقت خود را با فعالیت مجدد شبکه اطلاعاتی شمال، مطابق خواست موساد، اعلام کردند. سند اداره کل دوم ساواک در این باره بسیار مهم و حائز اهمیت است:

جهت استحضار تیمسار ریاست معظم ساواک و صدور اوامر عالی.

پیشینه: قبلاً سرویس زیتون پیشنهاد کرده بود که از شبکه‌های اطلاعاتی شمال مجدداً بطور مشترک استفاده گردد که مراتب طی گزارشی به عرض تیمسار ریاست معظم ساواک رسید پی‌نوشت فرمودند شبکه اطلاعاتی شمال دیگر معنایی ندارد (پیوست الف).

متعاقباً تیمسار ارتشبد ریاست معظم ساواک در تاریخ ۵۴/۷/۳۴ مقرر فرمودند که در مورد استفاده از عوامل شبکه‌های اطلاعاتی شمال با دوستان زیتون همکاری شود.

۱. گزارش ساواک درباره مذاکرات ژنرال خونی و رئیس ساواک، تهران، ششم آبان ۱۳۵۷. لازم به یادآوری است که در این زمان، ناصر مقدم رئیس ساواک بود.

بررسی و نظریه:

همانطوری که استحضار دارند عوامل شبکه‌های اطلاعاتی شمال راساً از طریق مسعود بارزانی استخدام و همکاری آنان جلب و فقط از اسناد و اخبار واصله فتوکپی یا رونوشت در اختیار ساواک و سیله سرویس زیتون قرار می‌دادند و چندین مرتبه از مسعود بارزانی خواسته شد که بیوگرافی این مأمورین را در اختیار بگذارد ولی نامبرده به دلایل حفاظتی هیچ گونه اطلاعی از مشخصات این منابع در اختیار نگذاشت و هزینه اداره این منابع نیز از طریق دوستان زیتون در شمال تأمین می‌گردید و چه بسا دوستان زیتون از مشخصات این منابع اطلاع داشتند و شکیب عراقی نیز در جریان همکاری این منابع بوده است با عطف توجه به مراتب فوق چنانچه مقرر است مجدداً از این شبکه‌ها بطور مشترک استفاده گردد لازمست که از طریق مسعود و شکیب عراقی اقدام گردد و بالطبع مصطفی بارزانی نیز به نحوی در جریان قرار گیرد و چه بسا که عراقی‌ها هم از جریان امر مطلع شده و مسائل دیگری بوجود آید معهذا به هر نحو که مقرر است اوامر عالی را ابلاغ تا اقدام گردد. ضمناً دوستان زیتون در نظر دارند که موضوع استفاده مجدد از عوامل شبکه‌های اطلاعاتی شمال و نحوه ارتباط با آنان را در مذاکرات سه‌جانبه در اسرائیل مطرح نمایند.

اداره کل دوم^۱

یادآوری این مهم بی‌فایده نیست که علی‌رغم تلاش اسرائیل در جهت کسب رضایت و موافقت ساواک مبنی بر حضور مأموران و جاسوسان موساد در مناطق کُردنشین عراق و نیز مساعدت و همکاری ساواک در این زمینه، واقعیت این است که سرویس اطلاعاتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی، همواره بدون اطلاع مقامات این سازمان، با جذب و استخدام جاسوس از میان یهودیان محلی ایرانی به عملیات جاسوسی در راستای برنامه‌ها و اهداف خود مبادرت می‌کرد. بازداشت و افشای فعالیت‌های جاسوسی دو نفر یهودی ایرانی برای موساد، تنها یک نمونه آشکار در سابقه تاریخی فعالیت موساد در این باره است:

ریاست اداره دوم

درباره: دو نفر کلیمی به نام‌های سیروس فرزند براخاص شهرت امیدی و رحمت‌اله فرزند مهدی

شهرت ذبیحی

۱. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۴/۸/۵، طبقه‌بندی سزی.

با ایفاد عین نامه شماره ۶۸۶/ح-۳۷/۳/۲- ساواک کردستان و عین نامه شماره ۱/۱۷۸/۷۸۴۰ ص ۳۷-۳۷/۳/۱۲- ستاد بزرگ ارتشتاران و دو برگ نامه آقای مراد اریه^۱ نماینده مجلس،] نظر به اینکه اتهام دو نفر نامبرده بالا جاسوس می باشد علیهذا خواهشمند است دستور فرمایند با توجه به پی نوشت تیمسار معاونت دوم سازمان که در ذیل نامه ستاد بزرگ ارتشتاران مرقوم فرموده اند، فوری اقدامات مقتضی معمول و نتیجه را نیز به این اداره اعلام فرمایند.

[امضا] رئیس اداره- صمدیانپور^۲

لازم به یادآوری است، موساد، بدون هماهنگی ساواک، یهودیان مهاجر عراقی مقیم تهران را جذب و به استخدام در می آورد و پس از آنها در جهت اهداف اطلاعاتی خود، به ویژه کشورهای عربی، از جمله عراق بهره برداری می کرد. نامه اداره کل هشتم ساواک به رئیس آن تشکیلات در این باره اطلاعات قابل توجهی دارد:

به: تیمسار ارتشبد ریاست ساواک

از: اداره کل هشتم موضوع: فعالیت های اطلاعاتی سرویس زیتون در ایران

محترماً به استحضار می رساند:

نمایندگی اسرائیل در ایران دارای ۲۵ دیپلمات و ۲۰ نفر کارمند محلی که تماماً کلیمی و اقوامشان در اسرائیل می باشند و یا خود مدتی در اسرائیل بوده می باشد که از این تعداد ۱۱ نفر افسر اطلاعاتی هستند که سه نفر از آنان در وابستگی نظامی می باشند. بقیه اعضا و نمایندگی اسرائیل از آموزشهای لازم برخوردار بوده و در مسیر اهداف سرویس فعالیت هایی دارند که قرائنی موجود است لیکن دلایل مستحکمی وجود ندارد. سرویس اطلاعاتی اسرائیل با توجه به تسهیلات موجود علاوه بر اینکه در طرح کریستال و منطقه شورش فعالیت های وسیعی دارد، بدون اطلاع ساواک سبادت به اقدامات یک جانبه ای می نمایند که ذیلاً نمونه هایی از این فعالیت ها به استحضار می رسد:

۱- سرویس زیتون از بین کلیمیان عراقی که به مرور به ایران مهاجرت و به تابعیت دولت شاهنشاهی

۱. مراد (آقاجان) اریه از سران و ثروتمندان یهود ایران بود که با خاندان سلطنتی، نمایندگان مجلس و ستاتورها و دولتمردان کشوری و لشکری ارتباط بسیار نزدیک داشت. نامبرده در دوره های چهاردهم تا بیستم (جز دوره شانزدهم)، جمعاً شش دوره، سمت نمایندگی یهودی های ایران در مجلس شورای ملی را عهده دار بود. به علاوه، مراد اریه در آن دوران رئیس انجمن مرکزی کلیمیان ایران نیز بود.

۲. نامه ساواک، مورخ ۱۳۳۷/۳/۱۷، شماره ۳۷/۷۲۲۶.

درآمده و دارای مشاغلی در بازار از قبیل صرافی و تبدیل ارز و شرکتهای صادراتی و وارداتی می‌باشند مبادرت به استخدام منابعی نموده که این افراد با توجه به حرفه و شغل مناسب و پوششی که دارند ضمن کسب اطلاعاتی پیرامون مسائل سیاسی روز و ظایفی از قبیل نشان کردن افراد واجد شرایط و آماده نمودن آنها جهت همکاری با سرویس اطلاعاتی اسرائیل را به عهده دارند و بعضاً از وجود عده‌ای دیگر نیز با توجه به حرفه بازرگانی به عنوان آدرس واسطه برای تماس با مأمورین خود در کشورهای عربی استفاده می‌نمایند.

عده‌ای از این کلیه‌ها که به کار صرافی اشتغال دارند سرویس زیتون را از نظر مالی پشتیبانی نموده و همه ماهه مقدار زیادی دینار عراقی و کویتی و ریال عربستان سعودی و سایر ارزهای خارجی برای سرویس تهیه و در اختیار قرار می‌دهند.^۱

نمونه بسیار جذاب و خواندنی دیگر در این زمینه، ویکتور مناحیم جاسوس یهودی عراقی‌الاصل است که به عنوان مأمور موساد در ایران و عراق شبکه جاسوسی دایر کرده بود و به فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی مبادرت می‌ورزید:

به: تیمسار مدیریت کل اداره هشتم

از: اداره دوم عملیات ۸۲۱ موضوع: ویکتور (فیکتور) مناحیم

محترماً به استحضار عالی می‌رساند:

نامبرده فوق طی تقاضای پیوست درخواست نموده چون احتیاج به معالجه دارد لسه‌پاسه برای وی به منظور مسافرت به اسرائیل صادر گردد.

مابقه:

مشارالیه از پناهندگان عراقی است که دارای سوابق به شرح زیر می‌باشد:

الف- نامبرده اولین بار با گذرنامه عراقی در تاریخ ۲۵۱۴/۱۰/۳۰ [۱۳۳۴] از طریق مهرآباد به ایران وارد و تحت عنوان انجام امور بازرگانی و تجارت پروانه اقامت تحصیل و چندین بار با اخذ روادید خروج از کشور خارج و مجدداً به ایران مراجعت می‌نماید. آخرین بار در تاریخ ۲۵۲۲/۱/۷ [۱۳۴۲] از کشور خارج و در ۲۵۲۴/۸/۱۸ [۱۳۴۴] بطور غیرمجاز از طریق مرز خرمشهر به ایران وارد و دفترچه اقامت مهاجرین و پناهندگان برایش صادر می‌شود و بعد از پناهنده شدن به ایران چندین بار بالسه‌پاسه به منظور دیدن اقوامش به اسرائیل مسافرت نموده است.

۱. گزارش ساواک، مورخ ۱۳۵۲/۱۲/۶، طبقه‌بندی س‌ری.

ب- در تاریخ ۲۵۲۷/۴/۳۰ [۱۳۴۷] اداره کل دوم طی اطلاعیه‌ای اعلام داشت دو شبکه جاسوسی در عراق (بصره) کشف گردید که افراد دستگیر شده ۲۳ نفر بوده‌اند و اسناد بدست آمده از آنان فیلم‌های ارتشی، نقشه‌های نظامی، فیلم‌های کدک و رمز بوده است رئیس این شبکه ویکتور عدرا مناحیم مقیم ایران می‌باشد و برادرش ناجی مناحیم اموال قاچاق و اطلاعات را به وسیله زنان به ایران می‌فرستاده است و نامه‌های حاوی مرموزات به وسیله زنی به نام فاطمه جعفر و مردی به نام یعقوب یوسف جاسم در جعبه حلوائی که مخصوص این کار درست شده بود ارسال می‌شده است و یکی از مأمورین این شبکه در عراق که اطلاعات مربوط به پایگاه‌های زمینی و نقشه‌های نظامی را در اختیار قرار می‌داده به ۲۵ سال زندان محکوم گردیده است. متعاقب کشف این شبکه شخصی به نام فخرعبداله که تماس اطلاعاتی با مرزهای ایران و عراق داشته دستگیر و پس از دستگیری این شخص خانه‌ای در خیابان ۱۴ رمعان در کوی افسران در عراق که پوشش آرایشگاه زنانه داشته کشف می‌شود که از این منزل مقادیر زیادی وسایل مورد نیاز جاسوسی بدست می‌آید.

ج- در تاریخ ۲۵۲۷/۱۰/۱۷ [۱۳۴۷] نماینده دوستان زیتون طی نامه‌ای اعلام می‌دارد که آقای زمیری اسرافیلی نامه‌ای از برادرش در بغداد دریافت داشته است برادر او در این نامه از آقای زمیری تقاضا کرده که به آقای ویکتور مناحیم بگوید زمامداران و مقامات عراقی خیلی مایلند با وی تماس بگیرند و او را به بغداد بیاورند تا در داوری چهل نفر یهودی عراقی حضور داشته باشد. در این نامه همچنین تأکید شده است که دو دسته از سازمان امنیت عراق برای ربودن آقای مناحیم به ایران اهزام شده‌اند. نامه موصوف به انضمام خلاصه‌ای از سوابق ویکتور مناحیم به عرض تیمسار مدیریت کل می‌رسد و در تاریخ ۲۵۲۸/۱۰/۲۰ [۱۳۴۸] با وی مصاحبه می‌شود. نتیجه مصاحبه بدین شرح بوده است: نامبرده در مصاحبه اظهار می‌دارد در بصره به شغل فروشندگی لوازم کشاورزی اشتغال داشته یک روز از طرف سازمان امنیت عراق وی را احضار و در مورد نامه‌هایی که برادرش برای وی ارسال می‌نموده توضیح می‌خواهند که وی عین نامه‌ها را ترجمه می‌کند و پس از چند روز بازداشت مقامات عراقی در اطراف سوابق او تحقیق می‌نمایند و چون هیچ‌گونه سابقه‌ای از وی بدست نمی‌آید آزاد می‌شود و پس از آزادی مدتی تفکر می‌نماید و نتیجه می‌گیرد که ماندن در عراق بی‌فایده است زیرا بار دیگر ممکن است خلاصی نداشته باشد و در مصاحبه اضافه می‌نماید که چند ماه قبل از خانمی به نام اوت که

دوستش می‌باشد و مهاجر عراقی مقیم اسرائیل است نامهای دریافت داشته که در آن نامه خانم اورت تقاضا کرده بود که اجازه بدهد که آدرش را در ایران برای یکی از دوستان عراقی برادرش که مقیم آلمان است بفرستد و تأکید کرده بود که این دوست برادرش خبر مهمی را می‌خواهد به من بدهد که در جواب نوشتن موضوع را مسکوت بگذارد و در این باره چیزی ننویسد و دیگر از موضوع خبری ندارد.

هـ- در تاریخ ۲۵۳۰/۸/۱۲ [۱۳۵۰] رابط سرویس زیتون طی تقاضایی عنوان نموده بود که در نظر دارند برای تماس با یهودیان مقیم عراق و گریزانان این افراد از عراق به خارج از وجود شخصی به نام نردیک رونس که چکسلواکی‌الاصل می‌باشد و دارای گذرنامه عراقی است استفاده نمایند. قبل از این تقاضا و بعد از آن نتیجه حاصل از کنترل تلفن دوستان زیتون حاکی بود که رابط سرویس زیتون با نردیک رونس و ریکتور مناجیم تلفنی قرار ملاقات تعیین نموده است و چون آقای نردیک رونس با اداره ۸۱۰ همکاری داشت از طریق اداره ۸۱۰ تحقیق شد که نتیجه تحقیقات و شش‌دهای تلفنی موصوف مشخص ساخت که احتمالاً نردیک رونس توسط ویکتور مناجیم شناسایی و به سرویس زیتون معرفی شده است.

د- ویکتور مناجیم با نذیرنصه سر‌دیر مجله‌الاجاه رابطه دارد و به سترل او رفت و آمد می‌نماید کیفیت ارتباطات او با نذیرنصه به موضوع مشخص نیست.

ز- با ورود به تابعیت برادر سوژه (ناجی مناجیم) بدو مخالفت شده است لیکن بعداً در سال ۲۵۱۷ [۱۳۳۷] با ضمانت یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی به نام سلطان محمد شیخ‌الاسلامی (سلطانی) با ورود به تابعیت مشارالیه موافقت شده است.

خ- سوژه در تاریخ ۳۶/۳/۱۳۵۶ [۱۳۵۶] تقاضای ورود به تابعیت دولت شاهنشاهی را نمود که سوابق وی به عرض رسید و با تقاضای ورود به تابعیت وی مخالفت شد.

نظر به: مندرجات گزارش فوق مؤید ارتباط و همکاری نامبرده با سرویس زیتون می‌باشد با عرض مراتب فوق صدور هرگونه امری در مورد تقاضای مشارالیه مبنی بر صدور لسه‌پاسه به منظور مواجهه موکول به نظر عالیست. مراتب جهت استحضار و صدور هرگونه امری از لحاظ عالی گذشت.^۱

۱. سند ساراک، مورخ ۲۴/۷/۱۳۵۶] از مدیریت کل اداره هشتم به اداره دوم عملیات ۸۲۱ طبقه‌بندی خیلی محرمانه.

● محدودہ استراتژیک اسرائیل

جغرافیای پیرامونی^۱

به گواهی اسناد، اطلاعات و منابع مختلف سیاسی و تاریخی، تمام سرزمین‌های واقع در اطراف فلسطین و ساکنان آنها، براساس تئوری صهیونیستی، هر یک، به گونه‌ای، با مقوله موجودیت، امنیت، و تداوم بقای اسرائیل مرتبط هستند.

اسرائیلی‌ها در توجیه «استراتژی صهیونیستی» و «دکترین پیرامونی» به طور پنهان و بعضاً آشکار، مقوله دیگری به نام امنیت روانی را نیز به مطالبات خود افزوده‌اند:

اینها مسأله روانی یهودیان را مطرح کرده‌اند و گفتند چون یهودی‌ها در طول قرن‌های متعادی زیر فشار بودند، از لحاظ روانی دچار نگرانی اند و به امنیت روانی احتیاج دارند. صهیونیست‌ها در مذاکرات با سران کشورهای غربی و بعدها در گفت‌وگوهای خود با کشورهای اسلامی و عربی، مسأله امنیت روانی را مطرح کردند. و گفتند ما به امنیت روانی

۱. در همین کتاب، فصل اجلاس اطلاعاتی سه‌جانبه (گزارش‌ها و قطعنامه‌ها)، اخبار، اطلاعات و گزارش‌های مستند و بسیار حائز اهمیت و قابل توجه درباره شماری از کشورها و مناطق مختلف آسیایی و آفریقایی آمده است. بر مبنای تئوری صهیونیستی، این کشورها و مناطق که در محدوده استراتژیک اسرائیل واقع شده‌اند و یا مشمول استراتژی پیرامونی این رژیم قرار دارند، عبارتند از: لبنان، اردن، سوریه، ترکیه، عراق، ایران، کویت، پاکستان، افغانستان، عربستان، امارات متحده عربی، عمان، یمن، بحرین، مصر، سودان، اتیوپی، اریتره، جیبوتی، سومالی، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و ...

دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای مقامات بلندپایه موساد و ساواک، مندرج در اسناد و گزارش‌های مورد نظر، درباره اوضاع و تحولات داخلی، ارتباطات و سیاست خارجی و مواضع سیاسی این کشورها، نشانگر آن است که، سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل، از رهگذر پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه و دوجانبه و نیز از طریق مأموران و جاسوسان مستقل خود، رویدادهای داخلی این کشورها و مناطق را به شدت و به‌طور جدی تحت نظر و مراقبت اطلاعاتی قرار داده بودند و حتی در بسیاری از این مناطق، جاسوسان، مزدوران و مأموران اطلاعاتی آنها فعال بودند.

احتیاج داریم. این امنیت روانی یعنی چه؟ هیچ معنای مشخص و هیچ پایانی ندارد. هر اقدامی بخواهد انجام بگیرد، اگر به سودشان نباشد، به بهانه امنیت روانی، می‌توانند آن را خنثی کنند. بسیاری را در دنیا قانع کردند که به امنیت روانی احتیاج دارند و باید امنیت روانی آنها تأمین بشود. برآوردن نیاز اسرائیل در مورد امنیت روانی، مشکل‌تر است از چشم پوشیدن از سرزمین شما وقتی سرزمین را از دست می‌دهید، می‌دانید چه چیزی را از دست دادید؛ اما وقتی می‌خواهید خواسته اسرائیل را در مورد امنیت روانی برآورده کنید نمی‌دانید تا کجا باید تسلیم شوید و تا کجا باید امتیاز بدهید. این امتیازدهی پایانی ندارد؛ مرتب باید امتیاز داد.^۱

این مطالبات و خواسته‌های اسرائیل، تاکنون به گونه‌های مختلف طرح شده است. برخی این تلاش‌ها را این‌گونه ارزیابی کرده‌اند، که اسرائیل و جامعه صهیونیستی در سرزمین فلسطین، در منطقه خاورمیانه در انزوا قرار دارد. بر مبنای این فرضیه، صهیونیست‌ها برای خروج از انزوا، ناگزیر به عملی ساختن طرح صهیونیستی موسوم به *دکترین حاشیه‌ای* یا استراتژی پیرامونی بوده‌اند. بعضی دیگر جامعه اسرائیلی موجود در سرزمین فلسطین را اقلیت تحت محاصره کشورها و ملت‌های اسلامی ارزیابی کرده و تکاپوی نظامی، سیاسی و اطلاعاتی صهیونیستی در منطقه خاورمیانه تا آفریقا را از این زاویه مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نظریه سوم، مبتنی بر این فرض است که اسرائیل به عنوان یک دولت نوبنیاد و غریبه در میان دریای مسلمانان سعی دارد از میان بعضی اقوام، طوایف و ملت‌های ساکن در حوزه‌های جغرافیایی یاد شده، برای خود دوستان و هم‌پیمانانی پیدا کند. نظریه چهارم بر این فرضیه استوار است که اسرائیلی‌ها خواهان صلح و سازش با شماری از کشورها و ملت‌های جغرافیای مورد نظر بوده و تلاش آنها در مسیر سیاست پیرامونی بر این پایه استوار است.

علی‌ایحال، جامعه صهیونیستی و رهبران و سران اسرائیل طی چند دهه گذشته، بر اساس اهداف و منویات پنهان و آشکار خود، مسأله‌ای به نام *محدوده استراتژیک اسرائیل* را همواره تکرار کرده و توجیهات فراوان برای دست‌اندازی، نفوذ و حضور خود در این محدوده ارایه کرده‌اند.

افزایم سنیه، از تئوریسین‌های سیاسی و استراتژیست‌های اسرائیلی در این خصوص نوشته است:

۱. سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰.

محدوده استراتژیک اسرائیل بسیار وسیع‌تر شده است. این محدوده دیگر به دشمنان همجوار سستی، یعنی سوریه، لبنان، اردن و مصر محدود نمی‌شود؛ باید توجه داشت که هر چه در این محدوده می‌گذرد می‌تواند امنیت ما را به مخاطره اندازد. هر کشوری که می‌تواند در تهاجم به اسرائیل شرکت کند یا کشورهای خط مقدم را از توان موشکی برخوردار سازد یا از آنها در برابر حملات موشکی اسرائیل محافظت نماید، در محدوده استراتژیک اسرائیل قرار می‌گیرد.^۱ از دیدگاه استراتژیست‌های اسرائیلی، حتی اگر کشورهای همسایه اسرائیل با آن رژیم صلح و سازش کنند و موجودیت آن را بشناسند، باز هم تعادل استراتژیک میان اسرائیل و کشورهای پیرامون آن برقرار نخواهد شد. مگر زمانی که این تعادل به نفع جامعه اسرائیلی تغییر کند. این تعادل چگونه تغییر خواهد کرد؟ پاسخ سری اسرائیل چنین است:

۱- گسترش اراضی تحت تصرف اسرائیلی‌ها تا هر کجا که مصالح آنها اقتضا کند؛^۲ افزایش جمعیت یهودی اراضی اشغالی مورد نظر.^۳ افزایش توان نظامی و اتمی اسرائیل.^۴ کاهش جمعیت کشورهای اسلامی.^۵ خلع سلاح مسلمانان و جلوگیری از دستیابی کشورهای مسلمان منطقه به سلاح‌های استراتژیک به ویژه هسته‌ای.^۶ تبدیل کشورهای اسلامی به بازار مصرف کالاهای غربی و جلوگیری از هر گونه پیشرفت‌های علمی، صنعتی و فن‌آوری‌های تکنولوژیکی در میان این کشورها و... .

براین اساس، هر کدام از این موازنه‌ها به هم خورد، تعادل استراتژیکی میان اسرائیل و کشورهای اسلامی پیرامون آن به ضرر اسرائیل به هم خورده است! بر مبنای چنین فرضیه و تحلیلی، جامعه اسرائیلی برای خود حقوقی بدون حد و مرز قایل است:

همسایگان دور و نزدیک ما، اعراب یا مسلمانان هستند و خواهند بود و تاریخ خاورمیانه به ما نشان می‌دهد که در این منطقه مسامحه با اقلیت‌ها و تعهد به حفظ موجودیت آنها بی‌معنی است. وضعیت مسیحیان در لبنان بهترین شاهد این مدعا است. حتی در صورت دستیابی به صلح واقعی و برقراری مناسبات صمیمانه فی‌مابین و اجرای طرح‌های مشترک اقتصادی، اختلافات نژادی میان اسرائیل و دیگر کشورها کماکان باقی خواهد ماند. به نفع ماست که هویت خود را حفظ کنیم و اجازه ندهیم، محو و فنا شود؛ زیرا چنانکه می‌دانیم، اسرائیل تنها جایی در دنیا است

۱. افرایم سنیه، اسرائیل پس از ۲۰۰۰، ص ۱۷.

که در آن یهود حاکمیت دارد. بنابراین هیچگاه نباید از یاد بیریم که در محیط عربی - اسلامی، هر چند که ممکن است طی سال‌های طولانی اعتراض علیه وجود دولت اسرائیل فروکش کند، اما باز هم امکان دارد که رویه از سر گرفته شود.^۱

استراتژیست‌های اسرائیلی با چنین استدلال‌ها و تحلیل‌ها، در صدد اثبات چه چیزی هستند؟ ماحصل کلام آنها چیست؟ پیامی را که از این طریق به کشورهای مسلمان و حتی خود جامعه صهیونیستی ارسال می‌کنند در تعقیب کدام نتیجه هستند؟

افزایم سنبه این استراتژیست اسرائیلی فرضیه‌های خود را بیشتر تبیین می‌کند:

هنگامی که... نگاهی تیزبینانه به اطراف خود بیفکنیم درخواهیم یافت که چقدر تفاوت‌های اساسی، بین اسرائیل و محیط اطرافش وجود دارد. اسرائیل ۵/۵ میلیون نفر جمعیت دارد که کمتر از ۵ میلیون نفر آنان یهودی‌اند در حالی که جمعیت چهار کشور مصر، سوریه، اردن و لبنان ۷۹ میلیون نفر و شمار فلسطینیان ساکن در کرانه باختری و نوار غزه ۲ میلیون نفر می‌باشد. با احتساب جمعیت لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، عراق و ایران، جمعیت اعراب و مسلمانان ساکن در این محدوده به ۲۶۰ میلیون نفر می‌رسد.^۲

این نویسنده صهیونیست، پس از اشاره به فرضیه امنیت روانی، محدوده استراتژیک و عدم تعادل استراتژیک بین اسرائیل و کشورهای پیرامونی، به لحاظ ژئوپولیتیکی و جمعیتی، در ادامه می‌افزاید:

تا برابری [دیگر]، بین اسرائیل و همسایگانش به وسعت جغرافیایی مربوط می‌شود. با نگاهی سریع به نقشه منطقه، ملاحظه می‌کنیم که مساحت اسرائیل ۱۱٪ مساحت سوریه و ۲٪ مساحت مصر می‌باشد. آنچه خطر ناشی از مساحت اندک اسرائیل را تشدید می‌کند، تمرکز جمعیت آن، به ویژه یهودیان - در امتداد دشت ساحلی از «هکاء» تا «مصقلان» یا همان‌گونه که عادت کرده‌ایم بگوییم از «غضیر» تا «غذیره» است. این تمرکز جمعیت باعث می‌شود اسرائیل بیش از هر کشور دیگری آسیب‌پذیر و در معرض ضرر و زیان باشد، زیرا دشت ساحلی نه تنها بخش اعظم جمعیت را در خود جای داده است، بلکه کلیه مراکز اقتصادی، فناوری، علمی و آموزشی یهود در این ناحیه واقع شده است و روشن است که در چنین شرایطی دفع حملات دشمن، به

۱. افزایم سنبه، ص ۱۹.

۲. همان منبع، ص ۲۰.

ویژه دشمن که از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کند، دشوار می‌باشد.^۱

برای به هم زدن این وضعیت به نفع رژیم صهیونیستی، یکی از سران و رهبران اسرائیل ایده خاورمیانه جدید را ارایه می‌دهد. شماری از تئوریسین‌ها و استراتژیست‌های کهنه کار صهیونیست در مراکز مطالعاتی و دانشگاهی برای استقرار سیطره صهیونیسم در منطقه و به هم زدن موازنه جمعیتی و جغرافیایی به نفع اسرائیلی‌ها و از بین بردن همگونی، وحدت و هویت اسلامی و عربی کشورهای منطقه، و به بیانی دیگر تغییر جغرافیای خاورمیانه، توطئه‌هایی را تدارک دیده‌اند که نمونه آشکار آن، نوشته شیمون پرز نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیسم است.^۲

استراتژی نهایی و نهانی «خاورمیانه جدید» شیمون پرز اسرائیلی و مکنونات پنهان افرایم سنیه صهیونیست همان فرضیه ده‌ها سال پیش بن‌گوریون تحت عنوان دکترین حاشیه‌ای است؛ که آبا‌ایان، یکی از رهبران و سیاستمداران کهنه کار اسرائیلی در کتاب خود به صراحت در این باره نوشت:

در این حقیقت شک و تردید نیست که این منطقه به‌طور مطلق متعلق به قوم یهود می‌باشد.^۳

اسرائیلی‌ها در مسیر اجرا و عملی ساختن استراتژی خود در منطقه، نقش و مأموریت اساسی و کلیدی را به عهده سرویس اطلاعاتی و جاسوسی خود، موسوم به موساد گذاشتند. این سازمان سری و اطلاعاتی از همان آغاز تعقیب استراتژی پیرامونی را در دستور برنامه و فعالیت خود قرار داد. برقراری ارتباط با سرویس اطلاعاتی ایران دوره سلطنت پهلوی، موسوم به ساواک و نیز سرویس اطلاعاتی ترکیه و بعدها اتیوپی، بخشی از این تلاش‌ها بود که محور اصلی آن عمدتاً موساد بود.

پیمان اطلاعاتی دو جانبه موساد و ساواک، موسوم به طرح «کریستال» یا «بلور»، قرار داد اطلاعاتی سه جانبه موساد، ساواک و سازمان اطلاعاتی ترکیه، با نام «نیزه سه سر» و نیز پروتکل همکاری اطلاعاتی سه جانبه ساواک و موساد با سرویس اطلاعاتی اتیوپی، با نام رمز «عقاب» تماماً از این زاویه قابل ارزیابی است. کشورهای اسلامی منطقه، به عنوان هدف اصلی این پیمان‌ها، نشانه‌گیری شده بودند. این نشانه‌گیری‌ها نیز دقیقاً منطبق و متکی بر برنامه‌ای بود که

۱. همان منبع، ص ۲۰.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره مراجعه شود به: شیمون پرز.

۳. آبا‌ایان، ص ۲۹۳.

اسرائیلی‌ها تحت عنوان استراتژی حاشیه‌ای یا دکترین پیرامونی، از طریق موساد آن را تعقیب می‌کردند. در کتاب جنگ‌های نهانی اسرائیل در این باره چنین می‌خوانیم:

ایس‌هارل، رئیس موساد سهم مهمی را در این استراتژی نوآورانه، یعنی توسعه و پیشبرد نقش اسرائیل در دیپلماسی نهانی داشت.^۱

این ایده اگر چه به نام دیوید بن‌گوریون اولین نخست‌وزیر اسرائیل ثبت شده است؛ اما ایس‌هارل، از رؤسای پیشین موساد آن را از نوآوری‌ها و ابتکارات خود قلمداد کرده است؛ همان‌گونه که بعضی نویسندگان اسرائیلی و غربی، ریوون شیلوا اولین رئیس موساد را مبتکر و بانی اصلی این نظریه قلمداد کرده‌اند:

ایس‌هارل که رک بودن متمایل به بی‌حیایی خصوصیت بارز اوست، ارائه ایده اتحاد با پیرامون را متعلق به خود می‌داند، اما برخی از دیگر منابع اسرائیلی، اصل این فکر را از آن ریوون شیلوای قدرتمند می‌دانند.^۲

و همه این‌ها نشان از قدمت ایده مورد نظر دارد. در این دکترین، ایران جایگاه بسیار مهمی برای اسرائیل و سرویس اطلاعاتی آن، یعنی موساد داشت:

ایران که از این نظر گوهر تابناک این دیهیم به شمار می‌آمد، در آنچه دکترین حاشیه‌ای نامیده شد و برای مدت دو دهه تا زمان سرنگونی شاه در سال ۱۹۷۹ در چنین وضعیتی جای می‌گرفت.^۳

۱. یان‌بلک و بنی‌موریس، ص ۲۳۲.

۲. اندرو ولسلی کاکبورن، ص ۱۵۹.

۳. یان‌بلک و بنی‌موریس، ص ۲۳۲.

لبنان^۱

لبنان کشوری در جنوب غربی آسیا بر ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع شده است. از شمال و شرق به سوریه و از جنوب به فلسطین و از غرب به مدیترانه محدود است. این سرزمین تا جنگ جهانی اول تحت فرمانروایی امپراتوری عثمانی قرار داشت. در پایان جنگ نیروهای متفقین لبنان را اشغال کردند و آن را تحت اداره نظامی فرانسه قرار دادند. در سال ۱۹۲۳، جامعه ملل سوریه و لبنان را (مطابق آنچه در قرارداد محرمانه انگلیس و فرانسه تحت عنوان سایکس-پیکو در سال ۱۹۱۶ منعقد شده بود) رسماً تحت قیمومت فرانسه قرار داد. تحت حکومت فرانسه، آرزوهای مردم لبنان تحقق نیافت و آرامش از این جمهوری رخت برپست... عاقبت در سال ۱۹۴۳ فرانسوی‌ها با برگزاری انتخاب آزاد موافقت کردند و ملی‌گراها در انتخابات پیروزی یافتند و رهبر آنان بشارة الخوری به ریاست جمهوری انتخاب

۱. در همین کتاب، فصل اجلاس اطلاعاتی سه‌جانبه (گزارش‌ها و قطعنامه‌ها)، اخبار، اطلاعات و گزارش‌های مستند و بسیار حائز اهمیت و قابل توجه درباره شماری از کشورها و مناطق مختلف آسیایی و آفریقایی آمده است. بر مبنای تئوری صهیونیستی، این کشورها و مناطق که در محدوده استراتژیک اسرائیل واقع شده‌اند و یا مشمول استراتژی پیرامونی این رژیم قرار دارند، عبارتند از: لبنان، اردن، سوریه، ترکیه، عراق، ایران، کویت، پاکستان، افغانستان، عربستان، امارات متحده عربی، عمان، یمن، بحرین، مصر، سودان، اتیوپی، اریتره، جیبوتی، سومالی، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و

دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای مقامات بلندپایه موساد و ساواک، مندرج در اسناد و گزارش‌های مورد نظر، درباره اوضاع و تحولات داخلی، ارتباطات و سیاست خارجی و مواضع سیاسی این کشورها، نشانگر آن است که، سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل، از رهگذر پیمان اطلاعاتی سه‌جانبه و دوجانبه و نیز از طریق مأموران و جاسوسان مستقل خود، رویدادهای داخلی این کشورها و مناطق را به شدت و به‌طور جدی تحت نظر و مراقبت اطلاعاتی قرار داده بودند و حتی در بسیاری از این مناطق، جاسوسان، مزدوران و مأموران اطلاعاتی آنها فعال بودند.

شد... پس از بحران دیگری در سال ۱۹۴۵، توافق شد که نیروهای فرانسه و بریتانیا لبنان را تخلیه کنند. این امر در سال ۱۹۴۶ انجام یافت و لبنان کاملاً مستقل شد. در سال ۱۹۴۵ لبنان عضو اتحادیه عرب شد و به جامعه ملل پیوست.^۱ پس از اشغال بخش عمده اراضی فلسطین از سوی صهیونیست‌ها و اخراج و آوارگی صدها هزار مسلمان آن سرزمین، هزاران فلسطینی به سرزمین لبنان سرازیر شدند و در آن سرزمین اسکان یافتند. در سال ۱۹۶۸ رژیم صهیونیستی فرودگاه بیروت را بمباران کرد. در سال ۱۹۶۹ نیز اسرائیلی‌ها لبنان را هدف بمباران خود قرار دادند و این کشور را دچار بحران کردند. در سال ۱۹۸۲ مجدداً این سرزمین هدف تجاوز اسرائیل قرار گرفت و صهیونیست‌ها با هماهنگی فالانژیست‌ها و مسیحیان مارونی تا پشت دیوارهای بیروت پیشروی کردند.

لبنان به عنوان یک کشور هم‌مرز و همسایه فلسطین از جمله مناطقی است که در استراتژی پیرامونی، جایگاه ویژه دارد.

این کشور همواره به عنوان هدف خط مقدم در دکترین اسرائیل نشانه‌گیری شده است. در کتاب جنگ‌های نهانی اسرائیل درباره لبنان آمده است:

علاقه اسرائیل به اتحاد با مسیحیان لبنان، از دهه ۱۹۵۰، بخش کانونی تئوری دکترین حاشیه‌ای را تشکیل می‌داده است. جنگ داخلی شریطی را فراهم آورد که دست‌کم این تئوری در عمل پیاده شود. موساد و تا اندازه کمتری هم، شعبه اطلاعات ارتش [اسرائیل]، کانال‌های ارتباطی برای ایجاد این اتحاد را دارا بودند.^۲

دیوید کیمخی (کیمچی) معاون وقت سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد) در دیداری با رئیس ساواک (نصیری)، در آبان سال ۱۳۵۵، ضمن اشاره به برنامه‌ها و اهداف اسرائیل در لبنان و ضرورت ایجاد جنگ داخلی در آن کشور، تا آنجا پیش می‌رود که موضوع حذف امام موسی صدر از صحنه لبنان مطرح و حتی طرح جایگزین را نیز به رئیس ساواک ارایه می‌کند. این گفت‌وگو نشان می‌دهد که لبنان از جنبه‌های مختلف سیاسی و ژئوپولیتیکی برای اسرائیل دارای اهمیت فراوان و استراتژیک بوده است. از سوی دیگر حاکی از ترس مقامات صهیونیستی نسبت به گسترش اصول، ارزش‌ها و فرهنگ ناب اسلامی در آن سرزمین است.

۱. غلامحسین مصاحب، دایرةالمعارف فارسی، ج دوم، بخش اول، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸۴.

۲. یان بلک و بنی موریس، ص ۴۴۵.

تا جایی که آنها/امام موسی صدر را به عنوان یک خطر جدی در مسیر استراتژی خود ارزیابی کرده و در صدد حذف آن مرد بزرگ برمی آیند. نکته دیگری را که این سند آشکار می سازد، تبانی و توطئه مشترک ساواک و موساد در ماجرای امام موسی صدر است که به طور جدی نیازمند بررسی و تحلیل دوباره است:

آقای کیمخی: [...] در مورد لبنان باید به عرض برسانم که فعالیتهای مهمی داشتیم. به نفع دست راستها وارد عملیات شدیم و امروز این ارتباطات بسیار قوی هستند. دو هفته قبل من در منزل پیر جمایل بودم و هر دو موافق این برنامه بودیم و در ضمن شرط کردیم که اگر قرار است جنگی شروع بشود نباید بین مسلمانان و مسیحیان باشد بلکه بین چپی های افراطی و دست راستها باید جنگ بشود. [...] در این زمینه مایلیم که همکاریهای مؤثری داشته باشیم. لاقلاً از نظر اطلاعاتی می توانیم همکاری نماییم.

پیشنهاد کوچکی دارم. موسی صدر کارش تمام است و امروزه شیعیان لبنان رهبر ندارند و برای شما فرصت مناسبی است که موسی صدر جدیدی را انتخاب کنید و به لبنان بفرستید. البته این شخص باید در مرحله اول به شما وفادار باشد. گرچه سوریها در داخل لبنان صلح موقتی بوجود آورده اند ولی این پایان جنگ نیست. دست راستها به هیچ وجه حضور فلسطینی ها را در هیچ زمانی تحمل نخواهند کرد. و منتظر فرصت هستند که جنگ را دوباره شروع کنند بنابراین ما معتقدیم که تماسهایمان را با گروههای دست راستی ادامه بدهیم. منظور ما فقط پیر جمایل و کامیل شمعون نیست بلکه ایجاد یک نیروی دست راستی قوی در داخل لبنان است. تیمسار ریاست ساواک: متأسفانه عوامل ما فعلاً بسیار ضعیف شده و ما سفارت را در آنجا جمع کرده ایم.

آقای کیمخی: آیا به مصلحت است که به شیعیان جنوب لبنان کمک کنیم و شما مایلید که در این کمکها سهیم باشید.

تیمسار ریاست ساواک: حتماً.

آقای کیمخی: تلاشهای ما در بهبود زندگی شیعیان جنوب لبنان مؤثر خواهد بود. فکر می کنید ایجاد جبهه ای از میانه روهای معتدل کار مصلحت آمیزی باشد؟

تیمسار ریاست ساواک: باید بوجود بیاید در غیر این صورت تجزیه می شود.

آقای کیمخی: ما تا آنجا که بتوانیم تلاش می کنیم اسیدواریم همکاری شما را هم در بعضی

زمینه‌ها جلب نماییم. ما حتی در مورد همکاریمان با [عضای جامعه] شیعیان لبنان و در داخل لبنان به آمریکاییها چیزی نگفته‌ایم.^۱

اسرائیلی‌ها با توسل به ترفندها و بهانه‌های مختلف همواره در صدد یافتن جای پایی در لبنان از جمله نفوذ در میان جامعه شیعیان آن کشور بودند و برای تعقیب این مقصود افرادی را نشان کرده بودند. ساواک به عنوان بازوی اطلاعاتی سلطنت پهلوی نیز، از هیچ‌گونه مساعدتی به آنها دریغ نمی‌کرد. متن مذاکرات رئیس موساد با رئیس ساواک در خصوص همکاری سرویس اطلاعاتی رژیم پهلوی با موساد به منظور تحقق برنامه‌ها و اهداف اسرائیل خواندنی است:

ژنرال ضمیر: ما همیشه می‌خواستیم با سازمان امنیت لبنان به‌طور جدی صحبت کنیم ولی تاکنون نتوانسته‌ایم و باید به عرض برسانم تا این لحظه لبنان از تروریستهای فلسطینی - ترک - ایرانی - ژاپنی و حتی اندونزی پذیرایی می‌کند دولت ما می‌داند لبنان نقطه حساسی است و مانند یک بچه باید از آن حمایت شود ما در عملیات خود سعی می‌کنیم حداقل فشار بر دولت لبنان وارد شود دولت لبنان اگر جدی در مورد کمک صحبت کند ما به هر نوع کمک حاضریم چه از طریق شما و چه از طریق دیگر، ما آشکار گفته‌ایم که اگر سوریه به لبنان حمله کند ما به سوریه حمله خواهیم کرد.

تیمسار ریاست ساواک: کشور لبنان یک کشور تاجری است که نمی‌تواند منافع تجارتی خود را زیر پا بگذارد. در حال حاضر علاوه بر سوریه، عراق نیز در لبنان پول خرج می‌کند. نخست‌وزیر قبلی جداً تصمیم داشت که فلسطینی‌ها را شدیداً محدود نموده و خارجیان را از کمپ‌های فلسطین خارج نماید. ولی متأسفانه دوام نیاورد و استعفا داد. و دولت فعلی هم معلوم نیست به چه صورتی درخواهد آمد.

در موقعیت مناسب در زمانی که احساس کنیم آنها آمادگی دارند، پیشنهادات شما را با آنها در میان خواهیم گذاشت.^۱

شیمون شيفر مفسر رادیو رژیم صهیونیستی و از کارشناسان مشهور اسرائیلی در کتاب خود، پس از اشاره به سفر مخفیانه آریل شارون وزیر جنگ اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان و

۱. گزارش ساواک، متن مذاکرات ریاست ساواک با دیوید کیمخی معاون جدید سرویس اسرائیل، [۲۵۳۵/۸/۱۹] ۱۳۵۵.

۱. سند ساواک، متن مذاکرات ژنرال ضمیر [زامیر] با ریاست ساواک، دوشنبه ۱۳۵۲/۴/۱۸.

استقبال بشیر جمیل رئیس جمهور وقت آن کشور از میهمانان این مسافرت سَرّی، از اسرار جنگ و تجاوز اسرائیل به خاک لبنان و کشتار هزاران لبنانی و قتل عام معروف صبرا و شتیلا به دست فالانژیست‌ها و همیاری اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۸۲ پرده برمی‌دارد. شیمون شیفر اسرائیلی، این تجاوز وحشیانه و ددمنشانه اسرائیل را نه با هدف تبلیغاتی صهیونیستی مبتنی بر «امنیت العلیل» بلکه در مسیر استراتژی اسرائیل بزرگ ارزیابی می‌کند. او سندی را به نقل از رافائل ایتان رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل نقل می‌کند که چگونه این موضوع را برای نظامیان و سربازان مهاجم اسرائیلی فاش و تشریح کرده است.^۱

دیوید هرست با رد هرگونه بهانه بنی اسرائیلی، به عنوان دلایل حمله و تجاوز اسرائیل به لبنان، معتقد است که اسرائیلی‌ها از مدت‌ها قبل بر مبنای دکترین حاشیه‌ای خود، در این باره برنامه‌ریزی کرده بودند. به نوشته او؛ مسأله اساسی این بود که بگین چگونه و چه وقت دست به جنگ خواهد زد... تهاجم اسرائیل به لبنان، وقتی بالاخره به وقوع پیوست، اصلاً اقدام غیرمنتظره‌ای به نظر نیامد. ابعاد آن نیز چندان تعجب‌برانگیز نبود... هدف آن بر اساس ایجاد نظم جغرافیایی سیاسی جدید در پیرامون مرزهای دور اسرائیل قرار داشت. اسرائیل در صدد بود تا لبنان را به عنوان یک کشور مسیحی یا کشوری که تحت سلطه مسیحیان که آماده صلح با اسرائیل باشد، بازسازی کند.^۲

این نویسنده با اشاره به مندرجات نشریه «کیونیم»^۳ ارگان سازمان جهانی صهیونیسم درباره استراتژی اسرائیل، اقدام و عملیات تهاجمی رژیم صهیونیستی به سرزمین لبنان را بخشی از استراتژی پیرامونی صهیونیسم در کوتاه مدت، ارزیابی کرده و تصریح می‌کند که براساس آنچه ارگان سازمان جهانی صهیونیسم تأکید و اصرار دارد؛ اهداف درازمدت اسرائیل باید تمام منطقه خاورمیانه را دربر بگیرد.^۴

۱. ن. ک: شیمون شیفر.

۲. دیوید هرست، صص ۴۷۰-۴۷۱.

3. Kivunim

۴. همان منبع، ص ۴۷۲.

عراق

عراق به عنوان یک کشور بزرگ اسلامی و سرزمین تاریخی برخوردار از تمدن، فرهنگ و موقعیت خاص ژئوپولیتیکی در منطقه خاورمیانه، از دیرباز مورد طمع قدرت‌های جهانخوار بوده است. با توجه به موارد مزبور، نزدیکی جغرافیایی عراق به سرزمین فلسطین، ویژگی دیگری به این کشور بخشیده است. بر این اساس کشور عراق در استراتژی پیرامونی صهیونیسم جایگاه ویژه‌ای داشته است. ارتشبد حسین فردوست درباره اهمیت و جایگاه عراق و اهداف قدرت‌های جهانی در این کشور نوشته است:

سرزمین عراق در جنگ جهانی اول توسط انگلیسی‌ها اشغال شد. انگلیسی‌ها به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک عراق در منطقه و همچنین به خاطر ذخایر عظیم نفتی آن ترتیباتی دادند تا تسلط خود را محکم کنند و لذا فیصل - پسر حسین شریف مکه - را به سلطنت عراق نشانند و برادر او به نام عبدالله را شاه اردن کردند. ملک عبدالله پدر بزرگ ملک حسین، شاه فعلی اردن، است. بدین ترتیب، انگلیسی‌ها قصد داشتند که بخش مهمی از دنیای عرب (عراق، اردن، سوریه) را به وسیله خانواده هاشمی حجاز اداره کنند و در بخش دیگر (سرزمین حجاز) خانواده سعودی، که رقیب خانواده هاشمی بود، را به قدرت رسانند. این همان سیاست معروف انگلیسی «تقسیم کن و حکومت کن» است. پس از جنگ جهانی دوم نفوذ انگلیسی‌ها در عراق محکم بود، تا بالاخره با همکاری آمریکا در سال ۱۳۳۳ پیمان بغداد را تشکیل دادند و به نوعی برای عراق در منطقه مرکزیت قائل شدند. در این زمان شاه عراق، ملک فیصل دوم بود، ولی در واقع کشور توسط نخست‌وزیر او به نام نوری سعید اداره می‌شد که عامل درجه اول انگلیسی‌ها بود. ملک فیصل را چند بار در کاخ محمدرضا دیدیم. بسیار جوان بود [...]».

خود فیصل بسیار مؤدب و مظلوم بود و همه کاره دربار ولیعهد به نام عبدالاله بود، که احتمالاً پسر عموی او بود. عبدالاله حدود ۱۰ سال از فیصل بزرگتر بود و روابط بسیار نزدیک با انگلیسی‌ها داشت و در واقع مأمور آنها در دربار محسوب می‌شد [...].

در این زمان روحیات ضدانگلیسی در عراق بسیار رشد کرد و بخصوص افسران عراقی تحت تأثیر کودتای ژنرال نجیب و سرهنگ عبدالناصر و ناسیونالیسم عربی ناصر قرار گرفتند و روس‌ها نیز این ناسیونالیسم را به شدت تشویق نمودند. بدین ترتیب در سال ۱۳۳۷ کودتای سرتیپ عبدالکریم قاسم صورت گرفت و رژیم سلطنتی در عراق سقوط کرد [...].^۱ به هر حال در سال ۱۳۳۷، به علت ناآرامی‌هایی که در مرز عراق و سوریه بود، ستاد ارتش عراق یک تیپ به فرماندهی سرتیپ قاسم و معاونت سرهنگ عبدالسلام عارف را به این منطقه اعزام می‌دارد. تیپ کمی از بغداد خارج می‌شود و شب توقف می‌نماید و قاسم و عارف طرح حمله به بغداد و کودتا را آغاز می‌کنند. ساعت ۳/۵ صبح تیپ به جای حرکت به سمت سوریه، به بغداد مراجعت می‌کند. قاسم با تیم انتخابی خود به طرف کاخ می‌رود و عارف با تیم مربوطه به سمت رادیو. قاسم عبدالاله (ولیعهد)، فیصل (شاه) و کلیه اعضای خانواده سلطنتی را، پس از خلع سلاح گارد، در سینه دیوار تیرباران می‌کند و پس از مدتی نوری سعید را، که فرار کرده و در غاری مخفی شده بود، دستگیر و او را نیز تیرباران می‌کند. اجساد همگی به گاری بسته شده و در خیابانهای بغداد نمایش داده می‌شود. کودتای عراق در آن زمان بزرگترین حادثه منطقه تلقی می‌شد و هم غرب و هم محمدرضا را به وحشت انداخت و از آن زمان تیرگی روابط رژیم محمدرضا و جمهوری عراق آغاز شد که تا سال ۱۹۷۵ ادامه یافت.

کودتای قاسم پیشرفت مواضع شوروی در منطقه تلقی می‌شد و توسعه فعالیت کمونیست‌ها در عراق ثبات منطقه به نفع غرب را به خطر می‌انداخت. لذا، آمریکا و انگلیس به تقویت رژیم محمدرضا و رژیم اردن دست زدند ولی همزمان نیز تلاش‌هایی صورت گرفت تا با نفوذ در ارتش عراق به تدریج نیروهای متمایل به شوروی و یا ناسیونالیست‌ها پس زده شوند. بدین ترتیب، قدم به قدم راه برای صعود صدام حسین هموار شد. قاسم پس از حدود ۴ سال حکومت [در سال ۱۳۴۰] توسط عبدالسلام عارف برکنار و کشته شد و بدین

۱. از اکتبر ۱۹۲۰ تا اواسط سال ۱۹۵۸، طی ۲۸ سال، ۵۸ کابینه در عراق تعویض شد. درباره اسامی وزیران، نخست‌وزیران و دولتمداران عراقی در این مقطع تاریخی، مراجعه شود به: ناصرالدین نشاشیبی، در خاورمیانه چه گذشت، ترجمه دکتر محمدحسین روحانی، انتشارات توس، چاپ سوم ۱۳۶۷، صص ۳۹۷ تا ۴۲۴.

ترتیب حزب بعث عراق به قدرت رسید. این قدم اول به سود آمریکا تلقی می‌شد و پس از چندی عارف [در سال ۱۳۴۵] در سانحه هوایی کشته شد و برادرش سپهد عبدالرحمن عارف، رئیس جمهور شد و بالاخره [در سال ۱۳۴۷] حسن البکر، عبدالرحمن عارف را بدون مقاومت از کشور خارج کرد و عازم انگلستان نمود و قدرت را به دست گرفت. اعزام عارف به انگلستان این فرضیه را مطرح می‌کند که وی از آغاز مهره انگلیسی‌ها بوده است. در این زمان صدام حسین دبیر شورای انقلاب و معاون رئیس جمهور شد. این نشانگر آن بود که ارتش عراق صدام را برای ریاست جمهوری قبول نداشت و باید فرد خوشنامی به قدرت می‌رسید و لذا سر تیپ حسن البکر، که مورد قبول ارتش بود، برای این نقش انتخاب شد. ولی به تدریج صدام نقش فائقه را در حکومت عراق به دست گرفت و خیلی زود روشن شد که همه کاره عراق اوست. در اینکه طرح دیکتاتوری صدام-مهره مورد نظر آمریکا- از مدتها پیش برنامه‌ریزی شد و قدم به قدم اجرا گردید، تردید ندارم. در زمانی که هنوز البکر رئیس جمهور بود، صدام با قدرت کامل ناگهان در مراسم افتتاح دوره دانشگاه جنگ بغداد با لباس ارتشبدی - یعنی بالاترین درجه نظامی - ظاهر شد. صدام فردی غیر نظامی بود و این عمل عجیب او سبب شد که تعدادی از افسران حاضر به عنوان اعتراض مراسم را ترک کنند. [...]

در سال ۱۹۷۵ آمریکا تصمیم گرفت که به فعالیت شورشیان کرد عراق پایان دهد^۱ و لذا با وساطت بومدین قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بین محمدرضا و صدام (دبیر شورای انقلاب عراق) منعقد شد. این قرارداد بیش از همه به سود صدام بود و درخواست آمریکا نیز همین بود و گر نه دلیلی نداشت که به جای حسن البکر، صدام قرارداد را امضاء کند. قرارداد ۱۹۷۵ موجب شد که ۹۰ هزار کرد طرفدار بارزانی به ایران خواسته شوند و پس از سال‌ها جنگ با کردها پایان یابد و ارتش عراق را از صدام ممنون کند. بنابراین، صدام در نقش ناجی ارتش عراق در الجزایر ظاهر شد. قرارداد الجزایر هیچ شبهه‌ای در آمریکایی بودن صدام باقی نمی‌گذارد. [...]

نقش آمریکایی صدام در مسئله اتحاد سوریه و عراق نیز ظاهر شد. گفته می‌شود که البکر

۱. هنری کسینجر پس از امضای قرارداد الجزایر، در ۱۰ مارس ۱۹۷۵ طی نامه‌ای به محمدرضا پهلوی مراتب قدردانی خود را از این حرف‌شنوی شاه ایران به اطلاع او رساند. کسینجر در این نامه افزود: سیاست ما همچنان و مثل همیشه پشتیبانی از ایران به عنوان دوست نزدیک و وفادار و ثابت‌قدم ایالات متحده آمریکا می‌باشد. ن.ک: یادداشتهای غلم، نوشته اسدالله غلم، جلد چهارم، کتاب‌سرا، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۴۷۸.

موافق اتحاد دو کشور است و لذا حافظ‌اسد به بغداد رفت. روشن است که اتحاد سوریه و عراق به سود شوروی تمام می‌شد و آمریکا و انگلیس مخالف آن بودند. رئیس MI-6 سفارت انگلیس در تهران صراحتاً به من می‌گفت که دولت انگلستان خواستار عراقی مستقل و بدون اتحاد با سوریه است. در نتیجه صدام به دستور آمریکا، ظرف ۲۴ ساعت این طرح را به هم زد و حافظ‌اسد را محترمانه به فرودگاه برد و به خانه‌اش فرستاد. او سپس حسن البکر را تحت عنوان ضعف مزاج در خانه بستری کرد و شبانه ۲۱ نفر از مقامات عالی عراق، از جمله جناح بعثی هوادار سوریه، را تیرباران نمود و خود را رئیس جمهور اعلام کرد [۱۳۵۷].^۱

حدود سه دهه فعالیت مستمر و مرموز سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل علیه عراق، به ویژه در مناطق کُردنشین آن کشور و تحریک برخی گروه‌ها و احزاب کُرد و ایجاد درگیری‌ها و جنگ‌های خونین در آن منطقه، تماماً نشان از موقعیت ژئوپولیتیکی عراق در استراتژی پیرامونی اسرائیل دارد.^۲

رئیس وقت ساواک طی ملاقاتی با ایسرها‌رل رئیس وقت موساد، در سال ۱۳۳۸، با یادآوری منافع مشترک اسرائیل و ایران، تلاش‌ها و اقدامات شوروی و جمال عبدالناصر را برای بسط نفوذ خود در عراق مورد بررسی قرار داده و پیروزی احتمالی هر یک از آن دو را در کشور عراق، تهدیدی برای منافع دو رژیم صهیونیستی و پهلوی ارزیابی کرده است. تیموربختیار رئیس ساواک پس از تحلیل وضعیت داخلی و سیاست خارجی حاکم بر عراق، به راه‌های پیشگیری از بروز هر گونه حادثه جدید مغایر با منافع اسرائیل و ایران شاهنشاهی در عراق، چنین اشاره کرده است:

نظریه رئیس مازمان اطلاعات و امنیت کشور درباره وضع سیاسی خاورمیانه

پس از تشکر از آقای هارل و دولت اسرائیل اشاره شد که هر دو کشور ایران و اسرائیل دارای منافع مشترک در برابر وضع سیاسی خاورمیانه می‌باشند. سپس وضع سیاسی خاورمیانه به شرح زیر تشریح شد.

مخاطراتی که ما با آن مواجه هستیم از صورت اخلاص‌گری خارج و جنبه تهدید به خود گرفته است. روسیه شوروی دارای هدفهای استراتژیکی است که برای پیشروی به سوی آن از وسایل

۱. خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۵۵۴ تا ۵۵۷.

۲. در این باره مراجعه شود به بخش «عملیات پنهان» (موساد، سیا، ساواک و کُردهای عراقی) در همین کتاب.

مختلف مانند ناسیونالیسم عرب-کمونیسم و رخنه صلح آمیز استفاده می‌کند و هر وقت دولتی مانع این پیشروی شود با تهدید شوروی روبرو می‌گردد.

اگر چه ما واقفیم که شوروی در پی تهدیدات خود وارد جنگ نخواهد شد و آنها را بدون اهمیت تلقی کرده و به او جوابگویی می‌کنیم اما این کشور به طور غیرمستقیم وارد منطقه دیگری از خاورمیانه شده و ممکن است عملیات اصلی خود را علیه ایران از آنجا آغاز نماید.

البته هر دوی ما متفق القول هستیم که باید از تجاوز غیرمستقیم شوروی جلوگیری کرد ولی به این منظور باید به هر قیمت شده راه‌حلی عملی بیابیم و پس از توافق درباره آن کوشش کنیم متفقین دیگر خود را (مانند ترکیه-آمریکا و انگلستان) نیز با خود همراه سازیم. بدیهی است اگر راه‌حل ما منطقی باشد آسانتر می‌توانیم دوستان خود را قانع کنیم. مسئله مهم پیدا کردن این راه‌حل است وگرنه همگی از خطرات موجود واقف و از وضع کشورهای عرب آگاهیم. با وجود این به جاست نظر مریمی به دو کشور عرب که امروز در دو قطب مخالف یکدیگر قرار گرفته‌اند یعنی عراق و جمهوری متحده عرب بیفکنیم.

الف - تشریح اجمالی وضع مصر

کسی که پای شوروی را به خاورمیانه باز کرد ناصر بود. او بود که وضع ثابت این منطقه را به هم زد و ناسیونالیسم عرب را آلت پیشرفت شوروی قرار داد. اخلاص‌گری در کشورهای عربی به وسیله مصر شروع شد و او بود که زمینه انقلاب عراق را فراهم کرد (اگر چه تاکنون خود از آن استفاده‌ای نبرده است).

اگر امروز ناصر و قاسم با یکدیگر اختلاف دارند این امر را نباید دال بر اختلاف ناصر با کمونیسم دانست. حقیقت امر این است که قاسم سدی در برابر آرزوهای جاه‌طلبانه ناصر شده است و ناصر برای از بین بردن او به حربه مخالفت با کمونیسم متوسل گشته است. وگرنه روابط مصر و رومیه هم‌اکنون نیز رضایت‌بخش بوده و بر طبق اطلاعات دقیقی که ما در دست داریم خروشچف در نامه خود به ناصر از او پشتیبانی کرده و وی را دلگرم ساخته است. روزی که قاسم سرکوب و ناصر در عراق موفق شود بدون شک دیگر صحبتی از جدال با کمونیسم در میان نخواهد بود.

ب - تشریح اجمالی وضع عراق

عراق با سرعت به سوی کمونیسم می‌رود. اطلاعات موثقی که در دسترس ما است حاکی از

در خاورمیانه پیدا کنند مسئله دشواری را بوجود می آورند و ما مطمئن نیستیم که دول بزرگ غربی از چنین دولتی پشتیبانی نخواهند کرد. اگر چنین فرضی به وقوع بپیوندد صرف نظر از مخاطراتی که نصیب ایران و ترکیه می شود باید از خود سوال کرد روش شوروی نسبت به مصر و بالمکس چه خواهد بود.

وقتی روسها به مطلوب خود برسند و مصر را در برابر حمل انجام شده قرار دهند شوروی از نو کوشش خواهد کرد و احتمالاً موفق خواهد شد مصر را برای اختلالگری و عوامفریبی در سایر کشورهای عرب و برهم زدن اساس دولت اسرائیل تحریک نماید.

بدین صورت دورنمای آینده بسیار وحشتناک است. با وجود کمونیسم و پاناهریسم در عراق خطر به همان شدت سابق می باشد بخصوص که ابیدی به مستقل بودن قاسم نمی توان داشت و نباید سیاست خود را بر چنین آرزوئی مبتنی سازیم.

راه حل وضع فعلی عراق

دست به روی دست گذاردن و شاهد تحول وقایع بودن کار خطرناکی است و بنابراین باید به هر قیمتی شده در جستجوی راه حلی باشیم. این راه حل باید چنان باشد که نه کمونیسم و نه ناهریسم را قبول کنیم. اگر ما بتوانیم با افعال سیاست صحیحی هر دو خطر را از عراق دور سازیم قدم مفیدی برای حفظ آرامش خاورمیانه برداشته ایم. بهخصوص نباید فراموش کرد که اگر کمونیسم در عراق از بین برود امکان کمک غرب به ناصر کمتر خواهد شد. اگر امروز آمریکاییها مایل به نزدیکی به ناصر هستند علت آن پیدایش کمونیسم در عراق است. حال باید دید چه عواملی برای ایجاد یک نهضت ضدکمونیسم و ضدناصریسم وجود دارد چنین عواملی در داخل عراق بافت می شوند ولی اولاً کالبی نیستند ثانیاً لودا دیگر وجود خارجی ندارند داشت. و اما در خارج عواملی هستند که قادر به دخالت در داخل عراق می باشند. این عوامل عبارتند از: کردها- طایفه شمار، قبایل جنوبی عراق- نفوذ ایران در میان شیعیان عراق نفوذ ترکها در میان اقلیت ترک کرکوک و موصل و همچنین نفوذ و پرستیژ ملک حسین در عراق.

هیچیک از این عوامل به تنهایی قادر به تغییر وضع فعلی نیستند و اگر بخوایم عمل مثبتی انجام دهیم باید دو نکته زیر را رعایت کنیم:

اولاً عملیات داخلی و خارجی باید با یکدیگر توأم شوند.

ثانیاً آینده حکومت و زمامداران عراق که باید نه کمونیسم باشند و نه طرفدار ناصر مورد مطالعه

سوال دوم: صرف نظر از کمک مبنی به قاسم آیا صلاح نیست عناصر ضدکمونیت عراقی که در حال حاضر در تمام طبقات به تعداد زیاد وجود دارند تشویق و تقویت نمود؟

جواب: هر عملی به منظور مشکل ساختن و تحریک عناصر ضدکمونیتی عراق ممکن است آنها را به مخاطره انداخته و سبب سرکوبی آنها شود. به علاوه در این صورت فرصت بیشتری نصیب کمونیستها خواهد شد تا نفوذ خود را توسعه دهند. در شرایط فعلی تنها روش صحیح عناصر ضدکمونیت عراقی کوشش در حفظ بقای خویش است این عناصر با نگهداری موجودیت خود ممکن است در وضع مساعدتری بتواند اقدامات مفیدی نمایند. بنابراین نه تنها باید از تحریک آنها خودداری نمود بلکه از لحاظ تاکتیکی روش این دستجات باید نظامر به همکاری و پشتیبانی از دولت عبدالکریم قاسم باشد. هر نوع سیاست دیگری که بر خلاف روش فوق الذکر در پیش گرفته شود خطرات صدهای دربر خواهد داشت.^۱

۱. سند مساواک، نظریه رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل درباره وضع سیاسی خاورمیانه، مورخ ۱۳۳۹/۲/۹، طبقه‌بندی به کلی سری.

طرح سلطنت ملک حسین در عراق

سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با جلب موافقت ساواک طرحی را در راستای استراتژی پیرامونی صهیونیسم در منطقه خاورمیانه تهیه و تدارک دیده بود که براساس آن سرزمین عراق تحت حاکمیت ملک حسین پادشاه اردن قرار می‌گرفت و از این طریق مرزهای امن اسرائیل کاملاً تضمین می‌شد. این طرح که به بهانه مبارزه و مقابله با کمونیست و ناصریسم در کشورهای عربی و اسلامی، به خصوص عراق، تهیه شده بود نیازمند جلب موافقت آمریکا، انگلستان و ترکیه بود که اسرائیلی‌ها به‌طور جدی سعی در دستیابی به آن هدف داشتند. رژیم صهیونیستی در آن زمان یکی از سه گزینه پیروزی کمونیسم، پیروزی ناصریسم و موفقیت عبدالکریم قاسم را در عراق فراروی خود می‌دید. اما پس از رایزنی با رئیس وقت ساواک، گزینه چهارم را که همان عملیات پنهان تفویض رهبری نهضت مخالفان رژیم وقت عراق به ملک حسین پادشاه اردن بود، برگزید و با کمال اشتیاق در دستور کار خود قرار داد.

سخنان ایسرها در رئیس وقت سرویس اطلاعاتی اسرائیل در پاسخ به رئیس وقت سازمان (ساواک) در این باره چنین است:

اظهارات آقای هارل در جواب رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

من به‌طور کلی با تمام نظریات شما موافقم و قبول دارم که کمونیسم و ناصریسم به یک اندازه خطرناکند. اظهارات امروز صبح من مفهوم این را نداشت که ما خطر کمونیسم را از ناصریسم کمتر دانیم و اگر گفتم که با کمک کردن به ناصر نمی‌توان عراق را نجات داد قصدم این نبود که نباید فکری برای عراق کمونیست فردا کرد.

در صورتی که راه‌حلی پیدا شود تا عراق در آن واحد از کمونیسم و ناصریسم نجات یابد مطمئن باشید ما با تمام قوا در راه پیروزی این هدف کوشش خواهیم کرد. همچنین مطالبی که درباره مصر گفتید مورد موافقت کامل من است و نیازی به تکرار آن ندارم. همچنین با نظر شما درباره عراق موافقم و شکی نیست که وضع عراق رو به وخامت می‌رود. قرائن متعددی موجود است که از تقویت حزب کمونیست آن کشور حکایت می‌کند. من به هیچ وجه با کسانی که در غرب تصور می‌کنند با تقویت و پشتیبانی از ناصر می‌توان عراق را نجات داد موافق نیستم. تنها نتیجه کمک غرب به عراق توسعه عملیات تخریبی ناصر در آن کشور و تسریع بسط نفوذ کمونیستها خواهد بود.

موضوعی را که مایلم روشن سازم این است که به کمونیستهای عراق نباید کمک کرد و عمل ناصر در حال حاضر کمک به آنها است و ادامه چنین عملیاتی جز کمک به پیروزی کمونیستها نتیجه دیگری نخواهد داد.

من در تشریح وضع خاورمیانه فقط سه راه‌حل را پیش‌بینی کرده بودم که عبارت بودند پیروزی کمونیسم و یا پیروزی ناصریسم و یا پیروزی قاسم و استقلال وی. امروز عصر شما با پیشنهاد خود امکان چهارمی را در میان گذاشتید که من در نظر نگرفته بودم و با آن کاملاً موافقم. چیزی که هست اگر این راه چهارم وجود نداشت باز هم من شق سوم را ترجیح می‌دهم. و اما در مورد راه‌حل پیشنهادی شما مایلم خطرات و فواید آن را تشریح کنم. خطرات این راه‌حل عبارتند از:

۱- به محض تشکیل عناصر ضدکمونیست عراق ممکن است ناصر و قاسم از این موضوع اطلاع پیدا نمایند وقتی قاسم مطلع شد بدون شک از شوروی درخواست کمک بیشتری را خواهد کرد. و یا اینکه خود شورویها به وی پیشنهاد کمک می‌نمایند و به هر حال خطر شوروی در عراق افزایش خواهد یافت.

۲- به محض اینکه قاسم از تشکیل مخالفین خود آگاه شود آنها را تهدید نموده و سعی می‌کند پراکنده سازد و شاید در این راه موفق شود.

۳- چنانچه قاسم احساس خطری کند ممکن است از شوروی کمک طلبد. در این صورت اگر شوروی نیروی کمکی فرستاد باید دید آمریکا چه روشی را اتخاذ خواهد نمود. اگر آمریکا از اعزام نیرو خودداری کند تمام این طرح مقرون به شکست است.

۲- هر اقدامی که می‌شود باید کاملاً پنهانی و سری باشد. کوچکترین لغزشی در این مورد سبب سرکوبی عوامل ضدکمونیسم خواهد شد (مانند شورش شواف). در آغاز کار باید بیشتر عوامل شرکت‌کننده از حقیقت امر مطلع نباشد و تا آخرین لحظات به آنها توضیح دقیقی داده نشود زیرا در غیر این صورت حیات عوامل ضدکمونیست در خطر خواهد بود.

۳- باید آمریکا موافقت خود را با این طرح اعلام کرده و وعده دهد که هر عمل احتمالی شوروی را خنثی نماید. در غیر این صورت چنین اقدامی خطرناک خواهد بود.

۴- چنین اقدامی باید تحت لوای یک نفر عرب باشد و انتخاب ملک‌حسین بدین منظور کاملاً بجای است. ولی پشتیبانی از او منوط به وعده‌هاییست که وی درباره رژیم آینده عراق و روابط آن با ایران و ترکیه و اسرائیل خواهد داد.

۵- اجرای این طرح باید با موافقت ترکها و انگلیسیها انجام گیرد زیرا این دو کشور به تغییر وضع موجود عراق علاقمند هستند و بدون پشتیبانی صمیمانه آنها نمی‌توانیم عمل مثبتی انجام دهیم. پنج شرط مذکور در فوق برای اجرای طرح پیشنهادی شما لازم و مورد موافقت دولت من خواهد بود.^۱

رئیس ساواک، ضمن ارایه اخبار و اطلاعات مربوط به تماس‌ها و گفت‌وگوهای ایران با دولت مرکزی عراق به رئیس موساد، نسبت به آینده حکومت عبدالکریم قاسم ابراز تردید می‌کند. او از اینکه قاسم نتواند خود را در برابر موج کمونیسم و ناصریسم در منطقه مستقل نگه دارد، اظهار نگرانی کرده و با موضع موافق موساد با طرح توطئه‌آمیز ساواک مبنی بر وارد کردن ملک‌حسین پادشاه اردن به ماجرای عراق، ابراز رضایت می‌کند. رئیس ساواک با تأکید بر فعال کردن ترکیه و جلب موافقت آمریکا و انگلیس در این باره، در حفظ اسرار این عملیات توطئه‌آمیز اصرار می‌کند.

پاسخ رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور به آقای هارل و دنباله مذاکرات [۱]:

همانطور که قبلاً نیز اشاره کردم امکان اینکه قاسم بتواند در برابر کمونیسم و ناصریسم مستقل بماند بسیار کم است حتی اگر وی چنین فکری را نیز داشته باشد کمونیستها به او اجازه اجرای این نقشه را نخواهند داد و در صورت لزوم با از بین بردن او ممکن است مانع موفقیت وی شوند. در تماسهایی که ما با قاسم داشتیم همیشه صحبت درباره دوستی و حفظ روابط حسنه

۱. گزارش ساواک، مورخ ۱۳۳۸/۲/۹، ساعت ۲۳، طبقه‌بندی به کلی سری.

بود ولی این امر هرگز از مرحله حرف تجاوز نکرد و بنابراین وی یا حسن نیت دارد و یا قصد اغفال. اگر حسن نیت داشته باشد در هر صورت قدرت اجرای آن را ندارد و نمی‌تواند کشور را اداره کند. بررسی شخصیت قاسم نشان می‌دهد که وی مردی که بتواند با مانورهای ماهرانه عراق را از چنگال کمونیسم و ناصریسم نجات دهد نیست. به همین دلیل نیز من امیدی به مستقل شدن قاسم ندارم.

درباره مطالبی که شما راجع به جلب موافقت آمریکائیان و ترکها و انگلیسیها گفتید کاملاً موافقم. هارل سؤال کرد منظور توافق بین دو کشور خودمان است یا با ملک حسین و چه موقع با آمریکائیان موضع را در میان می‌گذاریم. که جواب داده شد قبلاً بین خودمان موافقت می‌کنیم و بعداً آمریکاییها را با اصول آن آشنا می‌سازیم. حق تقدیمی نمی‌توان قائل شد البته موضوع آمریکاییها جنبه حیاتی دارد. بدیهی است اگر ترکها هم کمک کنند زودتر می‌توان موافقت آنها را گرفت. نکته مهم این است که برای اجرای این طرح باید عامل اختفا و سرعت را در نظر گرفت به طوری که در [از] جنگ داخلی در کشور عراق جلوگیری شود.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور اظهار داشت با شرایط پنجگانه آقای هارل که عموماً صحیح و منطقی است موافقت دارد و در ضمن تأکید کرد که قبل از کمک به ملک حسین تضمین کافی درباره صلح رژیم آینده عراق با دولت اسرائیل شرط اصلی همکاری خواهد بود.

طرفین موافقت کردند که برای آغاز اجرای طرح باید بررسی دقیقی درباره شخصیت‌های عراقی که مخالف رژیم فعلی و ضدکمونیست هستند مطالعه دقیقی بشود و کسانی را که دو سرویس می‌شناسند متقابلاً به اطلاع یکدیگر برسانند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور اظهار داشت که باید ترکها را که قبلاً موافق با سیاست نرمش نسبت به عبدالکریم قاسم بوده‌اند با طرح اخیر خود موافق سازیم و در این باره ایران اقدام خواهد کرد.

در هر حال ایران به دلائل متعدد، از هر کشور دیگری نسبت به وضع عراق علاقمندتر است. در هر صورت جلب موافقت ترکها قدم اولیه جلب نظر آمریکاییها خواهد بود. و اما آمریکاییها در صورتی با این طرح موافقت خواهند کرد که اولاً موفقیت آن به ایشان ثابت شود و ثانیاً نظر ما درباره حکومت آینده روشن باشد آقای هارل اظهار داشتند که آمریکاییها بدون نظر اسرائیل در خاورمیانه اقدامی نخواهند کرد و یادآور شدند که چون اسرائیل با نقشه نوری سعید به منظور

الحاق اردن به عراق مخالف بود آمریکاییها نیز اظهار مخالفت کردند.

در پایان طرفین موافقت کردند که کمیته‌های مربوط به بررسی طرح پیشنهادی در تهران تشکیل شوند. تماس مدام با دستگاه امنیتی داشته (کسب اطلاع و خبر از خود آنان به‌طور رسمی) و به‌طور کلی فعالیت خارج از دفتر را زیاد نموده مقرر فرمایند یک نفر کارمند تعیین و اعزام گردد.

محل کار نمایندگی تاکنون در منزل شخصی بوده و اخیراً نمایندگی معایب این امر را گزارش نموده که مورد تأیید می‌باشد، مقرر گردید با وزارت امور خارجه مذاکره شود که دفتر نمایندگی با دفتر نماینده وزارت خارجه در یک جا متمرکز باشد (در بعضی از نمایندگی‌ها مانند بیروت و عمان نیز سابقه دارد) و به نسبت، اجاره یک اتاق نمایندگی از طرف سارااک داده شود. این موضوع مورد موافقت جناب آقای سرنذر سرکی واقع گردید و قرار شد که در محل بررسی گردیده و گزارش شود که پس از ارزیست و بررسی در محل به عرض خواهد رسید.

موکول به امر عالی است^۱

قدرت بایی صدام تحت نظارت موساد

جایگاه عراق در استراتژی پیرامونی اسرائیل، از یک سو و پیمان همکاری سارااک و موساد از سوی دیگر، ایجاب می‌کرد، طرف ایرانی از طریق نفوذ در کلیه دوایر و مراکز متعلق به عراق، چه در داخل و با خارج آن کشور، هرگونه اخبار و اطلاعاتی مورد نیاز اسرائیل را جمع‌آوری و در اختیار مأموران موساد قرار دهد. خبر مربوط به واگذاری دومین زیردریایی از طرف دولت انگلستان به اسرائیل، نمونه اطلاعاتی است که نمایندگی سارااک در پاکستان از طریق نفوذ در سفارت عراق در آن کشور، به دست آورده و سپس در اختیار اسرائیلی‌ها قرار داده است:

به پیوست یک قطعه عکس نامه مورخ ۱۶ آذر ۶۶ مدیر اطلاعات نظامی عراق به وابسته نظامی عراق در کراچی در مورد واگذاری دومین زیردریایی از طرف دولت انگلستان به اسرائیل و یک برگ ترجمه آن که وسیله یکی از مأموران نمایندگی سارااک در پاکستان تهیه گردیده است جهت استحضار تقدیم می‌گردد.

۱. گزارش سارااک، مورخ ۱۳۳۸/۲/۹، ساعت ۱۳، طبقه‌بندی به کلی سری.

اهم مطالب آن به شرح ذیل از لحاظ مبارک می‌گذرد:

روزنامه الفولکس بلات سخنگوی حزب الشعب در شماره ۲۰ آذر ۱۹۶۷ خود نوشته است که انگلستان دومین زیردریایی را تحویل دولت اسرائیل داده است که ظرفیت این زیردریایی بالغ بر ۱۵۰۰ تن می‌باشد و از نظر اندازه ظرفیت همان زیردریایی را دارد که شوروی به مصر داده است.^۱

ترجمه اصل سند به خوبی نشانگر حساسیت‌های ضداسرائیلی در میان برخی کشورهای عربی و اسلامی از یک سو و سرسپردگی و مزدوری سلطنت پهلوی در قبال اسرائیل، از سوی دیگر است:

جمهوری عراق

ریاست ستاد ارتش

اداره کل ستاد

شماره - ش ۱۱۸۲۶/۹/۲۳/۱

تاریخ - ۷/ دسامبر ۱۹۶۷

به - وابسته نظامی (کراچی)

موضوع - دومین زیردریایی انگلیسی برای اسرائیل

اطلاع حاصل کردیم که روزنامه الفولکس بلات سخنگوی حزب الشعب که اکنون حزب مزبور حکومت را در دست دارد در شماره مورخ ۱۹۶۷/۱۱/۱۱ خود چنین نوشته که انگلستان دومین زیردریایی را تحویل اسرائیل داده و ظرفیت هر یک از آنها بالغ بر ۱۵۰۰ تن می‌باشد و از نظر اندازه ظرفیت همان زیردریایی را دارد که اتحاد شوروی به مصر تحویل نموده. روزنامه می‌گوید که اولین زیردریایی بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به اسرائیل تحویل داده شد. خواهشمند است مصرأ درباره صحت این خبر تحقیق نموده تا معلوم شود این زیردریایی‌ها و مشخصات مورد بحث آنها چیست و نتیجه را به ما اعلام دارید.

امضاء

سرهنگ ستاد

شفیق حمودی الدراجی

۱. سند ساواک، مورخ ۱۳۴۶/۱۱/۲۲، شماره ۱۹۱۰۳/ [ناخوانا] ۲، طبقه‌بندی به کلی سری.

مدیر اطلاعات نظامی

رونوشت به اداره ششم

خواهشمند است با وابستگان نظامی عرب و غیره تماس گرفته و در اطراف موضوع مورد بحث بالا تحقیق و نتیجه را اعلام دارند.

گزارش دیگر ساواک در سال ۱۳۵۳، درباره اوضاع داخلی عراق و سیاست خارجی حزب بعث، روابط دولت مرکزی بغداد با شوروی و جهان عرب، مسأله روابط فلسطینی‌ها و دولت عراق و...، همگی نشان دهنده حساسیت بسیار بالای ساواک و اسرائیل درباره اوضاع داخلی و حوادث مربوط به کشور عراق است:

عراق

۱- اوضاع داخلی

ظرف یک سال گذشته رژیم بعثی عراق همچنان مواجه با افزایش نارضایتی‌های عمومی- فعالیت گروه‌های مخالف و نابسامانی‌های اقتصادی بود.

تشکیل هشتمین کنگره حزب بعث (از ۱۸ الی ۱۳۵۲/۱۰/۲۲) و به دنبال آن انتخاب اعضاء کمیته کشوری که اکثر آنان از یاران صدام حسین تکریتی (معاون شورای انقلاب عراق) بودند، موقعیت وی را در کادر حاکمه بعث بیش از پیش تقویت نموده و با کنار گذاشتن عناصر مخالف وی نظیر سپهد صالح مهدی عماش از پست معاون ریاست جمهوری به سمت سفیر در شوروی [۱] صدام حسین تکریتی به عنوان عامل تعیین کننده سیاست داخلی و خارجی عراق مشخص شد.

طی این مدت بروز مجدد بحران کُرد و ناکامی رژیم از حل آن در صحنه‌های نظامی و سیاسی نه تنها وجهه بعث حاکم را در اذهان عمومی در پایین ترین سطح خود قرار داد بلکه خود منجر به بروز اختلاف نظرانی گردید که نتیجه آن انجام پاره‌ای تغییرات در مشاغل نظامی و سیاسی از جمله احضار سرلشکر طه شکرچی فرمانده نیروهای عملیات عراق از شمال و نیز احضار استاندار سلیمانیه بوده است.

افزایش فعالیت گروه‌های مخالف از جمله ناسیونالیست‌های عرب- روحانیون و عناصر دست راستی نظیر حزب فاطمی (شیعیان عراق) و جمعیت اخوان المسلمین موجب شد که دولت شدت عمل بیشتری از خود نشان داده و عده‌ای از مخالفین را دستگیر و تحت شکنجه قرار

دهد. در ارتش نیز زمزمه‌های مخالف افزایش یافت و بحث که بیشترین کوشش خود را معطوف جلوگیری از هرگونه نغمه مخالف در صفوف نظامیان می‌نماید دست به بازداشت‌های متعددی زد که یک مورد آن بازداشت متجاوز از ۱۵۰ نفر از افسران ارتش از جمله سرلشگر رشاد حمادی (فرمانده سابق نیروهای عراقی در اردن) در اوائل فروردین ۱۳۵۳ بوده است.

در شهریور ماه ۱۳۵۳ نیز عده دیگری از افسران دستگیر و یا از مشاغل خود برکنار گردیدند که از جمله آنان برکناری سرتیپ داود الجنابی از سمت فرماندهی گارد جمهوری و دانشکده افسری می‌باشد.

علیرغم شدت عمل دولت مخالفین با انجام اقدامات خرابکاری - انتشار اعلامیه‌های مخالفت‌آمیز و نیز اقدامات تروریستی کوشش کردند موجودیت خود را به اثبات برسانند. خرابکاری در بانکرافدین بغداد - کار گذاردن مواد منفجره در دفاتر پلیس - باشگاه افسران بغداد در شهریور ۱۳۵۳ نمونه‌هایی از این اقدامات بوده که در حال حاضر نیز کم و بیش ادامه دارد.

به موازات شدت عمل دولت در قبال مخالفین و ایجاد هر چه بیشتر رژیم پلیسی مقامات بعثی در صدد برآمدند با انجام پاره‌ای اقدامات تحبیبی از افکار عمومی نموده باشند و متعاقب افزایش درآمدهای حاصله از نفت مقامات عراق اقدام به افزایش حقوق و مزایای کارمندان نظامی و غیرنظامی نموده و ضمن تقلیل مالیاتها و عوارض اقداماتی در زمینه آموزش رایگان به عمل آوردند. لکن این اقدامات آثار عمده‌ای در کاهش نارضایتی عمومی و نتیجتاً در تخفیف تشنجات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی عراق نداشته است.

۲- سیاست خارجی

الف- روابط با شوروی

روابط عراق با کشورهای کمونیستی و در رأس آن شوروی طی یک سال گذشته همچنان حسنه و مبتنی بر همکاریهای همه‌جانبه و گسترده در زمینه‌های مختلف نظامی - اقتصادی - فنی و غیره بود.

طی این مدت گرچه اختلاف نظرانی در بعضی از مسائل منجمله مسائل بین‌الاعراب بین طرفین حاصل شد لکن این اختلاف نظرات آثار عمده‌ای در روابط طرفین بر جای نگذاشته است.

شده نشانه ثبات واقعی بعث بوده و شاید دلیل عمده شرکت عراق علیرغم ادامه سیاست افراطی در کنفرانس رباط ایجاد تعدیلی در فشار انزوای سیاسی آن کشور در جهان عرب بوده است.^۱

پس از امضای قرارداد معروف الجزایر در سال ۱۹۷۵ بین محمدرضا پهلوی و صدام، ایگال آلون^۲ وزیر امور خارجه وقت اسرائیل طی ملاقاتی با محمدرضا در این باره به گفت‌وگو می‌پردازد و نظر او را در این باره جویا می‌شود:

آقای ایگال آلون: از اعلیحضرت در مورد عراقیها و اعتماد به آنها صحبت کردم. فرمودند توافق ما مهم است ولی من هرگز به بعث اعتماد ندارم.

عرض کردم عبری‌ها می‌گویند احترام بگذار و بهش سوءظن داشته باش.^۳

پس از امضای قرارداد الجزایر، ایران شاهنشاهی در حوزه همکاری با اسرائیل به منظور تحریک و تسلیح کردهای عراق علیه دولت مرکزی بغداد، دچار محدودیت می‌شود. اما هوفی رئیس وقت موساد طی ملاقاتی با مقدم رئیس وقت ساواک، سعی دارد با تبیین خطر عراق برای ایران و اسرائیل، ضرورت همکاری علیه این کشور را به همتای ایرانی خود تفهیم کند!

ژنرال خونی: دلیلی نمی‌بینم که در این مورد [دشمنان مشترک] موضوعی را مطرح کنم. مایلیم بگویم روابط ما با شما چه در حال حاضر و چه در گذشته خیلی خوب می‌باشد در همسایگی شما کشور عراق قرار دارد ما توجه بیشتری به این کشور می‌کنیم زیرا با سایر کشورهای عربی

۱. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۳/۸/۲۱، طبقه‌بندی سری.

۲. ایگال آلون در سال ۱۹۱۸ در کفرتابور (مهاجرنشینی در الجلیل) در خانواده‌ای کشاورز از مهاجران یهود، متولد شد.

وی از اعضای مؤثر سازمان تروریستی پالماخ بود و در سال ۱۹۴۵ رهبر این سازمان شد. آلون از شاخص‌ترین رهبران نظامی در ارتش اسرائیل شد. او در سال ۱۹۴۸ فرمانده تیپ بود و در سال ۱۹۵۵ نماینده کینست شد. در سال ۱۹۶۰ در دولت بن‌گوریون وزیر کار بود. و بعدها مشاور ارشد نظامی لوی اشکول نخست‌وزیر شد. در سال ۱۹۶۸ معاون نخست‌وزیر و وزیر مهاجرت و جذب نیرو و در سال ۱۹۶۹ وزیر فرهنگ و آموزش بود. پس از جنگ ۱۹۷۳ در دولت اسحاق رابین به سمت وزیر امور خارجه منصوب شد. در سال ۱۹۸۰ در اوج رقابت با شیمون پرز برای به دست‌گیری رهبری حزب کارگر درگذشت.

وی مبتکر طرحی درباره تعیین تکلیف سرزمین‌های اشغالی کرانه غربی رود اردن از سوی حزب کارگر بود که به «طرح آلون» معروف است. (ن.ک: شریده).

۳. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۴/۱۰/۱۱، ملاقات دوجانبه ریاست ساواک (نصیری) با ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل.

فرق فاحشی دارد و برای ما تا دیگران خیلی خطرناک است.

تیمسار ریاست: اطمینان دارم که ما از طرف عراق در تهدید بوده‌ایم، آنچه در حال حاضر در ظاهر نمایان است با اصل فرق دارد. از نقطه نظر سیاسی برای ما فرق نکرده و آنچه در گذشته از طرف کشور عراق تهدید می‌شدیم الان هم این خطر پابرجاست.

ژنرال خوفی: می‌دانید در گذشته مصر از نقطه نظر نظامی دشمن ما بود. در این جنگ‌ها عراق دو یا سه بار علیه ما شرکت کرد. آن موقع سوریه که روابط بدی با عراق داشت بدون شرکت عراق وارد نبرد علیه ما می‌شد حالا که این دو کشور (سوریه-عراق) که با هم متحد شده‌اند برای ما خیلی خطرناک شده است. با وجود آنکه هنوز احتمال هیچ نوع جنگی از طرف این دو کشور علیه ما نمی‌رود ولی این دفعه اگر جنگی آغاز بشود فکر می‌کنم عراق پنج لشکر علیه ما وارد نبرد بکند که از این نظر می‌توان گفت خطر عراق برای ما بزرگ است. در مورد کسب اطلاعات از آن کشور تا قبل از خاتمه جنگ اکراد با ارتش عراق به راحتی می‌توانستیم عمل کنیم و پس از پایان جنگ استفاده از پوشش اکراد برای ما کمتر شده از نقطه نظر اختار قبلی یعنی (پیش‌آگاهی) خیلی ضعیف هستیم.

تیمسار ریاست: بلی همانطور است. عراق از طرف ما نگرانی ندارد مدتها قبل درگیر مرزهای ایران بود الان آن درگیری برطرف شده او می‌تواند به راحتی علیه شما نیرو بفرستد. بخصوص از اینکه روابط خود را با سوریه حسنه کرده البته این به وضوح روشن است که برقراری روابط حسنه اخیر بین این دو کشور برای شما خیلی خطرناک خواهد بود. البته به‌طوری که گفتید در حال حاضر این یک نوع خطر بالقوه‌ای برای اسرائیل محسوب می‌شود. با وجود آنکه اتحاد سوریه و عراق خطری علیه شما است ولی احتمال حمله آن دو خیلی ضعیف است.^۱

مقامات ساواک و بالاتر از همه آنها، شخص محمدرضا پهلوی به عنوان شاه و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری ایران، در مکانیسم اجرایی استراتژی صهیونیستی، به منزله ابزاری بود که اسرائیلی‌ها با ترفندها و توجیهات مختلف از آن بهره‌برداری می‌کردند. درخواست رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل از رئیس ساواک، به منظور واسطه قرار دادن محمدرضا شاه در جلوگیری از فروش اورانیوم از سوی فرانسوی‌ها به عراق،

۱. سند ساواک، متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال خوفی [خوفی] رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل، تهران، ششم آبان ماه ۱۳۵۷.

خواندنی است:

مفتخراً به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌رساند

ژنرال خونی رئیس سرویس اسرائیل طی ملاقات روز پنجشنبه ۱۳۵۵/۴/۲۴ با جان‌نثار اظهار داشت که فرانسه و عراق قراردادی به منظور تحویل راکتورهای اتمی از ناحیه فرانسه به عراق منعقد کرده‌اند. نوع و چگونگی این راکتورها طوری است که اورانیوم غنی شده را فرانسویها باید قبلاً تهیه کرده و در اختیار عراق بگذارند و همانطور که استحضار دارید از این نوع اورانیوم می‌توان به مادگی برای تولید سلاحهای هسته‌ای استفاده کرد.

رئیس سرویس اسرائیل استدعا کرد که مآواک ضمن تماس با سرویس فرانسه مخاطرات مربوط به این کار را به فرانسویها خاطر نشان سازد.

مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌گذرد تا به هر نحو که اراده سنیه ملوکانه قرار گیرد عمل شود. جان‌نثار- ارتشبد نصیری^۱

۱. سند ساواک، نامه رئیس ساواک به محمدرضا پهلوی، تیر ماه ۱۳۵۵.

مصر

مصر به عنوان یک کشور بزرگ اسلامی و عربی در جهان اسلام و عرب، همواره از سوی صهیونیست‌ها به عنوان هدف اصلی نشانه‌گیری شده است. صهیونیست‌ها حتی قبل از تشکیل اسرائیل، به شدت این سرزمین را مورد توجه قرار می‌دادند. آنها در خلال جنگ جهانی اول، در حدود سال ۱۹۱۵، نماینده‌ای را با مسئولیت متقاعد ساختن سلطان حسین کامل، حاکم وقت مصر و نخست‌وزیر او حسین رشدی پاشا جهت پذیرش مهاجران یهودی و اسکان آنها در مصر به آن کشور اعزام کردند. تا جایی که سلطان حسین کامل و نخست‌وزیر او موافقت خود را با این مسأله اعلام کردند و سپس دستورهایی جهت ایجاد چند اردوگاه برای یهودیان مهاجر در منطقه «القباری» اسکندریه صادر شد.^۱

یهودی‌های مصر با توصیه و تحریک ولادیمیر ژابوتینسکی یکی از رهبران افراطی صهیونیسم و تحت فرمان موسی قطاوی رئیس طایفه یهودی‌های آن کشور، پس از هماهنگی با فرمانده کل نیروهای نظامی انگلیس، چندین گردان نظامی تشکیل دادند و به لشکر ژنرال آلن‌بی یهودی که آماده پیشروی به سرزمین فلسطین و شام و جنگ علیه قوای امپراتوری عثمانی بود، پیوستند.^۲

به لحاظ جغرافیایی؛ مصر با سه کشور لیبی در غرب، سودان در جنوب و فلسطین اشغالی در شمال شرقی، مرز مشترک دارد و از طرف شمال به دریای مدیترانه و شرق به دریای سرخ

۱. محمدحسین هیکل، گفت‌وگوهای سزی میان اعراب و اسرائیل، ترجمه عبدالصاحب سعیدی، انتشارات همشهری، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۴۳.

۲. همان منبع، ص ۱۴۴.

(احمر) منتهی می‌شود. در شمال مصر، دریای مدیترانه قرار دارد، که طول مرز ساحلی این کشور با دریای مزبور در حدود ۹۵۵ کیلومتر است. در طرف شرق این کشور، دریای احمر قرار دارد. مصر ۱۹۴۱ کیلومتر مرز ساحلی با این دریا دارد. در شمال شرقی، این کشور در حدود ۲۶۵ کیلومتر با فلسطین اشغالی مرز مشترک دارد. در غرب، طول مرزهای مشترک مصر با لیبی، در حدود ۱۱۱۵ کیلومتر است و در جنوب، این کشور با سودان ۱۲۵۰ کیلومتر مرز مشترک دارد.

شمال (دریای مدیترانه)	۹۵۵ کیلومتر
جنوب (سودان)	۱۲۵۰ کیلومتر
شرق (دریای سرخ)	۱۹۴۱ کیلومتر
غرب (لیبی)	۱۱۱۵ کیلومتر
شمال شرق (فلسطین اشغالی)	۲۶۵ کیلومتر ^۱

پس از جنگ جهانی اول، انگلستان مصر را تحت‌الحمایه خود قرار داد و حسین کامل را به عنوان خدیو مصر برگزید. در سال ۱۹۲۳ این کشور براساس یک قانون اساسی به صورت مشروطه پارلمانی به پادشاهی فؤاد اول درآمد. تحت‌الحمایگی مصر تا زمان انعقاد پیمانی در سال ۱۹۳۶ ادامه یافت که براساس آن مصر و انگلستان دو کشور متحد شناخته شدند و قرار شد نیروهای انگلیسی از مصر خارج شوند. پس از فؤاد پسرش فاروق جانشین او شد. در جنگ جهانی دوم، انگلستان مطابق پیمانی که در سال ۱۹۳۶ منعقد شده بود، دفاع از مصر را به عهده گرفت. پس از جنگ مصریان خواستار تجدید نظر در پیمان ۱۹۳۶ شدند. مصر که سخت مخالف طرح تقسیم فلسطین در سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ بود، سرانجام به اتحادیه عرب پیوست و در سال ۱۹۴۸ پس از اعلان تأسیس اسرائیل، این کشور همراه با برخی دیگر از کشورهای عربی وارد جنگ با رژیم صهیونیستی شد.

در سال ۱۹۵۲، نظامیان مصری به سرپرستی ژنرال محمد نجیب با یک کودتا قدرت را در دست گرفتند. فاروق به نفع پسر خردسالش احمد فؤاد دوم از سلطنت کناره گرفت. در سال ۱۹۵۳ نظام سلطنتی مصر منقرض شد و حکومت جمهوری در این کشور برقرار

۱. مختار حسینی، برآورد استراتژیک مصر، جلد اول، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۳۳۱.

گردید. نجیب به ریاست جمهوری رسید. در فوریه ۱۹۵۴ نجیب از ریاست جمهوری استعفا کرد و تمام قدرت در نوامبر ۱۹۵۴ به دست جمال عبدالناصر افتاد. مردی که طرح و اندیشه برکناری ملک فاروق را از او می‌دانند. با قانون اساسی جدید، ناصر برای مدت شش سال به ریاست جمهوری آن کشور انتخاب شد. جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۶ کانال سوئز را ملی اعلام کرد. اسرائیل به بهانه از دست دادن منافع خود، با همکاری دو کشور فرانسه و انگلستان به طور مشترک در اکتبر سال ۱۹۵۶ به مصر یورش نظامی بردند و از هوا و دریا و زمین این کشور را هدف بمباران‌های خود قرار دادند.

گفتنی است که طبق اسناد موجود، رژیم صهیونیستی از چند سال قبل از این، مترصد بهانه‌ای برای حمله نظامی به کشور مصر بود.

در ژوئن سال ۱۹۶۷ رژیم صهیونیستی از طریق هوا و زمین کشور مصر را هدف تهاجم نظامی قرار داد. در این جنگ اسرائیلی‌ها با برخورداری از کمک کشورهای غربی، به ویژه آمریکا توانستند نوار غزه، صحرای سینا، کرانه غربی رود اردن و بلندی‌های جولان متعلق به سوریه را اشغال کنند. در سپتامبر سال ۱۷۰ ناصر دار فانی را وداع گفت و انور سادات جای وی را گرفت و با اخراج کارشناسان شوروی از مصر، روابط این کشور با شوروی به سردی گرایید.

در ماه رمضان سال ۱۹۷۳ مصادف با عید کیپور یهودی‌ها در ماه اکتبر، مصری‌ها برای جبران خسارات گذشته با همکاری سوریه به مقصود بازپس‌گیری اراضی خود، از راه کانال سوئز و بلندی‌های جولان به سمت اسرائیل پیشروی کردند که در ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ آتش‌بس برقرار شد.

در سال ۱۹۷۷ همه کوشش سادات بر این بود که صحرای سینا را از اسرائیل بازپس گیرد. مناخیم بگین نخست وزیر وقت اسرائیل از انور سادات دعوت کرد که برای مذاکره درباره صلح به فلسطین اشغالی برود. این دعوت از سوی سادات پذیرفته شد. سادات در نوامبر ۱۹۷۷ به فلسطین اشغالی رفت و در کِنِست (پارلمان اسرائیل) سخنرانی کرد. علی‌رغم استقبال کشورهای غربی و بعضی ممالک عربی از این اقدام سادات، اکثر کشورهای عربی و اسلامی این اقدام سادات را مورد سرزنش قرار دادند و بعضی نیز روابط دیپلماتیک و سیاسی خود را با مصر قطع کردند. سرانجام پس از چند دور مذاکرات غیررسمی بین سادات و سران

رژیم صهیونیستی، طرفین در سپتامبر ۱۹۷۸، در اقامتگاه تابستانی کمپ دیوید، به دعوت کارتر رئیس جمهور وقت ایالات متحده، متعهد شدند معاهده صلحی را امضاء کنند، که به موجب آن شبه جزیره سینا طی دو تا سه سال به مصر بازگردانده شود و نیز اسرائیل به طور مشروط یک خودمختاری کامل اداری طی ۵ سال به ساکنان فلسطینی کرانه غربی رود اردن و نوار غزه بدهد و بالاخره در مارس ۱۹۷۹ در واشنگتن پیمان اصلی صلح امضا شود. براساس این پیمان، موضوع عادی شدن روابط بین مصر و اسرائیل، زمانبندی عقب نشینی رژیم صهیونیستی از سینا و برقراری روابط سیاسی میان دو طرف به امضای طرفین رسید.^۱

یهودی‌ها در مصر

آن گونه که اسناد تاریخی حکایت می کنند، موقعیت ویژه مصر در جهان اسلام و عرب موجب شده بود تا یهودی‌ها در صدد بسط و تشدید نفوذ و حضور خود در آن سرزمین برآیند. به طوری که در خلال دو جنگ اول و دوم جهانی آنها به بخش عمده‌ای از اهداف خود نایل آمدند و قدرت قابل توجهی در آن کشور به دست آوردند.

در زمان سلطنت ملک فؤاد، خاخام ناحوم افندی رئیس مجلس طایفه یهودی‌ها در مصر به شدت مورد لطف و توجه شاه قرار داشت. این خاخام یهودی بعدها نماینده مجلس سنای مصر شد. در این دوران یوسف قطاوی پاشا^۲ که در اصل یهودی بود در بیشتر کابینه‌های مصر، سمت وزیر دارایی را بر عهده داشت.

به تدریج یهودی‌های دیگری، به مجلس سنا و شورای مصر راه یافتند. که از آن جمله می توان به رنیه قطاوی بیک^۳ و دی بچوتوبیگ اشاره کرد. در این زمان همسر یهودی وزیر دارایی مصر (یوسف قطاوی پاشا) سرپرست خدمتکاران ملکه نازلی^۴ بود. یکی از یهودی‌های جنوب آفریقا به نام اوزوالد وینی شرکت تبلیغاتی شرقی را تأسیس کرد و ی مجموعه‌ای از روزنامه‌های انگلیسی و فرانسوی زبان را منتشر می کرد. اما این نشریات با محتوا و جهت گیری‌های یهودی عجین بودند. از جمله این نشریات، حبشیان میل، حبشیان گازیت و بورس حبشیان بود. شرکت تبلیغاتی شرقی، به طور کامل بر بازار مطبوعات نوپای مصر سایه افکند. علاوه بر موارد مذکور، یهودی‌ها در کاخ سلطنتی مصر نیز نفوذ بسیار پیدا کردند. تا

۱. ن.ک: غلامحسین مصاحب، جلد دوم، بخش دوم، ص ۲۷۹۰-۲۷۹۱.

جایی که افشای دوستی یک زن یهودی به نام «سوارس» با ملک فؤاد، موجب افشاگری علیه دربار و شاه شد.^۱

یهودی‌ها با کسب موقعیت ممتاز در مصر، سبب شدند تا برخی یهودی‌های فرانسوی، ایتالیایی و یا اسپانیایی وارد بازار معاملات و سرمایه‌گذاری مصر شوند. آنها حتی در مراکز دولتی نیز نفوذ پیدا کردند.

به این ترتیب نسبت یهودی‌هایی که در شرکت‌های صنعتی و مالی مصر، مشاغل اداری پیدا کردند به ۳۹ درصد رسید. این رقم با توجه به جمعیت یهودی در مصر آن زمان، به نسبت کل جمعیت مصر رقمی بیش از صد برابر را نشان می‌دهد.

خانواده‌های یهودی چون اشکوریل و موصیری بانفوذ مالی خود در تأسیس بانک مرکزی مشارکت کردند. تعدادی از شرکت‌های زراعی از جمله وادی کوم امبو، شرکت اراضی دریاچه و شرکت شیخ فضل‌الله نیز با سرمایه یهودی‌ها اداره می‌شدند.

یهودی‌های مصر بانفوذ بسیار و تأثیر عمیق اقتصادی، توانستند شماری از سیاستمداران مصری را که بیشتر آنها با محافل اقتصادی در ارتباط بودند، دور خود جمع کنند، که از میان آنها می‌توان به اسماعیل صدقی پاشا وزیر اقتصاد و دارایی اشاره کرد که حتی چند بار نخست‌وزیر کشور مصر شده بود. آنها حتی در عرصه موسیقی و هنر در مصر نیز راه یافتند.^۲ در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، فعالیت صهیونیست‌ها در مصر به اوج خود رسید. خانواده‌های بزرگ یهود، دست به ایجاد اردوگاه‌هایی برای یهودی‌های کوچ کرده از مناطق جنگ‌زده اروپا، زدند. همان‌گونه که در جنگ جهانی اول نیز اتفاق افتاده بود؛ این اردوگاه‌ها تنها به اسکان موقت یهودی‌ها محدود نشد، بلکه به تدریج به محل و مراکز آموزش زبان عبری و تاریخ یهود و حتی آموزش‌های نظامی تبدیل گردید.

سازماندهی یهودی‌ها در گردان‌های نظامی با پیوستن گروه‌های یهودی اروپایی به آنها، بار دیگر از سر گرفته شد. گردان‌های سپاه یهود از سوی یهودی‌های مصری تشکیل شد و منطقه «برج اعراب» در صحرای غربی (لیبی) به عنوان پایگاه آنها مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفت.^۳

۱. حسنین هیکل، صص ۱۴۳-۱۴۴.

۲. همان منبع، ص ۱۴۷.

۳. همان منبع، ص ۱۴۸.

در سال ۱۹۴۳، در خلال جنگ جهانی دوم، سازمان صهیونیست‌ها تحت نام جدید اتحادیه کل صهیونیست‌ها فعالیت خود را در مصر از سر گرفت. سرکردگان گروه‌ها و دسته‌های تروریستی صهیونیستی، هاگانا و ایرگون، از جمله دیوید بن‌گوریون و اسحاق بن زوی که بعدها رؤسای دولت اسرائیل شدند، در جلسات این اتحادیه حضور می‌یافتند و سخنرانی می‌کردند. آباایان یکی از برجسته‌ترین سخنگویان ارتش بریتانیا در قاهره، که بعدها وزیر امور خارجه اسرائیل شد، در صحنه فعالیت‌های صهیونیست‌های مصر ظاهر می‌شد.

نفوذ و حضور یهودی‌ها در مصر، در زمان ملک فاروق همچنان افزایش می‌یافت. او نیز چون پدرش فؤاد، معشوقه‌ای یهودی به نام ایرن کونللی داشت. جنبش کمونیستی مصر کاملاً تحت تأثیر و در اختیار یهودی‌های^۱ مصر بود.^۲

به این ترتیب یهودیان با تمایلات صهیونیستی و غیر صهیونیستی، جهت تأثیر گذاشتن بر جامعه مصر و نفوذ در آن، موقعیت‌های مهمی را به دست آوردند. آنها در حیات فرهنگی و مطبوعاتی مصر سهم بسزایی پیدا کرده بودند. برای مثال، خانواده موصیری نشریه‌ای به نام «مجله اسرائیل» را به سه زبان عربی، فرانسوی و عبری همزمان منتشر می‌کردند. شماری از روزنامه‌نگاران یهودی، عضو اتحادیه روزنامه‌نگاران مصر بودند.

بالاترین و مهمترین شخصیت یهودی روزنامه الاهرام (بعد از مدیر مسئول)، حیم ارگمان مدیر قسمت آگهی بود. ایلی بولینی یهودی نیز چهره برجسته روزنامه «المصری» بود. در زمان تأسیس روزنامه «اخبار الیوم» در سال ۱۹۴۳، خبرنگار این روزنامه در لندن جان کیمچی (کیمخی) عموزاده دیوید کیمچی، (کسی که بعدها به سمت معاون موساد و قائم مقام وزارت امور خارجه اسرائیل منصوب شد)^۳ بود.

به هر روی پس از سقوط نظام سلطنتی مصر و روی کار آمدن دولت جمهوری، از سال ۱۹۵۳ به بعد، موقعیت یهودی در این کشور دگرگون شد.

در ژوئن ۱۹۵۴، شماری از جاسوسان موساد و سرویس اطلاعات ارتش اسرائیل، به

۱. درباره نقش یهودی‌ها در پیدایش احزاب و جنبش‌های کمونیستی و نیز انقلاب اکتبر شوروی در سال ۱۹۱۷، مراجعه شود به: محمدتقی تقی‌پور، توطئه جهانی، جلد اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۷، فصل پنجم، صص ۱۹۷ تا ۲۲۳.

۲. حسنین هیکل، ص ۱۴۹.

۳. همان منبع، ص ۱۵۰.

خرابکاری در بعضی تأسیسات و مراکز مهم مصری دست زدند. زکریا محی‌الدین وزیر کشور مصر در ۱۵ اکتبر ۱۹۵۴ دستگیری جاسوسان را اعلام کرد. محاکمه جاسوسان (که ۱۳ نفر بودند) در ۱۱ دسامبر در دادگاه نظامی قاهره آغاز شد. یکی از جاسوسان در زندان خودکشی کرد. محاکمه در ژانویه ۱۹۵۵ پایان یافت و در ۲۷ ژانویه حکم اعدام دو تن از جاسوسان صادر شد. دو رهبر فراری گروه یعنی ابراهیم دار که نام دیگرش جان دارلینگ بود و ابراهیم سیدنورگ^۱ که آوری ال آد^۲ و پل فرانک^۳ هم نامیده می‌شد، غیباً محکوم به اعدام شدند. شش تن از جاسوسان به زندان محکوم و دو نفر دیگر تبرئه شدند. در ۳۱ ژانویه دکتر مارزوک^۴ و آزار^۵ در زندانی در قاره به دار آویخته شدند.^۶

گفتنی است که این حادثه بحرانی در داخل دولت اسرائیل بوجود آورد و موجب درگیری میان موشه شاروت نخست‌وزیر، سرهنگ بنیامین گیبلی رئیس اداره اطلاعات ارتش و لاون وزیر دفاع شد.^۷ این ماجرای جاسوسی سرانجام موجب ایجاد تغییراتی در سطوح بالای دولتی اسرائیل شد. لاون وزیر دفاع از کار برکنار شد و بن‌گوریون مجدداً به وزارت دفاع بازگشت. هم‌چنین، در پایان همان سال موشه شاروت نخست‌وزیر اسرائیل نیز که از سال ۱۹۵۳، به این مقام دست یافته بود، برکنار شد و دیوید بن‌گوریون مقام نخست‌وزیری را هم مجدداً تصاحب کرد. سران و رهبران صهیونیسم به تلافی اجرای لاون و به علاوه اغراض دیگری که مربوط به اهداف توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی بود، در این دوران طرح حمله به مصر را تدارک دیدند تا اینکه در سال ۱۹۵۶، ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر را بهانه خوبی یافتند و با تباری مشترک فرانسه و انگلستان، تهاجم نظامی سه‌جانبه به آن کشور را آغاز کردند.

پس از قرارداد کمپ‌دیوید بین مصر و اسرائیل، روابط حسنه بین طرفین برقرار شد. به

1. Seidenwerg

2. Avri El- Ad

3. Paul Frank

4. Marzouk

5. Azar

۶. استیون گرین، جانبداری، ترجمه سهیل روحانی، چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱۲۲.

۷. این ماجرای جاسوسی در تاریخ فعالیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی و در عرصه رسانه‌های جهانی به نام اجرای «لاون» (برگرفته از نام وزیر دفاع وقت اسرائیل) معروف شد. در زمان اجرای لاون، شیمون پرز مدیر کل وزارت دفاع و موشه دایان رئیس ستاد ارتش بودند.

رغم برخی اختلافات سیاسی و مرزی، از زمان انعقاد قرارداد صلح بین انور سادات رئیس جمهور مصر و مناحیم بگین نخست وزیر وقت اسرائیل، در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹، دولت مصر و اسرائیل رابطه اقتصادی برقرار کردند که مهمترین آنها در زمینه نفت و گاز بود. بر اساس پیمان مذکور، مصر سالیانه ۲۰۰ میلیون دلار نفت خام تحویل اسرائیل می دهد. همچنین دو طرف در احداث پالایشگاهی در اسکندریه مشارکت دارند، که هزینه احداث آن ۱/۲ میلیارد دلار و ظرفیت آن ۱۰۰ هزار بشکه در روز است.

همکاری دیگر در خصوص احداث یک خط لوله گاز است. مصر در سال ۱۹۹۶ برای مقابله با طرح خط لوله گاز قطر به اسرائیل، احداث این خط لوله را پیشنهاد داد. علاوه بر این موارد، دو طرف پیشنهادهایی برای همکاری در زمینه های کشاورزی، ارتباط شبکه های برق، اجرای پروژه های مشترک صیادی، حفاظت محیط زیست و گردشگری ارایه داده اند.^۱

جایگاه مصر در استراتژی پیرامونی

برقراری روابط سیاسی بین مصر و رژیم اسرائیل، بستر مناسبی برای فعالیت جاسوسان موساد، در پوشش نمایندگی‌های سیاسی در این کشور اسلامی بود. در ماه ژوئن سال ۱۹۸۴، اوت سال ۱۹۸۵ و مارس سال ۱۹۸۶، تعدادی از دیپلمات‌ها، کادرهای سیاسی و افسران اطلاعاتی اسرائیلی در قاهره مورد حمله قرار گرفتند و عده‌ای از آنها به هلاکت رسیدند. از زمان امضای موافقت‌نامه کمپ‌دیوید تاکنون پانزده شبکه جاسوسی اسرائیل در مصر کشف شده است.^۱

در دکترین حاشیه‌ای اسرائیل کشور مصر با توجه به ویژگی‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و جمعیتی، جایگاه ویژه و بلکه منحصر به فردی داشته است. آن دسته از اسناد ساواک، مربوط به روابط اطلاعاتی اسرائیل با ایران و نیز ترکیه، به خوبی نشانگر اهداف و مطامع اسرائیلی‌ها در مصر و به علاوه جایگاه و اهمیت این کشور در استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی است.

ایسر هارل رئیس موساد، طی گفت‌وگویی با مقامات ساواک، در سال ۱۳۳۹، مواضع رژیم صهیونیستی را در قبال ارتباط ناصر با شوروی و کمک‌های احتمالی غرب به رئیس‌جمهور مصر، و نیز نگرانی دولت‌های وابسته و مزدور آفریقایی و عربی نسبت به جمال عبدالناصر، چنین اعلام می‌کند:

سؤال: از قرار معلوم ناصر مایل به ایجاد یک جبهه ضدکمونیستی است. در این مورد ما چه

روشی باید اتخاذ کنیم؟

ایسرهاړل: قبل از هر چیز باید دید کمونیسم چیست.

ناصر در حالی که مدعی مبارزه با کمونیسم است روابط خود را با شوروی همچنان حفظ نموده است. علت تبلیغات ناصر علیه کمونیستها این است که تاکنون وی تنها عامل سیاست شوروی در خاورمیانه بود. ولی اکنون رقیبی برای او در عراق پیدا شده است.

اگر غرب بخواهد به ناصر کمک کند و او را در ادامه سیاست توسعه‌طلبی خویش آزاد بگذارد به این نتیجه خواهیم رسید که در قسمت شمالی خاورمیانه کشور عراق عامل اجرای منویات شوروی بوده و در قسمت جنوبی خاورمیانه و افریقای شمالی و مرکزی ناصر آزادانه به سرکوبی تمام دوستان غرب خواهد پرداخت و کشورهای طرفدار غرب مانند لبنان، اردن و یا کشورهای بی‌طرف مانند عربستان سعودی یکی پس از دیگری از بین خواهند رفت.

یکی دیگر از نتایج کمک به ناصر تسریع در پیشرفت کمونیسم خواهد بود.

اگر چه ما از محتویات نامه اخیر خروشچف به ناصر اطلاعی نداریم ولی بعید نیست که خروشچف به او تقسیم مناطق نفوذ را پیشنهاد کرده باشد. به هر حال اگر اکنون غرب ناصر را در سیاست توسعه‌طلبی خود آزاد گذارد ولی پس از مدتی بخواهد مانع اقدام تجاوزآمیز ناصر در یک نقطه گردد وی فوراً و مجدداً به شوروی متوسل خواهد شد.

هم‌اکنون کشورهای افریقایی از سیاست ناصر بیمناک هستند. مثلاً اکثریت مردم سومالی ایتالیا که قرار است به زودی مستقل شوند مخالف ناصر هستند ولی اگر وی آزاد باشد ممکن است این کشور را به سوی خود جذب کند. همچنین نکرومه نخست‌وزیر غنا از روش عبدالناصر بی‌اندازه ناراحت بوده و به هیچ وجه به مبارزه ضد کمونیستی او معتقد نیست بورقیه رئیس جمهور تونس نیز که یک میهن‌پرست حقیقی و از دوستان صمیمی غرب است کوچکترین اعتمادی به ناصر ندارد.

خلاصه اینکه کمک غرب به ناصر منجر به فاجعه بزرگی خواهد شد.^۱

ایسرهاړل با اشاره به مواضع هماهنگ و مشترک آمریکا و انگلستان علیه جمال عبدالناصر، لزوم همراهی کشورهای دست‌نشانده با مواضع آمریکا، اسرائیل و انگلیس علیه مصر را گوشزد و خواستار اتحاد بعضی کشورهای اسلامی علیه جمال عبدالناصر رئیس جمهور

۱. سند ساواک، نظریات آقای ایسرهاړل درباره وضع سیاسی خاورمیانه، ۱۳۳۹/۲/۹، طبقه‌بندی به کلی سزی.

مصر و همراهی با سیاست اسرائیل است:

سئوال: سیاست آمریکا و انگلستان درباره عبدالناصر چیست و تا چه اندازه می‌توان آن را تحت تأثیر قرار داد؟

ایسرهارل: درباره انگلستان می‌توانم با اطمینان بگویم که دستگاه دولتی هیچگاه اشتباهی درباره عبدالناصر نمی‌نماید و از این لحاظ نباید ناراحت بود. و اما در آمریکا وضع کمی متفاوت است. دالس وزیر امور خارجه سابق مثل ما فکر می‌کرد و تصور می‌کنم جانشین او هرتر نیز با عقیده ما موافق باشد. ولی ممکن است بعضی عناصر در اداره خاورمیانه وزارت خارجه آمریکا غیر از این فکر نموده و با تفویض آزادی عمل به عبدالناصر موافق باشند. در ضمن ممکن است افکار عمومی نیز از چنین عقیده‌ای پشتیبانی نماید. زیرا آمریکاییها خیلی احساساتی بوده و به قدری مسئله مبارزه با کمونیسم آنها را خیره کرده است که هر کس سخنان ضدکمونیستی بر زبان براند مورد قبول آنها قرار می‌گیرد.

ولی اگر به مصاحبه اخیر مطبوعاتی آیزنهاور مراجعه شود می‌بینیم او نیز مثل ما فکر می‌کند و گفته است آمریکا حاضر است به عبدالکریم قاسم کمک نماید و با هر نوع دخالت بیگانه (منظور عبدالناصر است) در امور داخلی عراق مخالف است.

از آنجایی که منظور عبدالناصر توسعه‌طلبی و دست‌اندازی به کشورهای دوستدار غرب مانند لبنان- اردن- سودان و اسرائیل است بدیهی است آمریکاییها هیچ وقت با چنین سیاستی همراهی نخواهند کرد.

چنانچه کشورهای آزاد منطقه و بخصوص ایران- ترکیه- اردن و اسرائیل روش ثابت و مشخص اتخاذ نمایند نظر آنها برای آمریکاییها اهمیت زیادی دارد. ترکها در مخالفت خود با عبدالناصر هرگز تردیدی نداشته‌اند. ولی بعضی اوقات از ایران زمزمه‌های مختلفی به گوش آمریکاییها رسیده و آنها را مشکوک می‌نماید در حالی که اگر این چند کشور سیاست متحد و متفق داشته باشند به‌طور قطع حداکثر تأثیر را روی سیاست آمریکا خواهند داشت.^۱

مذاکرات ناهوم/ادمونی معاون وقت سرویس اطلاعاتی اسرائیل با نصیری رئیس ساواک، در سال ۱۳۵۰، نشان از اهمیت مصر برای رژیم صهیونیستی دارد. در این گفت‌وگو، ادمونی به‌طور تلویحی به برقراری روابط بین آمریکا و سادات رئیس جمهور وقت مصر اشاره کرده

۱. سند ساواک، نظریات آقای ایسرهارل درباره وضع سیاسی خاورمیانه، ۱۳۳۹/۲/۹، طبقه‌بندی به کلی سزی.

شوروی تعدادی از تجهیزات الکترونیکی خود را به اضافه پاره‌ای سلاح‌های دیگر از مصر خارج کرده و گویا اینها را به هند فرستاده است.

ریاست ساواک: از عراق هم برای هند اسلحه برده‌اند.^۱

پس از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل در اکتبر سال ۱۹۷۳، معروف به جنگ رمضان (یا یوم کیپور)، ژنرال زوی زامیر (ضمیر) رئیس موساد با رئیس ساواک دیدار می‌کند و اطلاعاتی در این باره ارایه می‌دهد. زوی زامیر با اشاره به خسارات وارده به طرفین درگیر، به خصوص مصر و سوریه، به غنایم روسی به دست آمده از طرف‌های سوریه و مصر گزارش می‌دهد. اما هیچ اشاره‌ای به نقش آمریکا در این جنگ نمی‌کند. آمریکا علی‌رغم پشتیبانی اطلاعاتی، نظامی و مالی^۲ رژیم صهیونیستی در این جنگ به شورای امنیت متوسل شد. شکست پی در پی چهار روزه اسرائیل (در آغاز جنگ)، نیکسون را متقاعد کرد که واشنگتن باید (به‌طور علنی و رسمی) پا در میانی کند و به نحوی موجبات رهایی اسرائیل را فراهم آورد و لذا به کیسینجر (یهودی، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده) دستور داد تا اقدامات منطقی و معقول موجود را به کار گیرد. نیکسون همه موانعی را که در آمریکا بر سر راه کمک به اسرائیل بود برداشته و پافشاری می‌کرد هر چیزی را که ضروریست به اسرائیل ارسال شود. او ده جت فانتوم اضافی نیز به اسرائیل ارسال کرد. میزان کمک‌رسانی هوایی آمریکا به اسرائیل در این جنگ به مراتب وسیعتر از میزان کمک‌رسانی آنان در جنگ سال ۱۹۴۸-۴۹... بود. در دهم اکتبر، گلداماير [نخست‌وزیر وقت اسرائیل] از نیکسون به خاطر کمک‌های آمریکا تشکر کرد.^۳ به هر روی کمک‌های همه‌جانبه آمریکا و پشتیبانی بی‌چون و چرای ایالات متحده از اسرائیل، به حدی بود که رژیم صهیونیستی را که در روزهای آغاز جنگ در آستانه سقوط قرار گرفته بود، از فروپاشی و شکست حتمی نجات داد. اما صهیونیست‌ها همواره سعی در پنهان نگه داشتن اسرار کمک‌ها و نقش آمریکا در این جنگ داشته‌اند. به‌طوری که رئیس موساد در مذاکرات خود با همتای ایرانی‌اش هیچ‌ذکری از این قضایا به میان نمی‌آورد:

۱. سند ساواک، مذاکرات ریاست ساواک (نصیری) با آقای ادمونی معاون سرویس اسرائیل، سه‌شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۰.

۲. در هفدهم اکتبر، نیکسون رئیس جمهوری وقت آمریکا از کنگره درخواست کرد کمک ۲/۲ میلیارد دلاری به اسرائیل بدهد.

۳. ریچی اُوندیل، ریشه‌های جنگ‌های اعراب و اسرائیل، ترجمه ارسطو آذری، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۳۲۴.

ارتباط لشکر سوم را قطع نمودیم. در این موقعیت هر دو طرف درک کردند که در جنگ آینده پیروزی غیرممکن است.

در مورد کارایی جنگی مصر باید به طور کلی عرض کنم وقتی با نقشه قبلی شروع کنند خوب می‌جنگند. ما بسیار متعجب شدیم وقتی دیدیم که آنها تا چه حد با سلاحهای پیچیده و گران مجهز می‌باشند. و تا چه مقدار زیادی مورد استفاده قرار می‌دهند برای هر هدفی هزاران عدد موشک رها می‌کردند.

مصریها معتقدند به هیچ وجه نباید عقب‌نشینی کنند حق هم دارند در عقب‌نشینی نیروی خود را از دست می‌دهند. و در وجه افراد هم تأثیر می‌گذارد. نکته دیگر اینکه مصریها اگر در حال حرکت باشند و به آنها حمله شود توازن خود را از دست می‌دهند. در غرب کانال هم ما از همین موضوع استفاده کردیم.

در این جنگ مصر ۲۵۰۰ تانک داشت. یک تیپ الجزایر آنجا بود که هنوز هم ۳۰۰ نفر خلبان کره شمالی، سربازان و ۴۰ [جنگنده] می‌راژ لیس- سربازان مراکش- سودان- هواپیماهای هانتز عراقی، اینها نیروهایی بودند که به‌طور قاطع بر علیه ما در جنگ شرکت نمودند. ما فقط ۱۰۰ کیلومتر با قاهره فاصله داریم. هر روز که بگذرد به نفع مصر است، چون خطوط خود را تقویت می‌کند. البته این نظر تا قبل از کنفرانس ژنو است بعد از آن ما حتماً عقب‌نشینی خواهیم کرد.

تیمسار قائم‌مقام: مانور تانکها در منطقه نمکرارها چگونه بود.

ژنرال ضمیر: در این منطقه جنگی نشد و یکی از واحدهای ما آنجا مستقر است. در منطقه جولان نسبت نیروهایمان دوازده به یک بود. در روز اول کار سوریها خوب بود. در ۱۸ اکتبر ما موفق شدیم سوریها را متوقف کنیم در این منطقه ۳۰۰ تانک ما علیه ۱۰۰۰ تانک سوری مبارزه می‌کرد. در شمال نیروی هوایی رل بزرگی در جلوگیری از پیشروی سوریه انجام داد. اردنی‌ها با اکراه وارد جنگ شدند عراقی‌ها با مسرت خاطر وارد جنگ شدند و از نظر جنگی در سطح بدی بودند. در ۱۲ اکتبر وقتی از خواب بیدار شدند ۵۰ تا ۶۰ تانک آنها در محاصره بود. عراقیها ۱۳۰ تانک از دست دادند و ۳۷۰ تانکشان مراجعت کرده، در شمال ما به جایی رسیدیم که چند بار دمشق را هدف توپخانه قرار دادیم.

تیمسار قائم‌مقام: به نظر شما چرا سوریها در کنفرانس شرکت نمی‌کنند؟

واسطه‌گری محمدرضا پهلوی در سازش مصر و اسرائیل

پس از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل، معروف به جنگ رمضان (و به گفته اسرائیلی‌ها، یوم کیپور) رژیم صهیونیستی به شدت نسبت به برقراری ارتباط با انور سادات رئیس جمهور مصر، احساس نیاز می‌کرد. صهیونیست‌ها در این مقطع تاریخی، محور موساد-تهران را به شدت فعال کردند. زوی زامیر رئیس موساد، از سوی نخست‌وزیر اسرائیل، مأموریت یافت تا با ترغیب ساواک، ایران شاهنشاهی و در رأس آن محمدرضا پهلوی را وادار کند، به عنوان واسطه و میانجی به برقراری تفاهم بین اسرائیل و مصر تلاش و اقدام کند. زوی زامیر در ملاقات با رئیس ساواک (نصیری)، پس از اشاره به توافقات سیاسی ایران و رژیم صهیونیستی و ابراز نگرانی از مواضع و موقعیت شوروی در جهان عرب تقاضا می‌کند تا ایران برای ملاقات بین اسرائیلی‌ها و مصری‌ها وساطت کرده و شخص محمدرضا شاه به عنوان دوست نزدیک و واقعی اسرائیل، پیام آن رژیم را به انور سادات رئیس جمهور مصر ابلاغ کند.

ملاقات دو جانبه تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر

ژنرال ضمیر: باعث افتخار من است که آقای نخست‌وزیر مرا برای این مأموریت انتخاب کرده‌اند شاید علت آن همکاری‌های موفقیت‌آمیز گذشته ما بوده است که همه در نهایت حفاظت انجام گردیده است.

توضیح مختصری راجع به اوضاع سیاسی عرض خواهم نمود و بعد به مسائل اقتصادی خواهیم پرداخت. چون در گذشته در موارد سیاسی همیشه به توافق رسیده‌ایم لذا به گذشته رجوع نخواهم نمود.

چند کلمه راجع به قدرتهای بزرگ- به خوبی می‌دانیم که شوروی همیشه از جنبشهای مختلف به نفع خود استفاده می‌کند- اختلافات و بحرانها را در بین ملتها و داخل ملت‌ها توسعه می‌دهد تا در آینده خود توسعه پیدا کند. در مورد صلح موقتی که امریکا از آن حمایت می‌کند- شوروی طرفدار آن نیست. ما متأسفیم که گرچه جهان آزاد در مقابل شوروی ایستادگی می‌کند ولی نفوذی در سیاست آن ندارد- حتی نمونه‌هایی در دست است که جهان غرب به کمونیسم و نفوذ آن کمک کرده است (سیاست گندم). ما در مورد صلح موقت با امریکاییها موافقت کردیم ولی روش آنها روش مستدلی در منطقه نیست. ما فکر می‌کنیم سرنوشت ملتهای این منطقه در دست

بوده‌اند.

ارزیابی دیگری را عرض می‌کنم که مایلیم مصریها نیز بدانند. دولت کنونی اسرائیل هیچ گونه تعهدی در مقابل گذشته ندارد. لذا روش آزادانه و مستقلی برای حرکت به سوی صلح دارد و تردیدی در این مورد ندارد. اطلاع دارید اخیراً در اسرائیل جناح مخالف فشار می‌آورد که یک دولت ملی روی کار بیاید. یعنی تمام احزاب در تشکیل دولت شرکت داشته باشند. البته من باید عرض کنم چنین دولتی فقط به درد جنگ می‌خورد. زیرا تنها چنین دولتی است که ملت را برای دادن قربانی آماده می‌کند. آقای رابین توانسته تاکنون جلوی این کار را بگیرد. ولی با این حال افرادی مثل ژنرال یاریو که طرفدار تشکیل دولت ملی است در کابینه وجود دارند. اگر دستگاه اطلاعاتی مصر خوب کار کند باید تاکنون این موضوع را درک کرده باشند. جناح طرفدار ژنرال دایان تشکیل دولت ملی را لازم می‌دانند.

در مورد مصر گفتیم که ما چطور فکر می‌کنیم- آیا دوستان ما می‌توانند کمکی به ما بکنند.

تیمسار ریاست: من عرایض شما را به شرف عرض مبارک ملوکانه خواهم رساند.^۱

تیمسار نصیری رئیس ساواک، سفارش و درخواست اسرائیلی‌ها را به اطلاع محمدرضا پهلوی می‌رساند و پس از آن در تاریخ ۱۳۵۳/۱۰/۹، نتیجه را به رئیس موساد چنین گزارش می‌دهد:

ملاقات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر

تیمسار ریاست ساواک: در شرفیابی امروز عین گزارشات را به عرض رسانیدم. در مورد کمک مالی فرمودند با مسئول مربوطه صحبت می‌کنم. موضوع دیگر که شاید موضوع اصلی باشد مربوط به مصر است که فرمودند نقشه‌ای تهیه شود که خطوط بیشتر را که اعلام نموده‌اید آماده هستید عقب‌نشینی کنید نشان دهد.

ژنرال ضمیر: به من اجازه داده شده است که به عرض برسانم اگر مصریها صحبت جنگ و خصومت نکنند، بیشتر عقب خواهیم نشست.

تیمسار ریاست ساواک: اعلیحضرت نقشه را برای این می‌خواهند که دقیقاً خط معلوم شود.

ژنرال ضمیر: بسیار خوب به نخست‌وزیر خودمان اطلاع می‌دهم و ما سعی خواهیم کرد روی

۱. گزارش ساواک، متن مذاکرات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر (زامیر)، ۱۳۵۳/۱۰/۸.

نقشه خط را تعیین کرده و به شما نشان بدهیم.

شاید اعلیحضرت فکر کرده‌اند که ما می‌خواهیم ایشان میانجی باشند ولی اینطور نیست. ما می‌خواهیم در حضور ایران به آنها قول بدهیم زیرا می‌خواهیم ایران به عنوان یک دوست موقعیت ما را درک کند.

اگر مصریها موضوع جنگ را متفی بدانند و در نتیجه سفر برژنف مصریها سلاحهای زیادتری دریافت نمایند ما هم حرفی نداریم و آماده دور شدن از خطوط فعلی خواهیم شد. اگر شاهنشاه مصلحت می‌دانند به مصریها بفرمایند اسرائیل آماده حل و فصل است. تیمسار [۱] آیا شما می‌فرمایید من در تهران بمانم تا از نتیجه مذاکرات شما با مسئولین امر در موارد اقتصادی آگاه شوم.

تیمسار ریاست ساواک: شما برگشته و زودتر ترتیب نقشه را بدهید چون اعلیحضرت در هفته آینده عازم می‌باشند و شما بیشتر از ۵ یا ۶ روز وقت ندارید.

در موارد اقتصادی من از هر طریقی که شما بفرمایید نتیجه را اطلاع خواهم داد. ژنرال ضمیر: من فردا صبح مراجعت می‌کنم. از همه چیز متشکرم بخصوص از همکاری شما و از طریق آقای سفیر در این موارد با شما تماس خواهم گرفت.^۱

ژنرال زامیر رئیس موساد، طبق نظر محمدرضا و نصیری، فوری از دولت متبوع خود تقاضای ارایه اطلاعات تکمیلی می‌کند. نخست‌وزیر اسرائیل نیز در یک یادداشت محرمانه، خصوصی و شخصی، نه به عنوان نخست‌وزیر، شرایط رژیم صهیونیستی را به اطلاع شاه ایران می‌رساند تا او در سفر آتی خود به مصر (بهمن ۱۳۵۳)، به نیابت و نمایندگی از اسرائیلی‌ها با انور سادات رئیس جمهور مصر گفت‌وگو و زمینه‌ها را برای تفاهم و سازش طرفین فراهم آورد. نکته جالب توجه دیگر اینکه اسرائیلی‌ها با گستاخی تمام، در این نامه ضمن اعلام مطالبات خود، از محمدرضا پهلوی خواسته‌اند تا پس از ملاقات با سادات و بازگشت از مسافرت مصر، نتیجه را به آنها گزارش کند. به بیان دیگر، شخص اول ایران شاهنشاهی، در این ماجرا در نقش یک میانجی و سفیر و فرستاده اسرائیلی تنزل مقام می‌دهد. این موضوع اسرار روابط سیاسی و اطلاعاتی ایران و اسرائیل را بیش از پیش تبیین می‌کند:

به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌رساند:

۱. گزارش ساواک، متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر (زامیر)، ۱۳۵۳/۱۰/۹.

در ساعت ۲۳ روز ۵۳/۱۰/۱۵ طبق قرار قبلی و پیرو مذاکراتی که قبلاً با ژنرال ضمیر صورت گرفته بود چاکر مجدداً با نامبرده ملاقات و طی این جلسه مطالب مشروح زیر وسیله ژنرال ضمیر عنوان شد:

۱- نخست‌وزیر^۱، یک پیام خصوصی کتبی به عنوان شاهنشاه ایران تقدیم داشته که به علت کمی وقت نتوانسته پیرامون آن با اعضاء دولت اسرائیل مذاکره نماید. اما هرگاه اوضاع به‌طور دلخواه پیش برود اشکالی در متقاعد کردن کابینه اسرائیل موجود نخواهد بود.

۲- از غرب به شرق دو مانع استراتژیکی وجود دارد که اولین آنها یعنی کانال سوئز طی جنگ اکتبر گذشته به تصرف مصر درآمد. مانع دوم ارتفاعاتی است که بعد از کانال سوئز (در جهت شرق) قرار دارد و در حقیقت آخرین و تنها مانع استراتژیکی تا ابتدای مرزهای اسرائیل محسوب می‌گردد و هرگاه یک نیروی مهاجم موفق شود از این مانع دوم عبور نماید حرکت این نیرو در سراسر صحرای سینا بدون هیچ‌گونه مشکلی امکان‌پذیر خواهد بود.

۳- بنابر اعلام قبلی ما به «کیسینجر» نامبرده به مصریها اعلام کرده که ما حاضریم بین ۳۰ تا ۵۰ کیلومتر از خطوط فعلی عقب‌نشینی نماییم اما فقط برای اطلاع شاهنشاه ایران اعلام می‌کنیم در صورتی که مصر خواهان صلح واقعی باشد و شاهنشاه ایران بعد از بازدید از مصر پیرامون این موضوع متقاعد شده باشند ما حاضریم حتی از مانع دوم نیز بیشتر عقب‌نشینی نماییم. البته استدعای ما اینست که شاهنشاه این موضوع را در قاهره مطرح نفرمایند چون اگر مصریها به این نیت ما پی ببرند مذاکره از طریق وزیر خارجه امریکا بر مبنای پیشنهادات کنونی ما (عقب‌نشینی ۳۰ تا ۵۰ کیلومتر از خطوط فعلی که انتهای آن در غرب ارتفاعات استراتژیکی قرار خواهد داشت) با شکست مواجه خواهد شد.

۴- منظور اصلی اینست که شاهنشاه ایران از اهمیت موانع استراتژیکی صحرای سینا بویژه مانع دوم اطلاعات کافی در اختیار داشته باشند تا هرگاه سادات جزئیات اوضاع را مطرح نماید معظم‌له در جریان موقع ما قرار داشته باشند.

۵- ما و امریکا مشترکاً بر این عقیده‌ایم که مصر هنوز آمادگی انجام مذاکرات برای نیل به صلح واقعی را ندارند.

۶- نخست‌وزیر ما بسیار مهاسگزار خواهد بود هرگاه شاهنشاه ایران بعد از مراجعت از مسافرت

۱. در این زمان اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل بود.

مصر نظرات معظمه را درباره این بازدید به اطلاع وی برساند و نخست‌وزیر ما نیز به نوبه آخرین تحولات منطقه را به شرف عرض مبارک شاهنشاه ایران خواهد رساند. مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌گذرد.

سازمان اطلاعات و امنیت کشور^۱

اسرائیلی‌ها در روابط سیاسی و اطلاعاتی خود با ایران شاهنشاهی به چیزی جز مطامع و اهداف خود نمی‌اندیشیدند. در مقاطعی که منافع آنها ایجاب می‌کرد از شاه ایران به عنوان یک فرستاده بهره‌برداری می‌کردند و در مقاطعی دیگر کلیه امکانات ساواک و مقامات آن را بسیج می‌کردند تا در جهت رهایی و آزادی جاسوسان و مأموران اطلاعاتی آنها اقدام کنند. مقامات ایرانی، از شخص محمدرضا تا رئیس ساواک، در چارچوب روابط اطلاعاتی و دیپلماسی پنهان با صهیونیست‌ها، آمادگی خود را برای همه‌گونه خوش‌خدمتی و مزدوری برای اسرائیل با جان و دل اعلام می‌کردند. سند نمونه ساواک در این باره مربوط به تلاش مقامات این سازمان در آزادسازی یکی از جاسوسان اسرائیلی از زندان مصر است. در این نامه نمایندگی موساد در تهران با نام رمز «بهار» از رئیس ساواک تشکر می‌کند:

عالیجناب تیمسار ارتشید نعمت‌الله نصیری

عالیجناب،

از طرف سرویس خود، خوشحالم به استحضار آن عالیجناب برسانم که BARUCH [MIZRAHI باروخ میزراحی] در نتیجه تبادل زندانیان از زندان مصر آزاد شده و به کشورش مراجعت نموده است.

در این موقعیت شادی‌انگیز به مناسبت پیوستن MIZRAHI به خانواده‌اش، برای ما کلماتی یافت نمی‌شود که بتوانیم از آن عالیجناب برای مساعدتهای محبت‌آمیزشان در خلال زندانی بودن میزرای در یمن و مصر تشکر نماییم.

ارادتمند بهار^۲

محمدرضا پس از انجام مأموریت، ضمن ابلاغ پیام اسرائیلی‌ها به رئیس جمهور مصر، پاسخ انور سادات را نیز دریافت کرده و پس از بازگشت به تهران، به اطلاع طرف اسرائیلی

۱. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۱۵.

۲. سند ساواک، اسفند ۱۳۵۲، مارس ۱۹۷۴.

می‌رساند. مقامات اسرائیلی (اسحاق رابین - نخست‌وزیر وقت) نیز ضمن تشکر از اقدام و تلاش محمدرضا، آمادگی دولت خود را برای شروع مذاکرات مستقیم اعلام می‌کند:

به عنوان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

۱- همانطور که امروز در عرایضم به حضور شاهنشاه آریامهر ذکر کردم تصور می‌کنم تنها راه به سوی یک دوران جدید در خاورمیانه ایجاد روابط بین مصر و اسرائیل می‌باشد.

۲- من با کمال خوشحالی از آمادگی مصر برای تماسهای مستقیم بین مصر و اسرائیل استقبال می‌کنم.

۳- من آماده مذاکره با مصر هستم و در این مورد تصور می‌کنم که به خاطر اقدام واقعی مصر در جهت صلح قسمتی از صحرای سینا به مصر برگردانده خواهد شد.

۴- جزییات موارد مورد مذاکره مورد لزوم نیست اما اسرائیل از هرگونه امکان برای مذاکره مستقیم با مصر استقبال می‌کند. اسرائیل برای چنین تماسهای مستقیمی آماده است که در هر زمان و هر مکانی که برای مصر مناسب باشد اقدام نماید.

۵- من از اینکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه پیام پرزیدنت سادات را ابلاغ فرمودند سپاسگزاری می‌کنم. امیدوارم با برخورداری از رهبری عالی شاهنشاه تماسهای مورد نظر بین اسرائیل و مصر برقرار گردد.

۶- بسیار خوشحال خواهم شد هرگاه کلیه اقدامات از طریق اعلیحضرت همایون شاهنشاه به عمل آید تا چنین تماسهایی بین مصر و اسرائیل برقرار گردد.

۷- من در انتظار پاسخ به جواب مثبت خود به این پیام می‌باشم.

۸- ما به وضوح کامل بین امکان آمادگی مصر برای مذاکره جداگانه با اسرائیل بدون شرکت سایر کشورهای عربی و موضوع مذاکرات مستقیم فرق می‌گذاریم. این حقیقت که مصر آماده مذاکره به‌طور جداگانه می‌باشد از طریق آقای کیسینجر به ما اطلاع داده شده بود. اما این نکته متضمن آن نیست که مصر آماده انجام مذاکرات مستقیم با اسرائیل می‌باشد.^۱

پادرمیانی آمریکایی برای برقراری تماس بین مصر و اسرائیل در زمان سادات، و تمایل وافر اسرائیلی‌ها برای مذاکره با طرف مصری، موضوع گفت‌وگوی ژنرال هوفی با رئیس ساواک است:

۱. سند ساواک، بدون شماره و تاریخ، این نامه ظاهراً از سوی اسحاق رابین نخست‌وزیر وقت اسرائیل در سال ۱۹۷۴م/۱۳۵۳ (پس از سفر بهمن ماه محمدرضا به مصر) نوشته شده است.

ژنرال خفی [هوفی]: از نتیجه ملاقات ۷ نوامبر با کیسینجر اطلاعی ندارم چون در آن زمان من در تهران بوده‌ام.

من تصور می‌کنم گرچه در ابتدای کار گشایشی شده ولی هنوز هم سعی می‌شود با مصر تماسی بوجود بیاید.

مصریها این بار تصمیم دارند یک قرارداد نظامی با ما برای تنظیم روابط نظامی در آینده داشته باشند.

مصریها می‌خواهند ما را در این قرارداد وادار کنند خطوط مقدم جبهه در سینا را ترک کنیم و این مناطق را به مصر تحویل بدهیم.

در مقابل این قرارداد آنها در نظر دارند به نحو قبل جبران کنند.

قبلاً مصریها موافقت کردند باب‌المندب را به روی کشتیهای اسرائیل باز کنند این بار هم اجازه بدهند کالاهای تجارتی ما با کشتیهای کشورهای دیگر از کانال سوئز عبور نماید. در ضمن این قرارداد سیاسی نیست. ما حاضریم این کار را بکنیم ولی می‌خواهیم این قرارداد در ضمن یک قرارداد سیاسی باشد.

در مذاکرات نظامی افراد نظامی فقط شرکت می‌کنند.

آنها می‌خواهند در این مذاکرات چیزی بگیرند بدون از دست دادن چیز دیگر. هدف ما صلح است. در هر صورت معتقدیم مذاکرات همیشه کمک به وضع نه جنگ و نه صلح می‌کند. دولت ما تصمیم دارد با مصریها مذاکره کند.^۱

وساطت ساواک و دربار شاهنشاهی ایران بین مصر و اسرائیل و مساعدت همه‌جانبه اطلاعاتی و سیاسی ایران به رژیم صهیونیستی در این باره به خوبی نشان می‌دهد که ساواک مطابق آنچه اسرائیلی‌ها تمایل نشان می‌دادند و یا وقتی منافع طرف صهیونیستی اقتضا می‌کرد، در این زمینه فعال می‌شد.

آقای کیمخی: [...] ما برای هر نوع اقدام و عملیاتی بر علیه فدائی آمادگی داریم حتی اگر مصریها بخواهند.

ما مایلیم به هر طریق که مصر تعیین کند با پرزیدنت سادات تماس بگیریم.

۱. سند ساواک، مذاکرات ژنرال هوفی با رئیس ساواک. یادآوری می‌شود که پس از برکناری زوی زامیر از ریاست موساد در سال ۱۹۷۳، اسحاق هوفی به این سمت منصوب شد.

مصلحت می‌دانید این مطلب را پیگیری کنید تا اگر مصریها مایل باشند ملاقاتی با آنها در ایران داشته باشیم. البته ما توقع نداریم که در این ملاقات با مصر پیمان صلح منعقد سازیم بلکه فقط منظور این است که به یک تفاهم پنهانی دست پیدا کنیم.^۱

سرانجام دیپلماسی پنهان اسرائیل و آمریکا و نیز وساطت و میانجیگری محمدرضا پهلوی و ساواک، در عرصه روابط مصر و رژیم صهیونیستی تحولاتی را سبب شد. در ماه مه ۱۹۷۷م/اردیبهشت ۱۳۵۶، مناخیم بگین از حزب لیکود به نخست‌وزیری اسرائیل رسید.

تلاش‌های سری در قالب دیپلماسی پنهان برای ایجاد تفاهم و سازش بین مصر و اسرائیل روز به روز فزونی گرفت و سرانجام انور سادات رئیس‌جمهور مصر در نوامبر سال ۱۹۷۷م/اواخر آبان ۱۳۵۶ش، سفر تاریخی خود را به بیت‌المقدس به مرحله اجرا درآورد. سادات سوار بر یک هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ با اسم رمز مصر ۰۱، بعد از یک پرواز کوتاه در پایگاه هوایی ابو سویر^۲ در فرودگاه بن‌گوریون که فاصله کمی با تل‌آویو دارد به زمین نشست... نقطه اوج این دیدار در کینست (پارلمان اسرائیل) بود. بعد از ظهر روز ورود سادات به اسرائیل، او پشت تریبون کینست و زیر تصویر بزرگی از تئودور هر تزل بنیانگذار اولین کنگره جهانی صهیونیسم قرار گرفت. پیش از او اسحاق شامیر رهبر سابق گروه تروریستی اشترن به معرفی سادات پرداخت و هنگام نطق سادات در یک سوی او نشست و مناخیم بگین در سوی دیگر او. به این ترتیب جاده صلح بین مصر و اسرائیل در کمپ دیوید آمریکا هموار شد. نقطه اوج این قضایا در استراحتگاه تابستانی رئیس‌جمهور کارتر در سال ۱۹۸۷ به وقوع پیوست و مرحله تکمیلی و نهایی آن در مارس سال ۱۹۷۹/اوایل فروردین ۱۳۵۸، در باغچه خصوصی کاخ سفید و با حضور جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا، انور سادات رئیس‌جمهور مصر و مناخیم بگین نخست‌وزیر اسرائیل عملی شد و پیمان تاریخی صلح به امضای طرفین رسید و رئیس‌جمهور آمریکا به عنوان شاهد زیر این پیمان را امضاء کرد.^۳

این حادثه بخشی از تاکتیک رژیم صهیونیستی در مسیر استراتژی پیرامونی اسرائیل بود که دستگاه سلطنت پهلوی، از شخص محمدرضا شاه تا ساواک، نقش بسیار مهمی در اجرا و

۱. سند ساواک، مذاکرات ریاست ساواک با ژنرال موشه دایان، ۳۶/۵/۲۸ [۱۲۵۶].

2. Abu Swier

۳. ن.ک: دیوید هرست، صص ۴۰۶ و ۴۰۷، ۴۱۸، ۴۲۲ و ۴۲۳.

عربستان

اهمیت تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و مهمتر از همه راهبردی منطقه خلیج فارس موجب شده تا این حوزه جغرافیایی، حداقل از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی، همواره در معرض طمع اسرائیل قرار داشته باشد. اسرائیلی‌ها در پنجاه، شصت سال گذشته به اشکال مختلف، برای عادی‌سازی روابط با کشورهای واقع در این منطقه، گام‌هایی برداشته‌اند و در بعضی عرصه‌ها به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند.

اسرائیلی‌ها در تحلیل‌های سیاسی و اطلاعاتی خود معتقد و مدعی‌اند که کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس، جغرافیای پیرامونی اسرائیل را تشکیل می‌دهند، بنابراین در محدوده استراتژیک اسرائیل قرار دارند.

عربستان سعودی در منطقه مورد نظر، در خط مقدم استراتژی اسرائیل قرار دارد. این کشور با داشتن ۲۶۰ میلیارد بشکه ذخیره نفت خام به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت، یکی از کلیدهای اصلی اقتصاد جهانی ارزیابی شده است.

با توجه به اهمیت مورد اشاره، صهیونیست‌ها در سال ۱۹۷۵ طرحی را برای اشغال مناطق نفتی کشورهای اطراف خلیج فارس، به ویژه از مسقط تا کویت به آمریکایی‌ها پیشنهاد داده‌اند. از دیدگاه مراکز سیاستگذاری و برنامه‌ریزی صهیونیست‌ها، به مناطق نفتی این حوزه جغرافیایی باید به عنوان اهداف نظامی نگریست.

تلاش گسترده و فزاینده شرکت‌ها و کارتل‌های بزرگ نفتی، بانکی، تولیدی و صنعتی یهودی، طی چند دهه اخیر، برای تسخیر کامل بازار معاملات کشورهای منطقه خلیج فارس

را باید از این زاویه ارزیابی و تحلیل کرد.^۱

صهیونیست‌ها برای تحقق اهداف خود در این مناطق، حتی دست به جعل افسانه‌هایی زده‌اند و به تاریخ‌پردازی متوسل شده‌اند. به گفته یکی از اندیشمندان جهان اسلام، یکی از مراکز پژوهشی و مطالعاتی صهیونیستی اسرائیل ادعا کرده است که:

مسأله برون راندن یهودی‌های بنی قریظه، بنی قینقاع و بنی النضیر از خیبر [مدینه] و سرزمین خیبر، نباید همینطور رها شود. لذا این مراکز صهیونیستی، یعنی «شلواح» و به خصوص «یانی» نقشه‌هایی را آماده کرده‌اند که باغ‌های یهودی‌های مدینه منوره و یهودی‌های خیبر یا تشکیلات قبیله‌ای که در آغاز اسلام داشتند را نشان می‌دهد. آنان هدفشان این است که در صورت برقراری روابط با عربستان سعودی [یا در زمان و شرایطی که مصالح صهیونیستی اقتضا کند]، مطالبات خود را برای بازپس‌گیری حقوق یهودیان شبه‌جزیره العرب (عربستان) آغاز کنند.^۲

اینها تماماً نشان از برنامه‌های پنهان اسرائیل برای منطقه خلیج فارس دارد، که تاکنون، تحت عنوان دکترین حاشیه‌ای یا استراتژی پیرامونی آن را توجیه و تفسیر کرده‌اند. بر پایه این ذهنیات و طرح‌ها، اسرائیلی‌ها از دیرباز در صدد برقراری ارتباط با عربستان و پیدا کردن راه نفوذ در آن سرزمین بوده‌اند. اسناد به جا مانده از ساواک، تنها، زوایا و گوشه‌هایی از این اسرار را بازگو می‌کنند. پیشنهاد طرح تشکیل کمیسیون چهارگانه متشکل از اسرائیل، ایران، عربستان و مصر از سوی رئیس وقت موساد به رئیس ساواک را باید از این زاویه مورد بررسی و ارزیابی قرار داد: ژنرال خونی: یکی از منافع مشترک ما با مصری‌ها مبارزه علیه کمونیسم بوده که در این مورد با مصری‌ها به توافق رسیده‌ایم. امیدواریم یک روزی بتوانیم قرارداد سه‌جانبه‌ای بین ایران-مصر و اسرائیل و یا یک قرارداد چهارجانبه بین ایران-مصر-اسرائیل-عربستان سعودی منعقد نماییم.

۱. ن. ک: لیتون مک‌کارتنی، دوستان بلندپایه، ترجمه محسن اشرفی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۸، صص ۲۴۵ تا ۲۵۳.

۲. دکتر عبدالله نفیسی دبیر کل کنگره مردمی مبارزه با عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در مصاحبه با احمد منصور مجری شبکه تلویزیونی الجزیره. این مصاحبه در تاریخ ۲۰۰۱/۱/۳۱ با عنوان «الختراق الاسرائیل لدول الخلیج و الجزیره العربیه» از آن شبکه پخش شده است. لازم به یادآوری است، دکتر عبدالله نفیسی متولد ۱۹۴۵ کویت، در سال ۱۹۶۷ از دانشگاه آمریکایی بیروت با مدرک کارشناسی دو علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شده، پس از آن در سال ۱۹۷۲ از دانشکده چرچیل دانشگاه کمبریج انگلیس، مدرک دکترای خود را اخذ کرده است. وی تاکنون در دانشگاه‌های مختلف انگلستان، آمریکا، امارات، چین و مسکو به تدریس پرداخته است.

گزیده تحولات جهان، ماهنامه تخصصی تحلیلی-خبری، سال اول، شماره ۱۳، مرداد ۱۳۸۰، تهیه و ترجمه رضا خانیان، صص ۸۹، ۹۵، ۹۶.

اردن

کشور اردن در جنوب غربی آسیا، از شمال به سوریه و جبل‌دروز (بلندی‌های جولان) از شمال شرقی به عراق، از شرق و جنوب به عربستان و از غرب به فلسطین محدود است. تنها راه آن به دریا از بندر عقبه واقع در خلیج عقبه است.

از قرن ۱۶ تا سال ۱۹۱۸ تحت قلمرو امپراتوری عثمانی بود. پس از جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۰ جزیری از سوریه شد. پیش از آنکه به صورت فعلی درآید، جزیری از فلسطین تحت قیمومت انگلستان بود. در سال ۱۹۲۳ به صورت امیرنشین نیمه‌مستقل زیر فرمان عبدالله بن حسین هاشمی معروف به ملک عبدالله درآمد. در موافقتنامه ۱۹۲۸، تفوق و حق داشتن پادگان برای آن کشور شناخته شد. در سال ۱۹۴۶ قیمومیت پایان یافت و استقلال اردن اعلام شد. پس از اشغال فلسطین و اعلام تأسیس اسرائیل، اردن به اتفاق اعضای دیگر اتحادیه عرب وارد جنگ با اسرائیل شدند. پس از ترک مخاصمه (۱۹۴۹) بیشتر اراضی فلسطین تحت اشغال اسرائیل قرار گرفت.

در سال ۱۹۵۱-۵۲، پس از ترور ملک عبدالله پادشاه اردن از سوی یک جوان فلسطینی، طلال در اردن پادشاهی کرد. او به بهانه اختلال مشاعر از پادشاهی برکنار شد و پدش ملک حسین به جایش بر تخت سلطنت نشست در سال ۱۹۷۵ قرارداد اردن با انگلستان لغو و لژیون عرب منحل شد.^۱

اردن به دلیل همجواری با فلسطین، همواره تحت تأثیر اوضاع داخلی آن سرزمین بوده است. اردن در ردیف آن تعداد از کشورهای است که به ادعای اسرائیل در خط مقدم محدوده

۱. ن.ک: غلامحسین مصاحب، جلد اول، چاپ سوم ۱۳۸۱، ص ۹۱.

استراتژیک اسرائیل قرار دارد. بر اساس اسناد و اطلاعات منتشر شده از سوی محافل اسرائیلی، آنها همواره با رهبران اردن، از جمله ملک عبدالله اول و ملک حسین روابط سری داشته‌اند. منابع غربی، سابقه ارتباط پادشاهان سابق اردن از جمله ملک عبدالله اول را با اسرائیلی‌ها، سال‌ها قبل از تأسیس اسرائیل اعلام کرده و نوشته‌اند؛ موشه ساسون گفته است که پدرش در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۵) یعنی دوازده سال پیش از تأسیس دولت اسرائیل به دیدن [ملک] عبدالله پدر بزرگ شاه حسین رفته بود. ساسون پسر، سفرهای مخفیانه خود به کاخ پادشاهی را در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰ ش) آغاز کرد. او در تاریکی هوا از طریق گشودن حصار می‌که در آن زمان اورشلیم را تقسیم می‌کرد، از مرز اردن گذشت. راننده‌ای با یک اتومبیل دسوتوی قهوه‌ای رنگ با نشان تاج سلطنتی انتظار او را می‌کشید. ... در عمان در آن زمان که دهکده‌ای آرام به شمار می‌رفت، عبدالله که لباس‌های سفیدی بر تن داشت به استقبال ساسون آمد. به نوشته این منابع، ملک حسین پادشاه سابق اردن نیز از زمانی که به تخت سلطنت نشست با مقامات اسرائیلی در ارتباط بود.^۱ اردن هم‌اکنون جزء معدود کشورهای عربی است که با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارد و مأموران موساد در آن سرزمین حضور دارند. اقدام به ترور خالد مشعل یکی از رهبران جنبش فلسطینی حماس، از سوی مأموران سرویس اطلاعاتی اسرائیل، چند سال پیش، این واقعیت را برای جهانیان بیش از پیش آشکار ساخت. از آنجا که حدود نیمی از جمعیت اردن فلسطینی‌الاصل هستند، این سرزمین، همواره تحت نظر اطلاعاتی، سرویس‌های مخفی رژیم صهیونیستی قرار دارد. اما از سوی دیگر، آنها به دلیل شناخت کامل از موقعیت، روابط و جایگاه پادشاهان اردن، در دوره‌های مختلف، هیچ‌گاه از ناحیه آنها دچار دغدغه نبوده و احساس خطر نداشته‌اند. مع الوصف، این آسودگی خاطر از سوی صهیونیست‌ها، به معنی نادیده گرفتن تحولات داخلی و اوضاع جاری آن سرزمین نبوده است.

اسناد ساواک به خوبی نشانگر آن است که اسرائیلی‌ها به دلیل همجواری سرزمین فلسطین و اردن، اوضاع داخلی آن کشور را با حساسیت بالا، تحت نظر و بررسی داشته و دارند. دیدگاه ایسرهازل رئیس وقت موساد نمونه گویایی در اثبات این واقعیت است:

۱. لورا بلومن فلد، دی‌سایت ترجمه پریسا رضایی، چاپ آلمان، ۵ اوت ۱۹۹۴؛ بررسی مطبوعات جهان، ۱۳۷۳/۸/۴۰، شماره ۱۵۹.

سنواک: چه اطلاعاتی در باره مسافرت اخیر ملک حسین به آمریکا دارید؟

مارل: موفقیت اصلی ملک حسین یک پیروزی منوی بود و او خود را به صورت سیاستمداری باهوش و عاقل نشان داده و این امر برای آمریکاییها (چه سیاستمداران و چه توده مردم) غیرمنتظره بود. آمریکاییها قبلاً باطناً به وضع اردن خوشبین نبودند و فکر می کردند ممکن است این کشور را وجه‌المصلحه نزدیکی با ناصر قرار دهند. موفقیت بزرگ ملک حسین تغییر این طرز فکر و طرفدار ساختن مقامات آمریکایی به اردن بود. و چون وی تقاضای هیچگونه کمک مادی نکرد پیروزی بیشتری بدست آورد.

اکنون آمریکاییها یک نوع امیدواری کلی نسبت به وضع اردن داشته و پس برده‌اند که وجود این کشور از یک طرف سدی در مقابل عبدالناصر تشکیل داده و از طرف دیگر در صورتی که عراق کمونیست شود اردن کشورهای آزاد رمیانه و حتی خلیج فارس را در مقابل عراق حراست خواهد کرد.

ما اسرائیلیها در مدت اقامت ملک حسین در آمریکا به‌طور غیر محسوس متهای کمک منوی را به او نموده و سعی کردیم با تمام وسایل افکار عمومی را به سوی او جلب نماییم. به عقیده من در این موقع که ملک حسین به ایران می آید شاید ایران بتواند وسیله تماس محرمانه بین اسرائیل و اردن گردد و به این ترتیب ما می توانیم توسط ایران کمک بسیار مؤثری به بقای اردن بنماییم. اسرائیل می تواند کمکهای زیر را به اردن بکند:

۱- در حالی که دائماً علیه شخص ملک حسین و استقلال اردن توطئه می شود ما می توانیم با تمام وسائلی که در دست داریم او را به موقع مطلع نموده و به این ترتیب وسیله حفظ جان پادشاه و استقلال کشور را فراهم سازیم. بهخصوص که ما از فعالیتهای مخفی در میان مهاجرین فلسطینی مقیم اردن اطلاعات دقیقی داریم که دانستن آن برای ملک حسین مفید است.

۲- در زمانی که ناصر ارتش خود را به قصد حمله به اردن تمرکز داده بود اسرائیل با اعلام بسیج و تذکر اینکه در صورت چنین تهاجمی ساکت نخواهد نشست عبدالناصر را از قصد خود منصرف ساخت. این مسئله به خوبی نشان می دهد که اسرائیل عامل مؤثری برای ختمی کردن مقاصد تجاوزآمیز عبدالناصر به اردن است.

۳- اسرائیل با تمهید به اینکه هرگز به خاک اردن تجاوز نخواهد کرد به این کشور فرصت می دهد تا ارتش خود را از مرزهای ما فراخوانده و در نقاط حساس داخلی کشور مستقر سازد تا بدین

دخالت آمریکا در قضیه بررسی شد. در این هنگام ناصر به برژنف دبیر کل حزب کمونیست شوروی نامه‌ای نوشت. در پی آن شوروی بیانیه‌ای صادر کرد و در مورد دخالت کشورهای امپریالیست در مسأله [درگیری فلسطینی‌ها و اردنی‌ها] هشدار داد.^۱

در آن زمان می‌بایست کنفرانس سران عرب در قاهره کار خود را آغاز کند، توپخانه اردن در مدت اقامت پادشاهان و رؤسای جمهوری عرب در قاهره، پایگاه‌های فلسطینی و اردوگاه‌های پناهندگان در قلب عمان را می‌کوبید. بر اساس اطلاعات فلسطینیان، در این بمباران حدود ۲۰ هزار فلسطینی جان باختند. عاقبت نمایندگان حاضر در قاهره مقرر کردند که هیأتی به عمان برود و طرفین را مجبور به قبول آتش‌بس سازد. بالاخره در ۲۶ سپتامبر قرارداد آتش‌بس امضا شد و ملک حسین و یاسر عرفات به پایتخت مصر دعوت شدند. به این ترتیب جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر نقش میانجی را به عهده گرفت و در صدد برآمد تا میان آن دو آشتی برقرار سازد. علی‌رغم لجاجت و سرسختی از ناحیه پادشاه اردن و یاسر عرفات؛ ناصر ناچار شد از همه نفوذ خود استفاده کند تا مذاکرات به نتیجه برسد. [...] در ۲۷ سپتامبر جلسه پایانی کنفرانس تشکیل شد. ملک حسین و تعدادی از مردان او در یک طرف نشستند و عرفات در طرف دیگر. هر دو می‌کوشیدند بر اعصاب خود مسلط باشند، در عین حال اسلحه را از خود دور نمی‌کردند.

[حسین] هیکل در خاطراتش می‌نویسد که به ملک فیصل، پادشاه عربستان سعودی به شوخی پیشنهاد شد که اسلحه آنها را بگیرد، ولی او برآشفته و گفت: جز ناصر کسی نمی‌تواند این کار را بکند. پس از دو ساعت بحث سرانجام طرح توافق ریخته شد [...] کنفرانس بالاخره پایان یافت و توافق میان ملک حسین و یاسر عرفات با دخالت و وساطت جمال عبدالناصر حاصل شد.^۲

۱. آگار یچف، زندگی سیاسی ناصر، ترجمه محمد جواهر کلام، شرکت نشر و پخش ویس، چاپ اول، ۱۳۶۸، صص ۲۵۶-۲۵۷.

۲. همان منبع، صص ۲۵۶-۲۵۷.

یادآوری می‌شود که یک روز بعد از توافق میان ملک حسین پادشاه اردن و یاسر عرفات، یعنی در ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۷۰ جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر به طور ناگهانی و به طرز مشکوک درگذشت.

سوریه

پس از جنگ جهانی اول، کنگره‌ای متشکل از نمایندگان قسمت اعظم سرزمین سوریه، فیصل پسر شریف حسین فرمانده لژیون عرب در جنگ علیه امپراتوری عثمانی را به پادشاهی سوریه انتخاب کردند. اما متفقین سوریه و لبنان امروزی را تحت قیمومیت فرانسه قرار دادند. سیاست فرانسه و حضور فرانسوی‌ها در سوریه موجب بروز درگیری‌های خونینی شد. در سال ۱۹۲۶ لبنان کشوری جداگانه شد و پس از مذاکرات طولانی توافق‌هایی برای تأسیس سوریه خودمختار به عمل آمد.

در جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۱، بریتانیا و فرانسه سوریه را اشغال کردند و در سپتامبر سال ۱۹۴۱ تأسیس جمهوری مستقل سوریه اعلام و شیخ تاج‌الدین حسنی رئیس جمهور شد. استقلال تقریباً کامل سوریه از دوره ریاست جمهوری شکری القوتلی آغاز شد. سوریه در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل درآمد.^۱

در آغاز سال ۱۹۴۶ دولت‌های لبنان و سوریه از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستند که قطعنامه‌ای صادر کند و برون رفتن بی‌درنگ نیروهای بیگانه از خاک این دو کشور را خواستار شد.

اتحاد شوروی از خواسته‌های سوریه و لبنان پشتیبانی کرد ولی انگلیس و فرانسه، با همراهی ایالات متحد و با همه وسایل، کوشیدند که از حل مسالمت‌آمیز این مسأله در شورای امنیت پیشگیری کنند.

۱. ن. ک: غلامحسین مصاحب، جلد اول، ص ۱۳۷۰.

با همه اینها فرانسه و انگلیس در فضای جوشش مبارزات ضداستعماری مردمی و فشار افکار عمومی، در ماه مارس ۱۹۴۶ ناچار شدند، خروج نیروهای خود را از این دو کشور بپذیرند. این کار برای مردم سوریه و لبنان که برگه نوینی در تاریخ زندگی شان گشوده شده بود، پیروزی بزرگی به شمار آمد. در ۱۷ آوریل ۱۹۴۶ آخرین سرباز بیگانه از خاک سوریه بیرون شد و از این روست که سوریه سالگرد این روز خجسته تاریخی را به عنوان روز جشن استقلال میهنی، همواره گرامی می‌دارد.^۱

در اول فوریه ۱۹۵۸، سوریه و مصر جمهوری متحد عرب را تأسیس کردند. در مارس ۱۹۶۳ افسران طرفدار جمال عبدالناصر طی اقدامی حکومت را به دست گرفتند.^۲

سرزمین امروزی سوریه از سمت شمال به ترکیه، از سمت شرق به عراق، جنوب به اردن و جنوب شرقی به فلسطین، از غرب به دریای مدیترانه و لبنان محدود است.

اسرائیل در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷، بخشی از اراضی سوریه، تحت عنوان بلندی‌های جولان را به اشغال خود درآورد. این بلندی‌ها همچنان در اشغال اسرائیل قرار دارد و تاکنون ده‌ها شهرک صهیونیست‌نشین در این منطقه برپا شده است.

مسأله جولان یکی از مسایل عمده و کلیدی در مناقشه بین سوریه و اسرائیل است. اسرائیل سوریه را در محدوده اهداف استراتژیک خود ارزیابی کرده و از سال ۱۹۴۸ تاکنون، همواره در حال مناقشه با سوری‌ها بوده است که از مهمترین آنها می‌توان به جنگ سال ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اشاره کرد.

سرویس اطلاعاتی اسرائیل، موسوم به موساد طی دوران همکاری با ساواک، پیوسته سوریه را به عنوان یک کشور هدف مد نظر داشت. موساد با همکاری ساواک از طریق استخدام جاسوس و مزدور، همواره در حال جاسوسی در این سرزمین بوده است.^۳

نمونه مذاکرات ژنرال هوفی، رئیس وقت موساد با رئیس ساواک درباره سوریه قابل توجه است.

۱. در. فوبلیکوف (سرویراستا)؛ س.ی. کیکتیف؛ م.س. لازاروف؛ ی.ا. لییدیف؛ ک.ن. نیچکین؛ ف.ب. رومیانتسيف؛ ع.ف. سلطانوف؛ تاریخ معاصر کشورهای عربی، ترجمه دکتر محمدحسین روحانی، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۶۷.

۲. غلامحسین مصاحب، جلد اول، ص ۱۳۷۰.

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره، مراجعه شود به: عبدالرحمان احمدی، ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول ۱۳۸۱.

رئیس موساد، سوریه را مهمترین تهدید در منطقه علیه اهداف اسرائیل قلمداد کرده، و با اشاره به موقعیت نظامی این کشور، از شاه ایران می‌خواهد که با اتخاذ تاکتیک‌های مناسب در تعدیل موضع و سیاست حافظ‌اسد رئیس جمهور وقت آن کشور اقدام کند.

خوفی: علیرغم روشی که مصریها در پیش گرفته‌اند، مهمترین تهدید در منطقه از طریق سوریه‌ها است. بعد از عراقیها در بین دشمنان ما سوریه‌ها از همه افراطی‌تر هستند.

تیمسار ریاست ساواک: باید دید مشکل سوریه چیست. پول ندارند. احتیاج دارند و به همین دلیل هم شاهنشاه تصمیم گرفتند آنها را از لحاظ مالی تقویت کنند که از نزدیکی آنها با شوروی جلوگیری نمایند. اسد به سبب احتیاجات و اختلافات داخلی که دارد از سادات محتاط‌تر به نظر می‌آید.

سادات هم در اوایل اختلافات داخلی داشت که با کمک سعودی موفق شد.

ژنرال خفی: تا این روز روسها کمک نظامی زیادی به سوریه کرده‌اند و نیروی هوایی سوریه از مصر قویتر است. تعداد تانکهای سوریه با تانکهای مصر یکسان است ولی نوع تانکهای سوریه بهتر است.

تیمسار فرازیان: خبری رسیده که حافظ‌اسد متن مذاکراتش را با کیسینجر به صورتی که واقعیت داشته به کابینه‌اش نگفته است و یکی از محارمش این موضوع را در خارج عنوان نموده است و تولید ناراحتی کرده است.

ژنرال خفی: سوق دادن سوریه به اعتدال که تصمیم اعلیحضرت است بسیار عاقلانه است و اسیدوارم ما هم بهره‌مند شویم.

ما نگران این تحویل [تحول] در کشورهای عربی هستیم که این کشورها در پی دستیابی به سلاح اتمی هستند. تا این تاریخ حتی می‌دانیم راکتور اتمی هم در جهان عرب وجود ندارد ولی آنها سعی خود را می‌کنند. فکر می‌کنم یکی از همکاران شما - پاکستان و یا هند در توسعه سلاحهای هسته‌ای به اعراب کمک کند. به نظر ما تصمیم کلی گرفته‌اند که این سلاح را تولید کنند.

تیمسار ریاست ساواک: صحبت آن بسیار آسان است ولی این قدرت مالی و افراد فنی لازم دارد که آنها فاقد دومی می‌باشند. اما شاهنشاه در تلاش غیراتمی کردن خاورمیانه هستند و فکر

می‌کنم این مورد قبول قدرت غرب و شرق باشد. و شامل عربها هم خواهد بود.^۱

رژیم صهیونیستی با هماهنگی و همکاری بی‌چون و چرای ساواک، از نیروهای نظامی ایران که به عنوان ناظر آتش‌بس بین اسرائیل و سوریه (پس از جنگ ۱۹۶۷) در بلندی جولان مستقر بودند، بهره‌برداری اطلاعاتی می‌کرد. در این ارتباط، صهیونیست‌ها نیازهای اطلاعاتی خود را از طریق موساد به ساواک منتقل می‌کردند و ساواک نیز به ارتش برای پی‌گیری این مقصود دستورات لازم را صادر می‌کرد.

در یکی از گزارش‌های به جا مانده از آن زمان، حوزه ریاست ساواک، طی نامه‌ای به رئیس این سازمان چنین نوشته است:

درباره: نیازمندی‌های اطلاعاتی سرویس اسرائیل

منظور استحضار تیمسار ریاست معظم ساواک و صدور اوامر

پیرو مذاکرات دوجانبه با رئیس سرویس اسرائیل اینک سرویس مذکور علائم و نشانه‌های نقل و انتقالات نظامی در ارتفاعات جولان را تسلیم داشته که اصل و ترجمه آن به پیوست از عرض می‌گذرد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک^۲

رئیس ساواک طی یادداشتی، در حاشیه همان نامه می‌افزاید:

بدون ذکر منبع از لحاظ آموزش شرحی به ارتش نوشته شود و علائم و نشانه‌هایی که یک ارتش در مرز [...] قبل از تجاوز انجام می‌دهد، به شرح پیوست ایفاد و اکنون که واحدهای نظامی ایران در مرز اسرائیل و سوریه متمرکز است بهترین موقع برای آموزش این واحد است.

در صورتی که ارتش مصلحت می‌داند به آن واحد اعزامی دستور مراقبت موارد پیوست را بدهد که یک تمرینی باشد و البته ممکن است موارد دیگری لازم باشد که ارتش بهتر آگاه است.^۳

سند پیوست این گزارش ساواک به شرح ذیل است:

۱. سند ساواک، مذاکرات ژنرال هوفی رئیس موساد با رئیس ساواک، بدون شماره و تاریخ. ظاهراً زمان مذاکرات پس از جنگ سال ۱۹۷۳ و گرایش سادات به سمت صلح و سازش با اسرائیل بود که رئیس موساد از ناحیه مصری‌ها ابراز آرامش خاطر کرده است.

۲. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۴/۸/۳۰.

۳. همان سند و تاریخ.

درباره: سوریه / عناصر اصلی خبر مربوط به نشانه‌های اولیه خطر

۱- به دنبال مذاکرات بین دو سرویس و گفتگوهای دیروز بدین وسیله لیست نکات مربوط به آگاهی اولیه عناصر اصلی خبر را به پیوست تقدیم می‌دارد تا به وسیله شما به واحدهای مربوطه داده شود.

۲- با توجه به اوضاع و احوال کنونی بسیار مهم است که خطوط ارتباطی جهت ارسال اطلاعات مربوطه کوتاه و بدون واسطه باشند و بسیار متشکر خواهیم شد که از روی لطف شخصاً به تمام مراحل توجه داشته باشند.

نامه نصیری رئیس ساواک به ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران درباره تدارکات و پیش‌بینی‌های یک ارتش فرضی، چنین است:

تدارکات و پیش‌بینی‌های یک ارتش فرضی

یک نسخه فهرست علائم و نشانه‌هایی که حاکی از تدارکات و پیش‌بینی‌های یک ارتش فرضی در منطقه مرزی قبل از تجاوز به خاک همسایه می‌باشد به شرح پیوست ایفاد می‌گردد.

با توجه به اینکه واحدهایی از ارتش شاهنشاهی به منظور نظارت بر آتش‌بس بین سوریه و اسرائیل در بلندیه‌های جولان متمرکز گردیده‌اند و این فرصت بهترین موقعیت برای تمرین می‌باشد خواهشمند است دستور فرمایند موارد پیوست را به منظور مراقبت در اختیار واحدهای یاد شده قرار دهند تا از این طریق واحدهای مستقر در جولان بتوانند در این موارد تمرینهای لازم را به عمل آورده و ضمناً بهره‌برداریه‌های لازم را نیز کسب نموده گزارش دهند. احتمالاً موارد دیگری هم ممکنست وجود داشته باشد که باید به آن اضافه شود.

خواهشمند است دستور فرمایند نتیجه امر را جهت آگاهی این سازمان اعلام نمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور- ارتشبد نصیری^۱

عمان

سلطان‌شنین عمان در جنوب شرقی شبه جزیره عربستان در کنار دریای عمان قرار دارد. بندر و شهر عمده‌اش مسقط پایتخت آن است. از آنجا که اسرائیلی‌ها این سرزمین را نیز جزو محدوده استراتژیک خود قلمداد کرده‌اند، لذا این منطقه از تیررس عملیات جاسوسی آنها به دور نبوده است. ژنرال زوی زامیر رئیس موساد در مذاکره با رئیس ساواک در سال ۱۳۵۲، درباره مأموران و جاسوسان رژیم صهیونیستی در عمان چنین گفته است:

ژنرال ضمیر: [...] هفته قبل دو مشاور انگلیسی سلطان قابوس پیش ما آمدند و ما هم در قبال خواسته آنها یک خط ارتباطی برای تحقیق سوابق افراد برقرار نمودیم در ضمن دو مأمور فلسطینی خودمان را در عمان نفوذ داده‌ایم که آنها اطلاعاتشان را در اختیار ما می‌گذارند و نمی‌دانند که ما این اطلاعات را بعداً در اختیار سلطان قابوس قرار می‌دهیم. اطلاع حاصل کردیم که یک گروه الفتح از لبنان به عراق آمده‌اند هدف این افراد این است که به کشتیهای نفتکش (هر کشتی نفتی) حمله کنند و تصور می‌کنند که با غرق شدن یک نفتکش تنگه هرمز بسته خواهد شد.

تیمسار ریاست ساواک: تنگه هرمز شط‌العرب نیست که با غرق یک کشتی بسته شود.

ژنرال ضمیر: این طرز فکر عربهاست و در پس تمام این طرحها شخص تلافی قرار دارد.

منظور ما از کمک به قابوس کمک به خودمان نیز می‌باشد. (منظور اطلاع از وضع کشتیهای نفتکش اسرائیل است).^۱

۱. سند ساواک، متن مذاکرات ریاست ساواک با ژنرال ضمیر (زامیر) رئیس سرویس اسرائیل، دوشنبه ۱۳۵۲/۴/۱۸.

یمن

کشور یمن واقع در جنوب و جنوب غربی عربستان، از ناحیه جنوب و جنوب شرقی به خلیج عدن، از غرب به دریای سرخ و از شمال شرقی به عمان محدود است.

اسرائیلی‌ها این سرزمین را نیز جزو قلمرو دکترین حاشیه‌ای خود قلمداد کرده و رویدادهای داخل آن را همواره تحت نظر داشته‌اند. اسناد و گزارش‌های ساواک، مذاکرات رؤسای موساد با مقامات سرویس اطلاعاتی دولت شاهنشاهی ایران، نشان دهنده حساسیت اسرائیل درباره این سرزمین است.

مذاکرات کیمخی معاون موساد با رئیس ساواک در سال ۱۳۵۵، درباره اوضاع تحولات داخلی یمن نمونه‌ای در این زمینه است:

آقای کیمخی: [...] هفته گذشته کنگره حزب کمونیست و حزب حاکم عدن انجام شد و به نفع عبدالفتاح اسماعیل تمام شد و این نشانه دور شدن عدن از عربستان و نزدیکی به شوروی است. تیمسار ریاست ساواک: ربیع‌علی رئیس جمهور عدن می‌گفت که عبدالفتاح هیچ قدرتی ندارد و نگرانی از طرف او لزومی ندارد.

سفارت سعودی در عدن باز می‌شود و این وسیله‌ای برای بدست آوردن اطلاعات خواهد بود. سعودی هم گفته است در صورتی حاضر به کمک است که از کمک شوروی چشم‌پوشی بشود. این برنامه در جریان است و در هر مرحله‌ای که سعودی اطمینان پیدا کند، به جای شوروی کمک خواهد کرد. اطلاعات شما در مقایسه با اطلاعاتی که من دیروز داشتم کاملاً مغایرت دارد. تا یکی دو هفته دیگر اطلاع دقیقتری خواهیم داشت.^۱

۱. سند ساواک، متن مذاکرات ریاست ساواک با کیمخی معاون جدید سرویس اسرائیل، ۱۳۵۵/۸/۱۹ [۱۳۵۵].

لیبی

کشور لیبی واقع در شمال آفریقا، از سمت جنوب به جمهوری چاد و نیجر، از شمال به دریای مدیترانه، از شرق به مصر، از جنوب شرقی به سودان، از غرب و شمال غربی به تونس و الجزایر محدود و پایتخت آن طرابلس است.

صهیونیست‌ها از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی، این کشور را جزو حوزه جغرافیایی کشورهای پیرامونی اعلام کرده و اوضاع داخلی و تحولات سیاسی آن کشور را با حساسیت تحت نظارت قرار داده‌اند. در چارچوب روابط اطلاعاتی ایران شاهنشاهی و اسرائیل، ساواک و موساد همکاری جدی در کسب اخبار و اطلاعات محرمانه و سری مربوط به لیبی داشته‌اند. نمونه اسناد ساواک در این باره گفت‌وگوی ناهوم ادمونی معاون وقت سرویس اطلاعاتی اسرائیل با نصیری رئیس ساواک است.

در این سند طرف اسرائیلی و ایرانی، برخی مواضع و عملکرد قذافی را با دیده مثبت ارزیابی کرده و گفته‌اند:

ریاست ساواک: [...] در مورد قذافی باید بگویم که او در مورد کمونیزم و عربیت تعصب دارد آیا

به عقیده شما قذافی به حکومت خود ادامه خواهد داد؟

آقای ادمونی: به عقیده من موقعیت قذافی استحکامی ندارد.

ریاست ساواک: معاون او اهمیت بیشتری دارد و مردی فهمیده است که البته درست است که

قذافی خشک فکر می‌کند اما باید از رویه ضد شوروی او استقبال کرد.

آقای ادمونی: اما قذافی از افراطیون عرب حمایت می‌کند و این رویه‌ای خطرناک است.

ریاست ساواک: البته تا آنجا که مربوط به رویه ضد کمونیستی او است می‌توان او را عنصری

مفید دانست.^۱

سند نمونه دیگر مربوط به سال ۱۳۵۴ است که مذاکرات ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل با رئیس ساواک را نشان می‌دهد:

[تیمسار ریاست ساواک]: جلود بسیار عصبانی و با کدورت خدا حافظی کرد و رفت. من منتظر گزارش از بغداد هستم.

آقای ایگال آلون: شاید مقداری اندیشه احمقانه با خود آورده بوده است.

تیمسار ریاست ساواک: آموزگار می‌گوید وقتی در لیبی [در] طیاره نشست جلود به داخل هواپیما آمد و وقتی با کارلوس برخورد کرد مثل دو برادر همدیگر را بغل کردند و مانند دو دوست صمیمی صحبت کردند.^۲

اسناد و مذاکرات سری مورد اشاره نشان از همکاری اطلاعاتی ساواک و موساد درباره لیبی از یک سو و حساسیت بالای اسرائیلی‌ها در قبال تحولات و اوضاع داخلی این کشور از سوی دیگر است.

۱. سند ساواک، مذاکرات ریاست ساواک با آقای ادمونی معاون سرویس اسرائیل، سه‌شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۵۰.
۲. سند ساواک، ملاقات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل، ۱۱/۱۰/۱۳۵۴.

فلسطینی‌ها

همکاری اطلاعاتی ساواک و موساد علیه مبارزان، مجاهدان و نیز گروه‌ها و سازمان‌های مبارزه فلسطینی، کلیدی و محوری بود. اسرائیلی‌ها به عنوان اشغالگران سرزمین فلسطین، همواره از فلسطینی‌ها به عنوان دشمنان قسم خورده خود یاد کرده‌اند.

از آنجا که آرمان اصلی مبارزان و مجاهدان و گروه‌های مبارز فلسطین حول محور آزادسازی فلسطین و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی از چنگال مهاجمان صهیونیست قرار داشت؛ لذا سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، در تمامی نقاط جهان، آنها را تحت تعقیب و نظارت اطلاعاتی قرار می‌دادند. اسرائیلی‌ها در این زمینه بخش قابل توجهی از اهداف خود را از طریق همکاری با ساواک و بهره‌گیری از امکانات، پوشش و مأموران این سازمان، تأمین می‌کردند.^۱

مذاکرات ژنرال هوفی با رئیس ساواک درباره برخی اشخاص و گروه‌های فلسطینی در این باره خواندنی است:

ژنرال خفی: موضوع دوم اوضاع منطقه خود ما است.

تصور می‌کنم دو تحول از کنفرانس رباط ناشی شده که روی قرارداد صلح که قبلاً بوده اثر خواهد گذاشت. یک پیشنهاد که به تصویب رسید این بود که هیچ مذاکرانی برای صلح صورت نمی‌گیرد مگر به وسیله تمام نمایندگان کنفرانس و نمایندگان فلسطین تصویب شود. ما فهمیدیم سوریها این کار را با قصد قبلی انجام داده‌اند. سوریها همیشه می‌ترسیدند و هنوز هم می‌ترسند که مصر و اسرائیل راهی برای صلح بین خود بیابند. بنابراین سوریها طرح جدید را برای

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره مراجعه شود به: عبدالرحمن احمدی، و نیز: فصل اجلاس اطلاعاتی سه‌جانبه (گزارش‌ها و قطعنامه‌ها) در همین کتاب.

جلوگیری از تماس مصر با ما عنوان کردند و از مسئله فلسطین نه به عنوان هدف بلکه به عنوان وسیله برای رسیدن به هدف استفاده کردند. این تصمیم به دو نتیجه منتهی شد: اول اینکه ملک حسین را کنار گذاشتند. دوم اینکه می‌دانستند که ما جبهه آزادیبخش فلسطین را به عنوان نماینده فلسطین قبول نخواهیم کرد. ما با فلسطینیها مذاکره نمی‌کنیم این سازمان تروریستی است و آشکارا اعلام انهدام دولت اسرائیل را می‌کند و می‌گوید می‌خواهیم یک دولت غیر مذهبی بوجود آوریم.

تیمسار ریاست ساواک: این حرفهای قبلی است. شاید حالا دیگر نگویند. اگر به موجودیت رسمی خود علاقمند باشند باید رویه‌شان را عوض کنند.

ژنرال خوفی: باید بین یاسر عرفات و سایرین فرق گذاشت.

تیمسار ریاست ساواک: هنوز تاکتیک خود را عوض نکرده‌اند.

یاسر عرفات هم بدون اینکه نماینده تمام فلسطینیها باشد مورد قبول کشورهای عربی و سازمان ملل گردیده است. بنابراین به وسیله حبش و یا سایرین ممکن است ترور شود و گروههای مخالف او ممکن است برای تولید ناراحتی برای یاسر عرفات در اروپا دست به خرابکاری و ترور بزنند.^۱

سند نمونه دیگر درباره همکاری ساواک و موساد برای مقابله با گروه‌های فلسطینی، مربوط به سال ۱۳۵۲، چنین است:

مدیر کل اداره دوم: اطلاع پیدا کرده‌ایم که دولت عراق برای ورود وسائل دریایی به منظور خرابکاری برای سازمانهای فلسطینی معافیت گمرکی قائل گردیده است و مسلماً این وسائل برای خرابکاری در خلیج است.

ژنرال ضمیر: باید در این مورد صبور باشیم زیرا در بعضی موارد مأموران بررسی ما اطلاع می‌دهند که اینها می‌خواهند دست به اقدامی بزنند ما چند ماه منتظر آن اقدام می‌مانیم خبری نمی‌شود و آنها بعد از مدت انتظار ما دست به عمل مزبور می‌زنند و این باعث شکست ما می‌گردد بنابراین باید در موارد خرابکاری صبور باشیم ما تمام پایگاههای آنها را در لبنان از بین می‌بریم چه از طریق هوا و چه از طریق زمین.

تیمسار ریاست ساواک: لبنانیها خودشان از فلسطینیها ناراحتند و قدرت نظامی فلسطینیها را

۱. مذاکرات ژنرال خوفی (هوفی) رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل با ریاست ساواک.

بیش از خودشان می‌دانند.

ژنرال ضمیر: آنها اگر بخواهند می‌توانند فلسطینی‌ها را از بین ببرند و هر چه زودتر از بین ببرند بهتر است.

تیمسار ریاست ساواک: دولت قبلی این تصمیم را داشت ولی سقوط کرد.^۱

اسرائیلی‌ها از ابتدای اشغال سرزمین فلسطین، در تبلیغات خود، مردم فلسطین را بخشی از مردم اردن و اردن را بخشی از سرزمین فلسطین قلمداد کرده‌اند. صهیونیست‌ها از دید خود، برای حل این قضیه به اقدامات سیاسی و دیپلماتیک فراوان متوسل شده‌اند.

از سوی دیگر، سند ساواک نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها در کشتار مردم فلسطین در سپتامبر سال ۱۹۷۰ در اردن و فاجعه معروف به سپتامبر سیاه، نقش فعالی در همکاری با سلطنت اردن داشته‌اند.^۲ ایگال آلون وزیر امور خارجه وقت رژیم صهیونیستی در بهمن ماه سال ۱۳۵۴ طی ملاقاتی با محمدرضا پهلوی، دیدگاه خود را در این باره چنین اعلام کرده بود:

ملاقات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با آقای ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل (۵۴/۱۰/۱۱)

آقای ایگال آلون: مایلم گزارش ملاقاتهایی را که با شاهنشاه- نخست‌وزیر و آقای وزیر امور خارجه انجام داده‌ام به عرض برسانم. در مورد قرارداد با مصر رضایتمان را اعلام کردم و همچنین اندوه خودمان را در مورد سوریه اظهار داشتم. در مورد تفویض اراضی آمادگی خودمان را اعلام داشتم مشروط بر اینکه مرزهای قابل دفاع در اختیار اسرائیل گذارده شود. بخصوص با توجه به اوضاع قرن بیستم معنی مرزهای قابل دفاع را برای نخست‌وزیر تشریح کردم.

در مورد تشکیل یک کشور فلسطینی در ساحل رود اردن به عرض رساندم که این کار چقدر خطرناک است. مشکل فلسطین وجود دارد و این مشکل باید در چهارچوب اردن حل شود چون اردن بخشی از فلسطین است و مردم فلسطین بخشی از مردم اردن هستند. یک دولت فلسطینی دستگاه سلطنت را در اردن به خطر خواهد انداخت و اگر هم چنین دولتی در خارج تشکیل شود یک دولت چپ‌گرا خواهد بود و دیدن تکنیسین‌ها و کارشناسان شوروی در حومه اورشلیم یک کابوس است.

ما آماده مذاکره با هر یک از همسایگان عرب خود بدون شرط قبلی هستیم امین مذاکرات

۱. سند ساواک، متن مذاکرات ژنرال ضمیر (زامیر) با ریاست ساواک، دوشنبه ۱۳۵۴/۴/۱۸.

۲. ن. ک: همین کتاب، فصل محدوده استراتژیک اسرائیل، بخش اردن.

می‌تواند بر مبنای قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد باشد. ما مخالف این هستیم که شورای امنیت به صورت کنفرانس ژنو دربیاید. عرض کردم آمریکاییها و یا ما باید از کنفرانس ژنو دعوت کنیم. فرمودند بسیار خوب است روسها در موقعیت بدی قرار خواهند گرفت.

در مورد مسئله فلسطین شاهنشاه اظهار نگرانی کردند و گفتند اگر واقعاً مشکل آنها حل نشود این مشکلات ادامه خواهد یافت و نگران بودند که عامل فعال فلسطینی نه تنها در اردن بلکه در عربستان سعودی هم زمام امور را در دست بگیرد.

من عرض کردم این گفته در مورد فلسطینی‌ها کاملاً درست است. در سال ۷۰ [۱۹۷۰] ما به بقا و نجات سلطنت اردن کمک کردیم از آن موقع به بعد مرزها با اردن آرامترین مرزها شده است. از ایشان استدعا کردم که اردن را تشویق کنند که با ما صحبت کنند و موافقت‌نامه‌ای در مورد پس گرفتن ساحل غربی اردن بنویسیم. در مورد [PLO سازمان آزادیبخش فلسطین] بعد از گوش کردن به حرفهای من اعلیحضرت گفتند من نمی‌گویم چه بکنید ولی بدانید اگر در مورد این مشکل پیشرفتی حاصل نشود در موارد دیگر نیز پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

اعلیحضرت فرمودند آیا امکان دارد ملک حسین را متقاعد کنید؟

عرض کردم شاید خوب باشد شاهنشاه با ملک حسین و سادات و دیگر کشورهای عربی صحبت نمایند و آنها را متقاعد کنند که با ما مذاکره کنند.

ایشان فرمودند که آیا صحبتی خواهند کرد یا خیر و من هم اصرار نکردم.

عرض کردم ما آماده‌ایم مقدار زیادی از اراضی را بدهیم بخصوص بخشی که ساکنین عرب دارد. اردن پیشنهاد ایجاد فدراسیون ساحل غربی و ساحل شرقی را کرده است که به نظر ما این مشکل را حل می‌کند. و به نفع ایران و اسرائیل هم هست. امیدواریم ایران اجازه ندهد که PLO در تهران دفتری باز کند چون بخشی از سازمانهای فلسطینی است.

تیمسار ریاست ساواک: آنها چریک تربیت می‌کنند و به کشور ما می‌فرستند باید اول تکلیفشان را با ما معلوم کنند. شما باید ترکها را متقاعد کنید که سباده این کار را بکنند چون داریم که آنها دارند بررسی می‌کنند.^۱

ایگال آلون، در سال ۱۳۵۴، اگر چه آمادگی اسرائیل را برای مذاکره با کشورهای همسایه فلسطین بر مبنای قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت و مهمتر از همه، بازپس دادن اراضی اشغالی

۱. سند ساواک، ملاقات دوجانبه ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل با تیمسار ریاست ساواک، ۱۳۵۴/۱۰/۱۱.

کرانه غربی رود اردن از سوی رژیم صهیونیستی اعلام می‌کند؛ اما واقعیت آن است که اسرائیل، پس از جنگ ۱۹۶۷ تاکنون، همواره از اجرای قطعنامه مزبور جلوگیری کرده و حتی تا سال ۱۳۵۴ ده‌ها شهرک صهیونیست‌نشین در کرانه غربی رود اردن ساخته و هزاران یهودی مهاجر از اطراف و اکناف جهان را در آن سامان اسکان داده بود. همه اینها نشان از آن دارد که طرف اسرائیلی، همواره در صدد فریب افکار عمومی و حتی دوستان خود (مقامات رژیم پهلوی) بوده و برای رسیدن به این مقصود، همیشه از حيله و فریبکاری سود جسته است. برای اثبات این ادعا می‌توان به موضع رسمی رژیم صهیونیستی، آن هم کمتر از دو سال پس از اظهارات ایگال آلون در برابر مقامات دربار ایران و رئیس ساواک در تهران، درباره کرانه غربی رود اردن، مراجعه کرد.

کمتر از دو سال پس از ادعای دروغین ایگال آلون وزیر خارجه وقت اسرائیل در مقابل محمدرضا پهلوی و رئیس ساواک، مبنی بر آمادگی اسرائیل برای بازپس دادن کرانه غربی رود اردن؛ موشه دایان وزیر خارجه وقت اسرائیل در سال ۱۳۵۶، در این باره خطاب به رئیس ساواک چنین گفت:

تیمسار ریاست ساواک: [...] خبری از اسرائیل داشتم مبنی بر اینکه تصمیم دولت اسرائیل در مورد غرب رود اردن در پارلمان اسرائیل با مخالفت‌هایی مواجه شده است. ژنرال دایان: سیاست دولت اسرائیل همزیستی با اردن و عربهای کناره غربی رود اردن می‌باشد ولی باید صریحاً بگویم که به هیچ وجه صحبتی از سازمان آزادیبخش فلسطین در میان نیست اما ما حاضریم با خود فلسطینی‌های کرانه غربی همزیستی داشته باشیم نه با سازمان آزادیبخش فلسطین. اجازه بدهید صریحاً عرض کنم که حتی اگر دوستانی مانند امریکا و ایران نیز از ما بخواهند که با ایجاد یک کشور فلسطینی در غرب رود اردن موافقت کنیم باز هم چنین کاری نخواهیم کرد.

تیمسار ریاست ساواک: نظر شما در مورد رفتارندم محلی در کرانه غربی چیست؟ ژنرال دایان: رفتارندم در کرانه غربی رود اردن مورد موافقت ما نیست چون بدون شک سازمان آزادیبخش فلسطین مردم این منطقه را تحت فشار قرار خواهد داد که به رهبران آن سازمان رأی بدهند.^۱

۱. سند ساواک، مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال موشه دایان، ۳۶/۵/۲۸ [۱۳۵۶].

پاکستان

کشور پاکستان واقع در جنوب آسیا، از غرب به ایران، از جنوب به اقیانوس هند و دریای عمان، از شمال به افغانستان، از شرق به هند و از شمال شرقی به چین محدود است. با توجه به این موقعیت جغرافیایی، اسرائیلی‌ها، این کشور را نیز در محدوده استراتژیک خود قلمداد کرده و شامل کشورها و مناطقی دانسته‌اند که استراتژی پیرامونی اسرائیل آنها را دربر می‌گیرد.

پاکستان از دیگر کشورهایی بود که اسرائیلی‌ها همواره سعی در ایجاد ارتباط با آن داشته‌اند. ساواک و شخص محمدرضا پهلوی، همان گونه که درباره مصر ذکر شد، به درخواست اسرائیل در زمینه برقراری روابط بین اسرائیل و پاکستان عملیات پنهان انجام می‌دادند.

درخواست ژنرال هوفی رئیس وقت مونسادات نصیری رئیس ساواک در این باره قابل تأمل است. ساواک طی نامه‌ای به شخص محمدرضا در این زمینه کسب تکلیف کرده است:

مفتخراً به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌رساند،
ژنرال خفی رئیس سرویس اسرائیل در ملاقات روز پنجشنبه ۳۵/۴/۶۴ [۱۳۵۵=۲۵۳۵] با جان‌تار استدعا کرد که ساواک ضمن تماس با سرویس اطلاعاتی پاکستان ترتیبی بدهد که دو سرویس اسرائیل و پاکستان تماسهای مستقیمی در زمینه مبارزه با تروریسم بین‌المللی با یکدیگر داشته باشند.

مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌گذرد تا به هر نحو که ارائه سینه ملوکانه قرار گیرد عمل شود.

جان نثار- ارتشید نصیری^۱

پس از گذشت قریب ده روز از ارسال نامه، در حاشیه آن، به نقل از محمدرضا، چنین پاسخ داده می‌شود:

مقرر فرمودند هر وقت امکان تماس مستقیم معظم‌له با مقامات پاکستانی فراهم شد موضوع یادآوری شود تا مطرح فرمایند (۳۵/۵/۴).^۲

یکی از اقدامات اسرائیل برای رسیدن به مقاصد خود در پاکستان، تلاش برای برقراری ارتباط بین سرویس اطلاعاتی آن کشور و موساد بود در این زمینه، مقامات موساد، جز ایران به سرویس اطلاعاتی ترکیه نیز متوسل شدند.^۳ سند ساواک در این خصوص چنین حکایت می‌کند:

گزارش تاریخ ۱۳۵۶/۲/۱۰ [۱۳۵۶]

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر مقتضی

رابط سرویس اسرائیل در آنکارا (آقای دان یادین) چند روز قبل مطالب زیر را با اینجانب مطرح و اظهار نموده که به‌طور خیلی خصوصی با اینجانب صحبت می‌کند و مطالبی که عنوان می‌کند نظر شخصی خود وی می‌باشد. لیکن با توجه به اهمیت موضوع و اعتقاد به این امر که مطلب عنوان شده نمی‌تواند نظر شخصی وی باشد مراتب به شرح زیر جهت استحضار و صدور اوامر مقتضی از عرض می‌گذرد:

رابط اظهار نمود سیاست فعلی دولت اسرائیل رسیدن به توافق و صلح با اعراب است و با عادی شدن روابط با این کشورها اسرائیل مایل است با همه کشورهای منطقه روابط عادی داشته باشد. به همین جهت با توجه به این سیاست کلی و در نظر داشتن این حقیقت که میان اسرائیل- ترکیه و ایران روابط همه‌جانبه وجود دارد این فکر برای من (منظور رابط سرویس اسرائیل) پیش آمده است که شروع اقداماتی برای زمینه‌سازی آینده جهت عادی کردن روابط با پاکستان به عمل آید و به نظر می‌رسد که اولین مرحله این کار برقراری تماس میان سرویسهای اطلاعاتی دو کشور می‌باشد.

رابط سرویس اسرائیل پس از عنوان کردن مطالب فوق از اینجانب تقاضا نمود که با استفاده از

۱. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۵/۴/۲۴ [۱۳۵۵].

۲. همان سند.

۳. رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر نیز از کانال ترکیه دست به اقدام‌های مشابه زده است.

آشنایی نماینده سرویس پاکستان در ترکیه در این مورد با وی مذاکره و نظر سرویس پاکستان را در این زمینه کسب و احتمال تحقق این امر را ارزیابی نمایم تا در صورت امکان ارتباط میان سرویسهای پاکستان و اسرائیل از این طریق شروع شود. به رابط گفته شد چرا سرویس اسرائیل این امر را به طور رسمی عنوان نمی‌کند. رابط اظهار نمود این فکر و ابتکار شخصی وی می‌باشد.

نظریه:

- ۱- به نظر می‌رسد رابط این موضوع را با اطمینان از اینکه از طریق نمایندگی به عرض خواهد رسید عنوان نموده است.
 - ۲- بعید است رابط سرویس اسرائیل بدون اطلاع و دستور سرویس این مطالب را مطرح کرده باشد.
 - ۳- احتمال دارد سرویس اسرائیل قصد دارد به طور غیرمستقیم از کمک ساواک در این زمینه استفاده کند تا قبل از اقدام مستقیم میزان آمادگی مقامات پاکستانی را برآورد نمایند.
- به منظور به دست آوردن فرصت برای به عرض رساندن موضوع جهت صدور اوامر عالی، در پاسخ رابط مزبور گفته شد که نماینده سرویس پاکستان در آنکارا (آقای احمد خالد نماینده ملی پاکستان در دفتر ضداخلاصه‌گری ستو) تازه وارد ترکیه شده و هنوز با وی کاملاً آشنا نیستم در فرصت مناسب نظر وی استفسار خواهد شد.

نمایندگی ترکیه- عیسی غمامی ۲۵۳۶/۲/۱۰ [۱۳۵۶]^۱

در یادداشت حاشیه سند، به نقل از رئیس وقت ساواک چنین نوشته شده است:
از عرض گذشت فرمودند با وضع فعلی پاکستان اقدامی ندارد.^۲

۱. سند ساواک، ۲۵۳۶/۲/۱۰ [۱۳۵۶]، طبقه‌بندی سری.

۲. همان سند.

چین

اسرائیلی‌ها در مناسبات اطلاعاتی خود با ایران شاهنشاهی و حتی سرویس‌های اطلاعاتی غربی، چون آمریکا و انگلستان، به دلایلی، کشور چین را نیز در محدودهٔ استراتژیک رژیم صهیونیستی قرار می‌دادند. این در حالی بود که رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس تاکنون، به ویژه در برهه‌های مختلف تاریخی، سعی در ایجاد رابطه با دولت چین داشته و در برخی مقاطع زمانی به موفقیت‌هایی دست یافته است. این روابط حتی در زمینه‌های نظامی بعضاً چشمگیر بوده است. با این حال در حوزه همکاری اطلاعاتی موساد با ساواک، چین نیز از قلمرو این همکاری‌ها جدا و خارج نبود. بلکه مقامات و مأموران ذی‌ربط موساد به شدت در جستجوی اخبار و اطلاعات سری مربوط به چینی‌ها بوده‌اند. مذاکرات دیوید کیمخی (کیمچی) معاون وقت موساد با رئیس ساواک (نصیری) درباره چین خواندنی است:

آقای کیمخی: شما شخصی هستید که گذشته پر تجربه‌ای دارید می‌خواستم در دو مورد از نظر شما کمک بگیرم.

تیمسار ریاست ساواک: من چیزی جز آنچه شاهنشاه به من آموخته‌اند نمی‌دانم.

آقای کیمخی: مشکلی که ما را نگران کرده مسئله چین است. ما می‌خواهیم مناسبات آرام و مخفی با چین داشته باشیم. تا موقعی که مائو زنده بود این امر غیر ممکن بود ولی اکنون که مائو مرده است زمان مناسبی برای این کار می‌باشد.

تهران مرکز مهمی برای فعالیت به وسیله سفارت چین است.

امکان دارد ما از طریق شما با سفارت چین در تهران تماس بگیریم. اگر چینی‌ها مایل باشند

می‌توانیم اطلاعات ذی‌قیمتی از داخل شوروی بدهیم و همچنین اطلاعاتی در مورد مسائل اقتصادی.

تیمسار ریاست ساواک: چرا اطلاعات را به ما نمی‌دهید؟

آقای مامان: در لیست همکاریهای ما نبوده است. ما در مورد فعالیت شوروی در کشورهای عربی همکاری داریم.

تیمسار ریاست ساواک: در لیست جدید گنجانیده خواهد شد.

ما با چینی‌ها تماس نداریم و با احتیاط با آنها رفتار می‌کنیم. تا شش ماه آینده وضع حکومتی چین مشکوک است.^۱

۱. سند ساواک، متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با آقای کیمخی معارن سرویس جدید اسرائیل [۱۳۵۵] ۲۵۳۵/۸/۱۹.

سنگاپور

سنگاپور جزیره کوچکی واقع در جنوب شرقی آسیاست، که زمانی، یکی از بزرگترین بنادر شرق و بزرگترین پایگاه دریایی بریتانیا در منطقه بود.

اسرائیلی‌ها در مسیر اهداف خود در منطقه، در این جزیره نیز حضور و نفوذ پیدا کرده، و بزرگترین مرکز و پایگاه اطلاعاتی و جاسوسی منطقه‌ای موساد در آسیای شرقی را در آنجا دایر و ارتباط نزدیکی با سرویس اطلاعاتی سنگاپور برقرار کرده بودند.

براساس گزارش‌های ساواک، سرویس اطلاعاتی سنگاپور به منظور ایجاد سپر حفاظتی برای میهمانان خارجی عالی‌رتبه خود، از موساد کمک می‌گرفت. درخواست سرویس اطلاعاتی سنگاپور از موساد برای حفاظت از محمدرضا پهلوی در هنگام سفر و حضور در سنگاپور نمونه‌ای از این روابط و نشانگر میزان حضور موساد در منطقه مزبور است: به عرض می‌رساند:

رابط سرویس اسرائیل در مرکز طی ملاقاتی در تاریخ ۵۳/۶/۱۷ اطلاع داد که سرویس اطلاعاتی و امنیتی سنگاپور از سرویس اسرائیل در مورد حفاظت سفر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به سنگاپور تقاضای کمک نموده است. نامبرده خاطر نشان ساخت که سرویس اسرائیل دارای تسهیلات و امکانات قابل توجهی در سنگاپور بوده و روابط مستحکمی با سرویس امنیتی آن کشور داشته و دارای نماینده مقیم نیز می‌باشد. ضمناً برقراری تماس پیسیم بین تهران و سنگاپور از طریق تل‌آویو به سهولت امکان‌پذیر می‌باشد.

رابط سرویس اسرائیل با توجه به مراتب بالا آمادگی سرویس متبوعه را برای هرگونه همکاری و برقراری تماس مستقیم بین ساواک و سرویس سنگاپور اعلام داشته و درخواست نمود به وی

اطلاع داده شود که در مورد بالا با چه قسمتی می‌تواند تماس بگیرد.

مراتب به عرض رسید مقرر فرمودند به رابط سرویس اسرائیل اطلاع داده شود که تماس مستقیم با سرویس سنگاپور لزومی ندارد لکن مفید است که سرویس اسرائیل اطلاعات خود را درباره اسامی و مشخصات و سوابق افراد مظنون، خرابکار و فلسطینیهای منطقه مورد نظر در اختیار سرویس سنگاپور قرار دهد. ضمناً هر گونه مطلبی در زمینه فوق باید از طریق ریاست اداره پیمانها به عرض برسد.

در اجرای اوامر مراتب عیناً (در ساعت ۱۲/۳۰-۵۳/۶/۱۷) به رابط اعلام گردید.

مولوی جو ۵۳/۶/۱۸^۱

مأموران و نمایندگان اسرائیلی مستقر در ایران، علی‌رغم تعیین قواعد و ضوابط مشخص در چارچوب همکاری با دستگاه سیاسی، دیپلماسی و نیز اطلاعاتی ایران شاهنشاهی، مع‌الوصف برای تأمین اهداف خود، عملاً همه مقررات را زیر پا می‌گذاشتند. تلاش سفیر اسرائیل در تهران برای ملاقات با سردبیر یک نشریه هندی در یکی از هتل‌های تهران نمونه‌ای از این قبیل شیوه‌های رفتاری صهیونیست‌ها بود.

آقای شام‌لال سردبیر کل تایمزاف ایندیا در مسافرتی که به منطقه خاورمیانه نموده بود بین راه مدت شش روز در ایران در هتل تهران انترناسیونال اقامت داشته است.

در روز چهارشنبه ۴۷/۹/۶ که همزمان با توقف نامبرده در ایران بوده دو بار آقای عزری^۲ به محل اقامت وی تلفن و چون مشارالیه در محل نبوده به تلفنچی اظهار می‌دارد برای آقای شام‌لال یادداشت بگذارید که سفیر اسرائیل در تهران می‌خواهد با ایشان تماس بگیرد.

نظریه بخش:

۱. سند ساواک، مورخ ۱۳۵۳/۶/۱۸، طبقه‌بندی سری.

۲. ربی مه‌یر عزری یا مئیر عزری، فرزند صیون، متولد اصفهان، با خانواده‌اش به فلسطین اشغالی رفت و به عنوان تبعه اسرائیل در وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی مشغول به کار شد. عزری مدتی نیز کارمند اداره تبلیغات و گوینده فارسی رادیو اسرائیل بود و بعدها مجدداً به ایران آمد و رابطه خود را با سازمان‌ها و کانون‌های یهودی داخل کشور برقرار کرد. او حتی با بعضی محافل مطبوعاتی مثل مؤسسه کیهان و اطلاعات و مؤولان آنها ارتباط صمیمی پیدا کرد. عزری سال‌ها در سفارت اسرائیل در تهران به عنوان نماینده سیاسی و سفیر فعالیت داشت و در عین حال شماری از گروه‌ها و مؤسسات یهودی تحت نفوذ و نظر او فعالیت می‌کردند. فعالیت عزری در ایران صرفاً به امور سیاسی و سفارت محدود نبود، بلکه او از طریق شبکه‌های تحت کنترل خود، در کنار اهداف سیاسی، مطامع اطلاعاتی، اقتصادی و فرهنگی خاصی را در این کشور دنبال می‌کرد. (سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۱۰۳) گفتنی است، مؤولیت عزری به عنوان نماینده سیاسی اسرائیل در ایران در اوایل سال ۱۳۵۲ش، به اتمام رسیده بود.

آقای عزری نماینده اقتصادی دولت اسرائیل در تهران است و با توجه به اینکه کشور شاهنشاهی در اسرائیل سفیر ندارد اظهارات نامبرده به یک روزنامه‌نگار زبردست هندی که در نظر داشت از کشورهای مصر، سوریه، لبنان بازدید نماید مقرون به صلاح نبوده است.^۱

●دکترین فراپیرامونی

موساد در آفریقا

سابقه و گستره حضور اسرائیلی‌ها در آفریقا

براساس استراتژی توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی، دکترین حاشیه‌ای یا سیاست پیرامونی رهبران و سران اسرائیل، محدود به چند سرزمین یا کشور حاشیه یا پیرامون فلسطین نیست. بلکه آن‌گونه که راهبرد صهیونیستی اقتضا می‌کند، این کشورها و مناطق ممکن است در شمال، شرق، جنوب و غرب آسیا، یا در هر کجای آفریقا واقع شده باشند. در قاموس صهیونیسم، این شرایط و موقعیت رژیم صهیونیستی است که مرزها و محدوده‌های این استراتژی را تعیین و ترسیم می‌کند. براین اساس، دیدگاه *ایسرها*ل سرجاسوس کهنه کار موساد درباره دخالت اسرائیل در امور آفریقا خواندنی است:

اروپائیان آفریقا را ترک کرده بودند و راه برای ورود هر کس دیگری باز بود. از بین سفیدپوستان کس دیگری جز ما نمی‌توانست به آنجا برود. ما به این دلیل می‌توانستیم این کار را بکنیم که آنها به نیت ما به عنوان اهدافی امپریالیستی سوءظن نداشتند. ما تنها کسانی بودیم که در آنجا جای پا و سر پلی داشتیم.^۱

به نوشته منابع غربی؛ گسترده‌ی علاقه اسرائیل را به آفریقا در اواسط دهه ۱۹۶۰، می‌توان به خوبی از خلال سوابقی که بازمانده یکی از افسران بانفوذ اسرائیلی به نام اسرائیل لیور^۲ دریافت. لیور در سال ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ مسافرت‌هایی به این خطه تازه یافته اسرائیل داشت. او به عنوان منشی امور نظامی *لوی اشکول* نخست‌وزیر وقت اسرائیل، به همراه *اوراهام تامیر*^۳

۱. کاکبورن، ص ۱۷۴.

2. Israel Lior

3. Avraham Tamir

ژنرال ارتش اسرائیل، مأمور بررسی چگونگی این روابط نزدیکتر با ارتش‌های قاره سیاه بود. آن‌گونه که لیور بعدها آشکار ساخت: کمک نظامی و غیرنظامی اسرائیل به دولت‌های آفریقایی در آن هنگام به حداکثر خود رسیده بود. تقریباً در همه کشورها اسرائیلی‌هایی بودند که در سیستم‌های نظامی و غیرنظامی [به ویژه اطلاعاتی] به آنها یاری می‌کردند.^۱

در این سال‌ها یوری (اوری) لوبرانی^۲ سفیر اسرائیل در اوگاندا بود و با ایدی (عیدی) امین رئیس وقت ستاد ارتش آن کشور (که بعدها رئیس جمهور شد) ارتباط نزدیک پیدا کرده بود. به گونه‌ای که پس از حضور فرستادگان نظامی اسرائیل به اسامی، اسرائیل لیور، اوراهام تامیر، لوبرانی سفیر اسرائیل و بارلو^۳ سرپرست هیأت نظامی، قبل از ملاقات جمعی با ایدی امین، به آنها گفته بود که این شخص «آدم ما» یعنی مأمور یا مزدور اسرائیل است. و به نوشته منابع غربی، از قول سفیر اسرائیل؛ اگر هم هنوز «آدم ما» به شمار نمی‌رفت، بعداً به عامل اسرائیل تبدیل شد.^۴

یک سال پس از این سفر، مجدداً اسرائیل لیور همراه با لوی اشکول نخست‌وزیر وقت اسرائیل، به تعدادی از کشورهای آفریقایی مسافرت کرد. در این سال، ایدی امین رئیس ستاد ارتش اوگاندا بود و از هیأت بلندپایه اسرائیلی استقبال رسمی به عمل آورد. هیأت اسرائیلی به سرپرستی لوی اشکول، سپس به سنگال و بعد ساحل عاج و نیز زئیر^۵ رفتند. هیأت اسرائیلی در زئیر در مراسم نظامی و رژه که برای جشن استقلال این کشور برپا شده بود شرکت کردند.

پس از دیدار مقامات اسرائیلی با رئیس جمهور ژنرال جوزف موبوتو و مسؤولان زئیر، روابط طرفین مستحکم‌تر شد. البته پیش از این، در تاریخ ۱۹۶۳ جوزف کازاوبو جانشین پاتریس لومومبا، به اسرائیل سفر کرده بود. و در همین سال کارشناسان اسرائیلی برای آموزش گروهی جهت نگهداری از کاخ رئیس جمهور زئیر به آن کشور اعزام شدند و دوستان و پنجاه نظامی از آنجا برای فراگیری تعلیمات نظامی و بلکه اطلاعاتی به اسرائیل اعزام شدند که

۱. همان منبع، ص ۱۷۶.

2. Uri Lubrani

3. Bar Lev

۴. همان منبع، ص ۱۷۶.

۵. پیش از این به کنگو معروف و شناخته شده بود.

ژنرال جوزف موبوتو فرمانده وقت ارتش (و رئیس جمهور بعدی) نیز این عده را همراهی می‌کرد. موبوتو در این سال‌ها با یکی از مأموران موساد به نام مایر (مه‌یر) میوهاس^۱ ارتباط بسیار نزدیکی برقرار کرده بود.^۲

به نوشته منابع غربی، دوستی میوهاس جاسوس اسرائیلی با موبوتو به مدت سی و پنج سال حفظ شد. در سال ۱۹۶۴ موبوتو با کمک سازمان جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا، موسوم به سیا، قدرت را در زئیر به دست گرفت و نام خود را به موبوتوسه سکو^۳ تغییر داد. او در این دوران به یکی از پولدارترین افراد جهان تبدیل شد و ثروت دوست اسرائیلی او یعنی مایر میوهاس جاسوس موساد نیز همراه وی افزایش پیدا کرد و در دهه ۱۹۸۰ او دائماً قدرتمندتر می‌شد. و به قول یکی از مفسران اسرائیلی، مطمئناً میوهاس به عنوان یکی از مؤثرترین فرستادگان پنهان اسرائیل در خاطره‌ها خواهد ماند.^۴

1. Meir Meyouhas

۲. ن.ک: همان منبع، ص ۱۷۸.

3. Sese Seko

۴. همان منبع، ص ۱۷۹. درباره موضوع میوهاس، ن.ک: استوارث استیون.

اوگاندا

اسرائیلی‌ها در دهه ۱۹۶۰، به دلیل ارتباط با بعضی افراد مزدور و سرسپرده، چون *ایدی امینی* (عمیدی)، موقعیت بسیار مناسبی در کشور اوگاندا به دست آورده بودند.

اوری لوبرانی سفیر وقت اسرائیل، با این شخص در زمانی که معاون رئیس ستاد ارتش و سپس رئیس ستاد و بعدها رئیس جمهور شد، ارتباط بسیار نزدیک و دوستانه‌ای داشت. تا جایی که آنها از امین به عنوان «آدم ما» یا مأمور ما یاد می‌کردند. البته منابع غربی سابقه مزدوری و سرسپردگی افرادی چون *امین* را به قبل از حضور اسرائیل می‌دانند. به نوشته آنها: تنها اسرائیل نبود که *ایدی امین* را مأمور ما می‌دانست. انگلیسی‌ها نیز که *امین* را در گروه نظامی تفنگداران آفریقا از درجهٔ گروه‌بان دومی ارتقاء داده بودند، او را هر چند کمی ناقص از نظر عقل، اما شدیداً وفادار به انگلستان ارزیابی کرده بودند.^۱

همسویی و همکاری سرویس اطلاعاتی انگلستان و اسرائیل به ویژه نقش *باروخ بارلو* وابسته نظامی اسرائیل، در جریان کودتای سال ۱۹۷۱ توسط *ایدی امین*، موفقیت بزرگی در جهت استراتژی اسرائیل در منطقه بود. با این کودتا *ایدی امین* رئیس جمهور شد و آن تعداد از شرکت‌هایی را که *اوبوته* رئیس جمهور قبلی اوگاندا ملی کرده بود به غربی‌ها برگرداند و درباره افزایش حضور نیروهای اسرائیلی در کشورش نظر مساعد و موافق داد و به این سبب موجب خشنودی مقامات لندن، واشنگتن و تل‌آویو شد.^۲

به اعتراف منابع غربی، *ایدی امین* در دوران حکومت خود از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ حدود

۱. همان منبع، ص ۱۸۰.

۲. همان منبع، صص ۱۸۱-۱۸۲.

سیصد هزار نفر از مردم عادی و نظامی را قتل عام کرد و به طوری که نوشته‌اند، علاوه بر نقاط ضعف متعددی که داشت عادت کرده بود تکه‌ای از جگر قربانیان خود را نیز بخورد.^۱ مع‌الوصف آمریکا، انگلستان و به خصوص اسرائیل مشتاقانه و با حرارت از وی حمایت و پشتیبانی می‌کردند.

رویداد تاریخی فرودگاه انتبه

در دورانی که ایدی امین دیکتاتور مورد حمایت آمریکا، انگلستان و اسرائیل در اوگاندا حکومت می‌کرد، حادثه معروف فرودگاه انتبه در آن کشور به وقوع پیوست. در سال ۱۹۷۶، یک گروه مبارز فلسطینی، یک هواپیمای فرانسوی را که شمار زیادی از مسافران آن یهودی بودند، در فرودگاه انتبه در خارج از کامپالا پایتخت اوگاندا به گروگان گرفت. اسرائیلی‌ها جهت آزاد کردن گروگان‌ها برای مأموران خود، مجوز انجام عملیات نظامی در اوگاندا صادر کردند. شیمون پرز وزیر وقت دفاع اسرائیل به سراغ باروخ بارلو، یوسف سائن^۲ رئیس هیأت نظامی و نیروی هوایی اسرائیل در اوگاندا و نیز موشه بدیچی^۳ که خلبان شخصی ایدی امین بود، رفت.^۴ عملیات اسرائیلی‌ها علیه گروه فلسطینی که هواپیما و مسافران آن را، گروگان داشتند، سرانجام به موفقیت رسید و با کشته شدن شماری از مسافران و نیز هواپیماربایان، بقیه مسافران نجات یافتند. نکته بسیار قابل توجه اینکه، در این عملیات، نه فقط سازمان جاسوسی آمریکا و سرویس اطلاعاتی خارجی انگلستان با موساد همکاری و همراهی تنگاتنگی داشتند که ساواک نیز به نفع اسرائیل ایفای نقش می‌کرد.

یک منبع غربی در این خصوص چنین می‌گوید:

اما موفقیت یک عامل انگلیسی به نام بروس مکینزی که مشاور نزدیک جومو کینیا تا رئیس جمهور کنیا بود، دست کمی از موفقیت در فرودگاه انتبه نداشت. اساس موفقیت این عملیات بر این استوار بود که هواپیماها قادر باشند در کشور کنیا سوخت‌گیری کنند، و مکینزی توانست اجازه لازم را برای این کار بگیرد. او در آن هنگام در گیرودار یک معامله پرمفعت

۱. همان منبع، ص ۱۸۲.

2. Yosef Soen

3. Bedichi

۴. همان منبع، ص ۱۸۳.

ابزار مخابراتی نظامی با/یدی امین (رئیس جمهور اوگاندا) بود. یک نویسنده انگلیسی مسائل اطلاعاتی به نام چاپمن پینچر گزارش می‌کند که مقامات ارشدی را از موساد، سیا و حتی ساواک در خانه مکنزی دیده و با آنها گفت‌وگو کرده است. حداقل از دیدگاه اسرائیلی‌ها، مثالی بهتر از این مورد را نمی‌توان درباره سودمندی روابط پنهانی ارائه داد.^۱ روابطی که در نهایت به نفع اسرائیلی‌ها و در خدمت اهداف استراتژیک رژیم صهیونیستی در آفریقا بود.

در اسناد به جامانده از ساواک در رابطه با هماهنگی و همکاری موساد و مقامات ساواک درباره مسأله گروگان‌های هواپیمای فرودگاه انتبه در اوگاندا، اطلاعات بسیار مهم و خواندنی وجود دارد. ژنرال هوفی (خوفی) رئیس وقت موساد، طی نامه‌ای به نصیری رئیس ساواک در این باره او را در جریان مآوقع قرار می‌دهد:

در تاریخ ۱۳/۴/۳۵ [۱۳۵۵] ساعت ۸/۴۵ صبح تلگرام مشروح زیر از طرف ژنرال خفی رئیس سرویس اسرائیل به عنوان تیمسار ریاست ساواک واصل شد:

این تلگرام را در حالی برای جنابعالی می‌فرستم که ما مشغول تکمیل کردن عملیات نجات هوایی می‌باشیم که طی این عملیات ما موفق شدیم کلیه گروگانهایی که در فرودگاه انتبه نگهداری می‌شدند آزاد نماییم. طی این عملیات ما تلفات فوق‌العاده کمی داشتیم. طی هفته گذشته ما واقعه غم‌انگیز فرودگاه انتبه را تعقیب می‌کردیم و اطلاعات موثق که به دست ما می‌رسید حاکی از این بود که بدون تردید تروریستهای جبهه خلق برای آزادی فلسطین با ژنرال عیدی امین همدست شده بودند و نیز عیدی امین به‌طور کامل شریک این اقدام وحشیانه گردیده بود. بعد از شروع مذاکرات برای آزادی گروگانها این نکته برای ما روشن شد که هیچگونه اطمینانی برای بازگشت گروگانها به وطنشان به‌طور سالم وجود ندارد. سوابق جبهه خلق برای آزادی فلسطین و عیدی امین و نیز این حقیقت آشکار که ما با مجموعه‌ای از گروههای تروریستی از آلمان-ژاپن-فلسطینها و بسیاری کشورهای دیگر مبارزه می‌کردیم برای ما راه دیگری را باقی نگذاشت این تروریستها کمک و حمایت کامل از ناحیه لیبی-عدن-سومالی و عراق دریافت می‌نمایند. من اطمینان دارم که با انجام این اقدامات ما کمک مهمی به حفظ و حراست جامعه به‌طور کلی به عمل آورده و ضربه سختی به تروریسم بین‌الملل و حامی آنان وارد ساخته‌ایم.

با تقدیم گرمترین سلامها

خفی^۱

هونی رئیس موساد، در حالی ایدی امین رئیس جمهور دیکتاتور وقت اوگاندا را عامل و مقصر حادثه قلمداد می‌کند، که او با کمک اسرائیلی‌ها کودتا کرده و قدرت را در اوگاندا به دست گرفته بود. و مأموران اسرائیلی در مذاکرات سری درون سازمانی خود، از ایدی امین به عنوان «آدم ما» یاد می‌کردند که پیش از این، در همین مبحث ذکر شد.

در تاریخ ۱۵ تیر سال ۱۳۵۵، رابط سرویس اطلاعاتی اسرائیل درباره حادثه فرودگاه انتبه با رئیس ساواک مذاکره کرد و ایدی امین را همکار فلسطینی‌ها در این عملیات اعلام کرد. گزارش رابط سرویس اسرائیل از برخی جنبه‌ها قابل تأمل است:

رابط سرویس اسرائیل: تصمیم مربوط به عملیات نجات هوایی در اوگاندا زمانی اتخاذ شد که نیروی هوایی اسرائیل به دولت اسرائیل اطلاع داد که اوگاندا از نقطه نظر مسافت در بُرد عملیات هواپیماهای اسرائیلی قرار دارد. به علاوه ما اطمینان حاصل کرده بودیم که عیدی امین با تروریستها همکاری نزدیکی داشته است. حتی عیدی امین در فرودگاه منتظر ورود هواپیمای تروریستها بوده است. مواد منفجره‌ای که تروریستها به صورت کمر بند به ساختمان فرودگاه انتبه قرار داده بودند وسیله عیدی امین تأمین گردیده بود. در چنین وضعی خود عیدی امین اعلام کرد که چون به دلایل انسانی نمی‌خواهد که هواپیماربایان از این مواد منفجره علیه گروگانها استفاده نمایند با آنها وارد مذاکره شده است در حالی که حقیقت این است که مواد منفجره را خودش در اختیار تروریستها گذاشته بود. عملیات نجات هوایی اخیر بهترین نمونه همکاری سازمان اطلاعاتی و ارتش بشمار می‌رود. البته قبل از شروع عملیات ما از گروگانهایی که آزاد شده و به پاریس رفته بودند اطلاعات کافی در مورد وضع تروریستها و گروگانها و نیز فرودگاه انتبه دریافت کرده بودیم. عملیات وسیله سه هواپیمای هرکولس انجام گرفت البته در نتیجه کمکهای ذیقیمت دولت فرانسه ما معتقد شده بودیم که دولت اوگاندا با هواپیماربایان همکاری می‌نماید و حتی هنگامی که هواپیماربایان می‌خواستند سربازان اوگاندایی از گروگانها مواظبت می‌کردند. بر خلاف تصور خیلی‌ها هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ در فرودگاه انتبه به زمین نشست و این هواپیما که حامل پزشک دارو و پرستار بود به فاصله کمی بعد از خاتمه عملیات در

پزشکی در نایروبی توقف نمودند تعدادی از مجروحین به خاطر جراحاتشان مجبور شدند در نایروبی بمانند. اولین هواپیما در ساعت ۴/۷ به اسرائیل مراجعت نمود. چهار تروریستی که هواپیمای افرانس را ربوده بودند در انتبه با ۶ الی ۷ نفری که به آنها اضافه گردیدند تقویت شدند.

نیروهای اوگاندایی ضمن همکاری با آنها از گروگانها محافظت می‌کردند.

در حدود ۲۰ سرباز اوگاندایی ضمن عملیات کشته شدند.

مجروحین و صدمات اسرائیلی‌ها به قرار زیر است:

چهار کشته (سه شخصی یک نفر افسر)

۸ زخمی (که حال ۳ یا ۴ نفر از آنها وخیم است)

۷ میگ (۱۷ و ۲۱) در فرودگاه انتبه در حال سوخته شدن دیده شد.^۱

اطلاعات تکمیلی اسرائیلی‌ها درباره فلسطینی‌ها و افراد شرکت کننده در حادثه فرودگاه

انتبه به شرح زیر است:

اسامی تروریستهایی که طی عملیات نیروهای دفاعی اسرائیل در اوگاندا مربوط به

هواپیماربایی یک فروند هواپیمای افرانس کشته شده‌اند به قرار زیر است:

الف- الحاج فیض جابر یکی از رهبران سابق جبهه خلق برای آزادی فلسطین وابسته به گروه

حبش. این شخص در طراحی عملیات تروریستی در اروپا و سایر نقاط شرکت داشته و اخیراً

در مصر اقامت داشته است.

ب- عبدالرازق عبداللطیف (نام رمز ابوداردان) عضو ارشد جبهه خلق برای آزادی فلسطین

وابسته به گروه حبش. شغل مهمی در قسمت فعالیتهای تروریستی خارجی گروه ودیع حداد

داشته است. در قاچاق اسلحه و مواد منفجره به خارج شرکت داشته و از گذرنامه سیاسی

جمهوری دموکراتیک خلق یمن استفاده می‌کرده است.

پ- گیل الارگا (با یائیل الارجا) در آلبوم تروریستی با شماره ۹-۳۷. مشخص گردیده است. یکی

از اعضای ارشد جبهه خلق برای آزادی فلسطین وابسته به گروه حبش و مشول عملیات در

امریکای جنوبی زیردست تیصرکه در اداره روابط خارجی جبهه خلق برای آزادی فلسطین کار

می‌کرده است. گذشته از فعالیتهای سیاسی و تبلیغاتی به ودیع حداد در طراحی عملیات

تروریستی کمک می‌کرده است.

ت- ابوعلی تاکنون شناسایی نگردیده است.

ث- ابوخالده تاکنون شناسایی نگردیده است.

ج- یکی از اتباع آلمان که نام رمزش به عربی محمد بوده است. احتمالاً شباهت به ویلفرید بوسه که یک آنارشیت آلمانی است و قبلاً با حوادث مربوط به مقربل و کارلوس ارتباط داشته دارد. بعد از فاش شدن شبکه مربوطه در پاریس در تاریخ ۱۵ تیر ماه ۲۵۳۴ [۱۳۵۴] این شخص وسیله سرویسهای امنیتی فرانسه بازداشت و از فرانسه به داخل خاک آلمان اخراج گردید. در آلمان مورد بازجویی قرار گرفته و سپس با وجه‌الضمان آزاد و از آن تاریخ ناپدید بوده است.

چ- یک تبعه زن کشور آلمان که نام رمز عربی او حلیمه بوده است. او یک آنارشیت وابسته به قسمت عملیات خارجی گروه ودیع حداد بوده که مأموریتهایی را برای این سازمان در خارج انجام داده. نام واقعی او شناسایی نگردید.

جیبوتی

کشور کوچک جیبوتی در دهانه جنوبی تنگه باب‌المندب، از طرف غرب و جنوب غربی به اتیوپی از شمال و شمال غربی به اریتره، شرق و شمال شرقی به تنگه باب‌المند و دریای سرخ، از جنوب شرقی به سومالی محدود است.

جیبوتی در ششم تیر ماه ۱۳۵۶/۲۷ ژوئن ۱۹۷۷، پس از ۱۱۵ سال حکومت استعمار فرانسه به عنوان چهل و نهمین کشور آفریقا استقلال یافت. این اعلام استقلال تأثیر زیادی بر منافع حیاتی اسرائیل در منطقه داشت.^۱ به نوشته منابع اسرائیلی، جیبوتی تحت حکومت فرانسه، عامل موازنه‌ای برای تأمین کشتیرانی در باب‌المندب، یعنی دروازه اسرائیل به یمن جنوبی بود. و از آنجا که کشور جدید، الحاق خود را به جامعه عرب اعلام کرد و زبان رسمی خود را عربی اعلام نمود، کشتیرانی اسرائیل در باب‌المندب به خطر افتاد.^۲

به هر روی رژیم صهیونیستی، این کشور بسیار کوچک را به عنوان یک منطقه استراتژیک در مسیر استراتژی پیرامونی خود ارزیابی کرده است. براین اساس اسرائیلی‌ها، همواره، تحولات مربوط به جیبوتی را تحت نظارت و بررسی قرار داده‌اند.

اسناد ساواک نشان می‌دهد که حتی قبل از اعلام استقلال جیبوتی، رژیم صهیونیستی در آن سرزمین نفوذ سیاسی و اطلاعاتی قابل توجه داشت. ساواک طی گزارشی به محمدرضا پهلوی، تقاضای ناهوم ادمونی معاون وقت موساد از ایران را درباره جیبوتی چنین اعلام

۱. علی‌اکبر ولایتی، ص ۹۶.

۲. همان منبع، ص ۹۶، به نقل از: گزارش شماره ۶۶۰ مورخ ۱۳۵۶/۴/۷ از مرتضایی [نمایندگی ایران در اسرائیل] به وزارت امور خارجه، سر مقاله [روزنامه اسرائیلی] دآوار مورخ ۱۹۷۷/۶/۲۷، تل‌آویو.

شرایط مقتضی، با ارایه اخبار، اطلاعات و حاصل تحقیقات و بررسی‌های خود به مقامات ساواک، از موقعیت ایران به نفع اسرائیل و مطامع صهیونیسم در منطقه استفاده می‌کردند. ساواک نیز در این باره از هیچ خوش خدمتی به صهیونیست‌ها کوتاهی و خودداری نمی‌کرد. در یکی از اسناد، به گزارش ارسالی اسرائیلی‌ها درباره اوضاع داخلی و روابط خارجی جیبوتی، چنین آمده است:

مدیر کل اداره دوم

موضوع: اوضاع جیبوتی

بدین وسیله اصل و ترجمه گزارش دوستان زیتون [موساد] در ده صفحه درباره اوضاع داخلی جیبوتی و روابط خارجی آن که از عرض تیمسار ریاست ساواک گذشته است و معظم‌له پی‌نوشت فرموده‌اند که یک نسخه به ادارات کل دوم و هفتم ارسال شود به پیوست ایفاد می‌گردد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک-محیط

و اما گزارش بسیار قابل توجه و خواندنی سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که درباره وضعیت داخلی و روابط خارجی جیبوتی، پس از استقلال این کشور، تهیه شده است:

درباره: روابط خارجی جیبوتی

۱- منبعی اظهار نظر می‌نماید که فرانسه به خاطر فشار کشورهای عربی مخصوصاً لیبی، یمن جنوبی، سوریه، کویت و الجزایر مجبور شد جیبوتی را رها نماید. مصر به خاطر ضعف سیاسی آشکارا با سیاست کشورهای افراطی عرب مخالفت نمی‌ورزد لذا جرئت نمی‌کند تمایل باطنی خود را مبنی بر استقلال جیبوتی اعلام دارد. عربستان سعودی سیاست روشنی را در این مورد اتخاذ ننموده است. تنها تماس بین نخست‌وزیر جیبوتی و عربستان سعودی بازدید پنهانی فرستاده عربستان سعودی برای تقاضای پشتیبانی جیبوتی از علی میرا یکی از افراد قبیله آفار بوده است که علیه اتیوپی‌ها مبارزه کردند. عربستان سعودی آماده خواهد بود که در ازاء حمایت از علی میرا که مسلمان بوده و مورد پشتیبانی آن دولت است به جیبوتی کمک‌های مالی پیشنهاد نماید. نخست‌وزیر جیبوتی این پیشنهاد را رد نمود زیرا نمی‌خواست که با اتیوپی‌ها مبارزه نماید.

- ۴- به نظر می‌رسد در صورتی که عارف مجبور به استعفا شود عبدالله کمین جای او را خواهد گرفت
سایر نامزدهای احتمالی برای نخست‌وزیری عبارتند از برکت گوراد از حزب اتحاد خلق افریقا
برای استقلال (LPAI) و احمد یوسف از حزب اتحاد ملی برای استقلال (UNI).
- ۵- در تمام این قلمرو به‌طور کلی آقارها اکثریت دارند ولی در شهر ایسا برتری دارند. بسیاری از
افراد در میان ایساها شناسنامه ندارند و در نتیجه قانوناً نمی‌توانند رأی بدهند از طرف دیگر
آقارها چادر نشین هستند و بسیاری از آنها با اینکه کارت شناسایی جیبوتی را با خود دارند در
«اوگادن» زندگی می‌کنند.^۱

۱. گزارش سرویس اطلاعاتی اسرائیل درباره اوضاع داخلی و روابط خارجی جیبوتی، مورخ ۷ و ۸ ژوئن ۱۹۷۶، شماره ۱۶۳۱، پیوست همان سند.

سومالی

سومالی از دیگر کشورهای آفریقایی است که به دلیل موقعیت خاص استراتژیکی در کنار دریای احمر، در استراتژی پیرامونی اسرائیل جایگاه ویژه‌ای داشته است.

سومالی در شمال آفریقا، همه ساحل آفریقایی خلیج عدن و پهنه‌ای را در کنار اقیانوس هند فراگرفته است. از غرب به کنیا و اتیوپی، از شمال غربی به جیبوتی، شمال به خلیج عدن و شرق به اقیانوس هند محدود و شهر معروف موگادیشو پایتخت آن است.

با سقوط امپراتوری هایل سلاسی و روی کار آمدن دولت چپ‌گرای هایل ماریام، سومالی با این کشور در حال جنگ و درگیری بود. در این دوران، آمریکا و کشورهای تابع و همسو با ایالات متحده، مثل ایران و عربستان از دولت سومالی حمایت می‌کردند. دولت سومالی نیز علی‌رغم همگرایی با آمریکا و همپیمانان ایالات متحده، نوعی مشی ضد اسرائیلی را دنبال می‌کرد. اسرائیلی‌ها نیز برای از دست ندادن نفوذ، پایگاه‌ها و موقعیت خود در اتیوپی، در این درگیری‌ها، به شدت علیه سومالی و به نفع اتیوپی موضع‌گیری می‌کردند. رژیم صهیونیستی در آن دوران برای فروپاشی حکومت داخلی سومالی از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی‌کرد. این در حالی بود که موساد بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌ها و حتی مقاصد خود را در این زمینه با دوست و همپیمان خود، یعنی ساواک و ایران شاهنشاهی که به اصطلاح حامی سومالی بود، در میان می‌گذاشت. ساواک و موساد درباره اوضاع سومالی با هم مبادله اطلاعات می‌کردند. مع الوصف از سوی حکومت پهلوی و ساواک هیچ‌گونه مخالفتی با موضع و سیاست اسرائیلی‌ها در خصوص سومالی ابراز نمی‌شد. تحلیل‌گران و آگاهان سیاسی اسرار این مشی دوگانه ایران را ناشی از حضور و نفوذ همه‌جانبه اسرائیلی‌ها در

[illegible]

၎င်းတို့သည် နေရာအနှံ့တွင် နေထိုင်ကြသည်။

از طریق عوامل موجود در داخله و عاملی بیرونی که در خارج از
تنشیه ها، استراتیژی ها، و ... است. این عملیات را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:
1- عملیات داخلی: شامل عملیات داخلی و عملیات خارجی است.
2- عملیات خارجی: شامل عملیات خارجی و عملیات داخلی است.
در این بخش، به بررسی عملیات داخلی و عملیات خارجی می پردازیم.

بررسی قرار دهند [...] .

تیمسار ریاست ساواک: در مورد مسئله سومالی، ما هم از اتیوپی راضی نیستیم چون رژیم ثابتی ندارد ولی کنیا یک کشور نیرومند و طرفدار غرب است که می‌داند چه می‌خواهد و دنبال چیست. ما مایلیم که با کنیا همکاری داشته باشیم.

کیمخی: دولت کنیا مایل است یکی از رهبران طراز اول خود را به نام آقای اوجون جوکه ظاهراً دادستان کل کنیا است ولی در باطن قویترین مرد آن کشور بعد از رئیس جمهوری می‌باشد به همراهی بروس مکنزی برای تقدیم پیامی از طرف جومرکنیاتا به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر اعزام دارد و ضمناً نامبردگان با مقامات ساواک نیز ملاقات کنند. و در مورد مسائل شرق افریقا و اقیانوس هند با شما همکاری نمایند.

ما خوشحال می‌شویم اگر شما با ما در کنیا بر علیه سومالی همکاری کنید. مسئله کمک اقتصادی نیست. در صورتی که موافقت می‌فرمایید اجازه بدهید ترتیب مسافرت غیررسمی این اشخاص را به تهران بدهیم.^۱

ساواک، علی‌رغم روابط خوب سیاسی بین ایران و سومالی، مطابق خواست و نظر طرف اسرائیلی، اقدام می‌کرد. این سرویس اطلاعاتی، با استفاده از روابط مورد اشاره، اخبار و اطلاعات محرمانه را از داخل سومالی جمع‌آوری می‌کرد و در اختیار کشورهای دوست، قرار می‌داد و به علاوه طبق پیمان قبلی، نسخه‌ای از این گزارش‌های اطلاعاتی را برای موساد ارسال می‌کرد:

در اجرای اوامر صادره قبلی از طرف تیمسار ریاست ساواک در تاریخ ۲۵۳۴/۱۱/۹ [۱۳۵۴] گزارش فرستادگان ساواک به کشور سومالی در اختیار سرویسهای آمریکا و همچنین انگلستان- مصر- سعودی و فرانسه قرار داده شد.

در اجرای اوامر صادره که طی شماره فوق ابلاغ گردید یک نسخه از آن گزارش به سرویس اسرائیل ارسال گردید.

مدیر کل اداره هفتم- کاوه^۲

۱. گزارش ساواک، متن مذاکرات ریاست ساواک با آقای کیمخی معاون جدید سرویس اسرائیل، مورخ ۲۵۳۵/۸/۱۹ [۱۳۵۵].

۲. سند ساواک، مورخ ۳۵/۳/۲ [۱۳۵۵]؛ شماره ۷۹-۷۷۴/۱۷، طبقه‌بندی سری.

کنیا

کنیا از کشورهای شرق آفریقا، از سمت شرق به اقیانوس هند، از شمال به اتیوپی و سودان، از غرب به اوگاندا و دریاچه ویکتوریا و از جنوب به تانزانیا محدود و مرکز آن نایروبی است. این کشور در ۱۲ دسامبر ۱۹۶۳ استقلال یافت و در ۱۶ دسامبر، یعنی چهار روز بعد، در سازمان ملل پذیرفته و در سال ۱۹۶۴ جمهوری شد.

همان‌طور که اسناد محرمانه و اطلاعاتی بخش اتیوپی و سومالی حکایت می‌کردند، این کشور نیز جایگاه ممتازی در استراتژی پیرامونی اسرائیل داشته است. صرف نظر از همه نفوذ و حضور اسرائیلی‌ها در آن کشور، موساد نیز پایگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی مستقلی در آن کشور ایجاد کرده بود. به علاوه مقامات و مأموران سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از روابط سیاسی ایران با کنیا نیز سود می‌جستند. فراتر از همه اینها، مطابق برنامه موساد و بر مبنای پیمان اطلاعاتی این سرویس با ساواک، مقامات و مسئولان سرویس جاسوسی و اطلاعاتی رژیم پهلوی نیز موظف بودند از حضور و نفوذ خود در کنیا در مسیر مطامع اسرائیل عمل کنند. نصیری رئیس ساواک طی نامه‌ای به محمدرضا، در این باره نوشته است:

مفتخرأ به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌رساند

پیرو مذاکرات جان‌نثار با رئیس سرویس اسرائیل روز ۳۵/۴/۲۴ [۱۳۵۵]، در مورد کنیا اینک رابط سرویس اسرائیل از طرف مقامات متبوعه‌اش استدعا دارد که ساواک نماینده‌ای را به مدت یک هفته به کشور مذکور اعزام نماید تا ضمن ملاقات با ریاست جمهوری و مقامات برجسته آن کشور نوعی ارزیابی اطلاعاتی پیرامون اوضاع کنیا به عمل آورده شود.

رابط سرویس اسرائیل خاطر نشان ساخت که جوموکیا تا رئیس جمهوری کنیا همواره از ملاقات

با سفرای کشورها در نایروبی احتراز جسته و بیشتر علاقمند است که با نمایندگان ویژه سرویسهای اطلاعاتی ملاقات و مذاکره نماید. مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌گذرد تا به هر نحو که اراده سنیه ملوکانه قرار گیرد عمل شود.

جان‌نثار- ارتشبد نصیری^۱

صرف نظر از کشورهایی که درباره آنها بحث شد، اسرائیلی‌ها در دوره‌های مختلف، در کشورهای دیگر آفریقایی، از غنا، لیبیا تا آفریقای جنوبی و... نیز حضور و نفوذ اطلاعاتی داشته‌اند.

آمریکای لاتین

فزون‌خواهی و ماهیت توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی موجب شده، تا مقامات سرویس اطلاعاتی موساد نه فقط جغرافیایی به پهنه آسیا تا آفریقا، بلکه حتی آمریکای لاتین را نیز در محدوده استراتژیک اسرائیل ارزیابی کنند.

مأموران سیاسی و اطلاعاتی اسرائیل، همزمان با شروع فعالیت‌های خود در کشورهای آسیایی و آفریقایی؛ آمریکای لاتین را نیز از یاد نبردند. فعالیت، حضور و نفوذ اسرائیلی‌ها در حوزه‌های مختلف، به ویژه در بخش نظامی و اطلاعاتی، در آمریکای لاتین، اگر چه از دهه ۱۹۵۰ شروع شد، اما در دهه ۱۹۶۰ به اوج خود رسید. به طوری که نوشته‌اند: اسرائیل از طریق آموزش افسران بلندپایه دوازده کشور آمریکای لاتین، تماس‌های ارزشمندی برای تجارب آینده خویش پدید آورد. استفاده از منابع مالی ایالات متحده جهت آماده کردن زمینه فروش مقادیر قابل توجهی سلاح و توسعه همکاری نظامی، روش خلاق در استفاده از این منابع بود. طی حداقل ۱۶۰ دیدار که بین سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۷۱ [بین مقامات طرفین] صورت گرفت، ژنرال‌های آمریکای لاتین راه پایگاه‌های نظامی اسرائیل را در پیش گرفتند. برخی از این ژنرال‌ها عاقبت به ریاست دولت و کشور خود دست یافتند. *آلفرد و اوواندو کاندیا از بولیوی*، *خیل لاگرو دگارسیا از گواتمالا*، و *خوآو باتیستا فیگورید* و از برزیل، همگی وقتی یونیفرم به تن داشتند، دیداری از اسرائیل کرده بودند. طبیعتاً نظامیان اسرائیلی با استفاده از فرصت، سفرهای متقابلی به آمریکای لاتین انجام می‌دادند.^۱ روابط اسرائیلی‌ها در این حوزه به

تدریج به جایی رسید که آمریکای لاتین به بازار اصلی تسلیحات اسرائیل تبدیل شد. جز کشورهای مورد اشاره، اسرائیل از هندوراس، تانیکاراگوا، السالوادور، آرژانتین، کاستاریکا، پاناما، کلمبیا، اکوادور، برزیل، شیلی، پرو و... نیز در دوره‌هایی حضور و نفوذ اطلاعاتی داشته و یا دارد. روابط رژیم صهیونیستی با بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین محدود به حوزه‌های نظامی و اطلاعاتی نبوده، بلکه معاملات سرشار اقتصادی نیز بخشی از این روابط را تشکیل داده است.

● ضمایم

ضمیمه یک

«پروژه گل» یا بمب اتم

در این گزارش، رئیس ساواک، اظهارات لوبرانی رئیس نمایندگی (سفیر) اسرائیل در ایران را به محمدرضا پهلوی اطلاع داده است.

لوبرانی در این ملاقات با اشاره به تماس‌های پنهانی اسرائیل با ملک حسین پادشاه اردن، ضرورت تلاش برای بقای سلطنت ملک حسین، همکاری اقتصادی ایران و اسرائیل تحت نمایندگی ساواک، طرح همکاری برای تولید هواپیمای خاص و پیشنهاد تولید سلاح‌های اسرائیلی در ایران را ارایه می‌دهد. او با اشاره به حضور یهودیان سازمان ناسا در اسرائیل، آمادگی رژیم صهیونیستی را برای همکاری‌های اتمی با ایران، اعلام می‌کند؛ دانشجویان ایرانی برای فراگیری فیزیک هسته‌ای به جای اروپا و آمریکا به اسرائیل اعزام شوند.

لوبرانی همچنین تأکید می‌کند که در صورت ابراز تمایل از سوی ایران، اسرائیل برای این کشور سلاح اتمی تولید کند و ایران را به سلاح‌های هسته‌ای و اتمی مجهز کند:

گزارش

به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌رساند

پیرو مذاکرات با آقای اسحق رابین نخست‌وزیر اسرائیل و عریضه‌ای که از طرف ناسبرده در مورد پیشنهاد ریاست جمهوری مصر برای مذاکره جداگانه با اسرائیل به پیشگاه ذات اقدس شهریاری معروض گردید اوامر مجدد ملوکانه به شرح زیر:

«همانطوری که قبلاً گفته شد مصر بدون نظر سوریه و سایر کشورهای عربی از طریق آمریکا یا سازمان ملل حاضر به مذاکره در مورد اعاده قسمتی از سینا شده است. شاهنشاه مجدداً تأکید

نخواهد بود.^۱

در خاتمه به شرف عرض پیشگاه مبارک ذات اقدس شهرباری می‌رساند که برابر اطلاع واصله از رابط سرویس اطلاعاتی اسرائیل در ایران، از طرف نخست‌وزیر اسرائیل، ژنرال ضمیر [زامیر] رئیس سابق سرویس اطلاعاتی اسرائیل به عنوان سرپرست طرح‌های مربوط به همکاری در زمینه‌های اقتصادی و نظامی با ایران تعیین و معرفی گردیده است.

مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می‌گذرد.

از شرف عرض شاهنشاه آریامهر گذشت فرمودند سن فعلاً در مورد مصر صحبت کردم که قبل از آمدن بروژنیت به قاهره مرحله جداسازی مورد نظر اجرا شود.

سازمان اطلاعات و امنیت کشور^۲

۱. آن گونه که منابع غربی نوشته‌اند؛ در بهار سال ۱۹۷۷م/۱۳۵۶ش، شیمون پرز که در آن هنگام وزیر دفاع اسرائیل بود، توافقنامه‌ای را امضا کرد که در زمینه همکاری ایران با برنامه موشک بالستیک اتمی اسرائیل، موسوم به پروژه گل بود. ایران هزینه این همکاری را به صورت یک میلیارد دلار نفت خام می‌پرداخت و یک فرودگاه و سایت پرتاب برای آزمایش دوربرد موشکی و همچنین محلی برای سوار کردن موشک در اختیار اسرائیل می‌گذاشت. شاه ایران امید داشت که در مقابل این بخشش از ثمرات پیشرفت و توسعه تسلیحاتی اسرائیل برخوردار شود. هنگامی که انقلاب ایران پروژه گل و سایر اجزای جهانی را که [یعقوب] نيمرودی را میلیونر کرده بود درهم شکست و از بین برد، وی از این شکایت می‌کرد که ۶ میلیون دلار از کف داده است: کاکبورن، ص ۱۷۱.

۲. سند ساواک، بدون شماره و تاریخ؛ این سند مربوط به دوران نخست‌وزیری اسحاق رابین در اسرائیل (ژوئیه ۱۹۷۴م/۱۳۵۳ش، تا ژوئیه ۱۹۷۷م/۱۳۵۶ش) است.

ضمیمه دو

نهضت اسلامی مردم ایران

این سند متن گفت‌وگوی مقدم رئیس ساواک با هوفی (خوفی) رئیس موساد در تاریخ ششم آبان ۱۳۵۷ است.

در این گفت‌وگو، با اشاره به دوستی نزدیک ایران پهلوی و رژیم صهیونیستی، مقدم رئیس ساواک به نقش بسیار مهم موساد در آموزش مأموران ساواک تصریح و طرح استخدام مأموران بازنشسته موساد از سوی ساواک را به ژنرال هوفی پیشنهاد می‌کند. در این مذاکرات، رئیس موساد از همتای ایرانی خود درباره حوادث مربوط به انقلاب اسلامی و قیام مردم مسلمان ایران سؤال کرده، نگرانی رژیم صهیونیستی را درباره رویدادهای داخلی ایران اعلام می‌کند؛ اما رئیس ساواک از ارایه پاسخ صریح و روشن طفره می‌رود و پس از اشاره به خطر شوروی، قیام مردم ایران را یک حرکت کمونیستی مورد حمایت شوروی قلمداد می‌کند.

در ادامه گفت‌وگو، طرف اسرائیلی از به خطر افتادن جان ۱۲۰۰ مأمور اسرائیلی در ایران اظهار نگرانی کرده و از ساواک درخواست کمک می‌کند. رئیس ساواک ضمن پاسخ مثبت به همتای اسرائیلی، مدعی می‌شود که خطری برای اسرائیلی‌ها در ایران وجود ندارد (!) اما رئیس موساد مجدداً بار ادعای مقدم، به گونه‌ای دیگر نظر و موضع خود را تکرار می‌کند.

نکته قابل توجه دیگر در این مذاکره، اشاره رئیس موساد به دیدگاه آمریکایی‌ها درباره قیام ملت مسلمان ایران است. ژنرال هوفی ادعا می‌کند که طی تماسی با رئیس سیا، درباره رویدادهای داخلی ایران ابراز نگرانی کرده؛ لیکن مقامات سازمان سیا در پاسخ گفته‌اند که مسأله‌ای بسیار کوچک است و جای هیچ نگرانی نیست. در خاتمه این گفت‌وگو، رئیس

تیمسار ریاست: ضمن تشکر آیا امکان این است که بعضی از افراد شما که متخصصین فنی هستند و بازنشسته شده‌اند ما بتوانیم آنها را استخدام کنیم. یعنی اینجا بیایند و ما از تدریس آنها استفاده نماییم.

ژنرال خونی: فکر می‌کنم لازم نباشد از میان افراد بازنشسته استفاده بکنیم. زیرا وقتی آنها سرویس را ترک کرده و بازنشسته می‌شوند به کلی دور از هر گونه فعالیت اطلاعاتی بوده و اطلاعاتشان در واقع کهنه می‌شود. اگر تیمسار فکر می‌کنند به افرادی نیازمندند ما می‌توانیم برای مدت معینی اشخاصی که در حال خدمت در سرویس هستند به اینجا بفرستیم.

تیمسار ریاست: ممکن است در حال حاضر بعضی از کارمندان شما که کار آزاد گرفته‌اند بخواهند در قسمت فنی مشغول به کار بشوند خیلی خوشحال می‌شویم که اینجا بیایند و به ما از لحاظ فنی کمک کنند.

ژنرال خونی: چند نوع فنی.

تیمسار ریاست: همه نوع فنی اعم از الکترونیک و غیره.

از این نوع کمک‌های فنی به‌طور مشترک هم ما و هم ارتش نیازمندیم افراد شما تخصص بیشتری دارند و می‌توان بهره‌برداری بیشتری در رشته‌های مختلف کرد. با وجود آنکه ما در حال حاضر با عراق روابط حسنه داریم این دلیل بر آن نمی‌شود که تلاش زیادی برای به دست آوردن اطلاعات بیشتری از آن کشور نماییم ما سعی می‌کنیم به هر نحوی که شده اطلاعاتی با دستگاههای مخابراتی از عراق کسب کنیم.

ژنرال خونی: منظور تیمسار شنود است؟

تیمسار ریاست: بلی، شنود است. شنود از تمام دستگاههای مخابراتی بین کشورها.

ژنرال خونی: ما بایستی در این مورد با ژنرال گازیت تماس حاصل کنیم چون این به سرویس ما محول نشده است.

تیمسار ریاست: وقتی در ارتش بودم از ژنرال گازیت دعوت به عمل آوردم که اینجا آمدند بازدید کردند.

ژنرال خونی: بلی به‌طوری که گفتم در این مورد (شنود) نمی‌توانم قول بدهم. سعی خواهیم کرد در اولین فرصت با ژنرال گازیت تماس حاصل کرده تیمسار را در جریان امر قرار بدهم.

تیمسار ریاست: همانطور که گفتم ما و دوستان ما هدف و منافع مشترک داریم [هستیم] هر چقدر

است آیا می‌توانیم در این مورد از شما کمک بخواهیم؟

تیمسار ریاست: تهدیدی متوجه اسرائیلی‌ها نیست. در حال حاضر تهدیدی که وجود دارد صرفاً متوجه دولت است. هم کمونیست‌ها و هم مذهبیون تندرو فعالیت‌های خود را علیه رژیم و دولت انجام می‌دهند و در این چند ماهه اخیر خبری که مبنی بر تهدیدی متوجه اسرائیلی‌ها بشود نشنیده‌ام. به هر حال هر چه که مایل باشید و هر نوع کمکی که بخواهید انجام می‌دهیم.

ژنرال خوفی: خیلی متشکرم. فکر می‌کنم تهدید متوجه بعضی اسرائیلی‌ها باشد. البته این وضع این را می‌رساند که به این فکر بیفتیم در حال حاضر خطری به آن صورت نیست فقط یک یا دو خانواده اسرائیلی که در نقاط دوردست زندگی می‌کنند ممکن است مورد تهدید واقع بشوند استدعای من از تیمسار این است که اگر در آینده خطری متوجه اسرائیلی‌ها بشود و مورد تهدید واقع بشوند ما را در جریان امر بگذارید.

تیمسار ریاست: یک مسئله مهمی که برای ما مشکل ایجاد کرده به نظرم دوستان غربی ما هستند که شناسایی زیادی روی تهدید کمونیست‌ها در این منطقه ندارند و این یک نوع نگرانی برای ما است. قبلاً وقتی راجع به افغانستان صحبت می‌کردیم حرف ما را قبول نمی‌کردند بعد دیدیم چه حادثه‌ای در افغانستان روی داد.

ژنرال خوفی: دو ماه پیش به واشنگتن رفتم با سیا تماس گرفتم که وضع ایران برای ما نگران کننده است. در پاسخ گفتند که چیز کوچکی است و زیاد مهم نبوده و جای هیچ گونه نگرانی نیست. در موقع بازگشتن درست مقارن با تغییر کابینه در ایران بود که با معاون عملیات سیا خداحافظی می‌کردم، گفت که در مورد اوضاع ایران الان باید کمی نگران باشیم.

تیمسار ریاست: ما فکر می‌کنیم دید ایالات متحده آمریکا از نظر سیاسی تصوراتی است که روی کشورشان دارند. بحث‌شان دموکراسی است همان فرمول دموکراسی را در کشورشان پیاده کرده‌اند. حال اینکه قرن‌ها خصوصیت خاص پیدا کرده‌اند با یک فرمول در یک کشور دیگری نمی‌توان دموکراسی را عیناً پیاده کرد.

ملت‌هایی نظیر ایران که قرن‌ها تحت سیستم‌های معینی جلو رفته‌اند بخواهند ۱۸۰ درجه برگردند مسلماً انفجاری رخ خواهد داد و مشکلاتی فراهم خواهد آورد. حالت مردم ما مانند ماشین است که با سرعت زیادی در مسیری پیش می‌رود می‌خواهد با همان سرعت برگردد مسلماً در این موقع اتفاقی رخ خواهد داد. مردم این مناطق هنوز مفهوم آزادی را نمی‌دانند و

نظیر سایر ممالک نیستند که آزادی را قبول کرده روی آن عمل بکنند.
 ژنرال خوفی: فکر کنم قوانین حقوق بشر در این مورد بی‌تأثیر نیست.
 تیمسار ریاست: البته حقوق بشر در این گونه موارد فشاری داشته است.
 ژنرال خوفی: اولاً از طرف مردم کشورتان، ثانیاً از طرف خود ما و ثالثاً برای استقلال دنیا
 امیدواریم این مشکلات به زودی حل و فصل شود.
 تیمسار ریاست: شما این مشکلات را از بین بردید ما مردم و منافع مردم را در نظر می‌گیریم.
 البته تهدیدی که علیه ما می‌شود متناسب نیست. [...]
 ژنرال خوفی: در واقع باید طبق دستوری که تیمسار صادر کرده‌اند هدیه‌ای ندهم. اما این هدیه
 کوچکی است که می‌دهم. مجسمه اولین جاسوسی که ما معتقدیم حضرت موسی به مصر
 فرستاده بود که ببیند مردم مصر چگونه افرادی هستند و خود مصر چگونه کشوری است. اینجا
 کشور خوبی است. کشور عسل و شیرینی برای اینکه نشان بدهد که کشور حاصلخیزی نیز است
 با خودش یک خوشه انگور برده بود.
 تیمسار ریاست: آنچه برایم ارزش دارد دیدار شما است در هر حال تشکر می‌کنم.
 ژنرال خوفی: خیلی کوچک آوردم تا به دستورات تیمسار عمل کرده باشم.
 تیمسار ریاست: همانطور که گفتم خیلی خوشحال شدم که تشریف آوردید و هدیه شما واقعاً
 باارزش است.
 ژنرال خوفی: از نظر ما امیدواریم این همکاری بیش از پیش ادامه پیدا کند هر موقعی اگر کاری
 است یا هر نوع کمکی که باشد نمی‌دانم بتوانم انجام بدهم یا نه در هر صورت در انجام آن
 کوشا خواهم بود.^۱

۱. سند ساواک، متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک (مقدم) با ژنرال خوفی (هوفی) رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل، تهران، ششم آبان ۱۳۵۷.

ضمیمه سه

مواضع مشترک شاه ایران و اسرائیل

این سند، متن گفت‌وگوی ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل با نصیری رئیس ساواک در تاریخ ۱۳۵۴/۱۰/۱۱ است.

در این گفت‌وگو، ایگال آلون، محور مذاکرات خود با محمدرضا پهلوی را برای رئیس ساواک بازگو می‌کند.

نخست‌وزیر اسرائیل با اشاره به نگرانی‌های مشترک شاه ایران و اسرائیل درباره مسایل منطقه، از جمله درگیری احتمالی هند و پاکستان، مسأله حزب بعث، سوریه و نیز توسعه نفوذ شوروی، یادآور شده که چگونه به محمدرضا پهلوی توصیه کرده تا برای ارزیابی گزارش درباره دیدگاه‌های مشترک دوستان آمریکا (شاه و اسرائیل)، به ایالات متحده سفر کند.

ایگال آلون اعلام استقلال بحرین را گشاده‌دستی شاه ایران قلمداد کرده و محمدرضا را برای این اقدام و نیز به دلیل دخالت در مسأله ظفار (عمان) مورد تحسین قرار داده است. وزیر امور خارجه اسرائیل با اشاره به همکاری‌های دوجانبه ایران و اسرائیل در زمینه اقتصادی، فنی، انرژی اتمی و نفت، یادآور شده که از محمدرضا شاه، اعطای یک سری امتیازات سیاسی را برای نمایندگان رژیم صهیونیستی مستقر در تهران تقاضا کرده است:

ملاقات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل

درباره: گفت‌وگوی نخست‌وزیر اسرائیل با محمدرضا شاه

اعلیحضرت به نکاتی اشاره فرمودند که باعث نگرانی خاطرشان بود.

آتیة پاکستان: فرمودند اگر هند[،] پاکستان را به هم بزنند و تجزیه کند روسها را به اقیانوس هند

در مورد همکاریهای دوجانبه چند پیشنهاد داشتم که مطرح کردم.

۱- ما باید به همکاریهای اقتصادی - کشاورزی - انرژی اتمی و مسائل مربوط به دانشگاهها و شاید مسائل تکنولوژی و دیگر همکاریهایمان سازمان مرتبی بدهیم. فکر می‌کنم بهتر است اول یک هیئت در سطح پایین تشکیل شود و راههای همکاری را پیشنهاد کند اگر این کمیته احتیاج به کمیته بالاتری داشت آن وقت در سطح بالا یک کمیته تشکیل شود شاید لازم باشد دو وزیر خارجه هیئتهایی را تعیین کنند.

اعلیحضرت در مورد تشکیل این کمیته موافقت فرمودند. همچنین آقای مویدا و آقای وزیر خارجه. به نظر من اعلیحضرت فوق‌العاده علاقمند به همکاری تکنیکی بودند و فرمودند هر کاری که به نفع مملکتشان باشد انجام خواهند داد. در مورد طرح مشترک خط لوله از ایلات به مدیترانه عرض کردم که این کمپانی سال قبل ضرر کرده است و باید دو کشور کاری کنند که ضرر این کمپانی جبران شود. اول اینکه بانک آلمانی به او وام بدهد و ایران و اسرائیل ضامن این کمپانی شوند. دوم اینکه برای افزایش فروش به مشتریان اروپایی اعتبار ۶ ماهه بدهیم نه سه ماهه. البته کارشناسان ما نمی‌دانند که من با اعلیحضرت ملاقات کرده‌ام ولی در چنین شرایطی فروش نفت را به میزان قابل توجهی بالا خواهند برد و قادر به رقابت با کشورهای تولیدکننده نفت عرب خواهند بود. به عرض رساندم کشورهای عربی برای بالا بردن فروش نفت راههایی اجراء می‌کنند که با سیاست کلی اوپک مغایر است.

اعلیحضرت فرمودند تا آنجا که خودمان پول نقد ندهیم و فقط ضامن بشویم اشکالی ندارد. در مورد شرایط فروش نفت من می‌خواهم به مقررات اوپک وفادار بمانم. اگر شما فرمول و یا راهی پیدا کنید که عربها فروش نفت را مغایر با مقررات اوپک ندانند ما موافقیم.

به اعلیحضرت و وزیر خارجه گفتم وضع بچه‌های ما باید در تهران بهتر بشود. من مزایای کامل سیاسی نمی‌خواهم ولی نمی‌خواستم میزبانهای خود را در موقعیت بد بگذارم. من این کار را به عهده شما می‌گذارم شما تنها کسی هستید که من به شما می‌گویم در موقعیت کنونی می‌شود به ما هم مزیت سیاسی بدهید. به نظر من این موقع ایران را در جهان عرب تقویت می‌کند و به ما قدرت و توانایی می‌دهد که همکاریهایمان را توسعه بدهیم و این اقدام صلح را به ما نزدیک می‌کند.^۱

۱. سند ساواک، ملاقات تیمسار ریاست ساواک با ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل، ۱۳۵۴/۱۰/۱۱.

ضمیمه چهار

محمدرضا شاه؛ واسطه و میانجی اسرائیل

این سند، متن مذاکرات اسحاق رابین، نخست وزیر وقت اسرائیل با نصیری رئیس ساواک، در تهران است.

در این مذاکره، نخست وزیر اسرائیل محور گفت وگوهای خود با محمدرضا پهلوی را درباره اوضاع داخلی و روابط خارجی بعضی کشورهای عربی، از جمله مصر، سوریه، اردن، عربستان سعودی و نیز اجرای گروگان های اسرائیلی در فرودگاه انتبه در اوگاندا به اطلاع رئیس ساواک می رساند و از مواضع شاه ایران در مخالفت با تشکیل یک کشور فلسطینی ابراز رضایت و خوشحالی می کند:

ملاقات تیمسار ریاست ساواک با آقای اسحق رابین (جمعه ۳۵/۴/۲۵ [۱۳۵۵])

آقای اسحق رابین: در شرفیابی به حضور اعلیحضرت سعی نمودم تحولات سال گذشته را تشریح نمایم.

در مورد توافق با مصر به عرض رساندم:

«مصر به حالت جنگ خاتمه داد بخصوص به خاطر خودش. نفوذ شوروی در مصر و شکاف بین

مصر و دنیای چپ و عرب که آن موقع سوریه بود عمیق تر شد. این توافق در چهارچوب امور

جهانی یک مشکل بوجود آورد، مصر منزوی شد و بعد خوشبختانه موضوع لبنان پیش آمد و

مصریها برای انتقام گرفتن از سوریه استفاده کرده از فلسطینی ها حمایت کردند.

شاهنشاه فرمودند وقتی پرزیدنت سادات اینجا بود از من خواست به عراق فشار بیاوریم که به

سوریه فشار بیاورد تا از اسد انتقام بگیریم. شاهنشاه به سادات می فرمایند شما چه کسی را در

فلسطینی‌ها و گروگانها و چند سرباز بودند.

در مورد گروه ودیع حداد صحبت کردیم. فرمودند لیبی-الجزایر-سومالی در این برنامه دست داشتند.

در مورد الجزایر فرمودند سفیر الجزایر کاسترو را ملاقات کرده است. کاسترو در مسکو با چند تروریست ملاقات کرده است. فرمودند کمونیستها می‌خواهند از طریق الجزایر و حمایت از پولیزاریو [پولیساریو] دو بندر در منطقه به دست بیاورند و از این طریق در منطقه نفوذ کامل نمایند.

شاهنشاه سؤال فرمودند آیا روسها در پس تمام این ترورها نیستند؟
عرض کردم بله هستند.

فرمودند سعودیها زید رفاعی را دوست ندارند و می‌گویند فلسطینی است و فرمودند از رفتار کمونیستها سر در نمی‌آورند.

شاهنشاه در مورد فلسطین سه بار فرمودند دولت فرانکشتین.

در مورد توافقشان با کمپانی بل برای ساختن هلیکوپتر مطالبی فرمودند.^۱

۱. سند ساواک، ملاقات تیمسار ریاست ساواک با آقای اسحق رابین (نخست‌وزیر اسرائیل)، جمعه ۳۵/۴/۲۵ [۱۳۵۵].

ضمیمه پنج

اعتراض موساد به قطعنامه ضدنژادپرستی و رأی ایران

ژنرال نصیری عزیز

از اینکه اطلاع حاصل کردم جنابعالی در کنفرانس سه‌جانبه آینده به تل‌آویو خواهید آمد بسیار خوشحال شدم. از ملاقات گذشته ما تاکنون وقایع زیادی اتفاق افتاده است که منتظرم در تل‌آویو به عنوان میهماندار از جنابعالی پذیرایی نموده و مباحثات پرثمری را با جنابعالی داشته باشم. من هنگامی این نامه را برای جنابعالی می‌نویسم که چند روزی پیش نیست که سومین کمیته مجمع عمومی سازمان ملل متحد طرح قطعنامه‌ای را به تصویب رسانیده است که در آن از صهیونیسم به عنوان یک جنبش نژادپرست و تجاوزکار یاد شده است.

چنانچه این طرح به وسیله مجمع عمومی به تصویب برسد مطالعه و بررسی آن همیشه موجب تأسف خواهد بود.^۱ این قطعنامه نه تنها به منزله کاغذ باطله دیگری در سبد کاغذ باطله‌های تاریخ

۱. این قطعنامه در سال ۱۳۵۴ش/۱۹۷۵م، به شماره ۳۳۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در آن، صهیونیسم با شدیدترین لحن به عنوان خطری برای صلح و امنیت جهان محکوم شد. این قطعنامه تمامی کشورها را به مقابله با ایدئولوژی نژادپرستانه و امپریالیستی دعوت نموده و تأکید کرده است که صهیونیسم شکلی از نژادپرستی و تبعیض نژادی است.

لازم به یادآوری است که به دلیل نفوذ صهیونیست‌ها در مجامع بین‌المللی و قدرت‌های جهانی، سرانجام با توافق و تباری آمریکا، انگلستان، اسرائیل، شوروی و دیرکل وقت سازمان ملل متحد (خاوریرپرزدکوئیاری) ۱۷ سال بعد، روز دوشنبه ۲۵ آذر ۱۳۷۰ش (۱۶ دسامبر ۱۹۹۱)، قطعنامه ۳۳۷۹، در مجمع عمومی سازمان ملل با ۱۱۱ رأی موافق، ۲۵ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع لغو گردید. لغو قطعنامه ۳۳۷۹ موجی از اعتراض را در جهان اسلام برانگیخت. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره مراجعه شود به: کتاب پژوه صهیونیست، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاءاندیشه، چاپ اول ۱۳۷۶، مقاله قصه قوم برگزیده، نوشته محمدتقی تقی‌پور، صص ۳۱۲ تا ۳۱۵.

خواهد افتاد بلکه همانطور که آقای آلون وزیر امور خارجه گفت این نشانه میزان تنزل اخلاقیاتی است که جامعه جهانی امروز به سختی می‌تواند آن را تحمل کند.

صهیونیسم اساس معنوی و روحی جنبش آزادانه ما بوده است. طی هزاران سال یهودیها آموخته‌اند که چگونه به سرزمین صهیون در اورشلیم بازگردند و با دست کسانی که این حق را تکذیب نموده‌اند تاکنون میلیونها نفر به دیار نیستی و مرگ روانه شده‌اند.

انکار نمودن صهیونیسم به منزله انکار موجودیت اسرائیل به عنوان یک کشور است زیرا بدون صهیونیسم این کشور فلسفه وجودی خود را از دست خواهد داد.

هنگامی که اطلاع حاصل کردم نماینده کشور شما به این طرح رأی مثبت داده است متأسف شدم و اطمینان دارم که جنابعالی از میزان این تأسف آگاه هستید.

این اقدام اخیر سازمان ملل متحد موجب گردید تا نگرانی شدیدی در این کشور بوجود آید و تاکنون خیلی به ندرت خشم و احساسات عمومی بدینسان برانگیخته شده بود.

من بر خود واجب دانستم که نه تنها جنابعالی را با احساس شخصی خودم در این مورد آشنا سازم بلکه به‌طور کلی از رنجش معنوی ملت خودمان به هنگام مورد توجه قرار دادن این اقدام اخیر شما آگاه سازم.

به امید اینکه هر چه زودتر جنابعالی را در تل‌آویو ملاقات نمایم.

دوستدار- ژنرال خفی^۱

۱. سند ساواک، مورخ ۵ آبان ۱۳۵۴. ظاهراً نامه ژنرال هوفی (خوفی) رئیس موساد به نصیری رئیس ساواک در همین تاریخ ارسال شده است.

ضمیمه شش

همکاری اقتصادی و فنی

این سند متن گفت‌وگوی زوی زامیر (ضمیر) رئیس موساد با نصیری رئیس ساواک در تهران است. در این ملاقات که احتمالاً قبل از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل در اکتبر سال ۱۹۷۳م/مهر ۱۳۵۲ش، صورت گرفته، رئیس موساد از نصیری درخواست می‌کند تا محمدرضا پهلوی برای جبران کسری بودجه رژیم صهیونیستی به آنها وام اعطا کند و یا معادل آن نفت در اختیار اسرائیل قرار دهد. طرف اسرائیلی همچنین پیشنهاد تأسیس کارخانه‌های کود شیمیایی در ایران و طرح فروش واحدهای بزرگ برای شیرین کردن آب دریا، به همتای ایرانی خود ارایه می‌کند:

در مورد همکاری اقتصادی

ژنرال ضمیر: هدف ما از همکاری اقتصادی که شاهنشاه شما را برای این منظور تعیین فرموده‌اند اینست که ما استراتژی مشترکی با ایران داشته باشیم. گرچه گامها ممکنست طریقی جدا داشته باشند.

می‌خواهم به عرض برسانم حداکثر تلاش خود را برای دوری از جنگ به عمل می‌آوریم. ولی اگر به وقوع بپیوندد ما باید کمونیزم بین‌الملل را شکست بدهیم و هم جناح چپ افراطی جهان عرب را. حس می‌کنیم که این دو جنبش را منابع کمونیستی هدایت می‌کنند. به وضوح واقفیم که همکاری با ایران باید به طریقی انجام گیرد که به سیاست خارجی آن لطمه‌ای وارد نشود. سه نوع همکاری را پیشنهاد می‌کنیم:

۱- گزارش مختصری را خدمتان تقدیم می‌کنم که ثابت می‌کند اسرائیل با کسر بودجه‌ای مواجه

سؤالات شما جواب خواهند داد.

نخست‌وزیر ما از اطلاعات اعلیحضرت در مورد سازوبرگ نظامی در حیرت بودند و می‌گفتند که اعلیحضرت CEP هواپیماهای مختلف را هم می‌دانستند و من درمانده شده بودم و از تمام افراد مسئول خواسته است که در شرفیابی بعدی او را بیشتر توجیه کنند.

تیمسار ریاست: تنها سازوبرگ نظامی نیست معظم‌له در تمام موارد اطلاعات وسیع دارند بنابراین توجیه در تمام زمینه‌ها لازم است. در هر صورت تمام مطالب را به عرض می‌رسانم و نتیجه را اطلاع خواهم داد.

ژنرال ضمیر: اسیدوارم که با جواب مساعد به کشورم بازگردم.^۱

۱. سند ساواک، بدون تاریخ. ین ملاقات ظاهراً قبل از آغاز جنگ رمضان یا جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳م/ ۱۳۵۲ش، در تهران صورت گرفته است. تأکید و اصرار رئیس موساد، نشان از نوعی نگرانی و اضطراب طرف اسرائیلی دارد.

ضمیمه هفت

گزارشی درباره موقعیت نمایندگی اسرائیل در ایران

در این گزارش، ساواک به چگونگی کنترل تلفنی کارمندان و مأموران نمایندگی رژیم صهیونیستی مستقر در تهران، با ذکر جزئیات آنها اشاره کرده است:

هدف: نمایندگی اسرائیل

الف- کنترل تلفن:

کلیه مواردی که در مورد کنترل تلفن در شش ماهه اول سال ۱۳۵۱ پیش‌بینی شده بود به مرحله اجرا درآمده و نتایج حاصله به عرض رسیده و سرنخهای به دست آمده تا مرحله قابل اجرا پی‌گیری شده است.

ب- تهیه منابع و همکاران مناسب در هدف

آنچه در مورد منابع و همکاران در شش ماهه اول پیش‌بینی شده بود به مرحله اجرا درآمده و همکاری راننده سرویس در شش ماه گذشته عملی شده است این منبع در حال حاضر دوران آزمایش را می‌گذراند عده‌ای از تماسهای اعضاء نمایندگی اسرائیل مخبرین جراید و روزنامه‌نگاران می‌باشند که همکاری آنها قبلاً به وسیله اداره ۸۱۰ جلب گردیده و از طریق رهبران عملیات مربوطه در اداره ۸۱۰ توجیه شده‌اند تا تماسهای خود را با مقامات اسرائیلی گزارش نمایند.

محمد توکلی خبرنگار:

جلب همکاری ناسبرده در طرح شش ماهه اول سال ۵۱ پیش‌بینی شده بود که به مرحله اجرا درآمده است.

حسین رجیبی مدیر کل وزارت آموزش و پرورش

آقای حسین رجبی مدیر کل وزارت آموزش و پرورش در صورتی که تماسی با مقامات اسرائیلی داشته باشد به عرض تیمسار مدیریت کل خواهد رسانید.

مهرانگیر آقای پور:

نامبرده کلیمی و یکی از کارمندان نمایندگی اسرائیل است که در روابط صمیمانه‌ای با اعضاء وابستگی نظامی اسرائیل دارد نسبت به جمع‌آوری اطلاعاتی پیرامون نامبرده از طریق شنود و منابع اقدام گردیده امکان جلب همکاری وی تحت بررسی است.

پ- پی‌گیری مرنخها و ادامه شناسایی اعضاء هدف:

سرنخهای حاصله از طریق کنترل تلفن پی‌گیری و نتیجه به عرض رسیده است، اطلاعات عملیاتی در مورد اعضاء هدف به مرور جمع‌آوری شده و شناسایی عده‌ای از اعضاء خارجی و ایرانی هدف بویژه شناسایی چند افسر اطلاعاتی انجام شده.

گرچی لیوی پور و صالح چتیايات:

اقدامات پیش‌بینی شده مبنی بر کنترل تلفن و سانسور مکاتبات نامبردگان فوق که در شش ماهه گذشته پیش‌بینی شده بود به مرحله اجرا درآمده و نتایج حاصله به عرض رسیده است.

مسمود عالیخانی:

مذاکرات و تماسهای نامبرده و خواهرش مینو عالیخانی با اعضاء سرویس زیتون گزارش شده است کنترل تلفن وی مورد موافقت قرار نگرفت.

اقداماتی که در نظر است در شش ماه آینده انجام شود:

الف- کنترل تلفن

۱- تلفن مورد استفاده اعضاء سرویس زیتون کمافی السابق تحت کنترل قرار خواهد گرفت و نتایج

حاصله به عرض خواهد رسید سرنخ‌های به دست آمده پی‌گیری شده و عملیات تا مرحله قابل اجرا ادامه خواهد یافت.

۲- نسبت به کنترل سایر تلفن‌های هدف اقدام خواهد شد مذاکرات مستقیماً وسیله رهبر عملیات

استتاج و مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت و علاوه بر بهره‌برداری از مذاکرات نسبت به

شناسایی و تکمیل بیوگرافی اعضاء هدف اعم از ایرانی و خارجی به منظور بهره‌برداریهای

آینده اقدام خواهد شد.

۳- در شش ماه آینده علاوه بر کنترل تلفن‌های هدف تلفن منازل افسران اطلاعاتی طراز اول هدف

به‌طور نوبه‌ای به شرح زیر تحت کنترل قرار خواهد گرفت تا نحوه وقوع فالعیت‌های خارجی از سرویس اداری آنها مشخص گردد.

۱- تلفن منزل حیم‌گور از تاریخ ۵۱/۷/۱۰ الی ۵۱/۸/۱۰

۲- تلفن منزل اسحق بارزیلای از تاریخ ۵۱/۸/۱۰ الی ۵۱/۹/۱۰

۳- تلفن منزل بارگیورا از تاریخ ۵۱/۹/۱۰ الی ۵۱/۱۰/۱۰

۴- تلفن منزل موسی ماخیل از تاریخ ۵۱/۱۰/۱۰ الی ۵۱/۱۱/۱۰

۵- تلفن منزل بارزیلای از تاریخ ۵۱/۱۱/۱۰ الی ۵۱/۱۲/۱۰

توضیح: چنانچه ضمن کنترل تلفن منازل اعضاء سرویس قرائنی به دست آمد که یکی از آنان فعالیت‌هایی در خارج از سرویس اداری دارد نسبت به ادامه کنترل تلفن وی و تهیه طرح مراقبتی لازم در مورد مشارالیه اقدام خواهد شد.

ب- شناسایی صندوق‌های پستی هدف که به عنوان آدرس واسطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. تعدادی از صندوق‌های پستی هدف که به عنوان آدرس واسطه مورد استفاده قرار می‌گیرد شناسایی شده است نسبت به شناسایی سایر صندوقهای پستی هدف از طریق منبع جدید و سایر منابع اقدام می‌گردد پس از حصول نتیجه مراتب به عرض خواهد رسید تا ضمن کسب دستور از سلسله مراتب عملیاتی نسبت به مانسور مکاتبات آن طی طرحی اقدام شود.

ج- تهیه منابع در هتلهایی که به نفع سرویس فعالیت دارند:

صاحبان و اداره کنندگان تعدادی از هتلهای درجه ۲ و ۳ که اغلب توریست‌های عرب در آنها اقامت می‌نمایند کلیمی می‌باشند که این افراد ضمن در اختیار گذاردن اطلاعاتی پیرامون مسافرین عرب گذرنامه‌های آنان را به منظور عکسبرداری در اختیار سرویس قرار می‌دهند. از جمله هتل کینگز- هتل دیاموند- هتل زیبا- هتل کمودور و هتل سینا.

صاحبان و کارکنان تعدادی از این هتل‌ها شناسایی شده‌اند نسبت به تکمیل شناسایی و شناسایی تعدادی دیگر اقدام می‌گردد و جلب همکاری عوامل مناسبی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

توضیح: هم اکنون بخش اماکن ادارات ۸۱۰ و ۸۲۰ منابعی در بعضی از این هتلها دارند که بعضاً در مواقع اضطراری ادارات مذکور بهره‌برداریهایی لازم را می‌نمایند لیکن چون این هتل‌ها وضع خاصی دارند لذا در صورت تصویب سلسله مراتب عملیاتی همکاران مربوطه در این هتل‌ها در اختیار این بخش قرار گرفته و نسبت به انجام خواسته‌های ادارات ۸۱۰ و ۸۲۰ در مواقع اضطراری از طریق این

بخش اقدام شود. مضافاً به اینکه همکاران فعلی مناسب برای فعالیت مورد نظر این بخش نمی‌باشند و لازم است ضمن ادامه ارتباط با آنها افراد واجد شرایط دیگری در این هتل‌ها در نظر گرفته شوند و به مرور ضمن کسب اطلاعاتی در مورد سایر بیگانگان بویژه کشورهای کمونیستی و اعراب به نحو غیرمحمسوس اطلاعاتی پیرامون هدفهای این دایره از آنان کسب پس از اینکه تا حدودی وفاداری و اعتماد آنان مورد تأیید قرار گرفت در صورت مقتضی درباره هدفهای خاص این بخش توجیه گردند (در صورت موافقت سلسله مراتب عملیاتی توضیحاتی در این باره شفاهاً به عرض خواهد رسید).

د- گسترش و توسعه منابع در هدف:

۱- محمد یزدی راننده وابستگی نظامی اسرائیل

نامبرده مسلمان و متأهل است وی علاوه بر اینکه در وابستگی نظامی کار می‌کند بعضاً مورد استفاده اعضاء سرویس قرار می‌گیرد و تا حدودی مورد اعتماد آنان است تحقیقات بیشتر پیرامون وی ادامه دارد پس از حصول نتیجه بر مبنای اخبار به دست آمده امکان جلب همکاری وی بررسی و نتیجه به عرض خواهد رسید.

۲- مهرانگیز آقایی پور

تحقیقاتی در مورد نامبرده که کلیمی بوده و روابط صمیمانه‌ای با اعضاء وابستگی نظامی دارد انجام شده است. جلب همکاری وی تحت بررسی است طرح لازم در این مورد به عرض خواهد رسید.

تحقیقات به منظور نشان کردن سایر افراد واجد شرایط در هدف انجام خواهد شد افراد مناسب به منظور توسعه و گسترش منابع در هدف نشان خواهد شد.

ه- مراقبت از عملیات سرویس زیتون علیه سفارت مصر:

اطلاعات واصله از منابع فنی بهمن و بهمن ۳ و صدف حاکی بود که سرویس زیتون ضمن یک سلسله عملیات تعرضی نسبت به تهیه کروکی داخلی وابستگی نظامی و سفارت مصر اقدام نموده و قصد شناسایی و ارزیابی کارمندان سفارت مصر از جمله محمد خلیل حسابدار سفارت و احتمالاً همکار جدید او سلیمان عبدالباست را دارند این اقدامات به وسیله دو نفر از همکاران شناخته شده آنان فرید مارودی و گرجی لیوی پور انجام می‌شد که هنوز هم ادامه دارد. ضمناً سرویس زیتون در نظر داشت با مساعدت نامبردگان فوق سفارت فعلی مصر را به وسیله عوامل خود خریداری و محل مناسبی که احتمالاً متعلق به یکی دیگر از همکاران سرویس می‌باشد به

سفارت واگذار نماید که در صورت انجام این عمل امکان داشت سرویس زیتون در محل جدید سفارت مبادرت به عملیات فنی نموده باشد. لیکن این عملیات در حال حاضر به علت انصراف مقامات مصری از فروش سفارت انجام نشده است.

مراقبت از عملیات تعرض سرویس زیتون از طریق منابع دایره ادامه دارد و موضوع تحت پی گیری است.

و- مراقبت از عوامل شناخته شده سرویس زیتون

۱- گرجی لیوی پور

در شش ماه آینده نسبت به ادامه کنترل تلفن و سانسور نامه های نامبرده اقدام می گردد همچنین جلب همکاری یکی از کارکنان وی مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت. ضمناً بر مبنای اخبار به دست آمده امکان ورود مخفی و عکسبرداری از امناد و مدارک مشارالیه در محل کارش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- صالح چیتایات

سانسور مکاتبات و کنترل تلفن های محل کار و سکونت مشارالیه به طور نوبه ای ادامه خواهد یافت کارکنان مشارالیه شناسایی خواهند شد در صورت لزوم بهره برداری از وجود کارمندان وی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳- یعقوب نیمرودی

مشارالیه قبلاً وابسته نظامی نمایندگی اسرائیل در ایران بود که به اسرائیل مراجعت و پس از مدتی مجدداً به ایران آمده و شرکتی به نام I.C.E تأسیس نموده است نسبت به شناسایی این شرکت و کارکنان آن اقدام شده است در صورت امکان مدتی تلفن نامبرده تحت کنترل قرار خواهد گرفت تا چنانچه فعالیتهایی مشاهده شد نسبت به مراقبت از شرکت مذکور اقدام شود.

۴- شرکت مخابراتی موتورلا

طبق اطلاع یکی از افسران اطلاعاتی اسرائیل که سابقاً در ساواک استاد بوده در این شرکت مشغول به کار است. اقدامات لازم به منظور شناسایی شرکت فوق و افسر اطلاعاتی مورد نظر که روبرت نام دارد انجام شده پس از حصول نتیجه مراتب به عرض خواهد رسید و بر مبنای تحقیقات انجام شده و اخبار به دست آمده زیر نظر سلسله مراتب عملیاتی اقدامات

مقتضی به عمل خواهد آمد.

ز- پست مراقبت ثابت:

اقداماتی به منظور استفاده از پست مراقبت ثابت برای کنترل تردهای نمایندگی اسرائیل به عمل آمده و پرونده بخصوصی در این مورد تهیه شده چون اشکالاتی در این باره وجود داشت مورد تصویب قرار نگرفت مجدداً گزارشی در این خصوص به عرض خواهد رسید و امکان استفاده از پست مراقبت ثابت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ح- شمس الدین مفتی

در مورد شمس الدین مفتی (اسیر) که نماینده ملامصطفی می باشد و روابط مستمری با اعضاء سرویس زیتون دارد تیمسار مدیریت کل اوامری صادر فرمودند که در اجرای اوامر اقدام می گردد و تلفن ناسبرده کنترل و تماسهای وی شناسایی خواهد شد تا چنانچه فعالیت هایی خارج از حدود وظایف داشت مشخص و اقدامات مقتضی به عمل آید.^۱

اسامی بعضی مقامات و مأموران موساد، نماینده سرویس اطلاعاتی ترکیه و وابسته نظامی ایران در اسرائیل

- ۱- آقای دکتر کیمخی قائم مقام سازمان اطلاعات
- ۲- آقای بارئوریان معاون آقای کیمخی
- ۳- آقای داوید بارگیورا رئیس اداره ارتباط با سرویسهای خارجی
- ۴- آقای موشه شاتز معاون اداره ارتباط با سرویسهای خارجی
- ۵- آقای ابراهام بارزیلای رئیس اداره جمع آوری
- ۶- سرهنگ شموئیل دورون رابط ارتش و سازمان امنیت
- ۷- خانم گیلا کارمند اداره جمع آوری
- ۸- خانم ایزابلا کارمند اداره اطلاعات
- ۹- آقای روچوغلو نماینده سرویس ترکیه در اسرائیل
- ۱۰- سرهنگ محبی وابسته نظامی ارتش شاهنشاهی در اسرائیل

جام خود را نوشیدند. در شب آخر، میهمانی شامی در منزل نمایندگی ترتیب داده شد و در چهارشنبه ۴۵/۴/۲۹ به مرکز مراجعت نمودند.
مراتب جهت اطلاع به عرض رسید.^۱

۱. سند ساواک، مورخ ۱۳۴۵/۵/۲، شماره ۴۰۰، از: وفا [نمایندگی ساواک در اسرائیل] به: مرکز [ساواک-تهران].

ضمیمه نه

معرفی نماینده جدید موساد در تهران

به مدیریت کل اداره دوم

از: تیمسار ریاست ساواک (اداره پیمان‌ها)

درباره معرفی جانشین آقای بهار

نظر به اینکه مدت مأموریت آقای بهار در ایران پایان یافته است سرویس مطبوعه وی [موساد] آقای روبن مره‌ار را به جانشینی نامبرده معرفی نموده است که بدین وسیله معرفی می‌گردد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک^۱

به: مدیریت کل اداره دوم

از: حوزه تیمسار ریاست ساواک (اداره پیمان‌ها)

پرو ۱۰۰۲/۲۱۲۰
۵۴/۶/۱۸

نام مستعاری که جهت نامبرده پیروی فوق استفاده خواهد شد ماهان می‌باشد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک-محیط^۲

۱. سند ساواک، ۱۳۵۴/۶/۱۸، شماره ۱۰۰۲/۲۱۲۰.پ.

۲. سند ساواک، ۱۳۵۴/۶/۱۸، شماره ۱۰۰۲/۲۱۲۱.پ.

ضمیمه ده

نامه رئیس قبلی موساد به رئیس ساواک

ژنرال نصیری عزیز

حال که به کشور خود مراجعت کرده‌ام. بایستی از پذیرایی گرم شما در دو بازدید که از ایران نمودم تشکر نمایم، همچنین از روش جالب توجهی که در مورد کلیه مسائل اتخاذ نمودید سپاسگزارم. اکنون که ما نخستین مرحله از ایجاد زمینه جدیدی برای همکاری بین دو کشور خود را تکمیل کرده‌ایم، مایلم خاطرنشان سازم که انجام این مأموریت، علیرغم مسئولیت سنگینی که دربر داشت باعث مسرت خاص من گردید. هنگامی که دریافتیم شما مسئولیت اداره این طرح را به عهده گرفته‌اید بیش از حد احساس رضایت و خوشحالی نمودم زیرا با فردی مواجه بودم که صادقانه می‌توانستم با ایشان اشتراک عقیده داشته باشم و ایمان داشتم که ایشان تا آنجا که مقدور باشد در زمینه موفقیت این طرح کوشش می‌نمایند. این ایام از روزهای تاریخی کشور من محسوب می‌شود و من از اینکه می‌توانم در این روزهای حساس بدین طریق اقدام مثبتی انجام دهم احساس سربلندی و غرور می‌نمایم.

صمیمیت و تفاهم شما مانند همیشه در حد اعلا قرار داشت. شما دارای فعالیت زیاد و مستمری می‌باشید و من امیدوارم که به اتفاق خانواده خود در شمال از استراحت کامل برخوردار شده و به سلامت به تهران مراجعت نموده باشید. همراه با بهترین آرزوها و گرمترین سلامها برای شما که با کمکهای صمیمانه خود موجب شدید اقامت من در کشور شما پرثمر و نتیجه‌بخش باشد. دوستدار
ز-زمیر^۱

۱. سند ساواک، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۵م/ دی ماه ۱۳۵۴. لازم به یادآوری است که زوی زامیر در سال ۱۹۷۳م/ ۱۳۵۲ از ریاست موساد کنار رفت و ژنرال هوفی (خوفی) جانشین او شد.

ضمیمه یازده

نامه نمایندگی ساواک مستقر در اسرائیل

درباره: میهمانی شام در نمایندگی اسرائیل

در تاریخ ۱۳۵۵/۱۲/۱۶ به مناسبت ویلای جدید خریداری شده برای نمایندگی میهمانی شامی با شرکت آقای دکتر کیمخی قائم مقام سازمان اطلاعات اسرائیل و تعدادی از اعضای سرویس ترتیب داده شد که تا پاسی از نیمه شب ادامه یافت.

در این میهمانی کلیه میهمانانی که طبق فهرست اسامی پیوست دعوت شده بودند با بانوانشان شرکت کردند.

آقای کیمخی پس از بازدید از منزل اقدام سرویس ایران را در خرید خانه یک اقدام اساسی و به موقع خواند و از موقعیت محلی و ساختمان ویلا تعریف کرد. در این میهمانی ضمن صحبت سئوالاتی به شرح زیر مطرح شد:

۱- از آقای کیمخی سئوال شد شنیده شده که قرار است سفیر اسرائیل در ترکیه به جای سفیر کنونی اسرائیل در تهران منصوب شود آیا صحیح است (نامه شماره ۴۳۵۴۵-۲۳۲/۱۲/۳۵). وی جواب داد بلی این تصمیم گرفته شده و این تغییرات در تابستان عملی خواهد شد. تغییرات مزبور طبق مقررات وزارت خارجه اسرائیل است و سفیر کنونی اسرائیل در تهران^۱ اکنون نزدیک چهار سال است که در آن سمت خدمت می کند.

۲- از اوضاع جنوب لبنان و اینکه گفته می شود تیراندازیهای از خاک اسرائیل به سوی فلسطینیهای

ساکن جنوب لبنان صورت می‌گیرد از آقای کیمخی سؤال شد، جواب داد مرزهای اسرائیل و لبنان اکنون ساکت است ولی برخوردهایی میان فلسطینیها و اهالی مسیحی و شیعیان ساکن دهکده‌های جنوبی لبنان صورت می‌گیرد و طبیعی است که اسرائیل به خاطر آنکه فلسطینیها را از مرز خود دور و سرگرم نگه دارد به مسیحیان و حتی شیعیان جنوب لبنان گذشته از کمکهای بهداشتی کمک تسلیحاتی می‌کند و به آنها اسلحه و مهمات تحویل می‌دهد و در مورد نوع این سلاحها اضافه کرد که حتی سلاحهای سنگین به آنها داده شده است و اینکه در جراید گفته شده از ناحیه اسرائیل به فلسطینیهای جنوب لبنان شلیک گردیده این اسلحه اسرائیل است که به دست مسیحیان و شیعیان شلیک می‌شود.

۳- در این مذاکرات این نامدار تلویحاً از وضع ارتباط با سرویس و اینکه مرتب رابط‌های تعیین شده تغییر می‌کنند و نمی‌توان فهمید چه کسی مسئول ارتباط و ترتیب دادن ملاقاتها است گله کرد که آقای کیمخی پاسخ داد اغلب افراد به سربازی دوره‌ای اعزام می‌شوند و به شوخی اضافه کرد که همه دستگاه سرویس اسرائیل به منزله عامل ارتباط با شما هستند. (پس از خاتمه میهمانی نماینده ترکیه که در میهمانی حضور داشت از وضع ارتباط خود با سرویس اسرائیل گله داشت و معتقد بود که اغلب سئوالات بدون جواب می‌ماند و شخص مسئولی وجود ندارد که جواب صریح به تلفنهای او بدهد).

۴- در مورد کسب اجازه رسمی برای دایر کردن بی‌سیم سؤال شد. آقای بارگیورا جواب داد در این باره با مقامات مسئول مذاکرات و کسب مجوز نموده است لکن از لحاظ امور فنی و عدم تداخل امواج لازم است قبل از نصب بی‌سیم مشخصات فنی بی‌سیم به مقامات فنی مسئول داده شود تا مورد بررسی قرار گیرد و در این باره ممکن است این مشخصات به رابط ما در تهران داده و از آن طریق اقدام شود. (نامه شماره ۲۰۴/۵۱۹۵-۳۵/۱۰/۲۵).

۵- در پایان میهمانی آقای کیمخی برای آینده نزدیک از اینجانب و بانو در منزلش دعوت کرد که با اظهار خوشوقتی موافقت شد.^۱

ضمیمه دوازده

تشکر موساد از ساواک به دلیل حراست از اداره آژانس یهود

۱۵ خرداد ماه ۲۵۳۶ [۱۳۵۶]

ترجمه نامهاصله از ژنرال خوفی رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل

تیمسار عزیز

با نهایت ستایش و خوشوقتی اخبار مربوط به حمله ناموفق تروریستی علیه اداره آژانس یهود در تهران را که با شجاعت فراوان و کفایت فوقالعاده خشی گردیده دریافت کردم. خواهشمندم صمیمانهترین تبریکات مرا بدین مناسبت بپذیرید. شادباش ها و تبریکات قلبی من همچنین شامل حال کسانی می شود که در این عملیات درخشان شرکت کرده اند و از صمیم قلب آرزومندم کارمندانی که حین انجام وظیفه در جریان این عملیات زخمی شدند سریعاً بهبود یابند.

دوستدار- ژنرال خوفی^۱

ضمیمه سیزده

تشکر و دعای رئیس موسادا

از ژنرال خونی رئیس اطلاعاتی اسرائیل

به تیمسار سپهد ناصر مقدم ریاست ساواک

۵ نوامبر ۱۹۷۸

تیمسار مقدم عزیز:

در بازگشت از تهران مایلم تشکرات خود را به مناسبت میهمان‌نوازی باشکوهی که به بهترین نحو سستی در تمام طول اقامتم در کشور شما نسبت به اینجانب معمول گردید، ابراز دارم. این اولین ملاقات شخصی ما بود و من آن را فقط به عنوان مقدمه‌ای قلمداد می‌کنم. امیدوارم در آینده فرصت میهمانداری از شما را در اسرائیل داشته باشم. خوشحال خواهم بود که از شما تیمسار عزیز و همکارانتان در کشورمان به عنوان میهمانان خود استقبال نمایم. من و کلیه دوستان ایرانی در اسرائیل و در سراسر جهان دعا می‌کنیم که بحران کنونی^۱ که هم‌اکنون کشور شما را فراگرفته به زودی برطرف شود. بار دیگر مایلم از میهمان‌نوازیهای شما تشکر کنم. لطفاً تشکرات شخص مرا به کلیه افرادی که سهمی در پذیرایی عالی از اینجانب ایفا کرده‌اند ابراز فرمایید.

دوستدار- ژنرال خونی^۲

۱. مقصود قیام مردم مسلمان ایران است که در آن زمان (اواسط آبان ۱۳۵۷)، به تدریج اوج می‌گرفت.
۲. سند ساواک، ۱۳۵۷/۸/۲۳. لازم به یادآوری است که نصیری رئیس ساواک در تیر ماه ۱۳۵۷ از سمت خود برکنار شد و ناصر مقدم به جای او به ریاست ساواک منصوب شد.

ضمیمه چهارده

رایزنی رئیس موساد در تهران

هوفی رئیس سرویس اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل در آبان ماه سال ۱۳۵۷ در اوج مبارزات مردم مسلمان ایران برای رایزنی اطلاعاتی با ساواک در چگونگی سرکوب نهضت اسلامی وارد ایران شد.

گزارش

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

رابط سرویس اسرائیل روز شنبه ۵۷/۷/۲۲ اطلاع داد که ژنرال خفی (رئیس سرویس) روز جمعه ۵ آبان ماه ۵۷ در راه مراجعت از خاور دور به اسرائیل وارد تهران شده و تا یکشنبه ۷ آبان ماه در تهران اقامت خواهد داشت.

رابط اضافه کرد که به همین منظور آقای بارگیرای که از مقامات سرویس اسرائیل می باشد روز ۲۵ مهر ماه ۵۷ برای یک اقامت سه روزه و پیش بینی مسافرت رئیس سرویس متبوعه خود وارد تهران خواهد شد. رئیس سرویس اسرائیل درخواست نموده که با تیمسار ریاست ساواک ملاقات و مذاکره نماید.

مراتب از عرض می گذرد تا در صورت تصویب موضوع به تشریفات ساواک اعلام شود.

اداره همکاریها^۱

کتابنامه

۱. آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، چاپ هشتم ۱۳۷۱.
۲. اتاق‌های گاز (در جنگ جهانی دوم)؛ واقعیت یا افسانه؟ روبرفورسون، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، چاپ اول ۱۳۸۱.
۳. ارتباط خطرناک، اندروولسلی کابورن، ترجمه محسن اشرفی، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱.
۴. ارتباط صهیونیستی، آلفرد. م. لیلیانتال، ترجمه سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۹.
۵. اریتره، داود کریملو، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
۶. استراتژی اسرائیل، دکتر غازی اسماعیل رباعه، مترجم: محمدرضا فاطمی، نشر سفیر، چاپ اول ۱۳۶۸.
۷. استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، مؤسسه «الارض» ویژه مطالعات فلسطینی، تهران، انتشارات بین‌الملل اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۳.
۸. اسرائیل پس از ۲۰۰۰، افرایم سنیه، عبدالکریم جادری، تهران، دوره عالی جنگ، چاپ اول ۱۳۸۱.
۹. اسرائیل و سلاح‌های هسته‌ای، آونر کوهن، ترجمه رضا سعید محمدی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول ۱۳۸۱.
۱۰. اسناد لانه جاسوسی «شماره ۱۱»، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

۱۱. اسناد لانه جاسوسی «شماره ۳۶»، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.
۱۲. افسانه قتل عام یهود، زین العابدین صدیق (ابومحی الدین)، تهران، نشر هلال، چاپ اول ۱۳۷۲.
۱۳. السلام مع المحتلین؛ واقعه ام انتحار!؟، محمد تقی تقی پور، ترجمه عبدالکریم محمود، تهران، منظمة الاعلام الاسلامی، ۱۴۹۳م/ ۱۴۱۴هـ.
۱۴. ایالات متحده و اسرائیل، دیوید شون بام، ترجمه محمدرضا ملکی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول ۱۳۸۱.
۱۵. ایران و تحولات فلسطین، علی اکبر ولایتی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۸۰.
۱۶. برآورد استراتژیک اسرائیل، اسماعیل عبداللہی و مهدی زیبایی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول ۱۳۸۱.
۱۷. برآورد استراتژیک مصر، گردآوری: مختار حسینی، جلد اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، چاپ اول ۱۳۸۰.
۱۸. برخورد فرهنگ‌ها، برنارد لوئیس، ترجمه بهمن دخت‌اویسی، تهران، نشر فرزاد با همکاری مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها، چاپ اول ۱۳۸۰.
۱۹. بنیادگرایی صهیونیستی یهود، گیدئون آران، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر هرمس، چاپ اول ۱۳۷۸.
۲۰. پاسخ به تاریخ، محمدرضا پهلوی، ترجمه حسین ابوتراییان، تهران، ناشر: مترجم، چاپ اول ۱۳۷۱.
۲۱. پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، روزه گارودی، ترجمه نسرین حکمی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۲. پژوهه صهیونیت، [کتاب اول]، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، چاپ اول ۱۳۷۶.
۲۳. پژوهه صهیونیت (کتاب دوم)، تهران، مرکز مطالعات فلسطین، چاپ اول ۱۳۸۱.
۲۴. پنهانکاری و دموکراسی، استانسفیلد ترنر (رئیس سازمان سیا در زمان کارتر)، ترجمه دکتر حسین ابوتراییان، مؤسسه اطلاعات، چاپ چهارم ۱۳۷۰.

۲۵. تاریخ معاصر کشورهای عربی، د.ر. فوبلیکوف (سرور استار)؛ س.ی. کیکتیف؛ م.س. لازاروف؛ ی.ا. لیبیدیف؛ ک.ن. نیچکین، ف.ب. رومیانتسيف؛ ع.ف. سلطانونف؛ ترجمه دکتر محمدحسین روحانی، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۶۷.
۲۶. تاریخ یهود-مذهب یهود؛ بار سنگین سه هزاره، اسرائیل شاهاک، ترجمه دکتر مجید شریف، تهران، انتشارات چاپخش، چاپ اول ۱۳۷۶.
۲۷. ترکیه، صابر قاسمی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۴.
۲۸. تروریسم مقدس اسرائیل، لیویاروکاچ، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ دوم ۱۳۷۵.
۲۹. تفنگ و شاخه زیتون، دیوید هرست، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول ۱۳۷۰.
۳۰. توپ برفی، شیمون شیفر، ترجمه محمود شمس، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۶۸.
۳۱. توطئه جهانی، محمدتقی تقی‌پور، جلد اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۷.
۳۲. جاسوسان خط آتش، ساموئل کاتز، ترجمه محسن اشرفی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۵.
۳۳. جانبداری (روابط امریکا و اسرائیل)، استیون گرین، ترجمه سهیل روحانی، تهران، چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول ۱۳۶۸.
۳۴. جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، آلاسدایر درایسدل و جرالداچ. بلیک، ترجمه دُرّه میرحیدر، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهارم ۱۳۷۴.
۳۵. جنبش‌های گُرد از دیرباز تاکنون، م. کاردوخ، ناشر: COIMEX، سوئد، چاپ اول ۱۹۹۳.
۳۶. جنگهای نهانی اسرائیل «تاریخ ناگفته دستگاه جاسوسی اسرائیل»، یان بلیک و بنی مورس، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۲.

۳۷. خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سرآنتونی پارسونز، ترجمه محمود طلوعی، تهران، انتشارات علم، چاپ اول ۱۳۷۲.
۳۸. خاطرات فاطمه پاکروان «همسر سرلشکر حسن پاکروان: افسر ارتش، رئیس ساواک، وزیر اطلاعات و سفیر»، ترجمه اسماعیل سلامی، تهران، نشر مهراندیش، چاپ اول ۱۳۷۸.
۳۹. خاورمیانه جدید، شیمون پرز، ترجمه عربی: محمد حلمی عبدالحافظ، مترجم فارسی: عدنان قارونی تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی آسیا، چاپ اول ۱۳۷۶.
۴۰. خاورمیانه «دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز»، برنارد لوئیس، ترجمه حسن کامشاد، نشر نی، تهران، چاپ اول ۱۳۸۱.
۴۱. خطا و خیانت در لبنان، جرج بال، ترجمه حسین ابوترایان، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۵.
۴۲. خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل، افرایم اینبار، ترجمه میرسعید مهاجرانی، فصلنامه سیاست دفاعی، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۲، بهار ۱۳۷۶.
۴۳. دانشنامه فلسطین، مجید صفاتاج، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۰.
۴۴. دایرةالمعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، جلد اول، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم ۱۳۸۱.
۴۵. دایرةالمعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، جلد دوم، بخش اول، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم ۱۳۸۱.
۴۶. دایرةالمعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، جلد دوم، بخش دوم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم ۱۳۸۱.
۴۷. در خاورمیانه چه گذشت، ناصرالدین نشاشیبی، ترجمه محمدحسین روحانی، انتشارات توس، چاپ سوم ۱۳۶۷.
۴۸. دوستان بلندپایه، لیتون مک‌کارتنی، ترجمه محسن اشرفی، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۸.

۴۹. راه نیرنگ، ویکتور استروفسکی، ترجمه محسن اشرفی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ پنجم ۱۳۷۶.
۵۰. رهبران اسرائیل، محمد شریده، ترجمه و پژوهش بیژن اسدی - مسعود رحیمی، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول ۱۳۷۸.
۵۱. ریشه‌های جنگ‌های اعراب و اسرائیل، ریچی اون‌دیل، ترجمه ارسطو آذری، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۶.
۵۲. زندگی سیاسی ناصر، آگار یچف، ترجمه محمد جواهرکلام، شرکت نشر و پخش ویس، چاپ اول ۱۳۶۸.
۵۳. سازمانهای یهودی و صهیونیستی در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۵۴. ساختارهای صهیونیستی، صبری جریس - احمد خلیفه، ترجمه قیس زعفرانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول ۱۳۸۱.
۵۵. ساواک و دستگاه اطلاعات اسرائیل، عبدالرحمان احمدی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول ۱۳۸۱.
۵۶. ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، تقی نجاری‌راد، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۸.
۵۷. سپهبد تیمور بختیار (به روایت اسناد ساواک)، جلد اول، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۸.
۵۸. سپهبد تیمور بختیار (به روایت اسناد ساواک)، جلد دوم، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۸.
۵۹. سپهبد تیمور بختیار (به روایت اسناد ساواک)، جلد سوم، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۸.
۶۰. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح‌نو، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۶۱. سیاست خارجی آمریکا و شاه، مارک. ج. گازیوروسکی، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۱.

۶۲. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر پیکان، چاپ چهارم ۱۳۷۷.
۶۳. شکست شاهانه، ماروین زونیس، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، چاپ اول ۱۳۷۰.
۶۴. شناسایی و شکار جاسوس، پیترایت، ترجمه محسن اشرفی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ هفتم ۱۳۷۲.
۶۵. شوق آموختن، آرچیبالد روزولت، ترجمه صهبا سعیدی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱.
۶۶. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول (خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ سوم ۱۳۷۰.
۶۷. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم (جستارهایی از تاریخ معاصر ایران)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ سوم ۱۳۷۰.
۶۸. فرصت را از دست ندهید، ریچارد نیکسون، ترجمه محمود حدادی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱.
۶۹. قوم من (تاریخ بنی اسرائیل)، آبا ایان، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۵۲.
۷۰. گفت‌وگوهای سرّی میان اعراب و اسرائیل، محمدحسین هیکل، تهران، انتشارات همشهری، چاپ اول ۱۳۷۸.
۷۱. مثلث سرنوشت‌ساز، نوام چامسکی، ترجمه عزت‌الله شهید، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول ۱۳۶۹.
۷۲. مسأله کُرد و روابط ایران و ترکیه، رابرت آلسن، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر پانیز، چاپ اول ۱۳۸۰.
۷۳. مشاهیر سیاسی قرن بیستم، احمد ساجدی، ویراستار علمی: محمد رجبی، تهران، انتشارات محراب قلم، ۱۳۷۷.
۷۴. مشت آهنین، لنی برنر، ترجمه دکتر حسین ابوتراییان، مؤسسه اطلاعات، چاپ سوم ۱۳۷۴.
۷۵. مصاحبه با شاه، مارگارت لاینگ، ترجمه اردشیر روشنگر، تهران، نشر البرز، چاپ دوم

۱۳۷۱.

۷۶. نخبه جاسوسان اسرائیل، استوارت استیون، ترجمه م. دانشمند، تهران، نشر پاژنگ،

۱۳۷۱.

۷۷. نقش یهود و قدرتهای بین‌المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت، ترجمه

حجت‌الله جودکی و احمد درویش، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ

اول ۱۳۸۰.

۷۸. یادداشت‌های عَلم (خاطرات اسدالله عَلم)، ویرایش از علینقی عالیخانی، جلد چهارم،

شرکت کتابسرا، چاپ اول ۱۳۸۰.

۷۹. یهود بین‌الملل، هنری فورد، ترجمه علی آرش، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی

ضیاء اندیشه، چاپ اول ۱۳۸۲.

● فهرست اعلام

آلبرت هکو / ۸۸

آلفرد / ۶۰۳

آلفردو اوواندو کاندیا / ۵۵۳

آلون / ۵۸، ۱۲۲، ۵۷۸، ۲۹۰

آموزگار / ۵۰۸

آمیت منیر / ۴، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۱۲۲، ۱۴۳، ۵۸۹

آوارهان روم / ۱۲۷

آوراهاام تامیر / ۲۸۵

آوری ال آد / ۴۶۵

آونر کوهن / ۲۱، ۲۲، ۶۰۳

آیزنهاور / ۲۱، ۴۶۹

آیه‌الله زاده اصفهانی / ۷۵

ابراهام بارزیلای / ۵۸۸

ابراهام دوکاموندو / ۸۷

ابراهیم، خیاط / ۲۹۵

ابراهیم سیدنورگ / ۴۶۵

ابراهیمی، ضیاء / ۱۱۳

ابن سعود، عبدالعزیز / ۱۸۲

ابوالشامات، محمود / ۱۸۶

ابوترایان، حسین (دکتر) / ۱۳، ۲۰، ۶۰۴، ۶۰۵

۶۰۸، ۶۰۶

ابوخالد / ۵۳۸

ابوعلی / ۵۳۸

احمد، اللوزی / ۲۳۶

احمد خالد / ۵۱۷

احمد خلیفه / ۶۲، ۶۰۷

آ-الف

آباییان / ۲۳، ۸۶، ۲۹۰، ۳۹۶، ۴۲۷، ۴۶۴، ۶۰۸

آتوزامنا / ۳۲۶

آدولف آیشمن / ۴۹، ۵۴

آذری، ارسطو / ۲۲، ۶۰۷

آرچیبالد روزولت / ۶۰۸

آرش، علی / ۲۶، ۶۰۹

آری بن منشه / ۱۳

آریل شارون / ۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۶۰، ۹۰، ۳۵۹

آصفی، محمدرضا / ۹۱

آفار / ۵۴۳

آقای پور، مهرانگیز / ۵۸۴، ۵۸۶

آکانتا / ۱۱۷

آکیول / ۱۲۲

آگاریچف / ۶۰۷

آگاوریل / ۱۲۲

آلاسدایر درایسدل / ۸۴، ۶۰۵

آلبرت پیلین / ۸۸

اسحاق هوفی / ۵، ۵۶، ۵۷	احمد درویش / ۱۸۵
اسحق بارزیلای / ۵۸۵	احمد، طوفان / ۲۱۲
اسد / ۴۹۹، ۵۷۴	احمدی / ۵۷
اسدی، بیژن / ۵۴، ۶۰۷	احمدی، عبدالرحمان / ۱۴، ۳۵۲، ۶۰۷
اسرائیل شاهاک / ۲۴	احمدی، محمد / ۱۸۴
اسعدی، مرتضی / ۳۴۴، ۶۰۵	احمد یوسف / ۵۴۵
اسماعیل ربابعه، غازی / ۱۷	ادریس / ۱۹۶، ۳۸۱، ۳۸۵
اسماعیل عبدالفتاح / ۲۰۹	ادمونی / ۵، ۵۶، ۵۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۳۷۶، ۳۹۸، ۳۹۹
اسیوان / ۱۱۳	۴۶۹، ۴۷۰، ۵۰۷
اشدوت / ۱۱۶	ا-ران / ۱۱۲
اشرفی، محسن / ۲۳، ۲۸، ۲۸۷، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۰۶	اربیل / ۱۲۶
۶۰۸	ارسوی، احمد / ۱۲۷
اشکوریل / ۴۶۳	ارسین، ۱۴۷، ۲۲۹
اشکول / ۵، ۱۹، ۳۰، ۴۲، ۵۸، ۳۹۶	ارگول اریشن / ۱۲۷
اشیر سالم / ۱۸۶	ارگون / ۱۱۶، ۲۲۹، ۲۳۰
افرائیم کاتزیر / ۵، ۶۱	اریح الیاف / ۳۶۱
افرایم اینبار / ۳۱، ۶۰۶	اریه «لیووا» ثلیاف / ۳۹۶
افرایم سنیه / ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۲۴، ۴۲۷، ۶۰۳	ازهار ی / ۷۸
افندی ابی الشامات، محمود / ۱۸۶	استانسفیلد ترنر / ۱۳
البکر / ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۱۰، ۴۳۷	استوارت استیون / ۴۰، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۰۹
الحاج فیض جابر / ۵۳۷	استیون گرین / ۲۱، ۶۰۵
الدار / ۱۱۳، ۱۱۶	اسحاق التون / ۸۸، ۸۹
العال / ۵۳۶	اسحاق بن زوی / ۵، ۶۱، ۴۶۴
الفرد.م. لیلیانتال / ۲۴	اسحاق رابین / ۵، ۵۸، ۶۰، ۴۸۲، ۵۷۳، ۵۵۷
الهان / ۱۲۷	اسحاق شامیر / ۵، ۵۹، ۶۰، ۴۸۵
الیاس سرکیس / ۲۰۶	اسحاق ناوون / ۵، ۶۱، ۹۵

الیاف / ۴۱۲	اورال / ۱۱۶
الیزا آرنولد / ۱۹	اوراهام تامیر / ۵۲۸، ۵۲۷
امام حسین (ع) / ۶۰۶	اورتالای، فخرالدین / ۱۲۶
امام خمینی (ره) / ۷۵، ۱۳	اورن / ۱۲۶
امام موسی صدر / ۴۳۱، ۴۳۰	اوری / ۵۲۸
امانوئل قره‌سو / ۱۸۶	اوریانافالاچی / ۳۲
امانی / ۴۷۲	اوری لوبرانی / ۵۳۱، ۲۹۲
امجدی / ۷۸، ۷۳	اوزکایا / ۱۲۶
امجدی، مصطفی / ۷۳	اوزلو / ۱۲۲
اموتلور / ۱۱۲	اوزوالد وینی / ۴۶۲
امیت / ۳۹۶، ۱۴۴	ایدی (عیدی)، امین / ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴
امیدی / ۴۱۵	ایران‌نژاد / ۱۳۴
امیدی تبریزی، حمید / ۱۲۵	ایرتیکون، احمد منیر / ۹۰
امین / ۵۳۵، ۵۳۱	ایرگون / ۴۶۴
امین زکی علی خالوق / ۳۵۴	ایرن کونللی / ۴۶۴
امین، عیدی / ۵۳۵، ۵۳۴، ۵۳۳	ایرول آق‌صوی / ۹۰
امینی (دکتر) / ۷۵	ایزابلا / ۵۸۸
انتبه / ۵۳۷، ۵۳۶، ۵۳۵، ۵۳۴	ایزر / ۵۱
اندرو / ۳۳	ایسا / ۵۴۳
اندروولسلی کاکبورن / ۶۰۳	ایسادور بروخ / ۸۸
انورسادات / ۴۸۱، ۴۷۹، ۴۷۰، ۴۶۶، ۴۶۱، ۲۳۸	ایسرنری / ۴۰
۴۸۵	ایسر هارل / ۴، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵
اوبوته / ۵۳۱	۲۸۸، ۳۷۲، ۴۲۸، ۴۳۸، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۶۷، ۴۶۸
اوتایاکر / ۱۲۶	۵۲۷، ۴۹۲، ۴۶۹
اوجون جوکه / ۵۴۹	ایگال آلون / ۵۸، ۲۹۰، ۴۵۵، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۲
اوحدانی / ۱۱۳	۵۶۹، ۵۱۳

ایلکاس / ۱۱۶	باروخ میزراحی / ۴۸۱
ایلی آگیم / ۸۸	بازرگان، مهدی / ۷۹، ۷۸
ایلی بولینی یهودی / ۴۶۴	بختیار، تیمور / ۵۴، ۶، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۳۷۱
ایناس گرسین / ۹۰	۳۷۲، ۴۳۸، ۶۰۷
ایوب غمامی، ۲۲۷، ۲۴۸	براحاص / ۴۱۵
ایهود باراک / ۵، ۶۰	برژنف / ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۹۵
	برکت گوراد / ۵۴۵
	برنارد لوئیس / ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴
	۱۸۷، ۶۰۴، ۶۰۶
بارئوریان / ۵۸۸	برنارد ناحوم / ۸۸
بارباروسوگلو / ۱۲۳	بروس مکنزی / ۵۳۲، ۵۴۹
بارزانی / ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۶۸، ۳۶۹	بشارة الخوری / ۴۲۹
۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۶، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۰۸	بشیر جمیل / ۴۳۳
۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۳۷	بگین / ۱۹، ۴۳۳
بارزانی، محمود / ۳۴۹	بلور / ۴۲۷
بارزانی، مسعود / ۴۱۳، ۴۱۵	بن بلا / ۲۰۳
بارزانی، مصطفی / ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۶	بن گوریون، دیوید / ۵، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۳۸
۳۷۲، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۶	۴۰، ۴۱، ۴۲، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۸۳
۳۸۸، ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۴۱	۸۵، ۸۶، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹
بارزلای / ۱۳۸	۲۹۰، ۲۹۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۴۲۷، ۴۶۵، ۴۸۵
بارزوه / ۲۸۵	بن موریس / ۱۲، ۱۳، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۲۹۲، ۲۹۳
بارزیلای / ۵۸۵	۳۴۵، ۳۶۵، ۳۷۲، ۶۰۵
بارگیورا / ۵۸۵، ۵۹۶	بنی النضیر / ۴۸۸
بارگیورای / ۶۰۱	بنیامین بنت هلمی / ۲۹۴
بارلاز / ۱۲۳	بنیامین گیلی / ۴۶۵
بارلو / ۵۲۸	بنیامین نتانیاهو / ۵، ۶۰
باروخ بارلو / ۵۳۱، ۵۳۲	

۵۱۱، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۵۱، ۵۶۹، ۵۲۱، ۵۳۹، ۵۵۷	بنی قریظہ / ۴۸۸
۵۶۹، ۵۷۳، ۶۰۴	بنی قینقاع / ۴۸۸
۶۰۸، ۲۸ / پیترا رایت	بنی لول کیفلہ / ۳۲۲
۹۲ / پیترا فویبرید	بورا / ۱۲۳
۴۳۱ / پیر جمایل	بورس جیبسیان / ۴۶۲
	بورقیہ / ۴۶۸
	بوگاتور / ۱۱۶
ت	بولوی، خیل لاگروڈ گارسیا / ۵۵۳
تودور ہر تصل / ۲۵، ۱۷	بومدین / ۴۱۰، ۲۷۲، ۲۵۰
تدین، احمد / ۶۰۴، ۲۴	بہار / ۵۹۱، ۴۸۱، ۴۰۰، ۳۹۷
ترنر / ۱۳	بی آزاران، حسین / ۱۲۷
تسوی زامیر / ۵۵، ۵۱	
تقی پور، محمد تقی / ۶۰۵، ۶۰۴، ۳۲	پ
تکریتی، صدام حسین / ۳۷۶، ۲۵۱	پاتریس لومومبا / ۵۲۸
توروس عبدالہ / ۱۲۷	پاز / ۱۱۵
توکل، محمد / ۵۸۳	پاکروان، حسن / ۱۴۱، ۱۴۰، ۷۶، ۷۵، ۷۳، ۵۴، ۶
ث	۶۰۶
ثابتی / ۱۱۳	پاکروان، فاطمہ / ۶۰۶، ۷۶
	پاکروان، فتح اللہ / ۷۵
ج	برز / ۲۳
جادی، عبدالکریم / ۶۰۳، ۳۶۸	برزیدنت بورقیہ / ۱۹۷، ۱۹۶
جاک امبریگر / ۸۸	برزیدنت سادات / ۵۷۳، ۴۸۶، ۴۸۴، ۴۸۳، ۴۸۲
جاک کیمخی / ۹۰، ۸۹، ۸۸	پُل فرانک / ۴۶۵
جان دارلینگ / ۴۶۵	پهلوی، محمدرضا / ۹۵، ۷۸، ۷۵، ۶۶، ۶۵، ۹، ۸
جان کانالی / ۴۱۱	۱۲۳، ۳۵۱، ۳۵۷، ۴۱۰، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۵۵
	۴۵۶، ۴۷۵، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۵

جیشیان گازیت / ۴۶۲

جیشیان میل / ۴۶۲

جبل عاملی، عنایت اله / ۱۲۶، ۱۲۵

جرالداج، بلیک / ۸۴

جرالداج، بلیک / ۶۰۵

جرج بال / ۶۰۶، ۲۰

جرج بوش / ۲۶

جرج حبش / ۵۳۶

جعفر، فاطمه / ۴۱۸

جلود / ۵۰۸

جمایل / ۴۳۱

جمیل / ۲۰

جواهر کلام، محمد / ۶۰۷

جودکی، حجت الله / ۶۰۹، ۱۸۵

جوزف کازاؤبو / ۵۲۸

جوزف موبوتو / ۵۲۹، ۵۲۸

جومو کنیاتا / ۵۵۱، ۵۴۹، ۵۳۲

جو هانا مانور / ۱۲۸

جوی کیمخی / ۹۰، ۸۹

جهانگیری / ۱۳۴

جیمی کارتر / ۱۹، ۱۲

جیهان کماندریت / ۹۰

چ

چاپمن پنچر / ۵۳۳

ح

حاجی عمران / ۳۸۳

حافظ اسد / ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۱، ۴۵۴

۴۹۹

حبش / ۵۱۰، ۵۳۷

حجازی، حسین / ۳۱۶

حجت الاسلام خلخالی / ۷۸

حدادی، محمود / ۶۰۸، ۲۷

حسن البکر / ۴۳۸، ۴۳۷، ۳۴۹

حسن العمری / ۲۴۲

حسن خلاق / ۱۸۵، ۱۸۶

حسن، کامشاد / ۶۰۶

حسن گولت / ۵۴۴

حسنی، شیخ تاج الدین / ۴۹۷

حسین رشدی پاشا / ۴۵۹

حسین عباس، خالد / ۲۴۴

حسینی (ژرفا)، سیدابوالقاسم / ۶۰۳، ۲۴

حسینی، مختار / ۶۰۴

حکمی، نسرين / ۶۰۴

حلمی عبدالحافظ، محمود / ۲۳

حلیمه / ۵۳۸

حیم گور / ۵۸۵

حیم لواکف / ۳۹۶

حیم ارگمان / ۴۶۴

حیم بارلو / ۲۹۰

دایان / ۴۸۴، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۴	حیم وایزمن / ۶۲، ۶۱، ۵
دخت او یسی، بهمن / ۶۰۴	حیم هر تروگ / ۹۶، ۶۱، ۵
درویش، احمد / ۶۰۹	
دره، میر حیدر / ۶۰۵	خ
دوبره / ۵۴۳	خاخام / ۴۶۲
دوگو / ۱۲۲	خاخام ناحوم افندی / ۴۶۲
دونمه / ۱۸۵، ۱۸۴	خالد مشعل / ۴۹۲
دی بچوتوبیگ / ۴۶۲	خروشچف / ۴۶۸، ۴۳۹
دینی، احمد / ۵۴۴	خفی / ۳۳۴
دیوید بن گوریون / ۴۶۵، ۴۶۴، ۴۲۸، ۲۱	خفی هوفی / ۳۲۶، ۳۲۴، ۳۲۳، ۱۵۶، ۱۵۰، ۵۱
دیوید شون بام / ۶۰۴	۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۸۹
دیوید شیلر / ۱۹	۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۱۰، ۴۱۳
دیوید کیمچی (کیمخی) / ۴۳۰، ۴۱۲، ۹۶، ۵۷	۴۵۵، ۴۵۶، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۹، ۵۰۹، ۵۱۰
۵۱۹، ۴۶۴	۵۳۳، ۵۱۵
دیوید گروئن / ۲۱	خوانساری زاده، محمد حسن / ۲۹۵
دیوید هرست / ۶۰۵، ۴۳۳، ۲۵	خیبر / ۴۸۸
ذ	د
ذیحی / ۴۱۵	دالچ، حسن / ۵۴۴
	دالس / ۴۶۹
ر	دان یادین / ۵۱۶
رابرت آلسن / ۶۰۸، ۳۴۸	دائین، عزرا / ۳۶۵
رابین / ۵۸۹، ۴۷۸	داود الجنبی (سرتیپ) / ۴۵۳
رابین، اسحاق / ۲۹۰	داود کریملو / ۶۰۳
راد ایزابل / ۱۷۲	داوید بارگیورا / ۵۸۸

ریچارد نیکسون / ۶۰۸، ۲۷	رادمنش (دکتر) / ۷۵
ریچی اون دیل / ۶۰۷، ۲۲	رافائل ایتان / ۴۳۳، ۲۰
ریوون شیلوا / ۴۲۸، ۳۵۹	ربیع علی / ۵۰۵
	رجب، آریک / ۳۶۶
	رجبی، حسین / ۵۸۴، ۵۸۳
ز	رجبی، محمد / ۶۰۸، ۳۵۰
زارع زاده / ۳۴۴	رحمت اله / ۴۱۵
زالمان سلیمان شازار / ۶۱، ۵	رحیم (رفاویم) / ۳۶۶
زاسیر / ۴۷۹، ۴۷۵، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۵۲، ۳۲۲	رحیمی، مسعود / ۶۰۷، ۵۴
زیبک / ۱۲	رزم آرا / ۱۱۳
زعین، یوسف / ۲۱۴، ۱۹۷	رشاد حمادی / ۴۵۳
زکریا محی الدین / ۴۶۵	رفیع زاده، مجید / ۱۲۷
زمیر / ۵۹۳، ۵۵	رنتون / ۳۴۷
زمیری / ۴۱۸	رنیه قطاوی بیک / ۴۶۲
زمیری اسرافیلی / ۴۱۸	روبرت / ۵۸۷
زنگنه، جمشید / ۶۰۵، ۱۲	روبر فوریسون / ۶۰۳، ۱۶
زوارکعبه، محمد حسین / ۱۳	روبن مرهاو / ۵۹۱
زوی زامیر، ۵، ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۴۷۵، ۵۰۳، ۵۷۹	روچو غلو / ۵۸۸
زیبایی / ۶۲، ۶۱	روحانی، محمد حسین / ۶۰۶، ۶۰۵
زید رفاعی / ۵۷۵	روژه گارودی / ۶۰۴
زین العابدین صدیق (ابو محی الدین) / ۶۰۴	روشنگر، اردشیر / ۶۰۸، ۶۵
زیوی / ۳۶۶، ۴۳	روحانی، سهیل / ۶۰۵
	رومیانتسیف / ۶۰۵
	رویون شیلوا / ۵۲، ۴۱، ۳۳
ژنرال آلنبی / ۴۵۹	رهاوم زیوی / ۴۳
ژنرال خوفی / ۴۸۸، ۴۵۷	ریاحی / ۷۷

سلطان قابوس / ۵۰۳	ژنرال دایان / ۴۷۸، ۵۱۳
سلطانوف / ۶۰۵	ژنرال گازیت / ۵۶۳
سلطانی / ۴۱۹	ژنرال یاریو / ۴۷۸
سلیمان عبدالباست / ۵۸۶	ژوزف / ۳۹۷
سلیم بیگ - او یاد / ۱۱۷	ژوزف لندن / ۱۲۸
سنجایی، کریم / ۷۸	ژوزف لویتس / ۳۹۶
سوارس / ۴۶۳	ژون ترک / ۱۸۶
سولیوان / ۶۰۶	
سومان / ۱۱۷	
سویک بیر / ۹۱	
سهام، بهمن / ۱۳۴	ساجدی، احمد / ۶۰۸، ۳۵۰
سهدی، صها / ۶۰۸	سادات / ۴۸۵، ۴۸۴، ۴۸۰، ۴۷۷، ۴۷۶، ۴۷۰، ۴۶۱
سیروس / ۴۱۵	۵۷۴، ۵۷۳، ۵۱۲، ۴۹۹
سیون / ۱۱۵، ۱۱۳	ساسون / ۴۹۲
	سالم، ربیع علی / ۲۴۳، ۲۰۹
	ساموئیل کاتز / ۲۳، ۳۹، ۴۰، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۲
	۶۰۵، ۳۶۶، ۳۶۵، ۲۸۷، ۲۸۶
	سامی / ۳۸۱
شائق / ۱۱۶	سایرت ماتکال / ۵۷
شائول نهمیا آیزنبرگ / ۹۶	سایروس / ۱۲
شاپان دلماز / ۵۴۳	سپهبد کمال / ۵۸۹
شاپور جی / ۹۵، ۷۹	سرآنتونی پارسونز / ۶۰۶، ۶۳
شارون / ۵، ۲۰، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۶۰	سعید محمدی، رضا / ۶۰۳، ۲۲
شام لال / ۵۲۲	سلامی، اسماعیل / ۶۰۶، ۷۶
شاملو، مجید / ۱۲۷	سلطان شاهی، علیرضا / ۱۶، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۹۵
شاه حسین / ۴۹۲	سلطان عبدالحمید / ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶
شای / ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۷	۶۰۹، ۱۸۷
شتیلا / ۴۳۳	

س

ش

شیلوا / ۴۰، ۳۹، ۴۱، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴	شروت ایدیتوت / ۴۰
شیمون پرز / ۵، ۲۳، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۳۹۶، ۵۳۲، ۴۲۷، ۶۰۶	شروت بیتاچون کلالی / ۴۴
شیمون شیفر / ۲۰، ۲۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۶۰۵	شروت هابیتاهون / ۴۰
شیمونی، حبیب / ۳۶۰	شریده / ۶۱
شین بت / ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳	شریده، محمد / ۶۲، ۶۷، ۵۴
	شریف حسین / ۱۸۰، ۴۳۵، ۴۹۷
	شریف، مجید / ۲۴، ۶۰۵
	شریف مکه / ۱۸۲، ۱۸۳
	شعیب صمیمی / ۱۳۴
صالح چتیا یات / ۵۸۴، ۵۸۷	شفیق حمودی الدراجی / ۴۵۱
صالح مهدی عماش (سپید) / ۴۵۲	شکرچی، طه / ۴۵۲
صبری جریس / ۶۲، ۶۰۷	شکری القوتلی / ۴۹۷
صدام /	شکور، یوسف / ۲۳۷
صدریه / ۵۸۹	شکیب / ۴۱۵
صدقی پاشا، اسماعیل / ۴۶۳	شکیب اصفهانی، نعمت اله / ۲۳
صدیق، زین العابدین / ۱۶	شلواح / ۴۸۸
صفاناج، مجید / ۲۹۳، ۶۰۶	شلومو آگروف / ۱۹
صمدیانپور / ۴۱۶	شمس، محمود / ۲۱، ۶۰۵
صیون / ۹۵	شموئیل دورون / ۵۸۸
	شومرون / ۱۲۶
	شهیدا، عزت الله / ۲۷، ۶۰۸
ضمیر (زامیر) / ۵، ۵۱، ۵۵، ۱۴۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱	شیخ الاسلامی / ۱۱۳
۱۷۲، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۹، ۳۵۲، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۳	شیخ خلیفه / ۲۰۵، ۲۴۱
۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲	شیخ فضل الله / ۴۶۳
۳۸۳، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۳۲، ۴۷۱	شیراک / ۵۴۳
۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰	شیلاتی، امیر / ۱۳۰

عبدالفتاح اسماعیل، ۵۰۵
عبدالکریم قاسم / ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۷۱،
۳۷۲، ۳۹۰، ۴۳۶، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۸،
۴۶۹، ۴۴۹

عبدالکریم محمود / ۳۲، ۶۰۴
عبدالله / ۱۸۲، ۴۳۵، ۴۹۲
عبداللهی / ۶۱، ۶۲
عبداللهی اسماعیل / ۶۰۴
عبدالناصر، جمال / ۱۸، ۱۴۵، ۱۹۸، ۲۸۵، ۴۳۶،
۴۳۸، ۴۴۳، ۴۶۱، ۴۸۵، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۹۳،
۴۹۸، ۴۹۵

عبدالواحد، عبدالقادر / ۳۵۴
عبداله کمین / ۵۴۴، ۵۴۵
عثمان عمر / ۲۴۰
عدنان قارونی / ۶۰۶
عرفات / ۴۹۵
عزالدين قسام / ۴۰
عزرا دانین / ۳۹
عزر وایزمن / ۵، ۶۲
عزری / ۵۲۲، ۵۲۳
عزیز کارج / ۸۹
ع-شائق / ۱۱۳
عقراوی / ۴۱۵
عَلَم، اسدالله / ۶۰۹
علوی کیا / ۷۳

۴۸۹، ۵۰۳، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۶۰، ۵۷۹، ۵۸۱
ضیاءالدینی، ابوالفرید (دکتر) / ۱۶

ط

طالبانی / ۳۶۹
طبرسی (سرتیپ) / ۵۸۹
طلاس، مصطفی / ۲۳۶
طلال / ۴۹۱
طلوعی، محمود / ۶۳، ۶۰۶
طوفانیان / ۳۸۰
طیاران، کمال / ۱۲۷

ع

عارف / ۴۳۶، ۴۳۷، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵
عارف، عبدالرحمن / ۱۹۸، ۳۴۹، ۳۵۷، ۴۳۷
عارف، عبدالسلام / ۳۴۹، ۳۵۷، ۴۳۶
عارف، علی / ۵۴۰، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴
عاکف الفائز / ۲۱۴
عالیخانی، علینقی / ۶۰۹
عالیخانی، مسعود / ۵۸۴
عالیخانی، مینو / ۵۸۴
عاموس بن ترنر / ۲۸۴
عبادی فرشچی / ۴۷۲
عبادی فرشچی، پریچهره / ۳۷۸
عبدالرازق عبداللطیف / ۵۳۷

غ

غازی اسماعیل رباعه / ۶۰۳

ف

فاروق / ۴۶۰

فاطمی، فریدون / ۶۰۷، ۶۴

فاطمی، محمدرضا / ۶۰۳، ۱۷

فای / ۱۱۷

ف-ایلکی / ۱۱۲

فجر عبدالله / ۴۱۸

فرازیان / ۴۹۹، ۱۳۸، ۱۲۰، ۶۸

فردریک رومنس / ۴۱۹

فردوست، حسین / ۷۱، ۷۰، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۴، ۶۳

۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۹۵، ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲

۶۰۸، ۴۳۵، ۴۱۰

فرزام / ۵۸۹

فرید مارودی / ۵۸۶

فریسن / ۱۲۶

فوالیون، گاتنیو آلبرت / ۱۸۶

فوبلیکوف (سرویراستار) / ۶۰۵

فهد / ۴۸۹

فهمی / ۴۷۷

فهمی اوکوموش / ۱۲۷

فیصل / ۲۴۵، ۲۴۱، ۲۰۸، ۲۰۲، ۱۹۸، ۱۹۶، ۱۸۲

۴۹۷، ۴۳۶، ۳۹۰، ۲۵۰

ق

قابوس / ۵۰۳

قاجار، هوشنگ / ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵

قاسم / ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴

۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹

قاسم (سرتیپ) / ۴۳۶

قاسم عبدالاله / ۴۳۶

قاسمیان، رحیم / ۶۰۵، ۲۵

قاسمی، صابر / ۶۰۵، ۸۵

قاضی سعیدمحمد / ۳۴۹

قاضی محمد / ۳۴۸، ۳۴۶

قبس زعفرانی / ۶۰۷

قذافی / ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۵۱، ۲۶۲، ۲۷۱، ۳۸۸، ۴۷۰

۴۸۳، ۵۰۳، ۵۰۷

قره داغی، کامران / ۳۶۲، ۳۶۰

قصاب، موسی / ۶۲، ۶

قلی زاده، صابر / ۹۲

«قندی» ذهبی / ۳۶۶

قیصر کبه / ۵۳۷

ک

کارتر، جیمی / ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۴۶۲، ۴۸۵، ۶۰۴

فؤاد، احمد / ۴۶۰، ۴۶۴

فؤادیانی / ۳۵۴

کاردوخ / ۶۰۵	کین / ۱۲۲
کارلوس / ۵۳۸، ۵۰۸	کورالی / ۱۲۳
کارون / ۳۷۹، ۳۷۸، ۱۲۲	کوریم / ۱۲۲
کاسترو / ۵۷۵	کوروش کبیر / ۵۸۹
کاکبورن / ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۴	کومران علی بدیرخان / ۳۹۶
۳۴۳، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۱	کوو دومورویل / ۵۴۳
کالاهان / ۳۷۹	کویاکاسیوگلا / ۱۲۳
کالچ کادوری / ۵۸	کهن / ۱۳۸
کامل، سلطان حسین / ۴۵۹	کسینجر / ۲۵۲، ۳۲۳
کاموز / ۱۱۶	کیفله / ۳۲۲
کامیل شمعون / ۳۸۵، ۴۳۱	کیکتیف / ۶۰۵
کاندولیزا / ۲۶	کیمچی (کیمخی) / ۹۶، ۲۹۱، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۳
کاوه / ۶۹، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷	۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۶۱، ۴۳۱، ۴۶۴
کاوه / ۳۲۲، ۴۷۲	۴۸۳، ۴۸۴، ۵۰۵، ۵۱۹، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۸۸، ۵۹۵
کیه / ۱۲۳	۵۹۶
کرون / ۱۱۶	کیوونیم / ۴۳۳
کریستال / ۴۲۷	
کریملو، داود / ۲۹۵، ۳۲۲	گ
کزاز / ۳۸۲	گازیت / ۱۲۲، ۵۶۳، ۵۶۴
کسینجر، هنری / ۳۵۵، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۰۹	گالانت، آبراهام / ۱۸۶
۴۷۱، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۹۹، ۵۷۰، ۵۷۴	گرچی لیوی پور / ۵۸۶، ۵۸۷
کلیکان / ۱۲۲	گلدا مایر / ۳۰، ۵۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۴۷۱
کمال، مصطفی / ۱۸۳، ۵۸۹	گلدا مایر سون / ۳۰
کمپ دیوید / ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۸۵	گواند بران / ۹۰
کمیحی / ۵۴۸	گورکوچ / ۱۵۰، ۱۵۶
کینست / ۴۶۱، ۴۸۵	گونگور / ۱۲۶

ماتی پلد / ۲۸۸	گیدیون آران / ۶۰۴، ۲۴
مارتین / ۱۲۶	گیلا / ۵۸۸
مارک. ج. گازیوروسکی / ۶۰۷، ۶۴	گیل الارگا / ۵۳۷
مارگارت لاینگ / ۶۰۸، ۶۵	
ماروین زونیس / ۶۰۸، ۶۶	ل
ماکاریوس / ۱۹۸	لازاروف / ۶۰۵
م-اورون / ۱۱۳	لاون / ۴۶۵
ماهان / ۵۹۱، ۵۲۰	لیاف / ۱۲۰
مایر / ۵۲۹	لرد ویکتور روچیلد / ۹۵، ۲۸
م-پاز / ۱۱۳	لسلی کاکبورن / ۳۳
مته / ۱۲۶	لنی برنر / ۶۰۸، ۶۲، ۲۰، ۱۹
محبی / ۵۸۸	لوبرانی / ۵۵۹، ۵۵۸، ۵۵۷، ۵۲۸، ۲۹۲
محسن العینی / ۲۴۲	لپون / ۱۲۲، ۱۱۶
محمد / ۵۳۸	لوی اشکول / ۲۹۲، ۲۸۵، ۵۸، ۵۴، ۴۲، ۳۰، ۱۹، ۵
محمد حلمی عبدالحافظ / ۶۰۶	۵۲۷، ۳۹۶
محمد خلیل / ۵۸۶	لیبیدیف / ۶۰۵
محمد داود / ۲۱۲	لیتون مک کارتنی / ۶۰۶
محمد رضا شاه / ۴۸۵، ۴۸۴، ۴۷۵، ۵۷۳، ۴۵۶	لیقوانی / ۱۱۳
محمد نورالدین / ۹۱	لیلیانتال / ۶۰۳
محمدی / ۵۸۹	لیور / ۵۲۸، ۵۲۷، ۲۸۵، ۲۸۴
محمود / ۳۸۹، ۳۸۷، ۳۸۵، ۳۸۲	لیویاروکاچ / ۶۰۵
محمود صالح محمود / ۳۵۶	لیوی پور / ۵۸۴
محیط، علی / ۴۷۲، ۳۸۳، ۳۷۸، ۱۲۵	
مخبر، عباس / ۶۰۸، ۶۰۷، ۶۶	م
مراد اریه / ۴۱۶	مائو / ۵۱۹
مرتضایی، مرتضی / ۳۶۳	

منصور پور / ۴۱۰	مردخانی، اسحاق / ۳۶۰
منصور قدر / ۶۸	مسعود / ۴۱۵، ۳۸۵، ۳۸۲، ۳۸۰
منصور، همایون / ۱۲۷	مصاحب، غلامحسین / ۶۰۶
منگیتو هایله ماریام / ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۲۴، ۳۲۵	مصدق / ۷۷، ۶۵
۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۳۳	مصطفی علی / ۳۵۶
موبوتوسسه سکو / ۵۲۹	معتضد / ۱۷۰، ۱۴۷، ۱۴۵، ۱۴۰، ۱۳۹، ۷۹، ۷۴، ۶
موسوی / ۱۱۶	۴۷۲، ۳۱۴، ۲۴۵، ۱۷۱
موسوی اصفهانی، موسی / ۷۵	معتضد، علی / ۷۹، ۶۸، ۶
موسی قطاوی / ۴۵۹	مفتی، شمس الدین / ۵۸۸
موسی ماخیل / ۵۸۵	مقدم، ناصر / ۵۹۹، ۵۶۱، ۴۵۵، ۱۴۶، ۷۸، ۵۶، ۶
موشه دایان / ۲۵، ۵۴، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۴۴	مقربل / ۵۳۸
۵۱۳، ۴۸۴، ۳۳۹، ۳۳۷، ۳۴۵	مکیزی / ۵۳۳، ۵۳۲
موشه راز / ۱۲۸	ملک حسین / ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۱، ۱۹۸
موشه ساسون / ۴۹۲	۲۱۴، ۲۳۶، ۲۷۱، ۲۷۲، ۳۶۷، ۳۷۲، ۴۳۵، ۴۴۲
موشه شاتز / ۵۸۸	۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳
موشه شارت / ۲۴، ۵۸، ۳۰، ۳۴۴، ۴۶۵	۴۹۴، ۴۹۵، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۷۴
موشه شرتوک / ۲۴	ملک خالد / ۴۸۹
موشه کاتساف / ۶۲، ۶	ملک عبدالله / ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۳۵، ۵۲
موصیری / ۴۶۴، ۴۶۳	ملک فاروق / ۴۶۴، ۴۶۱
مولوی جو / ۵۲۲	ملک فیصل / ۴۳۵، ۲۴۵، ۲۴۱، ۲۰۲، ۱۹۸، ۱۹۶
مه‌نیر آمیت / ۵۴	۴۸۹، ۴۹۵
مهاجرانی، میرسعید / ۳۱، ۶۰۶	ملک فزاد / ۴۶۳، ۴۶۲
مهدی / ۴۱۵	ملکی، محمدرضا / ۶۰۴
مهدی زیبایی / ۶۰۴	مناخیم بگین / ۲۹۲، ۲۹۰، ۵۹، ۵۸، ۳۰، ۲۰، ۱۹، ۵
مه‌یر عزری / ۲۹۲	۴۸۵، ۴۶۶، ۴۶۱، ۴۱۸
مه‌یر (مایر) آمیت / ۴، ۵۱، ۵۴، ۵۵	منصور، انیس / ۱۳

میدل ایست / ۹۲	نصیری، نعمت‌الله / ۶، ۵۴، ۵۶، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷
میراه، علی / ۵۴۱	۷۸، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۱۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۶
میرفندرسکی / ۴۵۰	۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۵۲
میزرای / ۴۸۱	۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۳، ۳۸۷، ۴۰۰
میوهاس / ۵۲۹	۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۳۰، ۴۵۷، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۸
ن	۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۶، ۵۰۱، ۵۰۷، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۲۳
نابلسی، سلیمان / ۲۱۴	۵۳۶، ۵۵۱، ۵۵۸، ۵۶۹، ۵۷۳، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۹۳
ناجی طالب / ۱۹۸	نعام چامسکی / ۲۷
ناجی مناحیم / ۴۱۹، ۴۱۸	نقش‌بندی، خالد / ۳۵۶
ناخوم ادمونی / ۵۴۰	نکرومه / ۴۶۸
ن-ارال / ۱۱۲	نمازی، عباس / ۱۲۷
نازلی / ۴۶۲	نمیری، جعفر / ۲۴۴
ناصر / ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷	نوام چامسکی / ۶۰۸
۴۶۱، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۶۰۷	نوری سعید / ۳۴۶، ۳۴۹، ۴۳۶
ناصرالدین نشائی / ۶۰۶	نیچکین / ۶۰۵
نانسی کسینجر / ۴۱۲	نیکسون، ریچارد / ۳۵۵، ۴۱۱، ۴۷۱
ناوت / ۱۷۱، ۱۷۰	نیمرودی، یعقوب / ۷۰، ۷۱، ۷۹، ۹۵، ۳۵۹، ۳۶۱
ناورن / ۱۲۲	۵۸۷، ۴۱۲
ناهوم ادمونی / ۵، ۵۶، ۵۷، ۳۹۷، ۴۶۹، ۵۰۷، ۵۳۹	و
نایروبی / ۵۳۵	وادی کوم امبو / ۴۶۳
نجاری‌راد، تقی / ۶۷، ۶۰۷	وحدانی، عباس / ۱۳۴
نجومی / ۱۳۸	و خواو باتیستا فیگورید / ۵۵۳
نجیب / ۴۶۱	ودیع حداد / ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۷۵
نذیر فنصه / ۴۱۹	وصفی التل / ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۳۶
نصیری، محمد (عمید الممالک) / ۷۶	ولادیمیر ژابوتینسکی / ۴۵۹

ولایتی، علی اکبر / ۸۶، ۹۶، ۲۸۹	هرتصل / ۱۷، ۲۵
ونگور / ۱۲۳	هلمز / ۳۷۸
ویتالی هکو / ۸۸	هنری فورد / ۲۵، ۲۶، ۶۰۹
ویکتور استروفسکی / ۶۰۷	هوشنگ مهدوی، عبدالرضا / ۸۶، ۶۰۸
ویکتور عذرا مناحیم / ۴۱۸	هوفی (خوفی) / ۵، ۵۱، ۵۶، ۵۷، ۴۰۷، ۴۱۳، ۴۵۵
ویکتور (فیکتور) مناحیم / ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹	۴۸۶، ۴۹۸، ۵۰۹، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۶۱
ویلفرید بوسه / ۵۳۸	هویدا، امیر عباس / ۷۶، ۵۷۱
ویلیام سولیوان / ۶۳	هیکل، محمد حسنین / ۳۴۵، ۴۹۵، ۶۰۸
ویلیام شوکراس / ۴۱۰	
ویلیام کلی / ۴۰۷	
وینوگرا دوف / ۴۰۹	
	ی
	یانیل الارجا / ۵۳۷
	یاریو (سرتیپ) / ۵۸۹
	یاسر عرفات / ۵۸، ۴۹۵، ۵۱۰
	یافی / ۴۸۸
هارل / ۴، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۳۷۲	یان بلیک / ۱۲، ۱۳، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۲۹۲، ۲۹۳
۴۳۸، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۹۳	۳۴۵، ۳۶۵، ۳۷۲، ۶۰۵
هاشمی / ۴۳۵	یدیوت آهارانوت / ۲۸۵
هاشمی (سرتیپ) / ۷۱	یزدی، محمد / ۵۸۶
هاشمی، عبدالله بن حسین / ۴۹۱	یعقوب یوسف جاسم / ۴۱۸
هاگانا / ۴۶۴	یوری / ۵۲۸
هالوی / ۱۲۲	یوسف سائن / ۵۳۲
هایله سلاسی / ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۵۴۷	یوسف قطاوی پاشا / ۴۶۲
هایله ماریام / ۵۴۷، ۲۹۲	یونسی، ابراهیم / ۳۴۸، ۶۰۸
هوبوگاتو / ۱۱۲	یو-یاگیل / ۱۱۲
هدایتی / ۱۱۳	یهوشافت هرکابی / ۴۳
هیران / ۱۱۶	
هرتر / ۴۶۹	



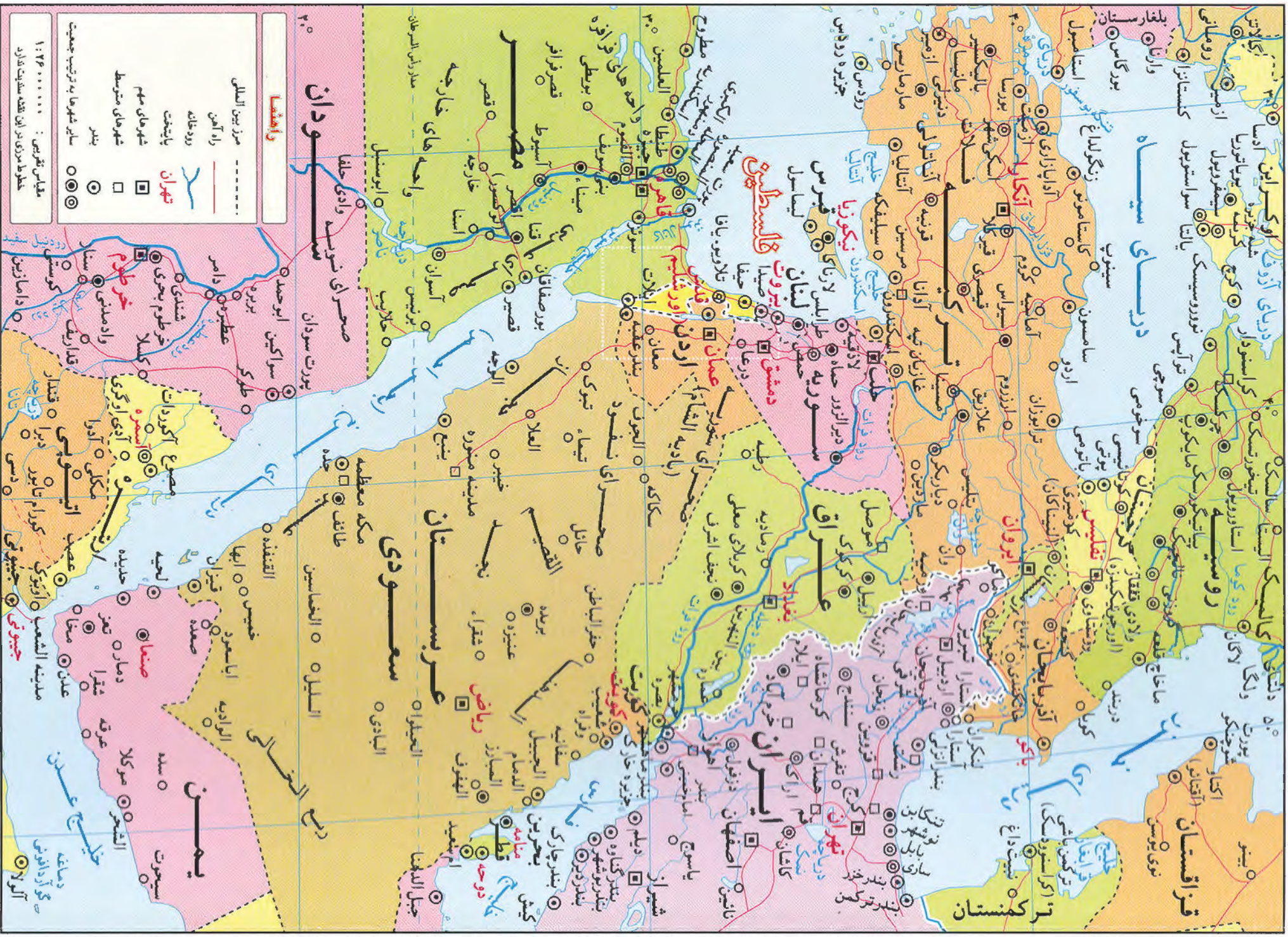
کتابخانه
کانال

کلیک کنید



@pdfsias

● نقشه



دانشگاه

مرکز بین المللی

راه آهمن

دوره خانه

پایتخت

شهرهای مهم

شهرهای متوسط

بندر

سایر شهرها به ترتیب جمعیت

مقیاس تقریبی : ۱:۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰

خطوط مرزی در این نقشه مشخصیت ندارد

ISRAEL PERIPHERY STRATEGY

Mohammad Taghi Taghipour



POLITICAL STUDIES &
RESEARCH INSTITUTE (PSRI)

